بسم الله الرحمن الرحیم

مجموعه مقالات
نهمین همایش ملی اشراق اندیشه مطهر
خانواده و تربیت جنسی

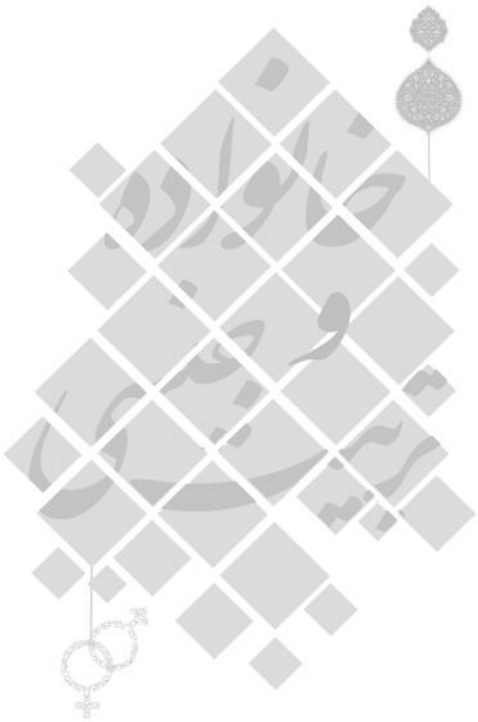

مجموعه مقالات نهمین همایش اشراق اندیشه مطهر با عنوان خانواده و تربیت جنسی

دبیر همایش: دکتر سیدمحمود صادق‌زاده طباطبایی

دبیر علمی همایش: دکتر سیدمحمد مرتضوی

دبیر اجرایی همایش: حسین ذکاوتی زاده

ناشر: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد

ویراستار: علی کشاورز

صفحه آرا: حسین ذکاوتی زاده

نشانی: مشهد- دانشگاه فردوسی مشهد- دانشکده الهیات ومعارف اسلامی

وبگاه: http://motahar.um.ac.ir

مسئولیت دیدگاهها و مطالب مندرج در مقالات بر عهده نویسندگان آنهاست

اعضاء کمیته علمی همایش به ترتیب حروف الفبا

۱. دکتر ایوب اکرمی، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
۲. دکتر حسین باغگلی، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
۳. دکتر عباس جوارشکیان، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
٤. دکتر محمد رضا جواهری، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
۵. جناب آقای غلامرضا حسنی درمیان، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
٦. دکتر طاهره رحیم پور ازغدی، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
۷. دکتر محمد حسن رستمی، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
۸. دکتر محمد علی رضایی کرمانی، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد
۹. دکتر سیده فاطمه زارع حسینی، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد
۱۰. دکتر محمود سعیدی رضوانی، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
۱۱. دکتر سید حسین سیدموسوی، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
۱۲. دکتر فهیمه شریعتی، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
۱۳. دکتر سید محمود صادق زاده طباطبایی، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
۱٤. دکتر غلامرضا صدیق اورعی، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
۱۵. دکتر علیرضا عابدی سرآسیا، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
۱٦. دکتر محمد جواد عنایتی راد، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
۱۷. دکتر علی غفرانی، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
۱۸. ،دکتر وحیده فخار نوغانی، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
۱۹. دکتر فرزانه فرخنده زاده، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
۲۰. حجة الاسلام عبد القاسم کریمی، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
۲۱. دکتر سیدمحمد مرتضوی، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد
۲۲. دکتر ناهید مشایی، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
۲۳. دکتر علیرضا نجف زاده تربتی، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
۲٤. حجة الاسلام حسن نقی زاده، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

مشاوران علمی همایش به ترتیب حروف الفبا

۱. دکتر علیرضا آزاد، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
۲. دکتر محمد جواد اصغری ابراهیم آباد، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
۳. دکتر سید محسن اصغری نکاح، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
٤. حسین باقری، دانشجوی دکتری روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد
۵. هانیه بیجاری، دانشجوی دکتری روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد
٦. دکتر سید ابو القاسم حسینی، استاد روانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد
۷. حجة الاسلام عبدالحمید، صادقی سطح ۳ حوزه علمیه مشهد
۸. دکتر محمد سعید عبدخدایی، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
۹. دکتر ابوالفضل غفاری، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
۱۰. دکتر علیرضا قادری، دانشگاه فردوسی مشهد
۱۱. دکتر مرتضی کرمی، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد
۱۲. دکتر الهام محمدزاده، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
۱۳. اعظم محمد زاده، دانشجوی دکتری علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد
۱٤. فرید محمدی مقدم، سطح ٤ حوزه علمیه مشهد
۱۵. دکتر براتعلی منصوریان، معاون پرورشی اداره کل آموزش‌و پرورش خراسان‌رضوی
۱٦. دکتر بهروز مهرام، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

فهرست

مقدمه.....۷

تمکین خاص غیرمتعارف در روابط زناشویی.....۱۱

سیدمحمدعلی پوربخش

تأثیر اشتغال مادران بر تربیت جنسی با رویکرد مطالعه اسلامی.....۲۹

فاطمه سادات حسینی

بررسی روشهای تربیت جنسی در قرآن با تاکید بر رویکرد روانشناسی شناختی.....۴۵

محمدرضا ستوده نیا- ملیحه رمضانی

الگوی همسرگزینی در مشاوره پیش از ازدواج گام به گام از آشنایی تا انتخاب.....۷۱

محمود گلزاری- محمدرضا کمن

نگاهی به برنامه درسی تربیت جنسی در نظام تعلیم و تربیت با تاکید بر دو عنصر هدف و محتوا.....۹۳

حسن اسلامیان- زهرا اسلامیان- محمود سعیدی رضوانی

تأملی بر نقش آفرینی وارونه متصدیان تربیت جنسی و ترسیم رسالت مطلوب هر یک از آنها از منظر مشاوران و کارشناسان دینی مدرسه.....۱۱۳

نعیمه شفیعی اپوراوری- مراد یاری دهنوی

بررسی توصیفی علل طلاق عاطفی در بین زنان و مردان متأهل (مصاحبه از مراجعه کنندگان به یکی از مراکز مشاوره در شهر رشت).....۱۳۹

مجتبی عموزاد مهدیرجی- صدیف نوری

تبیین و تحلیل چگونگی مواجهه با تمایلات جنسی و نقش آن در سلامت فردی و اجتماعی.....۱۵۹

سهیلا چگینی

نقش مربیان در تربیت جنسی کودکان و نوجوانان.....۱۸۱

محمد شمس‌الدین دیانی- سعید نمازی زادگان

شیوه های غیر مستقیم تربیت جنسی در دوران کودکی و نوجوانی از منظر قرآن و حدیث.....۱۹۹

نیره امانی- عاطفه ملاحسینی

نقش تربیت جنسی در ارتقاء نهاد خانواده بر اساس آموزه های اسلامی.....۲۱۹
سید محمود مرویان حسینی
بررسی نقش آموزش و پرورش ولزوم آماده سازی معلمان در تربیت جنسی کودکان دبستانی وارائه پیشنهادهایی دراین مورد.....۲۵۹
دکتر حسین کدخدا- مهسا ابراهیم پورقوی
آسیب شناسی و راهکارهای تربیت جنسی در حوزه خانواده اسلامی.....۲۷۵
محمد مهدی زارعی
بررسی و تحلیل ابعاد مختلف تربیت جنسی و مسائل اساسی مرتبط با آن.....۳۰۳
زهرا اسلامیان- محمود سعیدی رضوانی- ابوالفضل غفاری- حسن اسلامیان
ادبیات اجازه گرفتن کودکان در خانه، با تأکید بر آیه‌ی ۵۸ سوره‌ی نور با تکیه بر بررسی تفاسیر معتبر شیعه و اهل سنت.....۳۲۵
امید ایزانلو- محبوبه زارع
بررسی نگرش و کنش والدین به تربیت جنسی فرزندان.....۳۴۳
زهرا وقاری زمهریر- زهرا حجازی- ساناز عبیری- محمود سعیدی رضوانی
بررسی نقش خانواده در تربیت جنسی و علل آسیب جنسی از منظر دختران آسیب دیده.....۳۶۱
آسیه شیرازی- دکتر عباس قلتاش- شیوا ایزدی
در جستجوی پیام‌های مؤثر بر خویشتن‌داری جنسی دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه.....۳۷۹
زهرا اسلامیان- محمود سعیدی رضوانی- ابوالفضل غفاری
عوامل و راهکارهای خودکنترلی و نقش آن در تربیت جنسی مبتنی بر آموزه های دینی۳۹۵
ناهید مشائی- اکرم شاهد
نقد شهید مطهری بر دیدگاه راسل در تربیت جنسی.....۴۱۳
سیدحسین سیدموسوی
بررسی التزام به مقوله حیا در تربیت جنسی با توجه به الگوهای قرآنی.....۴۳۹
سید محمود صادق زاده طباطبایی

مقدمه

از ابعاد مهم وجود انسان جنبه‌ی جنسی و شهوانی است که به صورت غریزه ای بسیار نیرومند در او قرار داده شده است. خداوند برای بقاء حیات انسان بر روی زمین انسان ها را همچون سایر موجودات عالم زوج آفرید، چنانکه در آیه ٤٩ سوره ذاریات می فرماید : «و از هر چیزی زوج آفریدیم تا شاید متذکر شوید». خداوند برای آنکه گرایش و تمایل زوجین به یکدیگر را برقرار سازد غریزه جنسی را در میان آن دو نهاد. تمایل طبیعی دو جنس به یکدیگر زمینه اصلی سنت ازدواج را در میان بشر رقم زد؛ زوجیتی که کارکرد اصلی آن تحقق آرامش برای آدمی بود ، در آیه ٢١ روم می‌خوانیم : «و از نشانه های خداوند آن است که از جنس خودتان برای شما زوج آفرید تا در کنار آن آرامش گیرید».

غریزه جنسی برای آنکه کارکرد اصلی خود یعنی ازدواج و آرامش را در مسیر زندگی ایفا کند نیازمند کنترل و مدیریت و در معنایی جامع «تربیت» است. از جمله تعاریفی که در زمینه «تربیت جنسی» ارایه شده آن است که فرد در دوره های رشد کودکی، نوجوانی و جوانی، به گونه ای پرورده شود و آموزش ببیند که با جنسیت خود آشنا گردد و آن را بپذیرد؛ قدردان وجود خویش باشد و به آن افتخار کند؛ نقش مذکر یا مؤنث بودن از لحاظ اجتماعی را یاد بگیرد؛ و احکام و آداب دینی در ارتباط با مسائل جنسی مربوط به خود و روابط با همجنس و جنس مخالف را فرا گیرد؛ آمادگی روانی برای ازدواج و تشکیل خانواده را پیدا کند؛ با مسائل مربوط به زندگی خانوادگی و روابط با همسر آشنا گردد

و در سایه آن، به آرامش برسد؛ به گونه ای که عواطف و فعالیت های جنسی خویش را در جهت قرب الی الله و جلب و خشنودی خداوند، به کار گیرد. (تربیت جنسی، علینقی فقیهی، ۱۹)

خداوند به عنوان خالق و آفریننده انسان بزرگترین مربی و پرورش دهنده انسان است (الحمد لله رب العالمین) . تمامی فرامین الهی اعم از واجبات و محرمات که به حوزه افعال و رفتار انسان ها مربوط می شود برای تربیت و پرورش استعدادهای نهفته انسان در رسیدن به کمال است. شاید از همین رو باشد که برترین عبادت در آموزه های دین عفت جنسی عنوان شده است، در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است : خداوند به چیزی برتر از عفت شکم و عفت جنسی عبادت نشده است (الکافی، ج ۲، ص ۸۰)

امروز موضوعات مرتبط به لذایذ جنسی به عنوان ابزار اصلی در همجه‌ی فرهنگی و رسانه ای غرب مطرح است. هزاران سایت و شبکه مجازی در حال تلاش در زمینه تغییر هنجارهای بومی و دینی کشورمان در این حوزه هستند. از اهداف مهم این شبکه ها خارج کردن روابط جنسی از چهارچوب خانواده و ازدواج است که ثمره‌ی آن از یک سو تزلزل و ناپایداری بنیان خانواده ، افزایش آمار طلاق و کاهش آمار ازدواج است و از سوی دیگر سبب انحراف توان و نیروی نسل جوان جامعه در توجه حداکثری به لذایذ جنسی و غفلت از اهداف بلند مدت به عنوان سازندگان آینده‌ی کشور است.

در همین راستا مقام معظم رهبری در اسفندماه سال ۸۱ فرمودند:

سیاست امروز سیاست اندلسی کردن ایران است ! ... اروپاییها وقتی خواستند اندلس را از مسلمانان پس بگیرند، اقدامی بلند مدّت کردند. آن روز صهیونیستها نبودند؛ اما دشمنان اسلام و مراکز سیاسی، علیه اسلام فعّال بودند. آنها به فاسد کردن جوانان پرداختند و در این راستا انگیزه های مختلف مسیحی، مذهبی یا سیاسی داشتند. یکی از کارها این بود که تاکستانهایی را وقف کردند تا شراب آنها را به‌طور مجّانی در اختیار جوانان قرار دهند! جوانان را به سمت زنان و دختران خود سوق دادند تا آنها را به شهوات آلوده کنند.گذشت زمان راههای اصلی برای فاسد یا آباد کردن یک ملت را عوض نمی‌کند. امروز هم آنها همین کار را می‌کنند. (۸۱/۱۲/٦)

فاصله‌ی بیش از یک دهه از بلوغ جنسی تا ازدواج به انضمام فضای اجتماعی و رسانه ای تحریک زا، سبب شده تا جامعه جوان در معرض مخاطرات جدی قرار گیرد و نگرانی خانواده ها را در پی داشته باشد.

گروه معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد با درک اهمیت و حساسیت موضوع بر آن شد تا نهمین دوره از همایش اشراق اندیشه مطهر را که هر ساله بمناسبت گرامیداشت سالروز شهادت استاد شهید مرتضی مطهری (ره) و بزرگداشت هفته معلم در دانشکده الهیات فردوسی مشهد برگزار می شود به موضوع مهم «خانواده و تربیت جنسی» اختصاص دهد.

با توجه به میان رشته ای بودن موضوع، کمیته علمی از اساتید رشته های مختلف الهیات، علوم تربیتی و روانشناسی و جامعه شناسی تشکیل شد. پس از مطالعه و مشورت با کارشناسان، فراخوان مقاله در شش محور اصلی اعلام گردید :

۱- تبیین و تحلیل مبانی و اصول تربیت جنسی دینی

۲- وضعیت تربیت جنسی در ایران و جهان

۳- تبیین و تحلیل و تدوین الگوی جامع دینی در تربیت جنسی

٤- تبیین و تحلیل چگونگی مواجهه با تمایلات جنسی و نقش آن در سلامت فردی و اجتماعی

۵- جایگاه و نقش تربیت جنسی در سلامت نهاد خانواده

٦- آسیب شناسی و تدوین الگوی های همسرگزینی

در اعلان فراخوان مقاله از اساتید، دانشجویان، طلاب و سایر اندیشمندان درخواست شد در زمینه نگارش مقالات ما را یاری کنند. پس از پایان مهلت ارسال مقالات حدود ۲۰۰ مقاله به دبیرخانه همایش واصل شد. پس از ارزیابی مقالات توسط اعضای کمیته علمی و کمیته داوران ۸٦ مقاله برگزیده شد که چکیده آنها در کتابچه مجموعه چکیده مقالات همایش منتشر شده است. از میان مقالات برگزیده ۲۱ مقاله شایسته انتشار در مجموعه مقالات همایش شناخته شدند که مجموعه حاضر مشتمل بر آن است .

در پایان لازم می دانیم مراتب تقدیر و سپاس خود را اعلام داریم:

از همه ی پژوهشگران و اندیشمندان به خاطر استقبال از فراخوان و ارسال مقاله

از دبیر علمی همایش جناب حجه الاسلام دکتر سیدمحمد مرتضوی

از اعضای محترم کمیته علمی و نیز اعضای کمیته داوری مقالات

از دبیر اجرایی همایش جناب آقای حسین ذکاوتی زاده

از ریاست محترم دانشکده الهیات جناب حجه الاسلام آقای دکتر رییسیان

از مسوول محترم نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه فردوسی حضرت حجه الاسلام صالحی

از ریاست پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی و نیز اعضاء گروه تعلیم و تربیت اسلامی این پژوهشکده بویژه مدیر آن جناب آقای دکتر سعیدی رضوانی

از مدیر پژوهش جامعة المصطفي العالميه شعبه مشهد جناب آقای دکتر جعفر مروارید

از جبهه فکری – فرهنگی انقلاب اسلامی خراسان رضوی به ویژه جناب آقای مرتضی سعیدزاده.

دکتر سیدمحمود صادق زاده طباطبایی

دبیر همایش

اردیبهشت ۱۳۹٤

مجموعه مقالات نهمین همایش ملی اشراق اندیشه مطهر، **خانواده و تربیت جنسی**
اردیبهشت ۱۳۹٤، ص ۲۸-۱۱

تمکین خاص غیرمتعارف در روابط زناشویی

سیدمحمدعلی پوربخش/ پژوهشگر دانشگاه امام صادق(ع)، دانشکده معارف اسلامی و حقوق[1]

چکیده

در ادوار گذشته و در فرهنگ‌های مختلف، میل به رابط جنسی از طریق مقعد وجود داشته است و امروزه نیز در بسیاری از کشورها وجود دارد. رابطه جنسی مقعدی هم در مردان و هم در زنان، بیشترین خطر انتقال بیماری‌های مختلف را دارد. یکی از مشکلاتی که مسئولین قضایی کشور با آن روبرو می‌باشند، شکایت زنان از همسرشان در مورد عمل نزدیکی با آنها از طریق مقعد می‌باشد. قانونگذار در این مورد ساکت و هیچگونه منعی و یا جرمی را برای این عمل پیش‌بینی نکرده. لذا نمی‌توانند کمکی به زنان شاکی بکند.

بعضی از مفسران با تمسک به آیه ۲۲۳ از سوره بقره و آیه ۷۱ سوره حجر، آنها را جواز این عمل می‌دانند، در مقابل تعدادی از پیشوایان اهل بیت و بعضی از مفسران، این عمل را زشت و ناپسند و آنرا منع کرده‌اند و آیات فوق را دلالت بر آمیزش از راه جلو (فرج) میدانند. اکثر مراجع تقلید به کراهت و یا کراهت شدید این عمل فتوا داده‌اند. و در مواردی آنرا غیر مجاز و حرام، و برای مرتکبین، احتیاط مستحب آن است که کفاره بدهند. از نظر پزشکی این عمل مردود و موجب آسیب‌های جسمانی و روحی می‌باشد و مشکلات اجتماعی فراوانی را به دنبال دارد. لذا بر پایه قاعده «لا ضرر و لا ضرار» که بر دیگر ادله احکام، حکومت دارد، می‌توان این عمل را متوقف ، آن را حرام و عمل به آن را جرم و مجازاتی مناسب برای آن پیش‌بینی نمود. لذا قانونگذار بایستی با توجه همه جانبه به موضوع، این نوع رابطه جنسی را ممنوع و برای مرتکبین آن جرمی مناسب پیش‌بینی نماید.

کلید واژه ها: تمکین غیرمتعارف، دُبُر، رابطه جنسی، حَرث، أنّی‌شئتم.

---

1 . Pourbakhsh@isu.ac.ir

مقدمه

خانواده از ارکان اصلی و تأثیرگذار در جامع است. یک جامعه سالم از مجموعه خانواده‌های سالم تشکیل می‌گردد. حفظ کیان خانواده از ارزشمندترین و اساسی‌ترین ضرورت‌های دینی و اجتماعی بحساب می‌آید. یکی از مهمترین روابط زناشویی که سلامت فرد و خانواده را تحت تأثیر فراوان قرار می‌دهد. توجه به روابط جنسی زوجین می‌باشد. روابط جنسی سالم موجب بقاء زندگی، حفظ حیات نوع بشر و تحکیم ستون‌های خانواده می‌باشد. یکی از مهمترین ستون‌های خانواده زن است. ایجاد و پرورش فرزندانی شایسته و صالح که باعث گرمی محیط خانواده می‌باشد از اهداف تشکیل خانواده و آمیزش جنسی صحیح می‌باشد که در این میان زن نقش اصلی را بازی می‌کند. اگر زن از نظر جسمی و روحی سالم باشد؛ موجب آرامش، آسایش، لذت جسمی و روحی شوهر می‌گردد. خداوند غرائز مرد را به تناسب کارکردهای او طغیانگر و سرکش قرار داده است و زن تنها عامل تعدیل کننده و آرام‌بخش آن است. طبیعت زن را می‌توان خانمان‌ساز نامید. یکی از طبایع خانمان‌ساز زن پاسخگویی به سرکشی غریزه جنسی مرد است. زن تنها یک وسیله آرام‌بخش غرائز شهوت مرد نیست، بلکه غریزه جنسی با عواطف زنانه، روح لطیف، رفتار و منش زیبا می‌تواند برای مرد مجموعه‌ای حیات‌بخش باشد و سایه لطیف آرامش باطنی را بر سر هر دوی آنها بیفکند و جسم وجان آنها را شادابی بخشد. زن طبع لطیفی دارد، نبایستی در برقراری روابط جنسی با زن، درد و رنج، بجای لذت نصیب او گردد. نزدیکی از راه مقعد با زن موجب سقوط زن به پائین‌ترین مرحله نقش طبیعی و اجتماعی خواهد بود، زیرا خود را فقط وسیله اطفاء شهوت مرد می‌بنید و همه تلاش او در خودنمایی، جلوه‌گری وحیات‌بخش بودنش از بین می‌رود و منجر به یک عمل حیوانی و نقش مادینگی می‌گردد و باعث خروج وی از نقش واقعی خود و تبدیل شدن به یک وجود مادینه است، که به هیچ وجه با شخصیت و حرمت انسانی زن که خداوند بزرگ برای او خواسته و قرار داده مناسبت و شباهتی ندارد. نزدیکی با زن بایستی بهمان طریقی باشد که خداوند بزرگ فرمان داده، فرمان تکوینی خدا به اینکه باید نسل بشر حفظ گردد. و این امر فقط از طریق نزدیکی با زن از راه جلو(فرج) امکان پذیر است ولا غیر.

در این مقاله سعی شده با توجه به آیات قرآنی، روایات، فتاوای آیات عظام، آسیب‌های جسمانی و روحی و قواعد فقهی، موضوع را مورد بحث و بررسی قرار داده تا راه‌حلی جهت

ایجاد منع قانونی و جلوگیری از انجام این عمل زشت و ناپسند پیدا نمائیم.

آیاتی از قرآن کریم در رابطه با آمیزش جنسی زوجین

آیاتی از قرآن کریم، که تعدادی از مفسران به آنها استدلال می‌کنند و آنها را مجوزی برای نزدیکی با زنان از راه مقعد می‌دانند به شرح زیر می‌باشد.

آیه ۲۲۲ سوره بقره : در این آیه آمده «...فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللّهُ إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِين» و هنگامی که پاک شدند، از طریقی که خدا به شما فرمان داده، با آنها آمیزش کنید، خداوند توبه کنندگان را دوست دارد، و پاکان را نیز دوست دارد.

آیه ۲۲۳ سوره بقره: در این آیه می‌فرماید «نِسَآؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأْتُواْ حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَاتَّقُواْ اللّهَ وَاعْلَمُواْ أَنَّكُم مُّلاَقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» زنان شما محل بذرافشانی شما هستند، شما هر زمان که بخواهید می‌توانید با آنها آمیزش نمائید، ولی سعی کنید از این فرصت طبیعی بهره‌ای ببرید و با پرورش فرزندان صالح اثر نیکی برای خود از پیش بفرستید، و از مخالفت فرمان خدا بپرهیزید و بدانید او را ملاقات خواهید کرد، و به مومنان بشارت رحمت ده. (قرآن کریم)

شأن نزول آیه ۲۲۳سوره بقره

در الدرالمنثور از ابن عساکر از جابربن عبدالله روایت شده که گفت : انصار با زنان‌شان بطور همخوابی مقاربت می‌کردند، ولی قریش این کار را به صورتهای گوناگون انجام می‌دادند، اتفاقا" مردی از قریش با زنی از انصار ازدواج کرد، همینکه خواست با او نزدیکی کند، زن گفت : حاضر نیستم، مگر بهمان نحوی که مرسوم ماست. خبر این نزاع به رسول خدا رسید: و این آیه نازل شد: «...فَأْتُواْ حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ...» یعنی بهر نحوی که خواستید؛ ایستاده، نشسته، خوابیده و بشرط اینکه در یک راه باشد.

این معنا به چند طریق از اصحاب پیامبر نقل شده که این جمله (بشرط اینکه در یک راه باشد) کنایه از این است که فقط باید در قُبل باشد. اهل سنت روایات زیادی بطرق خودشان از صحابه از پیامبر اکرم نقل کرده‌اند که مقاربت با زنان در دُبُر حرام است. (طباطبایی، ۳۱۵) ضمنا هیچ یک از ائمه(ع) در حکم مسأله به آیه : «**نِسَآؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأْتُواْ حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ** ...» تمسک نکرده‌اند.

در سنن ابی داود از ابن عباس روایت شده که گفت: طایفه‌ای از انصار در زمان بت پرستی

با طایفه‌ای از یهودیان که اهل کتاب بودند معاشرت داشتند و برای آنان از جهت دانش، فزونی قائل بودند و در بسیاری از کارها از ایشان پیروی می‌کردند و از کارهای اهل کتاب این بود که با زنان جز بیک روش که نهانی‌ترین روشهای آمیزش بود نزدیکی نمی‌کردند و این دسته از انصار هم آن روش را از ایشان گرفته بودند. بر عکس یک دسته از قریش با زنانشان زیاد ور می‌رفتند، از جلورو و پشت‌سر و در حالی که خوابیده بودند، استلذاذ می‌نمودند. وقتی مهاجران به مدینه آمدند، مردی از ایشان با زنی از انصار ازدواج کرد، همینکه خواست به رسم خودشان با او آمیزش کند، زن امتناع ورزیده و گفت: با ما بیک روش آمیزش می‌شد، تو هم چنین کن یا از من دوری گزین. این جریان شهرت یافت و به پیامبر رسید، پس این آیه نازل شد: «نِسَآؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأْتُواْ حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُم...» یعنی (هر جور خواستید) از جلورو، از پشت سر و در حالی که به پشت خوابیده‌اید. منظور اینست که در همه این حالات عمل آمیزش از راه قُبل انجام گیرد. (طباطبایی، ۳۱۷)

آیه ۷۱ سوره حجر: در آیه ۷۱ از سوره حجر آمده «قالَ هؤُلاءِ بَناتی إِنْ كُنْتُمْ فاعِلينَ» گفت دختران من حاضرند اگر می‌خواهید کار صحیحی انجام دهید (با آنها ازدواج کنید و از گناه آلودگی بپرهیزید). لوط برای اینکه قوم خود را از خواب غفلت، مستی انحراف و ننگ بیدار سازد، رو به آنها کرده و گفت: چرا شما راه انحرافی می‌پوئید، اگر منظورتان اشباع غریزه جنسی است، چرا از طریق مشروع و ازدواج صحیح وارد نمی‌شوید «این‌ها دختران منند. آماده‌ام آنها را به ازدواج‌تان در آورم» اگر شما می‌خواهید کار صحیحی انجام دهید راه این است. هدف لوط این بود که با آنها اتمام حجت کند که بیایند و ایمان بیاورند. (مکارم شیرازی، ۱۱۰ – ۱۱۱) لوط به قوم خود گفت آیا کاری را می‌کنید که در نهایت زشتی است، پیش از شما کسی از افراد بشر گرد چنین کار زشتی نگشته، آیا شما با مردان جمع می‌شوید در هنگام شهوت و زنان را رها می‌کنید بلکه شما اسراف کنندگانید. چه اسرافی بدتر از اینکه، نطفه‌ای که به منزله بذر است برای بقاء نوع و نسل انسان و باید در رحم زن قرار گیرد، در غیر محلی که خدا قرار داده بریزد. (دستغیب، ۲۰۵-۲۰۶)

آمیزش جنسی مجاز

۱- «...فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللّهُ...» از آیه ۲۲۲ سوره بقره یعنی «هنگامی که

پاک شدند، از طریقی که خدا فرمان داده با آنها آمیزش کنید». این قسمت از آیه در حقیقت برای توضیح آمیزش مجاز با زنان است و در جمله «...مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللّهُ ...» دستور می‌دهد که به طریقی که خداوند به شما فرمان داده آمیزش کنید، از این جمله ممکن است مفهوم وسیع‌تر و کلی‌تری استفاده کرد، یعنی پس از پاک شدن زنان از عادت ماهیانه، آمیزش باید در چارچوب فرمان پروردگار باشد. این فرمان می‌تواند فرمان تکوینی پروردگار را شامل شود، زیرا خداوند برای بقاء نوع انسان، میل و کششی در میان دو جنس مخالف نسبت به یکدیگر قرار داده است و به همین دلیل آمیزش جنسی لذت خاصی برای هر دو طرف دارد، ولی مسلم است که هدف در حقیقت بقای نسل بوده و این کشش و لذت مقدمه‌ای برای آن است. بنابراین باید لذت جنسی در مسیر بقای نسل قرار گیرد، و انحراف از این فرمان ممنوع است. چون به هیچ وجه هدف اصلی آمیزش جنسی (که همان بقای انسان است) را تأمین نمی‌کند و حتی در مسیر آن هم قرار نمی‌گیرد. (مکارم‌شیرازی، ۹٤ – ۹۵)

۲– در آیه ۲۲۳ سوره بقره آمده «نِسَآؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأْتُواْ حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ... »، در این قسمت از آیه زنان تشبیه به مزرعه شده‌اند. در حقیقت قرآن می‌خواهد با این بیان ضرورت وجود زن را در اجتماع انسانی مجسم کند که زن یک وسیله اطفاء شهوت نیست، بلکه وسیله ایست برای حفظ حیات نوع بشر.

لذا برای ادامه نوع خود نیازمند به وجود زن است. این سخن در برابر آنهائی که نسبت به جنس زن همچون یک بازیچه و وسیله هوسبازی می‌نگریستند، هشداری محسوب می‌شود. «انی» از اسماء شرط است و غالبا به معنی (متی) که به معنی زمان است استعمال می‌شود و در توسعه زمان آمیزش جنسی با زنان استفاده می‌شود، که شامل تمام ساعات شب و روز می‌گردد، یعنی آمیزش جنسی در هر ساعتی مجاز است.

«...وَقَدِّمُواْ لأَنفُسِكُمْ...» : این جمله در آیه در حقیقت اشاره به این نکته است که هدف نهایی از آمیزش جنسی تنها لذت و کامجویی نیست. افراد با ایمان باید از این موضوع برای ایجاد و پرورش فرزندان شایسته استفاده نمایند و این خدمت مقدس تربیتی را بعنوان یک ذخیره معنوی برای فردای خود از پیش بفرستند و به این ترتیب قرآن هشدار می‌دهد، که در انتخاب همسر اصولی را رعایت کنید که نتیجه آن پرورش فرزندان صالح و تهیه این ذخیره بزرگ اجتماعی و انسانی باشد.(همان، ۹٦–۹۷)

روایاتی از موافقان و مخالفان با جواز نزدیکی در دُبُر زنان

۱- موافقان

روایاتی از عبدالله بن عمر، مالک بن انس، ابو سعید خدری و جمعی دیگر نقل شده که به جواز آن (نزدیکی در دُبُر زنان) فتوا می‌دادند، و به آیه «نِسَآؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأْتُواْ حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ... » تمسک می‌کردند، حتی از ابن عمر روایت شده که گفته است: اصلا این آیه برای جواز همین امر نازل شده است. این روایات به شرح زیر می‌باشد.

در الدرالمنثور از دارقطنی (در کتاب غرائب مالک) و او با ذکر سند از نافع روایت کرده که روزی ابن عمر به من گفت : ای نافع این قرآن را نگه‌دار، و گوش بده تا بخوانم، و از حفظ خواند تا به آیه فوق‌الذکر رسید. در اینجا به من گفت: ای نافع می‌دانی در باره چه کسی نازل شده؟ گفتم : نه، گفت: در باره مردی از انصار که با زنش از عقب او وطی کرده بود و در بین مردم عملی زشت تلقی شده بود، خدا این آیه را فرستاد، گفتم: یعنی می‌خواهی بگویی از عقب در جلو همسرش قرار داده بود ؟ گفت: نه رسما در دُبُر او. (سیوطی، ٢٦٦)

در الدرالمنثور آمده که ابن راهویه و ابو یعلی و ابن جریر و طحاوی در کتاب مشکل‌الاثار و ابن مردویه همگی با سندی از ابو سعید خدری روایت کرده‌اند که گفت: مردی همسرش را از عقب (دُبُر) نزدیکی کرد، مردم او را سرزنش کردند، آیه شریفه «نِسَآؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأْتُواْ حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ... » نازل شد. (همان)

در الدرالمنثور از خطیب از ابو سلیمان جوزجانی نقل شده که گفت: از مالک بن انس در باره مقاربت با زنان در دُبُر پرسیدم: او بمن گفت: همین ساعت سرم را برای غسل از آن شستم. (طباطبایی، ٣١٦ – ٣١٧)

در الدرالمنثور از طحاوی از طریق اصبغ بن فرج از عبدالله بن قاسم روایت شده که گفت: هیچ کس را از آنان که در دینم به ایشان اقتدا می‌کنم، ندیدم که در جواز آن (یعنی مقاربت با زنان از راه دُبُر) شکی داشته باشد. بعد این آیه را قرائت کرد: «نِسَآؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأْتُواْ حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُم...» و گفت: چه از این روشنتر؟ (همان)

۲- مخالفان

روایات زیادی از پیشوایان اهل بیت در این معانی رسیده که در کافی، تهذیب، تفسیر عیاشی و تفسیر قمی نقل شده و در همه آنها، آیه مورد بحث دلالتی جز بر آمیزش از راه جلو

ندارد و اطاعت از فرمان خداوند فقط ازطریق آمیزش جنسی از راه فرج امکان پذیر می‌باشد.

در تفسیر عیاشی در ذیل آیه «نِسَآؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأْتُواْ حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ... » از معمربن خلاد از حضرت رضا (ع) روایت شده که فرمود: چه می‌گوئید در مقاربت با زنان در دُبُرشان؟ گفتم: بما چنین رسیده که اهل مدینه برای آن عیبی قائل نیستند. **فرمود** : یهودیان می‌گفتند که هرگاه مرد از پشت (مقعد) با زن نزدیکی کند بچه‌اش احول (دوبین) می‌شود، خدای تعالی بر خلاف آنچه یهودی‌ها راجع به پشت می‌گفتند این آیه را نازل کرد. «نِسَآؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأْتُواْ حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ... » یعنی از پیش یا از پس.

ظاهرا منظور از مقاربت از پشت چنان‌چه از روایت فوق‌الذکر استفاد می‌شود دخول در قُبل از پشت سر است، استدلال به آیه شریفه هم برای همین منظور است. (طباطبایی، ۳۱٤-۳۱۵)

در تفسیر عیاشی از فتح بن یزید جرجانی روایت کرده که گفت: نامه‌هایی به امام رضا(ع) نوشته، از چنین مسأله‌هایی پرسیدم، جواب آمد: که از کسی پرسیده‌ای که با کنیزش از عقب نزدیکی می‌کند، باید بدانی که زن لعبتی است که نباید اذیت شود، کشتزار است، همانطور که خدا کشتزارش خوانده.

در تفسیر عیاشی در ذیل آیه «نِسَآؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأْتُواْ حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ... » از ابی بصیر روایت شده که گفت: از امام صادق (ع) پرسیدم: که شخصی با عیال خود از دُبُرش نزدیکی کند؟ حضرت بدش آمد و فرمود: زنهار که در روده زنان جماع مکنید و نیز فرمود: معنای اینکه قرآن می‌فرماید: «نِسَآؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأْتُواْ حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ... » این است، که هر وقت خواستید به کشتزار خود در آئید، نه از هر جا که خواستید. (همان)

در تفسیر عیاشی در تفسیر آیه مذکور از حضرت امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: از پیش و از پس در قُبل. (عیاشی، ۱۱۱)

در تفسیر الدرالمنثور از ابن عبدالحکم نقل شده که شافعی با محمد بن‌الحسن در این موضوع بحث کرد، محمد بن‌الحسن چنین استدلال نمودکه آیه «نِسَآؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأْتُواْ حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ... » نزدیکی را به کشت تخصیص می‌دهد و کشت منحصر به قُبل است: شافعی گفت پس در غیر آن باید حرام باشد. محمد بن‌الحسن به آن ملتزم شد. (طباطبایی، ۳۱۷- ۳۱۸) لذا از نظر محمد بن‌الحسن نزدیکی با زنان از راه دُبُر حرام می‌باشد.

در الدرالمنثور آمده: که ابن جریر و ابن ابوحاتم، از سعید بن جبیر روایت کرده‌اند که

گفت: با مجاهد نزد ابن عباس نشسته بودیم، مردی نزد او آمد و گفت آیه محیض را برایم روشن نمی‌کنی؟ گفت: بله می‌کنم، پس آیه را تلاوت کرد تا جمله (فأتوهن من حیث امرکم‌الله)، ابن عباس گفت: یعنی با آنان نزدیکی کنید، از همان جایی که خون می‌بینند، چون قبلا از جماع در آن نهی شده بودی، و بعد از قطع خون مأموری که در همان جا جماع کنی، سائل پرسید: با آیه «نساوکم حرث لکم فأتوا حرثکم أنی شئتم.....» چرا استدلال نمی‌کنی؟ ابن عباس گفت: وای بر تو، آیا عقب زنان هم کشتزار است، اگر این حرف تو حق باشد باید آیه محیض نسخ شده باشد، چون هر وقت زن از جلو حیض شود تو می‌توانی از عقب جماع کنی، با اینکه آیه می‌فرماید: باید از آنان کناره گیری کنید، پس معنای (انی شئتم) هر وقت از شب و روز است. (سیوطی، ۲۶۳)

نتیجه: با توجه دقیق به روایات فوق‌الذکر چنین به نظر می‌رسد که فتوا دهندگان دسته اول بیشتر منافع شخصی خود را در نظر گرفته‌اند نه منافع زن را. به همین دلیل پایه و اساس این نظرات سست و غیر قابل قبول می‌باشد. ولی روایات نقل شده از دسته دوم از درجه و اعتبار بالایی برخوردار است، زیرا ائمه (علیه‌السلام) و صحابه پیامبر(ص) همیشه پشتیبان عدل و عدالت بوده‌اند و حق را در نظر داشته‌اند. بنابراین همانگونه که خداوند بزرگ فرمان داده، می‌توان بیان کرد که، معنای آیات مورد نظر نزدیکی با زنان را فقط از قُبل و در هر زمانی جایز می‌دانند و هیچ کدام از این آیات مجوزی برای نزدیکی با زنان از راه دُبُر نمی‌باشند.

فتاوایی از آیات عظام

وطی در دُبُر (عقب) زن به فتوای برخی از آیات عظام حرام و جایز نیست، و به فتوای بعضی کراهت شدیده و تعدادی آنرا مکروه اعلام نموده‌اند. به فتوای آن دسته از آیات عظام که این رابطه جنسی را حرام و آنرا غیر مجاز اعلام کرده‌اند، اگر مردی مرتکب چنین عملی گردد، بایستی استغفار و توبه نماید، و اگر در حال حیض این کار صورت گیرد، خوب است، کفاره بدهد. این کار عملی غیر طبیعی، ناپسند و مردود است و نباید انجام گیرد. در ضمن هر عملی که از نظر اسلام ناپسند و مردود شناخته شود حتماً به ضرر انسان می‌باشد. امروزه از نظر پزشکی نیز ثابت شده است که این رابطه یک رابطه پر خطر است و آسیب‌های جسمانی فراوانی در پی دارد که در فصل دوم به آن پرداخته شده است. (محمد، ۱-۲)

آیت‌الله‌العظمی روح‌الله الموسوی‌الخمینی

در دُبُر زن حائض، وطی کردن، کراهت شدیده دارد. وطی در دُبُر زن حائض کفاره ندارد. (امام خمینی،۱۳۷۳، صص۱۲۷– ۱۲۸)

آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای

این عمل کراهت شدیده دارد، و احتیاط در ترک آن است، مخصوصاً اگر زن راضی نباشد و در صورتی که موجب اذیت او شود حرام است. (خامنه‌ای، پاسخ به سئوال‌های مورد ابتلا، س ٦٥)

آیت‌الله‌العظمی سید محمد رضا گلپایگانی

وطی در دُبُر زن حائض کراهت شدیده دارد. احتیاط مستحب در ترک آن است، خصوصاً اگر زن به این عمل راضی نباشد، (طباطبایی‌یزدی، ۸۰۸)

آیت‌الله‌العظمی محمدفاضل لنکرانی

وطی کردن در دُبُر زن حائض اگر راضی نباشد، کراهت شدیده دارد. (همان)

آیات عظام: سیداحمد خونساری، سیدحسن طباطبایی‌قمی، سیدشهاب‌الدین مرعشی‌نجفی، سیدمحمود حسینی‌شاهرودی و سیدمحمدهادی میلانی: وطی در دُبُر زن حائض اگر راضی نباشد، کراهت شدیده دارد.(همان)

آیت‌الله‌العظمی حاج‌شیخ‌محمدعلی اراکی

در دُبُر زن حائض، وطی کردن، محل اشکال است. بنا بر احتیاط واجب، وطی در دُبُر زن حائض کفاره دارد. (اراکی، ١٣٦٨، ص٧٩)

آیت‌الله‌العظمی سیدابوالقاسم خویی

بنابر احتیاط لازم وطی زن در دُبُر، چه حائض باشد چه نباشد، حرام است. (بنی‌هاشمی‌خمینی، ٢٧٦)

آیت‌الله‌العظمی حاج‌سیدعلی حسینی‌سیستانی

بنا بر احتیاط وطی زن در دُبُر اگر راضی نباشد، چه حائض باشد چه نباشد جایز نیست. (همان)

آیت‌الله‌العظمی شبیری زنجانی

وطی زن در دُبُر شدیداً مکروه است و خلاف احتیاط استحبابی است و در حال حیض،

احتیاط استحبابی أکید در ترک آن است. مطابق فتوای ایشان احتیاط مستحب است که در نزدیکی با زن در حال حیض چه از قُبل باشد چه از دُبُر کفاره بدهد. (همان، ذیل مسأله ٤٥٠، ص٢٧٦ و ذیل مسأله ٤٥٢، ص٢٧٧)

نتیجه: به فتوای کسانی که این کار را جایز نمی‌دانند، اگر مرد با زن خود در حال حیض نزدیکی کند (چه از قُبل باشد چه از دُبُر) لازم است، استغفار کند و احتیاط مستحب آن است، که کفاره آنرا به فقیر بدهد. کفاره نزدیکی در حال حیض به این ترتیب است که: اگر شماره روزهای حیض زن به سه قسمت تقسیم شود، کفاره نزدیکی در قسمت اوّل آن، هیجده نخود طلای سکه‌دار و در قسمت دوم، نه نخود و در قسمت سوم، چهار نخود و نیم است. البته از نظر آیت‌الله‌العظمی شبیری زنجانی کفاره این عمل به ترتیب عبارت است از: اگر نزدیکی در قسمت اول حیض باشد، یک دینار شرعی (حدود۲۲ نخود طلای سکه دار) و در قسمت دوم، نیم دینار شرعی (حدود ۱۱ نخود) و در قسمت سوم، ربع دینار شرعی(حدود پنج نخود ونیم) است. (همان)

وطی در دُبُر زن به فتوای کسانی که گفته‌اند اگر زن راضی نباشد، کراهت شدیده دارد، مفهومش آنست که اگر زن هم به این کار راضی باشد کراهت دارد. از سوی دیگر، مکروه در لغت به معنای ناپسند، ناخوشایند، و ناگوار است. (دهخدا، لغت‌نامه فارسی) و در اصطلاح فقه اسلامی، عملی است که ترک آن مطلوب است و پاداش دارد ولی انجامش عذاب ندارد. مانند: پوشیدن لباس سیاه در نماز. (فلاح‌زاده، تابستان ١٣٨٤، ص٢٢) مکروه در فقه یکی از احکام خمسه تکلیفی است و آن امری است که ترکش راجح و فعلش مرجوح است. مانند نماز خواندن در حمام و یا خوردن گوشت حیواناتی که عادتا نمی‌خورند، همچون اسب و غیره. بعبارات دیگر مکروه امریست منهی نه نهی غیر تحریمی که آنرا نهی تنزیهی نیز گویند، و آن مقابل مستحب است. اگر انجام دادن امور مستحب راجح است ترک امور مکروه راجح است و اگر ترک کلیه مستحبات از گناهان کبیره محسوب می‌شود، ارتکاب همه مکروهات نیز موجب کیفر اخروی است. (معین، ٤٣١٨)

مکروه فعلی است، که نهی شده ولی ارتکاب آن گناه ندارد و فقط ترک آن رجحان دارد، مکروهات و مستحبات دو صنف از اخلاق مذهبی را تشکیل می‌دهند. (جعفری لنگرودی، ٦٨٣)

بنابراین نزدیکی با زن در دُبُر، فعلی است ناپسند، زشت و ناخوشایند که از سوی اکثریت آیات عظام نهی شده و به کراهت، کراهت شدیده و حرام و غیر مجاز بودن آن فتوا داده‌اند. این عمل برای هردو طرف از نظر جسمی و روحی ضرر دارد، و بایستی ترک گردد. لذا به منظور جلوگیری از انجام آن نیاز به یک بازدارنده می‌باشد، واین بازدارنده همان منع قانونی است، که بایستی ایجاد گردد.

آسیب‌های نزدیکی از راه مقعد از منظر پزشکی

نزدیکی کردن از راه مقعد با زن هم از نظر دین و هم از نظر علم پزشکی مردود است. امروزه از نظر پزشکی ثابت شده که نزدیکی از راه مقعد یک رابطه پر خطر است و هیچ پزشکی چنین رابطه‌ای را توصیه نمی‌کند و مسلما هیچ نظری مبنی بر سالم بودن و بی ضرر بودن این رابطه ارائه نگردیده و همیشه چنین رابطه‌ای نقض گردیده است.

برای روشن شدن اذهان عمومی و پی‌بردن به معایب و آسیب‌های نزدیکی از راه مقعد به بررسی معایب جسمی و روانی آن می‌پردازیم تا از این طریق قدمی در جهت جرم‌شناختی آن برداشته باشیم.

۱- آسیب به اسفنکترها

دستگاه گوارش انسان که از دهان تا مقعد امتداد دارد، شبیه لوله‌ای است که حدود هفت متر طول دارد. این دستگاه دارای دو نوع اسفنکتر (sphincter) است، که از عضلات حلقوی درست شده و مانند یک دریچه عمل می‌کنند که به منظور روشن شدن موضوع به طور مختصر توضیح داده می‌شود.

اسفنکتر غیرارادی

این نوع اسفنکتر غیر ارادی و در محل ورود و خروج معده قرار گرفته که خود دو نوع می‌باشد.

آ) اسفنکتر غیر ارادی اول یا دریچه «کاردیا» که در انتهای مری و در محل ورود غذا به معده قرار دارد و مانند یک دریچه یک‌طرفه عمل می‌کند. هنگامی که غذا در لوله مری بسمت معده حرکت می‌کند، به دهانه معده که می‌رسد، امواج دودی باعث می‌شود تا دریچه کاردیا بطور غیر ارادی باز شده و غذا به داخل معده می‌رود. این دریچه در حالت عادی اجازه

برگشت مواد غذایی را از معده به داخل مری نمی‌دهد.

ب) اسفنکتر غیر ارادی دوم یا دریچه (پیلوریک) که حدود ۲/۵ سانتی‌متر طول دارد بین معده و دوازدهه (اثنی‌عشر) قرار گرفته. آنگاه که معده توسط آنزیم‌ها و حرکات خود غذا را به ماده‌ای خمیری به نام کیموس تبدیل می‌کند و آماده جذب می‌گردد، دریچه پیلوریک بصورت غیر ارادی باز شده و غذا از معده وارد دوازدهه می‌شود.

اسفنکر ارادی

نوع دوم اسفنکتر که در دهانه مقعد قرار دارد از نوع خارجی و ارادی است، که کنترل باز و بسته شدن مقعد را در اختیار دارد. هنگامی که مدفوع به راست روده می‌رسد، بر اثر انقباضات واکنشی که در راست روده ایجاد می‌شود و ماهیچه‌های دریچه یا اسفنکتر مقعد را شل می‌نماید، احساس دفع مدفوع به شخص دست می‌دهد، در این موقع است که خودتان را نگه می‌دارید تا به محل مناسب برسید و سپس به اراده خودتان باعث خارج شدن مدفوع می‌شوید. این نگه داشتن و این عمل خارج کردن مدفوع توسط اسفنکتر خارجی که ارادی است انجام می‌شود.

این مسائل را مطرح کردیم تا به اینجا برسیم که رابطه جنسی از راه مقعد باعث آسیب دیدگی اسفنکتر خارجی مقعد می‌گردد و موجب می‌شود دریچه مقعد (Anal) به درستی کار خودش را انجام ندهد، یعنی از قدرت ارادی خارج می‌شود، و به مرور زمان امکان ارادی خروج مدفوع یا نگه داشتن خود را از دست می‌دهد، در این صورت ناخواسته و غیر ارادی مدفوع از دریچه مقعد خارج می‌شود. و همیشه لکه‌هایی از مدفوع در لباس زیر مشاهده می‌گردد، که مسلما این موضوع برای هیچ آدمی خوشایند نیست و موجب سرافکندگی شخص می‌گردد. این وضع در زنان باعث کاهش اعتماد به نفس، ایجاد اضطراب و بروز حالات انزوای اجتماعی آنها می‌شود. (طلایی، ۱-۲) [1]

از آنجا که ساختمان مقعد طوری است که ظرفیت پذیرش آلت مرد را ندارد، (بر خلاف واژن یا فرج که خاصیت ارتجاعی و لغزندگی دارد) هر لحظه امکان آسیب دیدگی ماهیچه حلقوی (اسفنکتر) دهانه مقعد و حتی پارگی و خون‌ریزی از اسفنکتر مقعد وجود دارد. چون مرد در حال لذت جنسی فقط به فکر دفع شهوت خود است و حرکات بدون کنترل او هر

[1] http://wedlock.blogfa.com/post-67.aspx

لحظه می‌تواند به زن آسیب فیزیکی وارد کند و در نتیجه زن گرفتار و نیازمند جراحی و عوارض بعدی می‌شود. درد مقعد باعث نگه داشتن طولانی مدت مدفوع و امتناع از دفع فضولات می‌شود، که باعث شل شدن اسفنکترهای مقعدی و خروج بی اختیاری مدفوع و بدون اراده در زن می‌گردد.[۲]

۲- ابتلا به ویروس H.I.V

رابطه جنسی مقعدی هم در مردان و هم در زنان بیشترین میزان خطر انتقال ویروس اچ.آی.وی (H.I.V) را دارد. ویروس H.I.V مخفف کلمات (Human Immunode Ficiency Virus) به معنای ویروس ضعف سیستم ایمنی بدن می‌باشد. ویروس اچ.آی.وی سلولهای ایمنی بدن را آلوده و آنها را تخریب و سبب تضعیف تدریجی سیستم ایمنی بدن می‌گردد. سلولهای ایمنی بدن موسوم به CD4+T در مواجهه با H.I.V، زمین‌گیر و یا کشته می‌شوند. کاهش این نوع سلولها در بدن شخص مبتلا به H.I.V بیانگر ابتلا چنین شخصی به بیماری ایدز می‌باشد، که در این صورت عفونت بسیار شدید و گاه مهلک را به دنبال دارد و مبتلایان به ایدز عموما" نسبت به ابتلا به سراطان‌های مختلف مستعد هستند. (احسان‌پور، ۱۳۸٦، ۱۱-۲۰)

دخول از راه مقعد موجب پارگی و صاف شدن چین‌های مقعدی وخراش‌های متعدد در تمام سطوح حلقه اسفنکتر به وجود می‌آید و باعث اسپاسم اسفنکتر مقعد (گرفتن عضلات اسفنکتر) می‌گردد.

یکی از مهمترین عارضه‌ای که مجامعت از طریق مقعد برای زن دارد این است، که چون لذت حقیقی برای زن از طریق مقاربت از فرج و مجرای تناسلی حاصل می‌شود نه از طریق مقعد زن بجای لذت بردن، درد و رنج زیادی را تحمل می‌کند و دچار سرد مزاجی و بی میلی جنسی شده و در آینده نزدیک خود را موجودی می‌یابد که وسیله دفع شهوت شوهرش شده و خودش نباید از این غریزه خدادادی لذتی ببرد. لذا کم‌کم علاقه خود را نسبت به همسرش و هم بستر شدن با او از دست می‌دهد و زندگی گرم آنها به سردی مبدل شده و امکان از هم پاشیدن خانواده می‌گردد.

مقعد محل ذخیره فضولات (مدفوع) دستگاه گوارش است که حاوی میکرب‌های فراوانی

2.http://porseman.org/q/show.aspx?id=107848

است. در اثر مالش و دخول آلت این میکروبها می‌توانند وارد دستگاه تناسلی مرد شده و او را به عفونت‌های خاصی همانند هپاتیت، سفلیس و غیره مبتلا سازند. در حالی که مقاربت از راه واژن یا فرج چنین عوارضی به همراه ندارد.[۳]

از آنجا که دهانه مقعد دارای ماهیچه‌ای حلقوی است، مانند یک کش محکم دور آلت مرد را گرفته و در لحظه خروج منی مانند یک سد عمل می‌کند و در اثر این عمل احتمال پس زدن منی به عقب و فشار به کیسه‌های منی و غده پروستات و عوارض ناشی از آن خیلی زیاد است، در ضمن ابتلای مرد به زودانزالی در آینده است، که در نتیجه نمی‌تواند آنگونه که باید از همبستری با همسرش لذت ببرد و بنابراین دچار سرد مزاجی شده و مشکلات روحی زیادی پیدا خواهد کرد.

معایب دیگر نزدیکی از راه مقعد عبارت است از ضخیم شدن پوست اطراف مقعد که به سمت داخل کشیده شده و تا ناحیه پوستی مخاطی ادامه می‌یابد و حتی به داخل رکتوم (قسمت انتهایی روده بزرگ) امتداد می‌یابد و مقعد شکل قیفی پیدا می‌کند و باعث شل شدن اسفنکتر مقعددی می‌گردد.

نتیجه: نزدیکی با زن از راه مقعد، آسیب‌های جسمانی فراوان، آثار روحی و اجتماعی بسیار در بر دارد، و می‌تواند موجب سردی کانون خانواده و احتمال از هم پاشیدن آن گردد. بنابراین این عمل زیان‌ها و ضررهای فراوانی را به دنبال دارد و جزو عمال مضرره می باشد. لذا بایستی این نوع رابط جنسی بین زوجین متوقف و از انجام آن به هر صورت ممکن جلوگیری گردد.

قاعده لاضرر

یکی از قاعده‌های فقهی که در سرتاسر فقه بدان استناد می‌شود و در بسیاری از مسائل سیاسی و اجتماعی نیز می‌تواند کارساز باشد، قاعده لاضرر است. اهمیت قاعده یاد شده به اندازه‌ای است که شماری از متفکران اسلامی، از آن به عنوان راز و رمز هماهنگی اسلام با پیشرفت‌ها و توسعه فرهنگ یاد کرده‌اند. از باب نمونه، شهید مطهری می‌فرمایند: در دین اسلام قاعده لاضرر را از قواعد (حاکمه) می‌نامد که برسرتاسر فقه حکومت می‌کند و کار آن کنترل و تعدیل قوانین دیگر است و نسبت به سایر قوانین و مقررات حق (وتو) دارد.

3 . http://wedlock.blogfa.com/post-67.aspx

(میری‌اسفندآبادی، ۱)

شیخ انصاری می‌گوید: رابطه دلیل لاضرر با دیگر ادله احکام، رابطه حکومت است. یعنی قاعده لاضرر بر دیگر ادله احکام، حکومت دارد و در نتیجه اجرای هر حکم شرعی در صورت برخورد با ضرر دیگران باید متوقف شود. (انصاری، ۳۷۳)

طبق نظر مشهور فقیهان امامیه معنی و منظور از «قاعده لاضرر» یا «قاعده نفی ضرر» نفی حکم ضرری است، یعنی در شریعت اسلامی حکم ضرری نیست. (بهرامی‌احمدی، ۲۵۵)

این قاعده از قاعده‌هایی است که مورد پذیرش شیعه و اهل سنت قرار گرفته و عالمان دو مذهب در بسیاری از باب‌های فقهی، بدان استناد جسته‌اند، حتی شماری از عالمان اهل سنت بر این باورند: که فقه بر چهار یا پنج پایه می‌چرخد، که یکی از آنها همین قاعده لاضرر است. (میری‌اسفندآبادی، ۲)

«قاعده لاضرر» از روایت پیامبر(ص) در قضیه سمره بن جندب گرفته شده که در آن حضرت به سمره در جریان اختلافی که با مرد انصاری داشت فرمود: (انک رجل مضار و لاضرر و لاضرار علی مومن) یعنی تو مرد زیان زننده‌ای هستی و زیانی بر مومن نیست. (همان)

مفهوم قاعده لاضرر

در مفهوم قاعده لاضرر چهار نظر مشهور وجود دارد.

۱- اراده نهی از نفی، یعنی (ضرر نزنید)

۲- نفی ضرر غیر متدارک، یعنی (ضرری که جبران نشود در اسلام وجود ندارد)

۳- نفی حکم ضرری، یعنی (در اسلام حکمی که در آن ضرری ناشی شود وجود ندارد، خواه حکم تکلیفی باشد خواه حکم وضعی)

٤- نفی حکم به لسانی نفی موضوع، یعنی (موضوع ضرری در اسلام حکم ندارد) (بهرامی احمدی، ۲۵۷- ۲۵۸) بر اساس این دیدگاه، معنای قاعده « لاضرر و لاضرار» این است.

هیچ حکمی که از عمل به آن، ضرری بر بندگان وارد آید در اسلام وضع نشده است، یا از سوی شارع هیچ حکم ضرری وضع نشده است، به دیگر سخن: هر حکمی که از سوی شارع مقدس صادر شده، اگر زیان‌آور باشد، ضرر بر نفس مکلف و یا غیر، ضررمالی یا غیرمالی؛ حکم یاد شده به استناد قاعده لاضرر برداشته می‌شود.

بنابراین؛ نزدیکی با زنان از راه مقعد با توجه دقیق به تفسیر آیات قرآن، روایات ذکر شده، فتاوای مراجع تقلید و آسیب‌های جسمی و روحی که این عمل به دنبال دارد، از نظر فردی و اجتماعی جزو عمال مضرره می‌باشد و بر مبنای قاعده «لاضرر و لاضرار» بایستی متوقف وجلوی انجام این عمل گرفته شود. در حال حاضر این عمل امکان ندارد، مگر قانونگذار آنرا جرم تلقی کرده و برای مرتکبین آن جزایی مناسب پیش‌بینی و آنرا به تصویب رسانده و پس از قانونی شدن و آگاهی عمومی از آن، به مرحله اجرا گذاشته شود.

نتیجه‌گیری

نزدیکی با زنان از طریق مقعد از ادوار گذشته در فرهنگ‌های مختلف وجود داشته و دارد. تعدادی از مفسران مانند عبدالله بن عمر، مالک بن انس، ابوسعید خدری و جمعی دیگر به جواز آن فتوا می‌دادند و به آیه ۲۲۳ از سوره بقره «نِسَآؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأْتُواْ ....» و آیه ۷۱ سوره حجر «قالَ هؤُلاءِ بَناتی... » تمسک می‌کردند.

پُر واضح است که نظرات این دسته از مفسران بر مبنای منافع شخصی صورت گرفته است. از تعدادی پیشوایان اهل بیت و صحابه منجمله امام صادق(ع)، امام رضا(ع)، ابن عباس، محمد بن الحسن و .... روایت شده که منظور از آیه «نِسَآؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأْتُواْ ....» اینست که هر وقت خواستید به کشتزار خود درآئید، نه از هر جا که خواستید، کشت منحصر به نزدیکی از قُبل است، مقعد زنان که کشتزار نیست و در آیه ۷۱ از سوره حجر، لوط پیامبر به قوم خود گفت: چرا شما راه انحراف می‌پوئید، اگر منظورتان اشباع غریزه جنسی است، چرا از طریق مشروع و ازدواج صحیح وارد نمی‌شوید، این‌ها دختران منند، آماده‌ام آنها را به ازدواجتان در آورم ، شما اسراف کنندگانید. چه بدتر از اینکه نطفه‌ای که به منزله بذر است، و برای بقاء نوع نسل انسان، و باید در رحم زن قرار گیرد، در غیر محلی که خدا قرار داده بریزد.

ملاحظه می‌گردد که نظرات دسته دوم در رابطه با آیات فوق‌الذکر معتبرتر و با آنچه خداوند بزرگ فرمان داده منطبق می‌باشد. از سوی دیگر با مروری بر فتاوای آیات عظام مشخص می‌باشد، که اکثریت آنها وطی در دُبُر زن را مکروه، کراهت شدیده و یا آنرا حرام و غیر مجاز می‌دانند و حتی مرتکبان این عمل را به استغفار و پرداخت کفاره فتوا داده‌اند. از نظر پزشکی نیز ثابت شده، که نزدیکی با زنان از راه مقعد، یک رابطه پر از خطر است و آسیب‌های

فراوانی مانند آسیب فیزیکی دهانه مقعد، پارگی و خون‌ریزی از اسفنکتر مقعد، شل شدن اسفنکترهای مقعدی، بی‌اختیاری دفع مدفوع، انتقال ویروس اچ.آی.وی و در نتیجه تضعیف تدریجی سیستم ایمنی بدن و ابتلا به بیماری ایدز، پارگی و صاف شدن چین‌های مقعدی، بوجود آمدن خراش‌های متعدد در تمام سطوح حلقه اسفنکتر، اسپاسم اسفنکتر مقعد، مبتلا به عفونت‌های مقاربتی خاص همانند هپاتیت، سفلیس و غیره، صدمه به کیسه‌های منی مرد، مشکلات روحی و روانی زیاد برای مرد و زن، سردی کانون خانوادگی و بوجود آمدن اختلافات میان زوجین و احتمال از هم پاشیدن زندگی مشترک زن و مرد را بدنبال دارد.

بنابراین: نتیجه می‌گیریم، که نزدیکی با زنان از راه مقعد جزء رابطه‌های مضرره بوده و برای هر دو نفر(مرد و زن) ضرر و زیان‌های فراوانی را به دنبال دارد. پس بایستی این نوع رابطه جنسی بین مرد و زن متوقف گردد. لذا بر اساس قاعده «لاضرر و لاضرار» که حاکم بر دیگر احکام می‌باشد، باید این عمل متوقف و جلوی انجام آن گرفته شود، و این جلوگیری امکان پذیر نیست، مگر برای آن منع قانونی ایجاد گردد، که آن هم بدست قانونگذار با وضع قانونی مناسب تحقق می‌گردد و لاغیر.

منابع

احسان‌پور، سیدرضا، ***مسئولیت کیفری ناشی از انتقال ایدز در حقوق ایران***، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا، ۱۳۸٦.

انصاری، مرتضی بن محمد امین، ***ملحقات مکاسب***، رساله لاضرر، ۱۳۷۵ق

بنی‌هاشمی‌خمینی، محمدحسن، ***توضیح‌المسائل مراجع عظام***، چاپ چهارم، قم، نشر دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸

بهرامی‌احمدی، حمید، ***قواعد فقه***، چاپ دوم، نشر دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۹

جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر، ***ترمینولوژی حقوق***، چاپ ششم، چاپ احمدی، تهران، ۱۳۷۲

خامنه‌ای، علی، ***پاسخ به سئوال‌های مورد ابتلا***، س ٦٥

خمینی، روح الله، ***توضیح‌المسائل***، قم، نشر تفکر، چاپ الهادی، ۱۳۷۳

دستغیب، عبدالحسین، ***گناهان کبیره***، بی‌نا، ۱۳٦۳

دهخدا، علی‌اکبر، ***لغت‌نامه فارسی***، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳٦۳

سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، ***الدر المنثور فی تفسیر بالماثور***، بیروت، انتشارات ارالفکر،۱٤۱٤ق

طباطبایی، محمدحسین، ***تفسیر المیزان***، قم، انتشارات قم، ١٣٤٦

طباطبایی‌یزدی، محمدکاظم، ***العروه الوثقی***، تهران، نشر انتشارات علمیه الاسلامیه، ۱۳۵۸

طلایی، حمید رضا، ***بی اختیاری دفع مدفوع***، بی‌نا، ۱۳۸۷

عیاشی، محمد بن مسعود، ***تفسیر عیاشی***، تهران، انتشارات العلمیه‌الاسلامیه، ١٣٦٣.

فلاح‌زاده، محمدحسین، ***آموزش فقه***، قم، انتشارات الهادی، تابستان ١٣٨٤

محمدعلی، اراکی، ***رساله توضیح‌المسائل***، قم، نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ١٣٦٨

معین، محمد، ***فرهنگ فارسی***، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۰

مکارم شیرازی، ناصر، ***تفسیر نمونه***، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ١٣٦٠

میری‌اسفندآبادی، سیدحسین، ***نگاهی به قاعده لاضرر***، بی‌نا، ١٣٨٦

ولی وجد، میرمحمد، ***مسائل جنسی، خانواده، زناشویی***، ۱۳۸۸

http://novinestan.persianblog.ir/post/131

http://porseman.org/q/show.aspx?id=107848

http://wedlock.blogfa.com/post-67.aspx

مجموعه مقالات نهمین همایش ملی اشراق اندیشه مطهر، **خانواده و تربیت جنسی**
اردیبهشت ۱۳۹٤، ص ٤۳-۲۹

تأثیر اشتغال مادران بر تربیت جنسی با رویکرد مطالعه اسلامی

فاطمه سادات حسینی/ دانشجوی دکترای حقوق خصوصی دانشگاه تهران[1]

چکیده

تربیت جنسی کودکان از مسائل مهمی است که آینده کودک و اجتماع را می سازد.اسلام برای پیشگیری از پیدایش رفتار نابهنگام جنسی در کودکان و نیز درمان این رفتار در آنان پیش بینی هایی کرده است.اسلام تربیت جنسی را برای سامان دهی رشد رفتار جنسی در کودکان، لازم شمرده است. از طرف دیگر انحرافات جنسی که متعدد و متنوع هستند، بعضاً ناشی از روش های غلط تربیتی است. بنابراین در متون اسلامی توصیه های مکرر به والدین درباره ی آنچه خود باید درمواقع خاص لحاظ کنند و همچنین آنچه در این باره باید به فرزندانشان بیاموزند و به طور کلی مسائل راجعبه تربیت جنسی وجود دارد. مهمترین نقش را در اجرای احسن این امر مادران برعهده دارند؛ چون بیشترین وابستگی کودکان به مادرانشان است و بیشترین تأثیرپذیری را از رفتار و گفتار و تربیت مادرانشان دارند. حال در این میان اشتغال مادران که البته از حقوق مدنی ایشان است ممکن است موجب تعارضی در ایفاء وظایف مادری و تربیت درست فرزندان گردد.این مسئله در حالی است که جامعه به وجود بانوان در بعضی مشاغل مثل آموزش و پزشکی نیاز دارد، ولی در موارد دیگر چنین نیازی حس نمی شود.در مقاله پیش رو در صدد هستیم اولا تاثیر اشتغال مادران بر تربیت جنسی فرزندانشان را مطالعه کنیم و ثانیا به این سوال پاسخ دهیم که آیا اشتغال زنان در عرض وظیفه تربیتی ایشان به عنوان مادر قرار دارد یا در طول آن و آیا اساسا امکان تعارض میان این نقش ها وجود دارد یا خیر و در صورت تعارض راهکار چیست؟ بر اساس آموزه های اسلامی و الگوهای موجود مهمترین نقش بانوان تربیت نسلی سالم است وجز در موارد نیاز، اشتغال آنان به خصوص در صورت تعارض با وظایف مهمتر ضروری نمی نماید.

کلیدواژه ها: حق اشتغال، نقش مادر در تربیت، محوریت خانواده.

---

[1] . hosseini.fatemesadat@yahoo.com

مقدمه

حق اشتغال برای زنان همچون مردان از جمله حقوق مدنی است که نظام اسلامی و نیز نظام قانونی و قانون اساسی کشورمان برای ایشان قائل هستند. برخی مشاغل مثل قضاوت به موجب قانون برخی مثل اشتغال در نیروهای مسلح به موجب حقوق موضوعه و برخی مشاغل به دلیل ممانعت زوج به دلیل منافات با شئونات خانوادگی برای بانوان ممنوع است و به این طریق محدودیت‌هایی وجود دارد لیکن حق اشتغال زنان قابل انکار نیست.

از طرفی مهم‌ترین نقش زنان در جامعه تربیت فرزندان و نقش مادری ایشان است. از جمله مسائل مهم فرزندان تربیت جنسی آنان است که از بدو تولد آغاز می‌شود و انحراف از راه درست آن مشکلاتی برای جامعه فراهم می‌کند. مهم‌ترین نقش در تربیت جنسی کودکان و نیز موثرترین نقش را مادر برعهده دارد.

مهم ترین سؤالی که در این مقاله قصد داریم به دنبال پاسخی برای آن باشیم این است که با وجود وظیفه ای که برای مادران در خصوص تربیت فرزندان به طور عام و خصوصاً راجع به تربیت جنسی وجود دارد اشتغال به مشاغل گوناگون که ساعات زیادی را به خود اختصاص می دهد تعارض دارد یا خیر و آیا راهکار مناسب و پیشنهادی در این خصوص وجود دارد یا خیر.

از آنجا که رویکرد ما در این مقاله مطالعه اسلامی است، در بخش اول این نوشتار ابتدا حق اشتغال برای زنان را در نظام مقدس اسلام مطالعه می کنیم؛ بخش دوم را با بررسی نقش مادر در تربیت جنسی فرزندان پی می گیریم و در بخش نهایی تعارضی میان اشتغال مادر و تربیت جنسی کودک را بررسی خواهیم کرد و در جمع‌بندی مباحث اعتقاد نگارنده و پیشنهادهایی برای سؤال مذکور بیان خواهیم کرد.

حق اشتغال برای زنان در اسلام

در بخش ابتدایی مقاله حاضر به مطالعه ی امکان اشتغال برای زنان در جامعه به موجب مقررات اسلامی و نیز قوانین موضوعه کشورمان می‌پردازیم.

جایگاه اشتغال زن در اسلام

چنانکه می دانیم افراد بشری اعم از مرد و زن حقوق متعددی به لحاظ اجتماعی دارا

هستند؛ یکی از این حقوق مهم حق اشتغال است که در مورد مردان قطعی و بلامنازع است، لیکن در مورد اشتغال زنان با مسائلی مواجهیم که از یک سو محدودیت هایی برای به کارگیری این قشر به وجود می‌آورد و از سوی دیگر این محدودیت‌ها که متناسب ویژگی‌های جسمی و روانی زنان است و با ژرف نگری دین مبین اسلام برای حفظ آسایش زنان و تحکیم بنیان خانواده به عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی دستاویزی برای مخالفان شده که به دلیل تفاوت این حق برای زن و مرد به انتقاد از احکام اسلامی بپردازند. در این گفتار ابتدا به بررسی جایگاه زن در اسلام و سپس به بررسی وضعیت حق اشتغال وی خواهیم پرداخت.

آ- جایگاه زن در اسلام

قرآن کریم درباره خلقت زن و مرد چنین می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا النّاسُ اتّقُواْ رَبَّكُمُ الّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالاً كَثِيراً وَنِسَاء وَاتّقُواْ اللّهَ الّذِي تَسَاءلُونَ بِهِ وَالأَرْحَامَ إِنَّ اللّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا. »

«ای مردم! از پروردگارتان پروا دارید که شما را از نفس واحد آفرید و جفتش را نیز از او آفرید و از آن دو مردان و زنان بسیاری پراکند و از خدایی که به نام او از همدیگر درخواست می کنید پروا کنید و خویشاوندان را فراموش نکنید که خدا همواره بر شما نگهبان است». (سوره نساء- آیه ۱)

بنابراین به موجب نص صریح قرآن کریم که اصلی‌ترین منبع دریافت گزاره‌های اسلامی است خلقت زن و مرد از دو گوهر مستقل و جدا نیست بلکه هر دو از نفس واحده که ذات مقدس باری تعالی است سرچشمه گرفته‌اند.

در میان احادیث راجع به مبدأ آفرینش نیز روایتی از محمدبن بابویه قمی وجود دارد که چنین نقل کرده است: زراره بن اعین از حضرت امام صادق (ع) پرسید: نزد ما مردمی هستند که می‌گویند خداوند حوا را از بخش نهایی ضلع چپ آدم آفرید. امام صادق (ع) فرمودند: خداوند از چنین نسبت، هم منزه است و هم برتر از آن است....

آیا خداوند توان آن را نداشت که همسر آدم را از غیر دنده‌ی او خلق کند تا بهانه به دست شناعت کنندگان دهد که بگویند: بعضی از اجزاء آدم با بعضی دیگر نکاح نمود... سپس فرمودند: خداوند بعد از آفرینش آدم، حوا را به طور نوظهور پدید آورد... آدم بعد از آگاهی از خلقت وی از پروردگارش پرسید: این کیست که قرب و نگاه او مایه انس من شده است؟

خداوند فرمود: این حواست. آیا دوست داری که با تـو و مایـه‌ی انـس تـو باشـد...؟ (جـوادی آملی، ٤٣)

بنابراین دین مبین اسلام زن را از آن مظلومیتی که در جاهلیت داشت بیرون کشید. مرحلـه جاهلیت مرحله‌ای بود که زن را مثل حیوانات بلکه پایین‌تـر از آن مـی‌شـمردند. (هـدایت‌زاده، ۲۸)

لذا اسلام بزرگ‌ترین خدمت‌هـا را نسـبت بـه جـنس زن انجـام داده اسـت. اسـلام بـه زن شخصیت و استقلال فکر و نظر داد و حقوق طبیعی او را به رسمیت شناخت؛ و مهـم‌تـر آنکـه این کار را با توجه به روان شناسی زن و مرد و بدون ایجاد حس بـدبینی بـه مـردان انجـام داد. (شهید مطهری، ٧٦)

در بررسی حقوق متفاوتی که اسلام برای زنان و مردان قائل شده است باید در نظـر داشـته باشیم که لازمه‌ی تساوی حقوق زن و مرد و احترام به آن‌ها تشابه حقـوق نیسـت. مسـلم ایـن است که اسلام در همه جا برای زن و مـرد حقـوق مشـابهی وضـع نکـرده اسـت، همچنانکـه تکالیف و مجازاتهای مشابهی نیز در نظر نداشته است. آنچه مهم است آنکه مجموع حقوق زن ارزش کمتری نسبت به مجموعه حقوق مرد ندارد؛ و صرفاً بنا به تفاوت خلقتـی آنهاسـت کـه حقوق و تکالیفشان را از هم متمایز کرده است. (همان، ١١٦)

ب- حق اشتغال زن در فقه اسلامی

آنچه قطعی است اینکه فقه اسلامی حق اشتغال زنان را به طور کلی نادیده نمـی‌گیـرد و آن را ممنـوع نمـی‌دانـد و از نظـر فقهـای اسـلامی شـغل صـحیح بـرای زن هـیچ مـانعی نـدارد (هدایت‌زاده، همان، ٤٠) و بسیاری از کارهای اجرایی شرعاً برای زن جایز و رواست. (جـوادی آملی، همان، ٢٩٤)

لیکن آنچه وجود دارد محدودیتی است که برای اشتغال زنان در نظر گرفته می‌شود. برخـی از این ممنوعیت‌ها را شرع مقدس روا داشته است؛ مثل منع زنـان از قضـاوت (همـان، ٢٩١) و مرجعیت. و برخی دیگر به واسطه‌ی تحکیم بنیان خانواده و مدیریت مـرد در آن و امکـان منـع شوهر از اشتغال همسرش است.

برخی افراد ممنوعیت زنان از انجام برخی مشاغل را مانع دستیابی زن‌ها به فضائل می‌دانند؛ لیکن باید بدانند که نظام ارزشی اسلام با معیارهای مکاتب دیگر متفاوت است. در اسلام آنچـه

مایه‌ی برتری است تعبد است نه امکان انجام برخی کارها و معیارهای اجرایی. (همان، ۲۹٤-۲۹۵)

بنابراین تصدی امور اجرایی برای زن، نه تنها در کارهای کلان نمایندگی و وکالت محذوری ندارد، بلکه تصدی امور خاص نیز به شکل وصایت رواست. همچنین زن می تواند متولی وقف باشد. همچنین کارهای اجرایی مخصوص بخش زنان، نه تنها برای آنان ممنوع نیست بلکه اولی است. (همان، ۲۹٦)

محدودیت دیگری که برای اشتغال زن در اسلام وضع شده لزوم اجازه همسر برای اشتغال است که با آیه قیمومیت و مدیریت رجال بر زنان (سوره نساء- آیه ۳٤) توجیه می شود. نظر علامه طباطبایی در این باره این است که «قوام» صیغه مبالغه در صفت قیم است و قیم نیز به کسی می گویند که عهده دار امور مهم شخص دیگری باشد. ایشان با استفاده از عدم و توسعه علت در آیه ی شریفه دامنه قیمومت مرد بر زن را منحصر به مورد زن و شوهر نمی دانند، بلکه بر این باورند دامنه آن همه زنان را در تمام جهاتی که زندگی آن دور را پیوند داده (جهات اجتماعی، همگانی، مانند حکومت، دفاع و قضاوت) در بر می گیرد. همچنین متذکر می شوند این امر با استقلال و حقوق فردی زن منافات ندارد. (محمدی، ۱۰۵-۱۰٤)

قدر مسلم اینکه محدودیت های کارهای اجرایی برای زنان که اسلام قائل به آن است برای حفظ روحیات و آرامش وی و نیز تحکیم بنیاد خانواده است.

جایگاه اشتغال زنان در قوانین موضوعه

در این گفتار وضعیت اشتغال زنان در حقوق موضوعه ایران مطالعه می شود. لازم به یادآوری است که قوانین کشورمان بر مبنای فقه اسلامی تدوین یافته‌اند.

آ- پذیرش حق اشتغال زنان

در کشور ما کار و فعالیت شغلی از حقوق قانونی و مشروع زن محسوب می شود و قوانین موجود ما را از اعمال تبعیض علیه زنان در خصوص اشتغال و نیز مزایای مربوط به آن باز می‌دارد. (اصول ۲، ۲۱ و ۲۸ قانون اساسی، مواد ٦ و ۲۲ قانون کار).

باید توجه داشته باشیم که امروزه در فرهنگ خودی و اسلامی ایرانی ما نیز مسأله اشتغال زنان از اهمیت برخوردار است؛ زیرا از یک سو بنا بر مشارکت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی زنان است و برای همین هدف زنان زیادی در مراکز دانشگاهی کسب دانش و تخصص

می کنند و البته از سوی دیگر وظایف همسری و مادری زنان مطرح می شود که ممکن است با اشتغال ایشان به ساختار خانواده آسیب وارد شود. (منصورنژاد، ۱۳۲)

بنابراین به استناد اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، زنان همانند مردان از همه ی حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی برخوردار هستند و لذا از حق اشتغال که از حقوق قانونی و مشروع زن محسوب برخوردارند و می توانند همانند مردان با رعایت موازین شرعی و قانونی به کار و حرفه متناسب با شخصیت خویش اشتغال ورزد و از این جهت منعی برای او وجود ندارد. (مقدادی، ۱٤۰)

و البته به موجب همین قوانین محدودیت هایی نیز برای اشتغال، زنان وجود دارد که در بند آتی از آن‌ها سخن خواهیم گفت.

ب- محدودیت‌های قانونی اشتغال زنان در قوانین موضوعه

گفتیم که برای اشتغال زنان در قوانین کشورمان محدودیت‌هایی وجود دارد. برخی از این ممنوعیت‌ها به خاطر مسائل شرعی یا به لحاظ مصالح ملی و امنیتی و رعایت وضع خاص زنان است. مثل ممنوعیت از اشتغال به قضاوت یا اشتغال در نیروهای مسلح. و برخی دیگر مربوط به زنان شوهردار و ممنوعیت آن ها از اشتغال به مشاغل منافی مصالح خانوادگی موضوع اشتغال زن شوهردار از آن جهت مطرح می‌شود که کار او ممکن است از جهت مصالح خانوادگی مناسب نبود و با این مصالح منافات داشته باشد و بر این اساس موافقت و مخالفت شوهر موثر است. به خصوص که ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی ریاست خانواده را به مرد داده است. لذا اگر شغل زن منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات زوجین باشد، مرد می تواند از ادامه اشتغال همسرش جلوگیری کند.

بنابراین با توجه به تأکید حقوق ایران بر استحکام بنیاد خانواده و نیز پذیرش ریاست مرد در این نهاد، با در نظر گرفتن قوانین موجود امکان مداخله مرد در امر اشتغال همسرش و ایجاد ممنوعیت برای او وجود دارد.

نقش مادر در تربیت جنسی فرزند

در این قسمت تأثیرگذاری مادر و تربیت وی در مسائل جنسی به فرزند را مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

اهمیت تربیت جنسی در اسلام

از نگام علم و دین، کودک جز در حالت‌های غیرطبیعی و استثنایی فعالیت و رفتار جنسی بالفعل ندارد. با این حال اسلام برای پیشگیری از پیدایش رفتار نابهنگام جنسی در کودکان و نیز درمان این رفتار در آنان پیش بینی‌هایی کرده است. (رفیعی، ۱۸۵)

اسلام تربیت جنسی را برای سامان دهی رشد رفتار جنسی در کودکان، لازم شمرده است. از طرف دیگر انحرافات جنسی که متعدد و متنوع هستند، بعضاً ناشی از روش های غلط تربیتی است. و حتی بیشتر پژوهندگان مسائل انسانی معتقدند روش‌های نادرست تربیتی عامل اصلی نابه هنجاری رفتاری در همه زمینه هاست. (همان، ۱۹۰-۱۹۱)

بنابراین در متون اسلامی توصیه های مکرر به والدین درباره‌ی آنچه خود باید درمواقع خاص لحاظ کنند و همچنین آنچه در این باره باید به فرزندانشان بیاموزند و به طور کلی مسائل راجع به تربیت جنسی وجود دارد. (فرمهینی فراهانی، ١٤٤)

بنابراین همان‌گونه که روان‌شناسان و متخصصان علم رفتار معتقد به وجود غریزه‌ی جنسی در انسان می‌باشند دین اسلام هم تأکید به وجود این میل در انسان داشته و دستورات تربیتی مهمی برای تربیت جنسی انسان از نوزادی تا سن ازدواج و پس از آن دارد. (بخشی، ٦٨)

باید توجه داشته باشیم که از دیدگاه اسلامی، هدف از تربیت جنسی ایجاد نگرش های سالم و بیان اطلاعات مناسب درباره‌ی موضوعات جنسی است و باید شامل آموزش‌هایی باشدکه به بهداشت روانی و سازگاری اجتماعی بیانجامد و پیشامدهای ناشی از ناسازگاری اجتماعی و نابهنجاری های اخلاقی را به کمترین حد برساند. در حقیقت مقصود از تربیت جنسی از دیدگاه اسلامی این است که فرد را به گونه ای تربیت کنیم که وقتی به سن بلوغ رسید، حلال و حرام را در مسائل جنسی تشخیص دهد و از بی بند و باری بپرهیزد و راه و رسم عفت اسلامی را در پیش گیرد. (فقیهی، ۵۲)

اهمیت نقش مادر در تربیت جنسی فرزند

همان طور که گفته شد تربیت جنسی به حکم نیروی فوق العاده غریزه جنسی، از مهم ترین بخش های رفتارشناسی اخلاقی است (پورامینی، ۱۳۸۳، ١٦٧) و باید مورد توجه همه نهادهای اجتماعی از جمله خانواده که مهم‌ترین است و نیز مدرسه، دانشگاه، رسانه‌ها و.. قرار گیرد.

همچنین باید بدانیم که تربیت جنسی امری تدریجی و مرحله ای است که باید براساس

ویژگی‌های کودکان و نوجوانان انجام گیرد. در تربیت جنسی صرف ارائه‌ی اطلاعات کفایت نمی کند بلکه رفتار و نگرش والدین و مربیان نسبت به امور جنسی در اثربخشی و کارآمدی آموزش اهمیت ویژه‌ای دارد. (حسنی، ۱۸)

در میان تمام نهادهای اجتماعی که موظف به تربیت کودکان و نوجوانان از لحاظ جنسی هستند، خانواده به دلیل اینکه ابتدایی ترین نهادی است که فرد در آن وجود دارد و اکثر آموزش‌ها را از آن می‌گیرد و بیشتر زمان خود را به خصوص در دوره‌ی کودکی در آن سپری می‌کند بسیار مهم است.

مادر، پدر و اعضای خانواده نقش موثری در پرورش رفتارهای جنسی سالم فرزندانشان به عهده دارند. آنان باید سعی کنند با شناخت مراحل رشد جنسیتی کودکان و نوجوانان، واقعیت‌های ظریف و آداب تربیتی مرسوم فرهنگ و جامعه و مذهب خود را به آن‌ها منتقل کنند. والدین و به خصوص مادر می توانند با برقراری ارتباط دوستانه توأم با اعتماد و احترام درباره موضوعات و مسائل مختلف از جمله امور جنسی اطلاعات و آگاهی های لازم و صحیح به آن ها بدهد. می توانند از این طریق با افکار، احساسات و هیجانات جنسی فرزندانشان به صورت فعال و پویا آشنا باشند و مبانی ارزشی خود را به تدریج در آن ها مستحکم سازند. (سلحشور، ٤٠)

در این میان بی‌شک وظیفه‌ی تربیتی مادر بسیار مهم‌تر و تأثیرگذارتر است. مادر مسئولیت‌های پرورشی ویژه‌ای به عهده دارد (جوادی آملی، همان، ۱۳۷) و چون وظیفهٔ تربیت فرزند به عهده ی مادر است (بیش از هر کس دیگر) اجر بی حدی همچون مجاهد فی سبیل الله برایش قائل هستند. (حمصیان اتفاق، ۹)

در واقع همچنانکه امام خمینی می‌نویسد، انسان سازی وظیفه‌ی زن است. (هدایت‌زاده، همان، ۲۹)

البته ضروری است خاطر نشان کنیم که اهمیت این نقش برآمده از متن طبیعت، آفرینش و استعدادهای متفاوتی است که برای زنان وجود دارد و مهر و عطوفت، ظرافت و لطافت طبع، صلح جویی، رقت قلب و شکیبایی و... مادر را در چنین مقام پرورشی قرار می‌دهد.

بررسی تعارض میان اشتغال مادر و تربیت جنسی کودکان

در بخش های پیشین امکان اشتغال زنان از دیدگاه اسلامی و قانونی و نیز نقش مادر در

تربیت جنسی کودکان مطالعه شد. در این قسمت در صدد هستیم به سؤال اساسی مقاله پیش رو پاسخ گوییم که آیا اشتغال زنان بر تربیت جنسی فرزندانشان موثر است؟

به عبارتی آیا اشتغال ایشان در خارج از منزل با وظیفه ی مادری ایشان تعارض دارد؟ در ادامه به بررسی نکاتی در این زمینه خواهیم پرداخت.

مهم‌ترین نقش زن از منظر اسلام

در این گفتار به مطالعه مهم‌ترین نقش‌های زن از منظر اسلام می‌پردازیم، در حقیقت چنان که پیش‌تر گفتیم زنان در جامعه می‌توانند نقش‌های متفاوتی ایفا کنند اما از نگاه شریعت مهم‌ترین آن‌ها نقش همسری و مادری ایشان است.

آ- نقش همسری

نقش همسری در اسلام بسیار مهم است. بانوی مسلمان برای همسر خود معشوقی دلبر و پسندیده است که علاوه بر ایجاد سکینه و آرامش، سعی می‌کند با انجام وظایف خود عفت و پاکی مرد را راسخ کند. بانوی مسلمان با رفتار درست خویش با شوهر، درس زندگی و همسرداری به فرزندان خود می‌آموزد. حاصل، رعایت اصول اخلاقی در خانه، ایجاد خرسندی و رضای خاطر از ازدواج و ادامه حیاتی مسرت بخش و تربیت فرزندانی معتدل است. (برجی‌نژاد، ۱۸۹)

اسلام آن قدر برای شوهرداری ارزش قائل است که آن را در ردیف جهاد در راه خدا قرار داده است به طوری که حضرت علی (ع) می فرمایند: «جهاد المرأه حسن التبعل، جهاد زن خوب همسرداری کردن است» و نیز حضرت رسول (ص) می‌فرمایند: «ایها امراه ماتت و زوجها عنها راض دخلت الجنه؛ هر زنی که بمیرد در حالی که شوهرش از او راضی باشد، آن زن داخل بهشت می‌شود.» (به نقل از همان، ۱۸۹)

ب- نقش مادری

مادر مسئولیت‌های پرورشی ویژه‌ای به عهده دارد که مرد از آن محروم است. این مسئولیت از همان بدو بارداری آغاز می شود؛ که افکار و رفتار مادر بر جنین تأثیر می گذارد و پس از تولد با تغذیه‌ی طفل ادامه می‌یابد. نیاز به محبت در نهاد همه انسان‌ها وجود دارد و خانواده مهم ترین مکانی است که این محبت به افراد تزریق می شود. به ویژه مادر باید به این نیاز توجه کند و بداند پاسخ گویی صحیح به این نیاز در کودکان، اساس تربیت آنان را تشکیل می‌دهد.

ارضای این نیاز کودک موجب آرامش روانی، امنیت خاطر، اعتماد به نفس، اعتماد به والدین و حتی سلامت جسمی او می‌شود. (همان، ۹٤)

محبت مادر سرنوشت طفل را معین می سازد. با محبت کردن به کودک می توان از بسیاری از اغرافات جلوگیری کرد؛ زیرا کمبود محبت یکی از عوامل بسیار قوی برای سوق دادن اطفال و نوجوانان به سوی بزهکاری و از جمله رفتارهای نابه هنجار جنسی است. (همان، ۱۹۵)

بنابراین آغوش مادر نخستین پایگاه تربیتی است. مادر می تواند با اخلاق نیکو و روشهای تربیتی مناسب کودکش را وارد دنیای سعادت کند و وسیله‌ای برای کنترل نفس و از جمله کنترل غریزه جنسی در اختیار او قرار دهد. (همان، ۱۹۷)

طفلی که پا به عرصه‌ی این جهان می‌گذارد آگاهی و نیروئی ندارد و کاملاً متکی به مادر است و بنابراین تربیت مادر در او بسیار موثر است.

مذهب و تعلیمات مذهبی شاید مهم‌ترین عامل کنترل شهوات باشد؛ مادر مهم‌ترین نقش را در تربیت دینی کودک دارد. تربیت دینی برای طفل امری بسیار حیاتی است. چرا که کودک حلال و حرام را می آموزد و بنابر آن حیات مادی و نفسانی خود را اداره خواهد کرد. (همان، ۱۹۸)

ج- اسوه اسلامی و الگوی کامل یک زن

بر هیچ کس پوشیده نیست که حضرت صدیقه‌ی طاهره، فاطمه زهرا (س) الگوی بی‌کم و کاست برای زنان و بلکه برای تمام اقشار جامعه است. تمام ابعادی که برای زن متصور است و برای یک انسان متصور است در فاطمه زهرا (س) جلوه داشته است. ایشان یک انسان به تمام معنا انسان، تمام نسخه ی انسانیت، تمام حقیقت زن، تمام حقیقت انسان است. معنویات، جلوه‌های ملکوتی، جلوه‌های الهی، جلوه‌های جبروتی، جلوه‌های ملکی همه در ایشان مجتمع است. (هدایت‌زاده، همان، ٦) و لذا چنین شخصی با این ویژگی‌ها مناسب‌ترین الگو برای زنان مسلمان و غیر مسلمان است.

حضرت زهرا (س) پس از ازدواج با حضرت علی (ع) پیمان بسته بود که کارهای خانه و خمیر کردن آرد و نان پختن و جارو کردن خانه را خود انجام دهد و علی (ع) نیز کارهای خارج از خانه را انجام دهد. (قزوینی، ۱۲٦)

پس از ازدواج تربیت فرزندان نیز برعهده ایشان قرار گرفت. لیکن حضرت فاطمه زهرا

(س) در مواردی که به حضور ایشان نیاز بود در صحنه های اجتماعی و سیاسی نیز حضور می‌یافتند و به نحو مقتضی عمل می‌کردند. نمونه آن دفاع ایشان از ولایت و امامت بود.

تأثیر اشتغال مادر بر تربیت فرزند

در گفتارهای پیشین، بیان داشتیم که زنان هم به موجب نظام قانونی کشور و هم بنا بر شرع مقدس از حق اشتغال بهره‌مندند، گرچه محدودیت‌هایی نیز دارند اما نمی‌توان منکر این حق شد.

در گفتار حاضر می خواهیم تأثیر اشتغال مادران را در تربیت فرزندان و از جمله تربیت جنسی که مورد بحث ماست پیگیری کنیم.

آ- عوامل موثر در اشتغال مادر

برای اینکه تأثیر اشتغال مادران را از دریچه‌ی فرزندان مطالعه کنیم باید بدانیم که مطالعه‌ی این فاکتور به لحاظ روحیات مادر و از زاویه‌ی نگاه او نیز موثر است.

بعضی از پژوهش‌ها حاکی از ان است که نوع شغل، درجه‌ی شغلی و میزان علاقه‌ی مادران به کار، ارتباط مادر و پدر با یکدیگر و کمکی که پدر به مادر در تربیت فرزندان می‌کند، در کیفیت تعامل و میزان مراقبت از کودکان نقش مهمی دارد. (بیابانگرد، ۲۳۱).

مثلاً ممکن است شغل یک زن چنان احساس ارزشمندی در او ایجاد کند که بسیار در تربیت فرزندانش تأثیر مثبت بگذارد. یا اینکه ساعات کاری وی بسیار کم بوده به طوری که هیچ تعارضی با نقش مادر بودن وی نداشته باشد و.... و از طرفی ممکن است شرایط ایده آلی برای زن کارگر و کارمند وجود نداشته باشد و روحیه ی او را ضعیف کند. قدرت جسمی او را پایین بیاورد؛ چنانکه فرصت و روحیه و نشاطی برای تعامل با فرزندانش نیابد.

ب- تعارض نقش‌ها

در صورتی که تعارض و کش مکش بین نقش ها پیش آید فرد دچار اختلال فکری و بی نظمی می شود و ممکن است به کش مکش های روانی و حتی استرس منجر شود. (توسلی، ۱۲) و متقابلاً به افرادی که با وی تعامل دارند از جمله و مهم‌تر از همه فرزندان آن فرد به خصوص کودکان آسیب وارد می‌کند.

در جامعه ما تعدد وظایف برای زنان وجود دارد؛ یعنی زن وظیفه دارد خوب همسرداری کند، خوب بچه داری کند و اگر شاغل هم باشد به خوبی ان را ایفا نماید و اطلاعات خود را

هم در زمینه‌ی شغلی خویش دائماً ارتقاء بخشد.

حال آنکه تمام جامعه مهم‌ترین وظیفه‌ی مردان را کسب درآمد و تأمین معاش خانواده می دانند. در این مقاله به اینکه آیا مردان باید به همسرانشان در زمینه ی تربیت فرزندان کمک کنند یا خیر و آیا این کار را انجام می دهند یا خیر نمی پردازیم. صرفاً قصد ما مطالعه تأثیرات اشتغال مادران بر تربیت فرزندان است.

در جامعه‌ی امروزی ما زنان با پذیرش ایفای نقش حرفه‌ای خارج از خانه، پیشاپیش خود را از محدوده سنتی تقسیم وظایف مشترک خارج می کنند. (همان، ۱۹) لیکن فارغ از اینکه آنان موفق شده‌اند یا خیر و آیا توانسته‌اند جامعه را با خود همراه سازند یا خیر باید ببینیم تأثیر این قبیل اشتغالات خارج از خانه بر فرزندانشان چیست. بدیهی است که کودکان بیش از هر کس به مادر وابسته و محتاجند و نیز طبیعی است که بیشترین نقش در تربیت را مادران برعهده دارند چه به خواست خود و ارادی و چه به طریق غیرارادی و الگوگیری کودک از مادر.

قضاوت راجع به اینکه چگونه مادری که حدود ۸ ساعت در بیرون از خانه به اشتغال می‌پردازد می‌تواند وقت کافی برای تربیت فرزندش و نظارت بر فعالیت‌های او که موجب جلوگیری از انحرافات عدیده و نیز انحرافات جنسی است، قرار دهد را به خوانندگان محترم واگذار می‌کنیم!

نتیجه‌گیری

زنان در جامعه ی اسلامی همچون مردان از حقوق مدنی و اجتماعی و از جمله حق اشتغال متمتع‌اند. گرچه اشتغال زنان در سایه‌ی نظام اسلامی و نظام حقوقی ایران با محدودیت‌های اندکی مواجه است لیکن در بهره برداری زنان از این حق تردیدی نیست. اما آنچه باید ملحوظ شود آن است که اشتغال زنان خارج از منزل از نظر دین و فطرت و طبیعت ایشان، نقش اساسی و مهم آنان نبوده بلکه نقش همسری و مادری ایشان محوری ترین نقش آنان در جامعه است و هیچ کس نمی تواند انکار کند که تربیت فرزندان، مهم‌ترین مشغله‌ی زنان محسوب می‌شود. (ندری ابیانه، ۹۷)

بنابراین سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا اشتغال زنان خللی در تربیت فرزندانشان ایجاد می‌کند یا خیر؟ می توان گفت مادر وسیع‌ترین دنیای روانی و اجتماعی کودک است و از

نظر کودک، همچون کسی است که از تمام نقاط این جهان اطلاع دارد. اشتغال مادر موجب اختلال در تکوین دلبستگی کودک نسبت به مادر می‌شود؛ زیرا مراقبت کودک از حالت انفرادی به حالت گروهی در می آید و در نتیجه، دلبستگی کودک نسبت به مادر از حالت طبیعی خارج می‌گردد. (همان، ۹۸) و نیز کودک دچار تربیت چندگانه می‌شود.

مادران شاغل نمی توانند همانند مادران غیر شاغل به طور تمام و کمال، به کودکان خود رسیدگی کنند؛ چون مادر چندین ساعت از روز را خواه ناخواه جدای از فرزند به سر می‌برد. وقتی هم پس از این چند ساعت به فرزندش می‌رسد خستگی ناشی از محیط کار و به او اجازه نمی‌دهد که در ساعات باقی مانده‌ی روز به کودک رسیدگی مکفی و لازم را بنماید.

در این میان تربیت جنسی فرزندان که کاری مستعد و در تمام طول زندگی کودک است و از بدو تولد او شروع می شود بیش از همه نیاز به حضور مادر و نظارت وی احساس می شود. البته این امر برهیچ کس پوشیده نیست که در برخی مشاغل حضور زنان بسیار ضروری است و بانوان باید در این مشاغل فعالیت کنند. در این موارد و نیز مواردی که زنان نیازمند به کار هستند (به هر دلیلی) باید شرایطی فراهم شود که ساعات کاری بانوان کم باشد تا ایشان بتوانند به نقش مهم‌تر خود بپردازند.

البته اعتقاد نگارنده این است که باید در مورد فرهنگ جامعه کار شود تا بانوان حضور اجتماعی و فرهنگی را مساوی با اشتغال ندانند، رسیدگی به امور منزل و فرزندان را بی اهمیت نگمارند، و فرزندآوری و فرزند پروری را مانع پیشرفت خود نشمارند و آن دسته از بانوانی که فعالیتشان مختص خانم ها نیست و حضور زنان در آن ضرورت ندارد و نیاز مالی به آن ندارند به نفع اشتغال جوانان ذکور بیکار کناره گیری کنند و به پرورش فرزندان خود بپردازند این گونه است که آینده سازانی متدین و متخص در جامعه تربیت خواهند شد.

چنانکه مقام معظم رهبری نیز درباره اشتغال زنان می‌فرمایند: مسئله‌ی اصلی را باید پیدا کرد. به نظر من مسئله‌ی اصلی یعنی یکی از مسائل اصلی، مسئله‌ی خانه و خانواده است؛ امنیت زن در محیط خانواده؛ فرصت زن در محیط خانواده و خانه داری برای بروز استعداد ها؛ [چیزی] مانع درس خواندن او، مانع مطالعه کردن او، مانع فهمیدن او، مانع نوشتن او نشود.

[برای] کسی که اهل این چیزهاست- میدان برای این کارها فراهم باشد، این اساس قضیه است. مسئله ی اشتغال بانوان، جزو مسائل اصلی نیست. البته ما با اشتغال بانوان مخالف نیستیم،

بنده خودم با اشتغالشان، نه با مدیریت هاشان مخالفتی ندارم، مادامی که آن مسائل اصلی معارضه و تنافی پیدا نکند، اگر تعارض پیدا کرد آن مقدم است... (به نقل از http: //www. Jahannews. com/vdcjwmet)

منابع

بخشی، افسر، «نگاهی بر تربیت جنسی فرزندان»، ***مجله فقه و حقوق خانواده***، زمستان ۱۳۷۵، شماره ٤.

برجی‌نژاد، زینب، «نقش مادر در تربیت فرزند»، ***مجله طهورا***، تابستان ۱۳۸۹، شماره ٦.

بیابانگرد، اسماعیل، «تأثیر اشتغال مادران بر کودکان و نوجوانان»، ***مجله پیوند***، دی ۱۳۷۲، شماره ۱۷۱.

پورامینی، محمدباقر، «تربیت جنسی در سیره‌ی نبوی»، ***مجله پژوهش‌های تربیت اسلامی***، پاییز ۱۳۸۳، شماره ۸.

توسلی، غلام عباس، «آیا می توان بین کار زن در خانه و کار بیرون آشتی برقرار کرد؟»، ***مجله مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان***، تابستان و پاییز۱۳۸۲، شماره ۲.

جوادی آملی، عبدالله، ***زن در آینه جمال و جلال***، مرکز نشر اسراء، چاپ یازدهم، ۱۳۸۵.

حسنی، زهرا، «اثربخشی خانواده در تربیت جنسی کودکان و نوجوانان»، ***مجله رشد مشاور مدرسه***، پاییز ۱۳۸۹، شماره ۲۱.

حمصیان اتفاق، احمدرضا، «امام خمینی و نقش مادر در تربیت»، ***مجله پیوند***، خرداد ۱۳۸۱، شماره ۲۷۲.

سلحشور، ماندانا، «اهمیت تربیت جنسی کودکان و نوجوانان در خانواده» ***مجله پیوند***، دی ۱۳۸٤، شماره ۳۵۰.

صمدی، مریم، ***ماده شانزدهم کنوانسیون زنان از نگاه فقه شیعه***، انتشارات بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۸۷.

فرمهینی فراهانی، محسن، «درآمدی بر تربیت جنسی در متون دینی اسلام»، ***مجله پژوهش های تربیت اسلامی***، پاییز ۱۳۸۵، شماره ۳.

فقیهی، علی نقی و همکاران، «آموزش جنسی به کودک و نوجوان از دیدگان اسلامی و مطالعات روان‌شناختی»، ***مجله تربیت اسلامی***، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، شماره ۷.

قزوینی، محمد کاظم، ***تحقیق درباره زندگانی ام ابیها، صدیقه کبری، فاطمه زهرا (س)***، ترجمه محمد صالحی، نشر محمد (ص)، چاپ دوم، ۱۳۸٦.

مدن، یوسف، «تربیت جنسی در اسلام»، مترجم بهروز رفیعی، ***مجله پژوهش های تربیت اسلامی***، پاییز ۱۳۸۸، شماره ۸.

مطهری، مرتضی، ***نظام حقوق زن در اسلام***، انتشارات صدرا، چاپ سی و چهارم، ۱۳۸۲.

مقدادی، محمد مهدی، ***ریاست خانواده و بررسی ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی***، انتشارات روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۸۵.

منصورنژاد، محمد، ***زنان، حقوق، کرامت و هویت***، انتشارات جوان پویا، ۱۳۸٦.

ندری ابیانه، فرشته، «خانه داری، اشتغال و زنان ایرانی»، ***مجله مباحث بانوان شیعه***، پاییز ۱۳۸۵، شماره ۹.

هدایت‌زاده، فرهاد، ***دیدگاه امام خمینی (ره) درباره جایگاه زن با محوریت شخصیت حضرت زهرا (س)***، چاپ و نشر عروج، چاپ سوم، ۱۳۸۷.

مجموعه مقالات نهمین همایش ملی اشراق اندیشه مطهر، **خانواده و تربیت جنسی**
اردیبهشت ۱۳۹٤، ص ۷۰-٤٥

بررسی روشهای تربیت جنسی در قرآن با تاکید بر رویکرد روانشناسی شناختی

محمدرضا ستوده نیا/ دانشیارگروه الهیات- علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان[1]
ملیحه رمضانی/ دانشجوی دکترای الهیات- علوم قرآن وحدیث دانشگاه اراک[2]

چکیده

نظام تربیتی اسلام مجموعه‌ای از برنامه‌ها وتدابیر در زمینه اصلاح، تربیت و تغییر رفتار جنسی ارائه داده است. هدف از پژوهش حاضر بررسی این مساله است که دیدگاه قرآن نسبت به روش‌های تربیت جنسی با رویکرد روانشناسی شناختی چیست؟ چه راهکارهایی را قرآن برای ابعاد این مساله مطرح کرده است؟ روش پژوهش، تحلیلی- توصیفی بر پایه تحلیل محتواست.در این پژوهش، ابزار گردآوری اطلاعات، مطالعات کتابخانه‌ای و مقالات ازجمله تفاسیر معتبر و به تناسب از احادیث و نیز دیدگاههای شهید مطهری نیز استفاده شده است. یافته‌های قرآنی نشان داد: تربیت جنسی، فراهم آوردن زمینه رشد غریزه جنسی است به گونه‌ای که ضمن استفاده لازم از آن، از انحراف نیز جلوگیری شود. با بررسی روش‌های شناختی (خداباوری، خودشناسی، غلبه دادن شناخت عقلی، فطری و وحیانی بر شناخت - حسی، معادشناسی، شناخت نسبت به آسیب‌های انحرافات جنسی)، رفتاری (صبر و سرسختی، نماز، روزه، الگوگیری، حفظ حجاب، ازدواج، حمایت اجتماعی) و عاطفی (ذکر، دعا، حفظ تعادل در احساس گناه) روشن شد که جهان بینی توحیدی به عنوان مرکز باورهای انسان است و سایر اعمال و رفتار و باورها حول این دیدگاه می‌باشند. مطالعات تجربی نیز برای بررسی میزان کارآمدی هریک از روش‌ها در ایجاد الگوی فرهنگی وهویت دینی وحل مسئله، لازم وضروری است.

کلید واژه ها: تربیت جنسی، روش‌های تربیت جنسی ، روانشناسی شناختی، قرآن.

---

1 . bayanelm@yahoo.com
2 . malihe.ramezani@gmail.com

مقدمه

اسلام نگرش خاصی نسبت به انسان دارد، انسان موجودی ابدی است و هدف از خلقت وی نیز کمال و قرب الهی و زندگی دنیایی در مقابل آخرت کالایی کم ارزش و ناچیز است. سعادت وی در سایه دوری از گناه است. این امور برجسته‌ترین امور هستی است. قرآن کریم با پذیرش وجود لذت جویی و رنج گریزی در انسان، از آن در جهت تربیت و سوق دادن او به سوی کمال نهایی‌اش استفاده می‌کند.

انسان کافر با لذت جویی های دنیای خود و عدم درک لذات پایدار مسلماً شخصی نابهنجاراست از نظر اسلام کافر همچون چهار پایی است که قدرت درک ندارد «أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلاَّ كَالْأَنْعامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلاً» (الفرقان: ٤٤) بنابراین انحراف در افکار و عقاید منجر به اعمال و رفتاری نامطلوب می گردد «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلىَ شَاكِلَتِهِ» (الاسراء: ٨٤).

به عقیده الیس افرادی که خود را اسیر و گرفتار افکار غیر عقلانی می کنند، احتمالاً خود را در حالت خشم، مقاومت، خصومت، دفاع، گناه و اضطراب، بی‌ثمری، سستی و رخوت مفرط و عدم کنترل و ناشادی قرار می‌دهند (پاپن ۱۹۷٤، پاترسن ۱۹٦۹، به نقل شفیع آبادی، ۱۳۱).

مکتب‌شناختی، رفتار و عاطفه انسانی را براساس ادراک‌ها و شناخت‌ها تفسیر می‌کند طبق نظر مدل‌های شناختی، اساس و پایه سیستم باورهای انسانی را عواملی همچون محیط فرد و تعامل او با محیط و سبک و شیوه تربیت وی و افراد موثر در زندگی او (تجارب) و خصوصیات شخصیتی‌اش تشکیل می‌دهد (آکوچکیان، ۷۳).

در دیدگاه قرآن زیربنای اساسی باورهای غیر منطقی ناباوری به توحید است. بنابراین در سیستم باور قرآن علاوه بر محیط و تربیت و خصوصیات شخصیتی فرد، ما با شق سومی به نام دیدگاه توحیدی در روابط انسان با خود و دیگران مواجهیم.

با توجه به اینکه نوع شناخت فرد نسبت به خود، خدا و هستی عاملی مهم در شکل گیری شخصیت فرد است. مساله تربیت جنسی در جامعه دینی با باورهای توحیدی از مسائل مهم است. زیرا تفاوت باورها منجر به تفاوت روشهاست. همه روش‌های ارائه شده در مکاتب روان‌شناسی غربی برای جامعه توحیدی و دینی کارایی ندارد. بومی سازی این روش‌ها با استخراج روش‌های جدید از منابع معتبر دینی ضروری است. دراین مقاله در صدد بررسی

روش‌های تربیت جنسی با تاکید بر مکتب شناخت در روان‌شناسی و اینکه قرآن چه روش‌های‌شناختی و همچنین روش‌های رفتاری و عاطفی (هیجانی) را بر پایه باور توحیدی ارائه داده است. روش این پژوهش توصیفی (جمع آوری اطلاعات و دادها) برپایه تحلیل محتوا است. در این پژوهش، ابزار گردآوری اطلاعات، بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و مقالات از جمله تفاسیر معتبر و به تناسب ازاحادیث و دیدگاههای شهید مطهری نیز استفاده شده است.

تربیت جنسی

استخراج روش‌های تربیت از دیدگاه قرآن و روایات در کنار نظریه‌های جدید تربیت و بررسی تناسب این نظریه‌ها با عقاید و ارزش‌های دینی و در نهایت تلاش روشمند برای تدوین نظریه ای کارآمد در عرصه تربیت در کشورهای اسلامی با عقاید توحیدی، امری ضروری است.

نظریه تربیتی مستخرج از منابع دینی تا زمانی که در جامعه به حل مساله نپردازد، کارایی آن قابل اثبات نخواهد بود، این مستلزم ارتباط بین اندیشمندان دینی و پژوهشگران علمی است. تربیت جنسی مساله پر اهمیت واز مسایل پیچیده تربیتی است، زیرا دنیای امروز با وجود پیشرفت های علمی و اقتصادی هنوز راه حل مناسب ارائه نداده است. یک رشته سوالات در این زمینه هست که کتب علمی نتوانستند به آن پاسخ درست دهند.

امروز غالباً دریافته‌اند که سیانتیسم (علم‌گرایی محض) و تربیت علمی خالص، از ساختن انسانِ تمام ناتوان است. تربیت علمی خالص نیمه انسان می‌سازد نه انسان تمام (مطهری، ۲/ ۳٤).

بنابراین لازم است به سراغ منابعی برویم که از وحی سرچشمه می گیرند. برای تربیت جنسی صحیح این روش‌ها باید در کنار سایر روش‌های علمی قرار گیرد و با آموزش والدین ومربیان به سوی پیشگیری ودر مواردی درمان انحرافات جنسی پیش رویم. روش های مطرح در قرآن مشمول هردو مقوله پیشگیری و درمان می باشد، البته در صورتی که به شکل تکنیک‌های درمانی درآید.

تربیت جنسی اغلب در مفهوم آموزش جنسی به کار می رود ولی تربیت جنسی مفهوم

وسیع تری دارد تربیت نه تنها احساس جنسی را در بردارد بلکه دارای خصوصیت رشد شخصیت اجتماعی و اخلاقی وفرهنگی است. هدف از تربیت جنسی رسیدن به سلامت روانی واخلاقی و داشتن روابط سالم اجتماعی است (کوچتکوف، لاپیک، ٦).

در حالی که هدف تربیت اسلامی در دیدگاه شهید مطهری: مالکیت نفس و تسلط بر خود و رهایی از نفوذ جاذبه می‌لها است. غایت و هدف چنین تربیتی «آزادی معنوی» است (مطهری، ۲۸۳/۲).

روش‌های شناختی – مذهبی

منظور شیوه‌هایی است که با شناخت‌ها و افکار و عقاید و نگرش‌ها و جهان بینی افراد سر و کار دارد (دیماتئو، ۲/ ۷۵۰). شناخت شناسی انسان ملازم با نفس شناسی او و ریشه در چگونگی شناخت نفس دارد پس جهان شناسی هر کس ریشه در نفس شناسی او دارد (جوادی آملی، ٤٢٢).

دین پاسخ همه پرسش‌های اساسی انسان را (کیستم؟ ازکجا آمده‌ام؟ چرا آمده‌ام؟ و...) می‌دهد و فرد را با خود، جهان بیرون وخدا آشنا می‌سازد. عمده این مسائل تعادل در نظام شناختی انسان را بر هم می‌زند و دین با ارائه یک نظام تفسیری در حوزه شناختی به زندگی معنا می‌بخشد.

ایمان (خدا باوری)

توحید درمانی به منزله یک روش ارتقای رشد و تکامل انسانی است. توحید اساس شخصیت سالم است. داشتن یک درون مایه معنوی و دینی که نشأت گرفته از ارزشهاست منجر به تسهیل وحدت در شخصیت می‌شود. که به تعبیر تیلیک، تعالی نام دارد (جلالی تهرانی وهمکاران، ۲۳).

«مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلاَ خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلاَ هُمْ يَحْزَنُونَ» (البقره: ٦٢) سایر: المائده: ٦٩ آل عمران: ١١٤، التوبه: ١٩، النساء: ٣٩. این رابطه، فرد را از اختلالات روانی – رفتاری به دور می‌سازد. این باورها در مکتب دین به دنبال تربیت و وصل بر سر منشأ اصلی و هدفمند است و صرفاً رسیدن به آرامش موقتی و انطباق با جامعه که در روان‌شناسی مطرح است نمی‌باشد. این تغییر عقاید در دین تحت عنوان تربیت اسلامی

یعنی خودشناسی، خودیابی و خودسازی و خدایابی است. بنابراین نقطه افتراق روان‌شناسی و دین در دیدگاه الهی و وحیانی است.

یاد خدا هدفی است که با آبیاری آن، تعقل و احساسات نیز رو به رشد می گذارند (مطهری، ۲۳٦) تاثیر این مساله را در آیات ذیل می‌توان مشاهده کرد. که خداباوری عامل دوری از افکار واعمال شیطانی است همچون کلام حضرت یوسف که نشان از ایمان عمیق دارد:

«إِنَّ الَّذِینَ اتَّقَوْاْ إِذَا مَسهمْ طَائفٌ مِّنَ الشَّیْطَانِ تَذَکَّرُواْ فَإِذَا هُم مُّبْصِرُون» (اعراف: ۲۰۱) کسانی که پرهیزکاری پیشه کردند چون با پندار شیطانی برخورد کنند (خدا را) یاد کنند و در دم به بصیرت آیند.

«وَ راوَدَتْهُ الَّتی هُوَ فی بَیْتِها عَنْ نَفْسِهِ وَ غَلَّقَتِ الْأَبْوابَ وَ قالَتْ هَیْتَ لَکَ قالَ مَعاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّی أَحْسَنَ مَثْوایَ إِنَّهُ لا یُفْلِحُ الظَّالِمُونَ» (یوسف: ۲۳) یوسف جواب داد: به خدا پناه می‌برم، او خدای من است، مرا مقامی منزه و نیکو عطا کرده (چگونه خود را به ستم و عصیان آلوده کنم)، که هرگز ستمکاران رستگار نمی‌گردند.

«نِساؤُکُمْ حَرْثٌ لَکُمْ فَأْتُوا حَرْثَکُمْ أَنَّی شِئْتُمْ وَ قَدِّمُوا لِأَنْفُسِکُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّکُمْ مُلاقُوهُ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِینَ» (البقرة: ۲۲۳) غرض از بقای نوع بشر، بقای دین او، و ظهور توحید و پرستش او است، «وَ ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِیَعْبُدُون» (ذاریات: ٥٦). نه برای اینکه در شهوات شکم و فرج فرو رفته، در وادی غی و غفلت سرگردان شوند (ترجمه المیزان، ۳۲۱/۲). در نتیجه در دیدگاه الهی تنها راه رسیدن به سلامت روان، پذیرش و عمل به اعتقاد توحیدی است. اخلاق اسلامی از توحید سرچشمه می‌گیرد و به توحید پایان می‌یابد، تربیت اسلامی همین طور (مطهری، ۲٤۹/۲).

در این دیدگاه سایر عقاید غیر الهی و ضد توحیدی انسان را به سمت اختلال روان و سقوط می کشاند بنابراین رعایت موازین الهی در زندگی فردی و اجتماعی منجر به سلامت روان و رشد فرد می‌گردد.

شناخت صحیح نسبت به خود (خودشناسی)

خودشناسی به معنی این است که انسان مقام واقعی خویش را در عالم وجود درک کند؛ اینکه پرتوی از روح الهی در او هست؛ و مسئول آباد کردن جهان و بهتر کردن جهان است «هُوَ

انْشَأَكُمْ مِنَ الْارْضِ وَ استَعْمَرَكُمْ فی‌ها» (هود: ٦١) (مطهری، ٢٨٥/٢).

وقتی انسان خودِ ملکوتی را احساس کند تن به حقارت نمی‌دهد: «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هانَتْ عَلَيْهِ شَهَواتُهُ «اینکه مکرر داشتیم که هرکس کرامت نفس خودش را احساس کند تن به ذلت نمی‌دهد (مطهری، ٤٢١/٢٢).

بنابراین کلید اصلی شخصیت و رفتار هر شخص به تصویر ذهنی و آن برداشت ذهنی و روحی است که فرد از خودش دارد این تصویر قابل تغییر است. و بدین ترتیب فرد خود می‌تواند درمانگر خود باشد.

سه اصل مهم برای سلامت روان؛ خود را ب شناس، خود را قبول داشته باش و خودت باش. بسیار اهمیت دارد که آدمی خود را آن طور که حقیقتاً هست بشناسد (هدفیلد، ٣٧١).

خود را بشناس؛ «وَفِی أَنفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ» (الذاریات ٢١: ٢٠). «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُوْلَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (الحشر: ١٩). «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ عَلَيْكُمْ أَنفُسَكُمْ» (المائده: ١٠٥).

خودت را قبول داشته باش: «لاَ تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلاَّ وُسْعَهَا» (البقره: ٢٣٣). «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الأَرْضِ خَلِيفَةً» (البقره: ٣٠). به ارزش وجودی خود احترام بگذار. واقعیت پذیری (خودت باش) وجود خود و جامعه از لوازم سلامت روان است.

بنابراین از مهم ترین مباحث حوزه معارف دینی انسان و کرامت اوست انسان از دیدگاه اسلام دارای شخصیت و کرامتی است که او را در بالاترین جایگاه در پدیده‌های هستی قرار داده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِی آدَمَ.....» (الاسراء: ٧٠). «مَن كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا.... (فاطر: ١٠) هر که طالب عزت است بداند که تحکم و عزت خاص خداست.

انسان با نیروی معرفت و راهنمایی انبیاء دریافت که از خداست و احساس کرامت و بزرگواری نمود و به این نتیجه رسید که آنچه که در دنیاست قابلیت وابستگی ندارد. او خود از همه دنیا بزرگ تر است. امام علی (ع): «من کرمت علیه نفسه صغرت الدنیا فی عینه» (آمدی، ١٦٠/٢و ٢٢٦)

تعبیراتی مثل خود فراموشی، نسیان، غفلت، ظلم به نفس، همگی نشانه ارزش و اهمیت باب خود شناسی است. بنابراین فرد در دیدگاه الهی باید خود کنترلی و خودمهاری داشته باشد و در مواقع لازم خود را اصلاح نماید. آنچه مسلم است اینکه در روان شناسی توجه به خود به

دنبال تربیت نیست و صرفا به رابطه انسان با خود و با محیط اشاره دارد در حالی کـه در دیـن رابطه دیگری تحت عنوان انسان با خدا مطرح است و این رابطه اساس همه روابط دیگر اسـت و هر نوع رابطه‌ای باید بر مبنای این رابطه پی ریزی شود.

در بحث خود شناسی باید تفاوت های جنسیتی را هم در نظر داشت که مورد توجـه قـرآن نیز هست به نظر می‌رسد تاکید دین بر دخالت این عنصـر در تنظـیم احکـام و عبـادات دینـی دلالت بر این مساله دارد. بسیاری از احکام و عبادات دینی در اسلام، بر اسـاس جنسـیت فـرد متفاوت می‌شوند. بنابراین جسم و روان در یکدیگر تأثیر متقابل دارند.

غلبه دادن شناخت عقلی، فطری و وحیانی بر شناخت حسی

انسان از طریق شناخت حسی، عقلی، قلبی و وحیانی خود در تعامـل بـا محـیط، شـناخت فطری (شخصیت بالقوه) خود را بالفعل می سازد. گر چه هنوز در مورد اینکه فطـرت شـناخت است یا گرایش بحث است برخی آن را دارای هر دو ساحت شناخت و گـرایش مـی‌داننـد. در هر حال این نوع شناخت در روان شناسی نادیده گرفته شده است. هـر یـک از ایـن مبـادی در صورتی که دچار گناه وغفلت شوی کارایی اش را در تشخیص صحیح از ناصـحیح ودر نتیجـه عملکرد درست از دست می دهند. «لهم قلوب لا یفقهون» (اعراف: ۱۷۹). وفرد صرفا به آنچه از حواس به دست می‌آورد، محدود می‌شود. امام صادق (ع) می‌فرمایند: «قلب سـلیم قلبـی اسـت که از محبت دنیا سالم باشد» (طبرسی، ۲۵٤/۷).

نظر استاد مطهری در کتاب فطرت در ایـن مقولـه؛ ایشـان فطـرت انسـان را دارای هـر دو ویژگی شناخت وگرایش می‌دانند، این ملاک ابزار بسـیاری از تشـخیص‌هـای انسـان در مـورد رفتار درست از نادرست است. «فالهم‌ها فجورهـا وتقـواهـا» (شـمس: ۸) ایـن آیـه بـه هـر دو بعدشناختی و عاطفی (هیجانی) فطرت دلالت دارد (مطهری، ۵۳۹/۳).

فطره الله التی فطر الناس علی ها (روم: ۳۰): این آیه نشان دهنده این گرایش فطـری فـرد را به سوی توحید، ایمان و وحی می برد که در سایه تعالیم وحی به بسیاری از رفتارهای درست و نادرست پی می‌بریم.

یک دانشجو، طبیعت جوانی‌اش او را به سوی شهوترانی می‌خواند، اما عقـل بـه چشـم از شهوت پوشیدن می‌اندیشد، انسان حکم عقل را که مصلحت است بر حکم طبیعـت کـه لـذت است ترجیح می‌دهد. (مطهری، ۵۳/۲) «شناخت حسی» شناختی است که مشترک میان انسان و

حیوان است و این غیر از شناخت علمی و شناخت عمقی و شناختی است که مخصوص انسان است. (همو، ۱۰/ ۲۶۳).

وَ قَالَ ع «إِنَّ أَفْضَلَ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ مَنْ أَحْيَا عَقْلَهُ وَ أَمَاتَ شَهْوَتَهُ». قَالَ ع «مَنْ لَمْ يَمْلِكْ شَهْوَتَهُ لَمْ يَمْلِكْ عَقْلَهُ» قَالَ ع «مَنْ غَلَبَ شَهْوَتَهُ ظَهَرَ عَقْلُهُ» (محدث نوری، ۲۱۱/۱۱، باب وجوب غلبة العقل علی الشهوة).

در رویکرد شناخت درمانی محیط، فرد، شیوه تربیت و خصوصیات شخصیتی عامل شکل گیری شناخت است و تکیه اش بر روی شناخت حسی و عقلی است. تفکرات غیر منطقی عامل فشار روانی را تحت تأثیر عوامل محیطی و فردی می داند. در حالی که دین انحراف از توحید و غفلت نسبت به آن را مطرح می کند. برای رسیدن به چنین باوری که ضامن سلامت جسم و روان است دین راههای شناخت دیگری علاوه بر حس و عقل ارائه داده است. از جمله فطرت، قلب و شناخت از طریق وحی می‌باشد. این راه‌ها برای تشخیص منطقی بودن یا نبودن افکار میزان تأیید شده‌ای در دین هستند. این باور را می‌توان تحت عنوان شناخت درمانی مذهبی قرار داد.

انحراف از توحید (کفر) ← انحراف فکری ← شکل گیری رفتار نادرست

باور به توحید (ایمان) ← افکار درست ← رفتار درست

بنابراین حس، تعقل، وحی، فطرت، قلب، همگی کانال‌های مختلف ارتباط بشر با عالم هستی است. او با این معارف پاسخ پرسش هایش را می یابد تغییر در معارف منجر به تغییر در شخصیت و در نتیجه رفتار آدمی می‌گردد. مهم‌ترین نوع معرفت، معرفتی است که پاسخگوی سوالات اساسی بشر باشد از کجا آمده‌ام؟ چرا؟ به کجا؟ چگونه می‌روم؟.

یاد مرگ (معادشناسی)

مرگ در متون دینی به منزله مرحله ای از زندگی است و در جهان بینی اسلامی مرگ با معاد پیوند دارد ایمان به زندگی جاوید و حیات اخروی که در اصل معاد متجلی می گردد پس از توحید مهم‌ترین اصلی است که از سوی پیامبران مورد تأیید قرار گرفته است. «يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ»؛ «ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً» (فجر: ۲۸-۲۷).

بنابراین اعتقاد به رستاخیر نافذترین و موثرترین باور در جهت دادن به رفتار آدمی است. در بینش الهی زندگی انسان دارای دو مرحله دنیا و آخرت است اگر زندگی دنیایی غرق در

لذت باشد و فرد از زندگی ابدی خود غفلت نماید دچار خزی در دنیا و آخرت می‌گردد و شاید بتوان گفت که اختلال در رفتار از مصادیق خزی در دنیا باشد. این اعتقاد بینش انسان را نسبت به زندگی تغییر می‌دهد و منجر می‌گردد که فرد نسبت به دنیای فانی دلبسته نگردد. فرد با توجه به این اعتقاد به کنترل افکار و رفتار خود می پردازد و به نوعی برخود مسلط می شود زیرا ایمان به معاد منجر می‌گردد انسان بفهمد هیچ یک از اعمال وی پاک نخواهد شد و بی‌پاسخ نخواهد ماند. «يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِن تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ.... يَأْتِ بِهَا اللَّهُ....» (لقمان: ١٦).

امام حسن (ع): «استعد سفرک و حصل زادک قبل حلول أجلک و اعلم أنک تطلب الدنیا والموت یطلبک.....». (برای سفر آخرت آماده شو، توشه ات را قبل از رسیدن زمان مرگت فراهم ساز و بدان که تو دنیا را طلب می‌کنی و مرگ نیز تو را طلب می‌کند برای دنیایت چنان عمل کن که گویی نخواهی مرد و برای آخرت چنان عمل کن گویی فردا خواهی مرد) (مجلسی، ٤٤/ ١٣٩).

بنابراین اعتقاد به معاد مانعی بر سر حرکت آدمی نیست بلکه در فرد حس مسئولیت پذیری را بر می انگیزاند. زیرا باید در قبال اعمال خود پاسخگو باشد. این باور بهترین مانع ورود به انحرافات و آسیب‌های جنسی است.

شناخت نسبت به آسیب‌های انحرافات جنسی

تفکر و اندیشه در پیامدهای منفی وآسیب های انحرافات جنسی، اثر عمیقی در کنترل آن و حفظ عفت عمومی دارد. امام علی (ع) می فرماید: «هرگاه در لذت (حرامی) باشی، به یادآور که روزی زایل می شود و اگر در هر نعمتی هستی، به خاطر داشته باش که روزی سلب خواهد شد. در بلاها نیز انتظار برطرف شدن آن را داشته باش، زیرا این یادآوری‌ها، نعمت را پایدارتر و شهوات را دور می‌سازد.» (ری شهری، ٤/ح ٣٤٨٤)

«الزَّانِيَةُ وَ الزَّانِي فَاجْلِدُواْ كل وَاحِدٍ منهما مِأْئَةَ جَلْدَة.....» (نور: ٢). مجازاتهای دنیایی تحت عنوان جلد ورجم در قرآن، بهترین بازدارنده است. ازآثار شهوت افسار گسیخته، تجاوز به عنف، همجنس بازی، دوست یابی، زنا، بیماریهای مقاربتی و واگیردار (ایدز، سوزاک، سفیلیس و...) است (کجباف، ١٣٣) و در واقع محرومیت از سلامت جسم و روان است.

تن ها در سایه عفت و تقواست که می‌توان غریزه را به حد کافی اشباع کرد و جلو هیجانهای بیجا و ناراحتی‌ها و احساس محرومیت‌ها و سرکوب شدن‌های ناشی از آن هیجان‌ها

را گرفت (مطهری، ۱۹/ ٦٥٩).

بنابراین تحریک مداوم جنسی، انسان را پیوسته در وضعیت هیجانی و استرس زا قرار می‌دهد و همین امر، بهداشت روانی فرد را تهدید می‌کند، آشفتگی‌ها، استرس‌ها و ناراحتی‌های عصبی او را به اوج می‌رساند. پس عفت گرایی، بهداشت کامل جنسی را تامین می‌کند.

روش‌های رفتاری-مذهبی

دین علاوه بر شناخت، یکسری رفتارهای مذهبی مثل نماز، روزه و... تجلی همان بسترشناختی – عاطفی است، را نیز ارائه کرده است. در روش‌های رفتاری دستورات و توصیه‌های عملی مطرح شده است.

انسان عصر علم و دانش با انسان ما قبل این عصر در اینکه اسیر و بنده خشم و شهوت خویش است هیچ فرق نکرده است. علم نتوانسته است آزادی از هوای نفس را به او بدهد (همو، ۳/ ۳٥٦).

بنابراین علاوه بر تغییر شناخت‌ها وافزایش آگاهی از ویژگی‌های جسمی وروحی، جنس زن ومرد و به واقع نوع انسان، ما نیازمند تغییرات و تمرینات رفتاری نیز بر پایه شناخت‌های صحیح هستیم.

صبر و سرسختی

«..... الصابرینَ وَ الصابرَاتِ..... وَ الحافِظِینَ فُرُوجَهُمْ وَ الْحَفِظَتِ.....» (احزاب: ۳۵).

صبر در این آیه در کنار حفظ فرج مطرح شده است که نشان می دهد از لوازم آن محسوب می‌شود.

اگر انسان در تضادهای اجتماعی که در زندگی با آن‌ها مواجه می‌شود خویشتن دار و صبور نباشد گاهی نه تنها مشکل بر طرف نمی‌شود بلکه پیچیده‌تر می‌گردد و کارکرد روانی او تضعیف می‌شود (دیماتئو، ۷٦۳/۲).

صبر بر سه قسم است: صبر به هنگام مصیبت، صبر بر طاعت و صبر از معصیت. ضد صبر جزع و بی تابی است. صبر از شهوات، عفت است. رسول اکرم (ص): «الصبر ثلاثه: صبر عندالمصیبه و صبر علی الطاعه و صبر عن المعصیه» (کلینی، ۲/ ۸۹).

صبر از معصیت: چون معصیت با شهوت است و شهوت لذت بخش است در نتیجه فرد

باید صبور و خوددار باشد.

صبر به معنای تحمل چیزی که انسان از آن کراهت دارد و صبر در فرهنگ قرآن غیر از سکوت است (جوادی آملی، ۱۷۰/۷ –۱۶۹). شاید در بدو امر صبر را روش هیجانی به حساب آورید اما با صبر وقتی فرد به آرامش رسید آنگاه می تواند تدبیر نماید و حرکت خود را از نو آغاز کند. طبق آیه ۱۵۸–۱۵۳ البقره که در آن بعد از صبر از حج و حرکت سخن به میان آمده می‌توان گفت صبر به معنی سکون نیست.

«والذین هم لفروجهم حافظون الا علی ازواجهم او ما ملکت ایمانهم فانهم غیر ملومین فمن ابتغی وراء ذلک فاولئک هم العادون» _ مومنون: ۷–۵) و همان کسانی که دامانشان را (در امور جنسی) حفظ می‌کنند، مگر در مورد همسرانشان یا آنچه (از کنیزان) مالک شده‌اند، که در حقیقت آنان (در این موارد) سرزنش نمی شوند، کسانی که فرا تر از این جویند، پس تنها آنان تجاوزگرند.»

در آیه ۳۳ سوره نور می فرماید: «ولیستعفف الذین لا یجدون نکاحاً حتی یغنیهم الله من فضله» آن‌ها که وسیله ازدواج ندارند باید عفت پیشه کنند، تا خداوند آنان را به فضلش بی‌نیاز کند امام علی (ع) می‌فرماید: «شهوت‌ها و خواسته‌های نفسانی، بیمارهای کشنده هستند و بهترین دوای آن‌ها صبر و پایداری در برابر آن‌ها است»، (آمدی، ۷۲/۱).

بنابراین یکی از مصادیق صبر در روایات صبر در طاعت و بندگی خدا و دوری از شهوات و تمایلات غریزی و حیوانی، انسان است.

نماز

«..... إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاء وَالْمُنكَرِ..... «(عنکبوت: ٤٥).

«يَاأيها الَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَ مَن يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ.... »(۲۱) هر کس قدم به قدم از پی شیطان رفت او به کار زشت و منکرش واداشت (طباطبایی، ۱۲۷/۱۵).

«الحافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَ الْحَفِظَتِ وَ الذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيراً وَ الذَّاكِراتِ» (احزاب: ۳۵ کسانی که ذکر خدا را بسیار می‌کنند، هم با زبان و هم با قلب، و این ذکر شامل نماز و حج نیز هست (همو، ٤٧٠/١٦).

رسول اکرم: «کسی که نمازش او را از فساد و فحشا باز ندارد جز دوری از خدا بهره ای از

نماز نمی‌برد» (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ٤: ۱۱۵–۱۱٤ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ اسْتَعِينُواْ بِالصَّبْرِ وَالصَّلاَةِ إِنَّ اللّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (البقره: ۱۵۳) سایر آیات مرتبط: البقره: ٤۵ – ۸۳، النساء: ۱٦۲، التوبه ۱۸: ۱۱: ۵، ابراهیم: ۳۱، مریم: ۵۵، المائده: ۵۵.

از آنجا که انسان با نماز به عظمت خدا پی می برد، دربرابر خدا خضوع می‌نماید. این شناخت انسان را به رفتارهای عبادی و همچنین درست رهنمون می‌شود.

روزه

«..... وَ الصَّئِمِينَ وَ الصَّئِمَتِ وَ الحافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَ الْحَافِظَتِ...» (احزاب: ۳۵)

قرار گرفتن روزه در کنار حفظ فرج در سیاق آیه نشانه ارتباط و تاثیر این دو مولفه در کنار هم است.

روزه دست کشیدن از غذا و حفظ اعضا و جوارح و درون (فکر و قلب) از هر آنچه که برای فرد مضر است و منجر به تشویش وی می گردد که از آن تحت عنوان گناه یاد می‌شود. دکتر الکسیس کارل فیزیولوژیست فرانسوی: «درروزه داری، با تلاش معنوی، تعقل و تملک نفس می توان تعادل اعمال بدن را حفظ کرد. بایدبا گرسنگی، کم خوابی و کاهش غرایز جنسی بر نفس مسلط شده و بین جسم و روان هماهنگی به وجود آورد (اصفهانی، ١٤).

پرخوری موجب طغیان غرایز و هیجان شهوت است، چنانکه امام صادق (ع) می فرماید: برای قلب مؤمن چیزی مضرتر از پرخوری نیست، زیرا پرخوری، عامل قساوت قلب و هیجان شهوت است (محدث نوری، ۲۱/ ٤۹).

بنابراین روزه‌داری منجر به تزکیه نفس وخودسازی و تقویت سلامت روان می گردد. روزه داری یعنی خودآگاهی و تسلط بر نفس می باشد. در نتیجه اعمال مذهبی در انسان آرامش هیجانی، فرصت خودشکوفایی، احساس راحتی، مهار تنش ها، نزدیکی به خدا و کمک به حل مشکلات می نمایند. همه این اعمال برای یاد خداست. یاد خدا منجر به آرامش روانی است و در قرآن آمده هر که از یاد خدا روی گرداند در سختی و تنگی قرار می‌گیرد زیرا یاد خدا فرد را از امیال و تنش‌ها باز می‌دارد و به جای توجه صرف به لذایذ زندگی که ناکامی به همراه دارند و منجر به تنیدگی هستند منجر به تقویت رابطه فرد و تقرب به خدا می‌گردد.

الگوگیری

از ضروری ترین راهکارهای تحقق تربیت، بسترسازی برای همانند سازی با الگوهای سالم

است. عرضه الگوی کامل شخصیت پایداری را در فرد پی ریزی می نماید و بستر مناسبی را برای شکوفایی فراهم می آورد. اگر فرد در الگوگیری دچار بحران شود شخصیت ناپایداری در او شکل می گیرد «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ.....» (الاحزاب: ۲۱). «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ» (الممتحنه: ٤). سایر آیات: مریم: ٤١، ٥١ و ٥٦.

الگو به معنای طرح و سرمشق و نمونه و مدل است. در مورد انسان نیز الگو به شخصیتی گفته می شود که به دلیل دارا بودن برخی خصوصیات، شایسته تقلید است. در قرآن از آن به اسوه و قدوه تعبیر شده است.

الگوسازی از تکنیک‌های مشاوره رفتاری است که طی آن فرد رفتارهایی را از دیگران الگو می‌گیرد که تحت عنوان همانندسازی، تقلیدویادگیری غیر مستقیم نامیده می‌شود این روش به مراجع کمک می کند تا رفتارهای مطلوب را بیازمود (هاسفورد، ١٩٧٤، داستین و جورج ۱۹۷۳، به نقل شفیع‌آبادی، ۱۳۸۵، ۲۹٦).

اسوه و قدوه ناظر به الگوهای انسانی هستند که در تقویت ابعاد شناختی و رفتاری انسان موثرند. تقلید از پایه های یادگیری است. انسان در مسیر رشد و رسیدن به واقعیت به انسانی نیاز دارد که او را به این رشد برساند. از اهداف بیان قصه‌ها ارائه نمادها و نمونه‌هایی از نظر فکری و عملی است.

«وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ.....» (الانبیاء: ۷۳). بنابراین انسان باید در زندگی به ویژه در راه رشد و تعالی شخصیت و کسب کمالات الهی دارای الگو باشد.

از جمله مختصات پیامبران «عصمت» است. زنا نمی‌کنند نه به دلیل اینکه از شهوت جنسی خالی است و یا اینکه گناه نکردن و اشتباه نکردن پیامبران معلول نوع بینش و درجه یقین و ایمان آنهاست؟ البته تنها همین شق صحیح است (مطهری، ۲/ ۱۵۸). عشق و محبّت به پاکان و اولیاء حق که انسانساز است و عامل بسیار ارزنده‌ای است برای تربیت و برای به حرکت آوردن روح‌ها و زیر و رو کردن روحیّه‌ها (همو، ۲۷۲/۳).

حفظ حجاب

در سیستم تربیتی قرآن، روش‌ها و تکنیک‌های تربیتی درباره حجاب میان زن و مرد اعم از روابط کلامی-رفتاری-نگاه (غض عین)، این دو گروه در عرصه های مختلف زندگی است.

جنبه‌های مهمی از فرایند تربیت جنسی در این سیستم: عدم خودنمایی، عدم زنا، عدم دوست یابی (مخلدات اخدون)، هم جنس بازی (لواط، سحق). این موارد نشانه گستردگی مفهوم حجاب در دیدگاه قرآنی است و صرفا به معنای پوشش ظاهری نیست. و همه این ها تحت عنوان حفظ حیا و عفت معنا می یابد. عفاف پیشگی، منشا رهایی از همه این اضطراب هاست. پس اصل در مساله حجاب حفظ عفت است. علی (ع) در این باره نیز فرموده اند: «من غض طرفه، اراح قلبه» هر کس نگاهش را از نامحرم فرو بندد، قلبش آسوده می گردد (محدث نوری، ۲۷۱/۱٤).

آیه‌ای که در آن آیه کلمه «حجاب» به کار رفته آیه ۵۳ از سوره احزاب است که می‌فرماید: «وَ اذا سَأَلْتُموهُنَّ مَتاعاً فَاسْألو هُنَّ مِنْ وَراءِ حِجابٍ» یعنی اگر از آن ها متاع و کالای مورد نیازی مطالبه می‌کنید از پشت پرده از آن‌ها بخواهید.

«آیه حجاب»: «قُلْ لِلْمُؤْمِنينَ يَغُضّوا مِنْ ابْصارِهِمْ.... قُلْ لِلْمُؤْمِناتِ يَغْضُضْنَ مِنْ ابْصارِهِنَّ..» یا آیه سوره احزاب که می‌فرماید: يُدْنينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلابيبِهِنَ الی آخر.

انواع التذاذهای جنسی، چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر، به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی باید اختصاص یابد، اجتماع منحصراً برای کار و فعالیت باشد. برخلاف سیستم غربی عصر حاضر که کار و فعالیت را با لذت جوییهای جنسی به هم می‌آمیزد اسلام می‌خواهد این دو محیط را کاملًا از یکدیگر تفکیک کند (همو، ۱۹/ ٤٥٦).

حجاب کلامی: «يَنِسَاءَ النبی لَسْتنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتنَّ فَلَا تخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِی فِی قَلْبِهِ مَرَضٌ وَ قُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا» (احزاب: ۳۲).

حجاب رفتاری: «يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ لِيَسْتاذِنكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ ايمانكم وَ الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُواْ الحُلمَ منكم ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِّن قَبْلِ صَلَوةِ الْفَجْرِ وَ حِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُم مِّنَ الظَّهِيرَةِ وَ مِن بَعْدِ صَلَوةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ...». (نور: ۵۸).

ای کسانی که ایمان دارید باید به کسانی که شما مالک آنان شده‌اید و کسانی که هنوز به عقل نرسیده‌اند دستور دهید در شبانه روز سه وقت از شما اجازه ورودکه این سه هنگام، هنگام خلوت شما است و پس از آن می‌توانند بدون اجازه وارد شوند (نور: ۵۸).

«وَ إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَلُ مِنكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتأذنوا كَمَا اسْتأذن الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ....» (نور: ۵۹). و چون کودکانتان به عقل رسند باید اجازه دخول بگیرند، چنان که نام بردگان، قبل از ایشان (و یا آنان

که زودتر از ایشان به حد رشد رسیدند) اجازه می‌گرفتند،

«یا ایُّهَا الَّذینَ امَنوا لاتَدْخُلوا بُیوتَ النَّبیِّ الّا انْ یُؤْذَنَ لَکُمْ..... وَ اذا سَألْتُموهُنَّ مَتاعاً فَسْئَلُوهُنَّ مِنْ وَراءِ حِجابٍ ذلِکُمْ اطْهَرُ لِقُلوبِکُمْ وَقُلوبِهِنَّ.....» (احزاب: ۵۳).

دستور حجاب در این آیه راجع به سنن خانوادگی و رفتاری است که انسان باید در خانه دیگران داشته باشد. طبق این دستور مرد نباید وارد جایگاه زنان شود، بلکه اگر چیزی‌می‌خواهد و مورد احتیاج اوست باید از پشت دیوار صدا بزند. (همو، ٤٩٨/١٩).

«وَ لا تَقْرَبُوا الزِّنی إِنَّهُ کانَ فاحِشَةً وَ ساءَ سَبیلًا».

فرموده نزدیکش هم نشوید: «وَ ساءَ سَبیلًا» این روش، روش زشتی است که به فساد جامعه، آن هم فساد همه شؤون اجتماع منجر می‌شود، و به کلی نظام اجتماع را مختل ساخته و انسانیت را به نابودی تهدید می‌کند، و در ضمن صفات مؤمنین فرموده «وَ لا یَزْنُونَ وَ مَنْ یَفْعَلْ ذلِکَ یَلْقَ أثاماً یُضاعَفْ لَهُ الْعَذابُ یَوْمَ الْقِیامَةِ وَ یَخْلُدْ فِیهِ مُهاناً إِلَّا مَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صالِحا» (فرقان: ٦٨) (طباطبایی، ۱۳/ ۱۱۷).

«..... أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ..... (۸۰) إِنَّکُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شهوةً مِّن دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ» (اعراف:۸۱).

« أَتَأْتُونَ الْفاحِشَةَ» مراد از فاحشه عمل لواط است، به دلیل اینکه در آیه بعد می‌فرماید: «لَتَأْتُونَ الرِّجالَ شَهْوَةً». کنایه است از عمل نامشروع با مردان، و این عمل را از آنجایی که تجاوز و انحراف از قانون فطرت است، اسراف نامیده و فرموده:«بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُون» (همو، ۸/ ۲۳۲).

زنا منشأ فساد در اخلاق انسانی شخص می‌شود و دیگر دنبال مقامات عالی انسانیت نمی‌رود و همیشه دنبال اشباع این غریزه است (مطهری، ٢٤٣/٤). بنابراین قرآن ترک زنا را برای نگاهداری و سلامت نسب‌ها، واجب کرده است.

سایر آیات مربوط به زنا، دوست یابی، غص عین و حفظ فرج:

«.... مُحْصَناتٍ غَیْرَ مُسافِحاتٍ وَ لا مُتَّخِذاتِ أَخْدانٍ..... » (نور: ۲۵) پس با کنیزان عفیف و نه زناکار و رفیق‌گیر البته با اجازه مولایشان ازدواج کنید (نور: ۲۵)

«..... غَیْرَ مُسافِحینَ وَ لا مُتَّخِذی أَخْدانٍ..... » بشرط اینکه اجرتشان را- که به جای مهریه در زن دائمی است- بدهید، آنهم به پارسایی، نه زناکاری و رفیق گیری، (مائده: ۵).

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِینَ یَغُضُّوا مِنْ أَبْصارِهِمْ وَ یَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذلِکَ أَزْکی لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبیرٌ بِما یَصْنَعُونَ وَ قُلْ لِلْمُؤْمِناتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصارِهِنَّ وَ یَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ...» (سوره نور آیه ۳۱ – ۳۰) به مؤمنان بگو چشم های خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند، و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند.

با توجه به آیات مطرح شده، رعایت موازین مربوط به حجاب برای همه کس و در هر شرایطی لازم و ضروری است؛ تحریک و تهییج، غریزهٔ شهوت را بیدار و فرد را در فشار قرار می‌دهد؛ اگر از راه‌های غیراخلاقی و غیرشرعی استفاده نماید، به گناه و فساد کشیده می‌شود و اگر اطفای شهوت ننماید، فشار غریزهٔ جنسی جسم و روان فرد را دچار آسیب جدی می سازد، پس اجرای روش‌های تربیتی قرآن، منجر به ایجاد بستری سالم در روابط بین فردی واجتماعی و پیشگیری ودرمان اختلالات جنسی می‌شود. در دیدگاه قرآنی بحث عفاف وحجاب مربوط به هر دو قشر، زن ومرد می شود. این مساله نشان ازاینکه هر دو در معرض آسیب وانحراف جنسی قرار دارند. پس تکالیف نیز مورد توجه هر دوی آنهاست.

ازدواج

طبیعی‌ترین و اصلیترین راه تأمین و مهار غریزهٔ جنسی، ازدواج است؛ تنها با ازدواج است که به طور کامل و صحیح فشار غریزهٔ جنسی کاهش یافته و تعدیل می‌شود.

«وَ مِنْ ءَایَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُمْ مِّنْ أَنفُسِکُمْ أَزْوَاجًا لِّتَسْکُنُواْ إِلَیْهَا وَ جَعَلَ بَیْنَکُم مَّوَدَّةً وَ رَحْمَةً.....» (۲۱: روم). از جنس خودتان زوج آفرید. آری هر یک از مرد و زن فی نفسه ناقص، و محتاج به طرف دیگر است، چون هر ناقصی مشتاق به کمال است، و این حالت همان شهوتی است که در هر یک از این دو طرف به ودیعت نهاده شده است (طباطبایی، ۱۶/ ۲۴۹). در آیه قرآن، «مودّت» و «رحمت» با شهوت و میل طبیعی فرق دارد (مطهری، ۶۷۲/۱۹).

اگرخوشی و مسرت در زندگی را مساوی با اعمال شهوت بدانیم، البته انتقال کامیابیهای جنسی از کانون خانوادگی به اجتماع بزرگ لذت و مسرت بیشتری خواهد داشت (همو، ۶۴۸/۱۹).

در حالی که گرچه ازدواج یکی از روش های مورد تایید قرآن برای اطفای غریزه جنسی است اما طبق آیه و نظریه های تفسیری علامه طباطبایی و دیدگاههای شهید مطهری هدف غایی ازدواج مودت و رحمت و رشد فرد وجامعه و در نهایت بندگی و تقرب به خداست. این

نقطه تفاوت دیدگاه الهی با دیدگاههای سایر مکاتب است.

حمایت اجتماعی

«وَ أَنكِحُواْ الْأَيَامَى منكُم وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عبادكُم وَ إِمَائكُمْ إِن يَكُونُواْ فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ....» و البته باید مردان بی‌زن و زنان بی‌شوهر و کنیزان و بندگان شایسته خود را به نکاح یکدیگر درآورید، اگر آن مردان و زنان فقیرند خدا به لطف و فضل خود آنان را بی‌نیاز و مستغنی خواهد فرمود (نور: ۳۲).

بارون و برن معتقدند (۱۹۹۷) حمایت اجتماعی همچون سپری فرد را در برابر فشارهای درونی و بیرونی حمایت می کند و این حمایت شامل حمایت عاطفی، عضویت در شبکه اجتماعی، خود ارزشمندی عالی و اطلاعاتی می‌باشد (ساراسون، ساراسون، پیرس، ۱۹۹۰، به نقل جلالی، ۱۰۲).

حمایت از طبقات پایین جامعه:

«وَ لْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يجدُونَ نِكَاحًا حَتىَ يُغْنِيَهُم اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَ الَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيراً وَ ءَاتُوهُم مِّن مَّالِ اللَّهِ الَّذِى ءَاتَئكُمْ وَ لَا تُكْرِهُواْ فَتَيَاتِكُمْ عَلىَ الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحصُّنًا لِّتَبْتَغُواْ عَرَضَ الحَيوة الدُّنْيَا....» (نور: ۳۳).

و کسانی که وسیله نکاح کردن ندارند به عفت سر کنند و از مملوکانتان کسانی که خواستار آزادی خویش و پرداخت بهای خود از دسترنج خویشند پیشنهادشان را بپذیرید و از مال خدا که عطایتان کرده به ایشان بدهید و کنیزان خود را که می‌خواهند دارای عفت باشند به خاطر مال دنیا به زناکاری وامدارید (نور: ۳۳).

خداوند در آیات متعددی به ویژدر سوره های نور، احزاب ونسا انواع حمایت اجتماعی را در مساله ایجاد روابط سالم بین زن ومرد مطرح کرده است.

حمایت افراد نسبت به یکدیگر منجر به ایجاد رابطه دوستی و پیوند قلب ها با یکدیگر می گردد. بنابراین حمایت اجتماعی عبارت از دلگرمی و پشتیبانی است که فرد از اعضای خانواده، دوستان و همکاران و هم نوعان خود در زندگی دریافت می‌کند.

مطالعات چندی تأثیر مفید حمایت اجتماعی را در کاهش ابتلاء به بیماری به هنگام رویارویی با فشار روانی مستند ساخته‌اند (کوب ۱۹۷٦، لاروکو، هوس، فرنچ، ۱۹۸۰ به نقل شکرشکن، ۱٦۷).

از جمله موارد حمایت اجتماعی در فرهنگ دینی که شبیه به گروه درمانی در روان شناسی غربی است. مراسم روضه است این مراسم، یک گروه کوچک تحت رهبری یک روضه خوان به برخی آداب رفتاری روی می‌آورد. از جمله پیامدهای آن تخلیه شدید روانی، کاهش فشارهای روانی می‌باشد اما متأسفانه ظرفیت بالقوه بالینی این مراسم هنوز به طور اساسی بررسی نشده است (کیم وبری، ۱۸٤).

توکل و اعتماد به نفس، صدای تسکین یافته، آرامش و پناه بردن در دنیای الهی و عرفانی و همبستگی و پای‌بندی و همدلی شرکت کنندگان رادر بیان و رفتار افزایش می‌دهد.

برگزاری این مراسم در زیارتگاه‌ها و مساجد خود عاملی جهت آرامسازی است «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللّهِ مَنْ آمَنَ بِاللّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ....» (التوبه: ۱۸). پیامبر اکرم (ص): «و اتخذوا مساجد بیوتاً» (مجلسی، ۳۵۱/۸۳).

این اجتماع منجر به آگاهی افراد از وضع مشکلات یکدیگر و حمایت انسانی می‌گردد و در نتیجه اعتماد به نفس افراد را بالا می‌برد برنامه‌های گروهی مثل اطعام، نذر، قربانی و... منجر به کاهش نگرانی است که انجام مراسم دینی و مذهبی و فرائض دسته جمعی مثل نماز، روزه، دعا منجر به تخلیه هیجانی و آرامش روانی می‌گردد.

پیشگیری از احساس تنهایی و درماندگی و ایجاد امیدواری مستمر، در عبادات جمعی حاصل می شود همگی از عوامل موثر در ایجاد آرامش روانی هستند (موسوی و همکاران، ۱/ ۲۷۸).

آنهایی که متعلق به اجتماعات مذهبی‌اند می‌توانند روی حمایت گروهی افراد در شرایط سخت حساب کنند (نیکولاس و نیکولاس، ۲۰۰۲) همچنین تحقیقات نشان داده رهبران روحانی اجتماعات مذهبی فعالان خط مقدم سلامت روانی هستند. بنابراین رهبران روحانی باید در این مورد آموزش لازم را ببینند (ساعد و روشن، ٦۱).

بنابراین تنهایی وبرخوردار نبودن از حمایت اجتماعی با کیفیت بالا منجر به بروز روابط ناسالم و جذب حمایت‌های کاذب از سوی افراد بیمار و آلودگی در جامعه می‌شود. یکی از چیزهایی که موجب اعراض و تنفّر مردم از خدا و دین و همه معنویّات می‌شود آلوده بودن محیط و غرق شدن افراد در شهوت پرستی و هواپرستی است. بنابراین برای دینداری باید از شهوت پرستی کناره گرفت.

محیط آلوده همواره موجبات تحریک شهوات و تن پروری و حیوان صفتی را فراهم می‌کند. آنکه اسیر شهوات است جاذبه‌های معنوی، اعمّ از دینی و اخلاقی و علمی و هنری، کمتر در او تأثیر دارد (مطهری، ۴۰۳/۳).

در نتیجه تربیت جنسی در دیدگاه قرآنی نیازمند همکاری ارگان ها و همه افراد، اعم از روش های فردی، میان فردی واجتماعی است. ایجاد اسباب ازدواج آسان، حمایت های مالی، عاطفی از سوی خانواده وجامعه برای حرکت و رسیدن به سلامت و بهداشت روانی وجسمی، لازم وضروری است.

روشهای عاطفی (هیجانی) – مذهبی

نوعی ارتباط عاطفی با خدا و اولیای دین این روابط می‌تواند انسان را در مواجهه با مشکلات و حل آن‌ها یاری رساند (دیماتئو، ۲/ ۷۵۰).

عاطفه نقش اساسی در زندگی انسان ایفا می‌کند و از عناصر مهم شخصیت آدمی است. منظور آثاری است که در حوزه احساسات انسان قرار دارد دین در این حوزه از یک سو رفع و تخفیف درد و رنج به ویژه در زمینه هایی که خارج از کنترل انسان است مثل: ترس، اضطراب، بیقراری، ناکامی. و ازسوی دیگر منجر به عواطف مثبت می‌شود مثل: آرامش، امید، عشق، قدرت واستقامت.

ذکر

ارتباط عاشقانه با خدا از راه‌های سیر و سلوک عارفانه است. از یاد بردن خود در رهگذار یاد خدا و تداوم آن زنگار قلب را از بین می‌برد.

«..... وَ الْحافِظينَ فُرُوجَهُمْ وَ الْحافِظات وَ الذَّاكِرينَ اللَّهَ كَثِيراً وَ الذَّاكِراتِ» (احزاب: ۳۵) یعنی کسانی که ذکر خدا را بسیار می‌کنند، هم با زبان و هم با قلب، و این ذکر شامل نماز و حج نیز هست. آری آن ها با یاد خدا وسوسه ها و همزات شیاطین را دور می‌سازند و اگر لغزشی از آنان سر زده، فورا در مقام جبران بر می‌آیند (مکارم شیرازی، ۱۷/ ۳۱۲).

اما به هر حال ذکر نشانه فکر است، و فکر مقدمه عمل، بنابراین ذکر خالی از فکر و عمل نیست. قرآن علت بوجود آمدن سختی برای انسان را اعراض از ذکر معرفی می کند من اعرض عن ذکری فانّ له معیشاً ضنکا. در مقابل تنها با یاد خدا دل ها آرام می گیرد. بنابراین اصل ذکر

یعنی به یاد خدا بودن، در آرمیدگی فرد با چشمان بسته هر کلمه‌ای که دوست دارد در دل تکرار می کند و زمان تکرار نباید به افکار نگران کننده فکر کند. در واقع هدف دور کردن هر گونه افکار نگران کننده که در خلال تجربه آرمیدگی به ذهن او راه می‌یابد، می‌باشد.

اذکار در دین نیز همین تأثیر را می تواند داشته باشد بلکه به مراتب بیشتر، زیرا این اذکار در ایجاد رابطه انسان با خداوند نقش اساسی دارند و در این رابطه انسان به آرامش می رسد. امروزه برخی ورزش ها و حرکات و برخی نیایش ها و حتی برخی مناسک مثل یوگا، در همین راستاست، به انسان آرامش می دهد و از تنش او را نجات می‌دهد درحالی که هدف اصلی دین هدایت است و هدف دیگری به نام تربیت دارد که از لوازم هدایت است.

در نتیجه روشهای روان شناختی مثل تلقین، مراقبه، یوگا، تنها به دنبال آرامسازی هستند در حالی که دین به دنبال تربیت الهی است. اولین گام در تربیت اسلامی ایمان به خدا و و سپس گسترش آن از زوایای مختلف جهان بینی و به دنبال آن تنظیم بعدشناختی، انگیزشی و رفتاری است.

از سوی دیگر تلقین صرفاً تحولی ناپایدار است و عنصر شناخت فعالانه در آن کم رنگ است و بیشتر منفعلانه عمل کرده است. در حالی که تربیت اسلامی، امداد متربی برای یک تحول پایدار شناختی و به منظور تغییرات در نگرش و گرایش و کنش وی بر اساس جهان بینی و نظام ارزشی اسلام است، القاء و تلقین تحمیل یک ایده و یا منش رفتاری است (شاملی، ۱۵-۱٤).

بنابراین چه در روش ذکر اسلامی و چه مراقبه و یوگا در روان شناسی تازمانی که فرد نقش فعالی در خود کنترلی و خود مهاری نداشته باشد صرفاً جنبه هیجانی و عاطفی خواهد داشت در حالی که تربیت اسلامی بر مراجع ـ محوری است. که فرد با کمک مربیانی چون انبیاء و اولیاء الهی به خودشناسی و خودشکوفایی می‌رسد.

این خود شکوفایی سرانجام به خدایابی منتهی می شود که به واقع هدف تربیت دین نیز همین است گر چه تأمین سلامت روانی در رسیدن به رفاه نسبی منافاتی با اصل هدف ندارد زیرا آرامش روانی یکی از اهداف تربیت است. «خدا بندگان خود را برای نماز و زکات و مجاهده در گرفتن روزه واجب، حراست کرده است تا اعضا و جوارح آن‌ها آرام و چشم‌ها خاشع و نفس ها آرام و قلب ها خاضع گردد و تکبر از آن رخت بر بندد» (دشتی، ۱۹۲).

بنابراین این اذکار برای تطبیق با رفتار است و برای تطبیق ابتدا باید مفاهیم را شناخت و براساس شناخت، رفتار را تغییر داد.

دعا

بگو اگر دعا نبودپروردگارم هیچ اعتنایی به شما نمی‌کرد (الفرقان: ۷۷) او دعا و خواسته بندگان را اجابت می کند (البقره: ۱۸٦) وتن ها شرط اجابت «ادعونی استجب لکم»، خواندن اوست.

دعا و تضرع به درگاه الهی استرس را کاهش می‌دهد زیرا رابطه معنوی با پروردگار و دریافت با رقه الهی منجر به اراده و اعتماد به نفس قوی فرد می گردد. دعا کننده آنچه را در گذشته زندگی وی رخ داده و به آنچه که می‌اندیشده را آزادانه بیان می‌کند و بدین گونه هیجان خود را تخلیه می‌نماید.

در مشاوره و روان درمانی نیز مراجع در مقابل درمانگر وقایع زندگی خود را باز گو می‌نماید و از او خواسته می‌شود تا در تغییر حالت و رفتار خود بیندیشد واژه‌ها بیانگر افکار، عقاید، ارزش ها و عادات رفتاری مراجع است در دعا نیز واژه ها صریح و روشن هستند مراجع رفتار خود را طبق برنامه درمانگر تغییر می دهد، دعا کننده نیز رفتارش را طبق خواست خداوند جهت و معنا می‌دهد (خدیوی، ۸۵).

این ها بخشی از مشترکات دعا درمانی و روان درمانی بود. این روش در روان درمانی افراد کاربرد دارد. اگر چه باید گفت دعا، نذر، قربانی، به حدی رواج یافت که افراد در موقعیت ها منفعل عمل می کنند و بعد از کاهش تنش های درونی خود به دنبال راه حل نیستند به واقع از مقابله هیجان مدار بهره می گیرند. صرف التماس برای وقوع معجزه، منجر به ضعف در مقابله خواهد شد در نتیجه فرد خود نیز باید در فرایند مقابله شرکتی فعال داشته باشد. بنابراین فرهنگ دعا و نیایش باید آسیب شناسی شود. گرچه نباید ازاثرات دعا کاهش استرس وافزایش امید وخوش بینی و یافتن قدرت درونی بالا برای مقابله با فشارهای درنی و بیرونی را فراموش کرد. نوع ارتباط ونحوه دعاکردن و بکارگیری کلمات وجملات باید آموزش داده شود.

نظام هستی، نظام کوشش است پس دعا بدون تلاش نافذ نیست و دعای بیکار مستجاب نمی‌شود (حر عاملی، ۷/ ۱۲٤) تکیه بر کار خویش نیز با توحید در دعا منافات دارد زیرا توحید در دعا یعنی انسان وسایل را به اذن خداوند به کار گیرد و از او هم مطلوب را بخواهد

(جوادی آملی، ۲/ ٤٢٢).

یکی از انواع دعاها توسل به اهل بیت است که از عقاید شیعیان می‌باشد. توسل، تأثیر روانی خاصی دارد بر قراری رابطه با کسانی که در نظام هستی قدرت تصرف بیش از سایر انسان‌ها دارند و دارای صفات اخلاقی والا هستند فرد را در بعد عاطفی به نیروی ماوراء طبیعی دلبسته می سازد که به طور متقابل به فرد توجه فراوان دارد در این حالت فرد احساس تنهایی نمی‌کند (دیماتئو، ٧٦٢/٢).

حفظ تعادل در احساس گناه

«... رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ كَفِّرْ عَنَّا سَيِّاتِنَا...». (آل عمران: ۱۹۳) «ذنوب»، «گناهانی است که دارای اثرات و تبعاتی جسمی یا روحی بر فرد می باشد» که با پوشانده شدن از توجه انسان، نشاط روحی و شوق و شعف معنوی در فعالیتهای فردی و اجتماعی پدید می‌آید. که از یأس و ناامیدی پدید آمده از «ذنوب» شدیدا نهی می‌نماید هر چند که دایره اثر ذنوب گسترده و هول انگیز باشد: «قُلْ يَاعِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُواْ عَلىَ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُواْ مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (زمر: ۵۳) (نقی‌پورفر، ۳۱۱).

در این بخش باید گفت فرد فرصت جبران دارد در صورتی که زیاده روی نماید از جمله ترس‌های شدید که منجر به اضطراب و افسردگی خواهد شد، می‌باشد.

نکته‌ای که باید در اینجا مدنظر قرار گیرد این مسأله است که احساس گناه ناشی از ترک دستورات الهی گرچه مثبت ارزیابی می شود، اما در مواردی دارای بار منفی و حالت تخریبی است. در روان‌شناسی این احساس، منفی ارزیابی شده، و آن را عاملی که منجر به تلف شدن، انرژی عاطفی فرد می گردد. گذشته را نمی توان تغییر داد، اما طرز فکر نسبت به گناه را می توان تغییر داد (هیربدنیا، ۱۷۹).

احساس گناه منجر به شکل گیری افکار و رفتار وسواسی در انجام اعمال و عبادات می گردد. فروید اظهار کرد تعلیمات دینی با تأکید بر گناه و مجازات الهی حتی به دلیل خیالات و وسوسه‌های غیر اخلاقی بیان نشده می‌تواند منشأ احساس مجرمیت افراطی شود (۱۹۲۷). به نظر او این احساس به ویژه وقتی با جسم و تمایلات جنسی مربوط می‌شود، می‌تواند یکی از علل روان پریشی باشد، (٣٦٧، ٢٠٠٣، Fontana).

در حالی که شواهد نشان می‌دهد افراد دیندار کمتر از غیر دینداران در معرض اختلالات

روانی اند. فروید ممکن است در اینکه ترس های دینی ابتدایی در برخی از ارباب رجوعانش منجر به روان پریشی شده است بر حق باشد. اما قبل از هر چیز باید بدانیم چه میزان از تربیت دینی سخت در یک الگوی تربیتی عموماً استبدادی و کیفری به ارباب رجوع او تحمیل شده است (Fontana ،۲۰۰۳، ۳٦).

بنابراین باید نگرش نسبت به تربیت و الگوهای اعتقادی دین تغییر یابد نگرش آزاد اندیشانه تر به محبت الهی نه مجازات و تأکید بر خدای بخشنده و نه منتقم. از دیدگاه قرآنی اگر انسانی این احساس را دارا باشد به گونه‌ای که درصدد اصلاح برآید و به خود فرصت جبران دهد پسندیده است. یعنی راه جبران را مسدود نبیند. «وَ الَّذِینَ إِذَا فَعَلُواْ فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُواْ أَنفُسَهُمْ ذَکَرُواْ اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُواْ لِذُنُوبِهِمْ وَ مَن یَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَمْ یُصرّوا عَلیَ مَا فَعَلُواْ وَ هُمْ یَعْلَمُون» (آل عمران: ۱۳۵).

رشد عقلی، بالا بردن اراده و اعتماد به نفس، پرورش صحیح افکار، به کارگیری شیوه‌های صحیح تربیتی، پیش گیری از ترس، آگاهی درست از وظایف دینی منجر به پیش گیری و آرام سازی می‌گردد.

نتیجه‌گیری

با جهان بینی مذهبی مسائلی را می توان شناخت که از راه تعقل و علم قابل شناخت نیست (مطهری، ۲۱).

۱-مفهوم تربیت جنسی در قرآن، شکوفایی قوای انسان کامل، حول محور انسانیت است که در ضمن آن به رشد شخصیت اجتماعی، اخلاقی وفرهنگی خواهند رسید.

۲-تفاوت اساسی روانشناختی‌شناختی با شناخت‌درمانی مذهبی در دیدگاه توحیدی است. خودشناسی در این میان مقدم بر خداشناسی است. وجه تشابه هردو خودشناسی است.

۳-روش های تربیتی در صورتی می توانند، موثر باشند که علاوه بر سطح شناخت منطقی، بعد هیجانی افکار نیز مدنظر قرار گیرد. تکالیف رفتاری هم داده شود.

٤-از آنجا که روشهای تربیت اکتسابی است. باید روشهای مذهبی به افراد آموزش داده شود. بنابراین در این پژوهش به استخراج روش های‌شناختی: (خداباوری، خودشناسی، غلبه دادن شناخت عقلی، فطری و وحیانی بر شناخت حسی، معادشناسی، شناخت نسبت به

آسیب‌های انحرافات جنسی)، رفتاری (صبر و سرسختی، نماز، روزه، الگوگیری، حفظ‌حجاب، ازدواج، حمایت اجتماعی) وعاطفی (ذکر، دعا، حفظ تعادل در احساس گناه) تحت عنوان شناخت درمانی مذهبی پرداختیم.

۵-مطالعه کتابخانه‌ای گسترده‌تر واختصاصی بر روی مفاهیم قرآنی تحت عنوان روشهای تربیت جنسی مذهبی، در حل بسیاری آسیب‌های روانی کارایی دارد.

٦-مطالعه موردی در مورد افراد مذهبی و نحوه برخوردشان با این مساله در مقابل افراد دیگری که دارای اختلال روانی و رفتاری جنسی هستند، منجر به کشف روشهای کاربردی در این زمینه می‌گردد.

۷-روشهای استخراج شده از قرآن واحادیث برای کارایی بیشتر، بهتر است توسط روان‌شناسان به صورت تکنیک‌های درمانی درآید.

منابع

قرآن کریم

آکوچکیان، شهلا، «مقایسه اجمالی نگرش اسلام نسبت به انسان با رویکرد شناخت درمانی»، ***حوزه و دانشگاه***، ش ۳۱، ۱۳۸۱، ۷۱-۸۱.

آمدی، عبدالواحد بن محمد، ***غررالحکم و دررالکلم***، مجموعه من کلمات و حکم‌الامام علی علیه‌السلام، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ١٤٠٧ق

اصفهانی، محمد مهدی، «بهره گیری از برخی رهنمودهای اسلامی در پیشگیری و رویارویی با پیامدهای استرس»، ***اندیشه و رفتار***، ش٤، سال اول، ١٣٧٤، ١٣ -١٧.

جلالی تهرانی، محمد حسین، وهمکاران، «توحید درمانی»، ترجمه علیرضا شیخ شعاعی، ***نقد و نظر***، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ش ٣٥و٣٦، ١٣٨٣، ٤٦-١٧.

جلالی، داریوش، وهمکاران، «بررسی میزان خشونت تعیین شده در زنان دارای همسر معتاد»، ***مجله مطالعات زنان***، سال ٤، ش٢، ١٣٨٥، ٥-٢٨.

جوادی آملی، عبدالله، ***شناخت‌شناسی در قرآن***، مرکزمدیریت حوزه علمیه، قم، چاپ اول، ۱۳۷۰

جوادی آملی، ***تسنیم (تفسیر قرآن کریم)***، مرکز نشر اسراء، قم، چاپ پنجم، ۱۳۸۵

حرعاملی، محمدبن الحسن، ***وسائل الشیعه***، مکتبه اسلامیه، تهران، ۱۳۸۲.

خدیوی زند، مهدی، «هنگامه‌های دعا و درمان»، ***حوزه و دانشگاه***، ش۳۱، ۱۳۸۱، ۹۱-۸۲.

دشتی، محمد، ***نهج البلاغه***، جام جوان، قم، ۱۳۸۰.

دیماتئو،ام. رابین، ***روان‌شناسی سلامت به ضمیمه نگرشی بر منابع اسلامی***، ترجمه مهدی موسوی اصل و همکاران، نشر سمت، تهران، ۱۳۷۸.

ری شهری، محمد، ***میزان الحکمه***، مترجم حمید رضا شیخی، دارالحدیث، قم، ۱۳٦۲.

ساعد، امید. روشن، رسول، «مکانیزمهای اثر معنویت برسلامت روان»، ***روان درمانی***، ش٤٧-٤٨، سال سیزدهم، ۱۳۷۸، ٤٩-٦٧.

شاملی، عباسعلی، «درآمدی برمفهوم‌شناختی در قلمرو تربیت دینی»، ***حوزه و دانشگاه***، سال هشتم، ش۳۲، ۱۳۸۱، ۳۲-٤.

شکرشکن، حسین، «منابع مقاومت در برابر فشار روانی»، آزاد، حسین، ***مجموعه مقالات اولین سیمنار استرس***، تهران، نشر دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول، ۱۳۷٤، ۱۵۹-۱۷۰.

شفیع آبادی، عبدالله، ***نظریه های مشاوره و روان درمانی***، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۵.

طباطبایی، محمدحسین، ***ترجمه تفسیر المیزان***، ترجمه موسوی همدانی سید محمد باقر، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷٤.

طبرسی، حسن بن فضل، ***مجمع البیان فی تفسیر القرآن***، تصحیحه ابوالحسن الشعرانی، اسلامیه، تهران، ۱۳۷۲.

کجباف، محمد باقر، ***روان‌شناسی رفتار جنسی (نظریه‌ها و دیدگاه‌ها)***، چاپ پنجم، نشر روان، تهران، ۱۳۸۹.

کلینی، محمد بن یعقوب، ***کافی***، چاپ دوم، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳٤۸

کوچتکوف و. د. -و. م. لاپیک، ***روان شناسی وتربیت جنسی کودکان ونوجوانان***،، ترجمه محمد تقی زاد،، چاپ دوم، انتشارات بنیاد، بی‌تا.

کیم، ایشول، بری، جان. دبلیو، ***روان‌شناسی بومی***، ترجمه سعید پیرمرادی، چاپ اول، نشر همام، بی‌جا، ۱۳۸۲.

مجلسی، محمد باقر، ***بحار الانوار***، چاپ دوم، موسسه الوفا، بیروت، ۱٤۰۳ق.

محدث نوری، میرزا حسین، ***مستدرک الوسایل***، چاپ اول، مؤسسه آل البیت لإحیاء التراث، قم، ۱٤۰۸ق.

مطهری، مرتضی، ***مجموعه آثار استاد شهید مطهری***، انتشارات صدرا، تهران، بی‌تا.

مطهری، مرتضی، ***شناخت در قرآن***، چاپ اول، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳٦۱.

مکارم شیرازی، ناصر، ***تفسیر نمونه***، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷٤.

موسوی، غفور، و همکاران، «رابطه حضور در اجتماعات مذهبی با بیماریهای حاد قلبی»، ***مجموعه مقالات اولین همایش بین المللی نقش دین در بهداشت روان***، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۲، ۲۷۸-۲۷۵.

نقی‌پورفر، ولی الله، ***پژوهشی پیرامون تدبر در قرآن***، نشراسوه، تهران، ۱۳۸۱.

هدفیلد، ژ. آ.، ***روان شناسی و اخلاق***، ترجمه علی پریور،، چاپ دوم، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳٦٦.

هیربدنیا، ابراهیم، ***خودرهبری: شناخت و ساخت شخصیت***، چاپ اول، نشر و تبلیغ بشری، تهران، ۱۳٦۹.

Fontana. David ,***Psychology Religion, and Sperrituality*** ,BlackWell British.2003.

مجموعه مقالات نهمین همایش ملی اشراق اندیشه مطهر، **خانواده و تربیت جنسی**
اردیبهشت ۱۳۹٤، ص ۹۲-۷۱

الگوی همسرگزینی در مشاوره پیش از ازدواج
گام به گام از آشنایی تا انتخاب

محمود گلزاری/ دکترای روان شناسی، معاونت ساماندهی امور جوانان، وزارت ورزش و جوان، دانشگاه علامه طباطبایی، مرکز مشاوره بیدار[1]
محمدرضا کمن/ کارشناسی ارشد، علوم حدیث، روان شناسی بالینی، دانشگاه تهران، پردیس فارابی، مرکز مشاوره بیدار (نویسنده مسئول)[2]

چکیده

این مقاله در پی تبیین الگویی آزموده شده جهت همسرگزینی شایسته و ارائه گام به گام مراحل از آشنایی تا ازدواج است و در نهایت تدوین چارچوب دینی ـ علمی مشاوره همسر گزینی و پیش از ازدواج است. در حال حاضر وضعیت خانواده ها در ایران دوران بحرانی را پشت سر می گذارد. در کلان شهر تهران متوسط ٤٨ ٪ ازدواج ها طی ٤ سال اول ازدواج به طلاق می انجامند و این آمار در غالب شهرها رو به افزایش است. علاوه بر طلاق‌های محضری، طلاق‌های عاطفی نیز در خانواده‌ها وجود دارد. می توان گفت که در ایران ۵۰ ٪ خانواده ها گرفتار آشفتگی هستند. ۳۰ ٪ گرفتار طلاق بوده و تنها ۲۰٪ باقیمانده خانواده های سالم و بالنده را تشکیل می دهند. تفاوتهای بسیاری که به لحاظ وراثت، خانواده، شخصیت و .... میان دو انسان وجود دارد، هنگام تشکیل کانون خانواده بروز پیدا می کند و از آنجایی که جوانان فرآیندهای مدیریت این اختلافات را فرانگرفته اند، با مسائل زیادی دست به گریبان می گردند. با بررسی حدود ۸۰۰ زوج مراجعه کننده برای مشاوره پیش از ازدواج در طول چهار سال به مرکز مشاوره بیدار و اجرای فرآیند آموزش و سنجش با پیش الگوی تهیه شده، به تدوین الگوی نهایی گام به گام مشاوره پیش از ازدواج پرداخته شد. در این مقاله به طرح موضوعاتی چون: ضرورت و اهمیت انتخاب مناسب در ازدواج آگاهانه برای زندگی بالنده، ضرورت و اهمیت تنظیم الگوی جامع مشاوره پیش از ازدواج با نگاهی به پیشینه آن، روش تنظیم الگوی جامع فرایند مشاوره ازدواج، مراحل گام به گام مشاوره ازدواج: ۱. پذیرش ۲. مصاحبه اولیه ۳. آموزش ٤. فرم ملاک های همسرگزینی ۵. تکمیل فرم ملاک های همسر گزینی٦. استخراج وخلاصه نمودن تردیدها ۷. برگزاری آزمون های روان شناختی ۸. بررسی سلامت روان و تناسب شخصیت ۹. جمع بندی ۱۰. بررسی بیشتر ۱۱. پیگیری.

کلید واژه‌ها: مشاوره پیش از ازدواج، الگوی همسرگزینی شایسته، مراحل همسرگزینی.

---

1 . mahmoud.golzari@gmail.com
2 . mr@bidar.org

مقدمه

در حال حاضر وضعیت خانواده در ایـــران دوران بحرانی را پشت سر می گذارد. در کـلان شهری همچون تهران متوسط ٤٨ ٪ ازدواج‌ها طی ٤ سال اول ازدواج بـه طـلاق مـی‌انجامنـد و متأسفانه این آمار رو به افزایش است.

طلاق در تهران بالاترین میزان را دارد اما ایـــــن گونـه نیسـت کـــه در سـایر شـهرهـا بـا آسیب های اجتماعی مواجه نباشیم. علاوه بر طلاق مساله آشفتگی های ادامـه دار و بـه عبـارت دیگر طلاق‌های عاطفی در خانواده‌ها نیز وجـود دارد. دو تحقیـق کشـوری عمـده در ایـــــن رابطـــه طی ۱۰ سال اخیر انجام شده است. وزارت بهداشـت در تحقیقـی در سـال ۱۳۸۲ بـا شیوه ای علمی و بر اساس نمونه گیری تصادفی در سطح کشور انجام دادنـد کـــــه نتـایج آن بیانگر این مساله بود که سلامت روان افراد متاهل آشفته‌ی عاطفی، ۲/۵ برابر پایین‌تر از سلامت روان افراد مجرد است. این آمار با با یافته‌های بین المللی در رابطه با مصونیت زایـی و آرامـش بخشی خانواده و نیز با توصیف‌های قرآن از خـانواده کـه کـانون مـودت و آرامـش و رحمـت است، ناهماهنگی نشان می‌دهد. می‌توان گفت که در ایران ۵۰ ٪ خـانواده‌هـا گرفتـار آشـفتگی هستند. ۳۰ ٪ گرفتار طلاق بوده و تنهـــا ۲۰ ٪ بـــاقیمانده خـانواده هـای سـالم و بالنـده را تشکیل می دهند که تنها آن آرامش و مودت ورحمت را باید در این گروه اخیر یعنی ۲۰ درصد خانواده‌ها جستجو کرد! تفاوت‌های بسیاری کـه به لحاظ وراثت، خانواده، شخصیت و.... میـان دو انسان وجود دارد، هنگـــام تشکیل کانون خانواده و زندگی زیر یک سقف بارز می شـوند و از آنجاییکه جوانان فرآیندهای مدیریت ایـــن اختلافات را فرا نگرفته‌انـد، بـا مسـائل زیـادی دست به گریبان می‌گردند. مداخله‌های خانواده‌های دو طرف نیز می‌تواند بر شـدت اختلافـات بیفزاید. این مقاله در پی تبیین الگویی آزموده شده جهت همسرگزینی شایسته و ارائـه گـام بـه گام مراحل از آشنایی تا ازدواج است و هدف آن تـدوین چـارچوب دینـی ــ علمـی مشـاوره همسر گزینی و پیش از ازدواج است. در انت‌ها الگویی جامع از طرح همسر گزینـی از قبـل از آشنایی تا ازدواج در فضای مجازی ارائه گردیده است.

ضرورت و اهمیت «انتخاب مناسب» در ازدواج آگاهانه برای زندگی بالنده

سه شرط اساسی برای تشکیل یک خانواده سـالم وجـود دارد: انتخـاب مناسـب، آمـوزش

مداوم، مشاوره هنگام ضرورت.

مسلما انتخاب مناسب مهم ترین گام بوده و نیازمند آگاهی و دقت فراوان است. بسیاری از اختلالات روانی از قبیل بدبینی، خشونت، سرد مزاجی جنسی و اختلالات شخصیت، به سادگی قابل تشخیص نبوده و تنها توسط متخصص و بر اساس آزمون‌های معتبر روان‌شناختی می‌توانند مشخص شوند.

در صورتی که اختلافات عمده و اختلالات بنیادین شخصیتی وجود نداشته باشد، مشکلات موجود با بکارگیری آموزش مداوم و با بهره گیری از مشاوره قابل حل خواهد بود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرموده‌اند: «مِن سَعادَةِ المرءِ الزُّوجَةُ الصالحةُ» (کلینی، اصول کافی، ۳۳۷/۵، ح ٤)

مهم‌ترین نعمت خداوند پس از دینداری داشتن همسر صالح است.

حضرت زین العابدین علیه السلام فرموده‌اند: پنج چیز است که هر کس یکی از آن‌ها را فاقد باشد زندگیش همواره ناقص و عقلش زائل، و دلش گرفتار خواهد بود: اول سلامتی تن، دوم و سوم وسعت روزی و خانه، چهارم انیس موافق یعنی فرزند و همسر صالح، پنجم یعنی آنچه شامل همه این خصلت‌هاست، آسایش. (طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، ۳۸۰/۱)

امیرالمؤمنین علیه السلام نیز می‌فرمایند: من هرگاه به خانه می‌آمدم و به سیمای فاطمه سلام الله علیها می‌نگریستم، تمام غم و اندوه از وجودم رخت بر می‌بست. (خوارزمی، مناقب، ۲٥٦

با توجه به موارد بیان شده، در مجموع پیوند زناشویی و ازدواج در سه مسیر قرار می گیرد که عبارت‌اند از: گسستگی، آشفتگی، بالندگی.

و مهم ترین علت آشفتگی و گسستگی انتخاب نامناسب است چرا که ملاک های درستی برای انتخاب مناسب در دست مشاورین و جوانان در آستانه ازدواج قرار ندادیم.

حتی برای خرید یک شیء نیز ما نیاز به ملاک‌های معین داریم و بر اساس آن عمل می‌کنیم، بنابراین در امر مهم ازدواج و انتخاب همسر نیز داشتن ملاک‌های مناسب برای یک انتخاب مناسب ضروری است. پس از مشخص شدن ملاک‌ها، شیوه‌های تشخیص آن ملاک‌ها در طرف مقابل نیز مطرح می‌گردد که همه موارد در سند پیش بینی شده است.

ضرورت و اهمیت تنظیم الگوی همسر گزینی در مشاوره پیش از ازدواج با نگاهی به پیشینه آن

با نگاهی به پیشینه مطالعات در این زمینه در مجموع کمتر از ۷۰ کتاب قابل تأمل بـه زبـان فارسی در رابطه با ازدواج منتشر شده است که بیشتر از ۳۵ کتاب از آن‌ها با زمینه‌هـای دینـی و مذهبی می‌باشد. اغلب ایـن ۳۵ کتاب نیز مضمون مشابهی دارند و بر اساس ۲ یا ۳ کتـاب و بـا اندکـــی تغییر منتشر شده اند. در میان کتب ترجمـه شده نیز، کتب بسیار ضعیفی وجود دارنـد و از سوی دیگر بسیاری از موارد عنوان شده در آن‌ها با فرهنگ ما ناسازگار هستند.

متخصصان و روان‌شناسان زیـــادی بدون دیدن آموزش در دانشگاه‌ها و بی‌رویه و بـدون وجود یک نظارت جدی، وارد حوزه ازدواج شده اند کـــه آسیب هـای زیـادی را نیـز در ایـن زمینه به دنبال آورده است. از سویی مردم نیز گاهی گمان می‌کنند که روان‌شناسـان و مشـاوران در همه‌ی زمینه‌ها تخصص دارند که متاسفانه اینگونه نیست.

مراحل تحقیقاتی انجام شده برای تنظیم الگوی همسرگزینی در مشـاوره پـیش از ازدواج

برای رسیدن به سند نهایی مشاوره ازدواج دو مسیر را باید طی کرد:

الف ـ گرداوری، مطالعه، دسته‌بندی و یکپارچه ساختن منابع مکتوب دینی و علمی.

ب ـ جمع بندی و تدوین نظرات صاحب‌نظران حوزه دانشگاه و نمایندگان علمی نهادهـا و موسسات ذی ربط این حوزه با روش کیفی

مهم‌ترین گام‌ها برای دسترسی به روش (الف) عبارتند از:

۱ـ مطالعه آثار اسلامی (قرآن، حدیث، فقه و اخلاق)؛

۲ـ بررسی کتابهای موجود درباره ازدواج در حوزه‌های دینی و روان‌شناسی؛

۳ـ بررسی مقالات منتشر شده پیرامون ازدواج و تشکیل خانواده (به زبان فارسی و انگلیسی) و مروری بر نظریه‌های رایج و مرتبط با ازدواج؛

٤ـ اعتبارسنجی آزمون‌های رایج در مشاوره ازدواج؛

۵ـ تهیه اسناد موسسات علمی و اجتماعی دیگر کشورها در زمینه مشاوره‌های پیش از ازدواج

ردیف	موضوع	توضیحات
۱	مطالعه آثار اسلامی	بررسی آموزه‌های قرآن، تفاسیر مشهور، جوامع بزرگ حدیثی، آثار فقهی معتبر و کتب اخلاقی اصیل
۲	بررسی کتابها و مقالات	بررسی ۷۰کتاب و ۵۰ مقاله با اهمیت به زبان فارسی و انگلیسی
۳	اعتبارسنجی آزمون‌ها	اعتبارسنجی و بررسی آزمونهای آزمون روان شناختی علمی در حوزه ازدواج که روائی و پایانی آنها در ایران ثابت شده است.
٤	جمع آوری تجربه های افراد و موسسات خارجی	جمع‌آوری تجربه های موسسات و مراکز مشاوره با نگاهی به برخی فرهنگ ها در ازدواج.
۵	تنظیم پرسشنامه	تنظیم پرسشنامه‌ای درباره ملاک های همسرگزینی، مراحل و روش‌های شناخت و تشخیص برای گردآوری اطلاعات لازم از کلیات روش‌های رایج که توسط روان‌شناسان و مشاوران منتخب از سراسر کشور .

در مسیر (ب) رایج‌ترین روش‌های کیفی برای تدوین دیدگاه‌های صاحب‌نظران (روان‌شناسان، مشاوران و کارشناسان دینی) از این قرار است:

۱) روش دِلفی (Delphi Method)

۲) روش مصاحبه (. In-Depth Interviewing)

۳) روش گروه متمرکز (Focus Group Studies)

٤) روش موردپژوهی (. Case Studies)

تمامی روش‌های نام برده مبتنی بر «تجربه‌ی زیسته‌ی افراد خبره» (Connoisseur» s Lived Experience) است. این روش‌های را می‌توان به شکل گفت‌وگو، کارگاه و سمینار کاربردی کرد. در گفت و گو، تنها از پژوهشگران، خبره استفاده می شود، در حالی که در کارگاه و سمینار، افراد کم تجربه هم حضور دارند. در روش کارگاهی، افراد کم تجربه، ضمن آگاهی از نظرات و اطلاعات افراد خبره‌ی برگزارکننده‌ی کارگاه، با طرح مسائل و نگرش خود فعالانه مشارکت می ورزند، حال آنکه در روش سمینار، حاضران کم تجربه، عمدتاً شونده ی دانش کارشناسان هستند.

مهم‌ترین اصل در همه‌ی روش‌های مذکور، تجربی بودن اطلاعات و تفکیک تجربه‌ها از تحلیل هایی است که افراد کارآزموده در موضوع پژوهش ارائه می کنند. در طرح حاضر روش گروه متمرکز را بدین صورت به کار می‌بریم:

این روش که یکی از راه‌کارهای اثرگذار در حلّ بسیاری از مشکلات مربوط به موضوعات روان‌شناختی است، بحث و گفت‌وگوی گروهی درباره‌ی موضوعات و مسائل مدنظر توسّط افراد باتجربه است. در غالب این گفت‌وگوها که از آن به بحث گروهی متمرکز (Focus Group Discusion) یا به اختصار «FGD» یاد می‌شود، مباحث به نتایجی کاربردی منتهی می شود. FGD گفت‌وگوی متمرکز گروهی است و زمانی مورد استفاده قرار می گیرد که دستیابی به دیدگاه مشترک افراد اهمّیّت داشته باشد. لذا این روش به نظرات یک نفر خاص به صورت منفرد متّکی نیست؛ بلکه سعی در درک مجموع دیدگاه افراد ذی‌نفع دارد.

فرآیند (مراحل گام به گام) مشاوره پیش از ازدواج

مراحل زیر در مدت حداقل ٤ و حداکثر ٦ جلسه مشاوره ای به صورت حضوری اجرا می‌گردد:

۱ـ پذیرش

پذیرش زوج مراجعه کننده برای مشاوره ازدواج و دریافت مشخصات عمومی طرفین در فرم پذیرش اعم از:

نام و نام خانوادگی، سن، تحصیلات، شغل، شماره همراه، ایمیل، تعداد فرزندان خانواده، نام و نام خانوادگی پدر و مادر، شغل پدر و مادر، شماره تماس منزل، شماره همراه پدر و مادر، روش آشنایی، مدت آشنایی، سطح آشنایی، نظر دیگر مشاورین در صورت مراجعه قبلی به دیگر مراکز مشاوره، معرف، آدرس محل سکونت و...

۲ـ مصاحبه اولیه

برای آشنایی با مراحل فرایند مشاوره برای مراجعین و تشخیص شرایط اولیه برای مشاوره مصاحبه اولیه انجام می‌شود.

۳ـ آموزش

آموزش جهت ایجاد آمادگی برای انتخاب آگاهانه: آموزش می تواند به صورت گروهی یا فردی و همچنین از طریق جزوه‌ای مدون یا کتاب، CD، شبکه اینترنت و... باشد.

الف ـ ارائه آمار وضعیت خانواده های کنونی در ایران جهت بررسی اهمیت انتخاب مناسب و آگاهانه؛

ب ـ ارائه نتایج پژوهش های داخلی و خارجی جهت تبیین اهمیت ازدواج و ارتباط آن با سلامت روان. (گزارش این گونه پژوهش‌ها بر ارتقا انگیزه جوانان برای ازدواج تأثیرگذار است.)؛

ج ـ بررسی اهداف ازدواج و ارتباط ملاک‌های همسرگزینی با اهداف؛

د ـ آشنایی با اقسام آشنایی برای ازدواج (سنتی، درمحل کار، در محل تحصیل، عاشقانه)؛

ه ـ بررسی فواید و مضرات هر یک از اقسام ازدواج؛

و ـ تبیین اهمیت مدیریت عواطف و احساسات در دوره آشنایی تا عقد و روش‌های آن؛ این مورد به جهت شیوع مراجعین لازم است که با دقت و حساسیت زیادی پیگیری شود. توضیح آنکه برخی انتخاب‌ها مانند انتخاب در محل کار یا تحصیل و همه‌ی انتخاب‌های عاشقانه در مغناطیس عشق ادامه می یابد و لذا میزان ریسک آشفتگی و گسستگی بالا می رود. در اهمیت این موضوع، آمار ۹۳ درصدی طلاق ناشی از ازدواج‌های عاشقانه در آمریکا و میانگین دوام ۳/۵ ماه زندگی اینگونه وصلت‌ها در فرانسه، گویاست.

ز ـ بررسی مراحل انتخاب شایسته و مدت زمان آشنایی تا عقد؛ (حداقل ۱/۵ و حداکثر ۳ ماه).

معرفی اولیه به صورت سنتی یا...

اطلاع یافتن خانواده‌ها از ابتدای آشنایی در صورتیکه طرفین غیرسنتی آشنا شده باشند.

گفتگوی طرفین

انجام تحقیقات (تکمیل فرم ملاک‌ها باید بعد از اتمام این مرحله برای شروع مرحله بعد انجام پذیرد)

مشاوره علمی و روان‌شناختی

ح ـ آسیب‌شناسی انتخاب:

موارد ذیل می‌تواند عاملی برای غفلت از ملاک‌های اصلی در بررسی‌های طرفین نسبت به یکدیگر باشد. لذا در صورت وجود هر یک لازم است مداخله های دقیقی و علمی در مشاوره فردی انجام پذیرد.

زیبایی خیره کننده به ویژه در دختران در نگاه پسر و یاپرستیژ، موقعیت اجتماعی ویژه وثروت به ویژه در پسران در نگاه دختر (مشکلات اقتصادی خانواده دختر تشدید کننده است)

وجود شیفتگی و عشق در حین آشنایی. (امیرالمومنین علیه السلام: حب الشیئ یعمی و یصم)؛ گاهی برخی قبل از ازدواج ارتباطی را به منظور شناخت بیشتر شکل می‌دهند که معمولا بدون آگاهی والدین است. هرگونه ارتباط قبل از رسمیت آشنایی برای ازدواج در بازه زمانی معین، مخرب و ناقض غرض شناخت صحیح طرفین از یکدیگر است.

جست‌وجوی استقلال یا فرار از تنهایی و یا چشم و هم چشمی یا لجبازی

عجله یا فشار خانواده و اجتماع (فرزند بزرگ‌تر، مقایسه با دوستان، درخواست مادر بزرگ و...)

حس ترحم تحریک شده نسبت به کسی که قبلا با او رابطه دوستی داشته و اکنون تصمیم به ازدواج با وی دارد درحالیکه تناسب لازم بین ایشان وجود ندارد.

شباهت ظاهری به یکی از افراد مورد علاقه هر یک که قبلا با وی دوست یا فامیل بوده و سودای ازدواج با او را در سر می‌پرورانده است.

بحران روحی ناشی ازیک واقعه ی عاطفی (یک ارتباط شکست خورده)، اجتماعی، شغلی و...: شرایط بی ثباتی هیجانی در پی واقعه منفی یا مثبت (عنوان بعد)، شرایط مطلوبی برای تصمیم گیری نیست و لازم است که مشاور در صورت مشاهده چنین شرایطی، تصمیم نهایی

طرفین را به تعویق اندازد تا در شرایط ثبات، تصمیم نهایی گیرند.

سرخوشی و هیجان (هیجانات مثبت به اندازه هیجانات منفی انسان را دچارخطای شناختی می‌کند.)

ازدواج برای مهاجرت: در حالیکه مهاجرت برای طرف مقابل جزو آمال و آرزو هایش باشد.

ط ـ روش‌های شناخت: از سه طریق گفتگو، تحقیق و مشورت حاصل می‌شود؛ هرچند میزان شناخت از هر یک متفاوت بوده و به ترتیب حدود ۲۰ درصد، ۵۰ درصد و ۳۰ درصد سهم دارند.

ی ـ بایدها و نبایدها در گفتگو:

در گفتگوها نیازی به بحث درباره‌ی مطالب بی‌ارتباط با ازدواج، حرف‌های کلیشه‌ای روان شناسانه، مسایل جنسی و خطاهای گذشته نیست. مورد اخیر درصورتی نباید اظهار شود که آن خطای عرفی یا اخلاقی، تا یکسال اخیر تکرار نشده، در تحقیقات و یا پس از ازدواج آشکار نشده و در جای رسمی ثبت نشده باشد.

اما در گفتگوها باید به موارد زیر پرداخت:

برنامه های آینده و انتظارات (ادامه تحصیل، فعالیتهای اجتماعی، مذهبی، هنری، ورزشی، سرگرمی‌ها، انتظارات از همسر برای حمایت و همکاری)

نوع شغل و ثبات آن، درآمد، ساعت کار، میزان حضور در محل کار، شغل‌های جنبی، انتخاب دوستان و همکاران و میزان تماس و صمیمیت با آن ها، پوشش و آرایش زن در محل کار، بیرون و میهمانی‌ها، ارتباط با افراد خاص)

حساسیت‌های اجتماعی

استقلال از خانواده، میزان وابستگی مالی و شغلی به آن ها و میزان مشارکت ایشان در زندگی خود

چگونگی و میزان ارتباط و رفت و آمد با والدین، اعضای خانواده و خویشاوندان

مشکلات و رفتارهای منفی که نباید آن‌ها را پرده پوشی کرد (بیماری‌های ادامه دار، بدهی‌ها، مشکلات خانوادگی آشکار مانند اعتیاد، عقب ماندگی ذهنی، طلاق و... یکی از اعضای خانواده)

ک ـ بایدها و نبایدها درتحقیقات: همانطور که گفته شد، نباید از اهمیت تحقیقات غافل شد و لازم است نهایت دقت در بررسی های فراتر از گفتگو صورت پذیرد. بهترین منبع تحقیق، گروه دوستان است که مطابق تحقیقات دانشگاه ییل، در صفات دوستان، ۹۵ درصد شباهت وجود دارد. در جایگاه بعدی هم کلاسی ها، همکاران، اقوام درجه ۱ و ۲، همسایگان و... قرار دارند.

محتوای تحقیق مواردی از ملاک هاست که صرفا از طریق تحقیق قابل بررسی است و یا آنکه در گفتگوها دچار تردید شده‌اند.

بهتر است محقق دارای شرایط زیر باشد: هم جنس با طرف مقابل، متأهل که ضمن بالنده بودن در زندگی خود، بیش از ده سال از زندگی زناشویی او گذشته باشد، دارای قدرت تحلیل باشد و نقش ضبط صوت را برای فرد بازی نکند.

ل ـ اشتباهات رایج در طول فرایند آشنایی تا عقد:

اهمیت ندادن به فرایند تحقیق. (گویی گذشته طرف مقابل مهم نیست!)

هرگز نباید تا قبل از تصمیم نهایی به گونه ای رفتار کند که طرف مقابل گمان کند که او را انتخاب کرده‌است. (نه در کلام و نه در رفتار)

لجبازی با والدین و یا واگذاری مطلق به آن‌ها ممنوع

تعجیل برای فرونشاندن نیاز جنسی

عدم طرح سئوالات کافی به خاطر مقررات غلط.

نشانه‌های هشدار دهنده (تردیدها) را نادیده گرفتن چرا که: فکر می‌کنیم که بعد از ازدواج مشکلات کمتر می‌شود. (با این تعبیر که: من حواسم جمع است!)

خانواده و بستگان طرف مقابل اهمیتی ندارند (گویی گمان دارد که ازدواج او با بقیه فرق دارد!)

مقدم دانستن تفاهم بر واقعیت‌ها (مرا برای آنچه هستم بپذیر، نه برای آنچه که می‌خواهی باشم)؛ چرا که فکر می‌کند که می‌تواند تغییرش دهد.

٤ـ فرم ملاک‌های همسرگزینی

فرمی است که در آن توضیحات لازم برای آگاهی طرفین از ملاک‌های مورد بررسی و

روش تشخیص هریک موجود می‌باشد:

ملاک	توضیحات
ظاهر	ظاهر (چهره، قد و اندام) باید موردپسند خود جوان باشد نه انتخاب اعضای خانواده و آشنایان او. دقت شود که چون ظاهر جزو ویژگی‌های اصلی و عمقی شخصیت نیست، نباید به دنبال زیباترین ظاهرها و ظاهرهای خاصی بود. «دل‌نشین» بودن تعبیر جالبی است که در این مورد به کار می‌رود. راه تشخیص: نگاه کردن در یکی دو جلسه در منزل و بیرون از منزل.
سن	بهتر است سن پسر ۲ تا ۸ سال (میانگین ۵ سال) بیشتر از سن دختر باشد. یک سال بزرگ‌تر بودن پسر یا همسالی دختر و پسر در صورت تناسب دیگر ملاک‌ها به خصوص برجسته بودن ملاک‌های اصلی اشکال چندانی ندارد. بزرگ‌تر بودن دختر توصیه نمی‌شود. در موارد نادری پسرانی که کم‌سال‌تر از همسران خود بوده‌اند توانسته اند با رضایت و تفاهم زندگی مشترک را ادامه دهند. اما این استثنا هرگز نباید به صورت قاعده درآید. راه تشخیص: پرسیدن و دیدن شناسنامه.
سطح و رشته تحصیلی	بهتر است سطح تحصیلی (مدرک) مرد بیشتر یا مساوی سطح تحصیلی زن باشد. پایین‌تر بودن مدرک تحصیلی مرد به اندازه یک مقطع [زن: دکتری، مرد: کارشناسی ارشد/ زن: کارشناسی ارشد، مرد: کارشناسی، ...] اشکالی ندارد. به شرط آنکه مرد از نظر شغل و موقعیت اجتماعی وضع مطلوبی داشته باشد. پایین‌تربودن سطح تحصیلی مرد به اندازه دو مقطع یا بیشتر [زن:کارشناسی ارشد مرد: کاردانی یا دیپلم، زن: کارشناسی، مرد: دیپلم، ...]سازگاری همسران را دچار مشکل می‌کند مگر این‌که: ۱- شرایط اصلی خیلی برجسته باشد.۲- مرد توان و امکان کم کردن فاصله تحصیلی را داشته باشد. با آن که رشته تحصیلی چندان مهم نیست اما در صورتی که فعالیت‌های علمی دو نفربا هم هماهنگ یا مکمل باشد بر تفاهم آن دو می‌افزاید. راه تشخیص: پرسیدن و در مواردی تحقیق از محل تحصیل
وضعیت اجتماعی و	منظور از وضعیت اجتماعی، شغل و موقعیت یا طبقه اجتماعی پدر و مواردی مادراست و مراد از سطح اقتصادی میزان درآمد، ثروت و امکانات زندگی است بهتر

سطح خانواده‌ها	است خانواده‌های دختر و پسر در این دو زمینه هم‌شأن و نزدیک به یکدیگر باشند. اگر سطح اقتصادی خانواده پسر بالاتر باشد بهتر است. تفاوت زیاد و چشمگیر موقعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده‌ها گرچه جزء ملاک‌های اصلی نیست، اما سازگاری و رضایت زندگی را آسیب‌پذیر می‌سازد. راه تشخیص: پرسیدن از هم، تحقیق از محل کار و زندگی
فرهنگ خانواده	فرهنگ، نگرش‌های فردی و اجتماعی نسبتاً پایداری است که از باورهای مذهبی و خصلت‌های نژادی و قومی و طبقاتی ریشه گرفته و به صورت آیین‌های مذهبی، آداب و رسوم اجتماعی و نیز پوشش، گویش فردی خود را نشان می‌دهد و تناسب فرهنگی بسیار مهم‌تر از تناسب وضعیت اجتماعی اقتصادی است. از بین عناصر سازنده فرهنگ بیشتر از همه باید تناسب مذهبی، نژادی و پس از آن همسانی در آداب و رسوم خانوادگی را جدی گرفت. راه تشخیص: رفت وآمد و بیش از آن تحقیق و بررسی
همسانی فکری و عقیدتی در مسائل اجتماعی و سیاسی	هرچه جهت‌گیری های فکری دو نفر در مسائل مهم سیاسی و اجتماعی همانند و نزدیک به هم باشد تفاهم و سازگاری بیشتری با هم خواهند داشت. تشخیص: گفت و گوی روشن و بدون تعصب با هم.
شغل	شغل مناسب و خوب این ویژگی‌ها را دارد: ۱- سالم (خلاف قانون و شرع نباشد)۲- ثابت (ناپایدارنباشد، تغییر آن در مسیر مشخص قبلی و برای رشد بهتر صورت گیرد) ۳- نزدیک به محل زندگی(اعضای خانواده شب را باهم بگذرانند)٤- دارای درآمدکافی ٥- قابلیت رشد (باگذشت زمان امکان ارتقاء یا افزایش تجربه و کارآمدی را داشته باشد) ٦- برخوردار از محیط و همکاران سالم وهماهنگ. دوشرط سالم و ثابت بودن از همه مهم‌ترند. شغل همیشه باید سالم باشد. ثابت بودن را نیز باید به عنوان هدف جدی در نظر گرفت. یعنی اگر یک مرد جوان در آغاز زندگی، کارهای مختلفی را تجربه می‌کند و یا همزمان به چند کار می‌پردازد. ضروری است به گونه‌ای برنامه‌ریزی کند که شغل اصلی او در مسیر روشن و ثابتی که مطابق علاقه، استعداد،

	تحصیل و تجربه اوست قرارگیرد. شغل مناسب زن نیز همین ویژگی‌ها را دارد. اما سالم بودن اصل شغل، سلامت محل کار و همکاران، نزدیک بودن به محل زندگی و منافات نداشتن با وظایف همسری و مادری (به ویژه در سه سال اول زندگی فرزندان) اهمیت بیشتری دارند.
تندرستی	نداشتن بیماری‌های مزمن، ناتوان‌ساز، وخیم و سخت‌درمان و ژنتیکی که فرزندان دچار معلولیت می‌سازد. راه تشخیص: پرسیدن، تحقیق و در صورت تردید در خواست آزمایش‌های پزشکی.
استقلال	ازدواج تبلور استقلال عاطفی، فکری و عملی است. کسی برای تشکیل خانواده آماده است که بتواند از نظر عاطفی دوری از پدر و مادر را تاب آورد و تعامل عاطفی سازنده و پایداری با همسر خود برقرار سازد. در برنامه‌ریزی‌های زندگی و حل مشکلات آن مطابق سن، آگاهی و تجربه خود و البته با مشورت کارشناسان تصمیم بگیرد و عمل کند. ضداستقلال وابستگی است که فرد جدایی از والدین را تحمل نمی‌کند و کوچکترین مسائل را با آنها در میان می‌گذارد و در تصمیم‌گیری‌ها به خود و مشورت با همسرش اعتماد ندارد روشن است که استقلال به معنای بی‌مهری به اعضای خانواده اولیه و مشورت نخواستن در اموری که والدین به آن علم دارند نیست. راه تشخیص: رفت‌و آمد و گفت‌وگوهای آگاهانه و تحقیق
مسئولیت‌پذیری	تنبل و غیرفعال نبودن در اداره زندگی و بی خیالی و بی تعهدی در انجام وظایف. در مواردی، بی‌مسئولیتی با نداشتن استقلال همراه است ولی این دو خصوصیت می توانند جدا از هم نیز باشند. راه تشخیص: رفت‌و آمد و گفت‌وگوهای آگاهانه و تحقیق
حسن خلق (خوش اخلاقی)	حُسن خلق سه نشانه دارد: ۱- خوشرویی: در بیشتر زمان‌ها داشتن چهره‌ای گشاده و شاد. ۲- پاکیزگی و زیبایی کلام: پرهیز از دشنام، تحقیر، تمسخر. ۳- نرمخویی، دوربودن از خشونت، لجبازی و قهر طولانی. راه تشخیص: رفت‌و آمد ، تحقیق، آزمون‌ها
پاکدامنی	پاکدامنی یعنی دوری از آلودگی‌ها و روابط نامشروع جنسی، خویشتنداری و مقاومت

	در برابر وسوسه‌ها و محرک‌های غریزه جنسی و نیز نداشتن سابقه طولانی از رفتارها و دوستی‌های غیراخلاقی. راه تشخیص: تحقیق
میزان برون-گرایی	برون‌گرایی و درون‌گرایی دو صفت مثبت و نسبتاً ثابت شخصیت هستند. برون‌گرایان افرادی هستند خون‌گرم، اجتماعی، دارای دوستان متعدد پرحرف و آغازگر گفت‌وگو، اهل مسافرت و تفریح، پرتحرک و علاقه‌مند به تنوع و هیجان. درون‌گراها برعکس، از محیط‌های آرام خوششان می‌آید، با آن‌که بیشتر آن‌ها کمرویی و یا اضطراب اجتماعی ندارند، اما گشاینده سخن و گرم‌کننده مجلس نیستند. یکنواختی را بر تنوع ترجیح می‌دهند. از نظر روان‌شناسان انسان‌ها در سه گروه برون‌گرا، می‌ان‌گرا (نه برون‌گرا و نه درون-گرا) و درون‌گرا قرار می‌گیرند. خوب است مرد برون‌گراتر از زن باشد و یا اگر زن برون‌گراتر است، فاصله خیلی زیاد با مرد نداشته باشد. زن خیلی برون‌گرا از همنشینی با مرد درون‌گرا خسته و ملول می‌شود و مرد او ناراضی و حتی بدبین. راه تشخیص: با آزمون های EPQو NEO می‌توان میزان برون‌گرایی را به دست آورد.
سلامت روان	اطمینان از اینکه فرد دارای روان رنجوری‌های مزمن و ناتوان ساز،... و روان پریشی‌های شدت افزا نباشد. راه تشخیص: تحقیق و آزمون‌های روان‌شناختی
سلامت شخصیت	نداشتن هر نوع اختلال شخصیت از قبیل رفتارهای شکل گرفته ضداجتماعی، بدبینی مرضی، اعتیاد به الکل و مواد مخدر. راه تشخیص: تحقیق و آزمون‌های روان‌شناختی
دینداری و ایمان	دینداری سه جنبه مهم دارد: ۱- باورهای درست و روشن درباره خدا، جهان آخرت، انبیاء و اوصیای الهی و حقایق نظام آفرینش۲ - اخلاق به معنای داشتن فضیلت ها و صفات درونی مانند صداقت، حیاء، امانت، شکر، صبر،.. و دور بودن از رذیلت ها و صفات منفی مانند حسادت، تکبر، حرص،... ۳- عمل به احکام دینی یعنی انجام واجبات و ترک محرمات. اخلاق هدف والای تربیت دینی است که وجود انسان را از آلودگی‌ها و تیرگی‌ها می‌زداید و زلال معنویت و سرزندگی را در آنجاری می‌سازد. آرامش دیرپای درون و پیوند گرم، سازنده و امیدبخش با دیگران ره‌آورد فضیلت‌های

	اخلاقی است. رعایت احکام شرعی انسان را در چارچوب دین قرار می دهد و از دام توجیه و خودفریبی می‌رهاند. مهم‌ترین واجبات اسلام نماز و روزه و در صورت تمکن مالی پرداختن خمس است و شایع‌ترین محرمات: ارتباط جسمی و جنسی با نامحرم، کسب دارایی نامشروع و مصرف مواد مخدر و مشروبات الکی است. در مورد صفات اخلاقی در حوزه همسرگزینی و خانواده فضیلت راستگویی، پاکدامنی و حسن خلق برای زن و مرد و خسیس نبودن برای مرد بیشتر اهمیت دارند که جداگانه آن ها را توضیح داده‌ایم. راه تشخیص: بحث و گفتگو، تحقیق
شایستگی خانوادگی	خانواده چهار کارکرد مهم در شکل گیری شخصیت فرزند دارد: توارثی (ژنتیکی)، الگویی، تربیتی و دور نگه‌داشتن از آسیب‌های اخلاقی در خانواده شایسته پدر و مادر درجه اول و برادران و خواهران بزرگ تر، در درجه بعد، افرادی سالم و دور از مشکلات حاد اخلاقی هستند. خانواده خوب محیطی آرام و بدون تنش‌های شدید و مکرر دارد. طلاق، اعتیاد، بزهکاری، خیانت، خشونت‌های پی‌درپی و آسیب رساندن از نمایان‌ترین نمونه‌های ناشایستگی خانوادگی است. راه تشخیص: تحقیق
راستگویی	صداقت اعتماد می آورد. در روایات نقل شده از پیشوایان دین آمده است که برای گزینش افراد در کارهای مهم (مانند ازدواج) تنها به نماز و روزه که می توانند با تکرار از محتوای معرفت و سازندگی خود خارج شوند و به صورت عادت درآیند بسنده نکنید، بلکه به صداقت و امانتداری، بیشتر توجه کنید. دروغ های عمدی و بزرگ اعتماد را از بین می‌برد و بدبینی را جای گزین می‌سازد. یادآوری: لازم نیست برای نشان دادن صداقت خطایی که فرد در گذشته انجام داده و دیگر تکرار نشده است، اعتراف کرد. چیزی را نباید پوشاند که با گذشت زمان و تحقیق آشکار می‌شود مانند نادرستی در بیان سن، شغل، مدرک تحصیلی، بدهی مالی، عقد و ازدواج قبلی، بیماری ادامه دار، عیب و نقص جسمی و عضوی، جدایی والدین، مسئولیت ذهنی و جسمی یکی از اعضای خانواده. راه تشخیص: تحقیق
سخاوت و	بخشندگی از ویژگی‌های برجسته شخصیت‌های سالم است. بخشندگی، بزرگی عزت

بخشـــــــندگی (برای مردان)	و محبوبیت می‌آورد و آبروی انسان را حفظ می‌کند. مرد وظیفـه دارد غیـر از پرداخـت نفقه واجب همسر (مسکن مناسب، غذا، پوشـاک هزینـه‌هـای درمـانی و تهیـه وسـایل زندگی مطابق شأن زن)، به زندگی خود توسعه دهد و اگر دارای توان مـالی اسـت، در تأمین رفاه و آسایش همسر و فرزندان بکوشد و از هزینه کردن برای تفریحات سالم و دادن هزینه در مناسبت‌ها دریغ نکند. آن‌چـه تشـخیص آن قبـل از ازدواج مهـم اسـت، بخشنده بودن نیست چه این خصوصیت به توان مالی فرد در موقعیـت‌هـایی گونـاگون بستگی دارد بلکه دقت در تشخیص خسیس و بخیل‌نبودن است. تشخیص: ۱- رفت‌وآمد و ارتباط و دقت کردن در نحوه هزینه‌کردن برای فرد مقابل و اطرافیان. ۲- یکی از صفات شخصیت‌های وسواس جبری ناخن‌خشکی و خست است که می‌توان از طریق آزمون‌های روان-شناختی تشـخیص داد. ۳- ویژگـی ناهمـدلی در بعضی آزمون های روان شناختی همراه با بخشنده نبودن و خرج نکـردن بـرای دیگـران است که با آزمون NEO معلوم می‌شود.
انگیزه و توان فرزندپروری	فرزندآوردن و تربیت شایسته او غیر از آن‌که هدف اصـلی ازدواج اسـت، سـبب رشـد شخصیت، شکوفایی فضیلت‌های انسانی و اخلاقـی افـزایش سـلامت روان و پـرورش مسئولیت‌پذیری و تعهد اجتماعی می‌شود. فرد سالم باید انگیزه داشته باشد که در زمان مناسب با هماهنگی همسرش فرزنددار شود و برای تربیت او به افـزایش آگـاهی هـا و توانمندی‌ها خود بپردازد. تشـخیص: گفتگـوی روشـن و جـدی در ایـن زمینـه، از طریـق بعضـی آزمـون‌هـای روان شناختی احتمال بی-انگیزگی و ناتوانی را می توان داد، در صـورت لـزوم بررسـی سابقه بیماری و ناتوانی‌هایی که مانع فرزندآوری می‌شود.

۵ـ تکمیل فرم ملاک‌های همسر گزینی

این فرم ناظر به آموزش اولیه و فرم ملاک ها، برای اعـلام نتـایج گفتگـو هـا و تحقیقـات و اظهار تردیدها، نوشته می‌شود.

در این فرم هر یک از طرفین که برای مشاوره ازدواج مراجعه نموده‌اند، خواسته می‌شود که پس از مطالعه دقیق توضیحات ملاک های مذکور، فرم زیـر را دربـاره فـرد مـورد نظـر تکمیـل نمایند.

ملاک	توضیحات
ظاهر	
سن	
سطح و رشته تحصیلی	
وضعیت اجتماعی و سطح خانواده‌ها	
فرهنگ خانواده	
همسانی فکری و عقیدتی در مسائل اجتماعی و سیاسی	
شغل	

تندرستی	
استقلال	
مسئولیت‌پذیری	
حسن خلق (خوش اخلاقی)	
پاکدامنی	
میزان برون‌گرایی	

سلامت روان	
سلامت شخصیت	
دینداری و ایمان	
شایستگی خانوادگی	
راستگویی	
سخاوت و بخشندگی (برای مردان)	

انگیزه و توان **فرزندپروری**	

٦ ـ استخراج و خلاصه نمودن تردیدها

موارد قابل تأمل از یادداشت ها و تردیدهای ایشان توسط مشاور یا همکار کارشناس، استخراج و خلاصه می شود. لازم است قبل از مشاوره فردی حضوری، فرم مذکور را تحویل نمایند تا بررسی های لازم و احیانا خلاصه برداری و استخراج نکته های قابل تأمل انجام پذیرد. واضح است که تکمیل فرم فوق در گرو اتمام گفتگوها و تحقیق‌های آن‌ها درباره فرد مورد نظر و پایان هرگونه بررسی است که فرد یا خانواده‌اش می‌بایست درباره یکدیگر انجام دهند. درغیر اینصورت به تشخیص مشاور محترم، درصورتیکه محتوای ارسال شده، نشانی از انجام دقیق فرایند گفتگو و تحقیق ندارد، ادامه فرایند مشاوره را در منوط به اتمام بررسی های از قبل آموزش داده شده، نمایند.

۷ ـ برگزاری آزمون‌های روان‌شناختی

برگزاری آزمون های روان شناختی متناسب با شرایط بدست آمده از فرم پذیرش و مصاحبه اولیه‌ی مشاور از قبیل:

-PF١٦Cattle ،Basic Needs (Glasser) ،KHTP ،٩٠EPQ- ،٣٧٠MMPI- ٢٤٠Neo PI-R

لازم به ذکر است که لزوما با گفتگو و تحقیق نمی توان از سلامت روان و سلامت شخصیت افراد اطمینان حاصل کرد. لذا با اجرای آزمون های پیشنهادی مذکور ضمن بررسی سلامت فرد، می توان از نتایج این آزمون ها برای بررسی تناسب شخصیت و نیازهای طرفین اطمینان بیشتری کسب کرد.

۸ـ بررسی سلامت روان و تناسب شخصیت

بررسی سلامت روان و تناسب شخصیت طرفین ضمن آنکه نتایج آزمون ها برای ایشان با هدف افزایش خودآگاهی و نیز مدیریت پیشگیرانه اختلافات بسیار حائز اهمیت است.

۹ـ جمع‌بندی

در جمع بندی، مراجعان در انتهای فرآیند مشاوره در یکی از سه گروه زیر قرار می‌گیرند:

مورد تأیید از نظر مشاور

لازم به بررسی بیشتر و ادامه فرآیند یا ارجاع به دیگر مشاورین برای مشورت بیشتر

مردود از نظر مشاور

۱۰ـ بررسی بیشتر

درصورتی که نیاز به بررسی بیشتر دارد، مشاور پس از ارائه تکالیف برای گفتگو یا تحقیق بیشتر، پس از مدت زمان مشخص، مجددا ایشان را برای حصول نتیجه می‌پذیرد.

۱۱- پیگیری

در صورتی که به هر ترتیب با نظر تأییدی مشاور یا برخلاف نظر وی، مراجعین ازدواج نمودند، بسیار مطلوب است که میزان رضایت زناشویی زوجین مورد بررسی قرار گیرد. این پیگیری می تواند پس از ٦ ماه و یکسال از زمان عقد صورت پذیرد. این کار به دو هدف مهم انجام می‌گیرد:

الف ـ اصلاح فرایند مشاوره ازدواج و کسب تجارب بیشتر

ب ـ ارائه آموزش‌های پس از ازدواج جهت پیشگیری از آشفتگی‌ها و گسستگی‌ها

نتیجه‌گیری

سه رویداد مهم در زندگی فرد وجود دارند که عبارتند از تولد، مرگ و ازدواج. دو رویداد نخست در اختیار انسان نبوده اما ازدواج آگاهانه و انتخاب همسر مناسب، رویداد مهمی است که بر سرنوشت انسان تأثیر بسزایی دارد.

بنابر آنچه در بررسی وضعیت خانواده‌ها در ایران ذکر شد، به دلیل بحران‌هایی که در خانواده‌ها وجود دارد و نیز افزایش آگاهی بسیاری از مردم، استقبال از مشاوره‌های پیش از ازدواج بسیار چشمگیر بوده است اما متاسفانه، نیروی انسانی دانش آموخته و توانمند به حد و اندازه‌ای نیست که این تقاضا را به حق، پاسخگو باشد.

به عبارت دیگر، با آنکه در سالهای اخیر شاهد رواج امر مشاوره‌های روان‌شناختی و به خصوص مشاوره‌های قبل و بعد ازدواج در مراکز مشاوره سراسر کشور هستیم اما چون رویکردها و روش‌های مشاوره ازدواج، به طور دقیق برخاسته از منابع اصیل دینی ــ علمی

نیست، مشکلات این حوزه کاهش چمشگیری پیدا نکرده است، بـه همـین جهـت سـند ملـی مشاوره ازدواج که با همکاری صاحب نظران حوزه و دانشگاه تهیه شد تا بر پایه آن، مشـاورانی متخصص آموزش ببینند، و با مشاوره ای بر اساس مبـانی دینـی ــ علمـی در انتخـاب مناسـب همسر برای مراجعین تأثیر مثبت گذارده و در نهایت از آمار آشفتگی و گسستگی در خانواده ها کاسته شود.

منابع

قرآن کریم

حافظ ابوالموید، محمدالبکری، ***المناقب***، شارح و مترجم ابوالحسن حقیقـی، تهـران: موسسـه فرهنگـی سامه، ۱۳۷۵.

طبرسی، حسن بن فضل، ***مکارم الأخلاق***، ترجمه میرباقری، دارالحدیث، قم، ۱۳۷۰.

کلینی، محمد بن یعقوب، ***اصول کافی***، دار الکتب الاسلامیهٔ، تهران، ۱۳۷۳.

و دیگر منابع مطالعاتی که در هنگام تحقیقات مورد استفاده قرار گرفت که در بخش مراحل تحقیقات به آن‌ها اشاره شده است و به جهت حجیم نشدن بخش منابع از ذکـر نـام آن در ایـن قسـمت خـودداری می‌شود.

مجموعه مقالات نهمین همایش ملی اشراق اندیشه مطهر، **خانواده و تربیت جنسی**
اردیبهشت ۱۳۹٤، ص ۱۱۱-۹۳

نگاهی به برنامه درسی تربیت جنسی در نظام تعلیم و تربیت با تاکید بر دو عنصر هدف و محتوا

حسن اسلامیان/ دانشجوی دکترای برنامه ریزی درسی، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) [1]
زهرا اسلامیان/ دانشجوی دکترای رشته برنامه ریزی درسی، دانشگاه فردوسی مشهد [2]
محمود سعیدی رضوانی/ دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد [3]

چکیده

با نظر به اهمیت و حساسیتِ مباحث مرتبط با تربیت و هدایت جنسی دانش آموزان در نظام های تعلیم و تربیت، تدوین و اجرای برنامه درسی مناسب در حیطه تربیت جنسی امری مهم و ضرورتی انکار ناپذیر می باشد. بر همین اساس پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل دیدگاهها و یافته های پژوهشگران در خصوص برنامه درسی تربیت جنسی- با تاکید بر دو عنصر هدف و محتوا، انجام شد. نتایج حاکی از آن بود که مهم ترین اهداف برنامه درسی تربیت جنسی ناظر بر جلوگیری از تهاجم فرهنگی، هدایت جنسی، حفظ پاکدامنی، جلوگیری از تخلف جنسی، آمادگی تشکیل خانواده، سلامت روان، تغییر فرهنگ مدیریت رفتارهای جنسی، ارائه دستورالعمل اجرایی مشخص برای آموزش‌های جنسی، افزایش دانش و مهارت مدرسان مدارس، ایجاد صفت‌ها و رفتارهای جنسی سالم و زدودن صفتهای ناشایست در دانش آموزان، توجه به ابعاد معنوی و روحانی مسایل جنسی و ... می باشد. همچنین نتایج نشان داد محتوای برنامه تربیت جنسی در مدارس باید در برگیرنده مقوله هایی نظیرآموزش جنسیِ مبتنی بر معنویت و تعالیم دینی، توجه به رعایت چارچوب‌های مذهبی و ارزش-های اجتماعی در رفتارهای جنسی، ارائه اطلاعات و آگاهی‌های مفید و سازنده در زمینه رفتارهای سالم جنسی، آموزش سلامت جنسی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، روش‌های حفظ ومراقبت جنسی وآثار عاطفی، روانی و جسمانی ناشی از آن، ترس از هم‌جنس‌گرایی، تاکید بر جنبه‌های جامعه‌شناسی، پاسخ صادقانه به سوال‌ها و ابهام های دانش آموزان در ارتباط با مسائل جنسی باشد.

کلید واژه ها: تربیت جنسی، برنامه درسی، هدف، محتوا، نظام آموزشی.

---

1 . eslamian.1362@yahoo.com
2 . eslamianz@yahoo.cm
3 . saeedy@um.ac.ir

مقدمه

یکی از مسائلی که در فرایند تعلیم و تربیت به عنوان یک چالش و دغدغه مهم و اساسی محسوب می‌شود، بحث تربیت جنسی[1] افراد است (نوابی‌نژاد، ۳٤)، تربیت جنسی مدخلی ظریف، پر چالش، ژرف، مهم و دقیق است که همواره به دلیل وجود پاره‌ای از ابهام‌ها و سو تفاهم های فکری و نظری و نیز موانع اجرایی با مشکلات فراوانی دست به گریبان بوده است و همین امر زمینه ساز بسیاری از معضلات اجتماعی و انحراف های رفتاری در میان نسل جوان و به تبع آن، صرف هزینه های سنگین جهت مقابله با این انحرافات برای نهادها و سازمان های زیربط است (امینی، تمنایی فر، پاشایی ۱۳۹۰). در این میان نقش نظام آموزش و پرورش و برنامه‌های درسی در فرایند تربیت جنسی دانش آموزان، تعیین کننده، چالش بر انگیز و تحول آفرین است. برنامه های درسی امروزه به عنوان قلب نظام های آموزشی محسوب می شوند که شامل کلّیهٔ فعالیتهای یادگیری یادگیرنده، انواع تجربه های یادگیری، پیشنهادهایی در مورد راهبردهای یاددهی- یادگیری و شرایط اجرای برنامه و همچنین در برگیرنده دانش، مهارت و نگرش ارزشمند برای یادگیری در هر نظام آموزشی است (الکساندر، ۱۹٦۷، جنکینس، ۲۰۰۹، کلاین، ۱۹۸٦مک کرنن، ۲۰۰۷، ارنشتاین و هانکینز، ۲۰۰۹). لذا در راستای تحقق اهداف مرتبط با تربیت جنسی دانش آموزان در نظام های آموزشی، باید توجه ویژه‌ای به تدوین و اجرای مطلوب برنامه‌های درسیِ تربیت جنسی، مبذول شود.

نقش برنامه های درسیِ مدارس در مدیریت رفتارهای جنسی دانش آموزان و ارایه آموزش های مناسب در این زمینه مورد توجه اکثر نظام های آموزشی بوده است (ترنبال[2]،۲۰۰۵؛ سچاستر[3] و همکاران،۲۰۰۸). بازبینی و توسعه برنامه‌های درسی تربیت جنسی در نظام‌های آموزشی و مدارس، موضوع آسانی نیست و هنوز ترس و اضطراب از پرداختن به مسائل مرتبط با تربیت جنسی در قالب برنامه‌های درسی وجود دارد (هاوکس[4]،۱۹۹٦؛ اسکوتیش[5]، ۲۰۰۰).

---

1 Sexual education
2 Turnbull
3 Schuster
4 Hawkes
5 Scottish

موضوعِ تربیت جنسی می‌تواند از منظر تمامی رویکردهای برنامه درسی اعـم از رفتـاری و دیسیپلینی ـ موضوعی تا رویکردهای ماورای فردی، باعث نیل به آرمان‌های تربیتی شـود. کنـار آمدن با خود و شکل‌گیری هویت و خود پنداره جنسی و عزت نفـس و کرامـت انسـانی و بـه دنبال آن نیل به استعلا و روحانیت (تاکید دیدگاه‌های انسان‌گرایانـه و مـاورای فـردی)، تعامـل بایسته با جنس مخالف و ایفای نقش شهروندی ـ همسری ـ والـدینی ـ و همکـاری متـاثر از یادگیری نقش جنسیتی(تاکید رویکردهای اجتماعی)، کارکرد مناسب و فراگیـری مهـارت‌هـای مربوط به امور جنسی(تاکید رویکردهای رفتاری و دیسیپلینی ـ موضوعی)، همگـی حکایـت از ضرورت توجه برنامه درسی به آموزش جنسی [1]برای مخاطبان نظام آموزش و پرورش رسـمی دارند(مهرام،۱۳۸٦). همچنین در نظام آموزش و پرورش کشـورمان نیـز برنامـه درسـی تربیـت جنسی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. به طوری که در سند راهبردی تحـول بنیـادین نظـام آموزش و پرورش که در سال ۱۳۹۰ تصویب شد، یکی از موارد مهمـی کـه در حـوزه مسـایل اعتقادی – ارزشی به آن اشاره شد، مرتبط با بحث تربیت جنسیِ دانش آموزان در نظام آموزش و پرورش بوده است: «ترویج و تعمیق فرهنگ حیا، عفاف و حجاب متناسب با قابلیـت‌هـا و ظرفیت‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی، که وزارت آموزش و پرورش موظف است بـه ایجاد ساز و کارهای لازم برای هماهنگی رسانه‌ها و تولیدکنندگان کتب و مواد آموزشی، لـوازم التحریر و تجهیزات آموزشی و تربیتی در جهت ترویج فرهنگ حیا، عفـاف و حجـاب مناسـب در دانش‌آموزان» مبادرت ورزد (سند تحول بنیادین: ۲۲ راهکار ٤-۳).

به طور کلی اهمیت و جایگاه برنامه درسـی تربیـت جنسـی در اکثـر نظـام‌هـای آموزشـی کشورهای مختلف، مورد تاکید صاحب نظران و پژوهشگران بـوده اسـت و علـی‌رغـم تنـوع و اختلاف دیدگاه در زمینه چرایی و چگونگی ارایه برنامه های درسی و آموزش های مـرتبط بـا تربیت جنسی(آنازتاسیو [2] و همکاران،۲۰۰۸)، در نظام‌های آموزشی کشورهایی کـه برنامـه‌هـای درسی تربیت جنسی تدوین و اجرا گردید، این برنامه‌ها و آموزش ها تاثیر خـود را نشـان داده است و در تاخیر فعالیـت هـای جنسـی ناهنجـارِ دانـش آمـوزان، مـوثر بـوده است(سـالک [3] و همکاران،۲۰۰٦).

1 Sexual Instruction
2 Anastácio
3 Sulak

با نظر به اهمیت و حساسیتِ مباحث مرتبط با تربیت و هـدایت جنسـی دانـش‌آمـوزان در نظام‌های تعلیم و تربیت، فقدان توافق جمعی در خصوص برنامه درسی تربیت جنسیِ مطلوب در مدارس و همچنین عدم وجود استراتژهای مشخص و اثر بخش در زمینه آموزش رفتارهای جنسی مطلوب و مناسب به دانش آموزان در محیط مدرسـه، تـدوین و اجـرای برنامـه درسـی مناسب در حیطه تربیت جنسی امری مهم و ضرورتی انکار ناپذیر می باشد. بر همین اساس در پژوهش حاضر از بین عناصر برنامه درسی دو عنصرهدف و محتوا انتخاب گردید و با بررسـی و تحلیل پژوهش‌ها و مطالعاتی که توسط صاحب نظران و محققان در ارتباط با برنامـه درسـی تربیت جنسی انجام شد، به ارائه مولفه‌ها و مقوله‌های مهم در جهـت تـدوین عناصـر هـدف و محتوای برنامه درسی تربیت جنسی در نظام تعلیم و تربیت، پرداخته شد.

اهداف برنامه درسی تربیت جنسی

در نظام‌های تعلیم و تربیت، «هدف»، به وضع سودمند و مطلـوبی گفتـه مـی‌شـود کـه لازم است برای تحقق آن، فعالیت‌های مناسب و مطلوب تربیتـی انجـام گیـرد (فقیهـی،۱۳۸۷). هـر عملی دارای اهدافی است. تربیت جنسی نیز به عنـوان سـاحتی مهـم از تعلـیم و تربیـت بایـد اهدافی را دنبال کند و با توجه به اینکه اهداف برنامه درسی تربیت جنسی به محتوای مرتبط بـا آنها جهت می‌دهند، تدوین اهداف برنامه درسی تربیت جنسی نیاز به اهتمـام و دقـت ویـژه‌ای دارد.

در جهت شناسایی و تحلیل دیدگاه‌های پژوهشگران و صاحب نظران در ارتباط بـا اهـداف برنامه درسی تربیت جنسی، ابتدا به برخی از مهم‌ترین مطالعات و پژوهش‌های انجـام شـده در حوزه برنامه درسی تربیت جنسی که یافته‌هایی را در خصوص عنصر هـدف در برنامـه تربیـت جنسی ارائه کرده‌اند اشاره می‌شـود و سـپس در جـدول ۱ بـه طـور خلاصـه اهـم نتـایج اهـم پژوهش‌ها ارائه می‌شود .

امیریان‌زاده، محمدی، امیریان‌زاده (۱۳۸٦) بر ضرورت ارائه برنامه درسی تربیـت جنسـی را در جهت جلوگیری از تهاجم فرهنگی، هدایت جنسی، حفـظ پاکـدامنی جلـوگیری از تخلـف جنسی، داشتن جامعه‌ای سالم، آمادگی تشکیل خانواده، سلامت روان، تاکید کرده‌اند .

ابوالقاسمی و همکارانش (۱۳۸۹) در پژوهش خـود نتیجـه گرفتنـد کـه از دیـدگاه مربیـان

بهداشت مدارس، اولویت‌های تربیت جنسی دانش آموزان عبارتند از: تغییر فرهنگ در سطح سازمان و نهاد ها برای تربیت جنسی در مدارس، دستورالعمل اجرایی مشخص برای این آموزش ها، تأمین منابع آموزشی، افزایش دانش و مهارت مربیان مدارس برای مدیریت رفتارهای جنسی دانش آموزان.

– به زعم پور امینی، (۱۳۸٤) آموزش های مرتبط با تربیت جنسی باید در جهت ایجاد صفت‌ها و رفتارهای جنسی سالم و زدودن صفت های ناشایست در افراد، انجام شوند.

بریگس [1] (۲۰۰۳) در پژوهشی اهداف برنامه‌های آموزشی تربیت جنسی را در افزایش قابلیت‌ها و رفتارهای مراقبتی دانش‌آموزان و نیز برای رشد دانش، آگاهی، نظام ارزش‌گذاری، و نگرش‌های دانش‌آموزان، ذکر کرده است.

کوچتکف [2] (۱۳٦۹) در مطالعه خود به این نتیجه رسید که جهت‌گیری اصلی تربیت جنسی نباید صرفا ارائه دانش و اطلاعات مربوط به امور جنسی دانش‌آموزان باشد. بلکه علاوه بر آن، تربیت جنسی باید ابعاد معنوی و روحانی مسایل جنسی را مورد توجه و تأکید خاص قرار دهد. در واقع، از نظر وی، هدف تربیت جنسی فقط آموزش اطلاعات مرتبط با آناتومی و فیزیولوژی انسانی نیست، بلکه باید بر جوانب معنوی، انسانی و روحی امور جنسی تأکید کرد تا این حوزه و کارکرد، شکل و صبغه انسانی به خود بگیرد نه آن که صرفا در قالب اموری مادی و حیوانی مطرح شوند. به طور قطع اهمیت ابعاد معنوی و روحانی تربیت جنسی، کمتر از جنبه‌های مادی و فیزیکی آن نیست.

بر اساس پژوهش کونتولا [3] (۲۰۰۸)، مهم‌ترین هدف تربیت جنسی از نظر معلمان آن است که حس مسئولیت و آگاهی از واقعیت‌های مسایل جنسی را به دانش‌آموزان آموزش دهد.

1 Bridgs
2 Kutchkef
3 Kontula

جدول ۱. خلاصه یافته‌های پژوهشگران در خصوص اهداف برنامه درسی تربیت جنسی

عنصر	پژوهشگر	سال	مولفه ها
هدف	امیریان زاده، محمدی و امیریان زاده	۱۳۸٦	جلوگیری از تهاجم فرهنگی، هدایت جنسی، حفظ پاکدامنی جلوگیری از تخلف جنسی، داشتن جامعه‌ای سالم، آمادگی تشکیل خانواده و سلامت روان.
	ابوالقاسمی	۱۳۸۹	تغییر فرهنگ در سطح سازمان و نهادها برای تربیت جنسی در مدارس، دستورالعمل اجرایی مشخص برای این آموزش‌ها، تأمین منابع آموزشی، افزایش دانش و مهارت مربیان مدارس برای مدیریت رفتارهای جنسی دانش آموزان.
	امینی پور	۱۳۸٤	ایجاد صفات و رفتارهای جنسی سالم و زدودن صفات و رفتارهای جنسی ناشایست در انسان.
	بریگس	۲۰۰۳	افزایش قابلیت‌ها و رفتارهای مراقبتی دانش‌آموزان، برای رشد دانش، آگاهی، نظام ارزش گذاری، و نگرش‌های دانش‌آموزان.
	کوچتکف	۱۳٦۹	تاکید بر ابعاد معنوی و روحانی مسایل جنسی و توجه به کارکرد، شکل و صبغه انسانی تربیت جنسی.
	کونتولا	۲۰۰۸	القای حس مسئولیت و آگاهی از واقعیت‌های مسایل جنسی به دانش آموزان

محتوای برنامه درسی تربیت جنسی

تربیت جنسی به عنوان یکی از کارکرد های مهم نظام آموزشی درصدد انتقال و آموزش و مجموعه‌ای از اطلاعات، آگاهی‌ها و شناخت‌ها، نگرش‌ها و عواطف و قابلیت‌ها و مهارت‌های مربوط به مسایل جنسی است. بدون تردید، محتوا و روش یا چگونگی اراده این شناخت ها،

عواطف و مهارت ها وابسته به نگاه و رویکرد کـلان نظـام آموزشـی و ارزش هـای فرهنگـی و اجتماعی هر جامعه است (امینی وهمکاران، ۵). در ادامه به مهم تـرین مطالعـات پـژوهش هـای انجام شده در حوزه برنامه درسی تربیت جنسی که یافته‌هایی را در خصوص عنصـر محتـوا در برنامه تربیت جنسی ارائه کرده‌اند اشاره می‌شود و سپس در جدول ۲ به طور خلاصه اهم نتایج پژوهش‌ها ارائه می‌شود .

فرمهینی فراهانی (۱۳۸۳) ضمن تأکید بر گنجانده حوزه تربیت جنسی در محتـوای درسـی دوره متوسطه، بر ارائه محتوای مناسب و برنامه آمـوزش جنسـی مبتنـی بـر معنویـت و تعـالیم آسمانی و دینی، تاکید کرده است. وی همچنین اذعان می‌دارد که از نظر دانش آموزان والدین و معلمان دوره متوسطه باید در حوزه تربیت جنسی به طور عمـده شـیوه هـای کنتـرل و تعـدیل غریزه جنسی، تشریح نکات بهداشتی در سنین بلوغ، تأثیرات دوست در سلامت یا سقوط فرد، اخلاق جنسی و آگاهی از خطرات و امراض جنسی را به دانش آموزان آموزش دهند.

اسماعیلی و همکاران (۱۳۸٤) نیز در تحقیق خود بر ضرورت اطلاع رسانی به نوجوانان در مورد تغییرات فیزیولوژیکی ناشـی از بلـوغ و رعایـت جهـارچوب‌هـای مـذهبی و ارزش‌هـای اجتماعی هنگام ارائه آموزش‌های جنسی، به اشاره نمودند.

ساکت[4] (۲۰۰۹) با توجه به نقش و اهمیتی که برای تربیت جنسـی در مراکـز آموزشـی بـه ویژه مدارس متوسطه قایل است، از حوزه‌ای تحت عنوان "تربیت جـامع جنسـی" نـام بـرده و تأکید می‌کند، که این حوزه باید مجموعه‌ای از اطلاعات و آگـاهی‌هـای مفیـد و سـازنده را در زمینه رفتارهای سالم جنسی به دانش آموزان منتقل نموده و آموزش دهـد تـا آنهـا بتواننـد، در موارد مقتضی تصمیم‌های آگاهانه‌ای را در این زمینه اتخـاذ نماینـد و ضـمن اینکـه، آگـاهی و بصیرت در زمینه امور و فعالیت‌های جنسـی، مـانع ایجـاد اضـطراب و فشـار روانـی در میـان دانش‌آموزان می‌گردد.

سنجاکدار[5](۲۰۰۹) در پژوهشی تحت عنوان گفتگو با معلمان درباره مسایل، چشم انـدازها و مسئولیت‌ها در جهت رشد برنامه درسی جامع تربیت بهداشت جنسی بـرای دانـش‌آمـوزان و معلمان اشاره نموده که مکالمات با معلمان نشان داد که یادگیری و آموزش سلامت جنسـی در

4 sucet
5 sanjadkar

اسلام نه "تابو" و نه خلاف اسلام، بلکه یادگیری مورد نیاز و اجباری برای هر مسلمانی واجب است. در عین حال در پژوهش مذکور نشان داد، آن دسته از معلمانی که تلاش کرده‌اند نگرش‌های طبیعی، سالم و حس بردباری نسبت به امور جنسی را آموزش داده و صادقانه با دانش‌آموزان در این زمینه گفتگو کرده و تجارب شخصی خویش را برای آنان بیان کرده و از روش‌های مختلفی؛ هم‌چون نمایش، ایفای نقش و سخنرانی استفاده کرده‌اند، موفق شده‌اند که سطح آگاهی و شناخت بهتر و بیشتری را در زمینه رفتار جنسی در دانش آموزان ایجاد کنند.

راس[6] (۲۰۰۰) در خصوص مطالعات انجام شده درکشورهای سوئد و دانمارک گزارش می‌دهد که مدارس بیشترین سهم را در تربیت جنسی کودکان و نوجوانان برعهده دارند. محتوای آموزشی تربیت جنسی در مدارس این کشورها بر حوزه ارتقای آگاهی‌های جنسی متمرکز است؛ زیرا با توجه به شیوع بیماری‌های مقاربتی، مسری و کشنده، ارائه و کسب آگاهی‌های جنسی مهم است.

مایکل[7] (۲۰۰۷) با مجادله انگیزخواندن تربیت جنسی، از گنجانده شدن این حوزه در قالب برنامه‌های درسی مدارس حمایت کرده و تأکید می‌کند که تربیت جنسی در این مدارس باید دانش‌آموزان را با انواع مختلف رفتارهای جنسی، روش های حفظ و مراقبت جنسی و نیز آثار عاطفی، روانی و جسمانی ناشی از فعالیت‌های جسمی آشنا کرده و در عین حال، امکان طرح و پاسخ به سوال‌های مختلف دانش آموزان را در زمینه مسایل جنسی فراهم می‌سازد.

مک گور، گلیسون(۲۰۱۰) با بررسی نگرش‌های والدین نوجوانان نسبت به گنجاندن جهت‌گیری جنسی و هم جنس‌گرا هراسی، در برنامه درسی مدارس راهنمایی ایرلند اشاره نمودند که اکثریت اولیاء موافق قرار دادن راهنمایی‌های جنسی و ترس از هم‌جنس‌گرایی در برنامه درسی مدارس بودند .

پژوهش هائولو [8]و همکاران (۲۰۰۶) ظرفیت‌های اینترنت برای تربیت جنسی را مورد توجه قرار داده و بر استفاده مراکز آموزشی از ابزار اینترنت جهت افزایش سطح دانش و آگاهی جنسی، بهداشت جنسی و تغییر نگرش های آنان نسبت به امور جنسی تأکید می‌کند.

---

6 Rus
7 Maykel
8 Hualou

نتایج پژوهش گابریل(۱۹۹۲) نشان داد از دیدگاه والدین دانش آموزان، محتوای آموزشی جنسی باید در مورد بیولوژی، جنبه‌های جامعه‌شناسی، بروز غریزه جنسی و روش‌های جلوگیری از بارداری باشد.

روس[1](۲۰۰۰) در پژوهش خود به طور مستند نشان می‌دهد که درصد بالایی از معلمان (۷۰ ٪) معتقدند که آموزش ایدز و راه‌های انتقال آن باید در برنامه درسی دوره ابتدایی گنجانده شود.

مک کی و هالویتی[2] (۱۹۹۷) در پژوهش خود بیان می‌کنند که درصد بالایی از جوانان (۸۹٪) معتقدند که مدارس به عنوان منبع اصلی باید در زمینه بهداشت جنسی آموزش‌های لازم را به دانش آموز ارائه دهد.

-کرکلر[3] معتقد است تربیت جنسی در معنای جامع و فراگیر[4]، خود ناظر بر سه حوزه اساسی یعنی: بهداشت جنسی[5]، اخلاق جنسی[6] و آینده جنسی[7]است. از نظر این صاحب‌نظر، اولین قدم در زمینه تربیت جنسی، همانا آموزش و ارتقای سطح اطلاعات و آگاهی های مرتبط با بهداشت جنسی است. به همین دلیل آموزش و ارائه اطلاعات در زمینه چگونگی پیدایش نطفه، دوران بارداری و چگونگی رشد نوزاد در رحم، پدید آمدن اولین نشانه جنسی در نطفه، هویت جنسی، چگونگی انتقال ژن از والدین به فرزندان، دارای ضرورت است بر ایجاد عواطف جنسی مثبت[8]، ارائه اطلاعات درست در مورد تغییر و تحول جنسی[9]در نوجوان، خودکنترلی جنسی[10]، و رعایت حد اعتدال در ارضای غریزه جنسی تأکید می‌نماید. در نهایت کرکلر در مورد آینده جنسی آموزش و ارائه اطلاعات و مهارتهای مرتبط آماده سازی جوانان و نوجوانان برای زندگی مشترک توأم با عشق و تفاهم، احترام نسبت به جنس مخالف، ارزش

---

1 . Rus
2 . Mc Kay & Holowaty
3 Crcler
4 Comprehensive
5 Sexual Hygiene
6 Sexual Moral
7 Sexual Future
8 Positive Sexual Attitudes
9 Sexual Transformations
10 Sexual Self-Control. Appreciation

گذاری[1] و پذیرش وی، شناخت احساسات جنس مخالف، برقراری ارتباط کلامی و غیرکلامی.

– کالینس[2] و همکاران(۲۰۰۲) برنامه درسی تربیت جنسی در مقطع متوسطه را در دو طبقه کلی قرار می‌دهند؛ برنامه درسی مبتنی بر تربیت جامع جنسی[3]و برنامه درسی صرفا محدود و مقید کننده. در حالی که برنامه مقید کننده صرفا بر منع روابط جنسی نزدیک تأکید کرده و ارائه و آموزش اطلاعات آگاهی‌های مرتبط با زمینه‌های جنسی به دانش‌آموزان تا قبل از ازدواج امتناع می‌کند، برنامه درسی تربیت جامع – جنسی بر تدریس و آموزش مسایل جنسی ناشی از اقتضاعات دوره بلوغ، ایجاد نگرش‌های مناسب نسبت به امور جنسی، تولید مثل و آگاهی در مورد خطرهای ناشی از بیماری‌های جنسی نظیر ایدز و ... می‌کند.

زیمرمن و همکاران(۲۰۰۸) در پژوهشی از مدارس خواستند تا یکی از سه برنامه زیر را در مطالعه‌ای شبه تجربی و دخالتی تدریس کنند: برنامه استاندارد مدارس درباره ایدز و پیشگیری از بارداری، برنامه آموزشی کاهش ریسک یا نسخه تغییر یافته از برنامه کاهش ریسک که برای افراد شدیدا احساسی و کسانی که بدون ریسک تصمیم می‌گیرند سازگارسازی شده بود، به این نتیجه رسیدند که تفاوت مشهوری در تأثیر نسخه معمول و سازگار شده کاهش ریسک برای کل جامعه آماری یا برای افراد شدیدا احساسی و کسانی که بدون فکر تصمیم می‌گیرند، به صورت جداگانه وجود نداشت. دانش‌آموزان از هر دو گروه دخالتی؛ در کوتاه مدت رشد دانشی داشتند. دانش‌آموزانی که تحت برنامه استاندارد مدرسه‌شان قرار گرفتند بیش از آنهایی که در یکی از برنامه‌های دخالتی شرکت داشتند به سمت تماس جنسی گرایش داشتند و اشاره نمودند برای کم کردن رفتارهای پرخطر در افراد شدیدا احساسی و کسانی که بدون فکر تصمیم می‌گیرند کار بیشتری باید انجام شود تا راه‌های بهتری کشف شود. دخالت‌های کاهش ریسک در قیاس برنامه معمول آموزشی، آغاز رابطه جنسی را ۱۲ تا ۱۸ ماه بیشتر به تأخیر انداخت و این تأثیرات در سیاه‌پوستان بیش از سفیدپوستان بود.

آیسنبرگ[4] (۱۹۹۷) در تحقیق خود تأکید می‌کند که مقدمات آموزش های جنسی باید قبل از نوجوانی شروع و به سوال‌ها و ابهام‌های نوجوانان صادقانه پاسخ داده شود.

---

1 Appreciation
2 Collins
3 Comprehensive Sex Education
4 Eisenberg

نتایج پژوهش فیشر و فیشر[1] (۱۹۹۲) نشان می‌دهد که آموزش بهداشت جنسی هنگامی بیشترین کارایی را دارد که فقط جنبه اطلاع‌رسانی صرف نداشته باشد بلکه باید شامل فرصت‌های انگیزشی و ایجاد مهارت[2]باشد. هم چنین دانش‌آموزان خواهان آن هستند که برنامه جامع بهداشت جنسی[3] در بردارنده اطلاعاتی مفصل در مورد موضوع‌های بهداشت جنسی باشد.

جدول ۲. خلاصه یافته‌های پژوهشگران در خصوص محتوای برنامه درسی تربیت جنسی

عنصر	پژوهشگر	سال	مولفه ها
محتوا	فرمهینی فراهانی	۱۳۸۳	ارائه محتوای آموزش جنسی مبتنی بر معنویت و تعالیم دینی، شیوه‌های کنترل و تعدیل غریزه جنسی، تشریح نکات بهداشتی در سنین بلوغ، تأثیرات دوست در سلامت یا سقوط فرد، اخلاق جنسی و آگاهی از خطرات و امراض جنسی
	اسماعیلی و همکاران	۱۳۸٤	اطلاع رسانی به نوجوانان در مورد تغییرات فیزیولوژیکی ناشی از بلوغ و رعایت چارچوب‌های مذهبی و ارزش‌های اجتماعی هنگام ارائه آموزش های جنسی
	ساکت	۱۳۸۷	انتقال اطلاعات مفید و سازنده در زمینه فعالیت‌های جنسی
	سنجادکار	۱۳۸۷	آموزش سلامت جنسی مبتنی بر آموزه های اسلامی، نگرش های سالم و حس بردباری

1 Fisher & Fisher
2 Motivational and Skill Building Opportunities
3 Comprehensive Sexual Health Education Program

			در امور جنسی
	راس	۲۰۰۰	استفاده از محتوای مرتبط با آگاهی‌های جنسی در زمینه شیوع بیماری‌های مقاربتی، مسری و کشنده
	مایکل	۲۰۰۷	انواع مختلف رفتارهای جنسی، روش‌های حفظ و مراقبت جنسی، آثار عاطفی، روانی و جسمانی ناشی از فعالیت‌های جسمی، فراهم سازی امکان طرح و پاسخ به سوال-های مختلف دانش‌آموزان در زمینه مسایل جنسی
	کرکلر	۲۰۰۰	کنترل و ارضای صحیح غریزه جنسی، خویشتن‌داری جنسی، عواطف جنسی مثبت، ارائه اطلاعات درست در مورد تغییر و تحول جنسی در نوجوان، خودکنترلی جنسی و رعایت حد اعتدال در ارضای غریزه جنسی
	مک گور، گلیسون	۲۰۱۰	راهنمایی‌های جنسی و ترس از هم‌جنس‌گرایی
	هائولو و همکاران	۲۰۰۶	توجه به ظرفیت‌های اینترنت برای تربیت جنسی، استفاده مراکز آموزشی از ابزار اینترنت جهت افزایش سطح دانش و آگاهی جنسی، بهداشت جنسی و تغییر نگرش‌های آنان نسبت به امور جنسی
	روس	۲۰۰۰	آموزش ایدز و راه‌های انتقال آن
	مک کی و	۱۹۹۷	آموزش‌های لازم در خصوص بهداشت

هالویتی		جنسی	
کرکلر	۲۰۰۰	بهداشت جنسی، اخلاق جنسی و آینده جنسی	
کالینس و همکاران	۲۰۰۲	منع روابط جنسی نزدیک، ارائه اطلاعات مرتبط با امتناع از فعالیت‌های زمینه‌های جنسی به دانش‌آموزان تا قبل از ازدواج، آموزش مسایل جنسی ناشی از بیماری های جنسی نظیر ایدز و غیره	
زیمرمن و همکاران	۲۰۰۸	برنامه استاندارد درباره ایدز و پیشگیری از بارداری، تشریح رفتارهای پرخطر در افراد شدیدا احساسی	
آیسنبرگ	۱۹۹۷	فراهم کردن زمینه‌ای برای پاسخ صادقانه به سوال‌ها و ابهام‌های نوجوانان در خصوص مسائل جنسی	
فیشر و فیشر	۱۹۹۲	فراهم کردن فرصت‌های انگیزشی و ارائه اطلاعاتی مفصل در مورد موضوع‌های بهداشت جنسی	

نتیجه‌گیری

همانطور که اشاره شد برنامه‌های درسیِ تربیت جنسی در نظام های آموزشی می‌تواند نقش تعیین کننده ای در مدیریت و هدایت رفتارهای جنسی دانش آموزان داشته باشد و از همین رو ارایه آموزش‌های مناسب در این زمینه مورد توجه اکثر نظام‌های آموزشی بوده و بالطبع پژوهش‌ها و مطالعات متعددی در داخل و خارج از کشور در این زمینه انجام شده است. در پژوهش حاضر در بین عناصر برنامه درسی، دو عنصر هدف و محتوا مورد توجه قرار گرفت و دیدگاه های صاحب نظران و نتایج یافته های پژوهشگران در زمینه اهداف و محتوای برنامه درسی تربیت جنسی مورد شناسایی و تحلیل قرار گرفت. اهم یافته‌های پژوهش به تفکیک دو عنصر هدف و محتو ذیلا" ارائه می شود.

الف) اهداف برنامه های تربیت جنسی

جلوگیری از تهاجم فرهنگی، هدایت جنسی، حفظ پاکدامنی جلوگیری از تخلف جنسی، داشتن جامعه‌ای سالم، آمادگی تشکیل خانواده و سلامت روان تغییر فرهنگ در سطح سازمان و نهادها برای تربیت جنسی در مدارس، دستورالعمل اجرایی مشخص برای این آموزش‌ها، تأمین منابع آموزشی، افزایش دانش و مهارت مربیان مدارس برای مدیریت رفتارهای جنسی دانش آموزان. ایجاد صفات و رفتارهای جنسی سالم و زدودن صفات و رفتارهای جنسی ناشایست در انسان. افزایش قابلیت‌ها و رفتارهای مراقبتی دانش‌آموزان، برای رشد دانش، آگاهی، نظام ارزش گذاری، و نگرش‌های دانش‌آموزان. تاکید بر ابعاد معنوی و روحانی مسایل جنسی و توجه به کارکرد، شکل و صبغه انسانی تربیت جنسی. القای حس مسئولیت و آگاهی از واقعیت‌های مسایل جنسی به دانش آموزان.

ب)محتوای برنامه درسی تربیت جنسی

ارائه محتوای آموزش جنسی مبتنی بر معنویت و تعالیم دینی، شیوه‌های کنترل و تعدیل غریزه جنسی، تشریح نکات بهداشتی در سنین بلوغ، تأثیرات دوست در سلامت یا سقوط فرد، اخلاق جنسی و آگاهی از خطرات و امراض جنسی، اطلاع رسانی به نوجوانان در مورد تغییرات فیزیولوژیکی ناشی از بلوغ و رعایت چارچوب‌های مذهبی و ارزش‌های اجتماعی هنگام ارائه آموزش های جنسی، انتقال اطلاعات مفید و سازنده در زمینه فعالیت‌های جنسی آموزش سلامت جنسی مبتنی بر آموزه های اسلامی، نگرش های سالم و حس بردباری در امور جنسی، استفاده از محتوای مرتبط با آگاهی‌های جنسی در زمینه شیوع بیماری‌های مقاربتی، مسری و کشنده انواع مختلف رفتارهای جنسی، روش‌های حفظ و مراقبت جنسی، آثار عاطفی، روانی و جسمانی ناشی از فعالیت‌های جسمی، فراهم سازی امکان طرح و پاسخ به سوال‌های مختلف دانش آموزان در زمینه مسایل جنسی کنترل و ارضای صحیح غریزه جنسی ، خویشتن‌داری جنسی،عواطف جنسی مثبت، ارائه اطلاعات درست در مورد تغییر و تحول جنسی در نوجوان، خودکنترلی جنسی و رعایت حد اعتدال در ارضای غریزه جنسی، راهنمایی‌های جنسی و ترس از هم‌جنس‌گرایی، توجه به ظرفیت‌های اینترنت برای تربیت جنسی،استفاده مراکز آموزشی از ابزار اینترنت جهت افزایش سطح دانش و آگاهی جنسی، بهداشت جنسی و تغییر نگرش های آنان نسبت به امور جنسی، آموزش ایدز و راه‌های انتقال

آن، آموزش‌های لازم در خصوص بهداشت جنسی، اخلاق جنسی و آینده جنسی، منع روابط جنسی نزدیک، ارائه اطلاعات مرتبط با امتناع از فعالیت های زمینه‌های جنسی به دانش‌آموزان تا قبل از ازدواج، آموزش مسایل جنسی ناشی از بیماری های جنسی نظیر ایدز و غیره برنامه استاندارد درباره ایدز و پیشگیری از بارداری، تشریح رفتارهای پرخطر در افراد شدیدا احساسی، فراهم کردن زمینه ای برای پاسخ صادقانه به سوال‌ها و ابهام‌های نوجوانان در خصوص مسائل جنسی، فراهم کردن فرصت‌های انگیزشی و ارائه اطلاعاتی مفصل در مورد موضوع‌های بهداشت جنسی.

مروری بر پژوهش‌های انجام شده و همچنین نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر حاکی از آن است که مسئله تربیت جنسی موضوع حساس و در عین حال مهم است، چرا که با سعادت و ضلالت آدمی پیوند خورده است، لذا لازم است صاحب نظان و مسئولان نظام های آموزشی، به ویژه نظام آموزشی کشورمان باید با استفاده از آموزه های اسلامی و همچنین با استفاده از تجارب حاصل از برنامه های درسی کشورهای دیگر[1]، تغییرات لازم و مفید را در برنامه درسی تربیت جنسی اعمال نمایند.در پایان با توجه به تاثیری که برنامه درسی تربیت جنسی می‌تواند بر سلامت جنسی و هدایت رفتارهای جنسی دانش آموزان داشته باشد پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بیشتر در زمینه برنامه درسی تربیت جنسی دانش‌آموزان با در نظر گرفتن تمامی عناصر برنامه درسی انجام شود و از نتایج این پژوهش در تدوین و اجرای برنامه درسی تربیت جنسی در مقاطع مختلف تحصیلی استفاده شود.

هم چنین بایسته و شایسته است که اهداف و محتوای برنامه درسی تربیت جنسی، از اعتبار اسلامی برخوردار باشد،تا حد امکان تفاوت‌های قومی، فرهنگی و... را مد نظر قرار دهد و از مؤثرترین پیام ها در این زمینه استفاده شود، لذا برای تحقق این امر پیشنهاد مهم دیگر در این زمینه این می‌باشد که گروه ویژه ای باید سیاست گذاری این امر خطیر را جهت ورود صحیح آن به نظام آموزشی کشور بر عهده بگیرد، برای این منظور پیشنهاد می‌گردد کارگروهی متشکل از روان‌شناسان، فقها، متخصصان علوم تربیتی (به ویژه متخصصان برنامه‌ریزی درسی)، علوم اجتماعی و ... تشکیل شود. به عبارتی دیگر این شورای راهبردی باید سیاست گذاری در این

---

۱ .استفاده از منابع غربی و اشاره به تجاربشان؛ به منظور پذیرفتن کامل آنها نیست، بلکه هدف بررسی نقاط قوت و ضعف برنامه‌های اجرا شده در دیگر کشورها می‌باشد

زمینه را برعهده بگیرد تا به تبع آن مراحل بعدی (اعم از تدوین اهداف، محتوا، روش و...) برای ورود به آموزش و پرورش به صورت منطقی و متناسب با شئونات اسلامی و فرهنگ حاکم بر کشور ایران صورت پذیرد.

منابع

ابوالقاسمی، ن؛ مرقایی خویی، ع.؛ تقدیسی، م. «تبیین تربیت جنسی دانش آموزان ایرانی از دیدگاه مربیان بهداشت مدارس ابتدایی»، ***مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی***،٦ (٢)، ٣٩-٢٧. (١٣٨٩)

اسماعیلی،ک؛ اسماعیلی، م؛ ایرانفر، ش؛ مهدی آبادی، ف، «بررسی آموزگاران شهر اهواز در مورد آموزش رفتارهای جنسی به نوجوانان»، ***کنگره خانواده و مشکلات جنسی***، تهران: دانشگاه شاهد،٤-١. (١٣٨٤).

امیریان زاده،م؛ محمدی، م؛ امیریان زاده ،م، «جایگاه آموزش و تربیت جنسی در مدارس و مراکز آموزش عالی»، ***خلاصه مقالات سومین کنگره سراسری خانواده و سلامت جنسی***. سومین کنگره سراسری خانواده و سلامت جنسی، آذر٨-٦، تهران. (١٣٨٦).

امینی، م. پاشایی، ر؛ تمنایی فر، «بررسی ضرورت وجودی و چگونگی توجه به تربیت جنسی در برنامه درسی مقاطع»، ***مجله علمی پژوهشی «برنامه درسی»***، ١ (١)،٢٠٢-١٧٠ . (١٣٩٠).

پورامینی، م «تربیت جنسی در سیره نبوی»، ***فصل‌نامه تربیت اسلامی***(ویژه تربیت جنسی)، تهران،٣(٨). (١٣٨٤).

دوایی،م، ***تربیت جنسی در اسلام***، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد، ١٣٧١.

سند تحول بنیادین وزارت آموزش و پرورش (سند مشهد مقدس)، وزارت آموزش و پرورش، شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش و پرورش، آذرماه ١٣٩٠.

فرمیهنی فراهانی، م، ***انسان و سلامت جنسی (تربیت جنسی)***، تهران: البرز، ١٣٨٦.

فرمیهنی فراهانی، م، «محتوای مناسب برای تربیت جنسی در کتب درسی دوره متوسطه»، ***دو ماه نامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد***، ١١ (٩)،١٤-١ . (١٣٨٣).

فقیهی، علی نقی، ***تربیت جنسی: مبانی اصول و روش ها از منظر قرآن و حدیث***، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، چاپ دوم، ١٣٨٧.

کوچتکف،و ؛ لایپیک، م، ***روانشناسی و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان***، ترجمه محمد تقی زاده، تهران: مرکز، ١٣٦٩.

مهرام، ب، «بررسی محتوای کتب درسی دوره های راهنمایی و متوسطه از حیث تربیت جنسی»، ***مجله خانواده و سلامت جنسی***، ۱۳۸٦.

نوابی نـژاد، ش، ***نوجوانی و ضرورت و آموزش بهداشت روانـی***، تهـران، انتشـارات انجمـن اولیـا و مربیان، ۱۳۷٦.

Alexander, H. G(1967). ***The language and logic of philosophy***. Albuquerque: Univercity of New Mexico Press.

Anastacio, Z., Carvalho, G. and Clement, P., (2008). Children Sexual Arousal and Primary School Teachers' ***Perceptions of Sex Education Training Needs***: Electronic Manuscript: LIRDHIST – Université Claude Bernard Lyon-1, France.

Crcler, G. (2000). ***Introduction to sexual education***.Newyork: W. H.

Collins, Chris. Alagiri, Pria.Summers,Todd.(2002). Abstinence Only VS. Comprehensive SexEducation: what are the arguments? What is the evidence? *AIDS Research Institute University of California. San Francisco.* ***Policy Monograph Series***. Available at:http://www.associatedcontent.com .

Gabreal,Laguerica(1992). *Exploring paternal attitude toward Knowledge and values ine rporated in* ***public school sex education***. California state university Long Beach.

Eisenberg, Marla E. (1997). *View Points of Based Sexuality Education*. ***Journal of School Health***.67:322-326.

Fisher, J. D. & Fisher, W. A. (1992). Changing AIDS-Risk Behavior. ***Psychological Bulletin*** 111. 435-474.

Hawkes, G., (1996). ***A sociology of sex and sexuality***, Buckingham, University Press.

Hua- Lou, Chao. Zhao, Quan & Gao, Er-sheng. (2006). Can the Internet Be Used Effectively to Provide Sex Education to Young People in China? ***Journal of Adolescent Health,*** 39 (5): 720-728.

Jenkins, S. B. (2009). Measuring teacher beliefs about curriculum orientations using the modified-curriculum orientations inventory, ***Curriculum Journal.***

Kontula. O. (2008). Nordic Sex Education: A Case of Finland . ***Journal of***

Sexologies. 17 (1): 25.

Klein, M. Frances(1986). ***Alternative curriculum Conceptions and Designs***. Theory Into Practice, 25(1): 31 – 35.

McKernan, Jame(2007). ***Curriculum and Emagination***: Process Theory, Pedagogy and Action Research. Routledge.

Mellanby, A.R., Phelps, F., Crichton, N. and Tripp, J., (1996). School sex education, a process for evaluation: Methodology and results. ***Health Education Research***, 11, pp.205-214.

Ornstein, Allan C; Hunkins, Francis P(2009). ***Curriculum: Foundations,principles***, and Issues. Fifth Eddition. United States: Pearson Education.

Rus, G. (2000*).* ***Sexual Health***. New York. Hal-Jack Publishing Co.

Sacket, S. (2009*). Sexual Education Programs Inside Schools*. Available at: http://www.associatedcontent.com

Sanjakdar, F.(2009). Teacher Talk: The problems, perspectives and possibilities of developing a comprehensive sexual health education curriculum for Australian Muslim students . ***Journal of Sex Education****.Vol9, No. 3,August 2009,261-275.*

Schuster, M.A., Corona, R., Ellott, M., Kanouse, D., Eastman, K., Zhou, A. and Klein, D.(2008)Evaluation of Talking Parents, Healthy Teens, a new worksite based parenting program to promote parent-adolescent communication about sexual health: randomized controlled trial. ***BMJ***. 337, pp. 1-9.

Scottish R.,(2000). ***Report on the working group on sex education in Scottish Schools***. In Office, E. (Ed.), Scotland Government.

Sulak, P., Jerbelin, S., Fix, D. and J.Kuehl, T., (2006). Impact of an adolescent sex education program that was implemented by an academic medical center. ***American Journal of Obstetrics and Gynecology***. 195(1), pp. 78-84.

Turnbul, T., Wersch, A.V. and Schaik, P.V.,(2008). A review of parental involvement in sex education: The role for effective communication in British families. ***Health Education Journal***, 67, pp.182-195.

Zimmerman, P. K. Cupp, L. D. Sione, K. feist-price, S. Helme, D. (2008). Effects of a School- Based, Theory-Driven HIV And pregnancy prevention curriculum. ***Journal of Perspectives on Sexual and Reproductive Health****, Volum40, Number1, 42-51.*

مجموعه مقالات نهمین همایش ملی اشراق اندیشه مطهر، **خانواده و تربیت جنسی**
اردیبهشت ۱۳۹٤، ص ۱۳۸-۱۱۳

تأملی بر نقش آفرینی وارونه متصدیان تربیت جنسی و ترسیم رسالت مطلوب هر یک از آنها از منظر مشاوران و کارشناسان دینی مدرسه

نعیمه شفیعی اپورواری/ دانشجوی فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شهید باهنر کرمان [1]
مراد یاری دهنوی/ استادیار فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شهید باهنر کرمان [2]

چکیده

امروزه آگاه ساختن به‌موقع، به همراه اطلاعات درست و صحیح در مقوله‌های تربیت جنسی از وظایف مهم خانواده، مدرسه و رسانه‌های ارتباطی می‌باشد. هدف از انجام این پژوهش نشان‌دادن ضرورت تربیت و آموزش جنسی، چرایی و چگونگی و عملکرد فعلی نهادهای مذکور در این مقوله است. این سه نهاد علی‌رغم دغدغه‌های بسیاری که در این زمینه دارند، گاه وظایف و کارکردی وارونه انجام می‌دهند که موجب عدم آموزش مناسب در خصوص مسائل جنسی می‌شود. بنابراین فاصله‌ای میان عملکرد موجودِ نهادهای مربوط و وضعیت مطلوب به‌وجود می‌آید؛ به‌گونه‌ای که هرچه مشکلات و مسائل جنسی در جامعه بیشتر باشد نشان‌دهنده شکاف عمیق‌تری میان این دوحالت است. از این رو لازم است تا با ایجاد آگاهی و بینش و کنار گذاشتن شرم و حیای مذموم که درجامعه حاکم است موجبات بهبود این رویه را فراهم کرد. در این راستا این پژوهش به منظور مشخص ساختن مولفه‌های تربیت جنسی و رسالت نهادهای مذکور با استفاده از روش پدیدار شناسی و زیست نگاری و با بهره-گیری از مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته و پرسش‌های کتبی باز پاسخ با پنج مشاور و چهار کارشناس دینی مدارس به عنوان نزدیک‌ترین افراد با مقوله‌ی مشکلات جنسی انجام شده است. نتایج بدست آمده‌ی این پژوهش حاکی از اهمیت و ضرورت لزوم تربیت جنسی توسط خانواده، مدرسه و رسانه‌ها می‌باشد که متاسفانه به دلیل شرم و حیای مذموم و عدم بینش و آگاهی صحیح و دلایلی از این قبیل عملکردی وارونه را در این زمینه انجام می‌دهند.

کلید واژه ها: تربیت جنسی، متصدیان، خانواده، مدرسه، رسانه، انحرافات جنسی.

---

1 . naghme.sh69@yahoo.com
2 .myaridehnavi@gmail.com

مقدمه

روابط جنسی برخلاف تصور اکثر آحاد جامعه که تصور می‌کنند تنها پاسخگویی به نیاز جنسی است، دارای سه جنبه اساسی می باشد: لذت، مهرومحبت وتولیدمثل؛ که در واقع جداسازی این عوامل از یکدیگر بسیار دشوار است (دانینو A. daninos، ترجمه پویان، ۱۹) چرا که تمامی انسان‌ها میل و گرایش به سوی شکوفا شدن استعدادهای فطریشان دارند؛ اما تربیت صحیح زمانی شکل می گیرد که این استعدادهای طبیعی و فطری انسان در جهت صحیح شکوفا شده و پرورش داده شود. شکوفا شدن استعدادهای انسان موجبات شادمانی و تعادل روحی و آرامش وی را فراهم کرده و ممانعت و در فشار قرار دادن آن سبب اضطراب و ناراحتی و افسردگی و حتی جنایات و انحرافات بسیاری می‌شود (مطهری، ۵۷). لذا غریزه جنسی همانند تمامی غرایزی که خداوند در وجود انسان نهاده نیاز به شکوفایی دارد اما در مورد به فعلیت رساندن این غریزه نظریات و دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارند.

سه رویکرد غالب به تربیت جنسی (Sexual education) از دیدگاه شهید مطهری (۱۳۸۹) به شرح زیر می‌باشند: دیدگاه اول از هرگونه ارضای جنسی ممانعت می‌کند و معتقد است که ارضای جنسی انسان را از رسیدن به کمال باز می‌دارد، پایه و اساس این رویکرد بر پلیدی غریزه جنسی، ریاضت طلبی و رهبانیت است و دوری از ازدواج و تشکیل خانواده؛ طرد تعلقات و لذت‌های دنیوی و تحریم آگاهی‌های جنسی را جایز و حتی واجب می‌داند. این عقاید و آراء را می توان در دوران حاکمیت کلیسادر اروپا، آیین برهمایی (Berahmanism)، آیین جایینی (Jainism)، آیین مانی (Many) وبودایی (Buddhism) و در میان یهودیان و مسیحیان مشاهده کردکه از آن به نام رویکرد مبتنی بر رهبانیت و اخلاق کهن جنسی نیز یاد می‌شود.

رویکرد دوم به روابط جنسی، تحت عنوان اخلاق جنسی لیبرال (Sexual revolution) یا اخلاق نوین جنسی (New sexual morality) معتقد است که، نقطه‌ی آغاز آن به دوران رنسانس در اروپا باز می‌گردد. از صاحب‌نظران این رویکرد می‌توان به مارکس، فروید و راسل اشاره کرد که معتقدند باید جلوی تحریم های جنسی را گرفت و آزادی جنسی را رواج داد چراکه در غیر این صورت عقده‌هایی در باب مسائل جنسی در فرد شکل می‌گیرد که منجر به بروز جرم و جنایت می‌شود.

دیدگاه سوم به غریزه‌ی جنسی رویکرد اسلامی است که مبتنی بر اعتدال است، و افراط و تفریط دو رویکرد فوق در آن مشاهده نمی شود. در اسلام نه تنها غریزه جنسی قبیح نیست بلکه عاملی است که انسان از طریق آن می تواند به کمال برسد و با توجه کردن به همین غریزه عشق و محبت در میان همسران حاصل می‌شود و بهره‌مند شدن از آن شرط تکامل معنوی انسان و از وسایل رسیدن به سعادت واقعی است. بنابراین اسلام انگیزه‌های جنسی را انکار نکرده و خواهان سرکوب آن‌ها نیست و از طرفی با آزادی‌های بی‌قید و بند نیز مخالف است و معتقد به کنترل و تعدیل و ارضای مشروع این غریزه است (مطهری، اخلاق جنسی در اسلام و غرب، ۱۳۸۹).

بنابراین غریزه جنسی که در وجود انسان نهاده شده، همانند سایر غرایز بشر امکان شکوفایی و به کمال رساندن انسان را دارد و اما همین غریزه اگر به روشی نادرست به فعلیت رسد موجب تباهی انسان خواهد گشت خواه در جهت افراط باشد وخواه در جهت تفریط، لذا ضرورت تربیتی صحیح و اسلامی با حد تعدیل و به دوراز افراط و تفریط، در این حوزه از اهمیت بالایی برخوردار است.

اخلاق نوین جنسی　　رویکرد اسلامی　　اخلاق کهن جنسی

از طرفی تربیت جنسی در مورد همه‌ی رفتارها، صفات و خصلت‌های مرتبط با غریزه جنسی بحث می کند، چه آن رفتار ها قابل مدح وذم و چه عادی و غیر قابل مدح و ذم باشند. بنابراین قلمرو تربیت جنسی بسیار وسیع و گسترده است و مسائل مربوط به اخلاق جنسی را نیز در برمی‌گیرد. علاوه برآن تربیت جنسی چگونگی آشنا شدن با راهکارهای عملی و عینیِ چگونه اعتدال بخشیدن، هدایت و جهت دادن غریزه جنسی و راه و رسوم مصون ماندن از لغزش‌ها و آسیب‌های جنسی را، آن هم به صورت کاربردی و عینی به همراه دارد (بهشتی، ۹۳).

عوامل بسیاری نیز در تربیت جنسی موثر اند که اگر در برابر تاثیرهای این عوامل نادرست، آگاهی‌های درست و به هنگام به نوجوانان داده نشود عقاید، افکار و احساسات و نگرش‌های آنان تحت تاثیر این عوامل مخرب واقع شده و در آینده ناظر تضاد هایی خواهیم بود که بنیاد های خانواده را تهدید می کنند (طاهرپور، ۵۳). بنابراین اهمیت آموزش‌هایی متناسب با

رویکرد جامعه مان به عنوان یک جامعه اسلامی برای آماده سازی نوجوانان و جوانان و جلوگیری از انحرافات جنسی ضروری به نظر می‌رسد. در میان عوامل تاثیر گذار نقش نهاد خانواده، مدرسه و رسانه‌های ارتباطی بسیار مورد توجه است.

خانواده به عنوان اولین نهادی است که کودک در آن پای می‌گذارد. برخلاف تصور عده‌ای از والدین که کودکان خود را موجوداتی کر و لال می‌پندارند، آنان از سن ٦ سالگی و گاها زود تر به بسیاری از روابط و مسائل میان والدینشان آگاه می شوند (قائمی، ۸۸). بنابراین محیط خانه و رفتارهای اعضای خانواده باید به‌گونه‌ای باشد که موجب بیداری زودهنگام نشوند. همیشه این سخن راشنیده‌ایم که مدرسه خانه دوم دانش‌آموزان است و آیا خانه، مدرسه‌ی اول کودکان و فرزندان ما نیست؟

مدرسه نیز نهادی است که نقش بسیار مهمی در تربیت جنسی دارند. مشاوران مدرسه در این میان نقش بسیار پررنگی را ایفا می کنند. البته در مدرسه علاوه بر فراگیری دروس مختلف روابط دانش‌آموزان با یکدیگر و نقش دوستان در پاسخگویی به سوالات یکدیگر بسیار موثر است، که متاسفانه اطلاعات ناقص و توهم آمیز سبب بیداری و پیدایش بسیاری از مشکلات جنسی می‌شود (همان، ۹۹). از طرفی اولیاء مدرسه موظف‌اندآموزش‌های نادرست خانواده را تصحیح کنند چرا که تنها با داشتن اطلاعات و دانش جامع می‌توان در برابر آسیب‌های احتمالی مقاومت کرد (انله I. ehnle، ترجمه خلیلی، ۱۸۰). بنابراین آموزش‌های درست و به هنگامی که از خانه و توسط والدین آغاز می‌شود باید با سیر تکاملی آموزش‌های مدرسه همسو و متوازن باشد.

عامل تاثیرگذار دیگر و نقش آن در تربیت جنسی رسانه‌های ارتباطی (Communication media) می‌باشند، امروزه با گسترش وسایل ارتباطی و فضای مجازی بسیاری از آگاهی ها و اطلاعات زود تر و به صورت نادرست به کودکان و نوجوانان آموزش داده می‌شود. در این میان رسانه‌های تصویری نقشی تاثیرگذارتر ایفا می‌کنند؛ چراکه کودکان و نوجوانان معتقد هستند ورای جذابیت و سرگرمی برنامه‌های تلویزیونی می‌توانند چیزی از آن یاد بگیرند. این برنامه ها آموزش هایی مانند چگونه زیباتربودن و آرایش کردن، چگونه راه رفتن و صحبت کردن، مدل‌های جدید لباس و مو و... و برخی جزئیات مربوط به آداب و رسوم را به آن‌ها می‌آموزد (شرام W. schramm، لایل J. lyle و پارکر E. Bparker، ترجمه

حقیقت کاشانی، ۹۱). اما میزان تاثیر و نقش رسانه‌ها به قدری است که نیل پستمن N. (postman) از آن به عنوان عاملی در «زوال دوران کودکی» (The disappearance of childhood) نام می برد. نقش موثر کودکان و نوجوانان دررسانه های تصویری برای نشان دادن مانکن‌ها و پیام‌های بازرگانی و صحنه‌های عرضه‌ی مد لباس با حالات و عشوه‌های خاص، از این موارد است. از طرفی شبیخون نظام صنعتی وکارآمد ترین ابزارآن، تلویزیون نزدیک به دو دهه است که خط فاصل میان دوران کودکی و بزرگسالی را برداشته و امروزه در حالی یک کودک هیجده‌ماهه به تماشای تلویزیون می نشیند که هیچ تفاوتی میان برنامه‌های کودکان و بزرگسالان وجود ندارد (پستمن، ترجمه طباطبایی، ۸-۹).

بنابراین باتوجه به چنین روند در حال رشدی که هر روزه برنامه ی جدید و نوپایی برای گمراهی نوجوانان ما طراحی می کنند و حضور تام ماهواره‌ها در کشور، ضرورت دارد رسانه های ملی نیز تدابیری در این زمینه بیاندیشند، همچنین نقش الگویی چهره های برجسته ی رسانه های تصویری ملی رسالت بسیار مهمی را در این خصوص دارند؛ چرا که در هر اجتماعی مدل‌ها و الگوهایی وجود دارندکه افراد عملا از آن‌ها تقلید می کنند حال اگر این مدل‌ها مناسب باشند تربیت نیز به صورت شایسته اتفاق می افتدو اگر ناپسند باشندباعث ایجاد عوامل مخرب و لغزش‌هایی در این خصوص می‌شوند (قائمی، ۹۹).

لذا این پژوهش به دنبال آن است تا از ورای مصاحبه با گروهی از دست اندرکاران مدرسه که آگاه از مسائل زیرپوست تربیت جنسی هستند و تجربیات لازم را در این خصوص به صورت عملی مشاهده کرده‌اند مولفه هایی از تربیت جنسی چون ضرورت آن، متصدیان آن، عملکرد موجود و مطلوب آن را مورد ارزیابی قرار دهد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، پژوهشی کیفی مشتمل بر روش پدیدار شناسی می باشد. در این پژوهش هدف کشف ساخت ذهنی کنشگران است، به طوری که کنشگر در حالتی از آگاهی در مورد پدیده‌ای قرار می گیرد، که گویا تلاش می کند تا از سوءگیری‌ها، تعصبات و عقاید روزمره آزاد شود. لذا در انجام چنین پژوهش هایی پژوهشگر با افرادی سروکار دارد که با پدیده مورد بررسی ارتباط نزدیکی دارند و وی خود را در جریان تجربه آن‌ها قرار می‌دهد. بدین ترتیب با

توجه به دیدگاه هوسرل ابتدا گروه مورد بررسی به صورت هدفمند از میان مشاوران و کار شناسان دینی انتخاب شده است تا از لحاظ فکری و عاطفی با مساله مورد پژوهش درگیری داشته باشند و از این طریق علاوه بر تجربیات خودِ آنان، از موارد مراجعین دانش آموزان به آنان نیز آگاهی صورت گیرد (گال، بورگ و گال، ۱۳۹۱، ص ۱۰۴۷– ۱۰۵۰). اطلاعات بدست آمده از طریق مصاحبه ی نیمه ساختار یافته با حداقل زمان مصاحبه ۳۰ دقیقه و حداکثر زمان ۹۵ دقیقه صورت گرفت. علاوه بر آن پرسش های کتبی باز پاسخ نیز در اختیار مصاحبه شوندگان قرار گرفت و با هر مصاحبه شونده مدت ۱۵ دقیقه پس از مصاحبه به بحث و یادادشت برداری اختصاص داده شد. سپس مطالب مطرح شده در هر سوال به صورت جداگانه نوشته شده و موردتجزیه و تحلیل قرار گرفته است. از طرفی در این پژوهش از روش زیست نگاری نیز استفاده شده است چرا که از طریق این روش می توان تجربیات یک یاچند نفر را در مورد یک پدیده و موضوع خاص به صورت حکایت گونه مورد استفاده قرار داد (بازرگان، ٦٨). همچنین روند مصاحبه در فضایی آرام و با ضبط مصاحبه و اطمینان خاطر به مصاحبه شوندگان در خصوص مطالب بیان شده اتفاق افتاد. این مصاحبه با پنج مشاور و چهار کارشناس دینی مدارس صورت گرفت. بدین ترتیب در این پژوهش از روش زیست نگاری برای بازنمایی تجربیات و از روش پدیدارشناسی برای کشف ماهیت تجربه مشاوران و کارشناسان مذهبی در مورد عملکرد متصدیان تربیت جنسی استفاده شده است.

در مرحله‌ی پایانی سنجش اعتبار یافته‌ها صورت گرفت. برای اعتبار بیشترِ مصاحبه‌های انجام شده یکی از فعالیت های مشترک، توسط دو نویسنده مقاله این بوده است که یافته ها توسط دونفر تحلیل و معنایابی شوند، همچنین بعد از تحلیل یافته ها، مفاهیم کلی استخراج شده، به مصاحبه شوندگان ارسال گردید تا اعتبار یافته های پژوهش را مورد ارزیابی قرار دهند که برداشت شخصی نویسندگان مقاله نباشد.

یافته‌های پژوهش

ضرورتی مغفول در نظام تعلیم و تربیت رسمی و غیر رسمی ایران

آموزش و تربیت جنسی به عنوان یک مساله در تمامی زمان ها برای افراد انسانی وجود داشته است. در گذشته‌ها به گونه‌ای بوده که این آموزش‌ها به وسیله‌ی خود زندگی انجام

می گرفته است و مراسم بلوغی که مردمان به اصطلاح بدوی برپا می کردندنشان دهنده‌ی اتمام دوره‌ای از زندگی و آغاز دورانی جدید است. البته آموزش ها به هیچ وجه به صورت آشکارا صورت نمی گرفته است، چراکه افراد اطلاعات خود را از طریق صحنه‌های زندگی بدست آورده بودند؛ و اما موج جدیدآموزش ها وتظاهرات جنسیتِ کودکان توسط «فروید» به اثبات رسید و آموزش جنسی این حق را بدست آورد که به عنوان یک مساله اجتماعی موجودیت داشته باشد، این در حالی است که تا قبل از آن، آن چه بتوان آن رادر قالب آموزش جنسی مد نظر گرفت تنها به سفارشات کتاب مقدس و تمهیدات بیان شده در آن بوده است (دانینو، ترجمه پویان، ۱۴۵-۱۴۶). لذا آموزش جنسی یکی از موضوعات مهم در حوزه‌ی تربیت است و در چگونگی شکل گیری شخصیت انسان نقش مهمی را ایفا می کند، چرا که در افکار، احساسات و عواطف ورفتارهای افراد تاثیرگذار است. اما با وجود اهمیت این موضوع در کشور ما برنامه های مدون و مناسبی وجود ندارد و نوجوانان و جوانان اطلاعات خود را از منابع نامعتبر وبا روش‌های مخرب می‌آموزند وگاها نیز اطلاعات کاملی در خصوص اندام‌های جنسی خود ندارند (فقیهی، ۵۱).

لذا اهمیت پرداختن به آموزش جنسی توسط ارگان‌های موثر در قالب آموزش‌های صحیح و به دوراز مسائل حاشیه‌ای، آموختن روش‌های درست مواجه شدن با نوجوانان و دانش‌آموزان خطاکار و حتی آموزش دادن در خصوص مسائل جنسی به آنان بیش از پیش احساس می شود. اهمیت پرداختن به این قبیل مسائل از آن جهت است که تمامی افراد مورد مصاحبه به اتفاق معتقد بودندآموزش های جنسی برای نوجوانان بسیار لازم و ضروری است. در زیر به مواردی از بیانات مصاحبه شوندگان در خصوص ضرورت تربیت جنسی اشاره شده است:

«غریزه جنسی یک غریزه درونی است که خداوند در انسان به ودیعه گذاشته، لذا سرکوب کردن ودر فشار قرار دادن دانش‌آموزان و عدم پرسش گری آنان بدین معناست که اطلاعات خود را در جایی دیگر جست‌وجو می‌کنند» (کارشناس دینی شماره ۲).

«انسان دارای ابعاد مختلف اجتماعی، زیستی، دینی، روانی و... است. در مورد بُعد جنسی نیزلازم است آموزش های جنسی نیز در موعد مقرر داده شود، چرا که انسان از هنگام تولد موجودی کاملا جنسی متولد می‌شود، یعنی قبل از این‌که تربیت دینی واخلاقی، علمی و.. انجام شود، انسان در قالب یک جنس خاص متولد می‌شود» (مشاور شماره ۵).

«در دوران بحران هویت که مقارن با بلوغ است، سوالاتی برای دانش‌آموزان به‌وجود می‌آید حال اگر از قبل آموزش‌هایی صورت گرفته باشد درصد بروز مشکلات کاهش یافته و تحت اراده خود فرد است اما در غیر این صورت انحرافاتِ به وجودآمده ناشی از عدم آموزش در این حوزه هاست» (مشاور شماره ٤).

بنابراین با توجه به صلاحیت تخصصی مشاوران و کارشناسان دینی، و مواجه با بسیاری از انحرافات جنسی که در سطح مدارس مشاهده می‌شود وتجاربی که کسب کرده‌اند، ضرورت پرداختن به تربیت جنسی از زبان این افراد درگیر در مسائل تربیت جنسی در جامعه فعلی بسیار لازم است. اهمیت و ضرورت پرداختن به این مقوله از تربیت از آن جهت است که اغلب رسانه های خارج از کشور کمر همت بر آگاه‌سازی کودکان و نوجوانان ما دارند، در چنین شرایطی اگر آگاهی های به موقع و صحیح در اختیار آنان قرار نگیرد تحت تاثیر رسانه های غربی و سایر منابع نامعتبر در این حوزه واقع می شوند و ما متولیان تعلیم و تربیت زمانی می خواهیم وارد این عرصه و آموزش هایی در این حوزه شویم که واقعا دیر شده است؛ وآیا به راستی تا اکنون دیر نشده است؟

کشف نقطه‌ی آغاز تا خط پایان در تربیت جنسی

با توجه به نکات بیان شده در باب اهمیت و ضرورت پرداختن به تربیت جنسی، به این سوال برمی‌خوریم که واقعا لازم است این آموزش‌ها از چه سن و مقطعی آغاز گردد؟ آغازی که زودهنگام نباشد وخفتگان را بی‌موقع بیدار نکند ویا تلاش‌هایی که نوش داروی پس از مرگ سهراب نشوند!! زیرا چه بسیارند عوامل از پیش تعیین نشده‌ای که در کودکان و نوجوانان خواسته و ناخواسته تاثیر نامطلوب می-گذارند، که باید عواقب آن ها را تا بزرگسالی مشاهده کرد وبه فکر درمان بود، حال آن‌که شعار اصلی ما همیشه «پیشگیری بهتر از درمان است» می‌باشد. بنابراین بر والدین ضروری است تا به عنوان اولین معلمان، با دانستن این‌که آموزش صحیح چیست؟ و زمینه‌های آن را باید از کجا آغازکرد؟، کمک شایان توجهی به دست‌اندر کاران تربیتی داشته باشند تا آن‌ها بتوانند فعالیت‌های خود را در امتداد راه خانواده ادامه دهند.

از طرفی نقش رسانه ها در این زمینه بسیار موثر است، کودکان و نوجوانان بسیاری از ساعات روزانه خودرا با رسانه‌هایی سپری می‌کنند که گاها این برنامه‌ها متناسب با سن آن‌ها نیست، علاوه برآن الگوهایی را ارائه می‌دهند که اغلب تاثیرهای سوء را در نوجوانان برجای

می‌گذارد. اهمیت این رویه در پژوهشی با عنوان آسیب‌های فرهنگی اینترنت مشاهده می‌شود. در این پژوهش تجارب زیسته والدین دانش آموزانِ دختر در دوره متوسطه در خصوص آسیب‌ها فرهنگی اینترنت بیان شده است. یافته‌های پژوهش فوق حاکی از آن است که والدین، اینترنت را حاوی محتوایی متعارض با فرهنگ جامعه ارزیابی کرده‌اند. والدین معتقدند استفاده از محتوای غیر اخلاقی سایت‌های اینترنتی برهویت ملی، هویت فردی و ارزش‌های دینی و اخلاقی فرزندانشان تاثیرمنفی داشته است (معمار و قربانی، ۱۳۹۲). لذا اهمیت پرداختن به رسانه‌ها و تاثیر آن‌ها بر کودکان و نوجوانان عاملی بسیار مهم و در خور تامل است.

علی رغم این‌که در خصوص آغاز آموزش‌های جنسی به نوجوانان و جوانان در بین مصاحبه شوندگان نظریات گوناگونی وجود دارد اما آن‌چه در این خصوص جلب توجه می‌کند اهمیت پرداختن به آن و آغاز آن به صورت تدریجی از دوران ابتدایی است. برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

«باید به دوحالت اشاره کرد: اولین آموزش ها لازم است تا در سنین ۳-٤ سالگی آغاز گرددوپاسخ به پرسش های کودکان کوتاه و قانع کننده باشند تا موجب بلوغ زودهنگام نشودو این آموزش‌ها به صورت خاص از دوران ابتدایی آغاز گردد. واما حالت دوم زمانی است که دوفرد برای ازدواج آماده می‌شوند. متاسفانه آموزش‌هایی که در این خصوص صورت می‌گیرد بسیار جزئی و پیش پا افتاده‌ای است» (مشاور شماره ۱).

«بیدار شدن غریزه جنسی به نوع برخورد والدین، نحوه ی پوشش والدین و فرزندان بزرگ‌تر، حضور ماهواره در منازل و... بازمی‌گردد، که زمان آموزش راتحت تاثیر می‌گذارد. اما آن چه از دست جامعه برآید اطلاعاتی است که می توان در مدرسه توسط معلمان و مشاوران به دانش‌آموزان انتقال داد بنابراین آموزش‌ها را باید از دوران ابتدایی آغاز کرد» (کارشناس دینی شماره ۲).

«تربیت جنسی را باید از مقطع ابتدایی به خصوص سال های پایانی آن آغاز کرد، اما باتوجه به حساسیت‌هایی که وجود دارد چنین آموزش‌هایی صورت نمی‌گیرد لذا لازم است قبل از ازدواج اطلاعاتی داده شود چرا که در دین مبین اسلام بقای نسل و تربیت فرزند از اهمیت بالایی برخوردار است» (کارشناس دینی شماره ۳).

ازمباحث فوق چنین برداشت می شودکه آموزش جنسی محدود به دوران خاصی از زندگی نیست و لازم است به تدریج اطلاعاتی به افراد داده شود. نکته حائز اهمیت این است اطلاعات نابه هنگام باعث بلوغ زودرس خواهد شد که در این خصوص عوامل بسیاری دخیل هستند، اما این اطلاعات زودهنگام موجب ازدواج زودهنگام نشده است و حتی سنین ازدواج افزایش یافته است؛ بنابراین بر تمامی متصدیان تربیت واجب است در خصوص زمان و موعد آموزش‌های جنسی تاملی شایسته داشته باشند.

متولی و متصدی تربیت جنسی

خانواده به لحاظ ظاهری کوچک ترین نهاد اجتماعی است. ولی به جهت ارزش و اهمیت اساس و پایه اجتماع را تشکیل می دهد. لذا اگر در خانواده ها آگاهی و تعهد وجود داشته باشد، پایبندی به موازین اخلاقی و اسلامی نیز به چشم می خورد (صادقیان، ۱۵۲). ازطرفی همه ما مدرسه را دومین محیط تربیتی پس از خانواده می دانیم که نقش بسیار تاثیرگذاری در آموزش و رشد شخصیت دانش آموزان دارد چراکه دانش آموزان اکثر اوقات خود را پس از خانه در مدرسه و با دوستان خود می‌گذرانند. به همین دلیل اگر عوامل تربیتی در مدرسه نقش و وظایف خود را به‌درستی انجام دهند می‌توانیم انتظار آینده‌ای درخشان را داشته باشیم (کاربخش راوری، ۸۳). علاوه برموارد فوق دیر زمانی است که رسانه‌های تصویری به خصوص تلویزیون جزئی از خانواده‌ها و به عنوان عضو فعال و موثر در خانواده درآمده، که در اکثر کشور های جهان این وسیله ارتباط جمعی جایگزین والدین نیز شده و کودکان و نوجوانان، بسیاری از اوقات خود را با آن سپری می‌کنند (طباطبایی، ۷).

موارد فوق حاکی از نقش مهم و تاثیرگذار سه عامل تربیتی در تربیت جنسی کودکان و نوجوانان است. اهمیت خانواده به عنوان بر ترین نهاد برکسی پوشیده نیست به صورتی که تمامی مصاحبه شوندگان خانواده را به عنوان اولین و موثرترین متصدی تربیت جنسی معرفی کردند. مدرسه اولویت بعدی بود که تمامی مصاحبه شوندگان به اهمیت آن اشاره کردند و رسانه‌های ارتباط توسط (مشاوران شماره ۱، ۲، ٤، ٥) و (کارشناس دینی شماره۱، ۲، ۳) اشاره شده است.

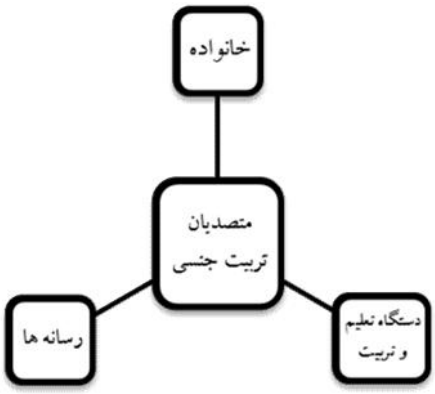

«خانواده شش سال زودتر از مدرسه وارد عرصه تربیت می‌شود، مدرسه زمانی می‌تواند مفید باشد که محدودیتی وجود نداشته ودانش‌آموزان به ما مراجعه کنند، متاسفانه تربیت دانش آموزان برعهده رسانه گذاشته شده که ازفعالیتشان از والدین هم بیشتر است با این تفاوت که آموزش‌های خوب و بد را با هم انجام می‌دهند» (مشاور شماره ۱).

«اولین جامعه‌ای که کودک درآن رشد می‌یابد خانواده است. والدین با روحیات فرزندان خود آشناهستند و ارتباط برقرار کردن یک مادر با فرزندش بسیار راحت تر از اولیاء مدرسه است؛ البته نقش مدرسه را نیز نباید نادیده گرفت، این دونهاد باید مکمل هم باشند. همچنین نقش رسانه های تصویری به خصوص ماهواره، کار ما را بسیار دشوار کرده اند» (مشاور شماره ۲).

«رسالت و نقش خانواده در درجه نخست قرار می گیرد، چرا که با فرض فراهم بودن تمامی شرایط در اجتماع و مدرسه، دانش‌آموز می تواند در خانواده تربیتی نادرست داشته باشد و آن‌چه راکه نباید بیاموزد، نقطه مقابل مطلب بالا نیز صادق است و مدرسه و دوستان می‌توانندنقش مخربی را در این حوزه ایفاکنند» (کارشناس دینی شماره ٤).

«همه‌ی نهادهای جامعه به نوعی در تربیت جنسی دخیل هستند چرا که ما در یک فضای بزرگ اجتماعی، زندگی می کنیم، رکن اول تربیت، خانواده است اما پس از آن مدرسه، رسانه های ارتباطی، سازمان تبلیغات اسلامی، اداره فرهنگ و ارشاد، مراکز درمانی و... در این

حوزه مسئولیت دارند» (مشاور شماره ٤).

مباحث فوق حاکی از نقش مهم خانواده در تربیت جنسی دارد. اما آن چه در میان حائز اهمیت است این است که آیا خانواده توانایی چنین فعالیت هایی در این حوزه را دارد؟ آیا آموزش هایی که لازم است والدین در خصوص آموزش های جنسی داشته باشند به قدری صحیح و مناسب و کافی است که بتوانند فرزندان خود را آموزش دهند؟ وآیا مجددا به اهمیت نقش دستگاه تعلیم و تربیت در این نقطه برخورد نمی کنیم که به عنوان آموزش دهنده چه فعالیت‌هایی را در این خصوص انجام داده است و می-دهد؟ بنابراین شکی نیست اهمیت نقش خانواده به لحاظ تربیتی در درجه نخست قرار دارد، اما علی رغم این اهمیت وقتی با نگاهی عمیق‌تر می‌نگریم به این نتیجه می‌رسیم که والدین باید آموزش‌هایی را در این حوزه آموخته باشند، لذا نقش دستگاه تعلیم و تربیت خواه و ناخواه در این مقوله بسیار تاثیرگذار است و فقدان آن خانواده ها را با مشکل مواجه کرده است. بنابراین ضرورت دارد دستگاه تعلیم و تربیت به عنوان نهادی آموزش دهنده در این حوزه، وارد عرصه عمل شود. برگزاری جلساتی در خصوص تربیت جنسی و دعوت از والدین در این جلسات یکی از بهترین راه ها برای آموزش دادن این ساحت تربیتی می-باشد. از طرفی جلسات انجمن اولیاومربیان محیط مناسبی است تا والدین علاوه بر بازخورد وضعیت تحصیلی فرزندان با مباحث فرهنگی، پیامدهای آن و چگونگی فائق آمدن برچنین آسیب‌هایی آشنا شوند. برگزاری کارگاه‌های آموزشی روش دیگری است که کارایی خود را در طول زمان اثبات کرده است. لذا دستگاه تعلیم و تربیت می‌تواند از روش‌های این‌چنینی برای انجام رسالت خود در حوزه تربیت جنسی سود جوید.

از جهتی رسانه‌های داخلی و خارجی سهم بزرگی در تحولات داشته‌اند، چراکه موجب روند رو به سقوط اخلاقی در جامعه شده‌اند، که تناسب بسیار نزدیکی با تربیت جنسی دارد. از طرفی بیان نکردن یکسری واقعیت‌های آسیب‌زا در برنامه‌های تلویزیونی خود مانعی در راه تحقق اهداف این نهاد است. در پژوهشی که برروی پربیننده‌ترین سریال‌های تلویزیونی از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳ که برای بازنمایی روابط دختران و پسران انجام شده، از میان انواع روابط منجر به ازدواج تنها رابطه ی عاقلانه دوطرفه خوب نمایی شده است و سایر روابط کم و بیش بد نمایی و غیاب نمایی شده اند. در این میان روابط مبتنی بر فریب از هر دو طرف و روابط

دختران پسران (بدون قصد ازدواج و بدون قصد فریب! چنان‌چه در جامعه شاهد چنین روابطی هستیم) در سریال‌های مورد بررسی بازنمایی نشده‌اند؛ این در حالی است که چنین روابطی در میان نوجوانان و جوانان وجود دارد و هر دوحالت این روابط می‌توانند ظرفیت‌هایی برای رمزگذاری پیام‌های مورد نظر صدا و سیما باشند (ذکایی و فتحی‌نیا، ۱۳۹۳).

لذا آن‌چه از مطالب فوق برداشت می‌شود اهمیت ونقش موثر سه نهاد خانواده، دستگاه تعلیم و تربیت و رسانه است. بنابراین هریک از آن‌ها در این حوزه رسالت و وظیفه‌ای نیز دارند که توسط مصاحبه شوندگان این چنین بیان شده است:

رسالت خانواده

«الگودهی‌های اولیه به کودک در خانه و توسط والدین صورت می‌گیرد از طرفی مسائل خاص و زیربنایی را والدین بسیار راحت‌تر می‌توانند با فرزندان در میان بگذارند» (مشاور شماره ۱).

«برقراری ارتباط صمیمی با فرزندان و آشنایی با خصوصیات و اخلاقیات آنان» (مشاور شماره۲).

«والدین موظف هستند وقت بیشتری را برای فرزندان خود صرف کنند» (کار شناس دینی شماره ۱).

«قبل از ازدواج، انتخاب همسر مناسب، نقش تغذیه و حلال و حرام و مواردی از این قبیل از وظایف والدین دربرابر فرزندان است» (کارشناس دینی شماره ۲).

«جنسیت نقش بسیار موثری در این حوزه دارد از سنین خاص لازم است پدر با پسر و مادر با دختر ارتباطات نزدیکی برقرار کنند و نقش پدر را در تربیت فرزند دختر نباید فراموش کرد» (مشاور شماره ۳).

«مادران باید ازابتدا فرزندان خود را با مسائل اخلاقی و دینی آشنا کنندو اطلاعات لازم را در اختیار آنان قرار دهند» (کارشناس دینی شماره ۳).

«نوع برخورد والدین با فرزندان نقش بسیار مهمی دارد، ازطرفی بایداطلاعات متناسب با سن فرزندان داده شود تا بلوغ زودرس اتفاق نیافتد» (مشاور شماره ۵).

یکی از مهم‌ترین علل ابتلای نوجوانان به انحرافات جنسی، به کنجکاوی‌های هدایت نشده آنان در دوران کودکی باز می‌گردد. حال اگر به این روند عدم توجه و مراقبت خانواده‌ها را

بیافزاییم، یک رابطه علت و معلولی ایجاد می شود. کودکان بر اساس غریزه علاقه مندند که بدانند، حال اگر این کنجکاوی به صورت درست هدایت شود، پایه های اولیه ساختمان معرفت و دانش را بنا می کند و چنانچه این غریزه پرقدرت با بی‌قیدی و بی‌مسئولیتی والدین و اطرافیان همراه باشد مسیرهای نامطلوبی را انتخاب می کند. نوجوانان به واسطه کمبود تجربه و اطلاعات در این زمینه ها امکان بیشتری در قرار گرفتن در خطا و لغزش دارند، لذا از وظایف والدین و محیط اجتماعی است که متناسب با مراحل سنی آنان را با مقتضیات آن دوره آگاه کنند، اما متاسفانه عدم آگاهی، غفلت و بی خبری از عواقب اعمال جنسی، نوجوان را به سهل‌ترین و فوری‌ترین روش برای ارضای نیازهای خود هدایت می کند و این درست زمانی است که علاوه بر حلقه ی مفقوده ی آگاهی و اطلاع، والدین غافل تر از فرزندان، سرگرم اشتغالات خود هستند. لذا بی خبری نوجوان با ناآگاهی و غفلت والدین و خانواده پیوند خورده و حاصل آن دور باطلی است که موجب تباه شدن آینده نوجوان می‌شود (شرفی، ۱۵۳ -۱۵٤).

لذا والدین موظف هستند آگاهی هایی را در خصوص مسائل جنسی به صورت مستقیم و غیر مستقیم در اختیار فرزندان قرار دهند؛ از طرفی نقش خانواده محدود به ارائه اطلاعات صرف نیست بلکه والدین باید مراقب روابط زناشویی خود نیز باشند. متاسفانه عدم رعایت ملاحظات اخلاقی از جانب والدین در روابط زناشویی از یک سو و عدم آگاهی و روابط نادرست با فرزندان از سویی دیگر این مساله را خطیرتر می کند، به گونه‌ای که برخی والدین نه تنها مراقب اعمال جنسی خود در مقابل فرزندان نیستند بلکه با در آغوش گرفتن و یا بوسیدن های نامناسب و عدم توجه به بیماری های عفونی و انگلی، موجبات تحریک فرزندان خود را فراهم می کنندو ناخواسته موجب بلوغ زود هنگام وتباهی آینده فرزندانشان می‌شوند. از طرفی برخی از خانواده‌ها نیز به دلیل عدم توجه به نیازهای عاطفی فرزندانشان، زمینه‌ساز روابط نامشروع و دوستی های بی اساس را رقم می زنند، لذا خانواده به عنوان اولین نهاد تربیت نقش خود را وارونه انجام می‌دهد.

رسالت مدرسه

«با توجه به پیشرفت علم و صنعت و ابزارهای ارتباطی نقش و رسالت مدرسه روزافزون می شود، زیرا برخی از خانواده‌ها در مورد چگونگی استفاده از وسایل و حتی امکانات این وسایل آگاهی ندارند» (کارشناس دینی شماره ٤).

«مدرسه با دارا بودن عواملی مانند مشاور و مربی پرورشی می تواند بسیاری از اطلاعات را در اختیار دانش آموزان و حتی والدین قرار دهد البته در این حوزه محدودیت هایی برای مدارس وجود دارد» (مشاور شماره ٤)

«بسیاری از دانش آموزان ارتباطات خوبی با والدین خود ندارند و ترجیح می دهند برخی مشکلات را با ما (مشاوران) در میان بگذارند حال این بسته به اطلاعات و هنر ماست که چگونه جای خالی خانواده را پر کنیم» (مشاور شماره ۳).

«مدرسه باید آموزه های دینی را در قالب های جدید ترویج دهدتا با مخالفت و ممانعت دانش آموزان مواجه نشود» (کارشناس دینی شماره ۳).

«عوامل مدرسه باید کارکرد غریزه جنسی را بدانند و آن را در جهت صحیح خود رشد دهند تا دانش آموزان در جهت کنترل و تعدیل قوای جنسی به کمال مطلوب برسند» (کارشناس دینی شماره ۲).

«ارتباط میان والدین و اولیاء مدرسه بسیار حائز اهمیت است و بدون کمک گرفتن از والدین برطرف کردن مشکلات بسیار دشوار است چراکه فعالیت این دو نهاد مکمل یکدیگر است» (مشاور شماره ۳).

مدرسه همانند پلی است که نوجوان را با جامعه پیوند می‌دهد. بنابراین مدرسه می‌تواند کودک و به خصوص نوجوانان را، افرادی موثر، فعال و مفید برای جامعه تربیت کند. بدین ترتیب دستگاه تعلیم و تربیت موفق همانند پلی روشن و نورانی است که نوجوان را با دنیای جدید آشنا می کند (شرفی، ۲۷۹). آموزش های مدرسه همان‌قدر که می تواند موثر و مفید واقع شود و دانش‌آموزانی با آرمان‌های متعالی تربیت کند، همان‌قدر نیز می تواند آموزش‌هایی مضر و نامناسب داشته باشد و یا با عدم توجه به آموزش چنین مباحثی افرادی لذت طلب را تحویل جامعه دهد؛ لذا مساله اصلی که باید مورد ارزیابی قرار گیرد ناکامی دستگاه تعلیم و تربیت و وجود محدودیت هایی در این حوزه است که نه تنها در مواقعی لازم نیست، بلکه علل بسیاری از انحرافات را باید در این محدودیت‌ها جست‌وجو کرد. یکی از مهم‌ترین عوامل انحرافات جنسی عدم توجه والدین به پرسش‌های جنسی فرزندان است که با هاله‌ای از ابهام و اسرار رها می‌شوند. لذا مدرسه محیط مناسبی برای یافتن پاسخ بسیاری از سوالات آنان است. حال اگر عوامل مدرسه به این پرسش‌ها پاسخی ندهند و یا پیشاپیش اطلاعات لازم را در اختیار

دانش‌آموزان قرار نداده باشند گروه دوستان که جزئی از عاملان تربیتی مخفی در مدرسه هستند وارد عرصه عمل می‌شوند و با ذوق و شوقی بسیار اطلاعات ناقص و گاها نادرست را انتقال می‌دهند؛ از طرفی عدم وجود مشاور و یا مربی بهداشت در مدارس ابتدایی و متوسطه اول و همچنین فقدان محتوای آموزشی در قالب برنامه درسی در این حوزه، زمانی عاملان تربیت را آگاه می‌کندکه گویا تلاش‌های آنان آب در هاون کوبیدن است.

لذا متاسفانه نقش مدرسه به عنوان ارگانی برای تربیت کردن و آموزش دادن محدود به برنامه های تحصیلی شده و رسالت اصلی خود را که تربیت دانش‌آموزانی متخلق به اخلاق حسنه باشد را در الویت‌های بعدی قرار داده است. کمبود آموزش‌های لازم در این مقوله و عدم توجه به مسائل فرهنگی در مدارس، به همراه محدودیت‌هایی که در زمینه‌ی تربیت جنسی در آموزش وپرورش وجود دارد نقش مدرسه را به عنوان نهادی آموزش دهنده وارونه کرده است؛ چراکه سکوت و عدم آموزش های لازم از جانب عوامل مدرسه به معنای عدم آموزش در این حوزه نیست. بنابراین مدرسه بار دیگر آموزش دهنده است، اما آموزش دهنده‌ای وارونه چراکه، آموزش های مربیان و عوامل مدرسه کجا و آموزش های نادرست گروه همسالان کجا!!

رسالت رسانه‌ها

«نقش و تاثیر رسانه‌ها بسیار زیاد است زیرا دانش‌آموزان بسیاری از اوقات خود را با رسانه‌ها سپری می‌کنند» (کارشناس دینی شماره ۱).

«نقش اصلی رسانه ها در الگودهی به دانش‌آموزان است که متاسفانه به صورت درست انجام نمی شود. این انتظار از ماهواره نیست اما رسانه های داخلی نیز با الگوقرار دادن افراد فاقد خصلت‌های اخلاقی و دینی کار تربیت خانواده‌ها را بسیار دشوارمی‌کنند» (کارشناس دینی شماره ۳)

«رسانه ها به صورت مستقیم و غیرمستقیم به دانش‌آموزان و فرزندان آموزش می دهند، آگهی های تبلیغاتی سطح توقع فرزندان را بالابرده و در بسیاری از فیلم ها نه تنها نکات مثبتی آموزش داده نمی‌شود بلکه سوالات زود هنگام بسیاری، نیز به وجود می‌آورد» (مشاور شماره ۲).

«متاسفانه فعالیت رسانه‌ها همسو با خانواده و مدرسه نیست، اگر رسانه‌های داخلی

اطلاعات و آگاهی‌هایی همسوبا دین وآموزه‌های خانواده و مدرسه انجام ندهند (که بسیار نـادر به چشم می‌خورد)، رسانه‌های غربی این عمل را بالعکس انجام می‌دهند» (مشاور شماره ۵).

تاثیر نامطلوب رسانه های ارتباط جمعی محدود به کشورهای اسـلامی نمـی‌شـود، مـدارک ومستندات بسیاری نشان دهنده اعمال جنسی و خشونت های جنسی توسط کودکان و همچنـین سوءاسـتفاده‌هـای جنسـی از کودکـان در آمریکـا وجـود دارد. پـژوهش ملـوین زلنیـک (M. zelnick) وجان کانتنر (J. kantner) از دانشـگاه جـان هـاپکینز بـه ایـن نتیجـه رسـید، کـه عملیات جنسی زنان و دختران سیزده تا نوزده ساله که هنوز ازدواج نکرده اند از سال ۱۹۷۱ تـا ۱۹۷٦ سی درصد افزایش داشته است؛ همچنین ۵۵ درصد دختران جـوان آمریکـائی زیرنـوزده سال از لذائذ جنسی بهره مندبوده وهم خـوابگی خـارج از حـوزه زناشـویی در نظرشـان امـری طبیعی جلوه می کند (پستمن، ۲۷۱ –۲۷۲). البته تردیدی نیست کـه از ایـن مقولـه مشـکلات و مسائل جنسی در کشورمان نیز وجود دارد، در شهرستان مـورد بررسـی در سـال ۱۳۸٦–۱۳۸۷ تحقیقی در مورد رضایت از هویت جنسی صورت گرفته است، طی این تحقیق در یک مدرسه ۲٤۰ نفری ۷۵ درصد از دختران رضایتی از هویت جنسی نداشته اند. بنابراین تردیدی نیست که رسانه‌های ارتباط جمعی در این امور سهم بسزایی داشته‌اند و شاید هم مهم‌ترین عامل، حـذف مرزهای اخلاقی و حرمت‌زدایی از روابط جنسی زنان شوهردار و خردسالان و نوجوانـان بـوده است. پستمن معتقد است در اغلب برنامه های رسانه های غربی، پرده‌دری، تحریکـات جنسـی، حذف قداست های دینی و اخلاقی، نادیده گرفتن و تبلیغ مستقیم وغیرمستقیم عدم ضروت بـه پایبندی های سنتی و روابط زناشویی، نمایش حرکات سکس و تحریک تماشـاگران نوجـوان و جوان وجود دارد (پستمن، ترجمه طباطبایی، ۲۷۱–۲۷۲). از طرفی یک کودک تـا حـدود سـن شانزده‌سالگی همان‌قدر از وقت خود را که صرف معلـم و مدرسـه مـی کنـد، صـرف تماشـای تلویزیون نیز می کند ومطالبی را به صورت غیر مستقیم از آن مـی‌آمـوزد. آنـان تلویزیـون را بـا هدف سرگرمی مشاهده می کنند اما اطلاعاتی نامناسب، زیاد و نادرست را مـی آموزنـد (شـرام، لایل وپارکر، ترجمه حقیقت کاشانی، ۱۱۷ –۱۱۸).

البته لازم به ذکراست که اغلب برنامه‌های ماهواره با هدف سرگرمی ساخته نمی‌شوند بلکـه اهدافی ورای ساخت و دوبله یک فیلم وجود دارد. مگر در سطح جهانی چنـد کشـور پارسـی زبان وجود دارد که آنان چنین هزینه‌های گزافی را صرف ترجمه و دوبله فیلم‌های خود به زبان

پارسی می کنند؟! لذا می توان چنین نتیجه گرفت نقش رسانه ها به عنوان زیرمجموعه نهاد فرهنگ نه تنها موثر واقع نشده است بلکه مخرب نیز بوده واین تنها به رسانه های بیگانه محدود نمی‌شود چرا که رسانه‌های داخلی نیز تاثیرات منفی فراوانی دارند که می‌توان به الگوهای فوتبالی و بازیگران اشاره کرد که رفتار و پوششان نه‌تن‌ها در راستای اهداف تعلیم و تربیت اسلامی نیست بلکه کاملا مغایر آن است و غیر مستقیم آموزش هایی دارند که حتی تلاش والدین و مسئولان تعلیم و تربیت برای نادرست نشان دادن آن‌ها بی‌نتیجه است. از طرفی اکثر بازی‌های طراحی شده برای کودکان و نوجوانان مغایراعتقادات مذهبی و رسوم‌های ملی ما می‌باشند. بنابراین چشم پوشی از نقش هریک از عوامل فوق می تواند آینده فرزندان این سرزمین اسلامی را با خطر مواجه کند.

شرم و حیا بر دو سمت یک طیف

غریزه جنسی در همه‌ی افراد وجود دارد. آموزش امور جنسی از نمونه مسائلی است که از وظایف والدین است، چرا که عدم آگاهی فرزندان ویا کسب اطلاعات از منابع نامعتبر ممکن است خطرات بسیاری را برای آن‌ها به وجود آورد (قائمی، ۲۵٦). امامتاسفانه در کشور ما عارضه‌ای به نام شرم و حیا بر سر طیف تربیت جنسی حضور دارد. در یک سمت این طیف شرم و حیایی مذموم واقع شده است که مانع از برقراری ارتباط صحیح میان والدین و فرزندان وارائه اطلاعات می شود. میزان این حیای نادرست حتی زمینه های فرهنگی ما را نیز در برگرفته است تا جایی که در سند تحول آموزش و پرورش با آن حجم و گستردگی تنها عبارتی که آن هم با نام تربیت زیستی و بدنی بیان شده است در قالب عبارت زیر به چشم می‌خورد، «درک ویژگی‌های زیستی خود و پاسخ‌گویی مسئولانه به نیازهای جسمی و روانی خویش از طریق تعدیل غرایز و تمایلات و عواطف طبیعی، تقویت قوای جسمی و روانی و مبارزه با عوامل ضعف و بیماری براساس نظام معیار اسلامی» (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۵٦) و متاسفانه با نام تربیت جنسی ساحتی در این سند بیان نشده است این در حالی است که تربیت جنسی پیوندی ناگسستنی با تربیت دینی و اخلاقی و حتی با سایر ساحت های تربیتی دارد و اهمیت پرداختن به آن بسیار مهم و ضروری تلقی می شود؛ لذا سکوت متولیان تربیت، در سند تحول تربیت رسمی و عمومی در خصوص تربیت جنسی، خود گواهی برورویکردی همراه با یک شرم مذموم می‌باشد که ناشی از

برداشت‌های نادرست اعضای جامعه است و جالب‌تر آن‌که حتی این نگرش تا تدوین چنین سندی توسط صاحب نظران نیز رسوخ کرده است!!

از طرفی عفاف و پاکدامنی به عنوان یک حالت درونی است که در آن نیروی شهوانی انسان توسط نیروی عقل و ایمان تحت کنترل درمی آید (مطهری، ۱۰٤)، بنابراین برهر پدر ومادری واجب است تا در رابطه با تقویت ایمان و اخلاق در فرزندان خود بکوشند و بخشی از آموزش هاشان در خصوص حجب و حیای متعادل و متوازن در فرزندان باشد، چرا که گاهی اوقات علل انحراف برخی از کودکان و نوجوانان جرات و جسارت وپروریی فوق العاده است (قائمی ، ۲۵۹) که نه تنها با نظارت والدین همراه نبوده است بلکه گاهی اوقات والدین فرزندان را در این امور همراهی کرده‌اند. بنابراین در سمت دیگر این طیف نوعی بی‌پروایی و شرم وحیایی از میان رفته مشاهده می شود. شرم و حیایی که امروزه کمتر شاهد آن هستیم. لذا متاسفانه رویه جامعه ما به تربیت جنسی رویه ای نامتعادل است که تمامی مصاحبه شوندگان مخالفت خود را با این رویه اعلام کرده‌اند.

شرم و حیای مذموم ناشی از فقدان آگاهی و بینش

«تربیت جنسی باید متناسب با زمان صورت گیرد زیرا ما با موجی از رسانه ها مواجه هستیم که در حال آموزش اند، اتفاقات جنسی وجود دارند ما نباید سرمان را زیر برف کنیم زیرا پیشگیری بهتر از درمان است» (مشاور شماره ۱).

«همان گونه که از کودکی باید فرزندان خود را از نظر اقتصادی آموزش دهیم تا قانع اما خودکفا بارآیند مسائل تربیت جنسی نیز باید اطلاع رسانی شود، شرم و حیا بهانه‌ای بیش نیست مشکل ما کاستی و کبود آگاهی والدین و حتی عوامل مدرسه است» (مشاور شماره ۵).

«اگر نظام تعلیم و تربیت ما در این امر در حال رفتن باشد غرب و آمریکا در حال دویدن هستند وآموزش های بی اساس خود را انتقال می دهند بنابراین باید برخی مطالب رابا موازین دینی و واضح بیان کرد تا سوء تعبیر نشود» (کارشناس دینی شماره ۲).

«شرم و حیایی که مانع از گفتن حقیقت باشد بسیار ناپسند است، مزاحمت‌ها و حتی تجاوزهای جنسی و عدم شکایت از چنین افرادی از ترس آبرو اصلا جایز نیست» (کارشناس دینی شماره ٤).

بی‌پروایی و شرم و حیای در حال نابودی

«شرم ترس از انجام یک عمل ناپسند و حتی حیای پس از انجام کار نادرست در حال نابودی است، این در حالی است که در دین ما به این حیا و عفت بسیار سفارش شده است» (کارشناس دینی شماره ۱).

«شرم و حیا در مورد یکسری مسائل ضروری است و احتمال دارد موجب بلوغ زودرس و بروز یکسری مشکلات در آینده شود» (مشاور شماره ۳).

«گاهی اوقات خود والدین باعث می شوند قبح یکسری مسائل ریخته شود و حتی گاهی خودشان فرزندانشان را در روابط با جنس مخالف همراهی می‌کنند» (کارشناس دینی شماره ۳)

«ما با بی‌پروایی جنسی مخالفیم و معتقدیم که نباید خطوط و حریم‌ها بین والدین و فرزندان از میان برود، گاهی اوقات شاهد اموری از جانب والدین هستیم که حرفی برای گفتن به دانش‌آموزان باقی نمی‌ماند» (مشاور شماره ٤).

با توجه به مطالب فوق می توان گفت مشکل اساسی ما در تربیت جنسی علاوه بر شرم و حیای مذموم و بی‌پروایی‌های نامناسب و عملکرد وارونه‌ی این سه نهاد، کمبود و حتی نبود بینش وآگاهی‌های لازم ازجانب خانواده، دستگاه تعلیم و تربیت و رسانه است؛ بنابراین می‌توان میانه و حد تعادل این طیف را با بینش و آگاهی‌های معتبر و مناسب جبران کرد.

بی‌پروایی ⟷ آگاهی و بینش ⟷ شرم و حیای مذموم

شرم و حیای نادرست حاکم برفضای خانواده ها تاثیرات بسیار نامطلوبی برآینده فرزندان می گذارد. آن‌هادیگر به والدین خود به مثابه یک دوست نمی‌نگرندو مشکلات خود را با آنان در میان نمی گذارند وخود سعی در حل مسائلی دارند، که نه اطلاعاتش را دارند و نه تجربه‌اش را. در این خصوص نمونه‌ای از مثال‌های بسیار مشاوران را اشاره می‌کنیم: «اولین بار وقتی عادت ماهانه شدم، این مورد را با مادرم در میان گذاشتم، مادرم زد توی گوشم و گفت: تو چطور دختری هستی که به این راحتی در مورد این مسائل صحبت می کنی» (مشاور شماره ۲). «اولین باری که پسر همسایه مان توی کوچه برایم مزاحمت ایجاد کردوقتی به خانه رسیدم با مادرم در میان گذاشتم. مادرم در کمال ناباوری گفت: حتما خودت یه کاری کردی که بهت متلک گفته و مزاحمت شده» (کارشناس دینی شماره ۱).

از طرفی ناآگاهی والدین و تابونسبت به مسائل جنسی در میان خانواده ها خود معضل بسیار پیچیده و دشواری است که عوامل مدرسه با آن دست و پنجه گرم می‌کنند. «روز قبل در یک کلاس در مورد خودارضایی صحبت کردم. همین امروز صبح یکی از والدین تماس گرفت و گفت: با این حرف‌ها بیشتر چشم و دل فرزندم را باز می‌کنید. واقعا عقاید برخی خانواده‌ها مانع از انجام رسالت ما می‌شود» (مشاور شماره۲). به راستی آیا صحبت‌های دلسوزانه مشاوری در مدرسه فرزندان ما را از خواب جنسی بیدار می‌کند و یا ماهواره هایی که شب تا صبح والدین به تماشای فیلم‌های آن می‌پردازند، یا گوشی موبایل میلیونی که در دست یک کودک و نوجوان می‌بینیم و یا صحبت‌های محرمانه فرزندانمان با دوستان در خلوت؟

تمامی مباحث فوق زمینه‌سازان روابط نامشروع با جنس مخالف‌اند، که متاسفانه وضعیت موجود و فعلی جامعه چنین است. مصاحبه شوندگان از میان انواع روابط و بی اخلاقی های جنسی در سطح مدارس شایع‌ترین آن‌ها را روابط دوستانه در قالب‌های پیامکی، تلفنی، دیدار و در نهایت روابط جنسی می‌دانند که به دلایل گوناگون، پیامدهای جبران‌ناپذیری رقم می‌زنند. لذا شناخت مشکلات وضعیت موجود و عملکرد وارونه‌ی متصدیان تربیت می‌تواند به بهبود روند تربیت جنسی ونزدیک تر شدن به وضعیت مطلوب کمک رساند. در زیر موانع و مشکلات عدم دستیابی به وضع مطلوب و در نهایت پیامدهای ناشی از رویه نادرست فعلی تربیت جنسی در جامعه، از زیر پوست صحبت‌های مشاوران و کارشناسان دینی به تصویر کشیده شده است که تامل و تلاش در جهت رفع هرکدام از این موانع، جامعه را به وضع مطلوب در تربیت جنسی هدایت می‌کند.

وضعیت موجود		خانواده	مدرسه	رسانه
دلایل انحرافات جنسی	فردی	- بیکاری - تنهایی - مشکلات مالی - خلا عاطفی - عدم علاقه‌مندی به تحصیل - بی‌پروایی، جرات و جسارت برای تجربه کردن روابط	- بی‌توجهی به روابط دوستانه دونفره - عدم نظارت آگاهانه، مناسب و غیر ملموس دانش‌آموزان - تنبیه، تحقیر و طرد کردن	- زمینه‌ساز تحریکات جنسی در خلوت - آموزش‌های زودهنگام و بلوغ زودرس

		– شرم و حیای مذموم دربیان آموزش‌های جنسی صحیح – پوشش نامناسب در منزل – عدم رعایت ملاحظات اخلاقی و روابط زناشویی والدین – نبود نظارت آگاهانه بر تغذیه فرزندان – فقدان آگاهی و بینش لازم – روابط عاطفی و دوستانه‌ی کمرنگ والدین با فرزندان – کم توجهی به بیماری‌ها انگلی ،عفونی و قارچی – ضعف بنیه مذهبی و دینی – بی توجهی به کنجکاوی‌ها – همراهی والدین با فرزندان در روابط با جنس مخالف – مشکلات خانوادگی مانند طلاق	– فقدان آموزش‌های لازم و بی‌پاسخ ماندن بسیاری از سوالات – محدودیت‌های آموزشِ این حوزه – فقدان مشاور در مقطع ابتدایی و متوسطه اول – عدم محتوای آموزشی در قالب کتاب و یا فصلی از یک کتاب – عدم اطلاعات کافیِ عوامل مدرسه – مدرسه محیطی برای ردوبدل شدن جدیدترین فیلم‌ها و بازی‌های ناپسند اخلاقی	– عدم توجه به الگوپردازی‌های مناسب – در دسترس بودن بازی‌های رایانه‌ای نامناسب – کمبود بازی‌های ملی و مذهبی – کتاب‌های رمان جنسی(گوشی موبایل) – آموزش ناخواسته روابط نامشروع و پنهانی
پیامدهای انحرافات جنسی	فردی	– گوشه گیری ،انزوا و عدم ارتباطات اجتماعی – افسردگی و مشکلات روانی – عصبانیت وبرخوردهای شدید – خودکشی و خودزنی – ازبین رفتن عزت نفس	– افت تحصیل – عدم آداب معاشرت – خطاکار و خلافکار جلوه دادن و تاکید بر عدم بازگشت – تنیه و اخراج	– تحریکات بصری در خلوت و خودارضایی

		- سست شدن بنیاد خانواده - سرشکستگی خانواده - درخطرافتادن موقعیت ازدواج - اخاذی جنس مخالف - ایجاد محدودیت شدیدبرای فرزندان خود - شک و سوءظن پس از ازدواج - بالا رفتن آمار طلاق	- تشویق سایر دانش‌آموزان و ترویج فساد - اطلاعات زودهنگام و بلوغ زودرس - بیان تجربه ارتباطات و تصور باطلِ «اتفاقی نمی‌افتد»	- ساخت فیلم برای بد نمایی روابط با جنس مخالف و آموزش‌های غیر مستقیم به کودکان و نوجوانان - ایجاد بدبینی نسبت به جنس مخالف
	اجتماعی			

نتیجه‌گیری

دوران کودکی و نوجوانی یکی از مهم‌ترین صحنه های زندگی هر فرد است که تاثیر بسزایی در زندگی بزرگسالی خواهد داشت. در این دوران به واسطه حس کنجکاوی و پرسش‌گری سوالات بسیاری برای کودکان و نوجوانان به‌وجود می‌آید که پرسش‌های جنسی به دلیل منعیات بیش‌از حد و جذابیت، توجه آنان را به سوی خود جلب می‌کند. عدم آگاهی و اطلاعات ناکافی والدین و سایر نهادهای مرتبط، آنان را به گروه همسالان سوق می دهد تا پاسخی هر چند نادرست را برای پرسش خود بیابند. لذا نقش نهاد خانواده در الویت تربیت جنسی بسیار مهم تلقی می‌شود. پس از خانواده مدرسه و رسانه‌ها وظیفه‌ی این امر خطیر را برعهده‌دارند که متاسفانه شرم و حیا از گفت‌وگوی واضح درباب این مسائل در مدرسه و عدم توجه در رسانه‌ها برای پردازش الگوهای برتر راه را برای آموزش‌های نادرست و منابع آموزشی نامعتبرباز می‌کند.

در نهایت با نگاهی هرچند گذرا به مشکلات و مسائل جنسی که در سطح کشور و در مدارس مشاهده می‌شود، می‌توانیم به رویه‌ی نادرست در خصوص مسائل جنسی پی ببریم، چرا که اگر قرار بود این رویه درست باشد و جواب بدهد باید تا به حال نه تنها چنین مشکلاتی نداشته باشیم بلکه پیشرفت-هایی نیز صورت گرفته باشد؛ لذا انحرافاتی که مشاهده می‌شود نشان‌دهنده عدم کارایی و حتی نقش‌آفرینی وارونه‌ی فعالیت‌های عاملان تربیت جنسی است. مهم‌ترین فعالان عرصه تربیت جنسی که در این پژوهش نیز به رسالت آن‌ها اشاره شد

خانواده، دستگاه تعلیم و تربیت و رسانه ها هستند. اما متاسفانه عملکرد وارونه و نادرست این سه نهاد تربیتی مشکلاتی را در تربیت جنسی ایجاد کرده است، چرا که فاصله وضعیت موجود تا وضعیت مطلوب و شکاف به وجود آمده روز به روز توسط عوامل ناکارآمد و آموزش های وارونه‌ی این نهادها پر می‌شود. لذا با تاملی عمیق به یافته‌های پژوهش لازم است تا وضعیت موجود و مطلوب این رویه مشخص شود و آن‌گونه که شایسته است این شکاف را پر کرد.

تربیت جنسی درخانواده : وضعیت موجود: فقدان آگاهی و بینش، غفلت والدین و احساس بی‌نیازی به آموزش خود و کودکانشان در این‌باره، کنجکاوی‌های هدایت نشده نوجوانان، عدم رعایت ملاحظات اخلاقی در روابط والدین، عدم توجه به نیازهای عاطفی فرزندان، همراهی والدین با فرزندان در روابط با جنس‌مخالف.

وضعیت مطلوب: روابط دوستانه والدین و فرزندان، آگاهی‌های مناسب و به‌موقع برای ارضای حس کنجکاوی نوجوان، جلوگیری از بی‌پروایی‌های جنسی.

تربیت جنسی در مدرسه: وضعیت موجود: فضایی سختگیرانه و آموزش‌های مبهم و اندک، دوستانِ مدرس با آگاهی اندک و اطلاعات نامعتبر، ناکامی و سکوت عاملان تعلیم و تربیت در مقابلِ محدودیت‌های نابجا.

وضعیت مطلوب: تدوین محتوای آموزشی مناسب در قالب برنامه‌ی درسی، افزودن مشاور به کادر آموزشی مدارس ابتدایی و متوسطه اول، تغییر رویه ی فعلی مبتنی بر شرم و حیای مذموم ناشی از فقدان آگاهی و بینش.

تربیت جنسی توسط رسانه: وضعیت موجود: بالابردن سطح توقعات کودکان و نوجوانان، آموزش های زودهنگام و نامناسب، معمول جلوه دادن روابط پنهانی با جنس مخالف، ترویج الگوهای نامناسب، دمیدن در کوره تحریک‌های جنسی و گام نهادن در مسیر بلوغ زودرس.

وضعیت مطلوب: توجه به سن مخاطبان در تولید برنامه ها، استفاده از الگوهای مثبت و ارزشی در رسانه‌های تصویری، استفاده از جذبه‌های معنوی در برنامه‌های نوجوان، اقناع والدین در عدم استفاده از رسانه‌ی غیرمجاز.

منابع

انله، ایزولده، ***مشکلات رفتاری کودکان***، ترجمه سپیده خلیلی. چاپ سوم، نشر پیدایش، تهران، ۱۳۸۳.

بازرگان، عباس، ***مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی وکمی و آمیخته؛ رویکردهای متداول در علـوم رفتاری***، نشر دیدار، تهران، ۱۳۸۷.

بهشتی، محمد. «تربیت جنسی از منظر فیض کاشانی»، **نشریه تربیت اسلامی**، دوره ی دوم، شماره سوم، ۱۳۸۵، ۸۹ – ۱۱۳.

پستمن، نیل، ***نقش رسانه های تصویری در زوال دوران کودکی***، ترجمه صادق طباطبایی، چاپ سـوم، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۸۸.

ذکایی، محمدسعید و محمد فتحی‌نیا، «فرهنگ تلویزیونی؛ بازنمایی روابط دختـران و پسـران جـوان در سریال‌های ایرانی پربیننده»، ***فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی***، سال بیست و یکم، شماره دوم، ۱۳۹۳، ۱۵۹ – ۱۸۳.

شرام، ویلبر. لایل، جک. بی‌پارکر، ادوین، ***تلویزیون در زندگی کودکان مـا***، ترجمـه محمـود حقیقـت کاشانی. چاپ اول، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران امور مطالعات و تحقیقات، تهران، ۱۳۷۷.

شرفی، محمدرضا، ***دنیای نوجوان***، چاپ پنجم، انتشارات موسسه فرهنگی منادی تربیت، تهران، ۱۳۸۱.

صادقیان، احمد، ***معارفی از قرآن***، چاپ اول، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، یزد، ۱۳۸۹.

طاهرپور، محمدشریف. شرفی، محمدرضا، «تبیین مبانی هستی شناسی اخلاق جنسی از دیـدگاه اسـلام»، ***فصلنامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی***، سال سوم، شماره اول، ۱۳۹۰، ۵۳ –۷۵.

فقیهی، علی‌نقی. شکوهی‌یکتا، محسن. پرند، اکرم. «آموزش جنسی بـه کودکـان و نوجوانـان از دیـدگاه اسلامی و مطالعات روان شناختی»، ***فصلنامه علمی تخصصی تربیت اسلامی***، سال سوم، شماره هفـت، ۱۳۸۷، ۵۱–۸۰.

قائمی، علی، ***خانواده و مسائل جنسی کودکان***، انتشارات انجمن اولیـاء و مربیـان جمهـوری اسـلامی ایران، تهران، ۱۳٦۸.

کاربخش راوری، ماشاالله، ***چگونه کودکان و نوجوانان را به مطالعه علاقه‌منـد کنـیم؟***، چـاپ پـنجم، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۹۰.

گال. مردیت، بورگ. وال‌تر و گال. جویس، ***روش‌هـای تحقیـق کمـی و کیفـی در علـوم تربیتـی و روان‌شناسی***، ترجمه احمد رضا نصر و همکاران، چاپ ششم، نشر سمت، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ۱۳۹۲.

مطهری، مرتضی، ***تعلیم و تربیت در اسلام***، چاپ هفتاد و دوم، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۹۰.

مطهری، مرتضی، ***اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب***، چاپ بیست‌و نهم، انتشارات صـدرا، تهـران،

.۱۳۸۹

معمار، ثریا. قربانی، فاطمه. «تجارب زیسته ی والدین دانش آموزان دختر دوره متوسطه در خصوص آسیب‌های فرهنگی اینترنت (موردمطالعه: شهرسمیرم)»، ***فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی***، سال بیستم، شماره سوم، ۱۳۹۲، ۱۲۹ – ۱۵۳.

مورالی دانینو، آندره، ***جامعه‌شناسی روابط جنسی***، ترجمه حسن پویان، چاپ دوم، انتشارات توس، تهران، ۱۳۸٤.

مجموعه مقالات نهمین همایش ملی اشراق اندیشه مطهر، **خانواده و تربیت جنسی**
اردیبهشت ۱۳۹٤، ص ۱۵۸-۱۳۹

بررسی توصیفی علل طلاق عاطفی در بین زنان و مردان متأهل
مصاحبه از مراجعه کنندگان به یکی از مراکز مشاوره در شهر رشت

مجتبی عموزاد مهدیرجی/ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی [1]
صدیف نوری/ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی[2]

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی طلاق عاطفی از دید زنان و مردان متأهل انجام‌شده است و محور مطالعه بر فرایندی است که تجربه طلاق عاطفی زنان و مردان را شکل داده است. روش پژوهش حاضر، کیفی است و ابزار مورداستفاده، مصاحبه ساخت‌یافته می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر را زنان و مردان متأهل (که مراجعه‌کننده به یکی از مراکز مشاوره در شهر رشت بوده اند)، تشکیل می‌دهند که در حال حاضر باهم زندگی می‌کنند. نمونه‌گیری از نوع نمونه‌گیری نظری و هدفمند می‌باشد. تعداد نمونه از طریق رسیدن به اشباع نظری انجام‌گرفته است. بر اساس تحلیل صورت گرفته در دلایل طلاق عاطفی ازنظر افراد موردمطالعه، ۷مقوله شامل: خیانت به همسر، عدم تفاهم، بداخلاقی و بی‌احترامی، برآورده نشدن انتظارات، مشکلات جنسی و تأثیرات فناوری، بی‌توجهی و مشکلات اقتصادی، احساس برتر بینی، اعتیاد و بچه‌دار نشدن همسر به‌دست‌آمده است. در بین افراد موردمطالعه، عدم مشارکت در حل مشکلات زندگی، تأثیرات فنّاوری و همچنین فرصت نداشتن برای گفتگو و تعامل با یکدیگر و درگیری‌های شغلی مهم‌ترین عامل زمینه‌ساز برای طلاق عاطفی است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده در این تحقیق، می‌توان گفت که بیشتر پاسخگویان معتقدند طلاق عاطفی یا همان سردی روابط بین زن و شوهر را هرچند به‌صورت کوتاه‌مدت و بیشتر در سال‌های اول زندگی تجربه کرده‌اند. همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد خانواده‌ها، به‌خصوص زوج‌های جوان نیازمند مدیریت و ترمیم روابط در میان خودشان هستند که سردی روابط میان زوجین بیشتر به دلیل مشکلات اقتصادی و برآورده نشدن انتظارات در بین زوج‌ها می‌باشد.

کلید واژه ها: طلاق عاطفی ،مشکلات اقتصادی، برآورده نشدن انتظارات.

---

1. amouzadm@gmail.com
2 .Nouri.sodeif@yahoo.com

مقدمه

خانواده از ابتدای تاریخ در تمامی جوامع بشری، به‌عنوان اصلیترین نهاد اجتماعی است. پرداختن به این بنای مقدس همواره سبب اصلاح خانواده بزرگ انسانی یعنی جامعه شده است. روابط مناسب در جامعه بر اساس روابط مناسب در خانواده شکل می گیرد و هر اندازه روابط درون خانواده مناسب‌تر باشد، خانواده و به‌تبع آن جامعه از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار است. (اعزازی، ۱۲).

درواقع هیچ جامعه‌ای بدون داشتن خانواده سالم نمی‌تواند ادعای سلامتی کند و هیچ‌یک از آسیب‌های اجتماعی بی‌تأثیر از خانواده پدید نیامده‌اند. (ساروخانی، ۱۱). یکی از مهم‌ترین آسیب‌های خانوادگی، طلاق است که باعث ناکامی همسران در زندگی زناشویی می‌باشد. و طلاق در لغت جدا شدن زن از مرد، رها شدن از قید نکاح و رهایی از زناشویی است. (عمید، ۸۹٤).

بررسی روند تاریخی پدیده طلاق در جوامع، نشانگر این است که هر چه از نظام زمین‌داری به جامعه صنعتی و سرمایه‌داری نزدیک می‌شویم، امکان و فراوانی طلاق افزایش می‌یابد تا جایی که امروزه شاهد افزایش آمار طلاق در اکثر مناطق جهان می‌باشیم. طلاق در زمره غم‌انگیزترین پدیده اجتماعی است و همان‌طور که بر جامعه آثار شوم بر جای می‌گذارد، تعادل انسان‌ها را ناپایدار می‌سازد. طلاق باعث ازهم‌پاشیده شدن کانون گرم خانواده می‌شود و همبستگی بین زن و مرد را می گسلد. (ستوده، ۲۳۷). «طلاق خاموش»[1] و یا همان «طلاق عاطفی»[2] یکی از پیامدهای فنّاوری مدرن می‌باشد و واژه‌ای است که در زندگی مدرن امروز بسیار به چشم می‌آید در طلاق عاطفی، همسران زیر یک سقف زندگی می‌کنند درحالی‌که ارتباطات بین آن‌ها کاملاً قطع‌شده یا بدون میل و رضایت هستند و هیچ مهر و عاطفه‌ای بین آن‌ها حاکم نیست (محمدی، ۱۱).

عوامل متعددی بر ساختار خانواده اثر نامناسب می گذارند، این اثرات نامناسب، کارکردهای مناسب خانواده را مختل می‌کنند. در چنین شرایطی، خانواده دچار ناسازگاری شده و در زندگی آنان تعارض به وجود می‌آید. ادامه کشمکش‌ها، بر روی کارکرد اجتماعی اثرگذار بوده

1 .Off divorce
2 .Emotional Divorce

و پدیده طلاق رخ می دهد. دگرگونی در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر روی کارکرد خانواده اثرگذار بوده و این دگرگونی تعادل خانواده را بر هم می‌ریزد.

درواقع، آمار رسمی طلاق به‌طور کامل نشان‌دهنده میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست، زیرا در کنار آن آماری بزرگ‌تر اما کشف نشده به طلاق‌های عاطفی اختصاص دارد شاید در برابر آمار طلاق های قانونی را بتوانیم به طلاق‌های عاطفی اختصاص دهیم یعنی به زندگی‌های خاموش و خانواده‌هایی که زن و مرد به سردی در کنار هم زندگی می‌کنند ولی هیچ‌گاه تقاضای طلاق قانونی نمی‌کنند (بخارایی، ٦٤).

رشد کمی و کیفی این پدیده در جامعه ایرانی، به یکی از مسائل اجتماعی جدی تبدیل شده است به‌طوری‌که امروزه دیگر طلاق قبح گذشته را ندارد و افراد آن را به‌عنوان یک انتخاب فردی در نظر می‌گیرند آمارها نشان می‌دهند که طلاق در چند سال گذشته در حال افزایش است. این وضعیت نشانگر تغییرات عمده در ساختار خانواده می باشد. لازم به ذکر است که آمارهایموجود فقط طلاق رسمی را نشان می دهند ولی در مورد طلاق عاطفی در میان زوجین، تاکنون آمار رسمی معتبری اعلام نشده است.

طلاق عاطفی مستقیماً بر طلاق رسمی تأثیرگذار است و بررسی بعد پنهان آن به خاطر پیامدهایی که در پی دارد الزامی است. می توان این سؤال را مطرح کرد چه عواملی باعث می‌شود زندگی زناشویی سیر طبیعی خود را طی نکرده و با مشکلاتی مثل طلاق عاطفی دست‌به‌گریبان شود؟ در تحقیق حاضر تلاش بر این است تا به بررسی بعد عاطفی طلاق (در بین زنان و مردان متأهل) و عوامل مؤثر بر آن پرداخته شود؟

پیشینه تحقیق

در تحقیقات علمی بخصوص جامعه‌شناسی به موضوع طلاق عاطفی خیلی کم‌توجه شده است و اکثر تحقیقات بُعد رسمی طلاق را بررسی کرده‌اند و خلأ این‌گونه تحقیقات در مورد طلاق عاطفی به‌شدت به چشم می‌خورد و مطالعه اندکی در این مورد انجام‌شده است. در نوشتار حاضر، ضمن شرح مناسبات بررسی طلاق عاطفی در بین زنان و مردان متأهل، مروری گذرا بر پژوهش‌هایی که به‌نوعی به بررسی طلاق عاطفی می‌پردازند خواهیم پرداخت.

یزدانی و همکاران در سال (۱۳۹۱) تحقیقی با عنوان تحلیلی بر کیفیت زنان دچار طلاق

عاطفی انجام داده‌اند و یافته‌های تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد: بین طلاق عاطفی و شش بعد کیفیت زندگی زنان (احساس فردی، روابط خانوادگی، کیفیت سلامت، رضایت از شرایط محیطی و رضایت از شرایط اقتصادی) رابطه معناداری وجود دارد و در نهایت کیفیت زندگی زنان دچار طلاق عاطفی، درصد پایین و کیفیت زندگی زنان عادی درصد بالایی است (یزدانی وهمکاران، ١٦٠).

شیخی و همکاران در سال (۱۳۹۱)، تحقیقی پیرامون علل پنهانی طلاق و کشف پیامدهای مثبت آن انجام داده‌اند که یافته‌ها نشان می‌دهد که عواملی مانند ناهمخوانی تبیینی، ناهمخوانی معنایی و ناهمخوانی به‌روز شدن، در به وجود آمدن پدیده طلاق مؤثرند و مهم‌ترین جنبه‌های طلاق بر اساس این پژوهش شامل: بازیابی استقلال، رهایی از قید حیات ناجور و گسترش فردگرایی مثبت در جامعه موردنظر است (شیخی وهمکاران، ٦٤).

پروین و همکاران در سال (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر طلاق عاطفی در بین خانواده‌های تهرانی پرداخته‌اند. که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که متغیرهای نظم درون خانواده، ساختار قدرت خانواده و سرمایه اجتماعی درون خانواده بیشترین رابطه معنادار با میزان طلاق عاطفی رادارند. و هرگاه تعادل ساختار خانواده، تحت تأثیر شرایط درونی و بیرونی برهم بخورد، کارکردهای قوام دهنده تأثیرگذار آن مانند سرمایه اجتماعی درون خانواده، نظم درون خانواده، ساختار قدرت، با چالش مواجه می شود که می‌تواند زمینه‌ساز طلاق عاطفی باشد (پروین وهمکاران، ۱۱۹)

ادوارد و فولر (۱۹۹۲) تحقیقی با عنوان «اشتغال زن و عدم ثبات زندگی زناشویی» بر اساس نمونه‌ای از تایلند انجام داده‌اند و نتیجه گرفتند که اشتغال زنان بر زندگی زناشویی مؤثر است به‌طوری‌که عدم ثبات زندگی زناشویی و حتی طلاق را افزایش می‌دهد. تحلیل‌های این محققین نشان داد که تأثیرات اشتغال زنان به‌خودی‌خود و تعداد ساعات کار مستقیماً به هم مرتبط اند و این مسائل بر روی فرایندهای متفاوت زناشویی مؤثر هستند (فولر و ادوارد، ۱۹۹۲).

راتر (۲۰۰۹) درتحقیقی معتقد است که اشخاصی که خود را از قید زندگی مشترک دارای شرایط نامساعد زناشویی رها کرده اند میزان افسردگی کمتری نسبت به کسانی دارند که آن نوع زندگی را تحمل می‌کنند (راتر، ۲۰۰۹).

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که مباحث مربوط به پیشینه پژوهش هرکدام بحث‌های مختلفی را در مورد مسئله پژوهش به خود اختصاص داده‌اند. این مباحث از بعضی جهات دارای نکات مثبت و مهمی هستند. و در پژوهش حاضر، با توجه تحقیقات صورت گرفته‌شده، سعی شده است به بررسی جامعه‌شناختی طلاق عاطفی دریکی از مراکز مشاوره خانواده در بین زنان و مردان متأهل شهرستان رشت پرداخته شود.

مبانی نظری تحقیق

در تبیین جامعه شناختی طلاق نباید از یک بعد به مسئله نگریست زیرا رفتار انسانی پیچیده و دارای جنبه‌های متعدد است و غیرممکن به نظر می‌رسد یک دیدگاه نظری به‌تنهایی بتواند همه جنبه‌های پدیده طلاق را در برگیرد. به همین دلیل باید دیدی تلفیقی داشت. چون طلاق موضوعی نیست که تنها به یک زوج یا فرد مربوط باشد بلکه آسیب اجتماعی نیز هست. بدین لحاظ جهت تبیین جامعه‌شناختی پدیده طلاق ازنظریات جامعه‌شناسی خانواده و نظریه‌های آسیب‌شناسی یا انحرافات اجتماعی (نظریه‌های خرد و کلان) استفاده‌شده است تا چرایی و چگونگی این مسئله تبیین گردد. اما برای اینکه محقق دچار سردرگمی نشود باید یک یا دو نظریه باید راهنمای وی در کار او باشد تا هدایت تحقیق به راه صحیح خود برود.

طلاق و به تبع آن فروپاشی زندگی خانوادگی یکی از مسائل اجتماعی است که امروزه اهمیت فزاینده‌ای یافته و ابعاد پیچیده‌ای پیداکرده است. «پل بوهانون» شش مرحله متداخل طلاق را متمایز می‌سازد که زوجی که از یکدیگر جدا می‌شوند ناچارند با آن‌ها روبرو شوند. همه این مراحل ممکن است دشواری‌ها و تنش هایی پدیدآورند، که زن و شوهر، فرزندانشان، خویشاوندانشان و دوستانشان اثر گذارد.

۱) طلاق عاطفی که بیانگر رابطه زناشویی است که روبه‌زوال می‌رود- تنش فزاینده میان زن و شوهر، که معمولاً به جدایی می‌انجامد.

۲) طلاق قانونی[1]، متضمن زمینه‌ها و دلایلی که بر پایهٔ آن‌ها به ازدواج پایان داده می‌شود.

۳) طلاق اقتصادی[2]، که به تقسیم ثروت و دارایی مربوط می‌شود.

---

1. Divorce Law
2 .Divorce economic

٤) طلاق هماهنگی میان والدین،[3] که مسائل نگهداری کودک و حق ملاقات را در برمی‌گیرد.

۵) طلاق اجتماعی،[4] که به تغییرات در دوستی ها و سایر روابط اجتماعی مربوط می شود که فرد طلاق گرفته با آن‌ها سروکار دارد.

٦) طلاق روانی،[5] که از طریق آن فرد سرانجام باید پیوندهای وابستگی عاطفی را قطع کند و با الزامات تنها زیستن رودررو می‌شود. (گیدنز، ٤٤٣-٤٤٢).

در سال های اخیر بر اساس آمار رسمی در ایران، وضعیت طلاق رشد تصاعدی داشته است نمودار زیر گویای وضعیت رشد طلاق از سال ۸۵ تا ۹۰ است.

نمودار (۱) وضعیت رشد طلاق در کشور (از سال ۹۰-۸۵)

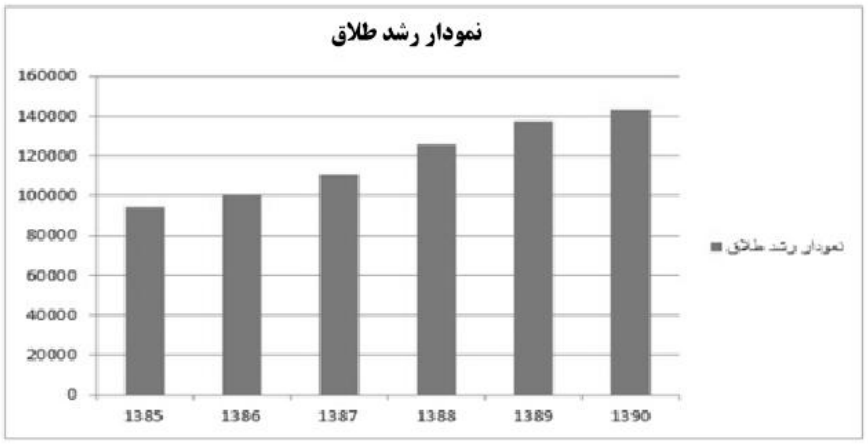

منبع: سایت سازمان آمار

3 .Coordination between parental divorce

4. Social divorce

5. Mental divorce

نظریات جامعه‌شناسی خانواده

۱- نظریه مبادله

یکی از نظریه پردازان این نظریه هومنز است که بیشتر به مبادله بین دو نفر توجه دارد و بر این باور است که اساس مبادله اجتماعی بر منفعت شخصی و ترکیبی از نیازهای اقتصادی و روانی استوار است و سعی کرده است که قضایای خود را بر مبانی روانی استوار سازد او قضایای متفاوتی را بیان می کند که اساس نظریه مبادله او را شامل می شود که این قضایا عبارت‌اند از: یک قضیه موفقیت، دو قضیه ارزش، سه قضیه محرک، چهار قضیه محرومیت- سیری، پنج قضیه عقلانیت، شش قضیه پرخاشگری تایید. (ریتزر، ٤٢٧)

از دیدگاه این نظریه، روابط بین زن و شوهر نیز یک مبادله محسوب می‌شود که از ابتدای زندگی شروع می‌شود. اگر از دیدگاه حقوق متقابل آن‌ها را به‌عنوان پاداش و هزینه تلقّی کنیم، زندگی آن‌ها برمدار مبادله متقابل جریان می‌یابد. از طرف دیگر عدم برابری هزینه و پاداش برای زوجین، منجر به احساس بی‌عدالتی و نابرابری در مبادله می گردد و درنهایت منجر به گسست روابط متقابل زوجین می گردد. برای مثال، زمانی که هر یک از زوجین هزینه‌های یک رابطه را بیشتر از آن ارزیابی نمایند، این شخص به رابطه مذکور خاتمه خواهد داد. درواقع پنداشت فرد از سود یا زیانی که در جریان زندگی زناشویی خود به دست می‌آورد اهمیت پیدا می‌کند. (قادرزاده به نقل از جلیلیان، ٤٥-٤٤).

۲-نظریه شبکه‌ای

طبق نظر الیزابت بات، روابط اجتماعی خانواده با جامعه حالت شبکه دارد؛ یعنی هر خانواده با تعدادی از افراد جامعه در تماس است. شبکه روابط بعضی از خانواده‌ها متّصل است؛ یعنی افرادی که خانواده با آن ها معاشرت دارند، معاشرتی خانوادگی است، اما شبکه بعضی دیگر از خانواده‌ها شبکه پراکنده یا منفصل است لذا چگونگی تقسیم نقش‌های خانوادگی به نوع شبکه اجتماعی خانواده مرتبط می شود. (اعزازی، ۱۲۳). خانواده هایی که تقسیم نقش آن ها سنّتی است، شبکه روابط آن ها متصل است. یعنی دوستان، آشنایان و همسایگان این خانواده‌ها یکدیگر را می‌شناسند و به آن‌ها در امور خانگی کمک می‌کنند؛ اما زن‌وشوهری که به‌صورت مشارکتی با یکدیگر زندگی می‌کنند، دارای شبکه اجتماعی پراکنده هستند، به این معنی که دوستان و آشنایان به زندگی شخصی آنان راه ندارند و همین امر سبب

می‌شود آن‌ها صرفاً به یکدیگر اتکا داشته باشند. لذا این اتکا صرف به همسر سبب می‌شود در صورت نارضایتی زمینه برای گرایش به طلاق فراهم شود. اما آنگاه‌که روابط خویشاوندی، شبکه روابط متصل را ایجاد می‌کند چون زوجین علاوه بر همسر می‌توانند به خویشاوندان نیز اتکا داشته باشند، کمتر زمینه برای گرایش به طلاق فراهم می‌شود. از این جنبه می‌توان گفت مراوده‌های خویشاوندی می‌تواند به‌عنوان یک متغیر در ربط با گرایش به طلاق، مطرح باشد.

۳- تئوری آنومی

از دیدگاه جامعه‌شناسان، آنومی به مفهوم فقدان اجماع در مورد اهداف اجتماعی، انتظارات جمعی و الگوی رفتار برای اعضا جامعه است.

این حالت منجر به محو و غیبت تدریجی آتوریته و ضابطه اخلاقی می شود و جامعه کنترل اجتماعی خود را از دست می‌دهد. هنگامی‌که جامعه در حال گذار و دگرگونی است، بسیاری از انسان‌ها دچار سرگردانی می‌شوند و قواعد و ارزش‌های جامعه، برای آن‌ها بی‌اهمیت و کم‌ارزش می‌شود. از سوی دیگر ارزش‌های جدید و منطبق با شرایط نیز، هنوز در جامعه جا نیفتاده است. درواقع جامعه دو ساخت دارد. در اینجامعه برخی از ساخت کهن و برخی از ساخت نوین تبعیت می‌کنند (ساروخانی، ۱۲۸).

ازهم‌پاشیدگی هنجارها و آنومی، وضعیتی را ایجاد می‌کند که آرزوهای بی‌حدوحصر ایجاد می‌شود و ازآنجاکه طبعاً این آرزوهای بی‌حد نمی‌توانند ارضا شوند، درنتیجه وضعیت نارضایتی اجتماعی پدید می آید که در جریان اقدامات منفی اجتماعی نظیر طلاق، خودکشی و غیره ظاهر می‌شود، که ازنظر آماری قابل‌سنجش است. (رفیع‌پور، ۱۸).

٤-تئوری نیاز - انتظار

عدم تحقق انتظارات، عدم تعادل بین خواسته‌ها می‌باشد. هرکدام از زن و شوهر با تصورات خاصی در بارهٔ زندگی زناشویی اقدام به ازدواج می‌کنند وزندگی را با انتظارات مشخصی در مورد اینکه همسرشان چگونه با او رفتار خواهد کرد، آغاز می‌نمایند. اگر این انتظارات برآورده نشود، ناراضی و پشیمان خواهند شد. از کمپ معتقد است که احساس رضایت با نحوه انطباق کامل امیدها و انتظارات با پیشرفت‌های فرد تعیین می‌شود، درحالی‌که نارضایتی معلول ناکامی دررسیدن به انتظارات است. (از کمپ، ٢٦٠).

در برخی جوامع، جوان درک رمانتیک از ازدواج دارد و بعد از پیوند زناشویی در بهترین

صورت آن را خسته‌کننده و یکنواخت و در بدترین شرایط آن را رنجی روانی[6] می‌یابد. در اکثر جوامع جوانان می آموزند که از همسر خود فقط انتظار احترام و انجام وظایف همسری داشته باشند نه الزاماً خوشبختی. (گود، ۲۵۳).

۵-تئوری خود میان بینی [7]

هرگاه انسان یا انسان‌هایی، دیگری یا دیگران را با خود و ارزش‌های خودارزیابی نمایند، دچار خود میان بینی گردیده اند، این وضعیت جلوه ایی از خود گرایی[8] است. این حالت بر روابط انسان با دیگران تأثیر منفی می گذارد و به سستی ارتباط، عدم امنیت، انزوای اجتماعی در سطح زندگی خانوادگی و اجتماعی منجر می شود. از همین روست که امروزه سخن از بسط انسان‌گرایی نوین و دیگر دوستی و تقویت همدلی می‌شود. (ساروخانی، ۱۵۷).

گسترش اخلاق خود گرایی و عدم توجه به خواسته‌ها و نیازهای فرد مقابل در زندگی زناشویی می تواند موجب اختلاف و ستیزه در کانون خانواده گردد. امروزه با اصالت قرار گرفتن «خود» ارقام طلاق روبه فزونی است.

سؤالات تحقیق

۱-آیا خیانت یکی از زوجین می‌تواند منجر به طلاق عاطفی شود؟

۲-آیا دخالت بی‌جای دیگران می‌تواند باعث طلاق عاطفی شود؟

۳-آیا بداخلاقی یا بی‌احترامی در بین زوجین باعث ایجاد طلاق عاطفی می‌شود

٤-عدم توانایی مالی کافی برای تأمین معاش خانواده یا امکانات مالی فراوان (زوج) می‌تواند طلاق عاطفی را ایجاد کند؟

۵-آیا ورود فناوری های پیشرفته مثل اینترنت، باعث کاهش و مشکلات روابط جنسی بین زوجین می‌شود ودربلند مدت می‌تواند منجر به طلاق عاطفی شود؟

٦-آیا عدم تأمین عاطفی زوجین از سوی یکدیگر موجب طلاق عاطفی می‌شود؟

روش‌شناسی

۱- جامعه، نمونه، روش نمونه‌گیری

---

6. Perceptual ache
7 .Anthropomor phism theory
8. Egocentrism

روش پژوهش حاضر کیفی است. جامعه آماری پژوهش حاضر زنان و مردان متأهل (افـراد مراجعه‌کننده به یکی از مراکز مشاوره در شهر رشت)، که در حال حاضر باهم زندگی می‌کننـد. درروش کیفی حجم نمونه مانند روش‌های کمّی از پیش تعیین‌شده نیست و بسـتگی بـه رونـد تحقیق و مقولات در حال تکوین دارد. در بررسی های کیفی می تـوان از دو نـوع نمونـه‌گیـری به‌صورت همزمان استفاده کرد. این دو نوع نمونه‌گیری عبارت‌انـد از نمونـه‌گیـری هدفمنـد[9] و نمونه‌گیری نظری[10] (محمدپور به نقل از فسایی و ایثاری، ۱۳۸٦). از نمونه‌گیری هدفمند بـرای گزینش افراد مورد مصاحبه و از نمونه گیری نظری برای تشـخیص تعـداد افـراد، تعیـین محـل داده‌های موردنیاز و یافتن مسیر پژوهش استفاده می‌شود. از سـویی حجـم نمونـه در مطالعـات کیفی به سطح اشباع داده‌ها[11] بستگی دارد و به مرحله‌ای از داده‌های کیفی اطلاق مـی‌شـود کـه پاسخ‌های داده‌شده به سؤالات تحقیق و یا مصاحبه‌های انجام‌شده کافی به نظر می‌رسند، چراکه داده‌های گردآوری‌شده از طریق انجام مصاحبه، مشابه تکراری می‌شوند. (همان).

۲-ابزار پژوهش

در پژوهش حاضر اطلاعات از طریق مصاحبه عمیق (مصاحبه نیمه ساخت یافته) با زنـان و مردان جمع‌آوری و با استفاده از کدگذاری تحلیل‌شده است.

کدگذاری نظری عملیاتی است که طی آن داده های تجزیه، مفهوم‌سازی و به شکلی تازه در کنار یکدیگر قرار داده می شوند (فلیک، ۳۲۹). به‌ایـن ترتیـب در پـژوهش حاضـر، بعـد از هـر مصاحبه، مفاهیم از متن مصاحبه استخراج شده و قبل از مصاحبه بعدی، کدگذاری شده اسـت. همچنین همزمان با انجام تحلیل روی مصـاحبه هـا، یادداشـت هـای حاصـل از مشـاهدات نیـز کدگذاری شده است. ازآنجاکه تشخیص وضعیت طلاق عاطفی، بدون اطلاع از کیفیـت رابطـه همسری افراد غیرممکن است، بهترین راه برای یافتن نمونه های مـوردنظر، مراجعـه بـه مراکـز مشاوره خانواده است؛ به این منظور با مراجعه به یکی از مراکز مشاوره شـهر رشـت و پرونـده مراجعین، با در نظر گرفتن اشباع نظری، بیست نفر از زنان و مردان متأهلی که در حـال حاضـر باهم زندگی می‌کنند از بین مراجعین به این مرکز انتخاب‌شده‌اند و در تحلیـل داده‌هـا از روش نمونه‌گیری نظری استفاده شده است.

---

9. Purposive Sampling
10. Theoretical Sampling
11. Data Saturation

یافته‌های تحقیق

مشخصات جمعیتی پاسخگویان

این پژوهش در بین زنان و مردان متأهلی که باهم زندگی مشترک داشته و به یکی از مراکز مشاوره خانواده در شهر رشت مراجعه کرده‌اند و عموماً از گروه‌های سنی بین ۵۰-۲۱سال به‌عنوان نمونه تحقیق استفاده‌شده است. در بررسی تحصیلات افراد موردمطالعه بیشترین درصد در مقطع زیر دیپلم و کمترین درصد در مقطع کارشناسی ارشد می‌باشد و بیشتر این افراد دارای شغل و فرزند هستند.

جدول شماره۱: مشخصات جمعیتی پاسخگویان

متغیرهای زمینه‌ای		تعداد پاسخگویان	جنس	
			زن	مرد
گروه‌های سنی	۳۰-۲۱	۳	۲	۱
	٤٠_٣١	۱۰	۳	٥
	٥٠-٤١	۷	۳	٤
تحصیلات	زیر دیپلم	٥	۳	۲
	دیپلم	۱۰	٤	٦
	فوق‌دیپلم	۲	۰	۲
	کارشناسی	٤	۱	۳
	ارشد	۱	۰	۱
	دکترا	۰	۰	۰
اشتغال	شاغل	۱۸	۱۰	۸
	غیر شاغل	۲	۰	۲
وضعیت فرزند	دارای فرزند	١٦	۸	۸
	بدون فرزند	٤	۲	۲
جمع پاسخگویان		۲۰	۱۰	۱۰

تحلیل و ارزیابی

با توجه به روایت مصاحبه‌شوندگان، اظهارات و گزاره‌های زیر به دست آمد که به ترتیب مفهوم بندی و مقوله‌بندی می‌گردد. بر اساس تحلیل صورت گرفته در کدگذاری باز انگیزه‌ها و دلایل به وجود آمدن طلاق ۷مقوله شامل: خیانت به همسر، عدم تفاهم، بداخلاقی و بی‌احترامی، برآورده نشدن انتظارات، مشکلات جنسی و تأثیرات فناوری، عدم مشارکت زوجین در حل مشکلات یکدیگر و عدم معاشرت و کم‌حرفی به‌دست‌آمده است.

انگیزه‌ها و دلایل طلاق عاطفی از نظر افراد مورد مطالعه

۱-خیانت زوجین

ازجمله عواملی که زوجین مورد مطالعه، در مصاحبه‌های خود مطرح کرده‌اند، خیانت یکی از همسران به یکدیگر است که به شیوه‌های گوناگون در ایجاد طلاق عاطفی مؤثر بوده است. و نتیجه آن، زمینه ساز فاصله میان زوجین است. بر این اساس برخی از مصاحبه شوندگان معتقدند:

«به نظر من یک اشتباه زوجین اینه که فکرمیکنن همین‌قدر که اسمشون رفت توشناسنامه همدیگه کافیه. درحالی که زوجین بیشتر نیاز به حمایت و مراقبت عاطفی دارن. بعد از چند صباح از زندگی، خانم مشغول‌تر و خشک کردن بچه‌ها می‌شه و آقا هم سرگرم کار. هر دو می‌شن مثل تراکتور (البته ببخشید). اون وقته که آرام‌آرام زندگی سرد می‌شه. زوجین باید تو زندگی همدیگر رو با کلام محبت‌آمیز، قدرانی، احترام، گذشت و چشم‌پوشی از خطاهای جزئی شارژکنن تا کار به خیانت و... نکشه» (اشاره به خیانت زوجین). (زهرا، ۳۳ ساله).

«دیده‌شده که مردهایی بعد از خیانت به همسر حتی اگه به‌دفعات هم بوده باشه تونستن برگردن و زندگی خوبی باهمسرشون داشته باشن و این شاید از انعطاف‌پذیری و گذشت زن‌ها باشه اما این خیانت ها از طرف خانما، حتی خیانت خیلی کوچک باعث از بین رفتن اعتماد می‌شه چون این‌جور موارد به روحیات مردها لطمه‌های جبران‌ناپذیر و غیرقابل‌تحملی می‌زنه این هم از خصوصیات و تفاوت‌های جنسیتی زن و مرده دیگه کاریش نمی‌شه کرد» (ناصر، ۳۷ ساله).

۲-عدم تفاهم زوجین

یکی از عواملی که منجر به سردی روابط زناشویی یا طلاق عاطفی در بین زوجین می‌شود عدم وجود تفاهم میان زوجین است که نتیجه آن به مشاجره و تنش میان زوجین و کاهش روابط زناشویی یا طلاق عاطفی می‌شود.

«نداشتن تفاهم باعث می‌شه زن و مرد همدیگرو درک نکنن و حرفای درست و بجای طرف مقابل موردقبول واقع نشه. برخی مواقع زن و مرد احساس می کنند که نظرشان کاملاً درسته و باید پذیرفته شود و اگر موردقبول طرف مقابل نباشه کار به لجبازی و بحث‌وجدل می‌کشد» (ایمان ٤٣، ساله).

۳-بداخلاقی و بی‌احترامی

یکی دیگر از عوامل و انگیزه‌هایی که ازنظر مصاحبه‌شوندگان در ایجاد طلاق عاطفی نقش دارد، بداخلاقی و بی احترامی زوجین به یکدیگر می باشد که دین اسلام شدیداً زوجین را از این عمل نهی کرده است. در این رابطه برخی از مصاحبه‌شوندگان معتقدند:

«یه سری از مردا عقده هاشونو با سر و صدا و دادوبیداد و قلدری سر خانوما خالی می‌کنن. اون‌ها زنی رو که از صبح تو خونه تنهاست و خونه داری و کارهای تکراری می‌کنه رو درک نمی کنن. زن هم احتیاج به آرامش داره که توجّه و محبت همسرش این آرامش رو بهش می‌ده» (مهری، ۳۵ ساله).

«شوهرم در حضور خانواده‌ی خودش یا دوستاش طوری با من رفتار می‌کنه که ازنظر من بی‌احترامی محسوب می‌شه و وقتی من بهش اعتراض می‌کنم می‌گه من می‌خوام به همه بفهمونم که زن‌ذلیل نیستم» (فاطمه ٣٦ ساله).

٤-برآورده نشدن انتظارات

یکی از ملاک‌های زوجین قبل از ازدواج، برآورده شدن انتظاراتشان بعد از ازدواج می‌باشد اگر این انتظارات برطرف نشود ممکن است راه را برای بروز مناقشات زندگی زناشویی هموار کند. به‌طوری‌که اگر انتظاری که یکی از زوجین از روابط طرفین داشته، زیر سؤال رود، به‌راحتی برای پر کردن خلأهای عاطفی به سراغ گزینه‌های جایگزین می‌روند.

«دلیل اصلی خیلی از بی‌وفایی‌ها تو زندگی مشترک برآورده نشدن انتظارات فرده. این موضوع یک‌طرفه نیست. هر دو طرف کم‌کاری می‌کنند. اونی که بی‌وفایی دیده چون زمانی

برای برآورده کردن انتظارات طرف مقابلش نگذاشته یا به لزومِ برطرف کردن این نیازها پی نبرده و اونی که بی‌وفایی کرده چون هیچ‌وقت از نیازها و انتظاراتش واضح و شفاف صحبت نکرده و در حد یک غرغر بوده» (علی، ۳٤ ساله).

«دقیقاً نمی‌شه گفت چقدر ولی اگه واقع‌بین باشیم با توجه به افزایش طلاق شاید بشه گفت تا حدودی این انتظارات برطرف می‌شه مثلاً قسمتی از نیازهای عاطفی و تا حدودی نیازهای اقتصادی و جنسی» (کبری، ۲۸ ساله).

در این مورد می‌توان گفت اگر افراد از حقوق و وظایف نقش‌های خود درک کاملی نداشته باشند یا برای انجام آن‌ها آمادگی لازم را پیدا نکرده باشند در برآوردن انتظارات یکدیگر دچار مشکل می‌شوند و به‌این‌ترتیب ناسازگاری پیش خواهد آمد.

در یک رابطه دوطرفه عدم توجه به اصول موردتوافق طرفین و یا بی‌توجهی به خواسته‌های برحق یکدیگر جرقه‌های ترک برداشتن یک زندگی سالم می‌شود. و اگر زوجین در زندگی انتظارات متفاوتی از یکدیگر داشته باشند این تفاوتِ انتظارات موجب اختلاف آن‌ها خواهد شد.

۵ـ مشکلات جنسی و تأثیرات فناوری

مشکلات جنسی ازجمله علل مؤثر درافزایش فاصله در بین زوجین می‌تواند باشد و این مشکلات دلایل مختلفی ازجمله، ورود فناوری‌های جدید و اضافه شدن آن به سبک زندگی و کالای مورداستفاده خانواده، باعث اختلالاتی در روابط زوجین می‌شود، مانند: عدم اهمیت زوجین به رابطه کلامی، و سرگرم شدن در فضاهای مجازی که باعث سردی یکی از زوجین در رابطه، و اختلاف زوجین درزمینه روابط چهره به چهره می‌شود. براین اساس برخی از مصاحبه‌شوندگان اعتقاددارند که:

«گاهی این فنّاوری خیلی بینمون فاصله می‌ندازه از جریان الکتریسیته گرفته تا همین وایبر که تازگی‌ها کشف‌شده، گروه‌های اجتماعی بی‌شمار و پیام‌های ارسالی و دریافتی بی‌شمارتر، ما رو از اطرافمون غافل می‌کنه و یادمون می‌ره که همسرمون هم نیازهایی داره. تقریباً مثه یه جور اعتیاد شده برا بعضیا. به نظر من اگه تکنولوژی به این وضع بدون برنامه توی زندگی های ما وارد نمی‌شد، ماها مجبور می‌شدیم بیشتر باهم تعامل داشته باشیم...» (راضیه، ۲۸ ساله).

٦-بی‌توجهی زوجین در حل مشکلات زندگی

عدم مشارکت و همدلی زوجین در موقعیت های دشوار مثل مواجهه با مشکلات و ناراحتی‌های زندگی ازجمله عواملی بوده است که در بلندمدت منجر به افزایش فاصله میان زوجین می شود. و گرچه در این مورد بیشتر پاسخگویان سعی داشتند تا وانمود کنند که مشکل آنان زیاد حاد نبوده و آن نوع رابطه رابین زن و شوهر عادی می دانستند و در این مورد صراحت نداشتند ولی با توجه به صحبت های آن ها می شد به داشتن رابطه سرد در بین زوجین پی برد. مثلاً عنوان می کردند که در زمان تنهایی یا بحث‌وجدل‌های معمولی این نوع سردی رابطه را تجربه کرده‌اند.

«متأسفانه خیلی‌ها آداب اولیه زندگی رو نمی‌دونن و هرکسی تو زندگی مشترک هر کاری می کنه وظیفه به‌حساب می‌اد و زوجین آن‌قدر درگیر روزمرگی هستند یادشون می‌ره که در مشکلات شخصی همدیگر و همراهی کنن. این روزا بجای اینکه زن و مرد در خدمت خودشون باش در خدمت کارشون هستن» (زینب ۲۵ساله).

عدم همراهی و همدلی مرد با زن در موقعیت های دشوار مثل مواجهه با مشکل و ناراحتی ازجمله عواملی بوده است که از طریق عدم دریافت حمایت از سوی همسر در موقعیت های مورد انتظار و درنتیجه ایجاد احساس تنهایی در زن که موجب افزایش فاصله میان زن و مرد می‌شود.

۷-کم‌حرفی و عدم معاشرت

ازجمله انگیزه‌هایی که منجر به سرد شدن روابط زوجین می‌شود کاهش معاشرت زوجین باهم است. «این مشکل خیلی از زن و شوهر اس!!! من خودم تجربشو دارم... شوهرم بسیار آدم کم‌حرفیه... اهل شوخی نیس و.... البته تو جمع هم همینطوره و کلا آدم کم‌حرفیه! من ۵ ساله ازدواج کردم و نتونستم تغییری ایجاد کنم... بنظرمن فکر عوض کردنشون آب در هاون کوبیدنه! (اشاره به مشکل کم‌حرفی آقایان و معاشرت کم) (سیما ۳۵ ساله).

«اگه من حرف بزنم حرفی هست و حرف می‌زنه اگه نه که هیچی. من می‌دونم که اون به من اهمیت می‌ده، هر وقت ازش می‌پرسم مشکلی وجود داره، می‌گه نه، همه چیز عالی است در حقیقت، سکوت اون به شدت بر رابطه ما تأثیر گذاشته. من احساس آزردگی، عصبانیت و گیجی می‌کنم» (مهدیه ۲۹ ساله).

کم حرف بودن زوجین و عدم اختصاص وقت برای گفتگو باعث کاهش صمیمیت و فاصله بین زوجین می‌شود. همچنین؛ فرصت نداشتن برای گفتگو و تعامل با یکدیگر و درگیری‌های شغلی مانعی در ایجاد بستر مناسب بر روابط صمیمی بین زوجین اثر منفی می گذارد. آن ها با یکدیگر در مورد مشکلات کاری و زندگی و نه صحبتهای عاطفی و مهرورزانه، گفتگو می‌کنند.

به نظر می رسد گرچه ظاهراً همسران در محیطهای اجتماعی خوب و صمیمی به نظر می رسند ولی در خلوت رابطه شان به گونه دیگری است. مقوله محوری پژوهش حاضر در دلیل طلاق عاطفی، خیانت یکی از زوجین می باشد یعنی با عدم توجه و برآورده نشدن انتظارت یکی از طرفین، زوجین به گریز از رابطه موجود روی می‌آورند طوری که با یکدیگر زندگی می کنند بدون میل به ادامه آن و همین باعث روی آوردن آنان به راهکارهای جایگزین از جمله «خیانت» می‌شود.

نداشتن ارتباط چهره به چهره زوج ها با یکدیگر و شناخت اندک آن ها از یکدیگر و نداشتن دقت کافی برای صحبت کردن با یکدیگر، نداشتن امنیت شغلی و گرفتاری‌های روزانه باعث می‌شود زوج‌ها وقتی در منزل هستند با یکدیگر تعامل مناسبی نداشته باشند

و به‌این‌ترتیب ناراحتی، گرفتا، مشغله ذهنی و غیره باعث می‌شود آنان درکی از یکدیگر نداشته باشند و اگر فرصتی هم برای گفت‌وگو پیدا کنند از آن بهره مفید نمی‌برند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی درک و تصور کنشگران از ابعاد گوناگون زندگی زوجین نسبت به پدیده طلاق عاطفی پرداخته شد. هرچند مصاحبه کیفی با نمونه محدودی از افراد نمی‌تواند نتایج قابل تعمیمی را به لحاظ آماری در برداشته باشد؛ اما به دلیل عمق و موضوع تحقیق می‌تواند لایه‌های پنهان و مغفول مانده آن را نشان دهد.

ارزیابی فقر عاطفی و نتیجه آن طلاق عاطفی به علت خویشتن داری زنان و مردان جزء اسرار مگو به‌حساب می‌آید. می‌توان حدس زد اگر میزان طلاق عاطفی از طلاق رسمی بیشتر نباشد کمتر نیست. اما در مورد طلاق عاطفی در بسیاری از مواقع طلاق عاطفی طی گذشت زمان می تواند به آشتی عاطفی یا نوسازی سرمایه عاطفی نیز منجر شود؛[۱۲] که از این نظر نسبت

12. http://heydari312.blogfa.com/post/303

به طلاق رسمی اهمیت بیشتری می یابد چون طلاق در طلاق رسمی رابطه پایان یافته است ولی در طلاق عاطفی زندگی با بی‌مهری ادامه پیدا می‌کند پس باید برای ترمیم این رابطه چاره‌ای اندیشیده شود.

دلایل بی شماری را می توان ذکر کرد که یک ازدواج را به ناکامی و بن بست بکشاند، بعضی از دلایل موردنظر را می توان در خلال مصاحبه‌های به‌عمل‌آمده ملاحظه کرد که مهم‌ترین دلیل طلاق عاطفی را خیانت عنوان کرده‌اند. ازنظر افراد موردمطالعه، خیانت به همسر، عدم تفاهم، بداخلاقی و بی احترامی، برآورده نشدن انتظارات، مشکلات جنسی و تأثیرات فناوری، بی توجهی و مشکلات اقتصادی دلایل اصلی طلاق عاطفی هست. و در بین خود افراد موردمطالعه، عدم همراهی در مشکلات زندگی، تأثیرات فنّاوری و همچنین، فرصت نداشتن برای گفتگو (به دلیل شاغل بودن زوجین) و تعامل با یکدیگر و درگیری‌های شغلی مهم‌ترین عامل زمینه‌ساز برای طلاق عاطفی است.

همچنین به نظر می رسد طلاق عاطفی مربوط به ارتباطات ضعیف بین زوجین است به‌طوری‌که انتظاری که یکی از زوجین از روابط طرفین داشته زیر سؤال می‌رود، به‌راحتی گزینه‌های جایگزینی پدید می‌آید و برای پر کردن خلاءهای عاطفی به سراغ گزینه‌های جایگزین می‌روند.[۱۳]

تحقیقات انجام‌شده توسط گروه جامعه‌شناسی خانواده دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی نشان می‌دهد که به دلیل مشکلات اقتصادی ناشی از افزایش تورم و اشتغال بیش‌ازحد زوجین، میزان گفتگو میان زوجین در طول شبانه‌روز به کمتر از ۱۷ دقیقه می‌رسد. در حال حاضر به دلیل نیازها و مشکلات اقتصادی موجود، خانواده‌ها با مسائل زیادی مواجه بوده و برای گذران زندگی و تأمین نیازهای خود مجبور هستند که زن و مرد هر دو کار کنند.

در این گونه موارد به دلیل مشکلات موجود و نداشتن مسکن و درآمد کافی، بعد از ازدواج خانواده تبدیل به خوابگاه می‌شود و زوجین یکدیگر را نمی‌بینند به‌جز مواردی که می‌خواهند با یکدیگر در مورد مشکلات کاری وزندگی و نه صحبت‌های عاطفی و مهرورزانه، گفتگو کنند.

نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد خانواده‌ها نیازمند مدیریت و ترمیم روابطی هستند که به‌نوعی به سردی می گرایند. لازمه زندگی در اینجامعه نیازمند کسب مهارت‌های جدید زندگی

13. http://www.khabaronline.ir/detail/170415

است. (مثلاً زوجین نحوه برخورد با مسائل گوناگون را نمی دانند و همین باعث بروز مشکلات و دوری از هم می‌شود). عدم شناخت ویژگی‌های یکدیگر باعث برداشت نادرست از رفتار و گفتار یکدیگر می شود و با ایجاد اختلال در فهم متقابل زمینه ساز ایجاد مشکل در رابطه می شوند. همچنین عدم همراهی و همدلی مرد با زن باعث ایجاد احساس تنهایی در زن که موجب افزایش فاصله میان زن و مرد می‌شود.

در تحقیق های مختلف نشان داده‌شده است که ۵۰ درصد طلاق‌ها در ایران ریشه در دلایل جنسی و عاطفی دارند. شاید بتوان گفت دلیل بسیاری از جدایی ها و سردی روابط، با عدم ارضای نیازهای جنسی ارتباط داشته باشد. با توجه به اینکه در تحقیق حاضر در پاسخ به سؤال مهم‌ترین نیاز زوجین، به نیاز جنسی به‌عنوان مهم‌ترین نیاز بین زوجین (در بین آقایان، نیاز جنسی و در بین خانم‌ها، هم نیاز عاطفی و هم‌جنسی) اشاره‌شده است. می‌توان گفت دلیل بسیاری از طلاق‌های بین زوجین عدم ارضای این نیاز است. ولی در فرهنگ ما پرداختن به آن ممنوع شمرده می‌شود و تابو محسوب می‌شود و در این تحقیق نیز متأسفانه پرسش در مورد جزئیات آن امکان‌پذیر نبود! اگر زن‌وشوهری بتوانند ازنظر جنسی همدیگر را اقناع نمایند؛ به‌طورقطع احساس محبت آنان نسبت به یکدیگر زیادتر خواهد شد و در حالت عکس این قضیه می‌تواند منشأ اختلافات شود. (فکری ازگُمی، ۱۳۷۷).

همچنین، تغییرات در زندگی امروزی به دلیل رشد فناوری (مانند فضاهای مجازی) باعث تغییر در نگرش‌ها، ایده‌ها و افکار شده و این مسئله باعث پیچیده‌تر شدن روابط و بروز نیازها و رفتارهای جدید در میان انسان‌ها شده است. همچنین، فرصت نداشتن برای گفتگو و تعامل با یکدیگر و درگیری های شغلی مانعی در ایجاد بستر مناسب بر روابط صمیمی بین زوجین اثر منفی می گذارد. مطلوبیت همسری برای زنان همان صمیمیت در خانواده است همه می دانیم «عشق» و توجه برای زنان جایگاه مهم تری نسبت به سایر مؤلفه ها دارد. ولی مردان وظیفه خود را فقط تأمین هزینه خانواده می‌دانند و این باعث تعارض و موفق نبودن رابطه همسری در بین زنان تلقی می شود. امروز توقعات افراد افزایش یافته است، به‌عبارتی دیگر زمانی که طرفین یکدیگر را درک نکنند یا توقعات بیش‌ازحد داشته باشند مشکلات اقتصادی نمود پیدا می‌کند.

زمانی که زوجین به دلیل باورهای فرهنگی یا فشار خانواده یا حفظ آنچه خود آن را آبرو می‌نامند مجبورند کانون خانواده و فرزندانشان را از آسیب‌ها حفظ کنند و طلاق قانونی

صورت نگیرد درنتیجه به‌جای حل کردن مشکل، از طریق ارتباط نداشتن و نادیده گرفتن یکدیگر کانون خانواده خود را حفظ می‌کنند.

منابع

احمدی، حبیب، ***جامعه‌شناسی و انحرافات***، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸٤.

از کمپ، استوارت، ***روان‌شناسی اجتماعی کاربردی***، ترجمه فرهاد ماهر، انتشارات آستان قدس رضوی. ۱۳٦۹.

اعزازی، شهلا، ***جامعه‌شناسی خانواده***، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۷۸و۱۳۸۷.

ایمانی، محسن، «علل ظهور و بروز طلاق عاطفی، پیامدها و شیوه‌های برخورد با آن»، ***نشریه پیوند***، شماره ۳۹۳-۳۹٤-۳۹۵. ۱۳۹۱.

بابایی، فاطمه، ***تعدیل ساختاری و فقر و ناهنجاری‌های اجتماعی***، تهران: انتشارات کویر، ۱۳۸۰.

باستانی، سوسن، گلزاری، محمود و روشنی، شهره، «طلاق عاطفی: علل و شرایط میانجی»، ***نشریه بررسی مسائل اجتماعی ایران***، شماره۳. ۱۳۸۹.

بخارایی، احمد، ***جامعه‌شناسی زندگی‌های خاموش در ایران***، تهران: پژواک، ۱۳۸٦.

بخشی، حمید و همکاران، «ارتباط رضایت زناشویی با افسردگی زوجین»، ***مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین***، شماره ۲، قزوین. ۱۳۸٦.

پروین ستار، داوودی مریم، محمدی فریبرز، «عوامل جامعه شناختی مؤثر در طلاق عاطفی در بین خانواده‌های تهرانی»، ***مطالعات راهبردی زنان***، سال چهارم، شماره ٥٦، تابستان، ۱۳۹۱.

رفیع‌پور، فرامرز، ***آنومی یا آشفتگی اجتماعی***، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۸.

ریتزر، جورج، ***نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر***، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۸.

ساروخانی، باقر، ***روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، اصول و مبانی***، انتشارات: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳.

ساروخانی، باقر، ***طلاق ـ پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن***، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷٦.

ساروخانی، باقر، ***مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده***، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۵.

ستوده، هدایت الله، ***آسیب‌شناسی اجتماعی***، چاپ ششم، تهران: انتشارات آوای نو، ۱۳۷۹.

سیف، سوسن و تبرائیان، محمدحسن، ***تئوری رشد خانواده***، ناشر: دانشگاه الزهراء، ۱۳٦۸.

شرفی، محمدرضا، ***خانواده متعادل***، تهران: انتشارات انجمن مربیان، ۱۳۸۳.

شیخی خالد، خسروی جمال، غریبی حسن، قلی‌زاده زلیخا، حسین‌زاده میکائیل، «درک معنایی طلاق و کشف پیامدهای مثبت آن»، ***فصلنامه مشاوره روان‌درمانی خانواده، ویژه‌نامه طلاق و خانواده***، شماره ۱. ص: ۷۷-٦٤. (۱۳۹۱).

صادقی فسایی، سهیلا، ایثاری مریم، «تحلیلی جنسیتی از زندگی پس از طلاق»، ***مجله زن در توسعه و سیاست***، دوره ۱۰، شماره۳، ص: ۳۰-۵. (۱۳۹۱).

عراقی عزت‌الله، ***آیا می‌دانید طلاق و مسائل آن کدام‌اند؟*** چاپخانه پلیکان، ۱۳٦۹.

عمید حسن، ***فرهنگ عمید***، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳٦۹

فرهنگی علی‌اکبر، ***ارتباطات انسانی***، تهران: انتشارات خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷٤.

فکری از گمی عبدالله، ***طلاق ندهیم، طلاق نگیریم***، گیلان: نسیم شمال، ۱۳۷۷.

فلیک اوه، ***درآمدی بر تحقیق کیفی***، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۷.

قادرزاده امید، قادرزاده هیرش، حسن پناه حسن، «عوامل پیش بینی کننده گرایش زوجین به طلاق در مناطق مرزی»، ***فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده***، شماره ۱، صفحات۱۱۸-۱۰۲. ۱۳۹۰.

قراچه مریم، آزادی شهدخت و افراسیابی اردشیر، «بدرفتاری همسر و کیفیت زندگی زنان متأهل»، ***فصلنامه اندیشه و رفتاری***، دوره پنجم، شماره ۱۹. ۱۳۹۰.

کوئن بروس، ***درآمدی بر جامعه‌شناسی***، محسن ثلاثی، انتشارات فرهنگ معاصر، ۱۳۷۰.

گود جی ویلیام، ***خانواده و جامعه***، ویدا ناصحی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲.

گیدنز، آنتونی، ***جامعه‌شناسی***، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، ۱۳۸٦.

محمدی، زهرا، ***بررسی آسیب‌های اجتماعی زنان در دهه ۱۳۷۰-۱۳۸۰***، تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۸۳.

مساواتی مجید، ***آسیب‌شناسی اجتماعی ایران***، جامعه‌شناسی انحرافات، تبریز: انتشارات نوبل، ۱۳۷٤.

والچاک ابوت، ***طلاق از دید فرزند***، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: انتشارات مرکز، ۱۳٦٦.

یزدانی عباس، حقیقتیان منصور، کشاورز حمید، «تحلیلی بر کیفیت زندگی زنان دچار طلاق عاطفی در شهرکرد»، ***فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی***، شماره ششم، ۱۳۹۲.

Edward J. N ،And Th. D. Fuller ،S. Sermsrio (1992). «Female Employment And Marital Instability: Evidence From Thailand» Journal of Marriage And the Family. Vol. 54 ،No. ،68-59/ 1

Rutter. V. (2009) Divorce in Researchs. Divorcein Media Sociology Compass-Vol. 3-No. 4/720-707

مجموعه مقالات نهمین همایش ملی اشراق اندیشه مطهر، **خانواده و تربیت جنسی**
اردیبهشت ۱۳۹٤، ص ۱۸۰-۱۵۹

تبیین و تحلیل چگونگی مواجهه با تمایلات جنسی و نقش آن در سلامت فردی و اجتماعی

سهیلا چگینی/ دکترای ارتباطات اجتماعی؛ دانشگاه علامه طباطبائی(ره)، استادیار دانشگاه فرهنگیان[1]

چکیده

مقاله‌ی حاضر به تحقیق درباره‌ی عناصر یاری‌کننده‌ی فرد در مواجهه با تمایلات جنسی از منظر قرآن و روایات و با نگاه به آثار و دیدگاه‌های شهید مطهری می‌پردازد. در حقیقت فطرت انسان در مواجهه باتمایلات جنسی، تعدیل شده‌است؛ ولی کفایت نمی‌کند و به پرورش مبتنی بر خِرد، علم و وحی نیاز دارد تا بتواند اطّلاعات خام را به مرحله‌ی تشکیل انگیزه برساند و سپس انجام این وظیفه را عقل عملی به عهده می‌گیرد. در این میدان، عامل تقوا این توانائی را دارد که به عنوان یاری‌کننده‌ای قدرت‌مند، انسان را از محیط گناه‌آلود و شهوت‌انگیز دور کند و حتی برای او مصونیّت ایجاد نماید. همچنین کسی که عقل را راهنمای خود قرار دهد، لذت کوتاه و گذرا را بر لذت ابدی ترجیح نمی‌دهد و با در نظرگرفتن مفاسد و نتایج شهوت‌رانی، از پیروی بی‌قید و شرط تمایلات نفسانی پرهیز می‌کند. خدای متعال غرایز انسانی را برای اهدافی در راستای رشد فردی و اجتماعی او در وجودش نهاده و برای هر یک، رهنمودهایی ارائه نموده‌است که افراط و تفریط یا انحراف از حد تعادل، مانع دستیابی به اهداف خلقت خواهد شد. بنابراین، کسب فضائل اخلاقی و اعتدال در خلقیات ضروری است. مهم‌ترین مرحله مقابله با انحراف جنسی، مرحله سالم‌سازی اندیشه و پرهیز از افکار شهوی است. بنابراین، در این تحقیق به آثار و روش‌های کسب فضائل اخلاقی و تأثیر طبایع و تربیت در اخلاق اشاره می‌شود. زیرا تربیت، اندیشه را به اراده و سپس رفتار تبدیل می‌کند. از این رو به تحلیل جایگاه اراده در سلامت فردی و اجتماعی پرداخته‌می‌شود. حاصل این پژوهش، شناخت ریشه‌های انحرافات جنسی و تبیین چگونگی مواجهه با آن و نیز بررسی یاری‌کننده‌های روحی درعرصه مدیریت سلامت فردی و اجتماعی از منظر قرآن و روایات می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: قرآن،روایات، تمایلات جنسی، تقوا، تعقل.

---

1. s.chegini@cfu.ac.ir

مقدمه

انسان، حقیقت‌یگانه‌ای است که دو مرتبه وجودی دارد. به این معنا کـه دارای دو «مـن» یـا «خود» است؛ یکی سفلی و دیگـری علـوی. در درجـه سـفلی، کـارهـا و صـفات آدمـی دارای خصائص فردی، عادی و مبتذل است و در این مرتبه، آدمی حیوانی است مانند دیگر حیوان ها؛ اما در درجه علوی، واقعیت برتری دارد که مختص به انسان است و بخـش اصـیل تـر و جنبـه ملکوتی اوست. فعل اخلاقی انسان، عقلانی است، یعنی از مبدا عقل سرچشمه گرفته‌اسـت؛ نـه از مبدا شهوت و غضب و واهمه، و ملاک اخلاق، اعتدال یا حد وسط است.

انسان هنگام غلبه عقل، احساس پیروزی و هنگام غلبه شهوت، احساس شکست مـی‌کنـد. این امر به این دلیل است کـه خـود واقعـی‌اش همـان خـود عقلانـی و ارادی اوسـت و جنبـه حیوانی؛ یعنی جنبه سفلی مقدمه‌ای است برای خود واقعی و حقیقی او. آنچـه کـه مـنِ سـفلی دوست داشته‌باشد، فعلی عادی و غیراخلاقی است؛ اما هرگاه من علـوی دوسـت داشـته‌باشـد، فعل اخلاقی و دارای ارزش های عالی است. بنابراین، نیکوکاری، عدالت، عفّـت، خیررسـانی و امثال این‌ها معانیی است همسنخ و متناسب با من علوی انسان. در آموزه‌های اسلامی هر فردی نیاز دارد به عقاید و احکام و اخلاق علم پیدا کند.

استاد شهید مرتضی مطهری در کتاب اخلاق جنسی می نویسند: در زمان حاضـر، سـخن از لزوم برداشتن هر قید و بندی برای آزادی نفس است. طرفداران اخلاق جنسی نـوین، سـعادت بشر را در گرو ارضای تمام خواسته‌های انسان می‌دانند. آن‌ها براین باورند که رغبـت بشـر بـه یک چیز، در اثر اقناع و اشباع، کاهش می‌یابد و در اثر امساک و منع، فزونی مـی‌گیـرد و نتیجـه می‌گیرند برای این‌که بشر را از توجه دائم به امور جنسی و عوارض ناشی از آن منصرف کنـیم، یگانه راه صحیح آن است که هرگونه قید و ممنوعیتی را از جلوی پایش برداریم و به او آزادی بدهیم. می‌گویند: در اروپا تا حدود زیادی عدالت هست؛ اما عواطف بسیار کم است، بـرخلاف مردم مشرق‌زمین. چرا؟ پاسخ این اسـت: ایـن‌گونـه عواطـف در کـانون‌هـای باصـفا و پرمهـر خانوادگی رشد می کند؛ اما در اروپا چنین صمیمیت، وحدت و یگانگی میـان همسـران وجـود ندارد و هر کدام به‌طور نامحدود می‌توانند لااقل از تمتعات نظری و لمسـی در اجتمـاع بـزرگ بهره‌مند شوند.

در جامعه امروز، جوانان به طور محسوسی از ازدواج شانه خالی می کننـد، فرزنـدآوری بـه

امری منفور برای زنان درآمده‌است، زنـان بـه اداره امـر خانـه کمتـر علاقـه نشـان مـی‌دهنـد و هوس‌های سطحی جانشین عشق شده‌است، طلاق افزایش یافتـه و صـمیمیت و وحـدت میـان زوجین کمیاب شده‌است. بنابراین جذابیت‌های اولیه و ظاهری دیدگاه نوین، نباید مـا را فریـب دهد. از سوی دیگر رعایت دستورات اسلام موجب می شود تا ارضای صحیح غریزهٔ جنسـی و کنترل و مدیریت آن ثمرات بسیاری برای فرد و جامعه داشته‌باشد که مهم ترین آن ایجاد انگیزهٔ عشق است؛ اما عشق میان زوجین، مودّت، رحمت و یگـانگی دو روح معاشـر دسـت‌یافتـه بـه وصال است که بر اثر معاشرت دائم و اشتراک در سختی‌ها، راحتی‌ها، خوشی‌ها و ناخوشی‌های زندگی و انطباق‌یافتن روحیهٔ آن‌ها با یکدیگر، پدید می‌آید تا جایی که این صـمیمیت حتـی در دوران پیری که شهوت خاموش است، زوجین را به یکدیگر پیوند می‌دهد.

یکی از مسایل مهمی که انسان ها با آن درگیرنـد، طغیـان غریـزه جنسـی و خـروج از مـرز اعتدال است و در صورت عدم تأمین این نیاز طبیعی، مشـکلاتی بـرای انسـان بـروز و ظهـور خواهدکرد. بنابراین از طرفی با روش های عقلانی و وحیانی به تـأمین ایـن نیـاز طبیعـی اقـدام می‌شود و از طرفی نیز با راهکارهای پیشگیرانه به تعدیل غریزه جنسی پرداخته‌می‌شود.

حدود آزادی تمایلات در آثار شهید مطهری

استاد مرتضی مطهری، در بررسی ارتباط عشق مجازی و حقیقی می پرسـند: آیـا عشـق بـه مفهوم عالی و مفید در محیط های به اصطلاح آزاد، بهتر رشد می‌کنـد یـا در محیطـی بـا عفّـت اجتماعی؟ عشق قابل احترام فلسفی از نوع ناآرامی و کشـش و شـور اسـت ولـی عشـق میـان زوجین به تعبیر قرآن از نوع آرامش و سکون است؛ اما به هر حال هر دو نوع عشق گُل های بـا طراوتی هستند که فقط در اجتماعاتی که بر آن ها عفاف و تقوا حکومت می کنـد، مـی رونـد و می شکفند. بنابراین، مسئلهٔ عفّت تنها برای پاکی نسل در ادامـهٔ تعامـل اجتمـاعی نیسـت؛ بلکـه مسـئله مهـمِ دیگـر، ایجـاد پـاک‌تـرین و صـمیمی‌تـرین عواطـف بـین‌فـردی میـان زوجـین و برقرارساختن یگـانگی و اتحـاد کامـل در کـانون خـانواده اسـت، کـه آثـار آن نیـز بـه جامعـه بازمی گردد. تأمین این هدف وقتی ممکن است که زوجین از هرگونه بهره‌مندی از غیـر همسـر قانونی چشم بپوشند. مرد چشم به زن دیگر نداشته‌باشـد و زن نیـز درصـدد تحریـک و جلـب توجه کسی جز همسر خود نباشد و این‌ها همان دستور حجاب در اسلام است.

استاد مطهری می‌نویسند: آزادی از بـزرگ‌تـرین و عـالی‌تـرین ارزش‌هـای انسـانی و جـزء معنویات انسان است که مافوق حیوانیت اوست (مطهری، انسان کامل، ٤٨). استاد از آزادی بـه عنوان یکی از مقدس‌ترین استعدادهایی که در بشر به ودیعه گذاشته‌شده و آدمی بـه شـدت بـه آن نیازمند است، یاد می‌کند (مطهری، پیرامون جمهوری اسلامی، ۹۱)، و آن را معیـار انسـانیت به شمار می‌آورد. از این دیدگاه، انسان آن اندازه انسان است که هیچ جبـری را تحمّـل نکنـد و محکوم و اسیر هیچ قدرتی نباشد؛ بلکه همه چیـز را خـودش آزادانـه انتخـاب کنـد (مطهـری، گفتارهای معنوی، ۲۳۱).

استاد مطهری، آزادی را به معنای عملی می‌دانند که از خواست و رضایت کامل و تصـویب قوه تمیز انسان سرچشمه می‌گیرد (مطهری، انسان و سرنوشت، ٦٠).

آزادیِ امیال و حیوانیت، مبنای دموکراسیِ غربی است و تکیه صرفِ این نظام بـر خواسـت اکثریت، به عنوان ملاکِ مشروعیت‌بخشی به کلیه خواسته‌ها و امیال مـردم، در حقیقـت ابـزاری برای قانونی کردن امیال حیوانی رها شده، مانند همجنس‌بـازی اسـت کـه بـه حکـم احتـرام بـه دموکراسی و نظر اکثریت، قانونی می‌شود (مطهری، اخلاق جنسـی در اسـلام و جهـان غـرب، ۱۲۲– ۱۱۹).

استاد در نقـد آزادی از دیـدگاه لیبـرال دموکراسـی، خدامـداری را جـایگزین فردگرایـی و انسان‌محوری معرفی می‌کنند و مـی‌نویسـند: در حکومـت اسـلامی، اصـالت فـرد و فردگرایـی لیبرال- دموکراسی نفی می‌شود، گرچه اعتقاد به ارزش والای فرد و حقوق و آزادی های فردی؛ مانند حقّ مالکیت، تأمین جانی و... از جایگاه والایـی در ایـن نظـام برخـوردار اسـت. در ایـن حکومت، ضمن احترام به حقوق فردی و جمعی، این باور وجود دارد که فرد همیشه قـادر بـه تشخیص عقلائی مصالح خود نیست و نزول شرایع الهی و پیامبران، در حقیقت برای مساعدت انسان‌ها و جوامع صورت گرفته‌است تا در انتخاب راه درست، یاری‌گر افـراد باشـد. ایشـان بـا دفاع مستدل از اصل حجاب، آن را وظیفه زنان و در جهت رعایت پاره‌ای از مصالح اجتمـاعی؛ مانند ایجاد آرامش اجتمـاعی و تعـادل اخلاقـی و مطـابق بـا حیثیـت و کرامـت انسـانی زنـان دانسته‌اند و ترادف آن با محبوس ساختن و اسیرکردن زنان را بی‌معنی می‌دانند (مطهری، مسـأله حجاب، ۱۰۱).

در واقع، انسانی که در جایگاه خلیفه الهی به وظایف و مسئولیت های خود عمل کند، دارای

کرامت خواهدبود، در غیر این‌صورت به جایگاه بهائم سقوط خواهدکرد. بنابراین، همهٔ انسان‌ها در هر شرایطی که باشند دارای کرامت نیستند.

منشأ بسیاری از آزادی عقاید مانند گاوپرستی و بت‌پرستی، یک سلسله عادت‌ها، تقلیدها و تعصّب‌ها است و سبب اسارت قوّه مقدّس تفکر است. چنین آزادی عقیده‌ای، زیانبارترین اثرات را برای فرد و جامعه در پی دارد (مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، ۸) بنابراین، به هر گونه عقیده‌ای نباید احترام گذاشت و در نتیجه نظام سیاسی باید با عقاید باطل در جهت تمهید آزادی واقعی و متعالی و مبتنی بر تفکر و استدلال مبارزه کند. چنان که حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) به بت و عقاید بت‌پرستی احترام نگذاشتند و بت‌ها را فرو ریختند و پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم) هم با تأسّی به این سیره، به بت‌شکنی در خانه کعبه پرداختند و همچون ابراهیم، مردم را به توحید فرا خواندند (مطهری، جهاد، ۵۵– ٥٤؛ سیری در سیره نبوی، ۲۵۱– ۲٤۹).

بنابراین، نفی عقاید مُضرّ و نه عقاید ادیان ابراهیمی و عقاید مستدل، منافاتی با آزادی و حقوق بشر ندارد (مطهری، آشنایی با قرآن، ۲۲۸/۳ – ۲۲۰).

شهید مطهری، حاکم را در برابر خدا مسئول می‌دانند. به‌این‌ترتیب، ولیّ فقیه و مسئولان جامعهٔ اسلامی باید پاسخگوی مردم باشند و مردم نیز ملزم به استیفای حقوق اجتماعی خود هستند (مطهری، نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، ٢٦).

استاد شهید اذعان دارند؛ رعایت تقوا سبب مصونیت است و نه محدودیت و آن را عامل موافق و زمینه‌ساز کسب آزادی می‌دانند و معتقدند که قابل اصلاح دانستن انسان در صورتی مفهوم دارد که طبیعت انسان را شریر ندانیم. ایشان بر این باورند که در صورتی می‌توان نظریه اصلاح را پذیرفت که اولاً، طبیعت بشر را شریر ندانیم و ثانیاً، برای بشر آزادی و اختیار قائل شویم که بتواند بر اوضاع اجتماعی خویش مسلط شود و خود و جامعه‌اش را هر طور که می‌خواهد بسازد (مطهری، حق و باطل، ۲۷ ـ ٢٦).

استاد با استناد به حکمت ۲۳۷ نهج‌البلاغه، تبیین می‌کنند که انسانِ حُرّ و آزاده در منطق علی (علیه‌السلام)، حتی از رقیّت بهشت و جهنم هم آزاد است. عبادت می‌کند؛ نه مانند بندگان از ترس خدا، و نه به طمع بهشت همانند بازرگانان؛ بلکه عبادت او جهت سپاس و شکرگزاری است و این عبادت اَحرار و آزادگان است. چنان‌که مولای متقیان علی (علیه‌السلام) در

وصیت‌نامه خود به امام حسن (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «و أكْرِم نفسكَ عن كلّ دَنِيَّة و إن ساقَتْكَ إلي الرَّغائب فانَك لَنْ تعتاضَ بما تَبْذُلُ مِنْ نَفْسِكَ عِوَضَا: و جان و روان خودت را گرامی بدار و از هر کار پَست و از هر دنائت خود را محترم بدار» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱).

استاد شهید، با استناد به نهج‌البلاغه، تقوا را نیروی مقدس و روحی می‌دانند که منشأ کشش به سوی ارزش‌های معنوی و گریز از پستی ها و آلودگی های مادی است. تقوا، حالتی است که به روح انسان شخصیت و قدرت می‌دهد و آدمی را مسلّط بر خویشتن و مالک خود می‌نماید. در نهج‌البلاغه بر این معنی تأکید شده که تقوا حفاظ و پناهگاه است نه زنجیر و زندان و محدودیت. به باور استاد بسیارند کسانی که میان مصونیت و محدودیت فرق نمی‌نهند و با نام آزادی و رهایی از قید و بند، به خرابی حصار تقوا فتوا می‌دهند. قدر مشترک پناهگاه و زندان، «مانعیت» است؛ اما زندان، مانع بهره‌برداری از موهبت ها و استعدادهاست؛ اما، تقوا، نه تنها خود قید و مانع آزادی نیست؛ بلکه به انسان آزادی می‌دهد و او را از اسارت و بندگی هوا و هوس آزاد می‌کند و رشته آز و طمع، حسد، شهوت و خشم را از گردنش برمی‌دارد و به این ترتیب ریشه رقیّت‌ها و بردگی‌های اجتماعی را از بین می‌برد؛ زیرا مردمی که بنده و برده پول و مقام و راحت‌طلبی نباشند، هرگز زیر بار اسارت ها و رقیّتهای اجتماعی نمی‌روند (مطهری، سیری در نهج‌البلاغه، ۲۰۸ ـ ۲۰۶).

بنابراین، عدالت با آزادی متعارض نیست و مدنی بالطبع بودن انسان به معنای زندگی اجتماعی غریزی و جبری او نیست؛ بلکه منظور، زندگی اجتماعی و قراردادی و انتخابی انسان ها است که در پرتو آن استعدادها و قابلیت‌های افراد با عقلانیت، اختیار و آزادی آن‌ها فعلیت می‌یابد. نکته مهم آن است که نوع خدمت اجتماعی افراد و جایگاه آن‌ها به شکل غریزی و طبیعی و از پیش تعیین شده نیست و بستگی تام به عملکرد و تلاش و اختیار افراد در میدان وسیع عمل و مسابقه اجتماعی دارد تا هر کس متناسب با ذوق و استعداد و لیاقت و فعالیت خویش، مقام، شغل و کاری را جهت فعلیّت‌بخشیدن به استعدادهایش انتخاب کند (مطهری، بیست گفتار، ۱۰۰ – ۸۸)

البته گاهی ممکن است میان آزادی و عدالت، تعارض‌هایی پیش آید. در چنین حالتی، أولاً، عدالت را باید ارزشی مافوق ارزش آزادی تلقّی کرد و ثانیاً، منافع جامعه را بر منافع افراد مقدم دانست (مطهری، فلسفه اخلاق، ۲٦۷).

استاد بر اثبات عدم امکان اجبار در بعضی امور؛ مانند توحید، آزادگی، تربیت، ایمان و محبّت در اسلام تأکید می‌ورزند و بنا به آیات الهی، انسان را حتی در انتخاب راه حق و باطل، مختار و نه مجبور به شمار می‌آورند (مطهری، جهاد، ۵۰ ـ ٤٧).

حقیقت وجودی انسان

قانون اخلاقی در فطرت و طبیعت ما وجود دارد و تعدیل شده است؛ ولی به خودی خود و به تنهائی کافی نیست؛ بلکه پرورش و هدایت آن همراه با علم و معرفت ضروری می باشد. «وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّئَهَا* فَأَلْهَمَهَا فجُورَهَا وَ تَقْوَئَهَا: و قسم به جان آدمی و آن کس که آن را (آفریده و) منظّم ساخته، سپس فجور و تقوا (شرّ و خیرش) را به او الهام کرده است» (شمس، ۷ و ۸). الهامِ فجور و تقوا، همان عقل عملی است، که از نتایج تسویه نفس است (ترجمه تفسیرالمیزان، ۵۰۰/۲۰).

به تعبیر شهید مطهری در سایه تقوای الهی است که می توان از هیجان‌های بی جا و احساس محرومیت‌هایی که از این هیجان‌ها پدید می‌آید جلوگیری کرد. انسان باید حد و مرز غرایز را نگه دارد و نباید به بهانه پرورش غریزه جنسی، سایر غرایز و قوا و استعدادهای خود را نادیده بگیرد. در حوزهٔ غرایز انسان، دو نوع میل ممکن است پدید آید: امیال صادق و امیال کاذب. حالات طبیعی غرایز و امیال را می توان اشباع کرد؛ اما حالات کاذب آن‌ها را نمی توان ارضا نمود. اشتباه فروید و فرویدیسم این بود که برای جلوگیری از سرکوبی غریزه جنسی، آزادی بی‌حدّ و حصر جنسی را پیشنهاد دادند. غافل از این‌که بی‌نهایت‌خواهی نیز یکی از امیال و خواسته‌های فطری انسان است. اگر انسان در همه زمینه‌ها ظرفیت محدود و پایان‌پذیری داشت، هرگز نیازی به مقررات سیاسی، اقتصادی، جنسی و اخلاقی پیدا نمی کرد. استاد مطهری می‌گویند: فروید و اتباع وی مدعی هستند که اخلاق کهن را در امور جنسی باید واژگون کرد و اخلاق جدیدی را جانشین آن نمود، زیرا اخلاق جنسی کهن، براساس محدودیت و ممنوعیت است که در ضمیر باطن بشر جایگزین شده است (مطهری، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، ۲۳).

خدای سبحان فرموده است: «وَ الَّذِينَ جَاهَدُواْ فِينَا لَنهْدِيَنهَّمْ سُبُلَنَا وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ: و آن‌ها که در راه ما (با خلوص نیّت) جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود، هدایتشان خواهیم‌کرد و

خداوند با نیکوکاران است (عنکبوت، ٦٩). کلمه» جاهدوا «از ماده» جهد «است و» جهد «به معنای وسع و طاقت است و» مجاهدهٔ «به معنای به کاربردن آخرین حدّ وسع و قدرت در دفع دشمن است و جهاد بر سه قسم است: جهاد با دشمن ظاهری و جهاد با شیطان، و جهاد نفس. معنای» جاهَدُوا فِینا «: کنایه از این است که جهادشان در اموری است که متعلق به خدای تعالی است، چه جهاد در راه عقیده باشد، و چه در راه عمل، و چون جهادشان در راه خدا است هیچ عاملی ایشان را از ایمان به خدا و اطاعت اوامر و نواحی او بازنمی‌دارد. خدای تعالی برای خود سبیل‌هایی نشان می‌دهد، و راه‌ها هر چه باشد بالاخره به درگاه او منتهی می‌شود، برای این که راه را برای این راه می‌گویند که به سوی صاحب راه منتهی می‌شود (ترجمه تفسیرالمیزان، ١٦/ ٢٢٩ –٢٢٧). در الدرالمنثور است که ابن‌ابی‌الدنیا، و بیهقی، در شعب‌الایمان، از ابی‌جعفر روایت کرده که گفت: رسول‌خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم) فرمودند: تعجب تمام تعجب از کسی است که خانه حیات را تصدیق دارد، ولی همه سعی و کوشش او برای خانه غرور است (الدرالمنثور، ٥/ ١٤٩).

نتایج کسب فضائل اخلاقی

بر هر خردمندی واجب است که در اکتساب فضائل اخلاقی که حدّ وسط و اعتدال در خوی‌ها و صفات است و از جانب شریعت اسلام به ما رسیده‌است کوشا باشد و از رذائل که افراط و تفریط است اجتناب کند، زیرا کوتاهی و تقصیر در این راه، گرفتاری و هلاکت در پی دارد، همان گونه که اگر آدمی از اطاعت قانون خلقت و فرشته واسطه در آفرینش خود سرباز زند به خلقت تمام و کامل و شنوا و بینا و گویا به دنیا نخواهدآمد، فردی نیز که از اطاعت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم) و احکامی که واسطه در آفرینش است سرپیچی کند، سالم و کامل به عالم آخرت وارد نخواهدشد.» وَ مَن کاَنَ فیِ هَذِهِ أعْمَی فَهُوَ فیِ الأخِرَةِ أعْمَی وَ أضَلُّ سَبیلًا: اما کسی که در این جهان (از دیدن چهره حق) نابینا بوده است، در آخرت نیز نابینا و گمراه تر است «(اسراء، ٧٢). مانند کسی که بر عبادات و طاعات ظاهری مواظبت دارد؛ اما به قلب و درون خود بی توجه است. اخلاق ناپسند مانند حجابی، انسان را از معارف الهی و فیض های قدسی باز می‌دارند. زیرا رذائل اخلاقی به منزله پوششی برای نفوس‌اند که اگر برطرف نشوند حال روحانی و معنوی برای انسان رخ نمی‌دهد. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم)

فرمودند:» لولا انّ الشّیاطین یحومون علی قلوب بنی آدم، لنظروا الی ملکوت السّموات و الارض: اگر نبود که شیاطین اطراف دل‌های بنی‌آدم را گرفته و احاطه کرده‌اند، هر آینه همهٔ مردمان ملکوت آسمان‌ها و زمین را می‌دیدند «(بحارالانوار، ۵۹/ ۱۶۳ و ۶۳/ ۳۳۲).

و نیز فرمودند:« اِنَّ لِرَبِّکُمْ فِی أیّامِ دَهْرِکُمْ نَفَحاتٌ ألا فَتَعَرّضُوا لها: همانا در طول عمر شما، نسیم‌های الهی وزیدن می‌گیرد، پس بیدار باشید و خود را در معرض این نسیم‌ها قرار دهید»(بحارالانوار، ۷/ ۲۲۱).

روی‌آوردن به نفحات و فیضهای معنوی و بهره‌گرفتن از آن‌ها با پاک‌ساختن دل‌ها از آلودگی های حاصل از اخلاق رذیله تحقق می‌یابد و موجب صفا و روشنی قلب است و در نتیجه او را برای فیض های علم یقینی مستعد می‌سازد. خدا هر که را بخواهد هدایت می کند؛ ولی خواست خداوند بر اساس اختیار انسان است؛ زیرا زمینه و وسیله هدایت را خود ما با ایمان باید فراهم سازیم.

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم) فرمودند:» بُنِیَ الدّینُ عَلَی النّظَافَة: دین بر نظافت استوار شده‌است «(محجةالبیضاء، ۱/ ۲۸۱) . این حدیث به برطرف‌کردن هر دو ناپاکی دلالت دارد و در حدیث» الطُّهُورُ نِصْفُ الإیمَان: پاکیزگی نیمی از ایمان است «(مستدرک الوسائل، ۱/ ۳۵۷). مراد طهارت باطن از اخلاق زشت و ناشایسته و غیرانسانی است و منظور از نیم دیگر ایمان، آراستن باطن به صفات شریف و انسانی و آبادساختن آن به انجام وظایف و طاعات است.

هر سخن و عملی اثری در نفس انسان دارد و چون تکرار شد تثبیت می‌شود و ملکه و صفت ریشه‌دار می‌گردد. مثل زغالی که در کنار آتش قرار گیرد ابتدا گرمای اندکی در آن ایجاد می‌شود و چون حرارت شدید شود، آتش می‌گیرد و روشن می‌شود، سپس صورت و حقیقت آتش به خود می‌گیرد و آنچه را در کنارش باشد می‌سوزاند. ویژگی های نفسانی نیز وقتی قوت گیرد به صورت خوی ها و ملکات درمی‌آید. بنابراین نفوس انسانی در آغاز خلقت مانند صفحه‌های خالی از نقش ها و صورتهاست که هر خُلقی را به آسانی می‌پذیرد و هنگامی که هر اخلاقی در آن ریشه‌دار و محکم گردید، قبول ضد آن دشوار می‌شود، از این رو تعلیم و تربیت کودکان و نقش‌بستن هر صورت و صفتی در نفس آن‌ها آسان است؛ ولی تعلیم بزرگسالان و بازگردانیدن آنان از صفاتی که پیدا کرده‌اند، به سبب استحکام و استواری آن ها بسیار دشوار است.

تأثیر طبایع در اخلاق

گاهی اعتدال قوا طوری فطری است که قوه عاقله بر دو قوه شهوت و خشم تسلط دارد. گاهی تجاوز قوا از حد وسط چنان است که عقل را ناقص و صفات فرد را پست می‌گرداند و قوه عاقلهٔ وی تحت‌سلطه شهوت و خشم قرار می‌گیرد. اما خوی های زشت را می‌توان با معالجاتی که در علم اخلاق مقرر شده‌است برطرف ساخت. بنابراین در برطرف کردن نقائص و تحصیل فضائل باید سعی و کوشش کرد. اما مردمی در بازگرداندن بهبود جسمانی که از میان رفتنی است سعی می‌کنند؛ ولی در تحصیل صحّتِ روح که پایدار است، نمی‌کوشند، قول طبیب را در آشامیدن داروهای ممنوع برای بهبود خود اطاعت می‌کنند؛ ولی دستور طبیب الهی را برای تحصیل سعادت دائم پیروی نمی‌کنند.

انسان اگر رحمت ازلی شامل حالش شود و همت خود را صرف رفع نقائص و اکتساب فضائل کند همواره به مرتبه بالاتر کمال می‌رود و به جوار قرب پروردگار متعال و بهجت حقیقی واصل می‌شود که همانند آن را هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و به قلب بشری خطور نکرده است: در قیامت، برای مؤمنان سحرخیز پاداش‌هایی ظاهر خواهدشد که احَدی بر آن آگاه نیست و گاهی چند صد برابر: «فِي كُلِّ سُنْبُلَة مِائَةُ حَبَّة » (بقره، ٢٦١) و گاهی فوق تصوّر است: «فَلا تَعْلَمُ نَفْسٌ ما أُخْفِيَ لَهُمْ» (سجده، ۱۷)، احدی نمی‌داند که چه لذائذ و کامیابی‌هایی برای اهل‌بهشت، ذخیره و مخفی شده‌است. ضرر و زیان‌ها نیز دارای مراحل و تفاوت‌هایی است: دل کندن از خواب و ثواب نماز در دل شب را کسی جز خدا نمی‌داند. «فَلا تَعْلَمُ نَفْسٌ ما أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّة أَعْيُن جَزاءً بِما كانُوا يَعْمَلُونَ: کسی نمی‌داند که به پاداشِ آن عمل‌ها که کرده‌اند چه مسرّت‌ها برایشان نهان کرده‌اند» (سجده، ۱۷).

برخی دیدگاه‌ها پنداشته‌اند تنها راه آرام کردن غرایز، ارضا و اشباع بی‌حدوحصر غرایز است. آن‌ها یک طرف قضیه را دیده‌اند؛ ولی توجه نکرده‌اند که رهاکردن و تسلیم‌شدن و در معرض تحریکات و تهییجات درآوردن غریزه، آن را دیوانه می‌سازد، چون امکان ندارد که خواسته‌های بی‌پایان حتی یک فرد برآورده شود، بنابراین، غریزه بدتر سرکوب می‌شود و عقده روحی به وجود می‌آید (مطهری، مسئله حجاب، ١٠٤ ـ١٠٣).

تاثیر تربیت در اخلاق

«خُلق»، عبارت است از ویژگی نفسانی که باعث صدور افعال به آسانی و بدون نیاز به

تفّکر و تأمّل است و» ملکه «، حالت و کیفیتی نفسانی است که بـه کنـدی زوال مـی‌پـذیرد. در مقابل، «حال»، کیفیتی نفسانی است که به سرعت از میان می‌رود. افراد بَد با مصـاحبت نیکـان، نیک می‌شوند و نیکان با مجالست بدان بد می‌شوند. همچنین می‌بینیم که تأدیـب در رهـایی از اخلاق بد تأثیر دارد و اگر این امر ممکن نبود، قوه تفکر و ارسال رُسل بیهوده و بی‌فایده بودند.

همچنین به دلیل قول خدای سبحان که: «قَد أفلَحَ مَن زَکّاها: هر که نفس خویش تزکیه کرد رستگار شد» (شمس/۹)، اخلاق قابل تبدیل است. حتی خلق چهارپایان تغییرپذیر اسـت، زیـرا حیوان وحشی، اهلی می‌شود، اسب سرکش رام می‌گردد و سگ از حمله‌کردن به نگهبانی‌کـردن دگرگون می‌شود. پس چرا تحول و تغییر در انسان امکان‌پذیر نباشد. منظور از تغییر این نیسـت که مثلاً خشم و شهوت به کلی از میان برود، زیرا خشـم بـرای فایـده‌ای ضـروری در طبیعـت انسان آفریده‌شده و اگر ریشه‌کن شود انسان در مقابل آنچه او را هلاک مـی‌کنـد از خـود دفـاع نخواهدکرد و از جهاد با کفّار امتناع خواهدنمود. اگر میـل و اشـتهای خـوراک از او زائـل‌شـود زنده نمی‌ماند و اگر تمایل جنسی از او برداشته‌شود نسـل منقطـع خواهـد شـد؛ بلکـه منظـور، برگرداندن آن‌ها از افراط و تفریط به حد اعتدال است.

آسان‌ترین موقع برای پذیرش هر خُلقی، کودکی است، زیرا نفس اطفال از زمینه‌های متضادِ مانعِ پذیرش، خالی است. پس بر پدران واجب است که فرزندان خود را به آداب نیکو تربیـت کنند و آنان را از ارتکاب اعمال زشت‌بازدارند تا این‌که نفوسشان به ترک رذائل و پـرداختن بـه فضائل عادت کند. نخستین تأدیب کننده قانون و سنّت الهی است، سپس صاحبان افکار نیرومند که صالح و دارای معارف حقه باشند، قرار دارند. به این ترتیب، واجب است کسانی کـه مـورد تربیت‌اند؛ اولاً به احکام و مواعظ آگاهی پیدا کنند و ثانیاً به قوانین و سنن الهی پایبند باشـند و به تقویت اراده خود بپردازند.

استاد مطهری می گویند: برای آرامـش دو چیـز لازم اسـت: یکـی، ارضـای غریـزه در حـد حاجت طبیعی و دیگری، جلوگیری از تهییج و تحریک آن. فرویـد نیـز کـه حـامی سرسـخت آزادی غریزه جنسی بود، متوجه شد که خطا رفته است. لذا پیشنهاد کرد که باید غرایـز را از راه خاصّ خودش به مسیر دیگری منحرف کرد و به مسائل علمی و هنـری نظیـر نقاشـی و غیـره منعطف ساخت (مطهری، مسئله حجاب، ۱۰۵– ۱۰٤).

امام علی (علیه السلام) می فرمایند: «مَـن تَـسَرّعَ اِلَـی الشّـهَـواتِ تَـسَرّعَ اِلَـیهِ الآفاتُ: آنکـه

در شهوات تندروی کند آفات و بلایا نیز بـه سـرعت بـه سـوی او مـی شـتابد» (غـررالحکم و دررالکلم، ۵/ ۳۲۷).

تحلیل جایگاه اراده در سلامت فردی و اجتماعی

پرورش، اندیشه را به انگیزه تبدیل می‌کند تا به مرحلهٔ عمل برساند. هـدایت‌کننـدهٔ اعمـال، انگیزه است نه اندیشه. اندیشه آن سواد خام را به مرحلهٔ تشکیل انگیـزه مـی رسـاند. آنجـا کـه سخن از اراده، محبت، نیّت، خلوص و مانند آن است، آن را عقل عملی به عهده مـی‌گیـرد کـه مسئول آن انگیزه است و آنجا که سخن از حس، تجربه و خیال و وهم و استدلال اسـت، آن را اندیشه به عهده می‌گیرد. جامعه به همان اندازه که به اندیشه و علم نیاز دارد به انگیزه، تصمیم، اراده، و عمل نیازمند است؛ بلکه بیشتر. عقل به منزله قـوه و نیـروی درونـی اسـت کـه مبنـای تشخیص، تعقل، تدبر، تفکر، ابزار و وسیله تشخیص مبداء و اساس تمـامی امـور بشـر اسـت. نفوذ اراده و رسیدن به مقصود درعالم ماده نیازمند یک سلسله اسباب و عوامـل طبیعـی و یـک سلسله عوامل روحی و نفسانی است. هنگامی که انسـان وارد میـدان مـی‌شـود و کلیـه عوامـل طبیعی مورد نیاز را آماده می‌کند، تنها چیزی که میان او و هدفش فاصله می‌اندازد، سسـتی اراده است. بنابراین باید عواملی که سبب ضعف اراده می شود را شناخت و مـانع نفـوذ آن بـر علیـه تصمیمات عقلائی شد. عواملی مانند نگاه شهوت‌آمیز، تخیّلات تحریک‌کننده، دیدن فـیلم‌هـا و عکس‌های مبتذل، غریزه جنسی را برمی‌انگیـزد و بـا کاسـتن از قـوت ارادهٔ معطـوف بـه عـزم عقلائی، به سوی انحراف جنسی سوق می‌دهد، زیرا زمینهٔ گناه را فراهم می‌کند. حضرت مسیح (علیه‌السلام) فرموده‌اند: «اِیّاکُم وَ النّظرَةَ فَانّها تَزرَع في القَلبِ الشَهوَة: از نگاه به نامحرم اجتناب کن که نگاه، شهوت را در قلب به وجود می‌آورد » (تحف‌العقول، ۳۰۵).

امام علی (علیه‌السلام) قلب را که مرکز ادراکات است، کتـاب و نامـه چشـم مـی‌خواننـد و می‌فرمایند: «اَلْقَلْبُ مُصْحَفُ الْبَصَرِ: دل، کتاب چشم است» (نهج البلاغه، قصار ٤٠٩). بنابراین:

لازم است هنگام اقدام به هر عمل برانگیزانندهٔ شهوت که به مقتضای جامعه از فـرد صـادر می‌شود مانند استفاده از برنامه‌های رسانه‌ای مستهجن، تفکر و تأمل کند تا کاری از روی غفلت و برخلاف آنچه مقتضای فضیلت است از او سرنزند، و اگر احیاناً سر زد نفـس خـویش را بـه انجام ضد آن تنبیه و تأدیب کند، چنان‌که وقتی می‌خواهد غذائی مضّر بخورد بایـد خـود را بـه

روزه ادب کند.

سعی و کوشش در تحصیل اخلاق ستوده را از دست ندهد، هر چند در این طریق به مقام والایی رسیده‌باشد. زیرا تعطیل و بطالت به تنبلی می‌انجامد و این حالت موجب قطع فیض‌های الهی خواهد شد، در نتیجه صورت انسانی دگرگون می‌شود. سعی و مجاهده، موجب افزایش صفای نفس انسان و اُنس به حق و صدق خواهد شد و از رهاکردن قوای شهوانی و جنسی متنفر می‌شود و در مدارج کمالات و مراتب سعادات بالا خواهدرفت تا هنگامی که اسرار الهی بر او منکشف شود.

از دیدن و شنیدن و تخیل آنچه شهوت را برمی‌انگیزد بپرهیزد، و کسی که این قوه را تهییج کند گویی سگ هار یا اسب سرکشی را برانگیخته، و آنگاه برای رهائی، چاره‌جوئی کند. قوای جنسی مادامی که تحریک نشده‌است از بی‌آزارترین قوا است و خواسته‌ای به فرد تحمیل نمی‌کند؛ ولی برخی نیازها مانند تمایل به خواب، تحت کنترل دائمی انسان قرار ندارد و هنگام خستگی با تمام قوا به انسان حمله می‌کند.

کسی که خواستار سلامت روح است باید از دوست با ایمان خود بخواهد که از عیوب او تفحّص کند و به آنچه آگاه شد وی را باخبر سازد و چون از عیب خود اطلاع یافت باید از این آگاهی خشنود شود و به برطرف کردن آن بپردازد و بداند که گوشزد کردن عیوب وی از هر چه دوست دارد بهتر است. البته، دشمن در این زمینه سودمند تر از دوست است، زیرا دوست غالباً عیب را می‌پوشاند؛ ولی دشمن در آشکار کردن آن اصرار می‌ورزد، و چون دشمنان عیوب وی را آشکار ساختند باید خدا را سپاس گزارد و به دفع آن عیوب مبادرت نماید.

لازم است در پایان هر روز و شب از خود حساب بکشد و اگر کار نکوهیده‌ای از او صادر شده خود را مورد سرزنش قرار دهد و توبه کند.

شناخت ریشهٔ انحرافات جنسی و تبیین چگونگی مواجهه با آن از دیدگاه قرآن و روایات

از نظر اسلام علاقه جنسی نه تنها با معنویت و روحانیت منافات ندارد؛ بلکه جزء خوی و خلق انبیاست. رسول‌اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم) و ائمه اطهار (علیه‌السلام) طبق روایات، محبت و علاقه خود را به زن در کمال صراحت اظهار می‌کرده‌اند و برعکس، روش کسانی را

که میل به رهبانیت پیدا می‌کردند، سخت تقبیح می‌نمودند (مطهری، مجموعه آثار، ٦٢٧/١٩). اسلام برای مقابله با انحرافات جنسی، در دو بخش پیش‌گیری و درمان، راه‌کارهای عملی ارائه کرده‌است:

۱) ریشه بسیاری از انحرافات جنسی را باید در زمینهٔ نامساعد محیط خانواده و شرایط زندگی افراد جست‌وجو کرد. مراعات نکردن اصل مهم حیا و طرز لباس پوشیدن و به کارگیری الفاظ و کلماتی که دربرگیرنده مسائل و مناسبات جنسی هستند، تماس بدنی با کودکان و نوازش های غیراصولی و عدم‌کنترل بر روابط کودکان، به انگیزه جنسی فرزندان دامن می‌زند و زمینه انحراف جنسی در دوران بلوغ را فراهم می‌کند. محدودکردن تماس بدنی با کودکان، از برانگیختن هیجان جنسی جلوگیری می کند. از این رو توصیه شده است مرد نامحرم یا پسربچه، دختربچه شش ساله را نبوسد و او را در بغل نگیرد و زن نامحرم پسربچه بزرگ تر از هفت‌سال را نبوسد (وسائل‌الشیعه، ١٧٠/١٤)، و در روایت آمده‌است والدین، لب‌های فرزند خود را، جز در سنین خردسالگی نبوسند (اصول‌کافی، ٢٦٨/٣).

خانواده‌هایی که به علت برخی نابسامانی‌ها از قبیل؛ اختلاف و ناسازگاری میان والدین، ازهم پاشیدگی خانواده، بدرفتاری با فرزندان و امثال آن ها به اضطراب روحی فرزندان دامن می‌زنند، آنان را بیشتر در معرض انحراف جنسی قرار می‌دهند (محمدعلی سادات، راهنمای پدران و مادران، ۹۳/۱).

۲) یکی از عوامل مهم تأثیرگذار در انحرافات جنسی جوانان، دوستی های نامناسب است. از آنجا که پیوستن به گروه همسالان برای نوجوان بسیار مهم است و براساس نیاز اجتماعی انجام می‌گیرد، نمی‌توان نقش دوستان را در شکل‌گیری شخصیت و نوع رفتار جوان نادیده گرفت. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «لاتصحب الشریر فانّ طبعک یسرق من طبعه شراً وانت لاتعلم: از معاشرت با مردم فاسد بپرهیز، زیرا طبیعت ناخودآگاه تو انحراف و ناپاکی را از طبع آن‌ها سرقت می‌کند» (ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ۲۷۲/۲۰).

تحقیقات نشان می‌دهند نوجوانان، اولین گام‌های انحراف جنسی را از طریق دوستان ناباب برداشته سپس در سراشیبی سقوط قرار گرفته‌اند (محمدعلی سادات، همان، ۹۹).

امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «من یصحب صاحب السوء لایسلم: آنکه با دوست ناباب مصاحبت کند، سلامت نمی‌ماند » (بحارالانوار، ٢١٦/٧٥).

۳) بهترین روش برای کنترل غریزه جنسی، پیش گیری از لجام گسیختگی نفس است. برای غلبه بر غریزه جنسی، جوان باید از ابتدای بلوغ، خواسته‌های نفسانی خویش را با نیروی ایمان و عقل مهار کند، زیرا اگر به غرایز لجام زده نشود، انحراف جنسی به صورت عادت درمی آید و در این صورت، درمان مشکل خواهدشد. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «غالِبِ الشَّهوَةَ قَبلَ قُوَّةِ ضَراوَتها؛ فإنّ ها إن قَوِیَت مَلَکَتْكَ واستَقادَتْكَ ولَم تَقدِرْ علی مُقاوَمَتها: بر شهوت خویش مسلط شو، پیش از آنکه قدرت تجرّی یابد که اگر شهوتت، نیرومند گردد مالک تو می شود و به هرسو که بخواهد تو را می کشاند؛ در حالی که تاب مقاومت نخواهی داشت «(غررالحکم و دررالکلم، ۳۹۲/٤).

٤) آموزه های اسلام به منظور اصلاح فرد و اجتماع، بر پیش گیری از وقوع گناه تأکید می کند تا زمینه انحراف فراهم نشود. مانند؛ طرد افکار شیطانی که برای پیش گیری از انحراف جنسی، باید اندیشه را از نفوذ افکار شیطانی دور نگه داشت، زیرا گام نخست در انحراف، فکر کردن پیرامون آن است. امام علی (علیه السلام) می فرمایند: «مَن کَثُر فِکرهُ فِی المَعاصی دَعَتهُ اِلَی ها: کسی که در اطراف گناه بسیار بیندیشد سرانجام به آن گناه کشیده خواهدشد » (غررالحکم و دررالکلم، ۳۲۱/۵).

امام صادق (علیه‌السلام) از حضرت مسیح (علیه‌السلام) روایت کرده‌اندکه فرمودند: موسی‌بن‌عمران به شما امر کرد که زنا نکنید و من به شما امر می‌کنم که فکر زنا را در خاطر نیاورید، زیرا آنکه فکر زنا کند مانند کسی است که در عمارت زیبا و مزیّنی آتش روشن کند، دودهای تیره آتش زیبایی های عمارت را خراب می کند اگرچه عمارت آتش نگیرد (وسائل‌الشیعه، ۲٤۰/۱٤).

۵) تمایلات جنسی در خلوت و به ویژه هنگام خواب در بستر زمینه بیشتری برای بروز دارد. بیدارماندن در بستر ممکن است زمینه‌ساز برخی انحرافات شود. از این رو به جوانان توصیه می‌شود زمانی وارد بستر شوند که به حدّ کافی خسته‌شده و آماده خواب باشند تا بدون فاصله و معطّلی به استراحت بپردازند و فرصت اندیشیدن درباره امور جنسی پیدا نکنند.

٦) یکی از عوامل پیدایش افکار شهوی، بیکاری و تنهایی است. برای غلبه بر این افکار، لازم است جوانان اوقات فراغت خود را با برنامه ریزی دقیق و حساب شده مانند؛ تفریح سالم، ورزش، نقاشی، مطالعه و غیره تنظیم کنند که بیکار نمانند. اشتغالات فکری، اثر عمیقی در

انصراف فکر از عادات ناپسند و انحرافات جنسی دارد. خصوصاً ورزش و سرگرمی های هنری سبب اشتغال روح و کاهش طغیان غریزهٔ جنسی جوانان می‌شود.

۷) نگاه، هادی روح و روان است. برای مهار غریزه جنسی باید از دیدن هر آنچه کـه میـل جنسی را تحریک می‌کند، خودداری کرد و در صورت پیش‌آمدن چنین صحنه‌هایی، نگاه خـود را از ادامه بازداشت. خالق انسان در قرآن عظیم، موضوع غضّ بصر و کنتـرل چشـم را مطـرح کرده و خطاب به مؤمنان می فرماید: « قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِـنْ أَبْصـارِهِمْ وَ يَحْفَظُـوا فُـرُوجَهُمْ ذلِكَ أَزْكى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبيرٌ بِما يَصْنَعُونَ: به مؤمنان بگو چشم‌های خـود را فروگیرنـد و دامـان خود را حفظ کنند» (نور، ۳۰).

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نیز راه تعدیل غریزه جنسی را کنترل چشم، ذکـر مـی کننـد و می فرمایند: « نِعْمَ صَارِفُ الشَّهَوَاتِ غَضُّ الْأَبْصَارِ: بهترین عامل روی گردانی از شـهوات، کنتـرل چشم ها است» (غررالحکم و دررالکلم، ٦، ص١٦٤). با به کارگیری این دسـتور الهـی، شـیطان برای اغواگری سلاحی نخواهدداشت.

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: «النَّظْرَةُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ مَنْ تَرَكَهَا لِلَّهِ عَـزَّ وَ جَلَّ لَا لِغَيْرِهِ أَعْقَبَهُ اللَّهُ إِيمَانا يَجِدُ... كَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَة: نگـاه بـه نـامحرم تیـر زهرآلود شیطان است. چه بسیارند نگاه‌هایی که بعدها حسرت و تأسف طولانی به دنبـال دارد» (وسائل‌الشیعه، ١٤/١٣٨).

۸) وجود حریم میان زن و مرد، از جمله تمهیداتی است که دین اسلام برای تحقق سلامتی فردی و اجتماعی اندیشیده‌است که پرهیز از دست‌دادن زنان و مردان، اجتناب از خلـوت زن و مـرد نـامحرم برخـی از مصـادیق آن اسـت. خداونـد در قـرآن بـه همسـران پیـامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم) درباره گفت‌وگو با نامحرم توصیه خاصّی دارد و می‌فرماید: شـما زنـان نباید صدای خود را در گفتار نازک کنید تا بیماردلان به طمع افتند (احزاب، ۳۲).

۹) تمهیدات برنامه تربیتی اسلام با هدف برچیدن زمینه فساد و انحراف جنسی در فرزندان است. مانند؛ آموزش اجازه گرفتن فرزندان به هنگام ورود به اتاق والدین در سه وقـت: قبـل از نماز فجر و در نیم روز، هنگامی که لباس‌های معمولی خود را بیرون می‌آورنـد و بعـد از نمـاز عشا؛ این سه وقتِ خصوصی برای والدین است (نور، ۵۸).

۱۰) جداسازی محل خواب کودکان که در شرایط خاصّ سـنّی بایـد مسـتقل باشـد، عامـل

مهمی در جلوگیری از تهییج غریزه جنسی آن‌ها است. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم) می‌فرمایند: اگر فرزندان شما به هفت سالگی رسیدند خواب‌گاه آن‌ها را از یک دیگر جدا کنید (کنزالعمال، ٤٤١/١٦).

۱۱) دور نگاه داشتن کودکان از مناظر مهیج جنسی از دیگر آموزه‌های اسلام به والدین است و به آن‌ها توصیه شده‌است فرزندان خود را از دیدن مناظر شهوت‌انگیز، که عامل مؤثری برای بیدارکردن غریزه جنسی است، دور نگاه دارند. امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرمایند: موقعی که کودکی در اتاق حضور دارد، بی‌احتیاطی والدین در این زمینه، طفل را به سوی بی‌عفّتی (ایجاد زمینهٔ انحراف جنسی) سوق می‌دهد (وسائل‌الشیعه، ٩٤/١٤).

۱۲) آگاهی از عواقب انحرافات جنسی عامل مهمی در مصون ماندن از ارتکاب آن محسوب می شود. ضعف سیستم عصبی، ناتوانی جنسی، گریز از ازدواج و سردمزاجی، انزوا، احساس گناه و خجالت، آشفتگی در خواب، خستگی و خواب آلودگی، سیاهی دور چشم جزء برخی از عوارض انحرافات جنسی به شمار می روند (احمدی، روان‌شناسی نوجوان و جوان، ۱۲۰).

یاری‌کننده‌های روحی در عرصه مدیریت سلامت فردی و اجتماعی از منظر قرآن و روایات

در مکتب اسلام، برای رام کردن غرایز و تعدیل تمایلات نفسانی، عقل، علم، تربیت، حیای اجتماعی، نظارت ملی، قوانین کیفری و کلیه عوامل یاری کننده، مورد توجه قرار گرفته و درباره هریک از آن‌ها آیات و اخبار بسیاری رسیده‌است؛ ولی بزرگ‌ترین قدرتی که در این آیین مقدس برای مهارکردن غرایز مورد استفاده واقع شده و نتایج بزرگ و ثمربخش به بار آورده، انگیزه و احساس مذهبی است که به عمل در روش و سبک زندگی بیانجامد.

۱) قوت ایمان و استحکام پایه‌های اعتقادی، سرمایه عظیمی است که با تکیه بر آن می‌توان در برابر موج‌های سهمگین غرایز ایستادگی نمود و از بیراهه‌ها و انحرافات نجات یافت. قرآن، زندگی بدون یاد خدا را رنج‌آور و ناگوار می‌داند. «وَ مَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِی فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنكاً وَ نحَشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى: و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت و روز قیامت، او را نابینا محشور می‌کنیم » (طه، ١٢٤). علت تنگی معیشت در

دنیـا، و کـوری در روز قیامـت، فرامـوش کـردن خـدا و اعـراض از یـاد او اسـت (ترجمـه تفسیرالمیزان، ١٤/ ٣١٤).

خداوند رحیم در قرآن در ارتباط با جایگاه تقویـت ایمـان مـی‌فرمایـد: إِنَّ الَّـذِینَ اتَّقَـوْاْ إِذَا مَسهُّمْ طَئفٌ مِّنَ الشَّیْطَانِ تَذَکَّرُواْ فَإِذَا هُم مُّبْصِرُون: در حقیقت کسانی کـه از خـدا پـروا دارنـد، چون وسوسه ای از جانب شیطان به ایشان رسد، خدا را به یـاد آورنـد و بـه ناگـاه بینـا شـوند (اعراف، ٢٠١).

هم زمان با فرارسیدن دوران بلوغ و شکوفایی غریـزه جنسـی، خداونـد متعـال احساسـات مذهبی را در نهاد جوانان قرار داده است. گویا همه روان شناسان در این نکته متفق القول هستند که میان بحران تکلیف و جهش ناگهـانی احساسـات مـذهبی، ارتبـاط وجـود دارد (محمـدتقی فلسفی، جوان، ١٢٦/٢).

٢) تقویت عقلانیت، یکی از راه‌های مهار احساسات و تعدیل نفسـانیات اسـت. امـام علـی (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «انّ للقلوب خواطر سـوء و العقـول تزجـر مـن‌هـا: در دل انسـان‌هـا، خاطرات بد و خواهش‌های زشت پدید می‌آید و عقل است که از اِعمال آن خـاطرات و انجـام تصمیم‌ها جلوگیری می‌کند » (غررالحکم و دررالکلم، ٥٠٠/٢).

البته عقلِ ضعیف و ناتوان قادر به مهار احساسات سرکش نیست. امام علـی (علیـه السـلام) می‌فرمایند: «أَلْعَقْلُ الْکَامِلُ قاهِر لِلطَّبعِ السّوءِ: عقلی که به مرتبه کمال رسـیده مـی‌توانـد طبیعـت شرور را مقهور کند» (بحارالانوار، ٦/٧٥).

نیرومندی غریزه جنسی و ضعف ایمان و ناآگاهی در ایام بحرانی بلوغ، چراغ هدایت عقـل را کم فروغ می‌سازد و کارایی آن را از دست می‌دهد. امام علی (علیه‌السلام) مـی‌فرماینـد: «کَـمْ مِنْ عَقْلٍ أَسِیرٍ عِنْدَ هَوَی أَمِیرٍ: چه بسیار عقلی که در برابر فرمـانروایی خـواهش هـای نفسـانی، اسیر و گرفتار است» (نهج‌البلاغه فیض‌الاسلام، قصار٢٠٢).

٣) خداوند متعال به وسیله برقراری تکالیف دینی و طاعت که مهم ترین آن ارتباط با خـالق یعنی نماز و روزه است، پسران و دختران را در حیطه شرع محدود می‌کنـد و از طغیـان غریـزه باز می دارد. «إِنَّ الصَّلَوةَ تَنهْی عَـنِ الْفَحْشَـاءِ وَ الْمُنکَـرِ: نمـاز، آدمـی را از کارهـای زشـت بـاز مـی‌دارد» (عنکبـوت، ٤٥). در حـدیثی نقـل شـده اسـت، جـوانی از انصـار نمـاز را بـا پیـامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم) ادا می‌کرد؛ اما با این حال به گناهان زشتی، آلوده بود. این مـاجرا را بـه

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم) عرضه داشتند. حضرت فرمودند: سرانجام نمازش او را از این اَعمال پاک می‌کند (تفسیر نمونه، ١٦/ ٢٨٧).

بنابراین، اولین مرتبه کلی خودسازی در مواجهه با تمایلات سرکش، نداشتن تخیلات شهوانی یعنی بستن درهای بزرگ نفوذ شیطان در قلب است. دومین گام، آباد ساختن دل به اخلاق فاضله و تقوا می باشد. و در مرحلهٔ سوم، داشتن اشتغال مفید و نیز خودسازی درونی، خواندن ادعیه، اذکار و قرائت قرآن با حضور قلب به همراه تفکر درونی قرار دارد.

قرائت آیات قرآن موجب صفای نفس و اطمینان آن بر اسلام، ایمان، تنور قلب به یقین و دفع شّر شیاطین و نفی خواطر است (نکته۹۷۸ از هزار و یک نکته: علامه حسن‌زاده آملی).

هر نفسی مستعد تجلی خاصّی است و به قدر فهم و صفای دل او بهره‌ای از قرآن است. «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْءَانَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ: و چون قرآن خوانی از شیطان رانده‌شده به خدا پناه بر» (نحل، ۹۸). «وَ إِذَا قَرَأْتَ الْقُرْءَانَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَ بَينَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالاَخِرَةِ حِجَابًا مَّسْتُورًا: و هنگامی که قرآن می‌خوانی، میان تو و آن‌ها که به آخرت ایمان نمی‌آورند، حجاب ناپیدایی قرار می‌دهیم» (اسراء، ٤٥). تلاوت قرآن می‌تواند انسان را از شرّ کفّار، ایمن کند و روح تبرّی از مشرکان را در انسان تقویت کند (تفسیر نور، ٦٨).

خداوند در هر چیز به کم اکتفا کرد و حدّی برای آن معین فرموده است، مثلاً نماز پنج مرتبه، روزه یک ماه، زکات از نصاب مقدار معینی؛ ولی برای ذکر حدّی معین نفرموده‌است: «يَأَيهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ اذْكُرُواْ اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا* وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَ أَصِيلاً: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را بسیار یاد کنید و صبح و شام او را تسبیح گویید» (احزاب، ٤٢). ذکر مراتبی دارد:

۱- ذکر زبانی.

۲- ذکر زبانی و قلبی، که در دل جاگیر شود و بر آن مستولی باشد، و دل به آسانی از آن منصرف نشود، همان‌گونه که استقرار آن در دل به کوشش نیاز دارد.

۳- ذکر قلبی، طوری که حتی خود ذکر هنگام ذکر محو شود، و قلب به خود و به ذکر توجه نداشته باشد؛ بلکه با تمامی وجود مستغرق در متعلق ذکر باشد. این مرتبه ذکر مطلوب است، و مراتب دیگر مقدمه است (نراقی، ۱۱۸).

هُنالِكَ دَعا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قالَ رَبِّ هَبْ لي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَميعُ الدُّعاءِ (آل‌عمران، ۳۸)

رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنا وَ هَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ (آل‌عمران، ۸)

نماز، مناجات و ذکر حق است و کسی که ذکر حق کند، همنشین حق است و حق همنشین او است و کسی که جلیس ذاکر خود است، او را می بیند و الّا جلیس او نیست. « فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَ اشْكُرُواْ لِي وَ لَا تَكْفُرُونِ » (بقره، ۱۵۲).

«إِنَّنِي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَاهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَ أَقِمِ الصَّلَوةَ لِذِكْرِي: یعنی بر پای دارید نماز را به واسطه فکر من » (طه، ١٤). پس فکر که مقصود است، اشرف از نماز است که وسیله و سبب حصول آنست. همانطور که طفل مطابق استعدادش بعد از شنیدن کلام و اراده تکلم، کم کم به نطق می‌آید، قلب سالک صادق هم بر اثر مداومت در حضور و دوام ذکر حق، به نطق می‌آید که حتی ذکر قلب شنیده می‌شود.

خداوند در مصحف شریف به کمک‌گرفتن از نماز دستور داده‌است. رکوع ادب است و سجود قرب، سجود بالاترین درجه فروتنی است، پس عزیزترین اعضاء خود را به پست‌ترین چیزها که خاک است‌بگذار. رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم) فرمودند: «خدای عز و جل می‌فرماید: هر گاه طاعت و طلب رضای من با اخلاص در دل بنده‌ای باشد، خودم کار او را درست کنم و تدبیر او را به عهده می گیرم، و هر که در نماز خود مشغول به غیر من باشد از استهزاءکنندگان است و نامش در دفتر زیانکاران نوشته می‌شود (مصباح‌الشریعه، باب ١٦؛ بحارالانوار، ۳۶۳/۱۸: باب سجود و آداب آن). بر هر نمازگزاری به اندازه صفای نفس او، از تیرگی‌های دنیا گشوده می‌شود.

٤) ساده‌زیستی و دوری از دنیا دوستی، سبب بازداری از هوی نفس می‌شود. «زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْبَنِينَ وَ الْقَنَاطِيرِ الْمُقَنطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَ الْأَنْعَمِ وَ الْحَرْثِ ذَالِكَ مَتَعُ الْحَيَوةِ الدُّنْيَا وَ اللَّهُ عِندَهُ حُسْنُ الْمَابِ: دوست داشتن خواهش ها (و خواستنی ها) از زنان و فرزندان و اموال گردآمده از طلا و نقره و اسبان نشاندار و چهارپایان و کشت، برای مردم آرایش (و جلوه) یافته، این ها کالای زندگی دنیاست و سرانجام نیک نزد خداست» (آل عمران، ١٤).

بنابراین، همه آنچه انسان به آن میل دارد مذموم نیست، زیرا اگر ثمره و نتیجهٔ آن بعد از مرگ برایش بماند، یعنی علم نافع و عمل صالح، به آخرت متعلق است و در حقیقت از آخرت به شمار می‌رود و چون محسوس است دنیا محسوب می‌شود.

نتیجه‌گیری

-قرآن نامه‌هائی است که پروردگار با ما عهد و پیمان بسته، تا آن ها را براساس سنت های پیروی شده اجرا کنیم. مقصود اصلی از تلاوت قرآن حصول حالت های شادی و بهجت و امید و دلتنگی در دل و عمل به آن به عنوان یاری‌کننده‌ای قابل اتّکا است.

-اگر قوه واهمه کسی بر او غالب باشد، شهوت، او را به عشق بهیمی گرفتار می سازد و در نتیجه، نیروی وهم، عقل را در خدمت شهوت قرار می دهد و حال آنکه خدا عقل را آفریده تا مطاع باشد و به پای شهوت عقال بزند، نه آنکه خدمتگزار شهوت باشد.

-لازم است اعتدال و میانه‌روی در قوای نفسانی خصوصاً، خوردن و آشامیدن عادت شود، زیرا ضعف هوش و پدیدارشدن بلادت از آثار پرخوری محسوب می شود و با تربیت عقلانی مانع افراط در زیاده خواهی های نفسانی شود. بنابراین، اگر بنده‌ای نفس خود را به گرسنگی رام سازد و راه وسوسه‌های شیطان را ببندد به طغیان و سرکشی جنسی نیز گرفتار نمی‌شود.

-شهوت، بیماری دلهائی است که از محبت‌خدا و از همت‌های عالی در کسب تقوا بی‌نصیب است.

-تعدیل دو نیروی شهوت و خشم با ریاضت و مجاهده به سبب وجود قوه تعدیل در آن دو ممکن است.

-بین دو نفس مطمئنّه و امّاره، نفس متوسطی در سعادت و شقاوت هست، گاهی اندیشه هوی و هوس در آن پدید می‌آید و او را به شّر می‌خواند، و گاه اندیشه ایمان در آن پیدا می‌شود و او را به خیر بر می‌انگیزد. و درون انسان میدان حمله متقابل سپاهیان شیاطین و ملائکه است که گاهی فرشته بر شیطان حمله می‌برد و او را طرد می‌کند و گاهی شیطان حمله می‌کند و بر او چیره می‌شود. و آن نفوس اکثر مسلمانان است، و درجات بیشمار دارد. لازم است آدمی در هر شبانه روز درباره هر یک از صفات مهلکه بیندیشد و به نور بصیرت، زوایای دل خویش را از این صفات تفحص کند و قلب خود را برای علاماتی که دلالت بر پاکی دل نماید بیازماید تا یقین کند.

منابع

ابن شعبه الحَرّانی، ابومحمد حسن بن علی، ***تحف العقول، عن آل الرسول*** (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم)، مترجم: صادق حسن‌زاده، قم، آل علی‌علیه‌السلام، ۱۳۸۲.

احمدی، احمد، ***روان‌شناسی نوجوان و جوان***، اصفهان، ناشر: مشعل، ۱۳۸۹.
آمدی، عبدالواحد، ***غررالحکم و دررالکلم***، ترجمه: شیخ محمدعلی انصاری شوشتری، مصحح: حجۀ الاسلام والمسلمین شیخ مهدی انصاری قمی، چاپ اول، قم، موسسه انتشاراتی امام عصر (عج)، ۱۳۸۰.
حرّ عاملی، محمدبن حسن، ***وسائل‌الشیعه***، تحقیق و تصحیح: الشیخ‌عبدالرحیم‌الربانی‌الشیرازی، تهران، چاپخانه اسلامی، ۱۳۷٦ ق.
حسن‌زاده آملی، حسن، ***نورٌ علی نور: در ذکر و ذاکر و مذکور***، قم، انتشارات: تشیع، ۱۳۷۱.
سادات، محمدعلی، ***راهنمای پدران و مادران: شیوه‌های برخورد با کودکان***، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۲.
سیوطی، جلال‌الدین، ***الدرالمنثور فی التفسیر بالماثور***، قم، کتابخانه حضرت‌آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره)، ۱۳۱٤ق.
طباطبائی، محمد حسین، ***ترجمه تفسیرالمیزان***، ترجمه: موسوی همدانی، سید محمد باقر، پنجم، قم، ۱۳۷٤.
فلسفی، محمدتقی، ***جوان***، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲.
فیض‌الاسلام اصفهانی، علی‌نقی، ***نهج البلاغه***، تهران، فیض‌الاسلام، ۱۳۷۰.
فیض‌کاشانی، ملامحسن، ***محجه البیضاءفی تهذیب الأحیاء***، مترجم: عارف، محمدصادق، مشهد مقدس، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
قرائتی، محسن، ***تفسیر نور***، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸.
کلینی، محمد بن یعقوب، ***اصول کافی***، مترجم و شارح: مصطفوی جواد، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامیه، ۱۳٦۹.
گیلانی، عبدالرزاق بن‌محمدهاشم، ***مصباح‌الشریعه و مفتاح‌الحقیقه***، تهران، پیام حق، ۱۳۷۷.
متقی هندی، علی‌بن حسام‌الدین، ***کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال***، بیروت، ۱٤۰۱ق.
مجلسی، محمدتقی، ***بحار الانوار***، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
محدث نوری، حسین، ***مستدرک الوسائل***، قم، مؤسسه‌آل‌البیت، ۱٤۰۸ ق.
مطهری، مرتضی، ***مجموعه آثار***، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷.
معتزلی، ابن‌ابی‌الحدید، ***شرح نهج‌البلاغه***، ترجمه: غلامرضا لایقی، تهران، کتاب نیستان، ۱۳۸۸.
مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، ***تفسیر نمونه***، دار الکتب الإسلامیۀ، چاپ اول، ۱۳۷٤.
نراقی، مولی مهدی، ***جامع‌السعادات: علم اخلاق اسلامی***، ترجمه: دکتر سید جلال‌الدین مجتبوی، تهران، حوزۀ علوم اسلامی دانشجویان، ۱۳۹۱.

مجموعه مقالات نهمین همایش ملی اشراق اندیشه مطهر، **خانواده و تربیت جنسی**
اردیبهشت ۱۳۹٤، ص ۱۹۷-۱۸۱

نقش مربیان در تربیت جنسی کودکان و نوجوانان

محمد شمس‌الدین دیانی/ مربی گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد[1]
سعید نمازی زادگان/ استادیار گروه معارف، دانشگاه علوم پزشکی مشهد[2]

چکیده

تربیت جنسی یکی از مهمترین حوزه‌های تربیت انسانی است که درهدف نهایی آفرینش یعنی تربیت و پرورش انسان برای نیل به مقام منیع خلافت اللّهی نقش اساسی دارد؛ بدیهی است که حرکت جامعه به سوی جامعه آرمانی نیز از همین مسیر هموار خواهد شد و از همین رو در منابع اسلامی بر تربیت جنسی فرزندان تأکید بسیار شده است. این مطالعه با روش اسنادی، بیشتر به اصول و روش‌های تربیت جنسی زیر از منظر منابع اسلامی پرداخته است:

۱. اهمیّت و ضرورت تربیت جنسی در دوران متفاوت رشد و تکامل فرزند با هدف ایجاد نسل سالم و جامعه سالم ۲. بررسی زمینه‌ها و بسترهای بروز مشکلات جنسی ۳. ارائه راهکارهای کلی و عملی تربیت جنسی به والدین و مربیان.

نتایج این مطالعه نشان می دهد که از دیدگاه اسلام تربیت جنسی، تنها آموزش جنسی و انتقال اطلاعات و مسائل مرتبط با جنسیت نیست؛ بلکه به معنی فراهم آوردن زمینهٔ شناخت غریزه و جنسیت در کنار دیگر ساحت های انسانی، درک و بیان تفاوت ها، کنترل غریزهٔ جنسی و هدایت آن به منظور تداوم نسل و پیشگیری از انحرافات و لغزش‌های جنسی و از همه مهمتر کمک به رشد و تعالی انسان است. از آنجا که مسئولیت خطیر سلامت جامعه بر عهده خانواده، آموزش وپروش، دانشگاهها و رسانه‌ها است، لازم است در تحلیل برخی از مشکلات خانواده‌های امروزی، گامهای اساسی برداشته شود و زمینهٔ بهداشت جنسی و حذف شیوه‌های نادرست و ناشایست تربیت جنسی در خانواده به عنوان اولین کانون تربیت انسانی فراهم گردد.

کلید واژه ها: تربیت جنسی، کودکان، نوجوانان، خانواده، جنسیت، ناهنجاری‌های جنسی.

---

1. DayaniMSH@mums.ac.ir
2. NamaziS@mums.ac.ir

مقدمه

انسان بر اساس ساحت خاکی و نفحه روحی دارای نیروهای متفاوت درونی است. یکی از مهم ترین ابعاد وجود انسان، که از نظر اسلام دور نمانده، بُعد جنسی است که به صورت غریزه‌ای بسیار نیرومند بر تمام ابعاد وجود (افکار، گفتار و کردار) انسان، تأثیر می‌گذارد. تربیت جنسی مجموعه اقداماتی است که باعث آگاهی صحیح انسان از قوای جنسی خود می‌شود. از آنجا که میل جنسی امری فطری و تدریجی (ابوطالبی، مهدی، اصول و روش های تربیت در اسلام) است، مراحل تربیت جنسی، قبل از تولد (با انتخاب همسری با ژن سالم و دقت مادر در دوران مختلف بارداری) شروع می‌شود و تا پایان دوران غریزه لازم و ضروری است (صدیق، عیسی، تاریخ فرهنگ اروپا، ۱۹٤) والدین مهم‌ترین و بهترین مربی فرزند خود در حوزه تربیت جنسی هستند. هر چه والدین از نقش‌های جنسیتی خود آگاهی، رضایت و خشنودی بیشتری داشته باشند، بهتر می‌توانند دیدگاه‌ها و هویت خود را به فرزندانشان نیز انتقال دهند (ضیایی، زهرا؛ ضیایی، خدیجه، تأثیر روابط سالم والدین بر تربیت دینی فرزندان، طهورا (مطالعات زنان و خانواده)، سال چهارم، ش۱۰، ص٤۱) پایه‌ریزی تربیت جنسی صحیح به فرزندان در حقیقت بارور کردن ارزش های سالم اخلاقی در خانواده است که به فرزندان کمک می‌کند در لحظات بحرانی بهتر تصمیم بگیرند و مسئولیت زندگیشان را بپذیرند.

جهان با شتاب تصاعدی، شاهد شکل گیری تحولات زیادی در عرصه های مختلف است. امروزه قلمروه تربیت و عوامل اثرگذار بر آن از مرزهای سنتی فرا تر رفته و افزون بر خانواده، عناصری مانند رسانه، مدرسه، روابط اجتماعی، اثرات فراوانی بر فرزندان می‌گذارند. نسل جوان با به دست آوردن ابزارهای نوین ارتباطی، خود را در امور تربیتی و فکری متفاوت از پیشینیان می‌بیند و بسیاری از بزرگسالان نیز برای این نسل ماهیت جداگانه‌ای، در نظر گرفته و تسلیم مدرنیته شده اند، در صورتی که با تغییر در ابزارهای معاشرت انسانی و پیشرفت تکنولوژی، فطرت و ماهیت انسان ها تفاوتی نمی‌کند؛ و ضرورت نقش تربیت در زندگی افراد قابل انکار نیست. (یوسفیان، نعمت الله، تربیت دینی، ۲٦) سوال اینجاست که خانواده و جامعه، چه میزان آمادگی برای رویارویی منطقی و اصولی با این تغییر و تحولات را دارند؟

در کنار خانواده و والدین، دو نهاد مهم دیگر (آموزش و پرورش و رسانه های ارتباط جمعی) می‌تواند با توجه به بن مایه های عمیق فرهنگ اسلامی در تربیت جنسی صحیح جامعه

تأثیر مستقیم بگذارد. آموزش و پرورش با توجه به رسالت عظیم تعلیم و تربیت، و همچنین رسانه با انتشار فرهنگ در جامعه، در مسئولیت عظیم تربیت جنسی افراد به طور مستقم، سهیم هستند.

در مقاله حاضر، مراد ما ازجنس و جنسیت، شامل همه مباحث تربیتی مربوط به دو جنس می‌شود از تربیت برای شناخت وکنترل رفتارهای جنسیتی (gender) تا تربیت برای کنترل رفتار های جنسی (sex)؛ و مراد ما از مربی و مربیان شامل تمامی تأثیر گذاران بر تربیت کودک ونوجوان و جوان می‌باشد مانند: والدین، خانواده و بستگان در محیط خانه، معلم ها در محیط مدرسه و رسانه‌های دیداری، شنیداری و نوشتاری در تمام جامعه.

تعریف تربیت جنسی

تربیت جنسی بکارگیری شیوه‌هایی برای ایجاد صفات و رفتارهای جنسی سالم، و زدودن صفات و رفتارهای جنسی ناشایست در انسان است (پورامینی، محمدباقر، تربیت جنسی در سیره نبوی، مجموعه مقالات تربیت اسلامی ویژه تربیت جنسی، سال سوم، شماره۸، ص۱۹۹). نقش جنسی نوعی انتظار فرهنگی است که چگونگی ارتباط مردان و زنان را با یکدیگر تعیین و همچنین فعالیت افراد را بر اساس ارزش‌ها و علاقه آن‌ها مشخص می‌کند (کجباف، همان، ١٤) تعریف مناسبی که می‌توان از تربیت جنسی ارائه کرد، این است: «فرد در دوره های رشد کودکی، نوجوانی و جوانی به گونه‌ای آموزش ببیند که با جنسیت خود آشنا گردد و آن‌ها را بپذیرد؛ قدردان وجود خویش باشد و به آن افتخار کند؛ نقش مذکر یا مؤنث بودن از لحاظ اجتماعی را یاد بگیرد؛ و احکام و آداب دینی در ارتباط با مسائل جنسی مربوط به خود و روابط با همجنس و جنس مخالف را فرا گیرد؛ آمادگی روانی برای ازدواج و تشکیل خانواده را پیدا کند؛ با مسائل مربوط به زندگی خانوادگی و روابط با همسر آشنا گردد و در سایه‌ی آن، به آرامش برسد و در نهایت به گونه‌ای توانمند شود که عواطف و فعالیت‌های جنسی خویش را در جهت قرب الی الله و جلب خشنودی خداوند، به کار گیرد» (فقیهی، تربیت جنسی از منظر قرآن و حدیث، ۲۰)

بنابر تعریف فوق، تربیت جنسی حرکت در یک مسیر کمال انسانی- اسلامی است. که اسلام به آن توجه و برای آن برنامه دارد. همانگونه که دانشمند غربی به آن اقرار می‌کند؛ براتراند راسل می‌گوید: «در همه ادیان امورجنسی را تقریبا پلید دانسته اند جز اسلام؛ که برای

آن مقررات وضع کرده است» (براتراند راسل، زناشویی و اخلاق، ص۸٦ به نقل از: مرتضی مطهری، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، ١٦) بنابراین تربیت جنسی فراهم آوردن زمینه رشد غریزه جنسی است به گونه‌ای که همراه با استفاده لازم از این غریزه، در جهت اهداف این نیروی درونی همچون: ازدواج، آرامش، لذت و نسل آوری، از انحراف ها و لغزش های جنسی نیز پیش گیری شود. تربیت جنسی در یک معنای فراتر، رشد شخصیت اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی افراد را نیز نظر دارد.

آموزش و پرورش

در زمینه تربیت جنسی فرزندان، گاهی والدین از آگاهی لازم در زمینه تفاوتهای جنسی برخوردار نیستند و صلاحیت تربیت جنسی کامل را ندارند امیر مؤمنان می‌فرمایند: «کیف یصلح غیره من لم یصلح نفسه؟»: چگونه کسی که خود صالح نگردیده است، می‌تواند دیگری را اصلاح کند؟ (تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه محمد خوانساری، ٥٦٤/٤) این نقصان در صلاحیت ممکن است به دلایلی همچون: حجب و حیا، عدم پذیرش لزوم اطلاع رسانی، متهم شدن از جانب فرزند به القاء خواسته ها و دفاع از جنس مدنظر، باشد. فرزندی که از این خانواده به محیط آموزشی وارد می‌شود باعث می‌شود که وظیفه مربیان را سنگین‌تر کند. البته باید عنایت داشته باشیم که رفتار غلط مربیان در این زمینه، تبعات جبران ناپذیری را بر روح و ذهن کودکان باقی گذاشته به گونه ای که آثار آن در سنین بزرگسالی هم وجود داشته است (سامانی، سیامک، رضویه، اصغر، روابط همبستگی خانواده و استقلال عاطفی با مشکلات عاطفی، سلامت روان‌شناختی، ش۱، ص۳۰) صاحب نظران و اندیشمندان تربیتی معتقدند که در دوران کودکی، پایه های اساسی ساختمان شخصیت انسان شکل می‌گیرد؛(ر.ک: R. Mc Care and P. Costa Pesonality in Aduthhood. p. 10 به نقل از آیت اللهی وهمکاران، دانش خانواده و جمعیت، ۱۸۹) اما نمود اصلی خود را هنگامی که دچار تغییر نقش می‌شود و نقش جدیدی را برای خود می‌گیرد، نشان می‌دهد.

لزوم توجه مربیان به تربیت جنسی

در ابتدای امر مربیان باید بدانند که بشر موجودی دو ساحتی است که از دو بعد و ساحت حیوانی و روحانی نشأت گرفته است؛ بعد روحانی بشر ساحتی است الهی که از نفخه رحمانی

سرچشمه گرفته است فطرت، عقل و شهود از آثار این نفخه روح خداوند است. در این بعد والای انسانی، دلیل و شاهدی بر تفاوت‌های جنسیتی نیافتم. بر همین اساس انسان موجودی ارزش گرا است و در آن ارزشهای الهی «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» سپس فجور و تقوا (شرّ و خیرش) را به او الهام کرده است، (شمس: ۸)، تفاوتی بین دو جنسیت وجود ندارد «أَيَحْسَبُ الإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى* أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِنْ مَنِيٍّ يُمْنَى* ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى*فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالأُنْثَى (قیامت: ۳۹-۳۶)، و آیه «من عمل صالحا من ذکر اَو اُنثی و هو مؤمن فلنحیینه حیاةً طیّبه» (نحل: ۹۷) بر عدم دخالت جنسیت در روحانیات و رسیدن به سعادت و حیات طیّبه دنیوی و اخروی تصریح می‌کند. این آیه، ناظر به عدم دخالت بدن در کمالات روحانی است.

ولی بعد جانداری بشر، عامل محرک و ظرف بقاء و کمال انسان را تشکیل می‌دهد. این بعد در راستای سعادت انسان، مانند حفظ و بقای نسل، کمال جویی و رشد مادی و معنوی در دو جنس مذکر و مونث به صورت متفاوت، قرار داده شده است. این تفاوت در علایق و رفتارهای هر جنس بروز و ظهور می‌کند. غفات مربیان از تفاوت فردی کودک باعث می‌شود که آسیب‌هایی مانند: ارضا نشدن حس کنجکاوی جنسی، استفاده از کانال‌های اطلاعاتی آلوده، احساس گناه و خجلت از مشاهده عوارض طبیعی بلوغ، آگاهی نداشتن از تکلیف شرعی در برابر عوارض جسمی و جنسی این دوره، سستی بنیان اخلاقی و اعتقادی، روابط سست و غیر شرعی و بالاخره انزوا، درون گرایی و خود ارضایی؛ او را تهدید کند (انوشه، منیژه و دیگران، اندیشه و رفتار، سال نهم، شماره۲، ص٤٨)

همانطور که بیان شد، تربیت جنسی را باید قبل از تولد فرزند و به عبارت بهتر قبل از ازدواج شروع کرد. بدیهی است یاد خدا و رعایت آداب اسلامی موجب آرامش قلب می‌شود و در فرزند اثر مثبتی خواهد داشت. همچنین رغبت و میل قوی جنسی زوجین، در زیبایی جنین و هوشمندی وی اثری قطعی خواهد نهاد و در نقطه مقابل رفتارهای نابهنجار والدین قطعا در رفتار جنسی فرزند اثر منفی خواهد داشت. به همین دلیل، اسلام از ازدواج با افراد بدنام، نهی کرده است. رسول خدا (ص) که در این مورد فرموده است: «بنگر که فرزند خود را کجا قرار می‌دهی که ریشه و عرق اثر گذار است.» (شهاب الدین البشیخی، المستطرف، ۲۱۸/۲) از آن جا که والدین در شکل دهی شخصیت فرزند و تکامل او از اهمیت بسزایی برخوردارند لذا در

انتخاب همسر، عفت، اصالت خانواده، تقوا و ایمان، از شروط اساسی است.

واقعیت موجود در انسان‌ها در مورد جنسیت

جنسیت فرزند، بعد از تولد مشخص می‌شود و این جنسیت از همان ابتدا موجب تفاوت‌های رفتاری و عکس العمل‌های متفاوت والدین می‌شود. امام علی (ع) در وصیت خویش به فرزندش می‌فرماید: «همانا قلب نوجوان مانند زمین خالی از کشت و زرع است که هر آنچه در آن بریزی قبول می‌کند. ازاین رو به تربیت و تأدیب تو اقدام کردم قبل از اینکه قلب تو سخت شود (و شخصیت تو شکل بگیرد) و فکر و اندیشه‌ات (به چیزی از آنچه به خیر و صلاح توست) مشغول کردد.» (سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه دشتی، نامه ۲۱، فراز ۲۱) این تفاوت‌ها در غالب، عواطف، رنگ‌ها و دیگر امور مشاهده می‌شود؛ اما در مورد امور جنسی رفتارهای زیر بروز خواهد کرد:

الف) از هنگام تولد تا ۳ سالگی: کودک بر مبنای غریزه جنسیت خود به پیرامون خود عکس العمل نشان می‌دهد، نسبت به اعضای مختلف بدن خود کنجکاو می‌شود و در صدد کشف آن ها بر می‌آید. او از لمس کردن اندام خود احساس لذت می‌کند والدین باید توجه داشته باشند که به تدریج به فرزند خود خصوصی بودن بعضی از اندام‌های بدنشان را یاد بدهند و او را از کنجکاوی در این زمینه منع کنند.

ب) کودکان ۵-٤ ساله: در این دوره کودکان درباره‌ی تمام مسایلی که به جنسیت مربوط می‌شود احساس کنجکاوی می‌کند و سعی می‌کند از طریق بازی‌های کودکانه، از جنسیت خود و توانایی تشخیص دادن دختر یا پسر بودن خود، اطمینان حاصل کند. او کاملاً تفاوت بین مادر و پدر را می‌فهمد و و رفته رفته آگاهی کامل نسبت به اعضای بدن خود پیدا می‌کند. والدین باید به کودک نام اعضای بدنش را (چه داخلی و چه خارجی) با کلمات و الفاظ شایسته بیاموزید و تشویق کنند تا سوالات مختلف خود را درباره‌ی جنسیت و اندام‌های جنسی، از آن‌ها یا افراد قابل اطمینان خانواده بپرسد.

ج) کودکان ۹-٦ ساله: فرزندان به نقش‌های جنسیتی خود حساس و هوشیارند و اغلب مایل به دوست شدن و بازی کردن با کودکان همجنس خود هستند و با دقت به صحبت‌های دوستان، اعضای خانواده، رسانه‌ها و... درباره‌ی مسایل جنسی گوش می‌کنند و آن‌ها را درک

می‌نمایند. پسرها بازی‌های پرتحرک رقابتی و دخترها بازی‌های جمعی با ابزار زیبا و احساسی را به بازی‌های رقابتی و همکاری ترجیح می‌دهند. والدین باید زمینه مناسب برای طرح سوالات کودکان فراهم و راه را برای هدایت‌های بعدی فراهم کنند.

د) کودکان ۱٤– ۱۰ ساله: کودکان در این سنین حس جنسی آگاه تری دارند و با برخوردار شدن از توانایی لذت جنسی نوعی حیا و آزرم در آنان به وجود آمده واز پرسیدن سوالات جنسی خود احساس خجالت و شرم می‌کنند. گاهی این نوسانات خلقی و تغییرات هورمونی در کودک، آشفتگی‌ها و نابسامانی‌های بی‌شماری در خانواده ایجاد می‌کنند و روابط دچار سردی، جدایی و گفت‌وگوهای مشاجره‌آمیز شود و ممکن است روابط حاکم بر والدین و کودکان به هم بریزد. والدین باید اطلاعات کافی به فزرندان بدهند و این تحولات را برای فرزندشان، کاملا عادی جلوه دهند.

هـ) نوجوانان ۱۸– ۱۵ ساله: در اثر بلوغ، دگرگونی‌های سریع و ناگهانی در رشد جسمانی، فیزیولوژیک و روانی آدمی تحقق می‌یابد. به همین دلیل مهم‌ترین رویداد تاریخ جنسی هر فرد در دوران نوجوانی، بلوغ است. بلوغ جنسی با ترشّح غدد جنسی و ظهور ویژگی‌های ثانوی جنسی مانند: رویش موهای زائد، فعالیت غدد عرق در زیر بغل و برخی آثار اختصاصی در جنس مشخص می‌شود. پسران با احتلام (احتلام از انواع انزال است و عبارت است از خارج شدن منی از انسان در هنگام خواب. رساله بلوغ (ضمیمه کتاب مبانی حقوق در اسلام)، نشر جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۳) و دختران با عادت ماهانه (خونریزی از پوشش داخلی رحم، ه مان) به این مرحله از رشد، قدم می‌گذارند. نوجوان در این سن هوشیاری خاصی دارد؛ دارای درک و شناخت غریزه‌ی جنسی است و با داشتن تربیت صحیح جنسی، نسبت به پیامدهای رفتارهای جنسی آگاه می‌گردد و روابط سالم و شایسته‌ی جنسی را از روابط غیر سالم و نامشروع تشخیص می‌دهد. هر چند بلوغ جنسی در دختران زودتر از پسران آغاز می‌شود، ولی پسران پس از بلوغ، بیشتر از دختران روحیات مردانه و ریاستی و استقلال طلبیشان بروز می‌کند و به خاطر افزایش هورمون تستوسترون (تِستوستِرون به انگلیسی: Testosterone از هورمون های استروئیدی مهم موجود در بدن پستان‌داران ازجمله انسان (هردو جنس) می‌باشد که اثرات آندروژنیک «جنسیتی» و آنابولیک «سازنده، رشددهنده» دارد) از خشونت بیشتری برخوردارند و خواستار رسیدن به اوج لذت جنسی هستند با آغاز بلوغ، علاوه بر رفتارهای غریزی مبتنی بر

جنسیت، میل جنسی و گرایش به لذت بردن از این غریزه فطری و خدادادی، در تمام دختران و پسران به وجود می‌آید. غریزه جنسی یکی از نیرومند ترین غرایز انسان به شمار می‌آید، به گونه‌ای که گاهی نوجوان و جوان، خود را در چنگال این غریزه، بی‌دفاع و ناتوان می‌بینند و آن را خارج از اراده و اقتدار شخصی خود احساس می‌کند. آنچه که به عنوان یک واقعیت در مورد رفتار انسانی باید تاکید کرد این است که بسیاری از روابط و عکس العمل های انسانی به شکل غریزی و نه عقلانی و تربیت مدارانه صورت می‌گیرد. بنابر این در تربیت جنسی لازم است از قدرت غریزه جنسی غافل نبوده و در کنار تقویت ایمان و اراده، آن را تربیت و هدایت نمود. بر همین اساس است که شرع مقدس اسلام با اصل لذت جنسی مخالفت ننموده، بله آنرا در مسیر حلال و شرعی هدایت نموده است (قائمی امیری، علی، مجموعه بحث ها در زمینه خانواده و تربیت کودک، ۳۲۱) بنابراین در دیگر مسایل فرعی جنسی نیز شناخت کافی از ویژگی‌های هریک از دو جنس ضرورت دارد.

راهکارهای تربیت جنسی

در مرحله نخست (دوران نوزادی) والدین تربیت جنسی کودک خود را بر عهده می‌گیرند. با شروع دوران تحصیلی کودک (از شش سالگی)، مدارس و رسانه ها نقش بیشتری در این زمینه ایفا می‌کنند. با توجه به آنچه بیان شد، والدین باید از دوران نوزادی تربیت جنسی فرزند خود را با رعایت بسیاری از امور آغاز کنند. آنان باید بدانند چطور با فرزند خود (بر اساس جنسیت و سن او) برخورد نمایند و به تناسب سن فرزند خود چگونه به سئوالات جنسی وی، پاسخ دهند. آموزش زودرس و شتاب زده مسائل جنسی به کودکان می‌تواند به اندازه آموزش های دیرهنگام و پنهان سازی، آسیب زا باشد. و زمانی که کودک وارد محیط آموزشی شد روند تربیت ارگانهای آموزشی و رسانه ها، با اطلاعات کامل و دقیق تر به کمک والدین آمده کودک را تا رشد کامل تربیتی کمک می‌کنند.

ما در این مقاله در پی بیان جزییات مطالب در زمینه تربیت جنسی نیستیم و به صورت کلی مباحث لازم را بیان می‌نماییم:

۱. شناخت جنسیت و دادن اطلاعات لازم

سال‌ها است که نظریه خانم سیمون دوبوار (Simon de Beewvoir, 1908-1986) نویسنده

مشـهور فرانسـوی اثـر مشـهور جـنس دوم (Second Sex,1949) دیگـر در بـین اندیشـمندان جایگاهی ندارد. ایشان بر این باور بودند: «زن چیزی جز نتیجه و محصول نیروهای اجتماعی و اقتصادی نیست. به عقیدهٔ او زن از شکم مادر، متولد نمی‌شود، بلکه تحت شـرایط اجتمـاعی و اقتصادی است که به یک زن تبدیل می‌گـردد» (سـیمون دوبـوار، جـنس دوم، ترجمـه حسـین مهری، به نقل از مقاله فینیسم، مسلم نجفی، مجله: حوزه، دیماه ۱۳۸۲، شـماره ۱۱۹) شـواهدی علمی در دست است که نشان می‌دهد همهٔ انسان‌ها از بدو تولد، دارای جریان‌هـایی الکتریکـی در مغز هستند که هدایت گر رفتارهای انسانی آنـان اسـت. غیـر از ایـن، زن و مـرد از جهـاتی اساسی با یکدیگر متفاوتند. در حقیقت می‌توان گفت که یک زن بـه هنگـام تولـد، زن بـه دنیـا می‌آید. زنان و مردان با استعدادها و تمایلاتی متولد می‌شوند که از هزاران سال پیش تـا کنـون، در آن رشد یافته‌اند. مردان و زنان، یک سان نیستند (هلن فیشر، ۱۳۸۱).

همانگونه که اشاره کردیم، هر یک از دو جـنس زن ومـرد روحیـات و رفتارهـای غریـزی مناسب با جنس خود را دارند که عدم شناخت هریک از این رفتار ها موجب تربیت ناصحیح و یا سوء تفاهم‌ها می‌گردد.

الف. شناخت تفاوت های اولیه رفتاری: پسران و دختران بایـد بداننـد کـه بسـیاری از نـوع نگاه ها و نگرش جنس دختر وپسر و یا عکس العمل آنان با یکدیگر متفاوت است آنـان بـرای جلوگیری از سوء تفاهمات باید درک نمایند کـه ایـن دوجـنس اختلافـات ظـاهری، جسـمی، روان‌شناختی و احساسی متفاوتی دارنـد (درک هویـت جنسـی. Gender Identity) از تفـاوت غریزی در هنگام آغوش گرفتن کودک گرفته تـا تفـاوت درهیجانـات و عصـبانیت‌هـا وتخلیـه روحی، از تفاوت آنان در درک جزییات و تشخیص رنگ ها تا تفاوت در درک کلیات و تجسم فضایی (خانم‌ها درهنگام آغوش گرفتن کودک غریزتا کـودک را در سـمت چـپ وکنـار قلـب خود نگاه می‌دارند با اینکه دیگر اشـیاء را بادسـت راسـت بیشـتر مـی‌گیرنـد. آنـان در هنگـام هیجانات و ناراحتی وترس خودرا با سخن گفتن تخلیه می‌نمایند. ر. ک: دکتر جان گری، مردان مریخی و زنان ونوسی، ترجمه قدر گلکاریان، و نیز کتابهای آلن و بابارا پیزو چرا مـردان دروغ می‌گویند و زنان گریه می‌کنند؟ مترجم: حورا موسـائی و نیـز: خـانم بابـارا آنجلـس: رازهـایی درباره‌ی مردان که هر زنی باید بداند، رازهایی درباره‌ی زنان، مترجم: هادی ابراهیمی، نشر نسل نو اندیش).

اولین گام در خویش کنترلی و برقراری یک رابطه موفق بین دو جنس، از زن و شوهر گرفته تا مادر و فرزند و برادر و خواهر، شناخت تفاوتهای فردی زن و مرد است. عدم شناخت این تفاوت‌ها باعث ایجاد سوء تفاهم، تنش و نهایتاً شکست رابطه دوستانه است.

در مرحله بلوغ، نوجوانی و جوانی، بیان تفاوتهای شناخت روان شناختی، جسمی و دینی بیشتر بر عهده آموزش وپروش، متولیان آموزشی و فرهنگی و رسانه ها است. بسیاری از نوجوانان بخاطر حس استقلال طلبی غریزی، دیگر به آموزه های والدین اطمینان ندارند و آنان را دارای موضع می‌دانند که قصد تحمیل خواسته های خود را به آنان دارند. به علاوه، سطح اطلاعات اکثر خانواده ها برای معرفی تمام جوانب ساحت های انسانی دو جنس کفاف نمی‌دهد و نیاز به کار پژوهشی عالمانه درین زمینه می‌باشد.

دانستن واقعیت‌های هر جنس، موجب اجتناب از رویاپردازی از جنس مخالف و جلوگیری از فریب خوردن می‌گردد.

۲. آموزش اخلاق جنسی

اخلاق برگرفته از بعد والای روحی انسان است. خدای متعال در قرآن کریم تاکید فرموده است که ما در جان انسانی بن مایه های اخلاق را قرار دادیم «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا». بر همین اساس طبع انسان با توجه و درک ارزشهای اخلاق جنسی کاملا سازگار است. چگونگی تقویت اراده و برخورد با انگیزه‌های جنسی، چگونگی مراقبت از خویش در برابر وسوسه‌ها، فراهم آوردن زمینه برای زندگی، محوریت تربیت فرزند صالح در غریزه جنسی، محوریت آرامش در زندگی جنسی و توجه به ابعاد دیگر انسانی از قبیل جهان ماورای ماده و هدف خلقت، از موضوعات مهمی است که باید در تربیت جنسی، متناسب با آمادگی تربیت شونده، به آن پرداخت. (شعاری‌نژاد، علی اکبر، روان‌شناسی رشد، تهران، انتشارات اطلاعات، ۲۹۵)

در اخلاق جنسی اصلیترین امری که باید به آن توجه کرد، ازدواج است. زیرا غریزه به صورت یک نیاز در انسان وجود دارد، و باید به گونه ای صحیح ارضا گردد. اگر انسان در زمینه مسائل جنسی درست تربیت نشده باشد، برای ارضای این نیاز به راه هایی کشیده می‌شود که هم خود او را به فساد و تباهی می‌اندازد و هم جامعه را از بین می‌برد. جامعه سالم به جامعه ای گفته می‌شود که همه یا بیشتر افراد جامعه، سالم باشند و روابط آن ها با یکدیگر با ارزش ها و هنجارهای جامعه منطبق باشد. اگر همه یا بیشتر مردم در یک جامعه به فساد مبتلا باشند و

هنجارها و ارزش‌های مقبول یک جامعه انسانی بر روابط آن‌ها حاکم نباشد، آنجامعه نیز فاسد و آلوده خواهد بود.

ازدیدگاه اکثر اندیشمندان، ازدواج (دایم یا موقت) با طبیعت انسانی سازگار است. پیامبر اکرم صلی‌الله-علیه‌وآله‌وسلم، ازدواج را وسیله‌ای برای کام جویی سالم جنسی و ارضای نیاز جنسی، عفت و سلامت فرد و جامعه می‌دانست و می‌فرمود: ازدواج، بهترین وسیله برای حفظ و فروهشتن نگاه شهوانی، عفت جنسی، پاکدامنی و شرافت انسانی است. بنابر فرمایش امیرالمؤمنین علی علیه السلام، رسول خدا صلی‌الله-علیه‌وآله این جمله را بارها تکرار می‌فرمود: هر کس دوست دارد از سنت من پیروی کند، ازدواج کند؛ زیرا ازدواج از سنت من است. و رفتارهای دیگر با طبیعت بشر و فلسفه آفرینش این غریزه مغایر است، که به آن انحراف جنسی می‌گویند

۳. آموزش احکام جنسی

تربیت احکام دینی مرتبط با جنس و جنسیت بر والدین و دیگر مربیان واجب و لازم است. مربیان باید بدانند که اگر ارزش‌های تعریف شده در خانواده با مدرسه هماهنگی لازم را نداشته باشد، کودک دچار سردرگمی و تضاد در ارزش ها می‌شوند و زمینه انحطاط فراهم می‌گردد. (سبحانی‌نژاد، مهدی و رضا همایی، ارزیابی چگونگی تربیت جنسی در خانواده های شهر اصفهان بر اساس مدل کرکلر، دومین کنگره سراسری خانواده و مشکلات جنسی، تهران: دانشگاه شاهد) بهترین راه برای آموزش صحیح استفاده از منابع صحیح دینی (قرآن، روایات، رساله مراجع) است. این احکام باید قبل از سن تکلیف، به کودکان آموزش داده شود. به عنوان مثال: آموزش احکام شرعی، طهارت و تطهیر اعضاء تناسلی، چگونگی وضو و غسل، احکام بلوغ، آموزش غسل (غسل های حیض و جنابت) و موارد وجوب غسل در پسران و دختران. همچنین احکام روابط نامشروع وخود ارضایی. محرم ونامحرم. احکام نگاه، پوشش و معاشرت و....

آنچه درین زمینه باید دقت شود این است درهنگام بیان احکام الهی و معرفی واجب، مستحب، مباح، مکروه و حرام در موارد فوق لازم است (امام علی (ع): العلم من الصغر کانقش من الحجر: تأثیر علم آموختن در کودکی، مانند نقشی است که بر روی سنگ کنده شود، وسائل الشیعه، ۱۵/ ۱۹۹) دور از هرنوع وارد کردن نظر شخصی به بیان حکم الهی پرداخته شود.

سلیقه و میل شخصی درین موارد بیان و قاطی نشود. تا فرزند بیاموزد میل فردی جدای از حکم الهی است. گاهی باید تصریح شود اگر چه میل شخصی من این است اما این کار مکروه یا حرام است. یا اگر چه من خوشم نمی‌آید اما مستحب است (به عنوان نمونه: من اگر چه از فامیلهای پدرت خوشم نمی‌آید اما صله رحم واجب است) او باید بداند اطاعت از دستورات شرع کار ساده ای نیست، و بسیاری از مردم توفیق انجام آن را ندارند. تا کودک و نوجوان از همان ابتدا برای خودش به خاطر انجام واجبات و ترک محرمات حس غرور نموده و مقدم داشتن قانون الهی و حتی اجتماعی بر خواسته‌های خود را بیاموزد.

٤. نشان دادن الگوهای موفق و ناموفق

براساس آیات قرآن فرزندان امانت الهی و نعمت های خداوندی‌اند «و جعل لکم من ازواجکم حفده»، (نحل، ۷۲) از این رو پدر و مادر در تغذیه، سلامت و تعلیم و تربیت آن‌ها مسوولند و بهترین مربیان عاطفی و مطلوب دینی هستند. (فلاح رفیع، علی، روش شناسی الگو در انتقال ارزش ها، اسلام و پژوهش های تربیتی، ش۳، ص۳۵) از رسول اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: «آگاه باشید که همه‌ی شما تا حدودی فرمانروا و نگهبان هستید در مورد فرمانبرداران خویش مؤاخذ و مسؤولید. زمامداران کشور، فرمانروایان جامعه هستند و در برابر آن مسؤول. مرد که رئیس خانواده است فرمانروای زن و فرزندان خویش است و در برابر آنان مسؤول است. زن بر کودکان خود فرمانروا و حاکم است و در برابر آنان مسؤولیت دارد «ألاکلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیته فالامیر علی الناس راع و هو مسؤول عن رعیته و الرجل راع علی اهل بیته و هو مسؤول عنهم فالمرأه راعیه علی ولده و هی مسؤوله عنه» (ورام ابن ابی فراس، مجموعه وّرام، ٦/١) با توجه به این حدیث شریف نقش زن در محیط خانواده از حیاتی‌ترین و اصیل‌ترین نقش‌ها را برخوردار است. الگو بخشی به کودک و نوجوان ومعرفی الگوها و اسوه‌های برجسته می‌تواند او را در تربیت جنسی یاری نماید. در جامعه امروز عمدتا بازیگران الگوی نوجوانان و جوان می‌شوند که رفتارهای پس از بازیگری و زندگی‌های پریشان و بهم خورده آنان الگوهای بسیار بدی می‌باشد.

۵. ایجاد حس رضایتمندی از جنسیت

فرد باید در دوره های رشد (کودکی، نوجوانی و جوانی) به گونه ای تربیت شود که با جنسیت خود کاملاً آشنا شده و آن ها را بپذیرد، قدرددان وجود خویش باشد و به آن افتخار

کند. این فرد وقتی به شناخت کافی از خود و محیط پیرامونش رسید و کمال انسانی خود راشناخت، به آرامش می‌رسد و به گونه‌ای توانمند می‌شود که عواطف و فعالیت‌های جنسی خود را در جهت قرب الهی و جلب خشنودی خداوند به کار می‌گیرد و از زندگی و جنسیت خود راضی است. (فقیهی، علی نقی، تربیت جنسی، مبانی، اصول و روش‌ها، از منظر قرآن و حدیث، ۱۳۸۸)

تفاوت‌های روان‌شناختی دختران و پسران به علت تأثیرگذاری آن در جامعه‌پذیری نوجوانان و آگاهی آنان به نقش‌های جنسیتی خود اهمیت زیادی یافته است. باورهای جنسیتی دختران و پسران جوان تفاوتهای زیادی با یکدیگر دارداز آنجا که دختران با داشتن صفات و رفتارهای فعال و اجتماعی و پسران با داشتن صفات و رفتارهای عاطفی‌تر بیشتر مورد انتقاد قرار گرفته‌اند، به نظر می‌رسد که کلیشه‌های جنسیتی همچنان در جامعه اعمال می‌شود و هر گونه فاصله‌گیری از این کیشه‌ها نوعی ناهنجاری تلقی می‌شود. (گولومبوگ، سوزان و رابینو فی وش، رشد جنسیت، ترجمه مهرناز شهرآرای، ۱۲۰) ایجاد حس رضایتمندی از جنسیت بیشتر بر دوش مربی همجنس با خود آن پسر یا دختر است. تجربه شخصی نویسنده نشان داده است مادرانی که از جنسیت خود نارضایتی بیشتری داشته‌اند، دخترانشان بیشتر در معرض روان پریشی و ناهنجاری بوده‌اند. در مقابل دختران مادرانی که از جنسیت خود رضایت داشتند، از اعتماد به نفس بهتری بر خوردار بوده و وهنجار شکنی‌های کمتری می‌نموده اتد.

٦. جلوگیری از بیماریهای روحی و روانی

بسیاری از بیماری‌های روانی و روحی از معنوی و مادی مرتبط با جنس و جنسیت است. از برخی انواع افسردگی گرفته تا خشونت و روان پریشی‌ها. به تعدادی از این بیماری‌ها اشاره می‌نماییم:

آ- آلوده شدن به معصیت: از بد ترین بیماریهای روحی و روانی مرتبط با امور جنسی، بیماری معنوی آلوده شدن به معصیت است. قرآن کریم نیز به صراحت از این امر نهی کرده است. (نور: ۳۰ - ۳۱) که گرفتار آن یا از رفتار خود پشیمان می‌شود که افسردگی را به دنبال دارد یا پشیمان نمی‌شود که گناهی بزرگ تر و یک نوع مسخ شدگی است (امام علی، فمن لم‌یعرف بقلبه معروفاً ولم ینکر منکراً قُلب فجعل أعلاه أسفله) آثار گناه بر عدم درک حقیقت و معرفت و همچنین سوق به گناهان دیگر بر صاحب نظران پوشیده نیست.

ب- تنوّع خواهی: بیماری روحی دیگری که است که در صورت تن دادن به خواست دل، تقاضای جنسی را به صورت آتشی شعله ور، عطشی روحی و خواست اشباع نشدنی درمی آورد و تقاضای جنسی را به صورت آتشی شعله ور، عطشی روحی و خواست اشباع نشدنی درمی آورد. حتی پس از ازدواج نیز روحیه‌ی هوسبازانه و تنوّع طلبانه، روانشان را آزار می‌دهد و چه بسا به سوی منجلاب فساد کشیده شوند و راه بی‌بندباری را در پیش گیرند. ویل دورانت در کتاب لذات فلسفه پس از آنکه شرح مفصلی بر معضلات اخلاقی به گونه ای توجیه وار می‌آورد: بدون شک بسیاری از این ها نتیجه‌ی علاقه اصلاح ناپذیر مردان به تنوع است و طبیعت مرد به یک زن بسنده نمی‌کند (دورانت، ۹۱)

ت- کاهش آرامش و افزایش تنش های روانی: آنانی که پیش از ازدواج، با جنس مخالف خود، رابطه برقرار می‌کنند، همیشه در نگرانی این رابطه نامستحکم وغیر شرعی بوده و پس از دلبستگی، با ادامه یا قطع آن هردو دچار مشکل روحی می‌شوند. این امر به ویژه در دختران بیشتر است و در صورت قطع ارتباط دچار حالتی «شبیه داغ دیدگی و سوگ» (کاز مارک وبک لند، مقاله «سوگ محرومیت؛ گسسته شدن پیوند عاشقانه یک نوجوان» مجله نوجوانی، به نقل از: آیت اللهی، زهره، دانش خانواده و جمعیت، ص ۲۸) مانند می‌شوند. اینان به خاطر رفتار خود هنگام ازدواج و انتخاب همسر نیز، به همه با دید شک و تردید می‌نگرند (زارعی توپخانه، روابط آزاد زن ومرد از دیدگاه آموزه‌های دینی و روان‌شناسی، ماهنامه معرفت، شماره ۱٦۳، ص ۸٦-۹٦) خدواند خود وعده فرموده است که ما آرامش را از آنان می‌گیریم (مریم: ۸۳) و نیز (طه: ۱۲٤)

۷. بهداشت و سلامت جنسی

کاوش در اندام جنسی به صورت گهگاه امری طبیعی است که دربرخی از کودکان دیده می شود. باید دقت داشت که کودکان تمرکز ضعیفی دارند و با اقدام ساده‌ای می توان او را از این کار بازداشت. از طرف دیگر دادن اطلاعات لازم در مورد جنسیت، بهداشت جنسی و حفظ سلامت اندام های جنسی ضروری است. بیماریهایی مانند: سوزاک، سفیلیس، کلامدیا، ویروس تبخال تناسلی[۱] (HSV) نوع اول و دوم، ویروس های هپاتیتE,D,C,B,A . زگیل آلت تناسلی[۲]

---

۱. این بیماری که گسترش جهانی دارد در دو نوع۱و۲در انسان دیده می‌شود 20% .افرادی که از نظر جنسی بالغ محسوب می شوند به این عفونت مبتلامیگردند. این عفونت عمدتاً در گروه سنی ۱٤ تا ۲۹ سال دیده می شود .عامل آن ویروس هرپیس سیمپلکس (Herpes

یا(HPV)، ایدز[۳] یا(HIV) و انواع بیماریهای عفونی غیر مقاربتی و دیگر بیماری های غیر عفونی و غیر مقاربتی مانند اثرات منفی خود ارضایی و خیالپردازی جنسی بر مغز و... .

نتیجه‌گیری

خانواده و اجتماع به صورت یک سیستم متعامل و به هم پیوسته است که هر کدام نقش مؤثری در تربیت جنسی کودک دارند. مربیان در اولین اقدام جهت تربیت جنسی فرزندان باید به تمام ابعاد و ساحت‌های وجودی بشری آشنا بوده و ساحت‌های غریزی جنسیتش را همراه با بعد روحانی انسانی او را در نظر بگیرند. در مطالعات حوزه جسمی و جنسی می‌بایست علاوه بر آموزه‌های دینی، به تجربیات دانشمندان روان‌شناسی و تجربی از شرق و غرب عالم مراجعه نمود و در ابعاد روحانی و ساحات ملکوتی انسان باید تنها از منابع وحیانی استفاده نمود. مربیان محترم باید در نظر داشته باشند که اسلام به همه ابعاد تربیت جنسی، از بهداشت جنسی تا چگونگی تحکیم روابط خانواده و اجتماع پرداخته است و با بهره گیری از فرامین اسلام می‌توان کانون خانواده و نظام آموزشی و جامعه را در مسیر تکامل جهت رسیدن به جامعه آرمانی قرار داد. البته والدین گرامی باید توجه داشته باشند که عوامل برون خانواده‌ای در مهار و هدایت گرایش‌های جنسی فرزند نیز به چگونگی تربیت جنسی خانواده بستگی دارد. بنابراین مربیان (اعم از والدین، معلمان و رسانه) وظیفه دارند شرایط فردی و اجتماعی را به گونه ای فراهم آورند که همراه با رشد متربی، به صورت طبیعی بر معلومات جنسی او افزوده شود و فرزند به میل خود، از خطاهای حوزه جنسی اجتناب کند.

(Simplexمی‌باشد. این ویروس را به اختصار HSV می‌گویند. دوره ی کمون این بیماری۲تا۷روزاست. به هرپس نوع اول تبخال انسانی نیز می‌گویند.

http://www.baharmedlab.com/viewnews.php?d=2013-05-02%2003:31:32

۲. زگیل تناسلی یک بیماری با ضایعات با اشکال متنوع از ضایعات برجسته براق کوچک ۱ الی ۲ میلی متر تا ضایعه برجسته مخملی شکل و ضایعات متعدد گل کلمی که همرنگ پوست یا تیره تر و یا روشنتر هستند و در نواحی تناسلی، کشاله ران و اطراف مقعد در زنان و مردان دیده می شود متغیر است.برگرفته از: http://www.beytoote.com/wedlock/learn/knowledge2-genital-warts.html.

۳. ایدز به انگلیسی AIDS :یا سندرم نقص ایمنی اکتسابی به انگلیسی Acquired immune deficiency syndrome :، نوعی بیماری است که در دستگاه ایمنی و توسط ویروس نقص ایمنی (HIV) ایجاد می‌شود.

Sepkowitz KA. "AIDS—the first 20 years". *N. Engl. J. Med.* 344, no. 23 (June 2001): 1764–72. doi:10.1056/NEJM200106073442306. PMID 11396444.

منابع

ابوطالبی، مهدی، ***اصول و روش‌های تربیت در اسلام***، جهاد دانشگاهی دانشگاه اصفهان، ۱۳٦۸.

انوشه، منیژه؛ نیکنامی، شمس الدین؛ توکلی، رضا؛ و فقیه زاده، سقراط، ***اندیشه و رفتار***، سال نهم، شماره۲، ۱۳۸۲.

آیت‌اللهی، زهرا وهمکاران، ***اخلاق خانواده***، نشرمعارف، ۱۳۹۱.

_____، ***دانش خانواده و جمعیت***، نشرمعارف، ۱۳۹۲.

بشیخی، شهاب الدین، ***المستطرف***، ۱۳٦۸.

پورامینی، محمدباقر، «تربیت جنسی در سیره نبوی»، ***مجموعه مقالات تربیت اسلامی ویژه تربیت جنسی***، قم، گروه پژوهشی تعلیم و تربیت اسلامی، سال سوم، شماره۸. (۱۳۸۳).

پیز، آلن و باربارا، ***چرا مردان دروغ می‌گویند و زنان گریه می‌کنند؟***، مترجم: حورا موسائی، سلسله مهر، ۱۳۹۲.

_____، ***چرا مردان گوش نمی‌دهند و زنان نمی‌توانند نقشه بخوانند؟***، مترجم: ناهید رشید، آسیم، ۱۳۹۳.

تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد، ***غررالحکم و دررالکلم***، ترجمه محمد خوانساری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.

زارعی توپخانه، محمد، «روابط آزاد زن ومرد از دیدگاه آموزه‌های دینی و روان‌شناسی»، ***ماهنامه معرفت***، شماره ۱٦۳، ص ۸٦-۹٦.

سامانی، سیامک، رضویه، اصغر، «روابط همبستگی خانواده و استقلال عاطفی با مشکلات عاطفی»، ***سلامت روان‌شناختی***، ش۱، ۱۳۸٦.

سبحانی‌نژاد، مهدی و همایی، رضا، «ارزیابی چگونگی تربیت جنسی در خانواده های شهر اصفهان بر اساس مدل کرکلر»، ***دومین کنگره سراسری خانواده و مشکلات جنسی***، تهران: دانشگاه شاهد، ۱۳۸٤.

شعاری‌نژاد، علی اکبر، ***روان‌شناسی رشد***، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۲.

صدیق، عیسی، ***تاریخ فرهنگ اروپا***، بی‌نا، بی‌تا.

ضیایی، زهرا؛ ضیایی، خدیجه، «تأثیر روابط سالم والدین بر تربیت دینی فرزندان»، ***طهورا*** (مطالعات زنان و خانواده)، سال چهارم، ش۱۰. (۱۳۹۰).

فقیهی، علی نقی، ***تربیت جنسی، مبانی، اصول و روش ها، از منظر قرآن و حدیث***، چاپ سوم، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۸.

فلاح رفیع، علی، «روش‌شناسی الگو در انتقال ارزش‌ها»، ***اسلام و پژوهش‌های تربیتی***، ش۳. (۱۳۹۱).

فیشر، هلن، ***جنس اول***، ترجمه نغمه صفاریان‌پور، انتشارات زریاب، تهران، ۱۳۸۱.

قائمی امیری، علی، ***مجموعه بحث‌ها در زمینه خانواده و تربیت کودک***، تهران، نشر امیری، ١٣٦٤.

کاکوجویباری، علی اصغر، ***تربیت جنسی***، قم، نشر تربیت اسلامی پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۳.

کجباف، محمدباقر، ***بررسی رفتار جنسی از دیدگاه روان‌شناسی و اسلام***، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته روان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۰.

گری، جان، ***مردان مریخی و زنان ونوسی***، ترجمه قدر گلکاریان، نشر پارس بوک.

گولومبوگ، سوزان و رابینو فی وش، ***رشد جنسیت***، ترجمه مهرناز شهرآرای، تهران: ققنوس، ۱۳۸۷.

مطهری، مرتضی، ***اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب***، چاپ هفتم، ۱۳۷۲.

ورام، ابن ابی فراس، ***مجموعه وّرام***، قم، مکتبه فقیه، بی‌تا.

یوسفیان، نعمت الله، ***تربیت دینی***، قم، زمزم هدایت، ١٣٨٦.

http: //akhlagh. tahzib-howzeh. ir/index. aspx ؟siteid=239&pageid=21877

http: //www. baharmedlab. com/viewnews. php

http: //www. beytoote. com/wedlock/learn/knowledge۲-genital-warts. html .

R. Mc Care and P. Costa Pesonality in Aduthhood. P.10

www. pezeshkonline. Ir

www. hidoctor. ir

مجموعه مقالات نهمین همایش ملی اشراق اندیشه مطهر، **خانواده و تربیت جنسی**
اردیبهشت ۱۳۹٤، ص ۲۱۷-۱۹۹

شیوه های غیر مستقیم تربیت جنسی در دوران کودکی و نوجوانی از منظر قرآن و حدیث

نیره امانی/ دانشجوی دکتری مدرسی معارف گرایش مبانی نظری اسلام[1]
عاطفه ملاحسینی/ طلبه سطح دو حوزه علمیه شهید مطهری(ره) کرج

چکیده

اخلاق جنسی قسمتی از اخلاق است که شامل آن عدّه از عادات و روش هایی مـی شـود کـه بـه غریزه جنسی مربوط می شود. این عادات اگر مطلوب باشد موجب رشد و کمـال انسـان اسـت و اگـر نامطلوب باشد به انحطاط فرد می‌انجامد. بدیهی است پرداختن به موضوع تربیت جنسی و آمـوزش راه و روشی که قرآن و روایات در این باب سفارش می کنند، می تواند به حفظ عفت و سلامت و پایداری خانواده ها کمک کند و به دنبال آن فساد و فحشا در جامعه کم می شود و سهل انگاری و بی اهمیتی به این مسئله موجب از بین رفتن حیا و حریم ها و فروپاشی خانواده ها و شیوع فساد و فحشا در جامعـه می شود. در این مقاله سعی بر آن شده که از جنبه ی روان شناسی دینی به این مسئله پرداخته شود و از آثار و کتب روان‌شناسان اسلامی شیعی استفاده گردد و به این سؤال پاسخ داده شود که راه‌های آموزش اخلاق جنسی در دوران کودکی و نوجوانی از منظر قرآن و حدیث چیست؟ این آمـوزش خـود شـامل تربیت مستقیم و غیر مستقیم می‌شود و ما تربیت غیر مستقیم را برگزیده‌ایم. لازم به ذکـر اسـت کـه از جنبه ارائه راهکارها به این مسئله پرداخته شده است.

کلید واژه ها: اخلاق جنسی، هویت جنسی، غریزه جنسی، تربیت غیر مستقیم جنسی.

---

1. NayereAmani@yahoo.com

مقدمه

اخلاق جنسی، آن قسمت از اخلاق است که شامل عادات و روش های بشری است کـه بـا غریزه جنسی بستگی دارد، و نقطه ی مقابل آن اخلاق نـوین جنسـی قـرار دارد؛ اخـلاق نـوین جنسی در غرب بر اساس آزادی جنسی بنا شده است و فیلسوفان و اندیشمندان به تبلیغ آزادی جنسی و بیرون کشیدن تمتع جنسی به بیرون از کانون خانواده و اجتماع می‌پـردازد و در صـدد انتقال و نشر عقاید خود در این زمینه به سایر نقاط جهان و از جمله کشورهای اسلامی هستند، از این رو، به خصوص در این زمان و به منظور جلوگیری از تهاجم فرهنگ اشتباه غـرب، لازم است که به مطالعه دیدگاه اسلام و قرآن و روایات وارده از معصومین در زمینه اخـلاق جنسـی پرداخته شود و سعی بر آموزش و تبلیغ و انتشار هرچه بیشتر آداب و روش هایی که اسـلام در این زمینه توصیه می‌کند، شود.

اخلاق جنسی قسمتی از اخلاق است که شامل آن عدّه از عادات و روش هایی می شود کـه به غریزه جنسی مربوط می شود. این عادات اگر مطلوب باشد موجب رشد و کمال انسان است و اگر نامطلوب باشد به انحطاط فرد می انجامد. بدیهی است پرداختن به موضوع تربیت جنسی و آموزش راه و روشی که قرآن و روایات در این باب سفارش می کنند، می تواند به حفظ عفت و سلامت و پایداری خانواده ها کمک کند و به دنبال آن فساد و فحشا در جامعه کم می شود، و سهل انگاری و بی‌اهمیتی به ایـن مسـئله موجـب از بـین رفـتن حیـا و حـریم‌هـا و فروپاشـی خانواده ها و شیوع فساد و فحشا در جامعه می شود، به این سبب بر آن شدیم تـا بـا اسـتفاده از قرآن و حدیث به تحقیق در زمینه اخلاق و تربیت جنسی بپردازیم. لزم به ذکر است که اخـلاق جنسی در علم روان‌شناسی از نظر روانی به مطالعـه‌ی نیـاز جنسـی و بلـوغ و تحـولات دوران کودکی به نوجوانی می پردازد، و در علم جامعه‌شناسی از جهت تأثیری که بر جامعـه دارد و در علم اخلاق اسلامی از جنبه ارائه راهکار ها به این مسئله پرداخته شده است. همچنین در تفسیر با بیان پیام های برگرفته از آیات الهی و در علم فقه از منظر احکـام وارده کـه بـه دو دسـته ی: احکام پیش گیرنده از انحراف جنسی و احکام مربوط به مجـازات متخلفـان تقسـیم مـی‌شـود، مورد مطالعه و بررسی قرار می گیرد. در این تحقیق سعی بر آن شده که از جنبه‌ی روان‌شناسـی دینی به این مسئله پرداخته شود و از آثار و کتب روان شناسان اسلامی شیعی استفاده گردد و به این سؤال پاسخ داده شود که راه های آموزش اخلاق جنسـی در دوران کـودکی و نوجـوانی از

منظر قرآن و حدیث چیست؟

پیشینه تحقیق

دین اسلام، دین جامع و کاملی است که در همه‌ی زمینه‌ها احکام و قوانین و توصیه‌هایی دارد و از جمله به آموزش اخلاق جنسی پرداخته و به آن اهمیّت فراوان داده است، تا آنجا که در یکی از سوره‌های قرآن (سوره نور) به طور مفصل درباره‌ی این موضوع بحث کرده و روش‌هایی را جهت حفظ عفت و پاک دامنی بیان نموده است و روایات فراوانی از ائمه‌ی معصومین وارد شده که به این مسئله اهمیّت فراوان داده‌اند و شیوه‌های تربیت جنسی را آموزش داده‌اند، و همچنین در کتاب‌های تفسیری پیرامون آیات مربوط به عفاف، به این موضوع پرداخته شده است. از جمله‌ی کتاب‌هایی که در روند این تحقیق مورد مطالعه قرار گرفت عباتند از: مطهری، مرتضی، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، ۱۳۸۸. و همچنین فقیهی، علی نقی، تربیت جنسی؛ مبانی، اصول و روش ها، از منظر قرآن و حدیث، ۱۳۸۸. در کتاب شهید مطهری تنها به تعریف اخلاق جنسی، از دیدگاه غرب و اسلام پرداخته شده و با منطق و استدلال قوی نظریه های فلاسفه غرب را مورد انتقاد قرار داده و منطق عالی اسلام را بیان نموده است. اما تنها کتابی که انواع روش ها و مسائل تربیتی را در این زمینه بیان کرده بود و در این تحقیق کمک شایانی کرد اثر فقیهی، علی نقی، تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش‌ها، از منظر قرآن و حدیث بود.

معنای لغوی واژگان

حلم: الحاء واللام و المیم، اصولٌ ثلاثه: الاولُ ترکُ العَجله، والثانی تَثَقُّبُ الشَّیء، الثالث رُؤیَه الشَّیء فی المَنام. (ابن فارس بن زکریا، ۲٤۹)

(ح. ل. م) ریشه سه معنایی دارد: اول به معنی صبر و ترک عجله، دوم: سوراخ کردن چیزی، سوم: دیدن چیزی در خواب.

حَلَمَ: رَأیَ فی نَومِه رُؤیا. وَ حَلَمَ الصَّبیُّ: أدرکَ و بَلَغَ مَبلَغَ الرِّجال. وَ حَلَمَ به و عنه: رأی له رؤیا. و حَلَم الشیءَ و به: رآهُ فی نومِه. اَلحُلمُ: ما یراه النائم فی نومه. جمعه: أحلام. (أنیس، ۱۹٤– ۱۹۵)

حَلَمَ: در خوابش رؤیا دید. و حَلَمَ الصَّبیُّ: طفل به سن بلوغ رسید. وحَلَمَ به و عنه: برای او رؤیا دید. وَ حَلَمَ الشیءَ و به: آن را در خوابش دید. اَلحُلمُ: آنچه که می بیند شخص خواب بیننده در خواب و جمع آن أحلام است. و یکی از مترادف‌های واژه حُلُم، واژه‌ی بلوغ است.

حَلَمَ: الحُلمُ: الرُّؤیا، یقال: حَلَمَ یَحلُمُ إذا رأی فی المَنامِ. والحُلمُ: ألإحتلامُ، و یَجمَعُ علی الأحلام، والقاعِلُ حالِمٌ و مُحتَلِمٌ. والحِلمُ: الأناه و یُجمَعُ علی الأحلام. (الفراهیدی، ۱۹۵)

حَلَمَ: الحُلمُ: خواب و رؤیا، می گویند: خواب دید هنگامی که در خواب بود. والحُلمُ: جماع کردن و جنب شدن در خواب و جمع بسته می شود به صورت أحلام، و اسم فاعل آن حالم و محتلم است. الحِلمُ: بردباری است و جمع آن أحلام است. و حِلم: بردباری است و جمع آن احلام است.

حَلَمَ: الحُلمُ و الحُلُم: الرّؤیا، والجمع أحلام. یقالُ: حَلَمَ یَحلُمُ إذا رأی فی المنام. و حَلَمَ بِه و حَلَمَ عنه و تَحَلَّمَ عنه: رأی له رُؤیا أو رآه فی المنام. (ابن منظور، ۳۰٤)

حَلَمَ: الحُلمُ والحُلم: خواب و رؤیا و جمع آن احلام است. می گویند: خواب دید هنگامی که در خواب بود. وحَلَمَ به و حَلَمَ عنه: برای او خواب دید یا او را در خواب دید.

حُلم: حُلم بمعنی البلوغ: و هو عباره عن حصول حاله فیها تنضبط النفس و تَتَخلَّصَ عن الطیش والإضطراب و هیجان زمان الطُفولیه (و إذا بلغ الأطفال منکم الحُلُمَ). (نور: ۵۹) أی زمان انضباط النفس و حصول حاله السکون و الاستقرار و التعقل. (مصطفوی، ۳۲۰/۲)

حُلم به معنی بلوغ است و بلوغ عبارت است از حصول حالتی که در آن تعدیل می‌شود نفس و خالص و جدا می شود از کم خردی و اضطراب و هیجان زمان کودکی. و از همین معناست واژه‌ی حُلُم که در آیه‌ی پنجاه نه سوره نور قرار دارد. (و هنگامی که کودکان شما به سن بلوغ رسیدند).

حَجَبَ: الحاء و الجیم و الباء أصلٌ واحد، وهو المنع. یقال: حجبتهُ عن کذا؛ أی مَنَعتُهُ. (ابن فارس بن زکریا، ۲۰۹)

(ح. ج. ب) ریشه‌ی تک معنایی دارد، و آن بازداشتن و محروم کردن است. گفته می شود: جلوگیری کردم از چیزی؛ یعنی محروم کردم او را از چیزی.

حَجَبَ بینهما و حَجَبَ حُجباً: حالَ. و حَجَبَ الشیءَ: ستره. و حجب فلاناً: مَنعَهُ مِنَ الدّخول أو المیراث. إحتَجَبَ: إستَتَر. تَحَجَّبَ: إحتَجَبَ. وألحِجابُ: السّاتِر و الجمع الحجاب: حُجُبٌ.

(انیس، همان، ١٥٦)

حَجَبَ بینهما و حجب حُجباً: میان آن دو قرار گرفت و حائل و مانع شد. وحجب الشیءَ: پوشانید، پنهان کرد. وحَجَبَ فلاناً: او را از داخل شدن جلوگیری کرد یا او را از ارث بازداشت. إحتَجَبَ: ماضی باب افتعال و به معنای ناپدید شد، از دیدگان نهان شده است. تَحَجَّبَ: ماضی باب تَفَعُّل و به معنی إحتَجَبَ یعنی ناپدید شده است. وألحجاب: روپوش، پوشاننده و جمع آن حُجُب است.

حَجَبَ: اَلحَجبُ: کُلُّ شیءٍ مَنَعَ شَیئاً مِن شیءٍ فَقَد حَجَبَهُ حَجباً. (الفراهیدی، همان، ١٦٣)

حَجَبَ: الحَجبُ (کم کردن سهم ارث یا محروم کردن او): هرچیزی که محروم می کند چیزی را از چیزی، پس به معنی در پرده کرد و پوشاند هم هست.

حجب: الحِجابُ: السّترُ. و إمرأه محجوبهٌ: قد سُتِرَت بِسِترٍ. و حَجَبَه: أی مَنَعَه عن الدخول. (ابن منظور، ٥٠)

حجبَ: الحجابُ: پنهان شدن، پوشاندن. و إمرأه محجوبهُ (زنی که خود را پوشانیده است): یعنی بوسیله پوششی خود را پوشانیده است. و حَجَبَه: یعنی محروم کردن او و از داخل شدن.

حَجَبَ: أنَّ الحجاب هو الحائل الحاجز المانع عن تلاقی شیئین أو أثرهما. سواء کانا مادّیّن أو معنوییّن أو مختلفین. (مصطفوی، همان، ٢/ ١٩٥.) و فی قول الله عزوجل: «و إذا سألتُموهنَّ متاعاً فَسألوهنَّ مِن وراءِ حجاب» (احزاب: ٥٣)

حجب، حجاب پوششی است که آن حائل و مانع و سدّی است از برخورد دو چیز یا برخورد اثر آن ها، خواه مادّی باشند یا معنوی و غیر مادّی یا یکی مادّی باشد و دیگری معنوی و چنانچه خداوند عزوجل فرموده: (و هرگاه از همسران پیامبر چیزی از وسایل زندگی [به عنوان عاریت] خواستید از پشت پرده بخواهید).

خلق: الخَلیقَهُ: اَلخُلُقُ، والخَلیقَهُ: الطّبیعتُ و الجمیعُ: اَلخَلائقُ. (الفراهیدی، همان، ٢٤٠)

خلق: به معنای الخلیقه است و الخلیقه و الخُلُقُ و الطّبیعتُ به معنای خوی و طبیعت و سرشت آدمی هستند و جمع الخلیقه، الخلائق است.

الغَریزهُ: الطّبیعه و القریحه و السَّجیه. الغریزه فی الفلسفه: صوره من صُوَر النشاط النفس و طِراز من السلوک یعتمد علی الفطره و الوراثت و جمعه غرائز. (انیس، همان، ٦٤٩)

الغریزه: به معنی سرشت و قریحه و خوی است و غریزه در فلسفه، صورتی از صورت های

رغبت نفس است و روشی از سلوک که تکیه دارد بر فطرت و وراثت و جمع آن غرائز است.

الهُویَّه: فی الفلسفه: حقیقه الشیء أو الشخص الّتی تمیزه عن غیر. الهویه بطاقه: یثبت فی ها اسم الشخص و جنسیته و مولده. (همان، ۹۹۸)

الهُویَّه در فلسفه به معنای حقیقت و اصل چیزی یا شخص است که سبب شناخته شدن او از دیگری می‌شود. و الهویه بطاقه: یعنی شناسنامه و چیزی که ثبت می‌شود در آن اسم شخص و جنسیت او و فرزندان او.

معنای اصطلاحی واژگان

حُلُم: خواب که دیده شود و جمع آن احلام است و از همین معناست احلام که در سوره‌ی یوسف آمده است. (حسینی دشتی، ٤/ ٦٤٦) «و ما نحن بتأویل الأحلام بِعالِمین». (یوسف: ٤٤)

حجاب: پوشش و روگیری، س‌تر و عفاف. و در اصطلاح شرع به معنای پوشیدن زن خود را از نامحرم است که از دستورات اکید اسلام و از ضروریات و بدیهیات این دین و همه‌ی ادیان آسمانی است. (حسینی دشتی، همان، ۳۷۸)

اخلاق: خوی‌ها و روش‌ها آدمی در کارهای روزمرّه و شیوه‌های متّخذ او در زندگی خویش است. و اخلاق جمع خُلق یا خُلُق است. (همان، ۱۷/۲)

غریزه: سرشت و طبیعت و جمع آن غرائز است. غریزه ملکه ای است که از آن صفات ذاتی صادر می‌شوند، و خُلق و خوی به غریزه نزدیک است به جز اینکه در خوی اعتیاد مداخله دارد ولی در غریزه چنین نیست. (همان، ۷/ ۵۹۷)

هویّت: تشخّص، خود و اصل هر چیز. (همان، ۱۰/ ۵۵۳)

تعریف اخلاق جنسی

اخلاق جنسی، قسمتی از اخلاق به معنای عام است و شامل آن بخش از عادات و روش‌های بشری است که با غریزه‌ی جنسی بستگی دارد؛ این عادات و روش‌ها که عبارتند از: حیاء زن از مرد، غیرت ناموسی مرد، عفاف و وفاداری زن نسبت به شوهر، س‌تر عورت، پوشاندن بدن زن از نامحرم، منع زنا، تحریم نظر بازی، تحریم ازدواج با محارم، حرمت نزدیکی با زن در دوران حیض، منع انتشار صور قبیحه و تقدس یا پلیدی تجرد، همگی جزء

اخلاق جنسی به شمار می‌روند. (مطهری، ۱۳۸۸)

مورد متضاد اخلاق جنسی

در مقابل اخلاق جنسی، آزادی بی‌حدو مرز جنسی قرار دارد که به توضیح آن پرداخته خواهد شد.

آزادی جنسی: موضوع ارضای غریزه جنسی یکی از مواردی است که در جهان غرب، به مردم بیش از اندازه‌ی مصلحت آزادی داده شده است. بسیاری از دختران و پسران آن کشورها، در اثر آزادی بی‌حساب دچار تندروی شده و در اعمال غریزه‌ی جنسی به منجلاب فساد اخلاق سقوط کرده‌اند. (فلسفی، ۳۳۳/۲) متفکرین غربی معتقدند زن و مرد نه تنها قبل از ازدواج باید از معاشرت‌های آزادانه‌ی جنسی بهره‌مند شوند، بلکه ازدواج نیز نباید مانعی در این راه به شمار آید، و نیز باید اخلاق کهن در امور جنسی را واژگون کرد و اخلاق جدیدی را بر پایه‌ی آزادی جنسی بنا کرد. زیرا اخلاق جنسی کهن بر اساس محدودیت و ممنوعیت بنا شده و هرچه جنایت و ظلم و ناراحتی بر سر بشر آمده است، از خاطر همین محدودیت‌ها و ترس‌های ناشی از آن است. (مطهری، همان، ۲۵)

مورد مترادف اخلاق جنسی

مسئله‌ای که می‌توان آن را هم ردیف اخلاق جنسی بیان کرد موضوع تربیت جنسی است که به توضیح آن می‌پردازیم: مقصود از تربیت جنسی، این است که به گونه‌ای کودک را پرورش دهیم که وقتی به سن بلوغ رسید، حلال و حرام را در مسائل جنسی تشخیص دهد و به وظایف زناشویی و همسری آگاه باشد و راه و رسم عفت اسلامی، منش او باشد و در وادی شهوت سرگردان نشود. (فقیهی، ۲۰)

اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام

خداوند عضوی از اعضای جسمانی را بیهوده آفریده است و نه استعدادی از استعدادهای روحی را، و همان طور که همه اعضای بدن باید حفظ شوند و به آن‌ها غذای لازم برسد، استعدادهای روحی از جمله استعداد جنسی نیز باید حفظ شوند به آن‌ها غذای لازم برسد تا

سبب رشد آن‌ها شود.

بنابراین اسلام معتقد است که باید استعدادهای روحی را پروراند و نباید آن ها را سرکوب کرد، بلکه باید آن ها را اشباع کرد؛ اما اشباع غریزه جنسی باید با دعایت اصل عفت و تقوا باشد، و تنها در سایه عفت و تقواست که می‌توان غریزه را اشباع کرد و جلوی هیجان‌های بی جا و ناراحتی ها و احساس محرومیت ها را گرفت. اسلام تدابیری برای تعدیل و رام کردن این غریزه اندیشیده است، از یک سو، قوانینی را برای زن و مرد وضع کرده که یکی از آن‌ها در بین زن و مرد مشترک است و مربوط به نگاه کردن است و دیگری مختصّ زنان است و مربوط به حجاب و خودداری از هر رفتاری که موجب تهییج جنسی مردان می شود، است. و از سوی دیگر، برای جلوگیری از طغیان و یا سرکوبی این غریزه دستور به اشباع آن در چارچوب ازدواج داده است. اسلام اصرار فراوانی دارد که محیط خانوادگی آمادگی کامل برای کامیابی زن و شوهر از یکدیگر داشته باشد، و محیط اجتماع بزرگ، محیط کار و فعالیت باشد و از هر نوع کامیابی جنسی در آن محیط خودداری شود. (مطهری، ۵۱ – ۷٤) قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید:

«وَ الَّذینَ هُم لِفُرُوجهِم حَافِظُونَ. إلَّا عَلَی أزوَاجِهِم أو مَامَلکَت أیمَانُهُم فَاِنَّهُم غَیرُ مَلُومِینَ. فَمَن أبتَغی وَرَآءَ ذَلِکَ فَأولئکَ هُمُ العَادُون» (مومنون: ۵–٦–۷)

آنان که دامان خود را از گناه حفظ می کنند. مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانشان که به دست آورده‌اند، پس آنان [در آمیزش با این دو گروه] ملامت نمی‌شوند. پس هرکس که فراتر از این [همسر و کنیز] بخواهد، آنان کسانی هستند که متجاوزند.

کلمه (حَافِظُونَ) بیانگر این مطلب است که شهوت طغیانگر است و به کنترل و حفاظت نیاز دارد و جمله‌ی (إلَّا عَلَی أزوَاجِهِم) نشان دهنده‌ی این مطلب است، که در ارضای غریزه‌ی جنسی، محدودیت لازم است ولی ممنوعیت خلاف فطرت است و پیام جمله (غَیرُ مَلُومِینَ) این است که حیای نابه جا ممنوع می‌باشد و همین که اسلام، انجام کاری را اجازه داده است، همه‌ی سنّت‌ها و عادت‌ها و سلیقه‌های شخصی و مخالف دین، محکوم است. (قرائتی، ۸٤)

در ادامه به تأثیر نیازهای عاطفی و روانی و همچنین تأثیر دعا و اعمال دینی در تربیت جنسی و لزوم شکوفاسازی فطرت و پرورش حیا و عفت و غیرت در کودکان و نوجوانان پرداخته شده است.

آ- تأمین نیاز عاطفی- روانی

از آنجا که نیازهای عاطفی و روانی به طور غیرمستقیم در تربیت جنسی کودک موثر است، از این رو لازم است که این نیاز ها معرفی و شناخته شوند تا بتوان با توجه و پرداختن به آن ها کودک را به وجه بهتری تربیت کرد. به این سبب در اینجا مواردی از این نیازها که بیشتر از بقیه، بر تربیت جنسی موثر است ذکر می‌شود. (فقیهی، همان، ۱۸۱)

۱- محبت کردن

کمبود محبت عوارض زیانباری بر روح و روان و حتی بر جسم کودک می گذارد، همان طور که محبت کافی به کودک، موجب رشد سالم جسمی، روحی و روانی او می شود و قابلیت های بسیاری را در وی ایجاد می کند. پاسخ گویی به نیازهای عاطفی کودک او را در حالت اعتدال روحی- روانی قرار می دهد و موجب افزایش اعتماد به نفس و احساس ارزشمندی در کودک می‌شود. اما اگر این نیاز کودک ارضا نشود، مشکلات بسیاری را پدید می آورد و موجب می شود که او در آینده گرچه در زندگی موفق هم باشد، احساس بی ارزشی و خودکم بینی کرده و به خود و دیگران بی اعتماد شود، همچنین با محبت کردن به کودک می توان جلوی بسیاری از انحرافات را گرفت، زیرا یکی از عوامل مهمی که اطفال و نوجوانان را به سوی بزه کاری سوق می‌دهد، کمبود محبت است و نیز کودکانی که مورد بی‌مهری والدین و اطرافیان قرار می گیرند، این کمبود محبت زمینه‌ی انحراف جنسی را در آینده برای آن‌ها فراهم می‌سازد. زیرا نوجوانی که در کودکی نیاز به محبت از ارضا نشده ممکن است با دیدن کمترین محبت از سوی جنس مخالفش جذب او شود.

از تأثیرات دیگر مهرورزی به کودک این است که او، شیوه‌ی محبت کردن به دیگران را می‌آموزد و موجب می‌شود که در آینده، بتواند به همسر و فرزندان و دیگران محبت کند. (حسینی زاده، ۸۹ – ۹۰) البته نکته مهمی که در مسئله ی محبت به کودکان باید به آن توجه داشت، این است که نباید تنها به محبت درونی بسنده کرد؛ زیرا محبت هنگامی مؤثر و مفید خواهد بود که آن را ابزار و کودک را از محبت خود به او آگاه کرد، و گرنه اصل محبت داشتن تنها برای محبت کننده می تواند مفید باشد، نه برای محبت شونده (حسینی، ۸۹). امام کاظم (ع) از پیامبر(ص) روایت می کند که فرمود: «إذا أحَبَّ أحَدَكُم أخاه فَلْيُعلَمهُ فَإنَّه أصلَحَ لِذاتِ بينكم» (مجلسی، ۱۸۲/۷٤) (هرگاه یکی از شما برادرش را دوست داشت، این دوستی را به اطلاع او

برساند که این کار برای رابطه‌ی بین شما بهتر است.) و نیز از پیامبر درباره‌ی محبت و ترحم به کودکان روایت شده: «أحِبُّوا الصِّبیانَ وَ ارحَمُوهُم، إنَّ اللهَ لا یَغضِبُ لِشَیءٍ کَغَضَبه لِلنِّساءِ و الصِّبیان» (حرّعاملی، ۵/ ۱۲٦) (کودکان خود را دوست بدارید و به آن ها ترحم کنید، همانا خداوند بر هیچ چیزی خشم نمی‌گیرد، آن چنان که به خاطر زنان و کودکان خشم می‌گیرد).

۲- نوازش کردن

یکی از بهترین وسایل پرورش صحیح عواطف کودکان، نوازش کردن و ابراز مهر و محبت نسبت به اوست. همان طور که کودک فطرتاً به غذا و آب و هوا و خواب احتیاج دارد، به محبت و نوازش نیز محتاج است، کودک از بوسیدن، در آغوش گرفتن، نوازش کردن، محبت نمودن، خشنود می شود و لذّت می برد، و کودکی که از محبت خانوادگی و از مهر و نوازش پدر و مادر محروم مانده باشد، ضمیری افسرده و روحی ناشاد دارد. از این رو با نوازش کردن کودک نیاز درونی‌اش تأمین می‌شود و دیگر احساس کمبود نمی‌کند تا برای ارضای آن، جذب افرادی شود که از او سوء استفاده ی جنسی بکنند. (فلسفی، همان، ۱۵۰/۲) پیغمبر اکرم فرمود: «نَظَرَ الوَالِدِ إلَی وُلدِهِ حُبّاً لَهُ عبادَةً» (نوری طبرسی، ۱۵/ ۱۷۰) (نگاه محبت آمیز پدر به صورت فرزندش برای او عبادت است).

۳- ارزش دادن

احترام به کودک در روح وی تأثیری عمیق می گذارد، به طوری که این تأثیر در رفتار فرد بروز می کند، زیرا رفتار انسان ها بر پایه‌ی شناخت و دیدگاهی است که نسبت به خود دارند و معمولاً این شناخت از طریق نگاهی که دیگران به انسان دارند بدست می آید. بنابراین اگر والدین و اطرافیان کودک با بی احترامی با او رفتار کنند، و او را مورد تحقیر و سرزنش قرار دهند، شخصیت او به صورت شخصیتی وابسته، ذلیل، حقیر و منفی شکل می‌گیرد و اگر با او به طریقه‌ی احترام و اکرام رفتار کنند، شخصیت وی به صورت مستقل، عزیز و مثبت شکل می‌گیرد و به خود به دیده‌ی احترام می‌نگرد و در نتیجه رفتار وی سالم و به هنجار خواهد بود؛ بنابراین والدین و مربیان باید توجه داشته باشند که بی احترامی، آثار منفی بسیاری در شخصیت کودک می گذارد، زیرا که تحقیر شخصیت کودک، آثار ضد تربیتی بسیاری را به دنبال دارد و هرگز نمی توان از کودکی که همواره مورد بی احترامی و اهانت قرار گرفته، انتظار نیکی داشت (حسینی‌زاده، ۱۰۳/۱– ۱۰٤). امام هادی فرمود: «مَن هَانَت عَلَیهِ نَفسُهُ فَلَا تأمَن شَرُّه» (مجلسی،

۷۵/ ۳۰۰) کسی که خودش را خوار ببیند از شرّ او بترس.

٤- هدیه دادن

والدین با هدیه دادن به کودکان خود، می توانند خود را به آن‌ها نزدیک کنند و نیز مانع از آن شوند که دیگران از این طریق بخواهند فرزندانشان را جذب خود کنند و به بی راهه برند و یا از آن‌ها سوء استفاده جنسی کنند (فقیهی، ۱۸۵- ۱۸٦). رسول اکرم فرمود:

مَن دَخَلَ السَّوقَ فَاستَرَی تُحفَهً إلَی عَیالِهِ کَانَ کَحامِلِ صَدَقَهً إلَی قَومٍ مَحَاوِیجِ ولْیَبدَأ بالإنَاثِ قَبلَ الذُّکُورِ، فَإنَّهُ مَن فَرَّحَ ابنَهً فَکأنَّما أعتَقَ رَقَبَهً مِن وُلدِ إسمَاعِیلَ وَ مَن أقَرَّ عَینَ ابنِ فَکَأنَّما بَکَی مِن خَشیَهِ اللهِ، وَ مَن بَکَی مِن خَشیَهِ اللهِ أدخَلَهُ اللهُ جنّاتَ النَّعِیمِ. (مجلسی، ۱۰٤/ ٦۹) کسی که به بازار می‌رود و برای اعضای خانواده‌ی خود هدایایی می‌خرد، مانند کسی است که برای تهیدستان و فقیران، صدقه می‌برد و بهتر است که دادن هدیه‌ها را از دختر شروع کند؛ چرا که کسی که دختر خود را شاد کند، مانند کسی است که بنده‌ای از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده باشد و کسی که پسر را شاد کند، مانند کسی است از ترس خدا گریه کرده باشد، خداوند، او را وارد بهشت می کند.

۵- تأمین امنیت

کودکانی که ناایمن هستند و در خود احساس امنیت نمی‌کنند، به دنیای خارج اعتماد ندارند و از نزدیک شدن به انسان‌ها وحشت دارند، به همین دلیل از ازدواج فرار می‌کنند و یا در زندگی زناشویی خود، قادر به برقراری ارتباط صمیمانه با همسرانشان نیستند زیرا محبت همسرانشان را واقعی نمی‌دانند و عشق را به تمسخر می‌گیرند، بلکه این ویژگی از آن‌ها شخص ناامید، بدبین و مطرود از دیگران می‌سازد که نمی‌تواند مهر و احساس عاطفی به جنس مخالف داشته باشد و با او انس بگیرد، بنابراین بر والدین و مربیان لازم است که برای تأمین احساس امنیت در کودک تلاش کنند (حسینی‌زاده، ۱/ ۱۸۹- ۱۹۰). آقای محمدرضا پوراحمدی لاله در کتاب روان‌شناسی کودک چنین نگاشته است: معضلات بی‌مهری، تبعیض، جدایی پدر و مادر، جنگ و ستیز در خانه، همه و همه دیواری است، شکسته، که آوار آن تن نحیف کودک و نوجوان را در بر می‌گیرد. آن‌ها، خانه‌ای را می‌طلبند که ستون‌های آن به عظمت قامت پدر و مادر دلسوز باشد که هرگز نلرزد و خراب نشود (پور احمدی لاله، ۲۸٤).

بنابراین مسئولیت پدر و مادر بیشتر و مهم تر از دیگران (خواهران و برادران و مربیان)

می‌باشد.

ب- دعا کردن

برقراری رابطه ی عاطفی با خداوند و دعا کردن برای هدایت و سلامت جسمی و روانی فرزند و عدم پیدایش انحراف جنسی از جمله کارهایی است که به صورت غیر مستقیم در رشد سالم جنسی و پیش گیری از انحراف جنسی فرزندان موثر است؛ از جمله اقداماتی که می‌توان در این رابطه انجام داد عبارتند از (فقیهی، ۱۹۰- ۱۹۱):

۱- دعا کردن به هنگام انعقاد نطفه

از جمله اقدامات تربیتی که والدین قبل از بسته شدن نطفه می توانند انجام دهند از این قرار است:

یک- اولین شرط برای زن و شوهری که می خواهند جهت فرزند دار شدن، آمیزش کنند، استغفار و توبه کردن بسیار، قبل از اراده به این کار است.

دو- وضو گرفتن، زیرا اگر زن و شوهر وضو بگیرند فرزندشان از بخل و نفهمی و کوردلی در امان خواهد ماند.

سه- طلب فرزند سالم و صالح از خداوند و خواندن این دعا که امام صادق (ع) به نقل از امیرالمونین (ع) بیان داشته (ملا احمدی، ۱۱٤- ۱۱۵): «إذَا جامَعَ أحَدَكُم فَلیَقُل: بسمِ الله و باالله، اللهُمَّ جَنِّبنِیَ الشَّیطَانَ وَ جَنِّبَ الشَّیطانَ ما رَزَقتَنی؛ فَإنَ قَضَی اللهُ بَینَهُما وَلَداً لَا یَضُرُّهُ الشَّیطَانَ بِشَیءٍ أبَداً» (حرّعاملی، ۲۰/ ۱۳٦). هنگامی که می خواهید آمیزش کنید، بگویید: بسم الله و بالله، خدایا! شیطان را از من و از آنچه به من عطا می‌کنی دور کن، پس اگر خداوند فرزندی به آن‌ها عطا کند، شیطان، هرگز نمی‌تواند به او آسیبی برساند.

۲- آکنده کردن فضا از ذکر خدا

والدین باید پس از تولد کودک فضای زندگی او را از یاد خدا پرکنند و در گوش او اذان و اقامه بگویند تا با تأثیر در کودک، زمینه ی هدایت او فراهم شود، و نیز کودک از شر شیطان در امان باشد (فقیهی، ۱۹۲). سلیمان جعفری می گوید، شنیدم امام رضا می فرمود: «أذِّن فی بیتک فَإنَّهُ یَطرُدِ الشَّیطَانَ وَ یَستَحِبُّ مِن أجلِ الصِّبیان (حرّعاملی، ۵/ ٤۱۳)» در خانه ات اذان بگو که موجب دوری شیطان می‌شود و این کار برای کودک پسندیده است.

۳- آموزش دعا به کودک

عبادت ضمن اینکه هدف است، روش تربیت اسلامی هم هست. دعا خواندن که خود نیز به منزله‌ی عبادت است جزء روش‌های اساسی تربیت اسلامی است. در دعاهایی که خواندن آن‌ها از طریق پیشوایان معصوم توصیه شده است، غالباً مضمون دعا فرد را به عظمت مقام خداوند، نعمت‌های الهی، خودشناسی، خویشتن داری، اتصال به مبدأ و رشد و تکامل خود و اموری از این قبیل متوجه می سازد (شریعتی، ۲۳۹- ۲٤۰). بنابراین آموزش دعا به کودکان تأثیر شگرفی در تربیت معنوی آن‌ها دارد. مقوله‌ی دعا و نیایش در مکتب اسلام آن چنان وسیع و غنی است که می توان آن را یک فرهنگ تلقی کرد؛ در این فرهنگ اولین موضوعی که توجه آدمی را به خود جلب می کند، جایگاه دعا و منزلت دعاست، که جایگاه بسیار والایی دارد و در این زمینه احادیث فراوانی از ائمه اطهار علیهما السلام نقل شده که به بعضی از آن ها اشاره می‌کنیم (شرفی، ۲۱۹- ۲۲۰). در حدیثی از امام صادق درباره‌ی شأن دعا و نیایش آمده است: «الدّعاءُ هو العباده الّتی قال اللهُ عزوجلّ: إنَّ الذینَ یَستَکبِروُنَ عَن عِبَادَتِی سَیَدخُلُونَ جَهَنَّم دَاخِرینَ» (الکلینی الرازی، ۲۲۹/٤) براستی دعا همان عبادت است که خداوند عزوجّل می‌فرماید: همانا کسانی که تکبر می‌ورزند از عبادت من به زودی خوار و زبون داخل دوزخ می‌شوند.

تلقی دعا به منزله عبادت به معنای گستردگی آثار و برکات آن در زندگی است، زیرا عبادت، هدف است و نیز غایت حیات آدمی می باشد (شرفی، ۲۲۱) چنانچه خداوند عزوجّل در قرآن کریم می‌فرماید: «وَ مَا خَلَقتُ الجِنَّ وَالإنسَ إلّا لِیَعبُدُنَ» (ذاریات: ٥٦) ما هیچ انسان و جنّی را نیافریدیم جز برای اینکه به عبادت بپردازند. همچنین خداوند تبارک و تعالی در قرآن به آثار دعا اشاره فرموده و چنین می فرماید: «قُل مَا یَعبَؤُا بِکُم رَبِّی لَولَا دُعاؤُکُم فَقَد کَذَبتُم فَسَوفَ یَکُونُ لِزَامًا» (فرقان: ۷۷) (بگو اگر دعای شما نباشد، پروردگار من برای شما وزن و ارزشی قائل نیست، [زیرا سابقه‌ی خوبی ندارید] شما حق را تکذیب کرده‌اید و به زودی کیفر تکذیبتان دامن شما را خواهد گرفت). خداوند در یک جا می فرماید: «وَ مَا خَلَقتُ الجِنَّ وَالإنسَ إلّا لِیَعبُدُنَ» بشر را برای عبادت آفریدیم و در این آیه می فرماید: اگر دعای انسان نبود، او ارزشی نداشت، بنابراین دعا روح عبادت است (قرائتی، ۲۲۸/۸). و نیز احادیثی از معصومین علیهما السلام نقل شده که به آثار دعا اشاره دارند و از جمله‌ی آن‌ها حدیثی از امام صادق

است که می فرماید: «مَن تَخَوَّفَ [مِن] بَلَاءٍ یُصیبُهُ فَتَقَدَّمَ فیه بِالدُّعاءِ کَم یُرِهِ اللهُ عَزَّوَجَلَّ ذَلِکَ البَلَاءَ أبَداً» (الکلینی الرازی، ٤/ ۲۳۷) (هرکه از بلائی بترسد و بوسیله دعا از گرفتاری به آن پیشدستی کند، خدای عزّوجل هرگز آن بلا را بدو ننماید).

برای آنکه دعا کردن را به فرزندان آموخت، بهتر است والدین از سنین کودکی؛ یعنی از همان زمان که فرزندان را با نماز آشنا می‌کنند، آن‌ها را با برخی از تعقیبات مختصر که در قالب دعا بیان شده، مأنوس کنند. این امر در تقویت روح دعا و نیایش در کودکان بسیار مؤثّر است. همچنین والدین باید با توجه به سن و میزان درک و فهم کودکان، برخی از آثار و برکات دعاها را به آن ها بیاموزند. زیرا انسان ها غایت گرا هستند و معمولاً هر عملی را با توجه به غایتی که در ذهن دارند انجام می دهند و هنگامی که از آثار و برکات دعا با خبر شوند، حق دعا را ادا می‌کنند (شرفی، ۲۲۸– ۲۲۹).

ج- شکوفاسازی فطرت

از آنجا که خداوند متعال انسان را بر اساس فطرت توحیدی آفریده و همه ی انسان ها به طور فطری خداجو هستند، بنابراین والدین و مربیان کودک برای تربیت دینی (و بویژه تربیت جنسی) باید نیروی فطرت را در فرزندانشان بیدار کنند.

در پرورش های ایمانی و اخلاقی باید از دو نیروی فطری استفاده کرد، یکی فطرت معرفت که به نام وجدان توحیدی معروف است و دیگری فطرت خوب و بد که از آن به عنوان وجدان اخلاقی یاد می‌شود. وجدان توحیدی عبارت است از اینکه همه‌ی انسان‌ها بوسیله‌ی فطرت طبیعی خود یک قدرت نامحدودی که همان خداوند است را در باطن خود درک می کنند. وجدان اخلاقی یعنی نیروی درّاکه ای که در باطن انسان وجود دارد و بدون راهنما، خوبی‌ها و بدی‌های اولیه را درک می‌کند (فلسفی، ۱/ ۲۸۲). و همچنین خداوند متعال در آیه‌ی سی سوره‌ی روم به فطرت توحیدی اشاره می‌فرماید: «فَأَقِم وَجهَکَ لِلدِّینِ حَنِیفاً فِطرَتَ اللهِ الَّتِی فَطَرَ النَّاسَ عَلَیهَا لَاتَبدِیلَ لِخَلقِ اللهِ ذَلِکَ الدِّینُ القَیِّمُ وَلَکِنَّ اَکثَرَ النَّاسِ لَایَعلَمُونَ» (روم: ۳۰) پس روی خود را به سوی دین حنیف کن که مطابق فطرت خداست، فطرتی که خدا بشر را بر آن فطرت آفریده و در آفرینش خدا دگرگونی نیست، این است دین مستقیم ولی بیشتر مردم نمی دانند. و مراد از (اقامه ی وجه برای دین) روی آوردن به سوی دین، و توجه به آن بدون

غفلت است، درست مانند کسی که به سوی چیزی روی می‌آورد و همه‌ی توجهش را بدان معطوف می‌کند، به طوری که دیگر به هیچ طرفی روی بر نمی‌گرداند. و کلمه‌ی (فطرت) در جمله «حَنِیفاً فِطرَتَ اللهِ الَّتِی فَطَرَ النَّاسَ عَلَیهَا» بر وزن فِعلَت است و در کلمه ی مورد بحث به معنای نوعی از خلقت است و چنین معنا می دهد: که ملازم فطرت باش و بنابراین جمله‌ی مزبور اشاره می کند به اینکه، این دینی که گفتیم واجب است بر او اقامه ی وجه کنی، همان دینی است که خلقت بدان دعوت و فطرت الهی به سویش هدایت می‌کند، آن فطرتی که تبدیل پذیر نیست (طباطبایی، ١٦/ ٢٢٦– ٢٢٧). همچنین یکی از وظایف بزرگ پیامبران بیدار کردن فطریات بشر و به کار انداختن سرمایه های الهی انسان بوده است (فلسفی، ٢٨٦/١)؛ و نیز والدین برای تربیت دینی کودکان باید از همین فطرت توحیدی استفاده کنند. امام علی در این باره فرموده‌اند: فَبَعَثَ اللهُ فیهِم رُسُلَهُ وَ وَاتَرَ إلَیهِم أنبیَائَهُ لِیَستَأدُوهُم میثاقَ فِطرَتِهِ وَ یُذَکِّرُوهُم مَنسِیَّ نِعمَتِهِ وَ یَحتَجُّوا عَلَیهِم بِالتَّبلِیغِ وَ یُثیرُوا لَهُم دَفَائنَ العُقُولِ (دشتی، خطبه‌ی اول، ٢٥). خداوند پیامبران خود را برانگیخت و پیاپی بین مردم فرستاد تا بشر را به ادای پیمان فطرت وا دارند ونعمت‌های فراموش شده خدا را یادآوری کنند و با فعالیت های تبلیغی خود نیروهای نهفته‌ی عقل را برانگیخته و به کار گیرند.

د-آموزش اعمال دینی

یکی از امور مهمی که والدین باید به آن توجه کنند و آن را در برنامه‌ی تربیتی کودکان قرار دهند، ملزم کردن کودک به انجام تکالیف شرعی و پرورش روح تعبّد است، زیرا این اعمال کودکان را وظیفه‌شناس و متعهد به بار می‌آورد. اولیای کودک این کار را می‌توانند در دو مرحله انجام دهند: مرحله اول، توجیه کردن کودک نسبت به ضرورت انجام تکالیف دینی است، که اولیای کودک باید سعی کنند در فرصت مناسب و به مقدار فهم و درک کودک در نزد او از خدا و پیامبر باعظمت یاد کنند و مهربانی و الطاف خدا را به او یاد آوری کنند و نعمت‌های الهی را بازگو کنند و بدین وسیله در ابتدا مهر و محبت خدای متعال را در دل کودک تثبیت نمایند، سپس به او بفهمانند که تدوین احکام و تکالیف الهی و فرستادن پیامبران نیز از الطاف خداوند و برای تأمین سعادت بشر در دنیا و آخرت است، بنابراین هر کس که می‌خواهد به سعادت برسد باید به وظایف دینی خود عمل کند و بدین گونه شوق و رغبت به

انجام تکالیف را در کودک پرورش دهند.

مرحله دوم، شروع به عمل و عادت کردن است (امینی، ۲۹٦). والدین باید زمینه های تحقق عبادت در بزرگسالی را از همان ابتدای تربیت کودک بوجود آورند تا در سنین بزرگسالی که تکلیف عبادت در قالب نماز، روزه، حج و غیره متوجه انسان می‌شود، عمل به آن همراه با گرایش قلبی و بدون هیچ گونه مشقت و سختی باشد (اعرافی، ۸۵)؛ البته باید به توان جسمی و مقدار شعور کودک دقت داشته باشند و هرگز او را وادار به انجام کارهای دشوار نکنند زیرا ممکن است موجب تنفر کودک شود (امینی، ۲۹۷). لازم به ذکر است که والدین کودک باید در پرورش ایمان و اخلاق کودک شتاب کنند و کمترین فرصت را نیز از دست ندهند و باید در اولین موقع دل کودک را به حبّ خدا و محبت پیشوایان الهی متوجه کنند (فلسفی، ۱۸۰/۱)؛ زیرا امام صادق در این باره می فرماید: «بَادِرُوا أولَادَكُم بِالحَديثِ قَبلَ أن يَسبَقَكُم إلَيهِمُ المُرجِئَةُ » (الکلینی، ٤٧/٦) احادیث اسلامی را به فرزندان خود هرچه زود تر بیاموزید قبل از آنکه مخالفان بر شما سبقت گیرند و دل های کودکان شما را با سخنان نادرست خویش اشغال نمایند.

هـ- پرورش حیا در فرزند

حیا یکی از فضایل اخلاقی بسیار مهمی است و در برخی روایات هم ردیف دین و در بعضی دیگر به تمام دین معرفی شده است، زیرا حیا انسان را از ارتکاب هر عمل زشت و ناپسند باز می‌دارد که یکی از آن‌ها شهوت جنسی در خارج از محدوده‌ی ازدواج است؛ از این رو والدین باید تلاش کنند این خصیصه را در فرزند خود پرورش دهند (فقیهی، ۲۰٤).

و- پرورش عفت در نوجوان

یکی از خلقیات پسندیده و صفات عالیه انسانی عفت است. ملکه ی عفت آدمی را در اعمال تمایل جنسی تعدیل می‌کند و انسان را از پلیدی‌های شهوت حفظ می‌کند، بنابراین والدین موظف‌اند که آن را در نوجوان خود پرورش دهند (فلسفی، ۳۲۹/۲). امام باقر فرمود: «مَا عُبِدَ اللهُ بِشَيءٍ أفضَلَ مِن عِفَّهِ بَطنٍ وَ فَرَجٍ» (حرّعاملی، ۲٤۹/۱۵) خداوند به چیزی بر تر از خویشتن داری شکم و دامن، پرستش نشده است.

ز-پرورش غیرت در نوجوان

غیرت یک فضیلت اخلاقی است که در تربیت جنسی در دوره‌ی نوجوانی اهمیت ویـژه‌ای دارد، پرورش غیرت در نوجوان موجب می شود که پسر، نسبت به دختران، بـا شـهوت ننگـرد. دختر نیز به نامحرمان با دیده ی شهوانی نگاه نکند. و از این طریق غیرت مـی توانـد دختـران و پسران را از بسیاری از رفتارهای نابه هنجار جنسی باز دارد. انسان غیـور اجـازه نمـی‌دهـد کـه دیگران بدون هیچ حقی از ناموس او سوء استفاده کنند (فقیهی، ۲۱۱). امام علی فرمود: «ما زنی غیورٌ قطُّ» (دشتی، حکمت ۳۰۵، ص ۵۰۲) آن کس که غیرتمند است، هرگـز زنـا نمـی‌کنـد. از آنجا که نوجوانان به حکم فطرت پاک خویش هرگونه رفتار نابه هنجاری نسبت بـه خـانواده‌ی خود را بر نمی تابند، بدیهی است که اگر در دوران کودکی این روحیه سالم بماند و بـه خـوبی پرورش یابد، در دوران نوجوانی و جوانی دست مایه ی بسیار ارزشمندی بـرای انسـان خواهـد بود (حاجی آبادی، حسین‌زاده، ۱۱٤).

نتیجه: والدین می توانند از طریق دعا کردن و آموزش اعمال دینی و شکوفاسازی فطرت در کودکان خود و نیز از طریق تأمین نیازهای عـاطفی آن‌هـا و پـرورش حیـا، عفـت و غیـرت در فرزندان، راه نفوذ بسیاری از انحرافات را در آن‌ها مسدود کنند.

نتیجه‌گیری

با توجه به شیوه‌های مستقیم و غیر مستقیم تربیت جنسـی در دوران کـودکی و نوجـوانی و عمل کردن به این شیوه‌ها که تا چه اندازه مانع از ایجاد انحراف در فرزندان می شود، بر هر پدر و مادر مسلمانی لازم است که برای پرورش نسلی پاکیزه و سالم که در تعبیر قرآن کریم، تحت عنوان باقیات الصالحات از آن یاد شده است و نیز جهت ساختن جامعـه ای سـالم و بـه دور از آلودگی و التهاب، از این آداب و روش هـا مـدد بجوینـد، زیـرا بـا آگـاهی از ایـن شـیوه هـا و منش هاست که مشخص می شود، والدین تا چه اندازه با تربیت صحیح در ساختن جامعه مـوثر و سهیم هستند.

منابع

قرآن کریم، ترجمه‌ی مهدی الهی قمشه‌ای، چاپ دوم، تهران: ۱۳۸٤.

نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، چاپ اول، مشهد: انتشارات امامت، ۱۳۸٤.

ابن فارس، ابوالحسین، ***ترتیب مقاییس اللغه***، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.
ابن منظور، محمد بن مکرم، ***لسان العرب***، الطبعه الجدیده، بیروت: موسسه الإحیا التّراث العربی، ١٤١٦ق.
أحمد بن حنبل، ***مسند أحمد***، بیروت: دارالفکر، ١٤١٤ ق.
اعرافی، علی رضا، دیگران، ***اهداف تربیت از دیدگاه اسلام***، چاپ هشتم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ١٣٨٦.
امینی، ابراهیم، ***اسلام و تعلیم و تربیت***، چاپ دوم، قم: موسسه بوستان کتاب، ١٣٨٦.
انیس، ابراهیم، دیگران، ***معجم الوسیط***، الطبعه الرابعه، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ١٤١٢ ق.
پور احمدی لاله، محمدرضا، ***روان‌شناسی کودک***، چاپ سوم، تبریز: انتشارات نورقلم، ١٣٧٨.
حاجی آبادی، محمدعلی، حسینی زاده، علی، ***بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات***، چاپ سوم، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان فرهنگی هنری شهرسازی تهران، ١٣٨٦
حرّ عاملی، محمد بن حسن، ***الوسائل الشیعه***، بیروت: موسسه آل البیت (ع) الأحیا التّراث، بی‌تا.
حسینی دشتی، مصطفی، ***معارف و معاریف***، چاپ دوم، تهران: انتشارات مفید، ١٣٧٦.
حسینی، داود، ***روابط سالم در خانواده***، چاپ هفدهم، قم: موسسه بوستان کتاب، ١٣٨٩.
حسینی زاده، علی، ***سیره ی تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)***، چاپ هفتم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ١٣٨٨.
خلیل بن احمد، ***العین***، الطبعه الاولی، قم: موسسه النشر الإسلامی، ١٤١٤ ق.
سالاری فر، محمدرضا، ***درآمدی بر نظام خانواده***، چاپ پنجم، قم: مرکز نشر هاجر، ١٣٩٠.
شرفی، محمدرضا، ***تربیت اسلامی با تأکید بر دیدگاه‌های امام خمینی*** (ره)، چاپ اول، تهران: موسسه‌ی نشر پنجره، ١٣٧٩.
شریعتمداری، علی، ***اصول و فلسفه‌ی تعلیم و تربیت***، چاپ هجدهم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ١٣٨٠.
طباطبایی، محمدحسین، ***ترجمه‌ی تفسیر المیزان***، مترجم: محمدباقر موسوی همدانی، چاپ بیست و هشتم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ١٣٨٨.
فقیهی، علی نقی، ***تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش ها، از منظر قرآن و حدیث***، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ١٣٨٨.
فلسفی، محمدتقی، ***کودک از نظر وراثت و تربیت***، چاپ سوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ١٣٨١.
قرائتی، محسن، ***تفسیر نور***، چاپ هشتم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ١٣٨٣.

کلینی، محمد بن یعقوب، ***ترجمه و شرح اصول کافی***، مترجم: محمدباقر کمره‌ای، چاپ نهم، تهران: المکتبه الاسلامیه، ۱۳۷۹.

مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، ***البحار الانوار***، تهران: المکتب الاسلامیه، بی‌تا.

محمدی نیا، اسدالله، ***بهشت جوانان***، چاپ بیست و نهم، قم: سبط اکبر (ع)، ۱۳۸۸.

مصطفوی، حسن، ***التحقیق فی کلمات القرآن الکریم***، چاپ اول، تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۳۸۵.

مطهری، مرتضی، ***اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب***، چاپ بیست و پنجم، تهران، ۱۳۸۸.

_____، ***آشنایی با قرآن***، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۷۷.

_____، ***مجموعه آثار استاد شهید مطهری***، چاپ دوم، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۹.

معین، محمد، ***فرهنگ فارسی***، چاپ اول، تهران: نشر ندا، ۱۳۸۱.

مکارم شیرازی، ناصر، ***تفسیر نمونه***، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸٦.

ملامحمدی، محسن، ***ازدواج و تربیت انسان قبل از تولد***، چاپ اول، قم: شاکر، ۱۳۸۲.

نراقی، احمد، ***معراج السعاده***، مصحح: رضا مرندی، چاپ اول، تهران: انتشارات دهقان، ۱۳۷۷.

نورمحمدی، غلام رضا، ***میل جنسی؛ صعود یا سقوط***، چاپ اول، بی‌تا، بی‌جا: آفاق غدیر، ۱۳۸۸.

نوری طبرسی، حسین، ***مستدرک الوسیله***، بیروت: موسسه آل البیت (ع) الاحیاء التّراث، بی‌تا.

مجموعه مقالات نهمین همایش ملی اشراق اندیشه مطهر، **خانواده و تربیت جنسی**
اردیبهشت ۱۳۹٤، ص ۲۵۸-۲۱۹

نقش تربیت جنسی در ارتقاء نهاد خانواده بر اساس آموزه های اسلامی

سید محمود مرویان حسینی/ استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی[1]

چکیده

نگاه اسلام به تمایلات جنسی، نگاهی از سر واقع‌نگری و در عین حال تعالی طلبی است. اسلام متناسب با دوره‌های رشد، نظام تربیت جنسی ویژه‌ای را پیش‌بینی کرده است و در هر دوره، راهبردهای خاصّی را برای مواجههٔ صحیح با نیازهای جنسی در نظر گرفته است. آموزش‌های اسلامی درباره مسائل جنسی می‌تواند به پرورش استعدادهای افراد، در جهت ارتقای سطح سلامت و تحقق اهداف عالی تعلیم و تربیت و رشد همه جانبه، کمک کند و اجتماع را از انحرافات جنسی نجات بخشد. نظام‌وارهٔ تربیت جنسی متّکی به آموزه‌های قرآن و حدیث، در دورهٔ جوانی ـ برای کسانی که امکان ازدواج ندارند ـ بر عفاف‌گرایی متمرکز می‌باشد. در بزرگسالی و همراه با ازدواج، تربیت جنسی مبتنی بر ارضای مشروع، همراه با پاسداشت حریم خانواده می‌باشد. تفاوت‌های جنسی میان زن و مرد، زمینهٔ جذابیت های جنسی، برای زوجین است که بازشناسی آنها و حفظ طبیعی این جذابیت‌ها در روابط درون خانوادگی موجب کامجویی‌های پایدار و سلامت اخلاقی و ارتقاء کارکردی نهاد خانواده می‌شود. تحقق حق جنسی شوهر و اجتناب از ستم جنسی به زن، به پویایی نظام جنسی خانواده کمک شایانی می‌کند. اسلام برای حفظ و پایداری ازدواج و حریم خانواده از گزند آسیب و آفت، ضوابط و قوانین محرمیّت را بنا نهاده است. همچنین فرهنگ حجاب و عفاف از کارآمدی مهمی برای پایداری کانون خانواده برخوردار می‌باشد.

شکل گیری نظام تنظیم روابط جنسی، مورد تأکید پیشوایان اسلام در سنت و سیرهٔ ایشان است. اختلال جنسی، گسترش روابط غیر اخلاقی در فضای فرهنگ عمومی و اثرپذیری از تبلیغات و فرهنگ معاشرت غربی و فاصله گرفتن از زیرساخت‌های ایمان و اخلاق در ساماندهی اندیشه و رفتار، مشکلاتی است که اخلاق جنسی در کانون خانواده را تهدید می‌کند و نیاز به توجه جدی نخبگان، فرهنگ سازان و حاکمیت دارد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، حدیث، نهاد خانواده، تربیت جنسی، انحرافات جنسی.

---

1 . aasgharyar@gmail.com

مقدمه

براساس رویکرد اسلام، زن و مرد از حیث تکوینی از یکدیگر متفاوت هستند، یعنی از جهت زیستی، روانی و احساسات کاملاً از یکدیگر متمایز می‌باشند و به دلیل همین تفاوت‌های تکوینی، تساوی یا تشابه حقوق آن‌ها امکان پذیر نمی‌باشد.

استاد شهید مرتضی مطهری در این باره می‌نویسد: از نظر اسلام این مسأله هرگز مطرح نیست که آیا زن و مرد دو انسان متساوی در انسانیت هستند یا نه؟ و آیا حقوق خانوادگی آنها باید ارزش مساوی با یکدیگر داشته باشد یا نه؟ از نظر اسلام زن و مرد هر دو انسانند و از حقوق انسانی متساوی بهره مندند.

آنچه از نظر اسلام مطرح است این است که زن و مرد به دلیل اینکه یکی زن است و دیگری مرد، در جهات زیادی مشابه یکدیگر نیستند، جهان برای آنها یکجور نیست، خلقت و طبیعتْ آنها را یکنواخت نخواسته است، و همین جهت ایجاب می‌کند که از لحاظ بسیاری از حقوق و تکالیف و مجازاتها وضع مشابهی نداشته باشند (مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، ۱۲۱) جنسیت موجب می‌شود که زن و مرد، تحت دو صنف از یک نوع واحد قرار گیرند. بنابر این اختلاف و تمایزها میان آن‌ها، لازمه صنفشان است و بر این اساس، تفاوت حقوقی میان آن‌ها، ضروری می‌باشد. به عبارت دیگر بر حسب آنچه که جنسیت اقتضا می‌نماید، تفاوت میان آن‌ها دائمی و همیشگی و در پی آن، حقوق طبیعی شان نیز متفاوت خواهد بود.

به بیان شهید مطهری: زن و مرد دو ستاره‌اند در دو مدار مختلف؛ هر کدام باید در مدار خود و فلک خود حرکت نماید «لَا الشَّمْسُ یَنْبَغی لَها انْ تُدْرِکَ الْقَمَرَ وَ لَا اللَّیْلُ سابِقُ النَّهارِ وَ کُلٌّ فی فَلَکٍ یَسْبَحونَ» (یس: ٤٠). شرط اصلی سعادت هر یک از زن و مرد و در حقیقت جامعه بشری این است که دو جنس هر یک در مدار خویش به حرکت خود ادامه دهند. آزادی و برابری آنگاه سود می‌بخشد که هیچ کدام از مدار و مسیر طبیعی و فطری خویش خارج نگردند (همان، ۲۵)

فمینیست‌ها عمدتاً براین باورند که زن و مرد از حیث بیولوژی با هم اختلاف دارند، اما تفاوت جنس نباید موجب تفاوت در جنسیت شود. بر طبق این دیدگاه، زنانگی و مردانگی نه ویژگی ذاتی، مطلق و فراسوی زمان و مکان است، بلکه مقولاتی اجتماعی و فرهنگی و ساخته

و پرداخته شرایط تاریخی معین و گاه سیاسی و اقتصادی به شمار می‌آید (ر. ک: گرت، استفانی، جامعه شناسی جنسیت، ترجمه کتایون بقائی، ۹)

اما با این همه، تفاوت‌های جنسی عضوی، تفاوت‌های هورمونی و آثار آن، تفاوت در رشد جسمی، در ویژگی‌های ثانوی جنسی، در گرایش‌های رفتاری و ارتباطی و در خصوصیات روانی، اموری است که توسط اندیشمندان مربوطه ارائه شده و قابل انکار نمی‌باشد (ر. ک: ماسن، پادل و همکاران، رشد و شخصیت کودک، ۱۱۰ – ۱۲۰ ؛ کرین، ویلیام، پیشگامان روان‌شناسی رشد، ۸۰ – ۸۵ ؛ بیابانگرد، اسماعیل، روان‌شناسی نوجوانان، ۲۵ – ۴۳) همچنین اسلام در موارد متعددی که مساوات و تشابه جنسی کامل بین زن و مرد با مصالح عام مطلوب اسلام، ناسازگار باشد، آن را نپذیرفته و رفتار مبتنی بر آن را حرام می‌داند. بعنوان مثال، تشبه زنان به مردان و بالعکس در پوشش یا نمایش ظاهری، در روایات اسلامی به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است (ر. ک: حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، ۱۲/ ۲۱۱) همچنین منع زنان از قضاوت یا مشارکت مستقیم در جنگ (ر. ک: طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲/ ۲۷۲). البته در مواردی که تفاوت‌های جنسی در راستای نیل به اهداف نظام اجتماعی اسلام باشد، تربیت جنسی اسلام آن را ممانعت نکرده وبلکه تأیید می‌نماید. مثل آماده ساختن دختران برای پذیرش نقش مادری و همسری و آماده کردن پسران برای پذیرش نقش نان آوری خانه؛ اما قرآن، هیچ یک از زن و مرد را فرع بر وجود دیگری ندانسته، بلکه هر دو را در عرض هم و مکمل یکدیگر بشمار آورده است.

اسلام هرگز نمی‌گوید که زن برای مرد آفریده شده، بلکه می‌گوید که هر یک از زن و مرد برای یکدیگر آفریده شده اند: «هُنَّ لِباسٌ لَکُمْ وَ أَنْتُمْ لِباسٌ لَهُنَّ» (بقره: ۱۸۷)؛ یعنی زن و مرد یکدیگر را از انحراف نگاه می‌دارند، نارسایی‌های یکدیگر را نیز می‌پوشانند و وسیله آرامش یکدیگر می‌باشند. از این رو هر یک وسیله زینت دیگری بشمار می‌آیند. این تعبیر، نهایت ارتباط معنوی زن و مرد و نزدیکی و همراهی آن‌ها را روشن می‌سازد.

در مجموع جنسیت بین زن و مرد، واقعیت تردید ناپذیری است که منشأ هویت جنسی متفاوت بین جنس مؤنث و مذکر و پایه نقش آفرینی‌های جنسیتی متفاوت می‌گردد. این حقیقت، پایه نظام تربیت جنسی در اسلام است. سلامت و ارتقاء نظام خانواده در گرو به رسمیت شناختن نقش‌آفرینی‌های جنسیتی متفاوت زوجین و دستیابی به مدل متعادل تأمین

نیازهای جنسی در فضای ازدواج می‌باشد.

ازدواج، بهترین زمینه برای سلامت جنسی

از اهداف اساسی ازدواج در اندیشه اسلامی، ارضای صحیح نیازهای جنسی است. از هنگام بلوغ، نیازهای جنسی در فرد پدیدار می‌شود و به تدریج شدّت و توسعه می‌یابد و تمام ظرفیت‌ها و موقعیت‌های فرد را تحت الشعاع اثر نیرومند خویش قرار می‌دهد.

ازدواج، اساسی‌ترین و سالم‌ترین و طبیعی‌ترین راه مشروع ارضای این نیازها است. در اسلام سرکوب کردن این نیازها و در پیش گرفتن رهبانیت، پذیرفته نشده است (پیامبر عزیز می‌فرمایند: «لم يرسلني الله بالرهبانية و لكن بعثني بالحنيفية السمحة أصوم و أصلي و المس أهلي فمن أحبّ فطرتي فليستنّ بسنّتي و من سنّتي النكاح» حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، ٧٤/١٤) و به جوانان که بیشتر از دیگران، با بروز تمایلات درونی و زمینه‌های بیرونی غریزه جنسی مواجه هستند، صراحتاً سفارش به ازدواج شده است («يا معشر الشباب عليكم بالباه» همان، ٢٥) و به افرادی که به دلایلی واهی از ازدواج خودداری می‌کنند، خطاب‌های ملامت‌آمیز شدیدی گفته شده است («ردّال موتاكم العزاب» همان، ٧) تعابیری که آنها را مشمول لعنت الهی می‌شمرد («شرار امتی عزّابها» نوری، حسین، مستدرک الوسایل، ١٥٥/١٤)

اسلام، شایسته نمی‌داند که ازدواج از سال‌های آغازین دوره جوانی به تأخیر افتد. کارکردهایی که اسلام برای ازدواج مورد تأکید قرار داده است و از جمله محبّت و مودّت (روم: ٢١) با تلاطم‌ها و طوفان شدید عاطفی و روانی دوره جوانی مناسبت دارد. جوانی، هنگامه اوج دوستی‌ها، غلیان روابط شدید عاطفی، دلبستگی‌ها و احساسات نیرومند و بحران‌های روانی فردی و میان فردی گوناگون است. (احمدی، سید احمد، روان شناسی نوجوانان و جوانان، ٤٤)

ازدواج، دارای ظرفیت والایی است که ساحل آرامش بخشی به روح و روان ناآرام جوان باشد. احساسات او را به نقطه قابل اتّکایی پیوند زند و دلبستگی‌ها و دلدادگی‌های او را سامان دهی نماید و کشش‌های جنسی او را تعدیل کند و او را از ابتلا به رفتارهای جنسی فاسد و خارج از محدوده شرع محافظت کند. تأخیر در پاسخ به این نیاز، در بیان اهل بیت، مورد انتقاد شدید قرار گرفته است و به ویژه در دختران به نچیدن میوه رسیده از درخت تشبیه شده، که

آفتاب تند و وزش بادها، آن را فاسد و معیوب می‌کند («قال رسول الله: ان الابکار بمنزلة الثمر علي الشجر اذا ادرك ثمارها فلم تجتن افسدته الشمس و نشرته الرياح، كذلك الابكار اذا ادركن ما يدرك الفساد، فليس لهن دواء الا البعولة و الا لم يأمن عليهن الفساد لانهنّ بشر» حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، ١٤ /٣٩) چنین فردی هم دچار آسیب‌های جدی شخصیتّی در ناحیه خویش می‌گردد و هم خودآگاه و ناخودآگاه به سوی هنجارشکنی‌های اجتماعی و دینی کشیده می‌شود.

عدم ارضای صحیح و اصیل نیازهای جنسی در هنگام جوانی از طریق ازدواج، فرد و جامعه را به سوی روش‌های باطل و فاسد دیگری می‌کشاند، که امروزه ما فهرست بلند و بالایی از آن را در رفتارهای عمومی جوامع دور از فرهنگ اسلامی و انسانی می‌یابیم.

تأثیر ازدواج در ارضای مناسب نیازهای جنسی

تردیدی نیست که تعالیم اسلامی با تمایلات و نیازهای طبیعی و فطری آدمی هماهنگ است «فَأَقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّینِ حَنِیفاً فِطْرَتَ اللّهِ الَّتِی فَطَرَ النّاسَ عَلَیْها» (روم: ٣٠) و در این مسیر به مجموعه نیازهای معنوی، شناختی، روانی و جسمانی، توجه همه جانبه‌ای معطوف داشته است. نیازهای جنسی از جمله قوی‌ترین تمایلات آدمی است که در دوران جوانی، اولویت جدّی پیدا می‌کند و در آموزه‌های اسلامی، به زوایای گوناگون آن پرداخته شده است.

دوست داشتن روابط جنسی و جلوه آفرینی‌های دنیایی، در قرآن تصریح شده است «زُیِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَواتِ مِنَ النِّساءِ و.» (آل عمران: ١٤) و حتّی توجه انبیاء به زنان و روابط جنسی تأکید شده («من اخلاق الانبياء حبّ النساء» حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ١٠/١٤؛ «و ثلاث من سنن المرسلين... كثرة الطروقة» همان، ٤)، تا آنجا که پیامبر عزیز می‌فرماید: از دنیای شما، نماز، عطر و زنان را دوست دارم. («حبّب لي من الدنيا ثلاث: الطيب و النساء و قرّة عيني في الصلاة» مجلسی، بحارالانوار، ٦٤٩/٧٣)

یکی از ابعاد غریزی زندگی انسان، لذّت جویی است که چه بسا اوج آن در روابط جنسی و فضای ازدواج تأمین می‌شود. («الذّ الاشياء مباضعة النساء» حرّ عاملی، وسایل الشیعه، ١٠/١٤ و «و ما تلذّذ الناس فی الدنیا و الآخرة بلذّة اکثر لهم من لذّة النساء» همان)

اسلام، ارضای این نیازها را نه تنها محکوم و منفی تلقّی نمی‌کند، بلکه به آن رنگ و بوی

معنوی، در طریق بندگی می‌دهد و برای تأمین صحیح آن در فضای ازدواج و خانواده، اجر و پاداش قرار می‌دهد و گاه در مسیر ایجاد نگرش مثبت به این روابط، اجر و پاداش آن را معادل جهاد در راه خدا یا موجب ریزش گناهان بر می‌شمارد. («ایت اهلک توجر، فقل: یا رسول الله: آتیهم و اوجر؟... اذا خاف علی نفسه فاتی الحلال اجر» همان، ۷۷؛ نوری، مستدرک الوسایل، ۱۵۰/۱٤)

اسلام، ارضای این نیازهای جنسی را تنها از راه ازدواج می‌پذیرد و یکی از مهم‌ترین اهداف و ارکان ازدواج، تأمین رضایتمندانه نیازهای جنسی است، به گونه‌ای که چنانچه با ازدواج، این نیازها تأمین نشود و بیماری‌هایی در زن یا در مرد مانع باشد، مکلّف مجاز است که عقد ازدواج را فسخ نماید.

ارضای نیازهای جنسی در فضای ازدواج، تا آنجا تأکید شده است که زن یا مرد نمی‌توانند حتی به بهانه عبادت، از روابط جنسی سر باز زنند. («... أَتَرْغَبُونَ عَنِ النِّسَاءِ إِنِّی آتِی النِّسَاءَ...لا تُحَرِّمُوا طَیِّباتِ ما أَحَلَّ اللَّهُ لَکُمْ» (مائده: ۸۷)... حرّ عاملی، وسایل الشیعه، ۸/۱٤ ؛ «لاتطولنّ صلاتکنّ لتمنعن ازواجکنّ» همان، ۱۱۷)

آ. راهکارهای آموزه‌های اسلامی برای تأمین روابط رضایتمندانه جنسی در فضای ازدواج

اسلام برای آنکه فضای جامعه از عفاف و پاکدامنی سیراب شود و هر یک از اعضای جامعه، در مسیر شغلی و کاری خویش پویا و با انگیزه باشند و به آلودگی‌های اخلاقی و روابط ناسالم جنسی مبتلا نشوند، فضای ازدواج را مملوّ از عشق و محبت و همدلی خواسته است. «وَ جَعَلَ بَیْنَکُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً» (روم: ۳۰)

آموزه‌های اسلامی به زن تأکید می‌کند که تا آنجا که امکان دارد، به این روابط تن دهد، حتی اگر در شرایط نامساعد قرار گرفته باشد. («وَ لَا تَمْنَعَهُ نَفْسَهَا وَ إِنْ کَانَتْ عَلَی ظَهْرِ قَتَب» حرّ عاملی، وسایل الشیعه، ۱۱۲/۱٤)

همچنین به او توصیه شده است با استفاده از زیباترین لباس‌ها و خوشبوترین عطرها و مناسب‌ترین لوازم آرایشی، خود را بیاراید تا بهترین دلبری‌ها صورت بپذیرد. («ان تطیّب باطیب طیبها و تلبّس احسن ثیابها و تزیّن باحسن زینتها» همان) در این موقعیت بهتر آن است که زن

هرگونه حیا و شرم و خودداری را کنار بگذارد و در محدودهٔ فراخ آداب شرعی، بیشترین، بهترین و پسندیده‌ترین لذّت‌های جنسی را فراهم آورد («خیر نسائکم التی اذا خلت مع زوجها خلعت له درع الحیاء» همان، ۱۵) و با این شرایطّ مرد سرشار از ارضای جنسی، در چهارچوب قوانین شرعی و در فضای سالم و تعالی بخش خانواده قرار گیرد («المتبرّجه مع زوجها... واذا خلا بها بذلت له ما یرید منها» همان، ١٤) و در هر فرصت مناسب از شبانه روز، زمینه این تأمین نیازهای جنسی فراهم باشد («و تعرّض نفسها علیه غدوةً و عشیةً» همان، ۱۱۲) طبیعی است که مرد با چنین فضاسازی، جسم و جانش برخوردار از عشق و تعلّق و دلبری می‌شود و کمبود و نیاز، او را به ورطه فساد و انحراف جنسی نمی‌کشاند.

همچنین آموزه‌های اسلامی به مرد سفارش کرده است که رعایت بهداشت و جذّابیت‌های جسمانی را بنماید، استفاده از زینت و عطر و آماده و مهیّا بودن برای همسر، همان قدر که برای مرد دلچسب است، زن نیز انتظار دارد و او را جذب می‌نماید («ایسرّک ان تراها علی ما تراک علیه اذا کنت علی غیر تهیئه؟... من اخلاق الانبیاء التنظّف و التطیّب و حلق الشعر و..» همان، ۱۸۲)

اسلام روابط جنسی را موجب تسکین دردهای جسمانی و فراهم آوردن نشاط روانی می‌داند («اذا کان باحدکم اوجاع فی جسده و قد غلبته الحرارة فعلیه بالفراش...» همان، ۲۹۱) و برعکس کندی و ناتوانی در اینگونه روابط را موجب تندخویی و خشم‌های بی مورد می‌داند (همان، ٤٦/١٠١)

و از همین روست که در مجموعه آموزه‌های اسلامی، توصیه‌هایی برای تقویت میل جنسی ارائه شده است (حرّ عاملی، وسایل الشیعه، ٨٥/١٤)

گاه در شرایطی که تحریک بیرونی فرد را دچار بحران جنسی می‌کند، سفارش به عمل جنسی شده است. («باب استحباب اتیان الزوجهٔ لمن نظر الی اجنبیهٔ فاعجبته» همان، ۷۲)

ب. مرزبانی روابط جنسی در فضای ازدواج

همان طو رکه تبیین شد، یکی از کارکردهای اساسی ازدواج، تأمین روابط رضایتمندانه جنسی زوجین است. اسلام لذت‌های جنسی را برای زن و مرد به رسمیت می‌شناسد، اما برای آن در قالب ضوابط شرعی، حدّ و مرزی قائل شده است. حدود دینی برای لذت جنسی،

استفاده از همسر قانونی و شرعی است و خروج از این محدوده، تعدّی به شمار می‌رود. چنانکه در قرآن آمده است: «وَ الَّذِینَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حافِظُونَ إِلَّا عَلی أَزْواجِهِمْ أَوْ ما مَلَکَتْ أَیْمانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَیْرُ مَلُومِینَ» (مومنون: ۵ – ۷) مؤمنان دامان خویش را از آلوده شدن به بی عفّتی حفظ می‌کنند. بهره برداری جنسی غیر مشروع که در متون اسلامی از آن به زنا، لواط و تعابیر دیگر اشاره شده، در اسلام بسیار مذمّت شده است. «وَ لا تَقْرَبُوا الزِّنی إِنَّهُ کانَ فاحِشَةً وَ ساءَ سَبِیلا» (اسراء: ۳۲) که علاوه بر بیان قبح اخلاقی و آثار سوء فرهنگی و اجتماعی، مجازات‌های سنگینی برای آن پیش بینی شده است (نور: ۲؛ نساء: ۱۵ – ۱۶؛ مجلسی، بحار الانوار، ۷۶/ ۱۷ – ۴۰)

۱. روابط جنسی غیر قانونی و مخاطرات آن

روابط جنسی غیر قانونی، نهاد خانواده، پیوندهای اجتماعی و سلامت فردی را به مخاطره می‌اندازد و دچار آسیب‌های جدی می‌کند.

زنا، بنای ایمانی فرد را متزلزل و تخریب می‌کند (همان، ۲۶/۷۶) احساس گناهِ حاصل از آن، به عزّت نفس فرد صدمه شدید می‌زند، به گونه‌ای که جبران آن مستلزم تلاش‌های فراوانی است.

خروج هر یک از زوجین از محدوده روابط جنسی مشروع، اعتماد و محبّت متقابل را معیوب می‌کند و زمینه را برای خیانت طرف مقابل، مهیّا می‌کند. کمترین تأثیر منفی ارتکاب زنا بر فرزندان، یادگیری این رفتار نا بهنجار توسط آنان است، و فرزندان خانواده زنا، نسبت به افراد دیگرزمینه آلودگی بیشتری دارند. نسبت فرزندان در فرایند زنا به هم می‌پاشد.

در آموزه‌های روایی، از بین رفتن نور چهره، کوتاهی عمر، فقر و تنگدستی در دنیا، خشم و سخط الهی، فرجام سوء در هنگام محاسبه عمل و جاودانگی در آتش جهنم و... از پی‌آمدهای عمل شنیع زنا، شمرده شده است.

پیامبر خدا فرمود: زنا وارد خانه‌ای نمی‌شود مگر آنکه آن را ویران می‌سازد (همان، ۱۹– ۲۷)

فروپاشی نظام خانوده، با پدیده زشت زنا رابطه‌ای مستقیم دارد و لذا اسلام برای حفظ ساختار خانواده، هرگونه بهره برداری جنسی نامشروع و لو در حدّ جزئی را نیز ممنوع و حرام اعلام کرده است. نگاهی که برا ی لذّت جنسی باشد، زنای چشم معرّفی شده و به طور کلّی

بهره برداری جنسی نامشروع هر عضو را، زنای آن عضو شمرده‌اند (حرّ عاملی، وسایل الشیعه، ۱۳۸/۱٤) اسلام، هرگونه روابط جنسی بین دو مرد یا بین دو زن و هر رفتار جنسی خارج از محدوده ازدواج را، ممنوع و حرام اعلام کرده است، چه اینکه این گونه ولنگاری در روابط جنسی، جدای از آنکه زمینه عمل نامشروع زنا را فراهم می‌کند، موجب تخریب روابط عاطفی و اعتماد بین زن و شوهر و مودّت و رحمت بین ایشان است. علاوه بر این‌ها، اسلام اندیشه زنا را هم غیر مجاز می‌شمارد و از افراد می‌خواهد هنگام برقراری روابط جنسی، تنها به فکر همسر خویش باشند و هرگز در این هنگام با توجه و میل به دیگری، اقدام به ارتباط ننمایند (همان، ۱۸۸)

۲. فرهنگ حجاب و نقش آن در پایداری نهاد خانواده

اسلام برای حفظ و پایداری ازدواج و حریم خانواده از گزند آسیب و آفت، ضوابط محرمیّت را بنا نهاده است. افرادی را نسبت به هم محرم اعلام کرده که ازدواج با ایشان حرام است، از سوی دیگر روابط مرد و زنی که نسبت به یکدیگر نامحرم هستند، یعنی امکان ازدواج شرعی بین آنها وجود دارد، دارای مرز و قیدهایی است. زنان می‌بایست در برابر افراد نامحرم پوشش شرعی خویش را حفظ کنند. در اسلام، حجاب از کارآمدی مهمی برای پایداری کانون خانواده برخوردار می‌باشد.

دو آیه در سوره نور و احزاب به این مهم تأکید دارند:

«وَ قُلْ لِلْمُؤْمِناتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصارِهِنَّ وَ یَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لا یُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ إِلَّا ما ظَهَرَ مِنْها... إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَو...» (نور: ۳۰)

به زنان مؤمن بگو، چشمهای خود را از نگاه هوس آلود فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است، آشکار نکنند و اطراف روسری‌های خود را بر سینه افکنند (تا گردن و سینه با آنها پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان (... و بقیه کسانی که به آنها محرم هستند)

«یا أَیُّهَا النَّبِی قُلْ لِأَزْواجِکَ وَ بَناتِکَ وَ نِساءِ الْمُؤْمِنِینَ یُدْنِینَ عَلَیْهِنَّ مِنْ جَلَابِیبِهِنَّ ذلِکَ أَدْنی أَنْ یُعْرَفْنَ فَلا یُؤْذَیْنَ» (احزاب: ۵۹)

ای پیامبر به همسران و دخترانت و زنان مؤمن بگو: روسری‌های بلند خود را بر خویش فروافکنند. این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است.

بر اساس تعالیم اسلام و فتاوای فقهای عظام، (طباطبایی یزدی، العروة الوثقي، ۷۹۵/۲) بر زنان لازم است همه بدن خود را، غیر از صورت و دستها، از مچ تا انگشتان بپوشانند. این حکم اسلامی، دارای آثار اجتماعی و فردی متعدّدی است. روابط صمیمی زن و شوهر و تحکیم آن، از اهداف قانون حجاب است. حجاب موجب می‌شود، لذّت و بهره برداری جنسی به محیط خانوادگی و در محدوده ازدواج منحصر شود. این با تحکیم نظام خانواده و پیوند مستحکم زن و شوهر، مستقیماً ارتباط دارد. رعایت حجاب موجب می‌شود، همسر قانونی فرد در نزد او، تنها عامل ارضای نیازهای جنسی او تلقّی شود.

اگر زیبایی چهره و اندام زن در فضای عمومی و تعاملات اجتماعی، پوشانیده نشود، مورد طمع و تعدّی دیگران قرار می‌گیرد و اسباب آزار و سوء استفاده از سوی هوسبازان خواهد شد. وجود این آزارها، علاوه بر آسیب‌های اجتماعی، در محیط‌های شغلی، نه تنها کارآیی زنان را دچار اختلال می‌کند، تأثیر روانی ناخوشایندی نیز بر آنها، بر جای می‌گذارد. (سالاری فر، محمد رضا، خانواده در نگرش اسلام و روانشاسی به نقل از: Baran. R,A,Sacid psychalagy (p. 226

۳. ضوابط ارتباط با نامحرم

همچنین اسلام برای نگاه کردن و شیوه سخن گفتن مرد و زن، مرزها و حدودی را تعیین کرده است.(خمینی، تحریر الوسیله، ۲۷۷/۲) نگاه خیره و مستدام زن به مرد و برعکس، (نور: ۳۰ – ۳۱) غیر شرعی و زمینه‌ای برای انحراف و لغزش طرفین اعلام شده است. (حرّ عاملی، وسایل الشیعه، ۱۳۹/۱٤ – ۱٤۰) چشم، پنجره دل بوده و دیدن، مقدمه دلبستگی و دلدادگی است، از اینروست که کنترل و مدیریت چشم از ابزارهای کنترل و مدیریت احساس و رفتار انسان بشمار می‌رود و در تعالیم اسلام، نگاه متمرکز به نامحرم و پی جویی زیبائی‌ها و جذابیت‌های او، یک خطر و آسیب اخلاقی معرّفی شده و تشویق‌هایی برای حفظ چشم از نگاه نامحرم، مقرّر شده است (محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ۹۰/۱۰)

ارتباط کلامی بین زن و مرد نامحرم، در غیر موارد لازم، زمینه برقراری روابط عاطفی عمیق‌تر و تعلّق خاطر و دلبستگی‌های پایدار را فراهم می‌کند، لذا قرآن کریم به زنان سفارش می‌کند که با آهنگ نازک و تحریک آمیز سخن نگویند (احزاب: ۳۲) و در دایره لزوم و نیاز عرفی، با مردان نامحرم سخن بگویند (وسایل الشیعه، ۱٤۳/۱٤)

حریم خانه در انحصار رابطه زن و شوهری است و مرد و زن نـامحرم بـدون اجـازه، حـق ورود به آن راندارند و حتی الامکان روابط با نامحرمان، با حدود و قیودی مجاز شمرده می‌شود و معیار آن حفظ پوشش و حجاب شرعی است (احزاب: ۵۳)

محیط خلوت بین زن و مرد، عامل تحریک کننده شدیدی است که زمینه فعالیت تمـایلات جنسی را، فراهم می‌کند و معمولاً افراد را به ورطه سقوط اخلاقی و دریدن هنجارهای شـرعی می‌کشاند، از اینروست که به عنوان امری خطرساز معرفی شده است.

در بیانی دیگر سفارش شده که بر زنانی که شوهران آنان در منزل نیستند، وارد نشوید، چرا که شیطان در چنین شرایطی همانند خون در بدن انسان جریان دارد (متقی هنـدی، کنزالعمـال، ٤٦٦/٥)

علاوه بر محیط خصوصی مشترک بین زن و مرد و نیز نگاه، دیگر روابط غیـر کلامـی بـین زن و مرد نامحرم، لغزشگاه و غیر مجاز معرفی شده است، مواردی همچون دست دادن و یا هر گونه تماس بدنی زن و مرد نامحرم (وسایل الشیعه، ١٤٢/١٤) همه ایـن مرزبنـدی‌هـا بـرای آن است که فضای خانواده و روابط بین زوجین مملوّ از محبت و عشق و دلبستگی شود و مـودّت و رحمت که از مهمترین کارکردهای تشکیل خانواده است (روم: ۲۱)، در بالاترین سطح خـود، موجب استحکام روابط خانوادگی و تعالی خانواده و دستاوردهای آن گردد و جامعه از اخـلاق و عفاف بیشتری برخوردار گردد.

در روایات اسلامی از عطر زدن زن برای مرد نامحرم و خروج از منزل در چنین حالتی، بـه شدّت نهی شده است و از پیامبر نقل شده که: هر زنی که خود را معطر کند و از منزلش خارج شود، مورد لعن واقع می‌شود، تا زمانی که به خانه‌اش بر گردد. («ایّ امـرأة تطیّبـت و خرجـت من بیتها فهی تُلعَن حتی ترجع الی بیتها متی ما رجعت» حرّ عاملی، وسایل الشیعه، ١٦١/٢٠)

تفاوت‌های جنسیتی، زمینهٔ جذابیت‌های جنسی برای زوجین

قرآن، دو جنسیت مذکر و مونث را نـاهمگون دانسـته و ایـن تفـاوت را جـزء مقـدّرات و آفرینش الهی دانسته است:

«وَ أَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَ الْأُنْثى» (نجم: ٤٥) و او جفت نـر و مـاده را آفریـد. «وَ لَـيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثى» (آل عمران: ٣٦) و مرد و زن مثل یکدیگر نیستند.

ویژگی‌های متفاوت جسمی، روحی و احساسی در زن و مرد که جنسیت ایندو را شکل می‌دهند، ارزش‌های موهبتی هستند که در تکوین الهی و با رمزو راز خاصّی در وجود ایندو به ودیعت نهاده شده است.

الف. ویژگی‌های جنسیتی مرد

اساسی‌ترین ویژگی‌های جنسیتی مرد از نگاه دانشمندان و روان‌شناسان عبارتند از:

۱. مرد توان و قدرت جسمی بیشتری دارد و این زمینه تحمّل مسئولیت‌های سنگین‌تر و دشوارتر زندگی زناشویی را در وی فراهم آورده است. (قشیری، تفسیر لطایف الاشارات، ۱۸۱/۱)

۲. مرد سرد مزاج‌تر است (مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ۱٦۳) و آمادگی او برای اقدام خردمندانه و آینده نگرانه به جای اقدامات احساسی و واکنشی بیشتر است.

۳. مرد کانون خانواده را کانون آسایش، رفع خستگی و فراموشخانه گرفتاری‌های بیرون می‌شناسد. (همان، ۲۱۰) البته نادیده انگاشته شدن این نیاز و بی توجّهی به آن از سوی زن، یکی از عوامل گشت و گذار بی هدف یا هوس آلود مرد در بیرون از خانه و توجه او به ارضای نیازهای جنسی در خارج از فضای ازدواج شرعی می‌شود.

قرآن به صراحت از این نیاز مرد یاد نموده است و بر آورده شدن آن را توسط همسر، از جلوه‌های قدرت الهی بر شمرده است: «وَ مِنْ آیاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْواجاً لِتَسْکُنُوا إِلَیْها» (روم: ۲۱) و یکی از آیات الهی برای شما، این است که از جنس شما جفت‌هایی آفرید تا در کنار آنان آرامش خود را باز یابید.

وقتی که مرد از محیط سنگین و خسته کننده کار به خانه باز می‌گردد و ناگهان با جای خالی زن یا سیمای گرفته او و یا روابط سرد عاطفی و فقدان جذّابیت‌های لازم روبرو می‌شود، تلخ کامی و رنج درونی و فشار عصبی به او هجوم می‌آورد و عشق و امید او به پیوند زوجیتش، دچار بحران می‌شود. چنین ضرورتی می‌تواند جزء عوامل توصیه‌های اخلاقی زیر باشد: زن بایستی با اجازه شوهر بیرون رود و نیز هنگام رفت و آمد شوهر، از بدرقه و استقبال او دریغ نورزد.

٤. مرد خواستار زیبایی، تجمّل و دلربایی زن است. (همان، ١٦٤) زن آشنا با احساسات مرد، می‌تواند با برآورده نمودن چنین خواسته‌هایی، به میزان وابستگی و حضور مشتاقانه مرد

در فضای خانواده بیافزاید، و دلبستگی او را بـه فضـاهای بیرونـی و اسـارت روابـط خـارج از همسر شرعی، کنترل نماید. روایاتی که در زمینـه آرایـش و پیـرایش زن در فضـای خانـه وارد شده، (حرّ عاملی، وسایل الشیعه، ۱۱۸/۱٤) به گونه‌ای با ایـن نیـاز روحـی و جنسـی مـرد، در ارتباط است.

۵. تهاجمی بودن نیاز جنسی مرد، دیگر ویژگی او راتشکیل مـی‌دهـد. (مطهـری، مرتضـی، نظام حقوق زن در اسلام، ۱٦۳ – ۱٦٤) بر همین اساس او خـود را مظهـر نیـاز (همـان، ۲۰۹)، طلب، عشق و تقاضا می‌شناسد. (همان، ۱٦۹)

سرعت جوشش شهوت در مرد باتقوا، سبب گریز و پرهیز از حضور در فضـاهای مفسـده آور و انحراف جنسی می‌گردد. همین عامل در مرد بی بند و بار و هوس پیشه، از او شـکارچی بی رحمی می‌سازد که عفّت عمومی را تهدید می‌کند. از همین روست که برای کنترل وضعیت جنسی و اجتناب از سقوط در دام شهوات جنسی در آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور، حرمت نگاه به نامحرم، ضرورت حجاب و حرمت ارائه زیور و زینت‌های زنانه و... مطرح شده است.

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصارِهِم... قُـلْ لِلْمُؤْمِنـاتِ يَغْضُضْـنَ مِـنْ أَبْصـارِهِن وَ لا يُبْـدِينَ زِينَتَهُن...».(نور: ۳۰–۳۱)

از دیگر سوی، به زن توصیه شده که اشباع جنسی مرد را به عنوان یک اولویت استثنایی در کانون خانواده بشناسد، (وسایل الشیعه، ۱۲٦/۱٤) تا بدین وسیله از بحران‌های خانوادگی ناشـی از محرومیت جنسی مرد، پیشگیری کرده باشد.

٦. مرد در مقایسه با زن، غیرتمندتر است. مرد نگران آن است کـه مبـادا کسـی پـیش از او، زنش را تصرّف کرده باشد، ولی این نگرانی و اضطراب در زن کمتـر اسـت. (دورانـت، ویـل، لذّات فلسفه، ۱۳٦) وقتی که غریزه غیرت با آگاهی مرد از خصلت شهوت پرستی برخی مردان همراه می‌گردد، نگرانی او افزایش می‌یابد و به همین دلیل خارج شدن زن از خانه، به ویـژه در سال‌های جوانی برای شوهر، تشویش عمیقی را به دنبال دارد وتأکید مدیریت مرد بـر رفـت و آمدهای زن از خانه، اینگونه توجیه می‌شود.

توجه به جا و بدور از افراط و تفریط در غریزه غیرتمندی، اسباب کنترل و عفاف زن و نیز اصلاح روابط و مناسبات اجتماعی را به دنبال دارد و بخشـی از انحرافـات جنسـی در فضـای عمومی را کاهش خواهد داد.

ب. ویژگی‌های جنسیتی زن

۱. زن در کنار لطافت و جاذبه ظاهری، از لطافت روحی و رقّت قلب بیشتری برخوردار است. زودتر از مرد هیجانی شده، اسیر احساسات می‌گردد. در آموزه‌های اسلامی به این ویژگی زن توجه خاصّی شده است، امام سجاد (ع) می‌فرماید: «من شأن النساء الرقّة و الجزع فلم تملک نفسها» حالت زنان، نازک دلی و آشکار نمودن غم در گرفتاری هاست که در نتیجه آن، اختیار از دست می‌رود (بحارالانوار، ٤٥/ ٢)

خانم لامبر می‌نویسد: در زن قدرت عقل، ناقص است، زیرا عاطفه قدرتمندش او را بازی می‌دهد، (هاشمی، مجتبی، مقدمه بر روان شناسی زن، ۱۳۰) زن به دلیل زودرنجی شدید که البته از لطافت روحی او سرچشمه می‌گیرد، به همان اندازه که از خشونت مرد نگران است، به علاقه و حمایت او نیاز دارد و در پی تسخیر دلِ اوست و اظهار محبت او را جزء خاطرات فراموش ناشدنی خود قرار می‌دهد.

در بیانی از پیامبر آمده است: اظهار دوستی مرد به زن، هیچگاه از یاد او نمی‌رود («قول الرجل للمرأة: انّی احبّک لایذهب من قلبها ابدا» کلینی، کافی، ٥٦٩/٥)، امام علی در این باره می‌فرمایند: زن تا چهل سال، اظهار دوستی را در دلش نگاه می‌دارد. («المرأة تکتم الحبّ اربعین سنة» ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ۲۹۱/۲۰)

شهید مطهری در مقام تحلیل آثار تربیتی عشق به زن می‌نویسد: زن می‌خواهد قلب مرد را در اختیار داشته باشد و مرد حامی و مدافع او باشد... علاقه و محبّت اصیل و پایدار زن، همان است که به صورت واکنش به علاقه و احترام مرد نسبت به او، وجود می‌آید، از این رو علاقه زن به مرد، معلول علاقه مرد به زن است... طبیعت، کلید هر دو طرف را در اختیار مرد قرار داده است. (مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ٢٤٩ – ٢٩٩)

۲. علاقه به مادر بودن از دیگر ویژگی‌های جنسیتی زن است و بر همین روال است که جریان حیات انسانی و بقای نوع بشر تداوم می‌یابد. این علاقه ذاتی موجب می‌شود که رنج بارداری، زایمان، شیردهی و مراقبت نوزاد و تربیت فرزند تحمّل پذیر گردد.

قرآن به قصد احترام به مادر و تقدیس حس مادری و یادآوری رنج‌های او می‌گوید: «وَ وَصَّیْنَا الْإِنْسانَ بِوالِدَیْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْناً عَلی وَهْنٍ وَ فِصالُهُ فِی عامَیْنِ أَنِ اشْکُرْ لِی وَ لِوالِدَیْکَ إِلَیَّ الْمَصِیرُ» (لقمان: ١٤) و انسان را نسبت به پدر و مادرش سفارش کردیم، مادرش او را در

دوران حاملگی و ضعف‌های مضاعف حمل کرد و او را دو سال شیر داد که سپاسگزار من و پدر و مادرش باشد که بازگشت به سوی من است.

از جمله آسیب‌های حوزه خانواده گمگشتگی نقش‌ها و از جمله نقش مادری است.

۳. علاقه مندی به آرایش، زیبایی و تجمّل، سومین موهبت فضیلتی زن است. قرآن در این باره می‌فرماید: «مَنْ یُنَشَّؤُا فِی الْحِلْیَةِ وَ هُوَ فِی الْخِصامِ غَیْرُ مُبِین» (زخرف: ۱۸) آیا کسی را شریک خدا قرار می‌دهند که در زیور پرورش یافته است.

تجمّل گرایی که به طور طبیعی مورد علاقه زن است، گاه توسط زنان به افراط کشیده می‌شود و تمام استعداد و وجود خویش را به طور انحصاری به آن می‌سپرند. از این رو علی فرمود: «عقول النساء فی جمالهنّ». (ابن بابویه، امالی، ۲۲۸) عقل زنان، در زیبایی ایشان است.

قرآن، حس تجمّل گرایی زن را در محیط زندگی خانوادگی، کاملا به رسمیت می‌شناسد و به برکت آن خشکی و یکنواختی زندگی تبدیل به طراوت و جاذبه‌های هنری می‌شود، مشروط به آنکه از مرز قناعت و کفاف خارج نشود و به درّه اسراف و تبذیر سقوط نکند. علاوه بر آن، درمعرض دید نامحرمان قرار نگیرد وتعادل نظام خانواده و جامعه را دستخوش تندباد هوس‌ها و شهوات نکند.

ارضای نیازهای جنسی در فضای ازدواج، زمینه کاهش ستم و انحراف جنسی

تأمین نیازهای جنسی، از کارکردهای اصلی نهاد خانواده، در طول تاریخ بوده است. البتّه با توجه به تفاوت‌هایی که همواره بین نیازهای جنسی مردان و زنان مطرح است، در بیشتر جوامع، ارزش گذاری کمتری نسبت به لذّت جنسی زنان صورت گرفته است.(آبوت و والاس، جامعه شناسی زنان، ۱۳۵) در کشورهای غربی، حتی تا اوایل قرن بیستم این تصوّر حاکم بوده که زنان از آمیزش جنسی هیچ لذتی نمی‌برند و تنها مردان سایق کنترل ناپذیر دارند.(بستان، حسین، اسلام و تفاوت‌های جنسیتی، ۲۵) فمنیستها، چنین وانمود می‌کنند که میل جنسی زنان معمولاً مسکوت گذارده شده یا نابهنجار قلمداد می‌شود، مگر زمانی که به عنوان مکمّل نیازهای مردان باشد. (همان به نقل از: Ramazanagla, Feminism and the Cantradictions of Oppression, P64)

در منابع اسلامی گفته می‌شود که حق بهره مندی جنسی از همسر، مهم‌ترین حق شوهر بر

زن بوده و با استثنای برخی موارد خصوصا آنجا که موجب ضرر می‌شود از قبیل بودن زن و شوهر در حالت احرام یا روزه واجب، حضور در اماکن مقدس مانند مساجد و بودن زن در حال حیض و نفاس، معمولاً محدودیت قابل توجهی برای این حق در نظر گرفته نشده و در صورت عدم ارضای آن از سوی همسر، ابزارهای قانونی مانند ترک انفاق، و احیاناً تنبیه روحی یا بدنی (با شرائطی خاص) برای استیفای آن در اختیار شوهر قرار داده شده است.

همچنین ارضای جنسی مرد، صرفاً در قالب الگوی تک همسری پیش بینی نشده، بلکه با تجویز تعدّد زوجات و نیز ازدواج موقّت، دامنه گسترده‌ای برای آن در نظر گرفته شده است. البته برای زنان چنین نیست. یعنی جز بهره‌مندی جنسی زن از شوهر در کانون خانواده، دیگر امکان چند شوهری و ازدواج موقت، همزمان با پیوند ازدواج، نمی‌باشد.

الف. حق جنسی شوهر

این حق در اصطلاح فقهاء، با تعبیر حق تمکین یاد می‌شود. یعنی زن باید امکان بهره گیری جنسی را برای شوهرش بدون هیچگونه محدودیت زمانی یا مکانی (به غیر از موارد استثناء) فراهم سازد. (ر. ک: شهید ثانی، مسالک الافهام، ٤٣٩/٨) مهم‌ترین دلیل این حق، تصریح به آن در برخی آیات و روایات است. «وَ اللَّاتِی تَخافُونَ نُشُوزَهُنَ فَعِظُوهُنَّ وَ اهْجُرُوهُنَّ فِی الْمَضاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ ـ فَإِنْ أَطَعْنَکُمْ فَلا تَبْغُوا عَلَیْهِنَّ سَبِیلا» (نساء: ٣٤) این آیه این حق را به شوهر داده است که در برابر نشوز زن «عدم طاعت» به شیوه‌های سه گانه موعظه، قهر کردن و تنبیه بدنی هشدارآمیز توسّل جوید که از مصادیق قطعی نشوز زن، خود داری از تمکین جنسی زن در برابر تمایل و درخواست شوهر است. روایات متعدّد نیز لزوم تمکین جنسی زن را مطرح کرده است. («جائت امرأة الی النبی فقالت: یا رسول الله ما حق الزوج علی المرأة؟ فقال لها: ان تطیعه و لاتعصیه... و لاتمنعه نفسها و ان کانت علی قتب» و نیز روایت دیگری: «ان تجیبه الی حاجته و ان کانت علی قتب» حرّ عاملی، وسایل الشیعه، ١١٢/١٤)

همچنین شوهر این امکان را دارد که اگر با برخی بیماری‌های واگیردار یا کاستی‌های جسمی زن در اندام‌های تناسلی، بهره گیری جنسی برای شوهر مقدور نشود، می‌تواند عقد ازدواج را فسخ کند. (همان، باب ١، ٢، ٣ از ابواب العیوب و التدلیس، ٥٩٣ ــ ٥٩٩) بدین ترتیب اسلام حق جنسی مرد را به رسمیت شناخته است.

ب. حق جنسی زن

در اسلام حق همبستری و نیز حق طلاق در اختیار شوهر است. علی (ع) در مورد زنی که در عقد ازدواج شرط کرد که حق همبستری و طلاق در اختیار خودش باشد و مهریه را هم به شوهرش پرداخت کرده بود، حکم کرد که این زن بر خلاف سنّت پیامبر (ص) از حقّی که از آنِ او نبوده، برخوردار شده است، لذا حضرت، مهریه را بر عهده شوهر و همبستری و طلاق را نیز در اختیار او قرار داد. (همان، ٤١/١٥)

اما اجمالاً می‌توان با توجه به دلایلی حق جنسی زن را نیز اثبات نمود:

الف: روایاتی داریم که زن به ادّعای محرومیت جنسی‌اش (به دلیل ناتوانی یا خودداری شوهر از ارتباط جنسی) به امام مراجعه می‌کند و حضرت برای اینکه مرد از این اتهام تبرئه شود، او را محکوم به سوگند خوردن می‌نمایند. (همان، ٥٤٧)این رسیدگی قضایی به دادخواست زن، نشانه حق جنسی اوست.

ب: روایاتی داریم که تصریح می‌کند: شوهر نباید بدون عذر شرعی، ارتباط جنسی با همسرش را بیش از چهار ماه ترک کند. ازجمله صفوابن یحیی از امام رضا(ع) پرسید: آیا اگر شوهر نه به انگیزه ضرر رساندن، بلکه به دلیل غم و مصیبتی که به آنان وارد شده، از ارتباط با همسر جوان خود به مدّت چند ماه یا یکسال خودداری می‌کند، گنهکار است؟ حضرت فرمود: اگر چهار ماه از او کنارگیری کند، پس از آن گناه کار خواهد بود. (همان، ١٤/ ١٠٠)

ج: برخی قواعد فقهی نیز می‌تواند این مطلب را اثبات کند از جمله قاعده حرمت اعانت بر اثم «وَ لا تَعاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوانِ» (مائده: ٢) چه اینکه اگر خودداری شوهر از ارضای نیاز جنسی زن، به وقوع زن در گناه منجر شود، مصداق اعانت بر گناه است و همچنین قاعده نفی ضرر و ضرار در اسلام (حرّ عاملی، وسایل الشیعه، ٣٦٢/١٢) و نیز ادله نهی از منکر و مسئولیت شوهر در جلوگیری از گناه همسر و فرزندان بر طبق آیه: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ ناراً» (تحریم: ٦)

رفتار جنسی و نابهنجار

رفتار جنسی نابهنجار به نظر نگارنده، هرگونه ارتباط جنسی است که به منظور ارضای جنسی و خارج از محدوده ازدواج شرعی زن و مرد باشد یا در قالب ازدواج، اما بدون رعایت

مرزها و آداب شرعی باشد.

«وَ الَّذِینَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حافِظُونَ إِلَّا عَلی أَزْواجِهِمْ أَوْ ما مَلَکَتْ أَیْمانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَیْرُ مَلُومِینَ فَمَنِ ابْتَغی وَراءَ ذلِکَ فَأُولئِکَ هُمُ العادُون».(مومنون: ۵ ـ ۷.)

(مؤمنان کسانی هستند که...) و بر دامن خود از آلودگی‌ها محافظت می‌کنند. جز با همسران خود یا کنیزان خویش ارتباط جنسی برقرار نمی‌کنند، که در این ارتباط ملامتی بر آنها نیست و کسانی که غیر از این طریق را طلب کنند، تجاوزگرند.

نابهنجاری‌های جنسی تمایلات و رفتارهای جنسی غیرطبیعی و انحرافی است که به هر شیوه‌ای، به سلامت جسمانی، روانی، معنوی و اجتماعی فرد آسیب می‌رساند و او را از تعالی و رشد انسانی، باز می‌دارد. (فقیهی، تربیت جنسی از منظر قرآن و حدیث، ۲۹۹)

اینک به برخی از مهمترین نابهنجاری‌های جنسی با توجه به نظام خانواده می‌پردازیم:

الف. زندگی مشترک بدون ازدواج

ازدواج، پدیده‌ای است فراگیر که در همه زمان‌ها و مکان‌ها وجود دارد و در همه جوامع، راه اصلی تشکیل خانواده به شمار می‌رود. با وجود این همراه با آزادی وسیع روابط میان زن و مرد، که در دهه‌های اخیر در جوامع غربی پدید آمده و از طریق رسانه‌ها و فن آوری‌های نوین، فرهنگ سازی جهانی گردید، نوع دیگری از روابط کم و بیش پایدار بین زن و مرد در این جوامع رواج یافت و آن عبارت از همخانگی یا زندگی مشترک یک زن با یک مرد بدون ازدواج است. بر حسَب آمارها، در سال ۱۹۶۰ در آمریکا ٤۳۹۰۰۰ زوج زندگی مشترک بدون ازدواج داشته‌اند در حالی که در سال ۱۹۹۹ این رقم به ٤۲۳٦۰۰۰ رسید (of the Census www. U. S. Bareau) که بر طبق آمارها همچنان افزایش داشته است.

در انگلستان نیز تقریبا ۲۰٪ از زنان غیرشوهر دار واقع در سنین ۲۰ تا ۳۹ سالگی به همخانگی روی آورده‌اند. (Allan an crow. 2001, P63)

از سوی دیگر، اغلب کسانی که به همخانگی روی می‌آورند، از بچه دار شدن خودداری می‌کنند، ولی همواره عدّه قابل توجهی از آنان بچّه دار می‌شوند.

بی تردید الگوی همخانگی، به دلیل مخالفت با اصول مسلّم همه ادیان الهی، از دیدگاه اسلامی نیز هیچ گونه مشروعیتی ندارد. این الگو، به هیچ روی برای بروز عواطف اصیل و عمیق بین زن و مرد و پرورش صحیح فرزندان به عنوان اهداف مهم ازدواج، زمینهٔ مناسبی

فراهم نمی‌آورد. چرا که بی ثباتی و ناپایداری از ویژگی‌های اصلی آن است. از آنجا که این رابطه معمولاً مدّتی به طول می‌انجامد، میان زوجین الفت و محبّت و دلبستگی از نوع دلبستگی زناشویی به وجود می‌آید. دلبستگی که همراه با انحصار طلبی نسبت به شریک جنسی می‌باشد، ولی آنجا که شریک جنسی هر زمان خواست، بدون هیچ تعهّدی به زندگی مشترک خاتمه می‌دهد، هر دو طرف همواره در حالت اضطراب و نگرانی و بدبینی نسبت به یکدیگر بسر می‌برند و احساس رضایت عاطفی از روابط خویش، بسیار کمتر از احساس رضایت در میان زن و شوهرهای ازدواج رسمی است. (Cunningham and Antill. 1995. به نقل از بستان، حسین، اسلام و جامعه شناسی خانواده، ۵۹)

می‌توان ازدواج موقت در اسلام را، الگویی از ازدواج دانست که ضمن قرار دادن ارتباط جنسی در چهارچوب مشروع دینی، برخی کارکردهای همخانگی را نیز ایفا می‌کند. ضمن اینکه تعهدات این نوع ازدواج، کمتر از ازدواج دائم بوده و بر حسَب تمایل و قرارداد زوجین می‌تواند از ارتباط جنسی مشروع برخوردار باشند.

ب. همجنس بازی

بر طبق شریعت اسلامی، اگر مرد بالغ، عاقل و مختار، مرتکب چنین عملی شود و این عمل نزد قاضی اثبات گردد، آن شخص محکوم به مرگ است. (امام خمینی، تحریر الوسیله، ٤٦٩/٢) در بسیاری از کشورهای اروپایی مانند انگلستان نیز تا اوایل قرن نوزدهم، مجازات چنین عملی مرگ بوده و تا همین دهه‌های اخیر، جرم تلقّی می‌شد. (گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، ۲۰۷)

ج. اختلال در ارضای جنسی

یکی از اهداف زوجین برای تشکیل خانواده و یکی از عوامل تثبیت نهاد خانواده، ارضای مناسب نیازهای جنسی است و هرگونه اختلال در تحقق آن فرایند ازدواج و خانواده را دچار مشکل می‌کند.

در بسیاری از جوامع معاصر، به ویژه در جوامع غربی، علی رغم تحولات متنوعی که در زمینهٔ آزادی روابط جنسی به وقوع پیوسته است، خانواده همچنان اساسی‌ترین عنصر در تنظیم و سالم سازی روابط جنسی محسوب می‌شود و لذا، مشاهدهٔ کجروی‌های جنسی از سوی افرادی که یا تشکیل خانواده نداده‌اند ویا دچار اختلافات شدید خانوادگی هستند، چندان دور

از انتظار نیست. پدیده‌هایی همچون زنای با محارم، تجاوز جنسی به کودکان، روابط جنسی خارج از خانواده و انواع دیگر روابط جنسی نامشروع، آن هم توسط افراد متأهل، تا حدودی، ریشه در اختلالاتی دارند که زوجین را از ایفای نقش خود در زمینه ارضای مشروع غریزه جنسی، باز می‌دارند.

بی تردید نقش جنسیّت را نباید در ارضای جنسی زوجین از یاد برد. مردان بر طبق تحقیقات، بیش از زنان به موضوع روابط جنسی بها می‌دهند. به همین دلیل در کشمکش‌های زناشویی و حتی در موارد طلاق، شکایت از رضایت بخش نبودن روابط جنسی، معمولا از سوی مردان ابراز می‌گردد. (Goade, 1964: 97 .به نقل از بستان، حسین، اسلام و جامعه شناسی خانواده، ۱۸۸)

همچنین تحقیقات دیگری می‌گویند ردّ درخواست‌های جنسی مرد از سوی همسر آشفتگی زیاد مرد را به همراه دارد، در حالی که آشفتگی زن زمانی بروز می‌کند که احساس کند، دیگر محبوبیتی نزد شوهرش ندارد. (Baron and Byrne, 1997: 308 .به نقل از بستان، حسین، اسلام و جامعه شناسی خانواده، ۱۸۹)

شهید مطهری در این زمینه می‌نویسد: علاقه زن به مرد معلول علاقه مرد به زن و وابسته به اوست. یعنی این مرد است که با بی علاقگی و بی وفایی خود نسبت به زن او را سرد و بی علاقه می‌کند. سردی و خاموشی علاقه مرد، مرگ ازدواج و پایان حیات خانوادگی است. (مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ۳۱٦)

در نظام تنظیم روابط جنسی اسلام، به هر دو نکته یاد شده، یعنی اهمیت ارضای جنسی برای زنان و نقش تفاوت‌های جنسی، به طور خاص توجه شده است. اصولاًاسلام گذشته از اهتمام فراوان به ارضای جنسی زنان در روابط زناشویی، در مواردی برای این موضوع جنبه حقوقی قایل شده و مردان را موظّف به رعایت این حقوق کرده است (قبلا در این زمینه به تفصیل مطالبی ارائه شده) همچنین تأکید بر لزوم ملاعبه جنسی (ر. ک: حرّ عاملی، وسایل الشیعه، ۸۲/۱٤) نمونه‌ای است که توجه خاص اسلام به میل جنسی زن را نشان می‌دهد.

ثانیا در توصیه‌های اسلامی، اهتمام بیشتری نسبت به ارضای جنسی مرد در قیاس با ارضای جنسی زن مشاهده می‌کنیم. اسلام از زن مسلمان می‌خواهد نیاز جنسی شوهر خود را در هر حال جدی بگیرد و در ارضای آن کوتاهی نکند و تمکین جنسی وی را یک تکلیف شمرده

است و حتی در برخی روایات سفارش شده، نباید زنان نماز را طولانی کنند، در هنگامی که مرد تقاضای ارتباط جنسی دارد. (ر. ک: حرّ عاملی، وسایل الشیعه، ۱۱۷/۱٤)

د. آزار جنسی زنان

از جمله موضوعات مرتبط با حوزه تربیت جنسی، موضوع ستم جنسی است که هم قدمت فراوان تاریخی دارد و به عمر انسان می‌رسد و هم انحاء و ابعاد گوناگونی را شامل می‌شود.

از مصادیق آشکار ستم جنسی، خشونت و آزار جنسی در محیط خانواده، آزار و تجاوز جنسی بر ضد زنان می‌باشد.

مفهوم جنسیت (Gender) در مواردی با مفهوم جنس (Sex) به طور مترادف به کار می‌رود. در حالی که بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی، بین جنس که دارای بُعد صرفا سائقی و طبیعی است و جنسیت که از ابعاد اجتماعی، فرهنگی برخوردار است، تمایز قائل می‌شوند. (ساروخانی، باقر، دائرة المعارف علوم اجتماعی، ۹۰۵)

این تمییز از سوی بسیاری از صاحب نظران فمینیست پذیرفته شده است. آنان معتقدند به استثنای برخی تفاوت‌های محدود بین مذکر و مونث، به ویژه تفاوت‌های آناتومیک که زیر مجموعه تفاوت‌های جنسی قرار می‌گیرند و در گونه‌های دیگر حیوانی نیز یافت می‌شوند، سایر تفاوت‌های زنان و مردان، منشأ اجتماعی ـ فرهنگی دارد و لذا در زمرهٔ تفاوت‌های جنسیتی قرار می‌گیرند. (جگر، آلسیون، چهار تلقی از فمینیسم، مجله زنان، شماره ۲۸، ص٦۱؛ همچنین ر. ک: نظریه فمینستی معاصرین، ٤۷۵)

اسلام در مقوله سرپرستی شوهر بر زن در آیه شریفه: «الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَی النِّساءِ بِما فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلی بَعْضٍ وَ بِما أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوالِهِم» (نساء: ۳٤) ابعاد گوناگونی را مورد توجه قرار داده است؛ حمایت اقتصادی مرد از زن با ملاحظه تفاوت‌های طبیعی زن و مرد قوامیت در تفاسیر مرسوم به معنی ریاست و سرپرستی شوهر بر زن گرفته شده که البته بایستی توأم با قسط و عدل و رعایت حدود الهی باشد (ر. ک: مغنیه، التفسیر الکاشف، ۳۱۵/۲) برخی نیز آن را به معنی تکلیف و مسئولیت شوهر در برابر زن دانسته‌اند (جوادی آملی، زن در آئینه جلال و جمال، ۳٦٦)

ضعف جسمی زنان در مقایسه با مردان، خواه آن را واقعیتی بیولوژیک و غیر قابل تغییر بدانیم و خواه منشأ آن را فعالیت‌های ویژه زنانه مثل حاملگی، قاعدگی و پرورش فرزند بدانیم،

به طور قهری شرائط پیچیده و سختی را برای زنان ایجاد می‌کند که نیاز به نگهبان، پشتیبان و حامی می‌باشد و مردان به واسطه توانمندی‌های جسمانی و نیز مالی که ره آورد کار اقتصادی می‌باشد، مأمور به مراقبت و حمایت می‌باشند.

این حق سرپرستی، از نوعی خدمت و پاسداری حریم خانواده خبر می‌دهد که با تأکید بر عنصر اخلاق و تربیت انسانی، پیراستهٔ از ستم و ظلم خواهد بود.

توصیه‌های اخلاقی فراوان به مردان درباره معاشرت نیک با زنان در حریم خانواده و رعایت حقوق آنان، مثلا حرمت ضرر رساندن به مادران شیرده (بقره: ۲۳۳) وجوب نگهداری توأم با رفتار شایسته یا طلاق توأم با نیکی و احسان در مورد زنان مطلقه (بقره: ۲۲۹)، حرمت ضرر رساندن به زنان مطلقه (طلاق: ٦)، حرمت تصاحب اموال زن بدون رضایت او (نساء: ۲۰ – ۲۱)، اجتناب از تقاضای ارتباط جنسی در دوران حیض (بقره: ۲۲۲) لزوم تأمین پوشش کافی و مناسب برای همسران (بقره: ۲۳۳)، تلویحاً دلالت دارد که اسلام ریشه بسیاری از ستم‌های وارد شده بر زنان را کاستی‌های اخلاقی و ایمانی مردان می‌داند.

عامل ایمان و اخلاق به دو شکل می‌تواند در کاهش ستم جنسی بر زنان مؤثر باشد: نخست، از راه کنترل درونی مردان و بازداشتن ایشان از پایمال کردن حقوق زنان، دوم از طریق کنترل درونی زنان و بازداشتن آنها از ایجاد شرایطی که ممکن است در نهایت به ستمدیدگی و تجاوز به حقوق خود آنان بیانجامد. (بستان، حسین، نابرابری و ستم جنسی از دیدگاه اسلام و فمنیسم، ۹۰)

همچنین کنترل بیرونی، از طریق نهاد حکومت و قانون بر پدیده ستم جنسی اثر شگرفی می‌گذارد. نظارت اجتماعی و احساس مسئولیت حاکمیت و مردم در برابر ستم جنسی می‌تواند، سپر فرهنگی و اجتماعی بی نظیری در سطح اجتماع ایجاد کند. اسلام با تأکید فوق العاده بر عنصر امر به معروف و نهی از منکر، نگرش جمع گرایانه فوق العاده‌ای را به آحاد مردم می‌دهد.

هـ . زنا (Adultery)و روسپیگری (Prostitution)

از قدیمی‌ترین انواع نابهنجاری‌های جنسی، آمیزش جنسی زن و مردی است که با هم پیوند زناشویی نبسته‌اند که از بدترین و زشت‌ترین گناهان کبیره شمرده شده است و از آنجا که مفاسد دنیایی زیادی بر آن مترتب است، مجازات سنگینی هم برای آن ذکر شده است. از

حدّ یک صد تازیانه تا رجم (سنگسار شدن) و زدن با شمشیر کـه در کتـب فقهـی و مقـررات جزایی ذکر شده است. (ر. ک: امام خمینی، تحریر الوسیله، ج۲، باب الحدود)

این انحراف انواعی دارد از جمله؛ زنـای محصـنه (زن شـوهر دار یـا مـرد زن دار) و غیـر محصنه، با محارم و با غیر محارم، به عُنف (احبار و زور) و یا به اختیار، یک یا چند دفعه و یـا یک کار دائمی و به عنوان شغل یا عادت تحت عنوان روسپی گری و...

قرآن کریم تأکید دارد که به زنا نزدیک نشوید. یعنی حتی از مقـدمات آن مثـل تخیّـل زنـا، تصویرگری جنسی، ارتباطات کلامی شهوت آلود و نگاه‌های حرام که زمینه سازی زنا می‌کننـد، اجتناب کنید. قرآن زنا را جزء فواحش می‌شمرد. یعنی گناهی که زشتی آن کاملا آشکار اسـت. «وَ لا تَقْرَبُوا الزِّنی إِنَّهُ کانَ فاحِشَةً وَ ساءَ سَبیلًا» (اسراء: ۳۲)

امام باقر(ع) می‌فرماید: عوارضی که دامنگیر زناکار می‌شود، شـش پیامـد اسـت. سـه تـا در زندگی اجتماعی و دنیایی و سه تا در زندگی معنوی و اخروی، اما عوارضی که زنا در زنـدگی دنیایی به دنبال دارد: از بین رفتن اعتبار و آبروی اجتماعی، ابتلا به فقر و بیچـارگی و کوتـاهی عمر است، و عوارضی که در آخـرت بـرای فـرد پـیش مـی‌آیـد: غضـب و خشـم پروردگـار، حسابرسی بد و زندگی دائمی در آتش جهنم است. (حرّ عاملی، وسایل الشیعه، ۳۰۹/۲۰)

امروزه برخی با این رفتار نابهنجار زندگی خود را می‌گذرانند و یکی از تجارت‌های کثیف، خرید و فروش زنان است، سوگمندانه در برخی از کشورها، بخش قابل توجهی از اقتصاد و در آمد، وابسته به مراکز فساد و خود فروشی زنان می‌باشد.

در انحراف جنسی زنا، علاوه بر بروز بیماری‌هـای خطرنـاک جسـمانی همچـون سـوزاک، سفلیس، ایدز و بیماری‌های مقاربتی، درد مفاصل و استخوان، ناتوان سازی تمام ارگانیسم بـدن و اختلاط انساب، بحران‌های اخلاقی، ناامنی، تعدّی به حقوق زنان و دختـران، فروپاشـی نظـام خانواده، سوء استفاده از موقعیت زن در جامعه و دوری از رحمـت الهـی و عواقـب دنیـوی و اخروی دیگر نیز پدید می‌آید. (شفیعی سروستانی، ابراهیم، نظـام اسـلام و مسـاله روسـپیگری، ۱۳۳)

آموزش‌های جنسی در فضای ازدواج

از جمله مهمترین راه کارهای پیش گیری و کنترل انحرافات جنسی، آمـوزش‌هـای جنسـی

است. البته مقصود از آموزش جنسی، صرفا تکنیک‌های بهره‌وری جنسی نیست، بلکه ارائه هر نوع دانش و نگرش به شخص در موضوعات جنسی متناسب با اقتضاءات دوران رشد او، به منظور تأمین سلامت جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی وی را آموزش جنسی گویند. بر این اساس طیف گسترده‌ای از آموزش‌های مربوط به هویت جنسی، نقش جنسی، نیازهای جنسی، شناخت کارکردهای اعضای جنسی، رفتارهای درست جنسی، انحرافات و اختلالات جنسی و موضع گیری‌های دینی درست در هر موضع را شامل می‌شود (ر. ک: مجله علمی - تخصص معرفت، شماره ٤٢، سال دهم، شماره سوم، خرداد ۱۳۸۰، ص۱۰۸ ـ ۱۱۵؛ ثابت، حافظ، تربیت جنسی در اسلام، ص١٦٨ ـ ۱۷۱؛ اسماعیلی، علی، جوان، انگیزه و رفتار جنسی، ص٦٠)

اسلام در این زمنیه دارای دیدگاه اعتدالی است. ضرورت طرح و آموزش مسائل جنسی در چهارچوب اخلاق و شریعت متناسب با نیازهای هر مقطع سنی و با رعایت ادب و هنجارهای اجتماعی، مورد توجه و تأکید اسلام است.

قرآن کریم که مهمترین منبع معرفتی، تربیتی و آموزشی ماست، با ظرافت ویژه‌ای و با رعایت ادب و ضمن بهره گیری از فصاحت و بلاغت به مسائل عمده جنسی، بدور از تحریک زایی و شهوت آفرینی اشاره کرده است.

در مورد حضرت آدم و حوا با لطافت خاصی می‌فرماید: «فَلَمَّا تَغَشَّاها حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيفاً فَمَرَّتْ بِهِ، فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُما لَئِنْ آتَيْتَنا صالِحاً لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِين» (اعراف: ۱۸۹)

سپس هنگامی که با او آمیزش کرد، حملی سبک برداشت که با وجود آن به کارهای خود ادامه می‌داد و چون سنگین شد، هر دو از خداوند خواستند: اگر فرزند صالحی به ما دهی، از شاکران خواهیم بود.

در قرآن، داستان باردار شدن حضرت مریم به وسیله نفخ فرشته و به دنیا آمدن حضرت عیسی، داستان بارداری حضرت موسی، آیاتی درباره زنا، لواط و روابط زن و شوهر، احکام غسل و تیمم، آمیزش جنسی، انحراف جنسی، مراحل رشد جنین، احتلام، جنابت، نطفه، رحم، زایمان، حیض و نفاس و... سخن گفته شده است. (ر. ک: حج: ۵؛ بقره: ۱۸۷، ۲۲، ۲۲۳، ۲۳۷؛ دهر: ۲؛ مومنون: ۵، ۷، ۱۲، ۱۳؛ احقاف: ۱۵؛ اسراء: ۳۲؛ نور: ۲، ١٤؛ اعراف: ۸۰؛ واقعه: ۲۲؛ نبا: ۳۳، روم: ۲۱) اما هرگز حریم حیا و عفاف و اخلاق آسیب ندیده است و از هر گونه بدآموزی برکنار است و این آموزش‌ها به رفتارهای جنسی ناسالم و نامشروع نمی‌انجامد.

تبصره دیگر اینکه آموزش‌های جنسی اسلامی، همگام با مراحل رشد جنسی تدریجی است و به هنگام نیاز وارد زندگی نوجوان، جوان و زوجین می‌شود. آموزش‌های جنسی اسلامی، سطح بندی شده و متناسب با نیاز هر دوره ارائه می‌شود و به همان مقدار بسنده می‌شود. مسائل بلوغ در دوران شروع طوفان غرایز و مسائل آمیزش جنسی و روابط رضایتمندانه جنسی زوجین، در آستانه ازدواج ارائه می‌شود. شتابزدگی و جلو انداختن یا غفلت و تأخیر این آموزش‌ها از هنگام نیاز، می‌تواند اثرات زیانباری را بر سلامت و کمال جنسی و شخصیت همه جانبه مخاطب داشته باشد.

بررسی روند گذشته نظام آموزشی و تربیتی کشور نشان می‌دهد که مباحث جنسی در کتب درسی و آموزش‌های عمومی و آموزش‌های اختصاصی زوجین در آستانه ازدواج، مغفول واقع شده است. نوجوان همزمان با بلوغ خویش، با طوفانی از احساسات و تمایلات و تحریکات در دورن خود مواجه می‌شود. مسأله احتلام را مشاهده می‌کند، اما نه در مدرسه و خانه و حتی تعلیمات دینی مساجد، اطلاعات مناسب و روش‌های مواجهۀ لازم و تربیت اخلاقی و روان شناختی و دینی مفیدی به او ارائه نمی‌شود. همچنین در جوانی که تمایلات جنسی او شدیدتر می‌شود و احیاناً با امکان بهره‌مندی نامشروع از تمنیات جنسی، زمینه لغزش بیشتری فراهم می‌شود، به درستی راه کنترل و حفظ سلامت اخلاقی خویش را آموزش نمی‌بینند. حتی در هنگام ازدواج که امکان طبیعی و شرعی تأمین نیازمندی‌های جنسی برایش فراهم است، مرزبندی‌های شرعی و اخلاقی و آداب روابط جنسی برای او به درستی تبیین نمی‌شود.

مشاوره‌های گوناگون اثبات می‌کنند که عدم آگاهی‌های جنسی، سهم فراوانی در اختلالات و انحرافات جنسی و اختلاف زوجین و نیز نارضایتی زوجین از روابط جنسی دارد. (به پژوه، احمد و همکاران، اهمیت آموزش جنسی و چگونگی تعلیم و تربیت جنسی. به نقل از: فقیهی، مشاوره خانواده و بهداشت جنسی، ۱۰٤)

البته رفتار آموزشی رسانه‌ها و مربیان و منابع مربوطه در جوامع گوناگون، کاملاً متفاوت و تحت تأثیر ایدئولوژی و مکتب فکری آن جوامع، دارای افراط و تفریط می‌باشد. بی تردید ورود مقوله مسایل جنسی به برنامه درسی کودکان و نوجوانان می‌تواند مخاطرات فراوانی را رقم زند و آموزش فراگیر جنسی به همه اقشار و افراد ـ بدون توجه به نیاز بالفعل آنان ـ اسباب انحرافات و اختلالات جنسی متعددی گردد.

بر طبق تحقیقات (ر. ک: منصوریان، علی اکبر، بررسی اپیدمیولوژیکی نقش آموزش در کاهش رفتارهای پرخطر جنسی و رضایتمندی جنسی در مراجعین متأهل به مراکز مشاوره، به نقل از: فقیهی، علی نقی، مشاوره خانواده و بهداشت جنسی، ۱۲۰) آموزش و مشاوره‌های فردی و گروهی به موقع، خصوصاً در اوایل ازدواج می‌تواند باعث افزایش رضایتمندی جنسی و کاهش اختلالات، انحرافات و رفتارهای پرخطر جنسی در جامعه گردد که پی‌آمد و نتیجه آن جلوگیری از نارضایتی در ارتباط‌های جنسی زوجین خواهد شد.

جدول زیر تغییر اختلالات را در بین گروه نمونه ۱۰۰ نفره زنان متأهل که تحت این آموزش‌ها قرار گرفته‌اند، قبل و بعد از آموزش گزارش می‌کند:

نوع اختلال و انحراف در شرایط خاص	قبل از آموزش	بعد از آموزش
رابطه جنسی با غیر همجنس	۱۰۰	۲۷
رابطه جنسی با همجنس	۵	۱
خودارضایی جهت ارگاسم	٦۲	۷
مشکل در برقراری ارتباط جنسی	۷٦	۱۷
رسیدن به اوج لذت جنسی به صورت هماهنگ با هم	۱۰	۷۲
رضایت از عمل جنسی با همسر	۲۱	۸۳
اختلال در ارگاسم یا انزال	۷۹	۲۳
عدم تهییج جنسی	۲۳	٤
عدم توانایی در لذت بردن	۳۰	٦
اختلال در نعوظ شوهر	۲۱	۵
انزال زود رس شوهر	۷۰	۱۵

از دیگر تاکیدهای اسلام به آموزش‌های جنسی، آموزش‌های مربوط به حقوق جنسی است. منظور از حقوق جنسی، حق‌هایی است که پس از ازدواج پدید می‌آیند و همگی در ارتباط با لذت جنسی زوجین اند. هر یک از زوجین در برابر حقوقی که همسرش دارد، موظف به انجام دادن فعالیت‌هایی است که در جهت لذت جنسی همسرش باید انجام دهد. مهمترین حق جنسی برای هر یک از زوجین، تمکین نسبت به همسر در نیازهای جنسی و پرهیز از نشوز است. آیات قرآن و احادیث (نساء: ۳٤ و ۱۲۸؛ مجلسی، بحارالانوار، ۵۲/۱۰٤) این حق را

شامل مرد و زن می‌دانند.

مجموعه آموزش‌های جنسی ویژه زوجین در آموزه‌های اسلامی به نکاتی چند تأکید دارد:

الف. آمادگی روحی

از جمله ویژگی‌های رابطه جنسی سالم و مثبت، آمادگی روانی و آرامش معنوی است. این آمادگی هم لذت مطلوب را فراهم می‌کند و هم نطفه‌ای سالم را پدید می‌آورد. لذا در توصیه‌های پیشوایان دینی، اجتناب از اضطراب و هرگونه زمینه‌ای که دغدغه و تنش آفرین باشد، سفارش شده است.

امام حسن(ع) می‌فرماید: اگر مرد در حال آرامش و بدن غیرمضطرب، با همسرش نزدیکی کند، نطفه در رحم استقرار پیدا می‌کند و فرزند آنها شبیه پدر و مادرش می‌شود. (مجلسی، بحارالانوار، ۳۵۹/٦۱)

آرامش و آمادگی روحی در مباشرت بین زوجین به گونه‌ای است که اگر زن، آرامش نداشته باشد و مضطرب باشد، میل جنسی در او حاصل نمی‌شود و در مرد نیز اگر آرامش روانی نداشته باشد، میل جنسی او به رکود کشیده می‌شود، لذا آمیزش قبل از مسافرت به واسطه تشتّت ذهنی و دلواپسی‌های روحی، نهی شده است. پیامبر (ص) فرمودند: در شبی که قصد سفر داری، با همسرت آمیزش نکن که اگر در آن حال، نطفه فرزند منعقد شود، مال خود را در راه نادرست خرج خواهد کرد. (ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ۵۵۳/۳)

همچنین در روایات اسلامی به قصد قربت و ذکر الهی و نام خدا و داشتن وضو و پناه بردن به خداوند از شر شیطان هنگام آمیزش تأکید شده است. امام صادق (ع) به نقل از امیرالمؤمنین (ع) فرمود در هنگام آمیزش این دعا را بخواند: «بسم الله و بالله اللهم جنبنی الشیطان و جنب الشیطان ما رزقتنی» (حرّ عاملی، وسایل الشیعه، ج۱۳٦/۲۰) همچنین آمده است: هنگامی که همسرت حامله می‌شود، بدون وضو با او نزدیکی نکن که فرزند شما کوردل و خسیس می‌شود. (ابن بابویه، الامالی، ٦٤٤)

آمادگی روانی در هنگام روابط جنسی بین زوجین، به عشق و علاقه به یکدیگر نیز بستگی دارد. تأکید شده است در این هنگام به ارزش‌ها و جذابیت‌های یکدیگر بیندیشند و در این باره گفتگو کنند و مبادا افکار زن و مرد دیگری را در این هنگام به ذهن خود راه دهند که در این صورت علاوه بر حرمت شرعی، اختلالات جنسی رخ داده، مشکلات جنسی فراهم می‌شود.

(ر. ک: اسماعیلی، علی، جوان، انگیزه و رفتار جنسی، ۱۰۷)پیامبر در این باره فرموده است: با تخیل زن دیگری به جای همسرت، با او نزدیکی نکن. (من لایحضره الفقیه، ۵۵۲/۲)

ب. زمان و مکان

زمان و مکان، بخشی از روایات آموزش‌های جنسی زوجین را به خود اختصاص داده است. برخی زمان‌ها در ادبیات دینی برای آمیزش مستحب و برخی مکروه شمرده شده است.

در کتب آداب روابط جنسی، تأثیر رفتارهای جنسی نامناسب در بروز مشکلات جسمی و روانی مؤثر دانسته شده و مواقعی که روابط جنسی به ویژه به منظور بچه دار شدن باشد، به طور مشخص ذکر شده است و آموزش آنها، بخش مهمی از این آموزه‌های اسلامی را تشکیل می‌دهد. (من لایحضره الفقیه، ج۲؛ حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، ج۲۰؛ الطبرسی، حسن بن فضل ، مکارم الاخلاق؛ ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، ج۲؛ فقیهی، علی نقی، تربیت جنسی از منظر قرآن و حدیث و... .)

درباره شرایط مکانی نیز نکات ویژه‌ای در توصیه‌های اسلامی وجود دارد. تأکید بر اینکه خصوصی‌ترین روابط بشری، دور از دید دیگران باشد تا حرمت‌ها حفظ شود و روح و روان دیگران به آتش شهوت نسوزد.

پیامبر اکرم می‌فرماید: هنگامی که قصد هم بستری با همسرتان دارید، در جایی انجام دهید که مستور باشید، چرا که اگر اینگونه نباشد، ملائکه شرم می‌کنند و از آنجا خارج می‌شوند و شیاطین وارد می‌شوند و اگر فرزندی میان شما باشد، برای شما، شریکی پیدا شده است (متقی هندی، کنز العمال، ۳٤۳/۱٦)

همچنین سفارش شده که از آمیزش در حضور کودک یا شرائطی که او صدای زوجین را در هنگام روابط جنسی می‌شنود، خودداری کنند که در غیر این صورت زمینه زنا برای آن کودک در دراز مدت فراهم می‌شود. (وسایل الشیعه، ۹٤/۱٤)

ج. انگیزش آمیزشی در فضای رابطه جنسی

رابطه جنسی از مرحله انگیزش آغاز می‌شود، سپس تشدید می‌گردد و به ارگاسم (اوج رفتار جنسی) می‌رسد و بعد فروکش می‌کند (فقیهی، علی نقی، تربیت جنسی از منظر قرآن و حدیث، ۲۷۲) توجه به حالت‌های متفاوت زن و مرد در این چهار مرحله، اهمیت زیادی در یک رابطه جنسی سالم و مؤثر دارد.

ابراز محبت و عشق به زن، از جمله عوامل انگیزشی مهم برای او تلقی می‌شود. از همین روست که پیامبر می‌فرمایند: «قول الرجل للمراء انی احبک لا یذهب من قلبها ابدا»؛ (وسایل الشیعه، ۲۳/۲۰) این سخن مرد به همسرش که «من تو را دوست دارم» هرگز از دلش نمی‌رود.

همچنین نوازش و انواع معاشقه‌ها در مرحله انگیزش زن مؤثر هستند. در متون حدیثی به تأثیر تحریکات بیرونی برای ایجاد امادگی زن تأکید شده است و عدم فراهم سازی زمینه‌های تحریکی، جفا به او نامیده شده است: از جمله امور جفاکارانه، این است که مردی با همسرش همبستر شود، ولی پیش از ان با او معاشقه ننماید. (بحارالانوار، ۳۲۷/٦۲)

بر خلاف مرد که تحریک پذیری آنی در رابطه جنسی دارد، گاه زن متاثر از حوادث روزها و هفته‌های پیش هم هست.

پیامبر می‌فرمایند: لباس‌های خود را بشویید و موهای خود را کوتاه کنید و مسواک بزنید و آراسته و پاکیزه باشید که قوم بنی اسرائیل چنین نکردند، پس زنانشان زناکار شدند. (کنز العمال، ٦٤٠/٦)

همچنین در آموزه‌های اسلامی از انجام رابطه جنسی و آمیزش در موقعیت‌های نامناسب و اضطراب زا پرهیز داده شده است، از جمله پرهیز از آمیزش در موقعیت لزوم تخلیه شکم که علاوه بر بیماری‌های جسمانی، مشکلات روانی نیز فراهم می‌کند، (کنز العمال، ۲۵۵/۱٦) خودداری از سخنان غیرعاشقانه و صمیمیت افزا در هنگام آمیزش (من لایحضره الفقیه، ۵۵۲/۲) ، ترک آمیزش در حال جنابت و حداقل داشتن وضو در این حالت (وسایل الشیعه، ۱۳۹/۲۰) اجتناب از آمیزش در حال ایستاده (همان، ۲۵۳) و پرهیز از افراط در عمل جنسی. (مکارم الاخلاق، ۲۱۰)

د. مرحله اوج لذت جنسی

اقدام به آمیزش، پس از آن است که زوجین زمینه کافی برای برانگیختگی یکدیگر را فراهم کنند، تأکید روایات اسلامی بر آن است که عمل آمیزش، خصوصا بدون برانگیختگی زن صورت نگیرد، حتی اگر این زمان ببرد. چرا که فقدان این مرحله موجب بیزاری از ارتباط جنسی، پرخاشگری، احساس ناراحتی عصبی از شوهر می‌شود.

در بیشتر موارد زنان نسبت به مردان برای رسیدن به ارگاسم، به مدت زمان بیشتری نیاز دارند و بایستی هماهنگی کافی بین مرد و زن در این رابطه صورت گیرد و گرنه منجر به

ناراحتی‌های عصبی حاد برای زن می‌شود و عمل جنسی برای او نوعی فداکاری تلخ به حساب می‌آید و عملا سخت و بی معنا برایش جلوه می‌کند و گاه نتیجه‌اش عقده‌های روانی طولانی مدت می‌شود. از این رو در روایات سفارش شده که مرد به نیاز همسرش توجه داشته باشد و بدون آمادگی کامل او، اقدام نکند.

امام علی می‌فرماید: هرگاه یکی از شما بخواهد با زنش نزدیکی کند، نباید او را به شتاب اندازد، زیرا زنان هم نیازهایی دارند (وسایل الشیعه، ۱۱۸/۲۰)

در مجموع تأثیر آموزش‌های جنسی بر بهبود و ارتقاء کیفیت زندگی زناشویی هم براساس تاکیدهای اسلامی و هم براساس تحقیقات و پژوهش‌های موردی، کاملاً قابل اثبات است. آموزش جنسی می‌تواند برای پیشگیری از اختلالات جنسی، کاهش تعارضات و افزایش رضایت جنسی و سازگاری‌های بیشتر بین زوجین و همکاری بیشتر ایشان در حلّ مشکلات زندگی و بهبود کیفیت آن اثربخشی زیادی داشته باشد. (ر. ک: فقیهی، علی نقی، مشاوره خانواده و بهداشت جنسی، مقاله بررسی تأثیر آموزش جنسی بر بهبود کیفیت زناشویی زوجین شهر اصفهان، ۳۷۰)

راهکارهای اسلامی برای کاهش انحرافات جنسی در فضای زندگی زوجین

بخش قابل توجهی از انحرافات و اختلالات جنسی، مربوط به زوجین است و با آنکه زمینه ارضای نیازهای جنسی برای ایشان فراهم است، میزان نارضایتی، ناامنی جنسی، روابط جنسی خارج از حریم خانواده، کاهش کارکردهای جنسی رضایتمندانه زوجین، انحرافات، جرم‌های جنسی و جنایات مربوط به این موضوع تکان دهنده و بحران آور است. اسلام راهکارهای اصلاحی را در این باره ارائه کرده است که اجمالا بیان می‌شود:

الف. ارضای مشروع نیازهای جنسی

مهمترین راهبرد اسلامی برای کاهش انحرافات جنسی در فضای زندگی زوجین، تأمین مناسب و مشروع و پویای این نیاز و البته اجتناب از انحرافات و اختلالات خود خواسته می‌باشد. راهکارهای جبرانی همچون ازدواج موقّت و در موارد خاصی چند زنی، هم موجب کاهش انحراف‌ها و محرومیت‌های جنسی و به تبع جرم‌ها و جنایات جنسی می‌گردد.

ب. جامعه پذیری

هرچند انحراف‌های جنسی نوعاً از خاستگاه‌های درونی نشات می‌گیرد، اما نقش یادگیری یا جامعه پذیری را نیز نباید کم اهمیت تلقی کرد. تحقیقات نشان می‌دهند که پدیده‌هایی همچون خشونت و آزار جنسی یا انحرافات جنسی تا حدّ زیادی جنبه فراگرفتنی دارند.

تأثیر فرهنگ عمومی، ارزش‌ها و هنجارهای خانوادگی، فیلم‌ها و سریال‌های رسانه‌ها، کتاب و سایر عوامل فرهنگ ساز و نحوه مواجهه دیگران، پلیس و حکومت و... در سوق یافتن جوانان و عموم جامعه به این کجروی‌های جنسی، غیرقابل انکار است. اسلام با اینکه در آموزش جنسی و ذکر مباحث جنسی در بیانات قرآنی وسیره گفتاری معصومان، جدّی و همه جانبه نگر می‌باشد، اما در ادبیات جنسی، از تعابیر کنایی بهره گرفته، هم مقصود را منتقل می‌کند و هم از تحریک کنندگی پرهیز می‌کند. بنابراین نقش کنترل و مراقبت از فضا آفرینی جنسی در عوامل محیطی بسیار مهم می‌باشد.

ج. اجتناب از اختلاط جنسی

اسلام با تأکید بر فرهنگ عفاف و حجاب به پرهیز از اختلاط تأکید می‌نماید. هر چند این فرهنگ تا حدودی برای زنان و مردان محدودیت می‌آفریند، اما این محدودیتی است که کاملا بر پایه تفاوت طبیعی زن و مرد از نظر تمایلات جنسی مقرّر شده و یکی از کارکردهای مهم آن کاهش کجروی‌های جنسی به ویژه کاهش ستم جنسی به زنان می‌باشد.

جالب اینکه در قرآن کریم، جلوگیری از آزار جنسی به عنوان فلسفه تشریع حجاب یا یکی از فلسفه‌های آن مطرح شده است. در آیه ۵۹ سوره احزاب می‌فرماید: ای پیامبر به همسران و دخترانت و زنان مؤمن بگو: جلباب‌های خود را بر خویش فرو اندازند که این کار برای آن که (به عنوان زنان با ایمان) شناخته شوند و در نتیجه، مورد آزار قرار نگیرند، مناسب‌تر است.

اما اینکه چرا حجاب به زنان اختصاص یافته و مردان به گونه زنان، ملزم به رعایت حجاب نیستند، در بیان شهید مطهری آمده است: از نظر تصاحب قلب‌ها و دل‌ها، مرد شکار است و زن شکارچی، همچنان که از نظر تصاحب جسم و تن، زن شکار است و مرد شکارچی. میل زن به خود آرایی، از این نوع حس شکارچی گری ناشی می‌شود. در هیچ جای دنیا سابقه ندارد که مردان لباس‌های بدن نما و آرایش‌های تحریک کننده به کار ببرند. این زن است که به حکم طبیعت خاصِ خود، می‌خواهد دلبری کند و مرد را دلباخته و در دام علاقه خود اسیر

سازد. لذا انحراف تبرّج و برهنگی از انحراف‌های مخصوص زنان است و دستور پوشش هم برای آنان مقرر گردیده است. (مطهری، مرتضی، مسأله حجاب، ۸۸)

این راهبرد اسلامی در خصوص حجاب خلاصه نمی‌شود، بلکه گسترهٔ وسیعی دارد که از توصیه‌های فراوان اسلام در مورد چگونگی ارتباط مردان و زنان، می‌توان اهمیت آن را دریافت. سفارش زنان به حفظ حُجب و حیا در هنگام راه رفتن (قصص: ۲۵)، حفظ وقار و متانت در هنگام سخن گفتن با نامحرم (احزاب: ۳۲)، ممنوعیت خلوت کردن با مرد نامحرم (وسایل الشیعه، ۱۳۲/۱٤)، ممنوعیت نگاه شهوت آلود مرد به زن نامحرم و بالعکس (نور: ۳۰ – ۳۱)، کراهت اختلاط زنان و مردان در اماکن عمومی (وسایل الشیعه، ۱۷٤/۱٤) و ممنوعیت تماس فیزیکی مرد با زن نامحرم جز در موارد اضطراری (همان، ۱۷۰) همه از جمله موارد همین راهبرد اسلامی می‌باشد.

د. گسترش ایمان و اخلاق

اسلام برای کاهش انحرافات جنسی، الگوی تثبیت خانواده متعالی را مورد توجه قرار می‌دهد. خانواده‌ای که مبتنی بر تربیت ایمانی و رفتار اخلاقی و لبریز از صفا و صمیمیت و همکاری است. اسلام کارکرد اصلی خانواده را مودّت و رحمت می‌داند. (روم: ۳۱) و این در سایه ایمان به خداوند و تلاش طرفین بدست می‌آید. تأکید اسلام بر عنصر اخلاق به حدّی است که حتی در شرایط بروز اختلافات و تصمیم طرفین به جدایی از یکدیگر، باز هم به این مهم توجّه می‌کند و مردان را از بدرفتاری با زنان مطلّقه و ضرر و زیان و تجاوز به حقوق آنان بر حذر می‌دارد (بقره: ۲۳۱)ضمن آنکه همه مردان و زنان را به برخورد بزرگوارانه و مراعات فضیلت‌ها، سفارش می‌کند. (بقره: ۲۳۷)

سایر نهادهای فرهنگ ساز، رسانه‌های جمعی، نخبگان و مربّیان اجتماعی هم می‌توانند در تحقق ایمان پایدار و اخلاق اسلامی، نقش آفرینی کنند. دو معیار ایمان و اخلاق در شکل گیری کانون خانواده و مرحله انتخاب در ازدواج نیز مهم هستند.

شخصی از امام حسن مجتبی دربارهٔ ازدواج دختر خود مشورت خواست، حضرت فرمود: او را به ازدواج مردی پرهیزکار درآور زیرا اگر دخترت را دوست بدارد، وی را گرامی خواهد داشت و چنانچه او را دوست نداشته باشد، به وی ستم نخواهد کرد. (مکارم الاخلاق، ۲۱٤)

همچنین شخص برای امام رضا نامه نوشت که: یکی از خویشاوندان من که قدری هم بد

اخلاق است، از دخترم خواستگاری کرده است! امام در پاسخ وی فرمود: اگر بداخلاق است، دختر خود را به او نده. (وسایل الشیعه، ٥٤/١٤)

بنابراین با فرهنگ سازی اجتماعی برای تحقق معیار ایمان و اخلاق، زمینهٔ بسیاری از انحرافات جنسی از بین می‌رود.

هـ . نقش قانون گرایی و جایگاه حاکمیت

حکومت اسلامی مسئولیت عدالت و اخلاق و فراهم کردن زمینه‌های زیست اسلامی جامعه را بر عهده دارد.

در جامعه اسلامی، مردم بخشی از اختیارات و توانایی خویش را از طریق انتخاب متولیان صالح به حکومت منتقل کرده‌اند و با تشکیل قوای مقننه و قضائیه و مجریه، راهکار تحقق جامعهٔ عاری از انحرافات اخلاقی و جنسی را مطالبه می‌کنند.

بی تردید بسیاری از انحرافات جنسی، به واسطه عدم امکان تأمین مشروع و مناسب نیازهای جنسی می‌باشد. مسئولیت حکومت اسلامی ساختارسازی مناسب بمنظور اهتمام به ازدواج بهنگام، آسان و پایدار است. مخاطب این کریمهٔ الهی بی تردید جامعه اسلامی است که در چهره حاکمیت نظام اسلامی متبلور است.

«وَ أَنْكِحُوا الْأَيامى مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبادِكُمْ وَ إِمائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَراءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ واسِعٌ عَلِيم» (نور: ٢٣). جوانان مرد و زن بی همسرتان را و نیز غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید، اگر تهیدست هستند، خداوند آنها را از فضل خود بی نیاز می‌کند...

متاسفانه امروزه، به جای آسان سازی ازدواج، با رشد تجملات و سنت‌های بی ریشه، مراسم ازدواج سدّی در برابر تشکیل خانواده شده است.

از سوی دیگر سیل بنیان‌کن امپراطوری رسانه‌های غربی، با اهداف غیراخلاقی و به منظور باورزدایی از مبانی دینی و با استفاده از حربهٔ سکس، به بمباران اخلاق و فرهنگ جامعه ایرانی پرداخته است. فن آوری‌های مجازی و فضای اینترنت، سایت‌ها و شبکه‌های جنسی، به طور پیوسته به تخریب نهاد خانواده و تحریک و تهییج جنسی جامعه دامن می‌زنند و تمام حریم‌های دینی و اجتماعی را مورد شبیخون ظالمانه خود قرار می‌دهند. باندهای سازماندهی شده فساد در شهرها اقدام به تشکیل گروه‌ها، محافل و اقدامات ابتذال و بی بند و باری

می‌نمایند.

نظام اسلامی، بی تردید وظیفه سالم سازی جامعه از تشدید روابط و فضای جنسی را بر عهده دارد. مقابله با امپراطوری رسانه‌ای غرب چه در بخش سخت افزاری و چه در بخش نرم افزاری و نیز برخورد قاطع با باندهای سازماندهی شده فساد، تکلیف روشن حکومت اسلامی است و مسامحه در آن، پی آمدهای سخت و عواقب شکننده‌ای را برای جامعه به دنبال دارد.

شدّت این برخورد را می‌توان در سوره مبارکه نور به وضوح مشاهده کرد:

«الزَّانِيَةُ وَ الزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ واحِدٍ مِنْهُما مِائَةَ جَلْدَةٍ وَ لا تَأْخُذْكُمْ بِهِما رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ لْيَشْهَدْ عَذابَهُما طائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِين...». (نور: ۲)

به زن زناکار و مرد زناکار صد تازیانه بزنید و اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، نباید شما را در اجرای دین خدا دربارهٔ آن دو نفر دلسوزی و مهربانی بگیرد و باید گروهی از مؤمنان شاهد اجرای حکم آن دو نفر باشند.

انحرافات جنسی منجر به پدیده شوم طلاق می‌شود و به دنبال آن سرگردانی بچه‌های بی سرپرست و خیابانی که با انواع عقده‌ها و محرومیت‌های اجتماعی روبرو شده و به طور طبیعی تا بزرگسالی هر نوع جنایت را تجربه می‌نمایند. بزه کاری‌ها، اعتیاد و انواع تهدیدهای امنیت اجتماعی ره آورد دیگر انحرافات جنسی است.

انحرافات جنسی در بُعد سیاسی نیز زیان‌های فراوانی را در پی دارد. چرا که گسترش این انحرافات، نیروهای مولّد و پویای کشور در عرصه اقتصاد و حفاظت از دستاوردهای انقلاب اسلامی را به نیروهای مفلوک، بی هویّت و بحران آفرین تبدیل می‌کند.

مقام معظم رهبری در این باره تأکید دارند که توطئه‌های سازمان یافته برای کشاندن جوان ایرانی به شهوات، به مواد مخدر، به سرگرمی‌های گوناگون جنسی، یک توطئه بسیار خطرناکی است. مبارزه با آن در درجه اول بر عهده خود آحاد ملت، به خصوص جوانهاست... و مسئولین هم بایستی با جدّ و جهد در این راه تلاش کنند که جهاد بزرگی است. (در دیدار با مردم در تاریخ، ۱۳۸۷/۳/۱٤)

بی تردید نهادهای مرتبط و مسئولان حکومتی، با وضع قوانین و اجرای شایسته آنها و نظارت و مراقبت بر توطئه‌های انحراف آور جنسی و اقدامات لازم، بایستی مبارزه قاطعی را سازماندهی کنند. البته نقش ساختارسازی‌های لازم و فرهنگ سازی‌های مناسب برای رفتارهای پیشگیرانه و ایجابی، بسیار مهم و زیربنایی می‌باشد.

و. نظارت اجتماعی

نهادینه شدن نظارت اجتماعی و احساس مسئولیت عمومی و رواج روحیه امر به معروف و نهی از منکر، بسیار تعیین کننده می‌باشد. امر به معروف و نهی از منکر نه منحصر بـه ارشـاد و نصیحت است، نه ابراز کراهت و انزجار، نه توبیخ و تهدید و نه برخورد قهرآمیز، بلکـه گسـتره مفهومی و مصداقی آن تمام این امور را به حسَب یک نظام معقول و هماهنگ دربر می‌گیرد.

نقش جامعه و نهادهای اجتماعی در حفظ سلامت جنسی فرد و جامعـه پـر رنـگ اسـت و تأکید قرآن کریم به ضرورت نهی از منکر، نشان از اهمیت مسئولیت اجتماعی در شکل گیـری انحرافات دارد.

«وَ لْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولئِكَ هُـمُ الْمُفْلِحُونَ». (آل عمران: ١٠٤)

باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آنهـا همان رستگارانند.

اگر جامعه نسبت بـه حفـظ هنجارهـای دینـی و انسـانی، حسّـاس نباشـد و بـا مراقبـت و ابزارهای تشویقی و انذاری، اعمالِ کنترل و مدیریت ننمایند، برخی از انحرافـات جنسـی مثـل بدحجابی، همجنس‌گرایی، زنا، ارتباط‌های غیر شرعی، پدیده‌های زشت مـانکن‌هـای خیابـانی، خانه‌های مجرّدی، محافل عیش و عشرت ضد اخلاقی و... در بدو ورود به جامعه با نگـاه‌هـای تند و برخوردهای اندک روبه رو می‌شود، ولی به تدریج خود تبدیل به خرده فرهنـگ شـده و جای ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را می‌گیرد و پـس از سـال‌هـا هرگـز قابـل زدوده شـدن نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

۱. نگاه اسلام به غریزهٔ جنسی، تعادلی است. اساس این غریـزه بـه حکمـت الهـی در تکوین آدمی قرار داده شده است و ذاتاً پلید نیست، بلکـه ارضـای صـحیح و مشـروع آن، راهکاری برای سلامت جنسی فرد، بروز رفتارهای متعادل فردی و اجتماعی، بقای نسل و شکل‌گیری کانون خانواده می‌باشد. البته تأمین آن در هنگام مناسب و در سایهٔ عفت و تقوا می‌باشد و به دور از زیاده‌خواهی و تنوع طلبی‌های هوس مدارانه.

نمودار این دیدگاه چنین است:

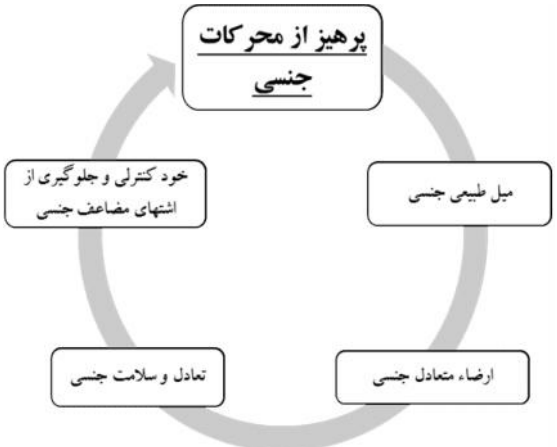

۲. در نظام تربیت جنسی اسلام، راههای نامشروع ارضاء نهی شده، اما برای روشهای مشروع، تشویق و تأکید نیز شده است. در این نظام برای مردانی که نیاز زودهنگام به ارضای جنسی دارند و امکان ازدواج دائم برایشان فراهم نیست، ازدواج موقت پیش‌بینی شده، که البته دارای اقتضائات و احکام ویژه‌ای است. همچنین برای کسانی که بیش از یک همسر دائم نیاز دارند، به شرط توان اداره و رعایت عدالت، نکاح دائمی تا چهار زن پیش‌بینی شده است. در مکتب تربیت جنسی اسلام، همان‌طور که ارضای مردان اهمیت دارد، به ارضای زنان نیز اهمیت داده شده و حق جنسی برای آنان پیش‌بینی شده است.

۳. آموزش جنسی در اسلام جنبهٔ هدایتی دارد و کاملاً اخلاقی است، به گونه‌ای که در عین توجه به واقعیات انسانی و شرائط طبیعی، از تعالی‌طلبی نیز غفلت نشده است و اطلاعات و مهارت‌های لازم جنسی، منجر به شهوت‌آفرینی و تشدید رفتارهای نابهنجار جنسی نمی‌شود. هم از تعابیر کنایی برای اثر بخشی سریع‌تر استفاده شده، و هم با احکام فقهی و بیان حلال و حرام رویکرد عمل‌گرایانه و کاربردی آن ملاحظه شده است و هم با ارائهٔ حکمت‌های الهی از این امور، جنبهٔ معرفتی و معنوی به آن داده شده است. البته در ارائهٔ آموزش‌های جنسی، نیاز و اقتضای سنّی کاملاً مورد توجه است و در خصوص سنّ قبل از بلوغ، بیدار کردن تمایلات جنسی ممنوع می‌باشد.

آموزش‌های جنسی به طور تدریجی و به تناسب دروهٔ نیاز و هماهنگ با جنسیت توسط پدر یا مادر و مربّیان شایسته و منابع آموزشی متّکی به آموزه‌های اسلامی، بایسته است. در آموزش‌های جنسی اسلامی مدیریت روابط اجتماعی و کنترل فضاها و ارتباطات اهمیت زیادی دارد. گسترش عفاف‌گرایی، چه در عرصهٔ فردی و چه در روابط بین افراد و چه در فضاهای عمومی، بخشی از تدابیر اسلامی برای سالم‌سازی فرد و جامعه است.

٤. تقویت کانون خانواده و روابط بین زوجین و توسعهٔ عشق همه جانبه و محبت در این کانون، مورد تأکید اسلام است. اسلام سفارش می‌کند که زن باید خود را برای شوهرش بیاراید، جذّاب باشد و نیازهای روحی و جنسی او را اشباع کند و مرد هم از اظهار شیفتگی و دلبستگی به همسرش کوتاهی نکند. این التذاذات جنسی مشروع که می‌تواند با آموزش‌هایی کارآمد، اسباب پایداری کانون خانواده را فراهم کند مانع مهمی در برابر تنش‌های خانوادگی بوده، خانواده را از خطر انحلال و از هم‌پاشیدگی حفظ می‌کند و در نهایت سلامت اجتماع را تضمین می‌نماید.

۵. این مقاله، با توجه به توطئه‌های سازمان‌یافته برای کشاندن مردم و بویژه جوانان ایرانی به شهوات و سرگرمی‌های جنسی و تفاوت مبنایی که فرهنگ اسلامی با فرهنگ غربی در این زمینه دارد، به نهادهای فرهنگ‌ساز، نخبگان و مسئولان اجتماعی توصیه می‌کند به مقولهٔ غرائز و رفتارهای جنسی، توجه کارشناسانهٔ جدّی مبذول شود. بی‌تردید یکی از چالش‌های پیش‌روی جامعهٔ ایرانی، این موضوع می‌باشد. بنابراین بایسته است راهبردهای اسلامی مصونیّت‌آفرین فردی و اجتماعی در این عرصه شناسایی شود، و هر گروه اجتماعی متناسب با شرائط خویش، تدبیر و پشتیبانی گردد. مصونیّت آحاد جامعه در برابر انحرافات و اختلالات جنسی و مقاوت ایشان در برابر زمینه‌های لغزنده‌ای که با گسترش دنیای ارتباطات فراهم شده است، در گرو توسعهٔ ایمان، اخلاق، آگاهی، نظارت اجتماعی و سالم‌سازی محیط و نیز ارضای بهنگام می‌باشد.

منابع

ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، ***شرح نهج البلاغه***، بیروت: موسس الاعلمی للمطبوعات، ١٤١٥ق.

ابن بابویه، محمد بن علی، ***الامالی***، ترجمه کمره ای، تهران، کتابخانه اسلامیه، ١٣٦٢.

_____ ، ***عیون اخبار الرضا***، قم، رضا مشهدی، ۱۳٦۳.

_____، ***من لا یحضره الفقیه***، تحقیق حسن موسوی خراسانی و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳٦۱.

ابوت، پاملا و کلر والاس، ***جامعه شناسی زنان***، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران، نشر نـی، چـاپ دوم، ۱۳۸۱.

احمدی، احمد، ***روان شناسی نوجوانان و جوانان***، اصفهان، مشعل، ۱۳٦۸.

اسماعیلی، علی، ***جوان، انگیزه و رفتار جنسی***، تهران، لقاء النور، ۱۳۸٤.

بستان، حسین، ***اسلام و تفاوت های جنسیتی در نهادهای اجتماعی***، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشـگاه، ۱۳۸۸.

_____، ***اسلام و جامعه شناسی خانواده***، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.

_____، ***نابرابری و ستم جنسی از دیدگاه اسلام و فمنیسم***، قم، پژوهشکده حـوزه و دانشـگاه، ۱۳۸۲.

به پژوه، احمد و همکاران، ***اهمیت آموزش جنسی و چگونگی تعلیم و تربیت جنسی***، تهران، مدرسه، بی‌تا.

بیابانگرد، اسماعیل، ***روان شناسی نوجوانان***، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹.

ثابت، حافظ، ***تربیت جنسی در اسلام***، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۵.

جگر، آیسون، «چهار تلقی از فمنیسم»، ترجمه س. امیری، ***مجله زنان***، شماره ۲۸.

جوادی آملی، عبدالله، ***زن در آیینه جلال و جمال***، قم، اسراء، ۱۳۸۲.

حرعاملی، محمد بن محمد، ***وسایل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه***، تصـحیح عبـدالرحیم الربـانی الشیرازی، بیروت، احیاء التراث، ۱٤۰۳ق.

خمینـی، روح الله، ***تحریـر الوسـیله***، شـارح محمـد فاضـل موحـدی لنکرانـی، بیـروت، دار التعـارف للمطبوعات، ۱٤۱۸ ق.

دورانت، ویلیام جیمز، ***لذات فلسفه (پژوهشی در سرگذشت و سرنوشت بشر)***، ترجمه عباس زریاب، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳٦۹.

ساروخانی، باقر، ***دائرة المعارف علوم اجتماعی***، تهران، کیهان، ۱۳۷٦.

سالاری فر، محمد رضا، ***خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی***، قـم، پژوهشـگاه حـوزه و دانشـگاه، ۱۳۸۸.

شفیعی سروستانی، ابراهیم، «نظام اسلام و مساله روسـپیگری» ***مجموعه مقالات و گفت و گوهـا***، قـم،

حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵.
شهید ثانی، زین الدین بن علی، ***مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام***، قم، بصرتی، بی تا.
طباطبایی، محمد حسین، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، تهران، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ١٣٦٤.
طبرسی، حسن بن فضل، ***مکارم الاخلاق***، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ١٣٧٦.
فقیهی، علی نقی، ***تربیت جنسی؛ مبانی، اصول و روش ها از منظر قرآن و حدیث***، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، ۱۳۸۷.
_____ ، ***مشاوره خانواده و بهداشت جنسی***، تهران، اندیشه ماندگار، ۱۳۸۸.
قشیری، عبدالکریم بن هوازن، ***تفسیر القشیری المسمی لطائف الاشارات***، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤٢٠ ق.
کرین، ویلیام کریستوفر، ***پیشگامان روان شناسی رشد***، ترجمه فرید خدایی، تهران، اطلاعات، ١٣٦٧.
کلینی، محمد بن یعقوب، ***اصول کافی***، ترجمه و شرح جواد مصطفوی، تهران، اهل البیت، بی تا.
گرت، استفانی، ***جامعه شناسی جنسیت***، ترجمه کتایون بقایی، تهران، نشر دیگر، ۱۳۷۹.
گیدنز، آنتونی، ***جامعه شناسی***، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱.
ماسن، پاول هنری، ***رشد و شخصیت کودک***، مترجم مهشید پارسایی، تهران، نشر مرکز، ١٣٨٦.
متقی، علی بن حسام الدین، ***کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال***، تصحیح صفوة السقا، بیروت، مؤسسة الرسالة، ١٤١٣ق.
مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ***بحار الانوار الجامعة لاخبار الائمة الاطهار***، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ١٤٠٣ ق.
محمدی ری شهری، محمد، ***میزان الحکمة: اخلاق عقیدتی اجتماعی سیاسی اقتصادی ادبی***، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ١٤٠٣ق.
مطهری، مرتضی، ***نظام حقوق زن در اسلام***، صدرا، ۱۳۵۷.
_____ ، ***مساله حجاب***، قم، صدرا، بی تا.
مغنیه، محمد جواد، ***تفسیر کاشف***، ترجمه موسی دانش، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳.
منصوریان، علی اکبر، «بررسی اپیدمیولوژیکی نقش آموزش در کاهش رفتارهای پرخطر جنسی و رضایتمندی جنسی در مراجعین متاهل به مراکز مشاوره»، در کتاب: فقیهی، علی نقی، ***مشاوره خانواده و بهداشت جنسی***، تهران، اندیشه ماندگار، ۱۳۸۸.
نوری، حسین بن محمد تقی، ***مستدرک الوسائل***، قم، مؤسسه اسماعیلیان، بی تا.
هاشمی رکاوندی، مجتبی، ***مقدمه ای بر روان شناسی زن (با نگرش علمی و اسلامی)***، قم، شفق،

.۱۳۷۰

یزدی، محمد کاظم بن عبدالعظیم، ***عروة الوثقی***، تهران، علمیه اسلامیه، بی تا.

Baron and Byrne, 1997

Allan an crow. 2001.

Cunningham and Antill. 1995

Allan an crow. 2001.

مجموعه مقالات نهمین همایش ملی اشراق اندیشه مطهر، **خانواده و تربیت جنسی**
اردیبهشت ۱۳۹٤، ص ۲۷٤-۲۵۹

بررسی نقش آموزش و پرورش ولزوم آماده سازی معلمان در تربیت جنسی کودکان دبستانی وارائه پیشنهادهایی دراین مورد

دکتر حسین کدخدا/ دکترای تخصصی روانشناسی مدرس مدعو دانشگاه فردوسی[1]
مهسا ابراهیم پورقوی/ کارشناسی ارشد روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه علامه طباطبایی[2]

چکیده

پژوهش حاضر با این هدف که آموزش جنسی بر عهده چه فرد، افراد، ارگان یا سازمانی است، انجام گردید. پژوهش از نوع توصیفی بوده و نحوه جمع آوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه ای (اطلاعات و مدارک موجود) و میدانی بوده است. در خصوص غریزه جنسی افراط و تفریط هایی از جمله کنار گذاری کامل این غریزه تا آزاد گذاری کامل مطرح بوده است. از نظر اسلام غریزه جنسی نه تنها با معنویت و روحانیت منافات ندارد، بلکه جزء خلق و خوی انبیاست. بنابراین چون یک نیاز می باشد، مستلزم توجه و آموزش ویژه است. اما این توجه و آموزش ویژه از طرف چه فرد، افراد،ارگان یا سازمانی باشد، بهتر است؟ نتایج این پژوهش حاکی است: معلمان به علت داشتن رابطه عاطفی همیشگی و غیر قابل انکار با دانش آموز، مخصوصاً در مقاطع ابتدایی و راهنمایی، توانایی بالقوه ای برای تبدیل شدن به منبعی قابل اعتماد، جهت ارائه اطلاعات و تربیت جنسی به کودکان و پایگاهی امن برای کودکان آسیب دیده هستند.

کلید واژه ها: آموزش و پرورش، تربیت جنسی، کودک.

---

1 . Ho_kadkhoda@yahoo.com
2. Mahsa_ebrahimpour68@yahoo.com.

مقدمه

مفهوم غریزه جنسی، مسئله‌ای غیرقابل انکار وملزوم به توجه است. براساس فرهنگ‌ها ودیدگاههای مختلف، این مفهوم متفاوت ارزیابی شده است. (کجباف، ۱۳۸٤) براساس تعریف روان‌شناسان، غریزه جنسی، رفتاری است که برانگیختگی جنسی ایجاد نموده واحتمال رسیدن به اوج لذت جنسی را افزایش می‌دهد. (کجباف، ۱۳۸٤)

از نظر اسلام علاقه جنسی نه تنها با معنویت و روحانیت منافات ندارد، بلکه جزء خلق و خوی انبیاست (مطهری، ۱۳۷۸). امروزه، با پیشرفت علوم رفتاری ودرکنارآن پیشرفت منابع اطلاعاتی، مطالعه رفتار جنسی بشر ضروری به نظر می‌رسد. جهت بررسی رفتار جنسی، توجه به مفاهیم بنیادین آن ازجمله تمایل جنسی، هویت جنسی، نقش جنسی، الزامی است. (کجباف، ۱۳۸٤) درکنارمفاهیم بنیادین رفتار جنسی، تربیت جنسی به عنوان مکمل ایفای این رفتار، لازم الاجرا به نظر می‌رسد.

تبیین لزوم تربیت جنسی

هرگاه به دانش مربوط به تولید مثل و موضوعات جنسی براساس برنامه‌های طراحی شده برای آموزش رفتار جنسی و نگرش به آن توجه شود، آموزش جنسی نامیده می‌شود. (فقیهی وهمکاران، ۱۳۸۷)

سه دیدگاه دررابطه با تربیت جنسی مطرح است:

دیدگاه اول: مبتنی بر ممانعت از هرگونه ارضای جنسی و این عقیده که ارضای جنسی، آدمی را از رسیدن به کمال انسانی باز می‌دارد. قدمت این نحوه نگرش بویژه به دوران حاکمیت قانون کلیسا در اورپا برمیگردد. اما عقاید مخالف با میل جنسی، در روزگاران گذشته نیز وجود داشته است. مثل رهبانیت و تجردطلبی در هند، چین، ایران باستان، یونان، یهودیت.

دیدگاه دوم: نقطه عکس دیدگاه اول است و بر خلاف آن بر ارضای کامل امیال جنسی تاکید دارد. و شاید واکنسی علیه دیدگاه تفریطی اول است. عوامل زمینه ساز این دیدگاه در عقاید فروید و راسل جستجو می‌شود. عقایدی که علل مشکلات، خشونت‌ها و ناهنجاری‌ها و اضطراب‌های فردی و اجتماعی را ناشی از قید و بندهای جنسی و غرایز سرکوب شده می‌دانستند.

دیدگاه سوم: رویکرد دینی اسلام نسبت به امیال و تربیت جنسی. مبتنی بر پذیرفتن غریزه جنسی بعنوان یک حقیقت مسلم و پیشنهاد راههای امن برای ارضای آن. یکی از کارکردهای اسای دین اسلام در غریزه جنسی، بقای نسل بشر و حفظ عفت است. توصیه‌های مکرر دین اسلام به والدین دررابطه با آموزش به فرزندان درمسائل احتلام، حیض، بلوغ، جداخوابیدن فرزندان از والدین، تمکین و شرایط زمانی و مکانی آمیزش ناشی دیدگاه مثبت اسلام به تربیت جنسی است. دیدگاهی بینابینی که افراط و تفریط را مذموم شمرده و مبتنی بر تعدیل غرایز و رهبری امور فطری است. (فرمیهنی، ۱۳۸۳)

جنبه‌های قابل بررسی تربیت جنسی

۱ . هدایت جنسی: اگر دردوره نوجوانی وپیش از آن اقدامی جهت آموزش جنسی به کودکان انجام نشود، کودک دربزرگسالی بدلیل کمبود اطلاعات به جستجوی راههای ممکن و خطرناک برای ارضای امیال جنسی می‌پردازد. (فرمیهنی، ۱۳۸۳) قسمتی ازاین وظیفه بردوش اولیای آموزش و پرورش است که از سنین کودکی آموزش مطالب مفید و لازم درحیطه مسائل جنسی راآغاز نمایند که تا نوجوانی ادامه یابد .

دربسیاری از خانواده‌ها، بحث درباره مسائل جنسی نوعی بی‌حرمتی تلقی شده و کودک و نوجوان درپاسخ به سوالات خود مسکوت می‌مانند.

۲ .آگاهی از مسائل بهداشتی: دراینجا، بهداشت روان و بهداشت جسم هردو مد نظر است. چراکه اطلاعات اندک و غلطی که بدون انجام تربیت جنسی، در اندوخته کودک و نوجوان موجود است، وی را به سمت کسب اطلاعات از منابع نامعتبر و بعضا خطرناک سوق داده و با ایجاد درگیری ذهنی با مسائل جنسی موجب به خطرافتادن بهداشت روانی می‌شود و به تبع آن، الگو گرفتن از این منابع و تبدیل شدن این الگوها به عادات زندگی جنسی، بهداشت جسمی و جنسی فرد را به مخاطره می‌اندازد.

۳ . خودشناسی و دیگرشناسی: اسلام تنها مکتبی است که به همه جنبه‌های انسان توجه داشته است از جمله :

الف: جنبه‌ی عقلانی: حضرت امام صادق (ع): یا هشام ثم بین ان العقل مع العلم. ای هشام عقل و علم باید با هم توام باشد (مطهری، ۱۳۶۱)

ب: جنبه‌ی جسمانی: در تعالیم اسلامی داریم: المعده بیت کل راء و الحمیه راس کل دواء. خانه هر دردی معده است و دوای هر دردی کم خوری است. (سفینته البحار، محدث قمی، ۳٤٥/۱)

ج – جنبه‌ی اجتماعی: جایی که فرد نماز می‌خواند، حتی آب وضو غصبی نباشد (مطهری، ۱۳۸۲)

د- جنبه‌ی عاطفی: حضرت رسول (ص) کسی که رحم و عاطفه نداشته باشد شایسته ترحم الهی، نیست (قنبری، ۱۳۸٤)

پس اگر نقصی در جایی می‌بینیم، ناشی از نقص فرد است نه اسلام. اگر فرد خود را نشناسد نقص از اوست، به گونه‌ای که فرد با شناخت خود احساس شرافت و کرامت و تعالی می‌کند (مطهری، ۱۳۸۲)

به همین خاطر است که شناخت خود، مبنای سایر شناخت‌ها و شناخت خالق هستی است. (من عرف نفسه، فقد عرف ربه) هر کس خود را بشناسد خدای خود را می‌شناسد (مطهری، ۱۳۸۳)

تربیت جنسی، تنها ارائه صرف و خشک اطلاعات جنسی به کودک نیست، بلکه کمک به کودک و روشن ساختن راههایی برای شناخت هرچه بیشتر و بهتر جنسیت و وظایف و مسئولیت‌ها برای خود و جنس مخالف است .

طبق پژوهش فرمیهنی (۱۳۸۳) از جمع بندی از تحقیقات صورت گرفته درحیطه تربیت جنسی؛ اکثر افراد مردم از تمامی طبقات با ارائه تربیت جنسی موافق‌اند. میزان آگاهی دانشجویان پیرامون مسائل جنسی پایین است که لزوم آموزش جنسی در سنین پایین راهرچه بیشتر تاکید می‌کند. خطر نداستن مسائل جنسی به مراتب بیشتر از دانستن ان است. درصد بالایی از والدین، اموزش جنسی در سنین پایین‌تر ازجوانی را لازم دانسته‌اند. علاقه دختران بیشتر به کسب اطلاعات درحیطه بارداری و بچه دار شدن مربوط شده و علاقه پسران بیشتر به چگونگی برقراری روابط جنسی .

آموزش و تربیت جنسی در مراحل مختلف رشد انسان به منظور جلوگیری از ایجاد انحراف الزامی است، چرا که پایه و اساس بسیاری از انحرافات جنسی، بر بود یا نبود آموزش و پرورش استوار است. (کی نیا، ۱۳٦۲)

کودکان و نوجوانان با اموختن نکاتی درباره فیزیولـوژی و عملکـرد جنسـی و تولیـد مثـل، درمورد امیال جنسی نگرشی کسب می‌کنند که این نگـرش بـر رفتارهـای جنسـی آینـده آن‌هـا تاثیرگذار است .

همانطور که ذکر شد، تربیت جنسی از دیدگاههای مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است و مناسب‌ترین دیدگاه دراین رابطه مرتبط با مسائل دینـی مـورد قبـول جامعـه اسـت. درحقیقـت مقصود از تربیت جنسی از دیدگاه اسلامی، تربیت فرد به گونه‌ای است که درسن بلوغ توانـایی تشخیص حلال و حرام درمسائل جنسی را دشته باشد، به مسائل زناشویی آگاه باشـد، از خـود مراقبت کند و از بی‌بندوباری بپرهیزد. (فقیهی وهمکاران، ۱۳۸۷)

غریزه جنسی علاوه بر طبیعی و ذاتی بودن به محیط نیز وابسته اسـت و درسـمت و سـوی محیط اطراف، جهت می‌پذیرد. بنابراین رشد جنسی را نمی‌توان به طبیعت سپرد و از آموزش و پرورش صحیح آن غفلت کرد. (فقیهی وهمکاران، ۱۳۸۷)

شروع تربیت

دکتر الکسیس کارل، فیزیولوژیست معروف فرانسوی، شروع تربیت را از هفته‌های اول بعد از تولد می‌داند. راسل (به نقل از رهبری، ۱۳۸٦) می‌گوید: سرعتی که طفل شیرخوار در کسـب عادات به کار می‌برد، شگفت آور است. در اسلام تعلیم و تربیت به جلوتر بر می‌گردد حتی بـه دوران قبل از انعقاد نطفه در رحم مادر، به گونه‌ای که اسـاس خوشـبختی و بـدبختی در رحـم مادر است. (السعید من سعد فی بطن امه الشقی من شقی فی بطن امه (میزان الحکـم، ج ۵) در عاداتی مثل نماز خواندن، مطهری (سیری در نهـج البلاغـه، ۱۳۷۳) عنـوان مـی‌کنـد، کـودک را همراه خود به مسجد ببرید تا از کودکی تمرین کند. و حتی باز هم جلوتر به گونه‌ای کـه قـرآن را که سراسر پند و موعظه است قبل از پیدایش انسان وجود و بعد بر پیامبر نـازل شـده اسـت. (مطهری، آشنایی با قرآن، ۱۳۸۲). لازم به ذکر است که در اسلام هدف‌هـای تربیتـی مطـابق بـا هدف خلقت وشان انسان می‌باشد (مطهری انسان در قرآن، ۱۳۸۲)

رشد جنسی از کودکی تا بزرگسالی

کودکان در بدو تولد هیچ برداشت و تصوری از جنسیت خود ندارند اما از همـان ماههـای

آغاز تولد همراه با رشد عاطفی، جسمانی و ذهنی، شروع به آموختن اطلاعات درزمینه جنسیت خود می‌کند. آن‌ها خیلی زودتر از آنچه بزرگسالان تصور می‌کنند متوجه تفاوت‌های میان زن و مرد می‌شوند. در هفت ماهگی به صدای زن و مرد عکس العمل‌های متفاوتی نشان می‌دهند. در ۲تا ۳ سالگی افراد و کودکان را براساس جنسیت طبقه بندی می‌کنند. در ۲ تا ٤ سالگی از واژگان خاص جنس خود استفاده می‌کنند و به اسباب بازی‌های خاص جنسیت خود علاقه بیشتری نشان می‌دهند. در ٤ تا ٥ سالگی تفاوت‌های جزئی میان زن و مرد را متوجه می‌شوندو سعی در تقلید وطبقه بندی مشاغل و وظایف زن ومرد می‌کنند. در ٦ تا ۷ سالگی به ثبات جنسیت خود پی می‌برند و دیگر با پوشیدن لباس جنس مخالف احساس نمی‌کنند که جنسیتشان تغییر کرده است. (سلحشور، ۱۳۸٦). در حقیقت هویت جنسی، شناخت وقبول کودک از اعضای مختلف بدن، احساسات، هیجانات، ارزش‌ها و نیازهای متناسب با جنسیت خود است .

مراحل رشد جنسی

۱ .تولد تا ۲ سالگی: شناخت سطحی کودک از اعضای بدن خود و درک سطحی از وجود خارجی اعضای بدن نسبت به جهان. کنجکاوی نسبت به اعضای مختلف بدن و تلاش برای کشف آن‌ها .

۲ .۲ تا ٤ سالگی: افزایش حس کنجکاوی در مورد اعضای بدن و همچنین تفاوت زن ومرد و دختر وپسر. آغاز حس کنجکاوی درمورد اندام تناسلی و تلاش برای کشف آن. آغاز حصول اطمینان از جنسیت خود .

۳ .٤ تا ٦ سالگی: آگاهی کامل نسبت به اعضای بدن خود. توانایی گفتن نام اعضا با نشان دادن آن‌ها. ایجاد حس شرم دررابطه با اعضای تناسلی و همچنین ایجاد حس انگیختگی و نگرانی دررابطه با از دست دادن اندام تناسلی. آغاز دستکاری‌های جنسی و دست ورزی‌های اندام تناسلی خود .

٤ .٦ سالگی تا بلوغ: هوشیاری کامل به نقش‌های جنسیتی. تمایلات جنسی آرام و نسبتا ساکت. انتخاب همبازی‌ها از جنس موافق. تشخیص خصوصی بودن مسائل جنسی. صرف زمان بیشتر برای اعمال و افکار غیر جنسی نظیر فعالیت‌های آموزشی مدرسه .

۵ .بلوغ: وقوع برانگیختگی‌های واقعی جنسی و ایجاد حس تشویش و نگرانی ناشی از عملکرد طبیعی یا غیرطبیعی جنسی در نوجوان. جلب توجه نوجوان به صحبت اعضای خانواده، دوستان و رسانه‌ها درمورد مسائل جنسی. در این مرحله، آموزش‌های جنسی داده شده به نوجوان در مرحله کودکی، به شکل رفتارها و عکس العمل‌های جنسی بروز می‌کند. (منصور، ۱۳۸۹)

آموزش وتربیت جنسی در کودکی

تربیت جنسی مقوله‌ای گسترده و درراستای مراحل رشد است. همانطور که درفرآیند غریزی یادگیری راه رفتن، ابتدا لازم است زیربناهای حرکتی راه رفتن من جمله نشستن، سینه خیز، چهاردست وپا و... کسب شود تا راه رفتن صحیح می‌سرگردد، در آموزش جنسی نیز برای اینکه دربزرگسالی شاهد بروز رفتارهای جنسی امن و متعادل باشیم نیاز به پی ریزی آموزش از مراحل اولیه رشد داریم .

امروزه با وقوع شتاب زده رشد رسانه‌ای و دسترسی کامل کودکان به تولیدات رسانه‌ای، و با توجه به حجم وسیعی از اطلاعات جنسی وارده به کودکان، توجه به تربیت جنسی جهت جلوگیری از انگیختگی زودهنگام کودکان و بروز سوء استفاده از آن‌ها، انکارناپذیر است .

هم چنین با وقوع پدیده افزایش جمعیت و مشغولیت زمانی و ذهنی والدین به مسائل مختلف زندگی و لزوم سپردن کودکان به مهدکودک‌ها ویا اعضای فامیل جهت مراقبت روزانه از آن‌ها، مسئله سوء استفاده جنسی از کودکان مطرح می‌شود که این امر جز با آموزش و تربیت جنسی به موقع کودک و یادگیری چگونگی مراقبت ازخود امکان پذیر نخواهدبود .

هم اکنون درکشورما، متوسط سن بلوغ کاهش یافته و سن ازدواج درحال افزایش است. همچنین عقاید سنتی درحال تغییرند و کاهش نفوذ خانواده، مهاجرت، توسعه گردشگری و ارتباطات جمعی، تغییرات وسیعی دررفتار جنسی و اجتماعی بوجود آورده است و نوجوانان امروزی بیش از گذشته درمعرض ارتباط جنسی زودرس قرار دارند. (حسنی و عسگری، ۱۳۸۹، به نقل از نائینی، ۱۳۸٦)

قسمت عمده یادگیری تجارب جنسی کودکان بدون دخالت والدین آنهاست. تحقیقات نشان می‌دهد توجه به امور جنسی و موضوعات مربوط به آن، از کودکی آغاز می‌شود. طبق

مطالعات سربین درزمینه عوامل‌شناختی، تربیت جنسی از سنین اولیه کودکی لازم است. مسائل جنسی برای نوجوانان در سنین بلوغ چندان مرموز نیست، زیرا در سالهای قبل از راههای مختلف اطلاعات جنسی خود را بدست آورده‌اند .

از نظر دیدگاه اسلامی تربیت جنسی نیز، دوره بلوغ دوران افزایش هدایت و کنترل است؛ نه آغاز تربیت جنسی. براین اساس از سنین کودکی باید به این امر تاکید شود و تعویق این تربیت ممکن است انحراف از رشد طبیعی را بدنبال داشته باشد. (معرفاوی، ۱۳۷۹، به نقل ازفقیهی وهمکاران، ۱۳۸۷)

همانطور که گفته شد تربیت جنسی امری مرحله‌ای است و دراین فرآیند، صرف ارائه اطلاعات کافی نیست. بلکه رفتار و نگرش والدین و اولیای مدرسه نسبت به امور جنسی دراثربخشی این آموزش اهمیت بسزایی دارد (حسنی و عسگری، ۱۳۸۹)

در سن کودکی مهم‌ترین موضوعات تربیت جنسی عبارتنداز :

ایجاد عادت‌های مطلوب جنسی، دادن پاسخ‌های قابل فهم کودکان به پرسش‌های جنسی آنان، پیشگیری از بیداری جنسی زودهنگام .

درواقع دوره سنی دبستانی، مربوط به آموزش مقدمات لازم جهت ورود امن به دنیای بلوغ است. بیداری زودهنگام جنسی دراین مرحله، بدون اندوخته‌ی جالب توجهی درمورد مسائل جنسی، زمینه ساز بروز هوس‌ها و عادات نادرست، قراردادن خود درمعرض سوءاستفاده جنسی و رفتارهای خودانگیزی می‌شود .

آموزش و تربیت جنسی در مدرسه

تربیت عبارت است از: ایجاد عادات از طریق به کارگیری شیوه‌های تنبیه و پاداش (شریعتمداری، ۱۳٦۷). در حالی که شهید مطهری (تعلیم و تربیت در اسلام، ۱۳۷۸) تعلیم را عبارت از: یاددادن و هدف معلم را پرورش نیروی فکری متعلم و استقلال آن و زنده کردن قوه‌ی ابتکار او می‌داند. با این تعاریف تربیت و تعلیم لازم و ملزم همدیگرند. و تربیت جنسی نیز از این امر مستثنی نیست .

دوره‌های آموزش جنسی برای کودکان و نوجوانان به دنبال اهداف زیراست :

۱ .جلوگیری ازبارداری ناخواسته در سنین نوجوانی؛

۲ .کاهش بروز بیماری‌ها؛

۳ .کاهش میزان اطلاعات نادرست دراین زمینه؛

٤ .کمک به کودکان ونوجوانان درباره تصمیم‌گیری درست؛

۵ .کمک به کودکان ونوجوانان در جهت تامل درباره نقش مردان و زنان در جامعه؛

٦ .فراهم آوری چهارچوبی مناسب برای ابراز احساسات جنسی (ریسز، ۱۹۹۳، به نقل ازفقیهی ودیگران، ۱۳۸۷)

۷ .کمک به کودکان برای شناخت اندامهای جنسی و کارکرد آن‌ها؛

۸ .کمک به کودکان برای شناختن محیط‌های ناامن؛

۹ .ارائه اطلاعاتی به کودکان جهت شناخت افراد نامطمئن وخطرناک جهت جلوگیری ازسوءاستفاده جنسی؛

۱۰ .ارائه راهکارهایی به کودکان ونوجوانان برای فرار و دوری از شرایط ناامن جنسی؛

۱۱ .ارائه‌راهکارهایی‌به کودکان و نوجوانان برای یافتن کمک پس از قرارگرفتن در معرض شرایط ناامن و نامناسب جنسی و وقوع سوء استفاده جنسی.

بسیاری از روان‌شناسان، سن دبستانی (۷ تا ۱۲ سالگی) را سن نهفتگی یا اختفای جنسی معرفی کرده‌اند. بنابراین برنامه تربیت جنسی نیز باید بااین نهفتگی هماهنگ باشد. اطلاعات نباید به گونه‌ای باشد که موجب بیداری زودهنگام جنسی گردد. تردیدی نیست که مدرسه دررابطه با تربیت، بویژه تربیت جنسی، نقش مکمل دارد. (حسنی و عسگری، ۱۳۸۹، به نقل از فرمیهنی فراهانی، ۱۳۸۷)

در سن ۷ سالگی و پس ازآن گروه همسالان نتایج اطلاعات و تجربیات جنسی خود را با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند و بسیاری از این اطلاعات متشکل از باورهای ذهنی ناقص یا حتی غلط در زمینه بهداشت جنسی است. (شریفی نویسی، ۱۳۹۲)

کودکان در سن دبستانی دارای حس شرم و خجالت درمورد مسائل جنسی هستند و وابسته به فرهنگ، ارائه اطلاعات جنسی بوسیله والدین به کودکان دارای معذوریت‌هایی است. درکشور ما باتوجه به جریان جو مذهبی و سنتی، دیدگاه والدین نسبت به مسائل جنسی نیز سنتی بوده و برقراری رابطه‌ای مبتنی بر راحتی بیان درمورد مسائل جنسی در خانواده امری مشکل است. بنابراین کودک برای کسب اطلاعات جنسی و یافتن پاسخ سوالات جنسی خود

یا تشویق به سکوت شده و یا درخفا به رسانه‌ها پناه می‌برد که نتیجه‌ای جز کسب اطلاعات ناقص و غلط جنسی ندارد . بنابراین، نیازهمکاری مدرسه دراین زمینه شدیدا احساس می‌شود.

هرچند توسعه و بازبینی نقش مدارس در بعضی جوامع آسان نیست واختلاف نظردرمورد چرایی و چگونگی آموزش‌های جنسی در مدارس دیده می‌شود، در جوامعی که به نفع وجود آموزش‌های جنسی در مدارس سیاست گذاری شده است، تاثیر این آموزش‌ها را در تاخیر فعالیت‌های جنسی نوجوانان گزارش کرده‌اند. (ابوالقاسمی وهمکاران، ۱۳۸۸)

هم چنین ارائه آموزش‌های صرف جهت افزایش دانش مربیان، روش موثری در سلامت جنسی دانش آموزان نیست، مگر اینکه مربیان بطور دوره‌ای و مداوم تحت تعلیم با محتوای سلامت جنسی قرار گیرند که خود درایجاد و توسعه راهبردهای آموزشی نوین موثر است. (ابوالقاسمی، ۱۳۸۸، به نقل از شاستر، ۲۰۰۸)

در ادبیات موضوع تربیت جنسی، نقش مثبت معلمان در تربیت جنسی کودکان تایید شده است، اما اینکه آیا معلمان به اندازه کافی برای ارائه آموزش بهداشت جنسی، آمادگش دارند و مشاوره دیده‌اند مورد بحث است. هم چنین تجربه کودکان زمانی که اموزش جنسی در مدرسه انجام گیرد، نسبت به آموزش همراه با محدودیت در منزل و یا آموزش ناقص توسط همسالان، تجربه متفاوتی را بهمراه خواهد داشت. (ژاکلین و جانسون، ۲۰۰۹)

از نظر هوستون، مارتین و فلدز (۱۹۹۰)، افرادی که در سمینارها و برنامه‌های آموزش جنسی شرکت می‌کنند، بسیار بهتر می‌توانند در اموزش جنسی کودکان و نوجوانان مشارکت کنند .

در پژوهش ادلوی، ۱۹۹۱؛ بیشتر والدین باداشتن یک واحد درسی آموزش جنسی، در مدارس فرزندانشان موافق بوده‌اند. درپژوهش کینگ، پاریسی و ادویر۱۹۹۳، فقط ۱۸ درصد از شرکت کنندگان که هیچ دوره آموزشی را نگذرانده بودند، توانسته بودند راجع به مسائل جنسی با کودکانشان گفت‌وگو کنند. درصورتیکه ۸٦ درصد از افرادبا آموزش، توانسته بودند ارتباط مثبتی را دراین حیطه با فرزندانشان داشته باشند .

همچنین آموزش جنسی درمدارس از سنین پایین باعث می‌شود در سنین نوجوانی، شروع آمیزش جنسی به تاخیر افتد و روابط ناامن و بارداری دراین سنین کاهش یابد .

مهم‌ترین مسئله در تربیت جنسی کودکان این است که به آن‌ها بیاموزیم که چگونه از خود

مراقبت کنند. درحالی که یکی از اهداف برنامه‌های آموزش جنسی، پیشگیری از سوءاستفاده جنسی از کودکان است، متخصصان معتقدند که اکثریت موارد سوءاستفاده هنوز گزارش نشده است .

بسیاری از کودکان به دلایل مختلفی هرگز سوءاستفاده جنسی را گزارش نمی‌دهند. این دلایل در زیر عنوان می‌شود :

احساس گناه و مسئولیت، ترس ازاینکه ادعای آن‌ها بوسیله بزرگسالان باور نشود، انجام تهدید از سوی فرد متجاوز و عدم اطمینان درمورد اینکه آیا فعالیت سوءاستفاده مناسب و مثبت است یا خیر؟ درواقع کودکان درک صحیحی از فعالیت جنسی مفهوم تجاوز ندارند و ممکن است بوسیله فرد متجاوز درمورد مثبت و مورد پسند بودن سوءاستفاده اغوا شوند. (کارول، کارول و آن، ۱۹۸۸)

کودکانی که مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند، دچار مسائلی همچون؛ مشکلات رفتاری، مسائل اجتماعی، اشتغال دهنی با مسائل جنسی، کاهش توانایی‌های‌شناختی و پیشرفت تحصیلی، بی‌اعتمادی، کاهش کنترل تکانه، مکانیزم‌های دفاعی ضعیف یا ناپخته، تحول نایافتگی خود، وابستگی، افسردگی، خشم و احساس گناه می‌شوند. (خدایاری فرد و...، ۱۳۸٦)

ازنظر بالینی آزار جنسی تاثیرات مهمی بر کودک دارد و بدون شک وی را در بزرگسالی درزمینه برقراری ارتباط و کسب موفقیت و ثمربخش بودن دچار اشکال می‌کند. (برون، دیویس و استراتون، ۱۹۹٤، به نقل ازقادری وهمکاران، ۱۳۸۰)

تحقیقات نشان می‌دهد که تعداد زیادی از کودکان بوسیله افراد خانواده و یا افراد نزدیک مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند. افشای این مسئله برای قربانیان مشکل است چون اغلب پس از افشا یا با ناباوری نگریسته می‌شوند و یا مورد انفعال قرار می‌گیرند. به همین دلیل خیلی از قربانیان در خارج از خانه به دنبال فردی می‌گردند که از او حمایت و کمک بطلبند. معلمان بدلیل دسترسی آسان به کودکان و رابطه نزدیک با آن‌ها، در موقعیت خاصی برای پیشگیری و مداخله برسوءاستفاده جنسی از کودکان هستند. (کارول، کارولوآن، ۱۹۸۸)

در پژوهشی بوسیله ابوالقاسمی و همکاران، ۱۳۸۸؛ دیدگاه مربیان درمورد تربیت جنسی، به سه حیطه ۱. نقش سازمانی ۲. ساختار نهادها و ۳. ویژگی‌های فردی تقسیم شد .

نقش سازمانی به سیاست‌های اعمال شده از طرف سازمان‌های مرتبط مربوط می‌شود .

ساختار نهادها؛ بـه نهـاد آموزشـی مدرسـه وخـانواده اشـاره دارد و فرهنـگ محـدودیت و ممنوعیت عملکرد را مورد توجه قرار می‌دهد .

ویژگی‌های فردی نیز؛ به زیست‌شناسی، ذات و غریزه، جنسیت و شخصیت کنجکاو اشـاره دارد .

منابع آموزشی تربیت جنسی برای معلمان فراهم نشده است و مربیان درمورد اینکه چگونـه به دانش آموزان دختر و پسر آموزش دهند سردرگم هستند. هم چنـین آن‌هـا دانـش کـافی در زمینه برخورد مناسب با رفتارهـای جنسـی دانـش آمـوزان را ندارنـد و در تفکیـک رفتارهـای درست جنسی ازنادرست یراساس سن کودکان دچار مشکل هستند، لذا ممکن است کودکی بـا رفتارهای درست جنسی، نامتعادل تلقی شده و مورد بازخواست قرار گیرد .

موضوعات مربوط به تربیت جنسی در ساختار مدرسه به روشنی تعریف نشده اسـت، هـم چنین عدم آشنایی با فرآیند تکامل جنسی کودکان یکی از عوامل مهم دربروز مشکلات جنسی بزرگسالی است. (ابوالقاسمی وهمکاران، ۱۳۸۸)

بر این اساس، نقش آموزش و پرورش و بویژه معلمان در تربیت جنسی کودکان کاملا قابل تائید و تاکید است. ولی معلمان نیز خـود، جهـت ارائـه اطلاعـات مناسـب و داشـتن برخـورد مناسب با کودکان در حیطه مسائل جنسی، نیاز به آموزش دارند .

برای رفع این نیاز می‌توان دوره‌های آموزشی‌ای در آموزش و پرورش، پیش از شروع سال تحصیلی برای معلمان ترتیب داد و آن‌ها را در جهت کسب اطلاعات بهتر یاری داد .

در پژوهشی بوسیله جـاکوبس و نوجانسـون، ۲۰۰۹، در اسـکاتلند، جهـت افـزایش دانـش معلمان در حیطه تربیت جنسی قبل از شـروع سـال تحصـیلی مـدارس، کارگاههـای آموزشـی ترتیب داده شد.

این کارگاهها شامل: تربیت معلم در حیطه، دانش جنسی، نگرش جنسی، شناسایی قربانیـان سوءاستفاده جنسی، مهارتهای ارتباطی با کودکان و رفتارهای پیشگیرانه معلم بود این کارگاههـا به مدت شش ساعت توسط دو روانشناس با تجربه و متخصص در مـورد تکنیکهـای مصـاحبه عمومی با کودک، منـابع درمـان و منـابع پیشـگیری اولیـه بـود و تکنیکهـای آموزشـی بوسـیله سخنرانی‌های آموزشی، فیلم، تمرینات تجربی، ایفای نقش، بحث گروهـی و جلسـه پرسـش و پاسخ انجام شد.

نتیجه‌گیری

طبق مباحث مطرح شده، تربیت جنسی در کودکی نه تنها لازم است، بلکه تنها پیش زمینه تربیت جنسی و پیشگیری از انحرافات در دوره‌های بعدی زندگی است .

همانطور که مطرح شد؛ طبق لایه‌های مختلف محیط زندگی کودک، وظایف تربیت جنسی نیز تقسیم می‌شود. قسمتی از این وظایف برعهده‌ی والدین و خانواده است، قسمتی بر عهده‌ی رسانه‌ها و برنامه ریزی‌های رسانه‌ای و قسمتی نیز برعهده مدرسه و بویژه معلمان .

بر نقش پررنگ و یاری دهنده معلمان دراین حیطه تاکید شد و طبق پژوهش‌ها عنوان گردید که معلمان بدلیل ارتباطی نزدیک با کودک و وجود رابطه عاطفی همیشگی غیرقابل انکارمیان کودک و معلم، توانایی بالقوه‌ای برای تبدیل شدن به منبعی قابل اعتماد جهت ارائه اطلاعات و تربیت جنسی به کودکان و پایگاهی امن برای کودکان آسیب دیده هستند.

همچنین بر نارضایتی بسیاری از معلمان درمورد عدم اطلاعات کافی در زمینه آموزش جنسی تاکید شد و لزوم ارائه اطلاعات و آموزش‌هایی به معلمان در این زمینه مورد تاکید قرار گرفت .

محتوای مورد نیاز برای برنامه آموزشی معلمان را می‌توان به موارد زیر خلاصه کرد :

۱ .ارائه مراحل رشد روانی، جسمی و جنسی کودکان طبق هر مقطع و کلاس آموزشی؛

۲ .ارائه اطلاعاتی درمورد چگونگی تصور و تفکر کودکان درهر سن، درمورد مسائل جنسی؛

۳ .آشنا ساختن معلمان با سوالات رایج کودکان درهرسن؛

٤ .آشنا ساختن معلمان با تکنیک‌های مصاحبه و سخن گفتن با کودکان با توجه مقطع و کلاس تدریس؛

۵ .آشنا ساختن معلمان با انواع و اقسام شرایط خطر برای کودکان؛

٦ .آشنا ساختن معلمان با علائم و ویژگی‌های کودکان مورد سوءاستفاده قرارگرفته؛

۷ .ارائه اطلاعاتی به معلمان درمورد چگونگی برخورد با کودکی که علائم مذکور را داراست؛

۸ .ارائه اطلاعاتی به معلمان برای اگاه ساختن کودکان از شرایط خطر و بالا بردن توانایی مراقبت از خود؛

۹ .افزایش توانایی معلمان درایجاد رابطه‌ای مبتنی بر محبت و اعتماد، برای تبدیل معلم به پایگاهی امن؛

۱۰ .ارائه تکنیک‌ها و راهکارهایی به معلمان جهت چگونگی برقراری ارتباط با خانواده‌ها و والدین، درصورت مشاهده علائم خطر در کودکان .

بر این اساس؛ در این پژوهش، ارائه آموزشی کوتاه و مفید به معلمان، در حیطه تربیت جنسی، پیش از شروع سال تحصیلی، پیشنهاد می‌گردد.

آموزشی کوتاه و مفید، که هرچند در آغاز با هزینه‌هایی مالی روبروست اما، دارای چنان چشم انداز و تاثیر ژرفی است که در کوتاه مدتی از شروع آن، تاثیرات مثبت خویش را به نمایش می‌گذارد و از تحمیل هزینه‌های عظیم بی‌اطلاعی و تبعات آن برای کودکان جلوگیری می‌کند.

منابع

ابوالقاسمی، ناریا، مرقاتی‌خویی، عفت السادات و تقدیسی، محمدحسین، «تبیین تربیت جنسی دانش آموزان ایرانی ازدیدگاه مربیان بهداشت مدارس ابتدایی» ***دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی***، دوره هشتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۹.

امینی، محمد، تمنایی فر، محمدرضا وپاشایی، رقیه، «بررسی ضرورت وجودی و چگونگی توجه به تربیت جنسی دربرنامه درسی مقطع متوسطه ازدیدگاه دبیران ودانش آموزان»، ***مجله علمی_پژوهشی پژوهش‌های برنامه درسی، انجمن مطالعات برنامه درسی ایران***، دوره اول، شماره اول، بهارو تابستان، ۱۳۹۰.

خدایاری فرد، صبا، «مقایسه نتایج آزمون‌های فرافکن ترسیمی در کودکانی که مورد کودک آزاری جنسی قرارگرفته‌اند با کودکان عادی»، ***فصلنامه خانواده پژوهی***، سال سوم، شماره نهم، بهار، ۱۳۸۹.

زندوانیان، احمد و شمشادی، صادق، «ابعاد و مراحل تربیت جنسی دختران و زنان از نظر اسلام»، ***دوفصلنامه علمی_ترویجی بانوان شیعه***، سال هفتم، شماره۲۵، پاییز وزمستان .۱۳۸۹.

سلحشور، ماندانا، «لزوم تربیت جنسی کودکان در خانواده»، ***کودک***، شماره۲۶، تیر ۱۳۸۶.

شریعتمداری، علی، ***تعلیم و تربیت اسلامی***، تهران: دانا، ۱۳۶۷.

شریفی نویسی، منصوره، «فضای رازآلود تماس جنسی» ***گزارش***، شماره ۲۴۹، مردادماه ۱۳۹۲.

شریفی، عنایت، «روش‌های تربیت جسمانی درقرآن کریم»، ***فصلنامه آفاق دین***، سال دوم، شماره

هشتم، بهار ۱۳۹۱.

صالح‌زاده، اکرم، «تربیت جنسی کودکان»، ***رشد آموزش پیش دبستانی***، دوره ششم، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۳.

فرمیهنی فراهانی، محسن، «محتوای مناسب برای تربیت جنسی در کتب درسی دوره متوسطه»، ***دوماهنامه علمی_پژوهشی دانشگاه شاهد***، سال یازدهم، دوره جدید، شماره نهم، اسفند ۱۳۸۳.

فقیهی، علی نقی، شکوهی یکتا، محسن، پرند، اکرم، «آموزش جنسی به کودک و نوجوان از دیدگاه اسلامی و مطالعات روان‌شناختی»، ***دوفصلنامه علمی_تخصصی تربیت اسلامی***، سال سوم، شماره هفتم، پاییز و زمستان ۱۳۸۷.

قنبری، حیدر، ***داستان‌های شگفت انگیزی از تربیت فرزند***، قم: فاتح خیبر، ۱۳۸٤.

کجباف، محمدباقر، ***رفتارشناسی جنسی در اندیشه دینی***، مجله مطالعات راهبردی زنان، ۱۳۸٤.

مطهری، مرتضی، ***مجموعه آثار***، تهران: صدرا، ۱۳۷۸.

_____، ***اسلام و نیازهای زمان***، تهران: صدرا، ۱۳۸۳.

_____، ***انسان در قرآن***، تهران: صدرا، ۱۳۸۲.

_____، ***انسان و ایمان***، تهران: صدرا، ۱۳۸۲.

_____، ***آشنایی با قرآن***، تهران: صدرا، ۱۳۸۲.

_____، ***بیست‌گفتار***، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳٦۱.

_____، ***تعلیم و تربیت در اسلام***، تهران: صدرا، ۱۳۷۸.

_____، ***سیری در نهج البلاغه***، تهران: صدرا، ۱۳۸۲.

نصیری، یوسف و جعفری، سیدابراهیم، «درآمدی بر مبانی تربیت جنسی در تربیت اسلامی»، ***مطالعات اسلامی در علوم انسانی***، سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۹.

ویلیام، کرین، سی، ***پیشگامان روانشناسی رشد***، مترجم فرید فدایی، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۵.

Jacqueline H. Johnston (2009) «the preparation of child health nurses in sexual health education: an exploratory study» ***nurse education today***.

Kleemier, Carol& (1988): «Child sexual abuse prevention: evaluation of a teacher training model» ***child abuse &neglect***, vol12, pp. 555_561.

Sandy K. Wurtel (1992): «Sexual abuse prevention education for young children: A comparison of teachers and parents as instructors» ***child abuse & neglect***, vol16, pp865_876.

Vincent. JPalusci AND Margaret T. McHuGH (1995) «Interdisciplinary training in the evaluation of child sexual abuse» ***child abuse &neglect***, vol19, N9, pp. 1031_1038.

مجموعه مقالات نهمین همایش ملی اشراق اندیشه مطهر، **خانواده و تربیت جنسی**
اردیبهشت ۱۳۹٤، ص ۳۰۲-۲۷۵

آسیب شناسی و راهکارهای تربیت جنسی در حوزه خانواده اسلامی

محمد مهدی زارعی/ استادیار دانشگاه مازندران[۱]

چکیده

تشکیل خانواده علاوه بر تامین آرامش، بقاء و ازدیاد نسل پاک، برطرف کننده قوی ترین غریزه انسان یعنی غریزه جنسی می‌باشد. اشباع این انگیزه نیازمند مدیریت منطقی و معقول است. هرگونه خشونت، تفریط و حرص ورزی در این امر منجر به محرومیت زوجین از آرامش واقعی خواهد شد. شناسایی آسیب ها و نگاه اعتدالی زوجین در خانواده به مسئله جنسی که منطبق با فطرت بوده در تربیت جنسی خانواده مؤثر است. با توجه به کارکرد جنسی تشکیل خانواده ممکن است رفتارهای غیر اخلاقی جنسی در روابط زناشویی موجب پدید آمدن انحرافات متعددی میان زوجین و دیگر اعضای خانواده شود. سستی در اعتقادات، تجدد طلبی و تنوع خواهی در عرصه زناشویی، تجارت فحشا، اباحه گری جنسی و شباهت حقوق مردان و زنان در عصر جدید، کانون مقدّس خانواده را در معرض بیماری های اخلاقی واگیردار از جمله جنسی قرار داده است. لذا جهت کنترل و هدایت رفتارهای جنسی نیازمند اصول و قواعد تربیتی می باشیم. در متون اسلامی پختگی کامل و سعادت ابدی انسان مرهون بهره مندی سازمان یافته از لذت جنسی در سایه ازدواج برای زوجین می باشد. به منظور پیشگیری از انحرافات جنسی در محیط خانواده، نویسنده در این پژوهش به طرح برخی از راهکارها برای تنظیم روابط زناشویی بطور خاص پرداخته است. تلفیق مفاد آیات و روایات و احکام شرعی و عقلی در کشف خاستگاه های انگیزه جنسی و راهبردهای تربیت جنسی از ویژگی‌های پژوهش پیش رو است. این مجموعه با بیان و شناسایی ضمنی آسیب ها به وجود راهکارهای تربیت جنسی برای سامان دهی و انضباط جنسی در محیط خانواده مستند شده است.

کلید واژه ها: انگیزه جنسی، خانواده، پوشش، خشونت جنسی، انضباط جنسی.

---

۱ . m.zarei@umz.ac.ir

مقدمه

خانواده در طول تاریخ بشر، به عنوان اصیل‌ترین نهاد اجتماعی و کانون رشد تمدن‌های بشری بوده است. این نهاد بنیادین، با وجود تحولات گسترده در سطح جهان، همواره کارکردها و موقعیت خود را به ویژه در جوامع اسلامی حفظ کرده و پیوسته ارزشهای اخلاقی و تربیتی را با خود به همراه داشته است. خانواده در اسلام، بنای محبوب الهی (روم/۲۱) است که پرورش و تربیت موجودی به نام «انسان» در آن صورت می‌گیرد؛ موجودی که مقام خلیفه اللهی (بقره/۳۰) دارد، مسجود فرشتگان (بقره/۳٤) گردیده و خالق یکتا به هنگام آفرینش او به خود آفرین گفته است (مؤمنون/١٤). تشکیل خانواده در اسلام با فلسفه و اهدافی همراه است. علاوه بر تأمین آرامش، بقای نسل پاک، ازدیاد نسل و ایجاد مسئولیت برای انسان، برطرف کننده قوی‌ترین غریزه یعنی جنسی نیز به شمار می‌رود. بنابراین بر اساس دیدگاه اسلامی انسان برای برطرف کردن نیاز جنسی باید از طریق تشکیل خانواده با دو الگوی اسلامی ازدواج ـ دائم و موقت ـ اقدام نماید. کارکرد جنسی ازدواج پس از تشکیل خانواده نیز به صورت مستمر برای زن و شوهر مطرح است. به لحاظ آثار متعدد پس از شکل گیری خانواده از جمله متولد شدن فرزندان، جهت کنترل و تربیت جنسی، ناگزیر به وضع قوانین و مقررات و رعایت اصول و قواعد تربیت جنسی در این نهاد مقدس می‌باشیم.

همانطور که می‌دانیم عصر حاضر که در ظاهر به عصر «فنّاوری و اطلاع رسانی» نامبردار است، در واقع عصر «بحران هویت انسانی» و ارزشهای اخلاقی و ترویج افسار گسیختگی و دریدن پرده‌های اخلاقی است، نظام خانواده را دچار آسیب‌ها و چالش‌های اساسی کرده است. در این دوره، امنیت و پای بندی به اصول و ارزش‌های اخلاقی و تربیتی در خانواده، آرام آرام رو به تحلیل رفته و جای خود را به بی‌بندوباری و انحرافات اخلاقی داده است. تجارت فحشا بر اساس اباحه‌گری جنسی، سقط جنین برای فرار از مسؤلیّت مادری و پدری، طلاق‌های مبتنی بر تجدد طلبی و تنوع خواهی، شبیه شدن حقوق زن و مرد، از آثار زندگی در این عصر است. براین اساس، شکل گیری شخصیت انسانی در این جوامع قرین انحرافات اخلاقی و اختلالات رفتاری است. می‌توان گفت بیماری‌های اخلاقی واگیردار ریشه در هسته‌ی اولیه خانواده دارد؛ در حالی که این نهاد نقش پرورشگاه اصلی انسان‌ها را بر عهده دارد و به ترسیم سیمای واقعی حیات اجتماعی و معماری ساختمان بشری می‌پردازد. بنابراین رویارویی با انحرافات پیچیده و

خطرناک روحی و اخلاقی جهان معاصر بازسازی و بازیابی کانون خانواده را می‌طلبد که بذرهای نخستین شخصیت انسانی در آن کاشته می‌شود. از این رهگذر جایگاه اصول و قواعد تربیتی به ویژه نسبت به امور جنسی در حوزه خانواده به خوبی روشن می‌گردد.

اما پرسش اصلی این است با توجه به ورود آسیب‌های جدی به حوزه خانواده بویژه انحرافات اخلاقی، راهکارهای تربیت جنسی در محیط خانواده کدام است؟ علیرغم وجود چالش‌های جدی در حوزه خانواده فرضیه‌ی محقق در این پژوهش آن است که می‌توان از قواعد و اصول تربیتی مبتنی بر وحی که ناظر بر رفتارها و انگیزه‌های جنسی است بهره برد و با سیاست پیشگیرانه و درمانگرا آسیب‌های مربوط به امور جنسی درخانواده را مرتفع نمود.

انگیزه جنسی

حکمت خداوند متعال اقتضاء می‌کند که در سرشت انسان انگیزه‌های فطری قرار دهد تا وی را وادار نماید برای صیانت از ذات، رفتارهای ضروری گوناگونی را در پیش گیرد. یکی از آن انگیزه‌ها انگیزۀ جنسی است. کار مهم این انگیزه تولید مثل است که موجب تشکیل خانواده‌ها و جوامع بشر و ملت‌ها می‌شود. عمران و آبادی کره زمین، شناختن ملت‌ها، گسترش تمدن، پیشرفت دانش و صنعت محصول این انگیزه است همانگونه که می‌فرماید:

«ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست بی‌تردید خداوند دانای آگاه است» (حجرات /۱۳). «ای مردم از پروردگارتان که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید و از آن دو مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد پروا دارید و از خدایی که به [نام] او از همدیگر درخواست می‌کنید پروا نمایید و زنهار از خویشاوندان مبرید که خدا همواره بر شما نگهبان است» (نساء/۱). «و خدا برای شما از خودتان همسرانی قرار داد و از همسرانتان برای شما پسران و نوادگانی نهاد» (نحل /۷۲). «پدیدآورندۀ آسمان‌ها و زمین است از خودتان برای شما جفتهایی قرار داد و از دام‌ها [نیز] نر و ماده [قرار داد] بدین وسیله شما را بسیار می‌گرداند چیزی مانند او نیست و اوست‌شنوای بینا» (شوری/۱۱) خواست خدا چنین است که وظیفۀ تولید مثل در نباتات نیز یافت شود، همان طور که خواستش این است که هر چیزی در جهان هستی جفتی داشته باشد: «و از هر

گونه میوه‌ای در آن جفت جفت قرار داد» (رعد /۱۳). یا «و از هر چیزی دوگونه [یعنی نر و ماده] آفریدیم؛ امید که شما عبرت گیرید.» (ذاریات/٤٩) و یا «پاک خدایی که از آن‌چه زمین می‌رویاند و [نیز] از خودشان و از آن‌چه نمی‌دانند، همه را نر و ماده گردانیده است.» (یس/٣٦).

انگیزهٔ جنسی در واقع پایهٔ تشکیل خانواده است؛ زیرا هر یک از زوجین در کنار همسر خود احساس راحتی و امنیت و آرامش می‌کند و میان آن‌ها عاطفه، عشق، دوستی و مهربانی به وجود می‌آید که خود عامل تداوم زندگی زناشویی می‌باشد و این نوع زندگی نیز به نوبهٔ خود فضای سالمی را برای رشد و تربیت کودکان و شکل‌گیری صحیح شخصیّت آن‌ها آماده می‌سازد. «و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام گیرید و می‌انتان دوستی و رحمت نهاد آری در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعا نشانه‌هایی است.» (روم/۲۱) «اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد...» (اعراف/۱۸۹). اصولاً هیچ اشکالی ندارد که انسان از طریق ارضای انگیزه‌های خود از راه حلال و مشروع لذّت ببرد قرآن در مسائل مربوط به ارضای انگیزه‌های فطری، انسان را به دو نوع سازماندهی دعوت می‌کند: اول ارضای انگیزه‌ها از طریق حلال که شرع مقدس تشریع و تجویز کرده است دوم اسراف در ارضای آن‌ها. درباره‌ی نخستین سازماندهی برای ارضای انگیزه‌های فیزیولوژیک، که همان اشباع از راه حلال باشد، قرآن ما را از اشباع انگیزه گرسنگی از طریق حرام و همچنین از خوردن انواعی از خوردنی‌ها ـ به دلیل ضرری که برای تندرستی انسان دارند ـ و یا از نوشیدن شراب ـ که برای سلامت جسم و عقل مضّر است ـ باز می‌دارد. قرآن همچنین انسان را از اشباع انگیزه جنسی از طریق نامشروع ـ به دلیل ضررهای فراوان بهداشتی فردی و اجتماعی نهی می‌کند. خداوند با آفریدن جنس نر و ماده، برنامه‌ی ارضای انگیزه جنسی را برای انسان منظم کرده است و زندگی مشترک زن و شوهر در خانواده را وسیله‌ای قرار داده است برای ارضای انگیزه جنسی و تحقق امنیت و آرامش برای آن‌ها چرا که زندگی خانوادگی توأم با محبت و عشق و همکاری و فداکاری است. یکی از ابعاد نیاز به پیوند جویی بین زن و شوهر ارضای نیاز جنسی طرفینی است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«عشق به خواستنی‌ها از جمله زنان و فرزندان و... در چشم مردم آراسته شده است» (آل

عمران/١٤). «خدا می‌خواهد تا بر شما ببخشاید و کسانی که از خواسته‌ها [ی نفسانی] پیروی می‌کنند می‌خواهند شما دستخوش انحرافی بزرگ شوید.» (نساء/۲۷) «خدا می‌خواهد تا بارتان را سبک گرداند و [می‌داند که] انسان ناتوان آفریده شده است.» (نساء/۲۸) مقصود ناتوانی انسان در مقابل نیاز جنسی است که اگر در بستر مشروع و صحیح ارضا نگردد، دستخوش انحراف می‌شود. (نساء/۲۸) افزون بر این به دلیل اهمیت رفع نیاز جنسی در حفظ عفت و پاکدامنی و استمرار خانواده حتّی در شب‌های ماه رمضان منع برداشته شده است: «در شبهای روزه همخوابگی با زنانتان بر شما حلال گردیده است آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید... پس اکنون [در شبهای ماه رمضان می‌توانید] با آنان همخوابگی کنید و آنچه را خدا برای شما مقرر داشته طلب کنید...». (بقره/۱۸۷) و نیز آنچه در روایات بر آن تأکید شده است اینکه همسر بدون عذر شرعی به روابط زناشویی پاسخ منفی ندهد بلکه از تکالیف همسر آن است که نسبت به نیاز جنسی همسر خود پاسخ مثبت (تمکین) بدهد. (حر عاملی، ١٤/ ١١١) حتّی اگر به عللی ارضای این نیاز در ضمن ازدواج زن و مرد ممکن نباشد ازدواج را می‌توان بر هم زد. (همو، ۵۹۲) که این موضوع نیز در نزدیکی زن و شوهر به یکدیگر و گرمی کانون خانواده مؤثر است.

خانواده

خانواده گروهی است متشکل از افرادی که از طریق نسب یا سبب و رضاع با یکدیگر به عنوان شوهر، زن، فرزندان، مادر، پدر، برادر و خواهر در ارتباط متقابلند و فرهنگ مشترکی پدید آورده و در واحد خاصی به نام خانواده زندگی می‌کنند.) ریاست جمهوری، معاونت پژوهشی، مجموعه قوانین و مقررات خانواده، ۳۹۰ (برخی خانواده را یک واحد اجتماعی که از ازدواج یک زن و یک مرد به وجود می‌آید و فرزندان حاصل از آن ازدواج آن را تکمیل می‌کنند، می‌دانند. و یا می‌گویند خانواده گروهی است که به دلیل قرابت و یا زوجیت، همبستگی حقوقی و اجتماعی یافته و تحت رهبری و ریاست مقامی واحد قرار گرفته است.) طاهری، ۱۵ (به اعتقاد برگس و لاک، خانواده گروهی است متشکل از افرادی که از طریق پیوند زناشویی، همخونی و یا پذیرش (به عنوان فرزند) به یکدیگر به عنوان شوهر، زن، مادر، پدر، برادر و خواهر در ارتباط متقابلند و فرهنگ مشترکی پدید آورده و در واحد خاصی

زندگی می‌کنند. (ساروخانی، ۱۳۵) فرهنگ حقوقی دالوز در تعریف خانواده آورده است: خانواده یک نهاد حقوقی است مشتمل بر مجموع اشخاصی که به وسیله رشته‌های زناشویی یا خون یا فرزند خواندگی با یکدیگر پیوند یافته‌اند در معنای محدودتر، کلمه خانواده معرف شرکت ناشی از زناشویی است که شامل زن و شوهر و فرزندانشان می‌شود. (دعاوی خانوادگی، ص۲۰) در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: خانواده رکن طبیعی و اساسی اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه و دولت بهره‌مند شود. (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ١٦/بند٣)

وهبه زحیلی در تعریف خانواده می‌گوید:

در اصطلاح شرعی خانواده گروه و جماعتی هستند که زیربنای جامعه را تشکیل می‌دهند. و بنای آن بر روابط همسر میان زن و مرد استوار است و پیامد آن وجود فرزندانی است که به صحنه زندگی گام می‌گذارند. مفهوم لغوی و شرعی خانواده شامل معنی حمایت، نصرت و وجود روابط تفاهم و همکاری بر اساس‌نژاد، خون، نسبی، سببی، و ارضاع می‌باشد. وی معتقد است احکام و قوانین که در آغاز، اثنا و انتهای زندگی خانوادگی امور و شؤون آن را سر و سامان بخشد، نظام خانواده نام دارد. (زحیلی، ۲۸) وی می‌گوید: موضوع ازدواج مشمول احکام خمسه تکلیفیه واجب، مستحب، حرام، مکروه و مباح می‌شود. و برای زن و مرد یکسان است. (همان، ٦١-٦٢) صاحب حدائق زمانی نکاح را واجب می‌داند که در صورت عدم اقدام به ان شخص مرتکب زنا شود. ازهمین باب وی نکاح را به پنج قسم تقسیم می‌نماید. (بحرانی، ۱۷/۲۳) شهید مطهری نیز معتقد است تشکیل خانواده یک عامل اخلاقی بوده و به لحاظ تقدس پیدا کردن جانشین پذیر هم نخواهد بود. (مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ۳۳۹) در اصطلاح حقوق نکاح رابطه‌ای است حقوقی و عاطفی که به وسیله عقد بین زن و مرد حاصل می‌گردد و به آن‌ها حق می‌دهد که با یکدیگر زندگی کنند و مظهر بارز این رابطه حق تمتع جنسی است. (امامی، ٢٦٨/٤)

قواعد تربیتی در رفتار جنسی زوجین

حلیّت و بهره‌مندی جنسی زوجین از یکدیگر در اسلام بر اساس ضوابط و دستور العمل‌هایی است که در منابع مخصوص به آن بیان شده که بر خلاف اخلاق جنسی در غرب

زوجین در قالب ازدواج صحیح و مشروع به یکی از مهم‌ترین خواسته‌های طبیعی و فطری خودشان یعنی غریزه جنسی پاسخ صحیح می‌دهند. از آنجایی که رفتار غیر اخلاقی جنسی در روابط زناشویی میان زوجین و دیگر اعضای خانواده آثار نامطلوبی دارد و موجب انحرافات متعدد اخلاقی می‌شود فقه اسلامی برای جلوگیری از وقوع چنین نتایج و رفتارهای نامطلوب احکام خاص خود را بیان نموده است و این دسته از احکام علاوه بر اینکه واجد حکمت‌ها و مصلحت‌های متعدد است، دارای خاستگاه‌های تربیتی و اخلاقی نیز می‌باشد و می‌توان از آن‌ها بعنوان راهکارهای تربیت جنسی بهره برد. که در این قسمت به اهم موارد آن اشاره می‌شود.

۱ـ مدیریت منطقی و معقول جاذبه‌های جنسی

هرج و مرج و بی‌بندباری جنسی در محیط خانواده، حاکمیّت هوای نفس و خارج شدن از مسیر صحیح جاذبهٔ جنسی است. آن پیوند مقدسی که اسلام در نظر دارد این است که به وسیله ازدواج با پاسخ دادن به غریزه جنسی شخص مسلمان به پاکیزگی و طهارت می‌رسد و با عفّت و پاکدامنی خدای خویش را ملاقات می‌نماید. و با این عمل به ثواب دیگر اعمال عبادی خویش می‌افزاید. (حر عاملی، ۱۸/۲۰). شهید مطهری معتقد است در میان غرایز شهوانی انسان هر غریزه‌ای که اشباع شود، اشباع آن تأثیری در معنویت انسان ندارد جز غریزه جنسی. لذا ازدواج در نظر اسلام سنت مستحب تعبیر شده است. (مطهری، مجموعه آثار، ٦٧٧/٢٢)

بنابراین ازدواج علاوه بر اهداف دیگر به غریزه جنسی نیز پاسخ صحیح می‌دهد. و به تعبیری که قبلاً بیان شد مظهر بارز ارتباط زوجین در نکاح حق تمتع جنسی است (امامی، ٢٨٦/٤). این غریزه قوی باید در یک مسیر درست طبیعی قرار گیرد. به همین جهت شخص مزدوج از انجام گناهانی که ریشه در میل جنسی دارد در حد قابل توجهی در مصونیت به سر می‌برد. در پاسخ به غریزه جنسی و نحوه ارضای آن در اسلام به روشنی بیان شده است چون بالاخره در اغلب انسان‌ها وقتی این غریزه نیرومند گردد به صورت‌های مختلف پاسخ داده می‌شود و به نوعی ارضاء می‌گردد. و در غیر این صورت فرد دارای آرامش نیست. اسلام تنها راه صحیح ارضاء میل جنسی را ازدواج با جنس مخالف می‌داند. چون سرکوب این غریزه آثار سوء روانی و جسمی دارد و از غیر طریق ازدواج شرعی نیز آثار نامطلوب اخلاقی و جسمی در ابعاد فردی و اجتماعی دارد برای رفع نیاز جنسی بدون هیچ گونه اضطراب روحی و روانی

و مصونیت از امراض لاعلاج جنسی و مبتلا شدن به فساد اخلاقی، اسلام زن و مرد را با عقد ازدواج در کنار یکدیگر قرار داده است تا اینکه به آرامش و سکون برسند قرآن در سوره روم به این مطلب اشاره کرده است. «از آیات و نشانه‌های خداوند این است که از جنس شما برای شما زوج آفرید که به آرامش و سکون برسید و بین شما مودّت و رحمت قرار داد.» (روم/ ۲۱).

۲ـ پرهیز از خستگی و خشونت جنسی

هر چند که شکل گیری ازدواج در ابتدای امر ریشه در پاسخگویی به قوی‌ترین غریزه یعنی غریزه جنسی دارد ولی اگر زوجین بعد از تشکیل خانواده همت آنان صرفاً در این مسأله صرف گردد به مرور زمان آن عشق و محبت فروکش می‌نماید و خستگی جنسی به نوعی ظاهر می‌گردد و نتیجه‌ای جز تنفر از یکدیگر ندارد و در برخی موارد به خشونت جنسی مبدل می‌گردد که بر خلاف اصول اخلاقی است. بنابراین رابطه جنسی در کنار دیگر اهداف ازدواج می‌بایست بر اساس محبت و رضایت طرفین صورت گیرد و به دور از هر گونه پرخاشگری به ویژه از طرف مرد باشد. در اسلام غریزه جنسی برای سعادت شخصیه و نوعیه است و این مسأله زمانی محقق می‌گردد که از حدود تعیین شده و اعتدال تجاوز نکند همان گونه حضرت امام در این باره می‌گوید: «بدان که قوه شهوت از قوای شریفه‌ای است که حق تعالی به حیوان و انسان مرحمت فرموده برای حفظ شخص خود و بقای آن در عالم طبیعت و برای ابقاء نوع و حفظ آن. و اگر انسان این قوه را نداشت به واسطه محلّلات خارجیه و داخلیه، به اسرع اوقات، رو به فنا و زوال می‌گذاشت و تحصیل بدل ما یتحلّل نمی‌کرد. و چون تحصیل سعادت ابدی بی‌بقای در عالم دنیا و اقامهٔ در نشئهٔ طبیعت صورت نگیرد، سعادت ابدی انسان و حیات شریف ملکوتی او مرهون منت این قوهٔ شریفه است. و نیز این قوه را دخالت کامل است در تشکیل عائله شریفه و نظام مدینهٔ فاضله و تربیت نفوس ناقصه. پس علاوه بر آنکه سعادت خود انسان وابسته به این قوه است، سعادت بنی نوع هم پیوند به این مائده آسمانی است. و این قوه در وقتی کفیل این سعادات شخصیه و نوعیه است که از حدود اعتدال تخطی و تجاوز نکند، و از تحت موازین عقلیه و الهیه خارج نشود؛ زیرا با خروج آن از حد خود و به جانب افراط و تفریط رفتن، علاوه بر آنکه سعادات مذکوره را تحصیل نکند، مایهٔ شقاوت و بدبختی خود و بنی نوع خود شود. چه بسا با شهوترانی چند روز یا چند ساعت نظام یک عائله شریفه

از هم گسسته شده و طرح بدبختی و بیچارگی آن‌ها تا ابد ریخته شود و چه بسا از عنان گسیختگی این قوه، شرافت خود انسان و عائله شریفه او دستخوش باد فنا شود.» (خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ۲۷۹– ۲۸۰)

۳ـ عدم ارضای نیازهای روانی با حرص در امور جنسی

کسانی که رابطه جنسی رضایت بخشی ندارند و نمی‌توانند از مجامعت لذّت طبیعی ببرند بیشتر حریص می‌شوند و احتمال اینکه ارضای نیازهای روانی خود را در امور جنسی جست‌وجو کنند زیادتر می‌شود. در نظام خانواده در بحث تمتعات جنسی آن‌گاه که مرد و زن یکدیگر را شریک جنسی هم بدانند و نوعی ذهنیت و تفکر غلبه و سلطه بر دیگری نداشته باشند بلکه به فکر این باشند که نیاز جنسی خویش و شریک خویش را برطرف کنند از رابطه جنسی حداکثر لذّت را خواهند برد. وقتی زن یا شوهر ببیند که شریک زندگی‌اش برای لذّت بردن به فکر او هم هست، می‌کوشد کار مثبت او را جبران کند و در لذّت بردن از ابعاد مختلف زندگی خود را تنها نبیند و به شریک زندگی‌اش هم بیندیشد. اینجاست که زن و مرد گرچه دو تن هستند، در یک روح به سر می‌برند. هر کدام سعی می‌کند سخاوتمندانه خود را در اختیار دیگری قرار دهد. زن و مرد دانا در تماس جنسی به بهترین شکل رعایت حال یکدیگر را می‌کنند. در این خصوص چون زن دیرتر به اوج لذّت جنسی و تخلیه شهوانی می‌رسد بر مرد لازم است بیشتر به فکر بر آوردن نیاز همسرش باشد و تا زمانی که زن به اوج لذّت نرسیده خود را کنار نکشد و سهم لذّت زن را در نظر گیرد. در غیر این صورت ناخود آگاه زن به سرد مزاجی و بی‌میلی جنسی سوق داده می‌شود و در نتیجه هر دو از خوشایندترین لذّت‌های جسمی و روحی محروم می‌شوند. (ثابت، ۱۸۱) پیامبر (ص) فرموده‌اند: «بهترین زنان آنانی‌اند که هنگام تنها شدن با همسرشان، سپر شرم و حیا را به کناری بگذارند.» (حر عاملی، ۳۱/۲۰)

٤ـ پرهیز از تفریط در مسأله جنسی

از حقوقی که زن از مرد در خانواده اسلامی دارد حق آمیزش است. لذا ترک آمیزش در برخی از موارد که موجب به معصیت افتادن زن باشد بر مرد واجب است درخواست زن را اجابت نماید. فقهاء برای زن این حق را حق مواقعه می‌نامند که هر چهار ماه مرد موظف است به این عمل مبادرت نماید. (فیض کاشانی، ۲۹۰/۲۰) لذا گفته‌اند اگر مردی نذر کند که بیش از

چهار ماه با زن خود نزدیکی نکند، نذر او صحیح نیست. در حدیثی وارد شده است: «اگر مردی بیش از چهارماه از همسر خویش کناره بگیرد، پس از آن مدّت گناهکار محسوب می‌شود». (حرعاملی، ۲۰-۱٤۰) برخی از فقیهان معتقدند در صورتی که مرد در سفر واجب شرعی نباشد و یا سفر وی ضروری نباشد و به قصد ادا نکردن حق زن که به نوعی ترک واجب است باشد سفر او معصیت و حرام است و باید نماز را تمام بخواند. (استفتاءات آیات عظام: فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، تبریزی و بهجت.

در متون اسلامی از یک طرف در برخی موارد خاستگاه ترک مواقعه با زن و ادا نکردن حق آمیزش به اخلاق شوهر و یا زن برمی گردد که در مسأله نشوز قابل بررسی است به طوری که نه تنها در این حق بلکه اگر مردی هر یک از حقوق واجب زن را ادا نکند حکم نشوز را پیدا می‌کند. و از طرفی دیگر تفریط در مسأله جنسی اولاً: به دلیل عدم تأمین نیازهای طبیعی موجب بروز تنش‌های عصبی و رفتاری و بد اخلاقی می‌شود. ثانیاً: حق ثابتی که برای زوجین به ویژه زن در نظر گرفته شده است نادیده گرفته می‌شود. حقّی که در سنّت پیامبر (ص) تاکید شده است: رسول اکرم (ص) به عبدالله بن عمرو فرمود: «عبدالله شنیده‌ام همهٔ روزها را روزه و بسیاری از اوقات شب را به نماز شب می‌پردازی؟ گفتم: بله صحیح است یا رسول الله (ص) او فرمود این کار را مکن! گاهی برخی از روزها را روزه بگیر و برخی از روزها را از گرفتن روزه خودداری کن! و برخی از شب‌ها را نماز بخوان و شبهایی دیگر را استراحت کن. زیرا جسم و چشمان و همسرت هر کدام حق و حقوقی بر عهدهٔ تو دارند و حق هر یک را به خوبی ادا کن.» و در جایی دیگر همبستری با همسران نوعی احسان و صدقه محسوب شده است. زمانی که زن از برقراری روابط جنسی بهرهٔ طبیعی را نگیرد در برقراری مجدد آن بی‌رغبت شده و رفتارهای نابهنجار روانی و جنسی از خود نشان می‌دهد. و کانون خانواده با مشکل اساسی برخورد می‌کند. زن و مرد هر دو در روابط جنسی نیاز به اطمینان و تضمین دارند. اما این نیاز در آن‌ها متفاوت است مردان فکر می‌کنند شایستگی لازم را داشته‌اند که توانسته‌اند رابطهٔ زناشویی برقرار کنند و شادی و نشاط همسرشان آن‌ها را نسبت به این احساس شایستگی مطمئن‌تر می‌کند. ولی زنان نیازمند به مهر ومحبت و توجه از سوی همسرشان هستند آن‌ها برای احساس اطمینان، نیاز مستقیم به عشق و ابراز عشق دارند و مردان باید با ابراز محبت از طریق جمله‌های عاطفی این نیاز را برآورده کنند. اینکه مردان همسرشان

را دوست داشته باشند ولی ابـراز نکننـد در واقـع امکـان احسـاس دوسـت داشـتن را از آنـان گرفته‌اند و برای همین نیاز روانی است که پیامبر گرامی اسلام سفارش به ابـراز کلامـی عشـق نسبت به همسر کرده و می‌فرماید: «چون مردی به همسرش بگوید: دوستت دارم، این سـخن، هرگز از قلب او بیرون نمی‌شـود« (کلینـی، ۵-۵٦۹) اسـلام بـا در نظـر گـرفتن تفـاوت‌هـا در رفتارهای جنسی زن و مرد، یکی از حقوق مسلّم مرد بر زن را تمکین و برآوردن نیـاز جنسـی مرد در سریع‌ترین فرصت می‌داند و پیامبر (ص) با عبارت «ان تجیبـه الـی حاجتـه و ان کانـت علی قتب» (حرعاملی، ۱۱۲/۱٤) در پاسخ به کسی که از حق مرد بر زن می‌پرسـد، در واقـع بـه نیاز فوری مرد در مسائل جنسی اشاره می‌فرماید.

از سوی دیگر زمان زیادی که زنان برای رسیدن به ارضاء کامل نیاز دارند مورد توجه پیامبر گرامی اسلام (ص) بوده و حضرت با توجه به این نکتهٔ روان‌شناسی می‌فرمایـد کـه هـر لهـوی باطل است مگر سه چیز که یکی از آن‌ها ملاعبهٔ با زن هنگام جماع است و این یک حق اسـت برای زنان (همان، ۱۱۹) و در روایت دیگر با مزمت ترک ملاعبـه مـی‌فرمایـد: سـه عمـل جفـا محسوب می‌شود:... و سوم، ارتباط جنسی مرد با زن قبل از ملاعبـه و مداعبـه اسـت. (همـان) بنابراین کلیهٔ احکام دین بر اساس طبیعت و سرشت افراد و وظیفهٔ اصلی آن‌ها در ندگی وضـع شده است و این نشانگر کمال دین است. اگر مردان به تفاوت روابـط جنسـی بـین زن و مـرد آگاهی نداشته باشند همسر خویش را سرد و بدون احسـاس مـی‌پندارنـد و دچـار اخـتلال در روابط جنسی می‌شوند. (معین الاسلام، ۷۸)

نگاه تفریطی به غریزه جنسی در میان مسلمانان صدر اسلام نیز وجود داشت به دلیل نتـایج ناگواری که این مسأله به دنبال داشت پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) با این طرز تفکـر مبارزه کردند امام علی (ع) وقتی در شهر بصره به خانه یکی از اصحابش به نام عـلاء بـن زیـد الحارش وارد شد پس از گفتگو علاء به امام (ع) عرض کرد: از برادرم عاصم بن زیاد بـه شـما شکایت می‌کنم. فرمود: چه شد او را؟ گفت: عبایی پوشیده و از دنیا کنـاره گرفتـه اسـت. امـام فرمود: او را بیاورید. وقتی آمد به او فرمود: «ای دشمنک جان خویش شیطان سرگردانت کـرده آیا تو به زن و فرزندانت رحم نمی‌کنی؟ تو می‌پنداری کـه خداونـد نعمـت‌هـای پـاکیزه‌اش را حلال کرده اما دوست ندارد تو از آن‌ها استفاده کنی؟ تو در برابر خدا کوچک‌تر از آنی که ایـن گونه با تو رفتار کند.» (نهج البلاغه، خ۲۰۹) این نگرش در میان مکاتب اخلاقی یونـان باسـتان

ازجمله کلبیان نیز رواج داشته است. کلبیان معتقد بودند تمام ثمرات تمدن از قبیل حکومت، ثروت شخصی، ازدواج، دین، برده داری، تجمل و همه لذّات مصنوعی بی‌ارزش است. اگر رستگاری و نجاتی هست همانا در ترک جامعه و در بازگشت به زندگی ساده و زاهدانه یافت می‌شود. (پاپکین و استرول، ۲۷) در مسیحیت نیز از قول پولس قدیس در نامه خود به قرنتیان آمده است: «کاش همه می‌توانستند مانند من مجرد بمانند اما ما همه مانند هم نیستیم پس به آنان که هنوز ازدواج نکرده‌اند و نیز به بیوه زنان می‌گویم که بهتر است اگر می‌توانند مانند من مجرد بمانند.» (عهد جدید، نامه اول قرنتیان ۷: ۸ ـ ۱۰).

۵ـ عدم مباشرت با زن حائض

حکمت منع آمیزش با زن حائض در متون اسلامی مورد تأکید واقع شده است. قران کریم در سوره بقره فرموده است: «و از تو دربارهٔ حیض می‌پرسند بگو آن مایه رنج است پس در مدت حیض از زنان کناره گیرید و با آنان نزدیکی نکنید تا پاک شوند و چون پاک شدند آن گونه که خداوند به شما فرموده است با آنان بیامیزید که خداوند آمرزش خواهان و پاکیزگان را دوست دارد.» (بقره/۲۲۲) بررسی علمی مسأله حیض به طور اجمالی بدین صورت است که می‌دانیم هورمون‌ها موادی هستند که از غدد مترشحه درون ریز به داخل جریان خون ترشح می‌شوند تا واکنش‌های مختلف و خاصی را در نواحی دور از محل ترشح خود ایجاد کنند به همین نحو نرون‌ها و مجموعه اعصاب نیز ساختارهای بسیار ظریف و پیچیده‌ای را در بر می‌گیرند که ضمن انتقال تحریکات و پیام‌های عصبی موادی را نیز به داخل سیستم عروقی ترشح می‌کنند تا مانند هورمون‌ها عملکردهای خاصی را موجب شوند لذا دو سیستم فوق ارتباط نزدیکی به رحم داشته و در زمینه‌های مختلف از جمله سیکل قاعدگی به طریق فیدبک یا پس خوراند هرمنی بر روی بافت عصبی نحوه واکنش‌ها ی سیستم اعصاب مرکزی را تنظیم می‌نمایند.

از نظر حکمت نیز در ممانعت مواقعه با حائض از لحاظ بهداشت روانی و اخلاقی و جسمی می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱ـ در شرایط طبیعی و زمان غیر پریود، محیط داخلی مهبل به وسیله ترشحات مخاطی نرم و تا حد زیادی آسیب ناپذیر است و به علت بالا بودن مقدار استروژن و وجود اسید لاکتیک این محیط وضعیت اسیدی داشته و در نتیجه رشد و تکثیر میکروبی را مشکل می‌کند.

۲ـ در مرحله پریود بر اثر کاهش استروژن و پرژسترون و به علت ریزش بافت مخاطی رحم و آسیب پذیر شدن آن امکان رشد و تکثیر میکروب در این قسمت فراهم بوده و برای ابتلاء به عفونت، محیط مناسبی می‌باشد لذا مباشرت در این دوره می‌تواند زمینه ساز آلودگی و ابتلاء به عفونت شود.

۳ـ در زمان پریود وضعیت التهابی درون مهبل و کاهش هورمون‌های جنسی موجب انقباض عضلات این ناحیه شده و حالت شلی این عضلات که سبب سهولت و بی‌درد بودن عمل مقاربت در وضعیت عادی می‌شود کاهش می‌یابد و در نتیجه «نزدیکی» در این مرحله برای زن دردناک و ناخوشایند خواهد بود.

٤ـ کاهش هورمون‌های جنسی موجب کاهش ترشحات مهبلی شده PH محیط داخلی آن را که در شرایط عادی حالت اسیدی دارد قلیایی می‌کند و در نتیجه اگر در این وضعیت مقاربتی صورت گیرد امکان عبور و رشد میکروب از واژن افزایش می‌یابد.

۵ـ چون استروژن محرک مهمی برای میل جنسی زن است و در مرحله پریود میزان آن در خون کاهش می‌یابد لذا تمایل زن نیز از نظر روانی و فیزیولوژی به مقاربت خیلی کم و حتی با تنفر همراه می‌شود و آن را برای خود امری نامطلوب می‌داند لذا می‌بینیم که خداوند نیز مردان را مورد خطاب قرار داده و آن‌ها را از نزدیکی با زنان منع کرده است که در غیر این صورت به علت، ناهماهنگی و بی‌میلی زن گاهی ممکن است پی آمدهایی عاطفی زیان باری را برای دو طرف ایجاد کند.

٦ـ چون در مرحله پریود دستگاه تناسلی زن دچار احتقان عروقی است لذا مقاربت می‌تواند میزان خونریزی ماهیانه را افزایش دهد.

۷ـ در موقع قاعدگی محل مقاربت به علت خونریزی کثیف و بدبو می‌باشد لذا تماس جنسی از نظر روانی نیز برای هر دو ناخوشایند خواهد شد.

۸ـ علاوه بر این مشکلات فیزیولوژیکی «تقویت کف نفس و صبوری مرد را نسبت به اطفاء شهوات» خود نیز بتوان از دیگر حکمت‌های این امر دانست.

با این همه مسلماً می‌توان گفت که مسائل و عوارض ذکر شده را باید بخشی از اسرار این دستور دانست و نه علت غایی و تمامی آن. چون ممکن است در این مورد مصالح یا مفاسد دیگری نیز وجود داشته باشد لذا در این مرحله می‌بینیم که عبادت‌های تعطیلی ناپذیر مثل نماز

و روزه نیز برای زنان حائض منع شده است و حتی اگر آن‌ها برای هر نماز بدن خود را با غسل تطهیر کنند نماز آن‌ها باطل خواهد بود. (نوری، ۱۰۴-۱۰۵)

در آیه شریفه، ۲۲۲ سوره بقره خداوند در فرازی از این آیه فرموده است (مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ) این جمله می‌تواند تأکید جمله قبل باشد یعنی فقط در حال پاکی زن آمیزش جنسی داشته باشید نه در غیر از این حالت یعنی پس از پاک شدن نیز آمیزش باید در چهارچوب فرمان پروردگار باشد این فرمان می‌تواند شامل فرمان‌های تکوینی و تشریعی خداوند گردد. زیرا خداوند برای بقاء نوع انسان میل و کششی در میان دو جنس مخالف نسبت به یکدیگر قرار داده است و به همین دلیل آمیزش جنسی لذّت خاصی برای برای هر دو طرف دارد ولی مسلم است که یکی از هدف‌های مهم در حقیقت بقای نسل بوده و این کشش و لذّت مقدمه‌ای برای آن است. بنابراین باید لذّت جنسی در مسیر بقای نسل و هدف‌های اصلی قرار گیرد و به همین جهت «استمناء» و «لواط» و مانند آن‌ها که انحراف از این فرمان تکوینی است ممنوع است چون به هیچ وجه هدف اصلی آمیزش جنسی را تأمین نمی‌کند و حتّی در مسیر آن هم قرار نمی‌گیرد. در این مسیر اگر شخص نتوانست مبارزه با نفس نماید یا نتوانست کفّ نفس نماید و بر اثر فشار غریزه جنسی بر خلاف امر خداوند آلوده به نافرمانی شده است خداوند راه بازگشت و توبه را برای این دسته از افراد باز گذاشته است. (مکارم شیرازی، ۹۶/۲)

نکته تربیتی نهفته در این حکم اسلامی بر منع و حرمت مواقعه با زن حائض (فیض کاشانی، ۲۸٤/۲) به کیفیت «کفّ نفس» شوهر بر مباشرت جنسی هنگام حیض با همسر خویش و رعایت حال سخت و دشوار همسر بر می‌گردد. همان گونه که شارع مقدس به دلیل وضعیت زن حائض احکام ویژه‌ای برای وی قرار داده است از قبیل منع از صلوة و عدم سجده در زمانی که آیه سجده را می‌شنود (دارمی، ۲۳٦/۱) و عدم نیاز به قضای نماز فوت شده در زمان حیض (همان، ۲۳٤) واجب نبودن طواف کعبه چون از شرایط طواف طهارت کامل است. (بیهقی، ۱٦۲/۵) گرفتن روزه در زمان حیض بر او واجب نیست و یا طلاق در وقت حیض نیز نهی شده است. (خمینی، تحریر الوسیله، ۲۹۲/۲) آنچه که روشن است حیض یک نجاست معنوی است نه مادی و از ابن عباس نقل شده است: «لا بأس بفضل شراب المرأة حائضاً أو غیر حائض هی أنظف ثیاباً و أطیب ریحاً» (متّقی هندی، ۵۷۷/۹) لذا می‌توان گفت: به پشتوانه‌ی این نجاست معنوی مواقعه با زن حائض با اهدافی که در اخلاق جنسی وجود دارد

سازگاری ندارد لذا قول به تحریم نزدیکی قُبلاً با کراهت شدید دُبراً با زن حائض می‌تواند خاستگاه درونی یعنی معنوی و تربیتی داشته باشد. از همین جهت بعد از منع مواقعه با زن حائض و احتمال استفاده و تمتع جنسی نابجا از وجود زن که تنها برای اطفاء شهوت جنسی است آیه شریفه: «زنان شما مرکز بذر افشانی شما هستند، شما هر زمان که بخواهید می‌توانید با آن‌ها آمیزش نمایید (ولی سعی کنید از این فرصت طبیعی بهره یی ببرید و با پرورش فرزندان صالح اثر نیکی) برای خود از پیش بفرستید و از خدا بپرهیزید و بدانید او را ملاقات خواهید کرد و به مؤمنان بشارت رحمت ده» (بقره/۲۲۳) و در این آیه زنان تشبیه به مزرعه شده‌اند ممکن است این تشبیه برای بعضی در مورد زنان سنگین آید که چرا اسلام درباره نیمی از نوع بشر چنین بیانی کرده است در حالی که نکته باریکی در این تشبیه نهفته است. و در حقیقت قرآن می‌خواهد با این بیان ضرورت وجود زن را در اجتماع انسانی مجسم کند، که زن یک وسیلهٔ اطفاء شهوت نیست بلکه وسیله‌ای است برای حفظ حیات نوع بشر.

همان طور که انسان برای ادامهٔ زندگی به تغذیه نیاز دارد و بدون کشت و زرع مواد غذایی حیات او تأمین نمی‌شود همچنین برای ادامه نوع خود نیز نیازمند به وجود زن است. این سخن در برابر آن‌هایی که نسبت به جنس زن همچون یک بازیچه و وسیله هوسبازی می‌نگریستند هشداری محسوب می‌شود. «حرث» مصدر است و به معنی بذر افشانی است و گاهی به محل زراعت که «مزرعه» باشد نیز اطلاق می‌شود. «انّی» از اسماء شرط است و غالباً به معنی «متی» که به معنی زمان است استعمال می‌شود در این صورت آن را «انّی زمانیه» می‌گویند و گاهی به معنی «مکان» هم استعمال می‌شود مانند «انّی» در آیه ۳۷ آل عمران «... یَا مَرْیَمُ أَنَّی لَکِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ...» «زکریا هنگامی که وارد بر مریم می‌شد در کنار او غذایی آماده می‌دید از او پرسید «انی لک هذا» از کجا این غذا برای تو آمد؟ جواب داد «من عند الله» از نزد خدا (یعنی از بهشت) از کلمه «انّی» اگر زمانیه باشد توسعه در زمان آمیزش جنسی با زنان استفاده می‌شود که شامل تمام ساعات شب و روز می‌گردد یعنی آمیزش جنسی در هر ساعتی مجاز است و اگر مکانیه باشد منظور توسعه در مکان و محل چگونگی آمیزش است. (مکارم شیرازی، ۹۶/۲-۹۷) در تفسیر مخزن العرفان آمده است: متبادر از ظاهر آیه که زن را به منزلهٔ حرث قرار داده است دلالت دارد بر اقتصار به همان موضع نسل نه غیر آن و عمومیت از آن استفاده نمی‌گردد. و عده‌ای از اخبار در کافی و تهذیب و غیره تأیید می‌نماید همان ظاهر آیه را

در تفسیر قی از صادق آل محمد (ص) چنین روایت می‌کنند «انّی شئتم» یعنی هر زمانی که بخواهید در فرج. زیرا که زرع موضع بذر است و تشبیه زن به بذر کنایه به موضع نطفه است و از مجموع اخبار می‌توان استفاده نمود که قوله تعالی «انّی شئتم» یعنی راجع به همان موضع مخصوص از هر راهی که بخواهی و هر وقت که بخواهی مختاری که این توسعه در مقام استمتاع است. و چنان که بعضی از علمای تفسیر گفته‌اند اینکه بسیاری از علمای امامیه حکم به جواز داده‌اند با کراهت به ادلهٔ دیگری است نه به این ایه زیرا که ظاهراً آیه انصراف از این معنا دارد و دلالت بر این طور توسعه ندارد. (امین اصفهانی، ۳۱۰/۲ــ۳۱۲) در مفاتیح الشرایع آمده است: «الاشهر عند اصحابنا ذلک علی کراهۀ شدیدۀ... و القمیون وبن حمزه علی التحریم» (فیض کاشانی، ۲۸۵/۲) و نیز این عمل موجب تنفر طبع و بر خلاف امور فطری است. (سابق، ۱۹۲/۲).

٦ـ توجه به انضباط جنسی در پرتو احکام فقهی

یاد خدا و پناه بردن از شر شیطان به خدا (= استعاذه) (محقق حلی، ۲٦۷/۲؛ حلی، ۲/۲؛ شهید ثانی، مسالک الافهام، ۲٤/۷؛ نجفی، ٤٥/۲۹؛ طباطبائی یزدی، ۸۰۰/۲). در صحیح بخاری از ابن عباس وارد شده است که رسول اکرم (ص) فرمود: «لَو أن أحَدَکم إذا أتی اَهلَهُ قال: اللهم جنبنی الشیطان و جنب الشیطان ما رُزقتُنا فان کان بینهما ولد لَم یَضرّه الشیطان» (ابن حجر عسقلانی، ٥١٦٥) با وضو بودن زن و شوهر به ویژه در شب زفاف و هنگام حمل (محقق حلی، ۲٦۷/۲؛ حلی، ۲/۲؛ شهید ثانی، مسالک الافهام، ۲٤/۷؛ نجفی، ٤٥/۲۹) آمیزش در وقت‌های خاص (طباطبائی یزدی، ۸۰۱/۲؛ حکیم، ۱۱/۱٤؛ خمینی، تحریر الوسیله، ۲۷۸/۲) هنگام ماه گرفتگی و خورشید گرفتگی، فاصله بین طلوع فجر و طلوع خورشید، روزی که در آن زلزله واقع شود و بادهای سیاه و زرد و قرمز بوزد، فاصله غروب خورشید تا ناپدید شدن شفق، اولین شب هر ماه به جزء ماه رمضان، شب نیهۀ ماه، شب چهارشنبه، شب عید فطر و قربان، بین اذان و اقامه، در شبی که قصد مسافرت در آن روز را دارد. (محقق حلی، ۲٦۸/۲؛ حلی، ۲/۲؛ خوانساری، ۳٥٥/٦؛ بحرانی، ۳۱/۲۳) مکان‌هایی که آمیزش در آن‌ها مکروه است. (کار ناپسند) زیر آسمان، بیرون از اطاق، پشت بام، زیر آفتاب مگر پوشش داشته باشد، زیر درختی که میوه دارد، در کشتی، در مسیر رفت و آمد مردم. (خمینی، تحریر الوسیله، ۲۷۸/۲) حالت‌هایی که آمیزش در آن‌ها مکروه است. رو به قبله و پشت به قبله بودن، با حالت سیری

شکم، در حالت برهنه بودن، بعد از احتلام و قبل از وضو یا غسل، در حالت ایستاده، در حالتی که کسی او را می‌بیند ولو کودک غیر ممیّز باشد، در حالت خضاب. (طباطبائی یزدی، ۸۰۰/۲-۸۰۱).

۷ـ توجه به پوشش در وصول به تربیت جنسی

در ارتقاء سطح تربیتی نظام خانواده اسلامی مسأله حجاب به عنوان یک اصل پذیرفته شده است. در سوره نور به زنان با ایمان دستور حفظ دامان و زینت داده شده است وبرای مواردی اجازه آشکار کردن بعضی از قسمتهای بدن را برای افراد خاص داده است. (نور/۳۱) در حدیثی از پیامبر (ص) وارد شده است که فرموده است: «إذا أتی أحَدُکم أهلَهُ فَلیَستَتِر و لا یَتَجرَّدانِ تَجُرُّدَ العَیرینِ» (بیهقی، ۱۹۳/۷؛ شوکانی، ۳٤٥/٦؛ متّقی هندی، ۳٤۳/٦) «چون پیش کسان خود می‌روید خود را بپوشانید و همچون شتران برهنه مباشید» در محیط خانواده هر چند فرزندان به عنوان محرم هستند ولی عریان شدن پدر و مادر نگاه فرزندان را به طرف شهوت و تلذّذ سوق می‌دهد. اینکه در آیه بر حجاب و یا پوشش برخی از اعضاء بدن تأکید شده است خود دلیل بر آن است که این اعضاء دارای احکام خاص و پیام جنسی هستند. در تفسیر نمونه آمده است: «هر چند که اطفال از حکم رعایت نمودن حجاب مذکور در برابر آنان استثناء شده‌اند، ولی منظور اطفالی هستند که به سنّی رسیده‌اند که این تمایل و توانایی در آن‌ها پیدا شده باید بانوان مسلمان حجاب را در برابر آنان رعایت نمایند.» (مکارم شیرازی، ١٤-٤٥٣) چون فرزندان نیز از مصداق‌های واژه‌ی «اطفال» نیز می‌توانند باشند برداشت از حدیث فوق الذکر آن است که حتی زوجین شایسته نیست کاملاً عریان شوند تا چه رسد به اینکه بخواهند در معرض نگاه کودکان و فرزندان باشند و در این خصوص احادیثی نیز از پیامبر (ص) وارد شده است. (حر عاملی، ۳٦/۲) بنابراین فرزندان ممیّز و بالغ که جزء محارم به شمار می‌روند در محیط خانواده نباید در معرض تماشای صحنه‌هایی از عدم پوشش والدین قرار گیرند. چون اگر با لذّت و ربیه همراه گردد خواسته یا ناخواسته موجب تحریک شهوت جنسی آنان خواهد شد. قرآن کریم از رهگذر پوشش و حجاب برای نهادینه کردن تربیت جنسی در خانواده می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید قطعا باید غلام و کنیزهای شما و کسانی از شما که به [سن] بلوغ نرسیده‌اند سه بار در شبانه روز از شما کسب اجازه کنند پیش از نماز بامداد و نیمروز که جامه‌های خود را بیرون می‌آورید و پس از نماز شامگاهان [این] سه هنگام

برهنگی شماست نه بر شما و نه بر آنان گناهی نیست که غیر از این [سه هنگام] گرد یکدیگر بچرخید [و با هم معاشرت نمایید] خداوند آیات [خود] را این گونه برای شما بیان می‌کند و خدا دانای سنجیده‌کار است» (نور/۵۸) «و چون کودکان شما به [سن] بلوغ رسیدند باید از شما کسب اجازه کنند همان گونه که آنان که پیش از ایشان بودند کسب اجازه کردند خدا آیات خود را این گونه برای شما بیان می‌دارد و خدا دانای سنجیده‌کار است.» (نور/۵۹).

از آداب اخلاقی و تربیتی اسلام این است که افراد نباید سرزده به خانه و محل زندگی و استراحت دیگران وارد شوند. و این حکم شامل فرزندان خانواده نیز می‌شود، آن‌ها نیز نباید سرزده وارد محل استراحت پدرشان شوند لیکن فرزندان ممیز تنها در قبل از نماز صبح و نیمروز و بعد از نماز عشاء بدون اجازه حق ورود به استراحتگاه آن‌ها را ندارند و در غیر این مواقع که جهت رفع مشکلات آنان نزدشان رفت و آمد دارند بلامانع است امّا فرزندان بالغ مثل دیگر آحاد مردم، هیچ وقت بدون اجازه حق ورود به استراحتگاه والدین را ندارند چرا که ممکن است آن‌ها در حال غیر عادی باشند و آماده دیدار آن‌ها نباشند.... که به نظر می‌رسد منظور از این امر، همان ارشاد به آداب و اصول اخلاقی است تا عفت عمومی و خانوادگی آسیب نبیند و موالی و والدین، اذیت نشوند و بردگان و اطفال با صحنه‌های خلاف اخلاق، روبه رو نگردند. (نجفی، ۲۲/۲٦؛ مقدس اردبیلی، ٦۹٤؛ طباطبایی یزدی، ۱٥٤/۷؛ امین اصفهانی، ۲۲٤/۲؛ قرطبی، ۳۰۲/۱۲؛ فخر رازی، ۲۹/۲٤)

علت اینکه حکم استیذان در سه وقت مذکور در آیه لازم شمرده شده است ناظر به مسأله پوشش والدین است چون غالباً در این اوقات برای استراحت انسان لباس سبک می‌پوشد لذا برای حفظ عفت عمومی و حرمت بیشتر محیط خانواده این دستور صادر شده است تا مبادا با دیدن منظره‌های نامناسب هم حرمت خانواده آسیب ببیند و هم در روح بینندگان اثر نامطلوب بگذارد. (قربانی لاهیجی، ۹و۲٤٤/۱۰) فاضل مقداد در فلسفه اذن گرفتن به دخالت پوشش و عدم آن معتقد است و لذا می‌گوید: «إنمّا اختصّت هذه الأوقات الثلاثة لأنها مظنّة كشف العورة أمّا قبل الفجر فانّه وقت القيام من المضجع، و تبديل لبس اللّيل بلبس النهار، و أمّا وقت الظهيرة فانّه وقت القيلولة و مظنّة ظهور العورة و أمّا وقت العشاء فانّه وقت تبديل لبس النهار بلبس اللّيل.» (سیوری، ۲۲٤/۲-۲۲٥) صاحب تفسیر جامع آیات الاحکام معتقد است فراز «لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ» در آیه ناظر به پوشش والدین است. (قربانی لاهیجی، ۹و۲٤٥/۱۰)

یکی از فقیهان معاصر در تفسیر این آیه معتقد است: خداوند برای سالم سازی جامعه و ایجاد مدینه فاضله و همین طور برای سلامتی خانواده یک حکم تربیتی و اخلاقی را در این آیه شریفه ذکر فرموده است. این دستور قرآن کریم واقعاً از مسائل عالی تربیتی است که در سالم سازی جامعه دخالت تمام دارد و به حق باید گفت که خانواده محل رشد تمام صفات فاضله یعنی محل تحقق اخلاق فاضله است همین طور که می‌تواند منشاء فسادهای اخلاقی هم باشد به این دلیل به مؤمنین دستور می‌دهد که افراد نابالغ را تحت کنترل داشته باشند تا گرفتار ناهنجارهای اخلاقی نشوند. (بجنوردی، ٤٢) کیفیت پوشش در خانواده می‌تواند نقش تعیین کننده از جمله هویت جنسی داشته باشد یعنی اگر پدر و مادر در استفاده از لباس به صورت مبدل استفاده نمایند، تأثیر در ایجاد اختلال جنسی فرزندان دارد لذا دختری که باید در آینده نقش زنانه و مادری داشته باشد و یا پسری که باید نقش مردانه و پدری را بازی کند عامل مبدّل پوشی در این نقش‌ها اختلال ایجاد می‌کند و این اختلال در رفتار و خلقیات فرزندان اثر می‌گذارد. چون اولین الگوی فرزندان در خانواده پدر و مادر هستند، همان گونه که در دیگر موارد الگودهی دارند، در پوشش نیز مؤثرند. مسأله تشبّه به رجال و نساء در روایات وارد شده است که شدیداً مورد نهی و مذمت قرار گرفته است.(حر عاملی، ۲۱/۱۲) و این شباهت ابتدءاً به کمک زمینه‌های تربیتی به ویژه در خانواده، در وجود افراد نهادینه می‌شود و سپس در ظاهر به صورت‌های مختلف بروز می‌کند از جمله نحوه پوشش و شکل و قیافه می‌تواند بیانگر این زمینه‌ها باشد و می‌توان گفت: مسأله تغییر جنسیّت که امروز مطرح است عواملی چون موارد مذکور را دارد. روانشناسان معتقدند لباسی که والدین به تن فرزندان می‌کنند، در شکل‌گیری نقش جنسی کودک مؤثر است.[1] در مورد نقش جنسی، دیدگاه‌های مختلف وجود دارد، حداقل

۱ـ نقش جنسی، مجموعه‌ای از رفتارها گرایش‌های فرد است که با جنسیت [sexuality] [نقل از تقویت نظام خانواده، ج۱، ص٤٨٣] او هم آهنگ باشد. برخی از متخصصان، هم چون [spencex hemerich(۱۹۱۸)] (همان) اسپنس و هل مریچ رفتارهایی را که از نظر پسر یا دختر بودن از کودکان سر می زند، به عنوان «نقش جنسی» تعریف کرده اند. این رفتارها یا گرایش ها به گونه ای است که در نظر دیگران میزان تطابق ارتباط شخص به ذکور یا اناث بودن را نشان می دهد. چنین امری عموماً تجلی کلّی هویت جنسی [gender (sex) identity] (همان) فرد خواهد بود. (روانشناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی ۱۰۰/۲) به عبارت دیگر، نقش جنسی به رفتارهای ویژه پسر و دختر بر می گردد و مواردی نظیر عادات و رسوم الگوی لباس انتخاب اسباب بازی را در بر دارد. برتری نقش جنسی نیز بدین معنا است که یکی از دو جنس مربوط به خود را پسندیده تر بیابد. «نقش جنسی» نوعی انتظار فرهنگی است که چگونگی ارتباط مردان و زنان را با یکدیگر تعیین نموده و هم چنین فعالیت افراد را بر اساس ارزش ها و علاقه آن ها مشخص می‌کند. نقش جنسی با هویت جنسی ارتباط دارد. عامل عمده در کسب نقش مناسب جنسی یادگیری های فرد است. گاهی نقش جنسی با هویت جنسی تضاد دارد. ممکن است شخصی با یک فرد هم جنس همانندسازی کند؛ اما با وجود، لباس، آرایش مو، یا سایر ویژگی ها غیر هم جنس را برگزیند. نقش جنسی را جان مانی چنین تعریف می کند: به هر آن چه فرد برای شناساندن خود به عنوان یک پسر یا مرد یا یک دختر یا زن انجام می دهد و انتظارات اجتماعی را

سه دیدگاه متمایز جنسی و تفاوت دختران از پسران برجستگی بیش تری دارد: ۱ــ دیدگاه سنتی[۲] ۲ـ دیدگاه مدرن و غرب گرایی[۳] ۳ــ دیدگاه میانه روی و اعتدال[٤] از دیدگاه اسلام یادگیری نقش جنسی تقریباً به صورت ناآگاهانه و غیر مستقیم در جریان ارتباط نزدیک فرزندان با والدین رخ می دهد. کودکان می بینند که هر یک از والدین چه رفتاری دارند، چه می گویند، چه می‌پوشند و چه حالاتی از خود بروز می‌دهند و در واکنش به دختران و پسران چه می‌کنند. به این ترتیب کودکان در جریان روزمره خود یاد می گیرند یک مادر، یک پدر، یک مرد و یک زن چیست و چه خصوصیاتی دارد و کدام ویژگی‌های او مورد قبول و کدام ها غیر قابل قبول است.(همان، ٤٩١).

۸ـ آگاهی والدین به تأثیر محرکات جنسی بر رفتار کودکان

بعضی از روان‌شناسان اثبات کرده‌اند منشاء بسیاری از بیماری‌های روانی و عصبی، اموری است که در کودکی به سراغ کودک آمده و منشاء آن‌ها مشاهده اعمال و رفتار جنسی پدران و مادران بوده است. علم النفس اسلامی بسیار زودتر از آن‌ها راه حلّ‌های مثبت و عوامل پیش گیری متعددی را برای دور کردن کودک از تحریکات جنسی و پیش آمد بیماری‌های روانی و جسمی در آینده پیش بینی کرده است. (فتحی، ٤٣١) یکی از مهم‌ترین راهبردهای شکل گیری

برآورده می سازد، نقش جنسی گفته می شود. نقش جنسی، به تدریج از طریق تجاربی که شخص در تعامل با محیط به دست می آورد و با این وجود، از طریق دستورها و تلقین های آشکار، شکل می‌گیرد(فصلنامه کتاب زنان،شماره ۱۱۸/۲۷).

۲ـ این دیدگاه از گذشته های دور و به طور سنتی خصوصیات مردان را متفاوت از ویژگی های زنانه به حساب می آورده اند. همگان از مرد انتظار داشته اند که موجودی نیرومند قدرت مدار، نترس، خشن، معتمد به نفس، ستبر، قوی دل، منطقی و غیر احساسی باشد در کارهای منزل دخالت نکند. او نباید هرگز اظهار عجز کند و بخصوص در رفتار با زنان و کودکان جدی و با وقار باشد. در مفاهیم سنتی در مورد خصوصیات زنانه نیز متفاوت از خصوصیاتی است که از مردان انتظار می رود این طرز تفکر هنوز هم به شدت در میان اکثر مردم وجود دارد که زن موجودی است احساسی دل بسته زینتهای ظاهری، درونگرا و تودار، مراقبت کننده، با عاطفه، زاری کننده، غیر دوراندیش، تابع زور و دارای روحیه ای که بر سر مسائل کوچک مشکل آفرینی های بزرگ می کند.(لطف آبادی، ۳۱)

۳ـ آرمان این گروه ایجاد جامعه دوجنسیتی است. اعضای جامعه دو جنسیتی ممکن است از نظر جسمی مذکر و مؤنث باشند، اما ویژگی‌های مردانه و زنانه را با اختلاف اغراق آمیز روان شناختی نشان نمی دهند. محور تعیین ویژگی های زنانه برای اینان تساوی زن و مرد از جمیع جهات و برداشتن فاصله زنان و مردان است. (بستان، ٤١)

٤ـ این دیدگاه در پی شکوفایی و تحقق تمامیت طبیعت و رشد مردان و زنان است، یکی را بر دیگری برتر نمی‌داند به مردان می آموزد که از خشونت علیه زنان بپرهیزند، حرمت انسانی آنان را حفاظت کنند و آرام باشند، به زنان هم آموزش می دهد که با اولویت دادن به زندگی خانوادگی و از سر انصاف از حقوق خود دفاع کنند. هم مردان و هم زنان نیازمند آنند که نقش و هویت جنسی خود را با عواطف گرم و رفتار مهرآمیز آراسته سازند. در این دیدگاه نقش های جنسی علاوه بر تناسب آن ها با طبیعت مرد و زن به علت برخورداری از حکمت هایی که در این نقش ها وجود دارد، از مفهوم ارزش مند بودن رفتار نیز برخوردار است. از عمومی ترین حکمت هایی که تعیین کننده نقش های جنسی در این دیدگاه است، می توان ظرفیت های وجودی هر کدام از دو جنس، حفظ کرامت، حفظ کانون خانواده و حفظ جامعه بزرگ را نام برد.(مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ٤٨٧/١)

شخصیت تربیتی و اخلاقی فرزندان، آگاهی و عدم آگـاهی بـر رفتارهـای جنسـی در خـانواده است. هر کودکی تا سن ۳ـ۲ سالگی، تقریباً می‌تواند بگوید «من یک پسرم» یا «من یک دخترم» به عقیده رابرت استوار، هویت جنسی به طور ضمنی به جنبه‌هـای روانـی مردانگـی و زنـانگی اشاره دارد و مفهوم جنسی، جنبه اجتماعی و جنسیت، بُعد زیسـت‌شـناختی هویـت جنسـی را نشان می‌دهد. غالباً بین این دو مفهوم هماهنگی وجود دارد یعنی مردهـا مردانـه و زن‌هـا زنانـه رفتار می‌کنند، اما گاهی ممکن است بین جنس و جنسیّت به صورت متضـاد یـا متعـارض نیـز رشد کنند. (نقل از کتاب زنان/بهار ٨٤/ شماره ١١٧/٢٧، مقاله رفتارشناسـی جنسـی در اندیشـه دینی، محمد باقر کجباف).

بنابراین والدین برای مراقبت از کودکان و نوجوانان و به جهـت پیشـگیری از لغـزش‌هـا و صیانت آنان از لغزش‌ها و عوارض ناشی از آن لازم است به تقویت مبـانی مـذهبی و اخلاقـی بپردازند. و با ایجاد شرایط مناسب در خواب و استراحت، تفکیک بستر فرزندان، «مراعات لازم در نحوه‌ی پوشش»، به آموزش مقدمات لازم برای ورود به دنیای بلوغ و نوجوانی، آشـنایی بـا تغییرات جسمانی و روانی دوره بلوغ، توجه دادن به خطرها و عوارض آسیب زا، گام بردارنـد. والدین لازم است مراقب روابط خود با همسر خویش بـوده و چـه بسـا شـوخی‌هـا، کنایـات، اشاراتی که والدین در حضور فرزندان با یکدیگر دارند، در شکل گیری رفتارهای نامناسـب در آن‌ها مؤثر باشد. کودکان و نوجوانان در زمینه روابط جنسی و مقدمات آن، کنجکاوی زیادی از خود نشان می‌دهند. آن‌ها در نحوه‌ی روابط والدین، کیفیـت پوشـش آن‌هـا و... دقـت کـرده و می‌خواهند از آن آگاه شوند. دختران و پسران در دوره کودکی و حدود ٧ـ٦ سالگی و نوجوانان در حدود ١٤ـ١٣ سالگی از نقش خود به عنوان پدر و مادر اطلاع دارند؛ اگر چـه از چگـونگی نقش خود آگاهی ندارند و در برخی موارد نوعی تقلیـد و همانندسـازی از زنـدگی یـک زن و شوهر را نشان می‌دهند که مبیّن اهمیت آموزش و تربیـت جنسـی اسـت. لازم اسـت پـدران و مادران، فرزندان را در مورد مسائل جنسی به صورت تدریجی از حسن و قبح، منع و جـوازهـا آگاه نمایند. (همان، ١٢٠).

در آیه ٣١سوره نور فراز «أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ» لفظ طفل به معنی جنس کودکان است و با الف و لام که با آن آمده است معنی استغراق دارد و لذا لفـظ «الَّـذِينَ» برای آن وصف آورده شده است. (طباطبایی، المیزان، ١١٢/١٥) و لفظ «لَمْ يَظْهَـرُوا» گـاهی بـه

معنی «لم یطلعوا ـ آگاهی ندارند» تفسیر می‌شود و گاهی به معنی «لم یقدروا ـ توانایی بر اعمال غریزه جنسی ندارند» در هر دو صورت منظور از آن این است که آن اطفال چون به مرحله تمیز و اعمال غریزه جنسی نرسیده‌اند از این رو حجاب گرفتن از آن‌ها لازم نیست اما اگر به این مرحله رسیده باشند و این تمایل در آن‌ها بیدار شده هم از عورات زنان سر در می‌آورند و هم توانایی بر اعمال غریزه جنسی دارند لازم است زنان از آن‌ها حجاب بگیرند (مکارم شیرازی، ٤٥٣/١٤؛ طباطبایی یزدی، ١٣٨/٧؛ قرطبی، ٢٣٦/١٢؛ صابونی، ١٦٦/٢) و نباید زمینه را برای نگاه چنین فرزندانی آماده نمایند. «چون اگر نظر بر حرام افتد و به همراه قصد هم باشد شخص مرتکب گناه کبیره شده است و اگر نظر بر امر مباح هم باشد دل شخص به آن مشغول می‌شود و به وسواس و تشویش خاطر گرفتار می‌شود.» (غزالی، ٥٨) و از همین جهت پیامبر اسلام (ص) فرموده است: «نظر کردن به نیکوییهای زنان تیری است از تیرهای ابلیس.» (حر عاملی، ٨٩/٢٠)

به نظر می‌رسد بهترین روش پس از شناخت محرکات جنسی بر رفتار کودکان روش پیشگیرانه از وقوع جرم‌های جنسی در حوزه خانواده است که غزالی نیز در همان کتاب به خوبی به آن اشاره کرده است که با الهام از آیه ٣٠ سوره نور می‌گوید: برای تربیت کودکان با ابزار سه گانه «تأدیب» و «تنبیه» و «تهدید» باید مشی نمود. در وجه تأدیب گفته است که مؤمنان طبق فرمان خداوند به جایی که نمی‌باید نگریست ننگرند و الاّ بنده‌ای باشد بی‌ادب و در وجه تنبیه می‌گوید: «ذَلِکَ أَزْکَی لَهُمْ» نگاه داشتن چشم موجب تطهیر دل و تزکیه است و در وجه تهدید به ذیل آیه که خداوند فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا یَصْنَعُونَ» استناد کرده است. (نور/٣٠) زیرا خداوند به نگاه آلوده و قلوب آگاهی دارد. «یَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْیُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ» (غافر/١٩) در تفسیر همان آیه حکمت تقدیم «غضّ بصر» بر حفظ فروج پیشگیری از گناه بزرگ‌تر عنوان شده است. (صابونی، ١٤٨/٢) و در مجموع برای طهارت مؤمن از رذائل است. (همان، ١٤٩) علامه طباطبائی در تفسیر آیه: «حُرِّمَتْ عَلَیْکُمْ أُمَّهَاتُکُمْ وَبَنَاتُکُمْ وَأَخَوَاتُکُمْ...» (نساء/٢٣) می‌فرماید: «اینکه خداوند متعال خطابش را در تحریم مادران و دختران، متوجه مردان کرد و نگفت بر زنان، فرزندانشان حرام هستند یا نفرمود بین زن و فرزندش ازدواج حرام است، بدین علت است که درخواست و نیاز به طور طبیعی تنها از جانب مردان است.» (طباطبایی، المیزان، ٣٦٣/٤) استاد شهید مطهری می‌نویسد: این امر

اختصاص به بشر ندارد حیوانات نیز همین طورند. همواره این مأموریت به جنس نر داده شده است که خود را دلباخته و نیازمند به جنس ماده نشان بدهد.» (مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، صص ٤٧ـ ٤٨).

نگاهی کوتاه به تربیت جنسی در خانواده در برخی از روایات و احکام فقهی

در روایات اسلامی احکام فقهی ویژه‌ای پیرامون مسأله مواظبت و مراقبت کودکان و فرزندان در مورد تربیت جنسی وارد شده است. هدف اصلی این احکام برای پیشگیری از انحرافات اخلاقی است که ریشه در عدم رعایت اخلاق جنسی و مسائل مرتبط با آن دارد. آموزه‌های دینی حکایت از هدایت فرزندان و مطابق طبیعت آنان دارد و اگر عواملی موجب اخلال در روند طبیعی آنان شود که در بسیاری از موارد مسأله بلوغ زودرس و یا انحرافات زیادی را پدید آورده است.

از جمله روایات آن است که پیامبر (ص) فرموده است: «در سنّ ده سالگی دو پسر بچّه و دو دختر بچّه و پسر و دختر باید از هم جدا باشند و در یک بستر نخوابند.» (حرعاملی، ۱۸۲/۱۵) در حدیث دیگر فرموده است: «وقتی فرزندان شما به هفت سالگی رسیدند بستر خوابشان را جدا کنید.» (مجلسی، ۱۱٤/۲۳) امام صادق (ع) می‌فرماید: «وقتی پسر به ده سالگی رسید، نباید با زن در یک بستر بخوابد.» (حر عاملی، ۱۸۳/۱۵) رسول اکرم (ص) در مورد بوسیدن کودکان می‌فرمود: «دختر شش ساله را پسر بچّه نبوسد، و زن‌ها از بوسیدن پسربچّه‌ای که سن او از هفت سال تجاوز کرده، امتناع نمایند» (همان، ۱۷۰/۱٤) در همین رابطه امام صادق (ع) فرموده است: «وقتی دختر بچّه به شش سالگی رسید جایز نیست که او را ببوسی.» (همان) امام علی (ع) در توصیه‌ای به مادران می‌فرماید: «دست زدن مادر به آلت دختر شش ساله‌اش نوعی زنا است.» (همان) امام صادق (ع) برای مصونیت کودک از گرایش‌های غیر اخلاقی در حوزه مسائل جنسی می‌فرماید: «در اطاقی که کودک حضور دارد مرد با زن و کنیز خود آمیزش نکند زیرا چنین عملی باعث در معرض زنا قرار گرفتن کودک است.» (همان، ۹٤/۱٤) و نیز فرموده است: قسم به خدایی که جانم در دست (قدرت) اوست اگر مردی با همسر خود همبستر شود در حالی که کودک بیداری آن دو را ببیند و سخنان و صدای نفس آنان را بشنود هرگز آن طفل رستگار نخواهد شد؛ اگر پسر باشد منحرف خواهد شد، و اگر دختر باشد به

انحراف کشیده خواهد شد.» (همان، ۱۳۳/۲۰) در مفاتیح الشریع آمده است: «و یکره جماع الحرة و فی البیت صبی مستیقظ» (فیض کاشانی، ۲۸۷/۲). لذا پیامبر اسلام (ص) فرموده است: «ایّاکم و ان یجامع الرّجل امرئته و الصبی فی المهد ینظر الیهما.» (مجلسی، ۲۹۵/۱۰۳) «مبادا در حالی که کودکی در گهواره‌اش به شما می‌نگرد آمیزش کنید.» از این حدیث استنباط می‌گردد وقتی عمل جنسی در منظر کودک داخل گهواره نهی شده است به طریق اولویت در منظر فرزندی که در سنین بعدی و بالاتر قرار دارد به ویژه سن بلوغ نهی شدیدتر ی متوجه آن خواهد بود و این نهی برای حفظ سلامتی روانی فرزندان بوده و اگر رعایت نگردد موجب اختلال جنسی است که نتیجه‌اش انحراف جنسی وی است. بنابراین مطابق آیات و احادیث یکی از عوامل مهم انحراف اخلاقی کودکان در محیط خانواده رفتار خود والدین می‌باشند.

نتیجه‌گیری

نهاد مقدس خانواده دارای کارکردهای متعدد است. این کانون محصول پیوند ارادی و آزادانه دو جنس مخالف بوده که موظف به حُسن معاشرت، صداقت، وفاداری و اخلاق حسنه می‌باشند. محبّت و مودّت در خانواده زائیده اصول اخلاقی است که در قرآن کریم بدان تصریح شده است. در این نهاد اخلاق مهم‌ترین نقش را دارد. لذا حقوق به تنهایی برای تداوم زندگی زوجین ناتوان است. تشکیل خانواده در اسلام که همان میثاق غلیظ (نساء/۲۱) است برای تقرب به ذات حق و پاسخ به ندای فطرت انجام می‌گیرد. در این بین انسان‌ها نوعاً برای تداوم نسل بشری و پاسخ منطقی به غریزه جنسی و رسیدن به آرامش درونی به دنبال زوجی می‌گردند که تا پایان عمر بتوانند پیرامون موضوعات فوق نقش آفرینی نمایند. غریزه جنسی یکی از قوی‌ترین غرایزی است که انسان در طول زندگی خود با آن دست و پنجه نرم می‌کند. تشکیل خانواده و تحکیم ازدواج به عنوان یک «پیمان مقدس» تنها راه مقبول و مشروع جهت برقراری روابط جنسی و پاسخ به نیازهای زیستی وابسته به غریزه جنسی است. نگاه تفریطی به مسئله غریزه جنسی سر از رهبانیت، تجرد و عزوبت درآورده و انسان را از پاسخ گویی به فطرت محروم می‌گرداند. نگاه افراطی به این مسئله نیز غوطه ور شدن در فواحش و کمونیسم جنسی به هدف تأمین منافع مادی و ناسازگار با فطرت بوده که در نهایت موجب انتشار نسل ناپاک، بدون ریشه و نامشروع و توسعه زندگی حیوانی است.

لذا برای کنترل و تربیت امور جنسی و یا هدایت غریزه جنسی که در اسلام با ابـزار ازدواج دنبال می‌شود، نیازمند قواعد و اصول تربیتی و اخلاقـی مـی‌باشـیم. در ایـن مقالـه بـه پشـتوانه آموزه‌های وحیانی پیرامون تربیت جنسی در حوزه خانواده به اصول و نتایج زیر دست یافتیم:

۱. بنابر تعالیم آسمانی اسلام پاسخ به غریزه جنسی از رهگذر تشکیل خانواده با الگوی‌های مناسب آن امکان پذیر است.

۲. حق تمتّع جنسی زوجین نسبت به یکدیگر باید از مسیر صحیح ازدواج دریافت گردد نه از طریق هرج و مرج و بی‌بندباری‌های جنسی. بنـابراین تنهـا راه صـحیح ارضـاء میـل جنسـی ازدواج با جنس مخالف است.

۳. پس از شکل گیری ازدواج، چون در اسلام غریزه جنسی برای سعادت شخصیه و نوعیه است، زوجین نباید در حلیّت بهره‌مندی از این غریزه از حدود اعتدال تخطی و تجـاوز نماینـد در غیر این صورت موجب خستگی و خشونت جنسی می‌گردد.

٤. از نظر اخلاقی در فقه اسلامی تمتعات جنسی برای زن و شوهر هر دو است نه یک نفر، و چون آن دو تن در یک روح به سر می‌برند باید هر کدام سعی نمایند سـخاوتمندانه خـود را در اختیار دیگری قرار دهد. پس ارضای نیازهای روانی با حرص در امور جنسی از یک طـرف و یا طرفین غیر اخلاقی به شمار می‌رود.

۵. از نظر اخلاقی در فقه اسلامی ترک مواقعه یا نزدیکی با زن صحیح نیست پس اگر مـرد به قصد ادا نکردن حق زن به سفر برود، سفر او معصیت و حرام است. پس نگـاه تفریطـی بـه مسأله جنسی در خانواده حرام است.

٦. ضرورت کفّ نفس شوهر در مباشرت جنسی در هنگام حیض همسر، از احکام ویژه‌ای است که در عداد انضباط جنسی زوجین به شمار می‌رود.

۷. چون اعضای پوشیده بدن هر یک دارای پیام‌های خاص جنسی‌اند و از طرفی فرزندان با نگاه به آن مواضع به طرف شهوت و تلذّذ سوق پیدا می‌کنند. پس بر والدین است کـه پوشـش را رعایت نمایند تا در شکل گیری شخصیت اخلاقی فرزندان کوتاهی نکرده باشند. بنابراین در صورت کوتاهی، اگر نظر فرزندان به همراه قصد، بر حرام افتـاده و مرتکـب گنـاه کبیـره شـده باشد، قطعاً در اخلاقیات وی مؤثر است. و از همین باب است مسأله عـدم انضـباط در اخـلاق جنسی والدین که در صورت عدم رعایت احکام ویژه مربوط بـه مسـائل جنسـی در خـانواده،

مسائلی از قبیل بلوغ زودرس و انحرافات اخلاقی، اخلال در رشد طبیعی کودکان، پدید می‌آید.

۸. کلیه احکام شرعی مربوط به مسائل خانواده در اسلام به ویژه امور جنسی با رویکرد تربیتی و اخلاقی همراه است.

۹. آگاهی والدین از موضوعات، آثار و تبعات امور زناشویی نقش اساسی در تربیت جنسی اعضای خانواده دارد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

إبن‌حجر عسقلانی ، احمد بن علی، ***فتح الباری بشرح صحیح البخاری***، بیروت، دارالمعرفة، بی‌تا.

امامی،حسن، ***حقوق مدنی***، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۷۱.

امین اصفهانی، بانو، ***مخزن العرفان***، اصفهان، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ چهارم.

بحرانی، یوسف، ***الحدائق الناضرة***، با تحقیق محمدتقی ایروانی، قم، انتشارات جامعه مدرّسین، بی‌تا.

بستان، حسین، ***اسلام و جامعه شناسی خانواده***، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۸۳.

البیهقی، احمد بن علی، ***السنن الکبری***، بیروت، دارالفکر، ۱۰ جلدی.

پاپکین، ریچارد و آروم، استرول، ***کلیات فلسفه***، ترجمه جلال‌الدین مجتبوی، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۸۱.

ثابت، حافظ، ***تربیت جنسی در اسلام***، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۵.

جعفری، محمد تقی، ***اخلاق و مذهب***، تهران، انتشارات مؤسّسه تدوین و نشر آثار علاّمه جعفری،۱۳۸۳.

حرّ عاملی، محمد بن حسن، ***وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة***، تحقیق ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.

حکیم، محسن، ***مستمسک العروة الوثقی***، بیروت، دارالاحیاء التراث، بی تا.

حلّی، حسن‌بن یوسف، ***قواعد الاحکام***، قم، مؤسّسه نشر اسلامی، چاپ اول، ١٤١٣ق.

خمینی، روح الله، ***تحریر الوسیله***، قم، جامعه مدرسین، ١٤٠٤ق.

_____، ***شرح حدیث جنود عقل و جهل***، تهران، مؤسّسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی،

.۱۳۷۷
خوانساری، موسی بن محمد، ***ریاض المسائل***، مکتبهٔ الصدوق، ۱۳۵۵.
دارمی، عبدالله بن بهرام، ***سنن الدارمی***، دمشق، مطبعهٔ الاعتدال، ۲ جلدی.
زُحیلی، وهبهٔ، ***فقه خانواده در جهان معاصر***، تهران، نشر احسان، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
سابق، السید، ***فقه السنّهٔ***، بیروت، دارالکتاب العربی، الطبعهٔ الثالثهٔ، ۱۳۹۷ق.
ساروخانی، باقر، ***مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده***، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۰.
سیوری، مقداد بن عبدالله، ***کنز العرفان***، تهران، المکتبهٔ المرتضویّه، ۱۳۸۵ق.
شوکانی، محمد بن علی، ***نیل الاوطار من احادیث سید الاخیار***، بیروت، دارالجلیل، ۱۲۵۵ق.
شهیدثانی، زین الدین بن علی، ***مسالک الأفهام إلی تنقیح شرایع الإسلام***، قم، موسسهٔ المعارف الاسلامیه، الطبعهٔ الاولی، ١٤١٦ق.
صابونی، محمد علی، ***روائع البیان***، بیروت، موسسهٔ عزالدّین، الطبعهٔ الخامسهٔ، ١٤٠٧ ق.
طاهری، حبیب الله، ***سیری در مسائل خانوادگی***، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
طباطبائی یزدی، سیّد محمد کاظم، ***عروهٔ الوثقی***، تهران، مکتبهٔ المرتضویه، بی تا.
طباطبائی، محمد حسین، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، مرکز نشر فرهنگی رجاء،١٣٦٣.
طبرسی، فضل بن حسن، ***مجمع البیان فی تفسیر القرآن***، بیروت، لبنان، مؤسّسهٔ الاعلمی.
غزالی، محمدبن محمد، ***منهاج العابدین***، شرح عمر بن عبد الجبار سعدی ساوی، به تصحیح احمد شریعتی، انتشارات انجمن اسلامی حکمت و فلسفه، ایران، ١٤٠٠ق.
فخررازی، محمد بن عمر، ***التفسیر الکبیر***، مطبعهٔ البهیهٔ المصریهٔ، میدان جامع الازهر، ۱۳۵۷ق.
فیض کاشانی، محمد محسن، ***مفاتیح الشرایع***، قم ، مجمع الذخائر الاسلامیهٔ،١٤٠١ق.
قربانی لاهیجی، زین العابدین، ***تفسیر جامع آیات الاحکام***، قم، نشر سایه، چاپ اول ۱۳۸۱.
قرطبی، محمد بن احمد، ***الجامع لأحکام القرآن*** معروف به ***تفسیر قرطبی***، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ١٤٠٥ق.
کلینی، محمد بن یعقوب، ***الکافی***، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ١٤١٤ق.
متّقی هندی، علاءالدین علی، ***کنزالعمال فی سنن الاقوال و الافعال***، به تحقیق بکری حیانی، بیروت، مؤسسهٔ الرسالهٔ، ١٤٠٩ق.
مجلسی، محمد باقر، ***بحار الانوار الجامعهٔ لدرر اخبار ائمهٔ الأطهار***، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ١٤٠٣ق.

محقق حلّی، جعفر بن حسن، ***شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام***، با تعلیق صادق شیرازی، تهران، انتشارات استقلال، الطبعة الثانیة، ١٤٠٩ق.

مطهری، مرتضی، ***تعلیم و تربیت در اسلام***، تهران، انتشارات صدرا، چاپ هفدهم، ١٣٦٩ .

_____، ***مجموعه آثار***، تهران، انتشارات صدرا، چاپ دوم، بهمن ١٣٨٤.

_____، ***نظام حقوق زن در اسلام***، تهران، انتشارات صدرا، چاپ دوم، بهمن ١٣٨٤.

معین الاسلام، مریم، ***روانشناسی زن در نهج البلاغه***، قم بهشت بینش، ١٣٨١.

مقدس اردبیلی، احمد، ***زبدة البیان فی احکام القرآن***، تحقیق بهیوای، انتشارات رضوی.

مکارم شیرازی، ناصر، ***تفسیر نمونه***، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهاردهم، ١٣٧١.

موسوی بجنوردی، محمّد، ***مجموعه مقالات فقهی، حقوقی، فلسفی و اجتماعی***، تهران، انتشارات عروج، چاپ اول، ١٣٨٠.

نجفی، محمدحسن، ***جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام***، تحقیق عباس قوچانی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ١٣٦٧.

نوری، حسین، ***مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل***، قم، موسسه آل البیت ، چاپ اول، ١٤٠٧ق.

نوری، محمد رضا، ***بهداشت در قرآن***، تهران، انتشارات واقفی، چاپ اول، ١٣٨٤.

مجموعه مقالات نهمین همایش ملی اشراق اندیشه مطهر، **خانواده و تربیت جنسی**
اردیبهشت ۱۳۹٤، ص ۳۲٤-۳۰۳

بررسی و تحلیل ابعاد مختلف تربیت جنسی و مسائل اساسی مرتبط با آن

زهرا اسلامیان/ دانشجوی دکتری رشته برنامه ریزی درسی، دانشگاه فردوسی مشهد [۱]
محمود سعیدی رضوانی/ دانشیار فردوسی مشهد، نویسنده مسئول [۲]
ابوالفضل غفاری/ استادیار دانشگاه فردوسی مشهد[۳]
حسن اسلامیان/ دانشجوی دکتری رشته برنامه ریزی درسی، دانشگاه اصفهان[٤]

چکیده

تربیت جنسی یکی از پیچیده‌ترین و مهم‌ترین ابعاد تعلیم و تربیت است که در چگـونگی شـکل-گیری شخصیت انسان نقش مهمی داشته و بر افکار، عواطف و رفتارهای وی تأثیرگذار است. با نظر به اینکه واکاوی و تحلیل مباحث نظری حوزه تربیت جنسی می‌تواند زمینه ساز روشنگری و تنویر اذهـان محققان و علاقه مندان به این حوزه مطالعاتی گردد، در پژوهش حاضر که با هـدف بررسـی و تحلیـل ابعاد مختلف تربیت جنسی و مسایل اساسی مرتبط با آن انجام گردید به ارائه تعاریف و مفاهیم تربیـت جنسی؛ ابعاد تربیت جنسی شامل سه بعد بهداشت جنسی، اخلاق جنسی و آینده جنسی؛ دیـدگاه‌هـای مطرح در زمینه‌ی تربیت جنسی شامل: دیدگاه تفریطی نسبت به انگیزه جنسی و مسایل مربـوط بـه آن، دیدگاه معتقد به رواج آزادی جنسی و دیدگاه معتقد به دیدگاه اعتدال در زمینـه امـور جنسـی؛ تربیـت جنسی از منظر دین اسلام؛ بررسی نحوه مواجهه با غریزه جنسی در فرهنگ اسلامی و غربـی؛ تشـریح اهمیت و جایگاه برنامه درسی تربیت جنسی در نظام آموزشی و همچنین به ارائـه خلاصـه ای از اهـم مطالعات مرتبط با تربیت جنسی در نظام‌های تعلیم و تربیت دنیا، پرداخته شده است.

کلید واژه ها: تربیت، تربیت جنسی، تعلیم و تربیت، برنامه درسی تربیت جنسی.

---

1 . eslamianz@yahoo.com
2 . saeedy@um.ac.ir
3 . ghaffari@um.ac.ir
4 .eslamian.1362 @yahoo.com

مقدمه

غریزهٔ جنسی یکی از کشش‌ها و تمایل‌های اساسی در انسان است که باید به درستی هدایت شده و به دور از افراط و تفریط، به صورت صحیح ارضا شود. پژوهش‌های متعددی (نظیر پژوهش‌های فرمهینی فراهانی، ۱۳۸۳؛ دوایی، ۱۳۷۱؛ مهرام، ۱۳۸٦؛ نورعلی‌زاده، ۱۳۸۸؛ نصیری، ۱۳۸۱؛ عبدالرحیمی، ۱۳۸۸؛ اسپنس، ۱۳۸۰؛ و...) نشان داده است که چنانچه این غریزه به کلی سرکوب و یا در ارضاء دچار انحراف یا مشکل و اختلال گردد، فرد را از حالت تعادل و تکامل در می‌آورد، بهداشت روانی او را به خطر می‌اندازد و موجب مشکلات در زندگی و امراض روحی، روانی و جسمی و هم‌چنین زمینه‌ساز بروز بسیاری از ناهنجاری‌ها، اختلافات زناشویی، رواج انواع بیماری‌ها ازجمله ایدز، سفیلیس و... می‌شود و حیات جوامع را به خطر می‌اندازد.

تربیت جنسی از موضوع‌های مهم در حوزه تربیت است و در چگونگی شکل‌گیری شخصیت انسان نقش مهمی داشته و بر افکار، عواطف و رفتارهای وی تأثیرگذار است. در اهداف غایی آموزش و پرورش نیز «رشد همه جانبه شخصیت» مورد نظر است، برای رسیدن به این هدف، تربیت جنسی ضروری است (امین خندقی، ابراهیمی هرستانی، ۲٤۳).

با عنایت به آنچه ذکر شد و با نظر به اینکه بررسی و تحلیل مباحث نظری حوزه تربیت جنسی می‌تواند زمینه ساز روشنگری و تنویر اذهان محققان و علاقه مندان به این حوزه مطالعاتی گردد در پژوهش حاضر از طریق بررسی و تحلیل منابع معتبر و مطالعات انجام شده در زمینه تربیت جنسی به ارائه تعاریف و مفاهیم تربیت جنسی، ابعاد تربیت جنسی، دیدگاه‌های ارائه شده در زمینه تربیت جنسی، تربیت جنسی از منظر دین اسلام، تبیین پیامدهای عدم رعایت عفاف و عدم خویشتن‌داری جنسی و مطالعات مرتبط با تربیت جنسی در نظام‌های تعلیم و تربیت دنیا، پرداخته شده است.

تعاریف و مفاهیم تربیت جنسی

صاحب نظران و اندیشمندان مختلف تعلیم و تربیت و روان‌شناسی، هر یک بر مبنای طرز تلقی و مبادی فکری و معرفتی خود و نیز ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه مورد نظر، تبیین و برداشت خاصی را در زمینه تربیت جنسی ارائه کرده‌اند، که مبین نوع نگاه و رویکرد

آن‌ها نسبت به این حوزه آموزشی و تربیتی است. در مجموع در ارتباط با تربیت جنسی، تعاریف متعددی توسط صاحب‌نظران و محققان ارائه شده که در اینجا به برخی از مهم‌ترین این تعاریف اشاره می‌شود:

– «تربیت جنسی به کلیه اقداماتی اطلاق می‌شود که از دوران اولیه زندگی انسان در جهت رشد متعادل و مناسب انگیزه جنسی انجام شده و هدف آن اطلاع‌رسانی جنسی، کمک به تکامل رفتارهای جنسی، اجرای وظایف جنسی، تداوم و بقای نسل و رسیدن به رحمت، مودت و آرامش در زندگی است.» (رستمی و همکاران، ۱).

– دیفریتاس معتقد است تربیت جنسی، مجموعه اقدامات و تدابیر تربیتی است که شامل آموزش آداب و ضوابط، هدایت، مراقبت و به کارگیری اصول و روش‌های درست، که موجب رشد غریزه جنسی در جهت تعالی و تکامل شخصیت جنسی کودک فراهم گردد و در پیدایش حس زیبا دوستی، هنر عشق ورزیدن، محبت، صمیمیت و ایثار و فداکاری نقش اساسی ایفا کند و بتواند از این غریزه به نحو مطلوب در رشد فردی و اجتماعی استفاده کند

– برخی از صاحب‌نظران برای تربیت جنسی دو معنا یا مفهوم را در نظر می‌گیرند. معنای اول، تربیت جنسی به معنای آموزش نقش‌های متأثر از هنجارهای اجتماعی دخترانه و پسرانه به دانش آموزان است. در معنای دوم، تربیت جنسی ارائه و در اختیار گذاشتن اطلاعات ضروری در مورد مسایلی است که به نوعی با غریزه جنسی انسان‌ها مربوط است (متقی فر، ۱۳۸٤).

– تربیت جنسی ارائه سلسله‌ای از اطلاعات ضروری روان‌شناختی، جسمانی و دینی در حوزه زمینه‌های جنسی مرتبط با فرد و به همراه آن ارائه اطلاعات و آگاهی‌هایی به وی در زمینه آشنایی بیشتر با خصوصیات جنس مخالف است (بارنز به نقل از دوایی، ۱۳۸٤).

– «منظور از تربیت جنسی، آموزش آمیزش جنسی نیست، بلکه کلیه مسایل و مباحث مربوط به جنس و جنسیت، آموزش مسایل مربوط به بلوغ (تحول‌های فیزیولوژی و روانی) آموزش عفت و اخلاق، کنترل و تعدیل غریزه جنسی و... را شامل می‌شود» (فرمهینی فراهانی، ۳).

–کرکلر[1] معتقد است تربیت جنسی در معنای جامع و فراگیر[2]، خود ناظر بر سه حوزه

1. Crcler

اساسی یعنی: بهداشت جنسی[3]، اخلاق جنسی[4] و آینده جنسی[5] است. (سبحانی نژاد و همکاران، ١٣٨٤).

– وندرماسون(٢٠٠٤) تربیت جنسی را از دشوارترین بخش‌های تربیت می‌داند، زیرا از یک طرف دوران نوجوانی همراه با سرکشی غرایز جنسی بوده و از سوی دیگر، حجب و حیاء والدین در ارائه اطلاعات جنسی به فرزندان، باعث سردرگمی آنان در مورد این مسئله می‌شود.

– معرفای معتقد است تربیت جنسی به کلیه اقداماتی اطلاق می‌شود که از دوران اولیه زندگی انسان در جهت رشد و متعادل و مناسب انگیزه جنسی صورت می‌گیرد و اهداف آن اطلاع‌رسانی جنسی، کمک به تکامل رفتارهای جنسی، کمک به اجرای وظایف جنسی، تداوم و بقای نسل و رسیدن به رحمت، مودت و آرامش در زندگی است (معرفای، ١٣٧٩).

–در برخی موارد تربیت جنسی به معنای (آموزش جنسی) به کار برده می‌شود در حالی که تربیت جنسی معنای وسیع‌تری دارد. تربیت جنسی نه تنها احساس جنسی را در بر می‌گیرد بلکه دارای ویژگی رشد شخصیت اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی نیز هست (کوچتکوف، ٦).

– تربیت جنسی در یک معنای فراتر از آموزش جنسی، عبارت است از به کارگیری شیوه‌هایی برای ایجاد صفات و رفتارهای جنسی سالم و زدودن صفات و رفتارهای جنسی ناشایست در انسان (پورامینی، ١٩٩).

– تربیت جنسی ارائه یک سلسله اطلاعات ضروری روان‌شناختی، جسمانی و دینی درباره مسایل جنسی مربوط به هر فرد و نیز ارائه اطلاعات و آگاهی‌هایی به فرد در زمینه آشنایی بیشتر با خصوصیات جنس مخالف و هم چنین استفاده از تجارب بزرگسالان در خلال ارتباطات با افراد کم سن و سال است (دوایی و بنی سی، ١٣٨٤).

–تربیت جنسی در معنایی فراتر از آموزش جنسی، عبارت از به‌کارگیری شیوه‌ای برای ایجاد صفت‌ها و رفتارهای جنسی سالم و زدودن صفت های ناشایست در انسان است (پور امینی، ١٦٨).

---

2. Comprehensive
3 .Sexual Hygiene
4 .Sexual Moral
5 .Sexual Future

– کالینس[6] و همکاران(۲۰۰۲) برنامه درسی تربیت جنسی در مقطع متوسطه را در دو طبقه کلی قرار می‌دهند؛ برنامه درسی مبتنی بر تربیت جامع جنسی[7] و برنامه درسی صرفا محدود و مقید کننده. در حالی که برنامه مقید کننده صرفا بر منع روابط جنسی نزدیک تأکید کرده و ارائه و آموزش اطلاعات آگاهی‌های مرتبط با زمینه‌های جنسی به دانش‌آموزان تا قبل از ازدواج امتناع می‌کند، برنامه درسی تربیت جامع – جنسی بر تدریس و آموزش مسایل جنسی ناشی از اقتضاعات دوره بلوغ، ایجاد نگرش‌های مناسب نسبت به امور جنسی، تولید مثل و آگاهی در مورد خطرهای ناشی از بیماری‌های جنسی نظیر ایدز و... می‌کند.

– مطهری (۱۳۷٤) بیان می‌دارد تربیت جنسی در یک معنای فراتر از آموزش جنسی، عبارت است از به کارگیری شیوه‌هایی برای ایجاد صفات و رفتارهای جنسی سالم و زدودن صفات و رفتارهخای جنسی ناشایست در انسان.

به هر صورت با تأمل و ژرف نگری در معنا و مفهوم تربیت جنسی می‌توان استنباط کرد، که اگرچه صاحب نظران مختلفی معانی و برداشت‌های متفاوتی را در مورد این مفهوم اراده کرده‌اند، ولی در مجموع می‌توان نتیجه‌گیری کرد که؛ تربیت جنسی به عنوان یکی از کارکردهای مهم نظام آموزشی درصدد انتقال و آموزش و مجموعه‌ای از اطلاعات، آگاهی‌ها و شناخت‌ها، نگرش‌ها و عواطف و قابلیت‌ها و مهارت‌های مربوط به مسایل جنسی است. بدون تردید، محتوا و روش یا چگونگی ارائه این شناخت‌ها، عواطف و مهارت‌ها وابسته به نگاه و رویکرد کلان نظام آموزشی و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی هر جامعه است (امینی وهمکاران، ۵).

ابعاد تربیت جنسی

در حوزه تربیت جنسی سه بعد مورد اتفاق اکثر صاحب نظران این حوزه می‌باشد که به توضیح این سه بعد می‌پردازیم:

بهداشت جنسی: از بروز بیماری‌های جنسی و مشکلات متعددی که بر اثر عدم بهداشت اندام‌های جنسی بوجود می‌آید و اطلاع‌رسانی در خصوص چگونگی تکامل ارگانیزم‌های

6 Collins
7 Comprehensive Sex Education

جنسیتی از قبیل قاعدگی در دختران و بلوغ و علایم آن در پسران و نظایر آن مد نظر است (مک لارن، ۱۹۹۵).

اخلاق جنسی: چگونگی برخورد با انگیزه جنسی، چگونگی اطفاء آن، مهار یا لجام گسیختگی آن و مسایلی از این دست را باید مورد توجه قرار داد.

آینده جنسی: به عنوان سومین بخش اساسی تربیت جنسی فراهم آوردن زمینه مناسب برای فرد به منظور آماده کردن او برای زندگی مشترک همراه با عشق و تفاهم و تشکیل خانواده مهم و اساسی تلقی می‌شود.

دیدگاه‌های مطرح در زمینه‌ی تربیت جنسی

نکته بسیار مهم و اساسی آن است که تربیت جنسی نیز مانند دیگر شقوق تربیت، هنجاری و وابسته به ملاک‌ها، معیارها، و ارزش‌های حاکم بر جامعه است، و اهداف، مبانی، اصول و روش‌ها و اصولا چگونگی آن، در یک جامعه نشأت گرفته از نوع نگاه حاکم بر این پدیده در آنجامعه است (جویباری، ۲). به همین سبب از آنجا که دیدگاه‌های مختلفی در مورد اهمیت و توجه و یا عدم توجه به انگیزه جنسی وجود داشته است نظرات متفاوتی نیز در زمینه تربیت جنسی شکل گرفته و به وجود آمده است که به صورت مشخص این نظریات را در سه دسته می‌توان جای داد:

دسته اول دیدگاهی تفریطی نسبت به انگیزه جنسی و مسایل مربوط به آن دارند و حتی از زناشویی و ازدواج اعراض کرده و از مسایل جنسی با شرم یاد می‌کنند. روشن است مطابق این دیدگاه پرداختن به امور جنسی و ارضای آن از هیچ طریقی مجاز نیست و لذا سخن گفتن از آموزش جنسی بیهوده است، ازجمله ماها ویرا، بنیان گذار آیین «جاینی» و از معتقدان به این تفکر گفته است: «محبت زن بزرگ‌ترین سبب افتنان و ابتلا در این جهان است» (قاسمی، ۱۳۶۹). آثار این نحوه نگرش در دوران حاکمیت قانون کلیسا بر اروپا باز می‌گردد. لکن عوامل و عقاید مخالف جنسیت در اعصار خیلی قدیم هم وجود داشته است به عنوان مثال رهبانیت و تجرد طلبی در هند (آیین برهمایی[8]، آیین جاینی[9]، آیین بودایی)، رهبانیت و تجرد طلبی در

8 bramanism
9 Jainism

چین، ایران باستان، یونان(مثل مکتب سنیسیسم[10] یـا کلبیـون)، یهـود (مثـل فرقـه اسـنی هـا[11]) (مهرداد،۱۳۵۷).

در آیین بودایی آمده است که «همه رنج‌ها زاییده و معلول خودخواهی بشر اسـت. اشـتیاق به لذایذ جسمانی و میل به بقا و همه هوس‌ها و لـذت‌جـویی و شـهوت‌پرسـتی، سـبب ایجـاد رنج‌ها می‌شود. چون علت رنج‌ها، خودخواهی و لذت است» (دوایی، ۱۳۷۱). هم‌چنین در آیین مانی در ایران باستان روح بدبینی نسبت به دنیا و تعلقات مادی و از جمله نفی روابط زناشویی وجود داشته است. (همان). برخی آیین‌ها مانند پروتستان‌های مسیحی رابطه جنسی را ذاتا پلید می‌شمارند، به عقیده این‌ها تنها کسانی به مقام معنوی می‌رسند که تا آخر عمـر مجـرد زنـدگی می‌کنند جلوه این نوع دیدگاه را در کاتولیک‌ها نیز می‌توان مشاهده کرد. برخی مشـاهیر علـم و ادب و رهبران سیاسی نیز از این تفکر پیروی کرده‌انـد و ازجملـه تولسـتوی (لئـون) و مهاتمـا گاندی نیز در اواخر عمر، معتقد بودند هر نوع آمیزش جنسی شرارت بـار اسـت حتـی ازدواج (مطهری، ۱۳۸۱).

دسته دوم دیدگاه افراطی در این قضیه دارند و معتقدند که باید جلوی تحریم‌هـای جنسـی گرفته شود و آزادی جنسی رواج داشته باشد. این دیدگاه بر خلاف دیدگاه اول بر ارضای کامل جنسی اصرار دارد. این دیدگاه رویکردی از اخلاق جنسی را مطرح می‌سازد که از آن می‌تـوان به «ولنگاری جنسی» نام برد (متقی فر، ۱۳۷۸). عوامل زمینه سـاز ایـن دیـدگاه را مـی‌تـوان در عقاید افرادی هم چون زیگموند فروید[12] روان‌شـناس و روان‌کـاو اتریشـی و برتراند راسـل[13] فیلسـوف انگلیسـی جسـتجو کـرد. ایـن دسـته از دانشـمندان علـل مشـکلات، خشـونت‌هـا، ناهنجاری‌ها و اضطراب‌های فـردی و اجتمـاعی را ناشـی از قیـد و بنـدهای جنسـی و غرایـز سرکوب شده می‌دانسـتند و بـه عقیـده فرویـد و اتبـاع وی، اخـلاق جنسـی کهـن بـر اسـاس محدودیت و ممنوعیت است و آنچه ناراحتی و به سر بشر آمده اسـت از ایـن ممنوعیـت‌هـا و محرومیت‌هاست (مطهری، ۱۳۷۰). وجود چنین دیـدگاهی، زمینـه فکـری آمـوزش جنسـی در مدارس را به صورتی ناسازگار با کرامت انسانی فراهم آورده است. ماننـد آنچـه در بسـیاری از

10 cynicism
11 esseness
12 freuid,s
13 Russell,b

کشورهای غربی در زمینه تربیت جنسی یافت می‌شود؛ تجلی این دیدگاه است. در بیان دلیل؛ این گونه احتجاج می‌کنند که جلوگیری از بروز انگیزه‌های جنسی، باعث به وجود آمدن عقده‌های روانی و عاطفی در فرد می‌گردد و در نتیجه، جرم و جنایت در جامعه گسترش می‌یابد (فروید، ۵۹).

دسته سوم: دیدگاه این دسته در خصوص انگیزه جنسی، دیدگاه اعتدال در این خصوص است. به طور مشخص نظر دین مبین اسلام راجع به انگیزه جنسی به وسیله این دیدگاه مطرح می‌شود. اسلام نسبت به انگیزه جنسی قایل به تعدیل این انگیزه و جلوگیری از بال و پر دادن به آن است و اعتقاد دارد ارضای آن باید در قالب ضوابط شرعی، مبانی و اصول مبتنی بر ارزش‌های دینی باشد (مطهری، ۱۳۸۳). بنابراین در اسلام راجع به اصل غریزه جنسی (انگیزه جنسی) و اعمال آن منعی به چشم نمی‌خورد (قائمی امیری، ۳۲۱). از دیدگاه اسلام از کارکردهای اساسی غریزه جنسی بقای نسل بشر و حفظ عفت است. اسلام با تربیت جنسی مخالف نیست، توصیه‌های مکرر به والدین درباره آنچه خود باید در مواقع خاص لحاظ کنند و هم‌چنین آنچه باید به فرزندان بیاموزند به طور نمونه: مسایل احتلام، حیض، بلوغ، جدا خوابی فرزندان، تمکین، شرایط زمانی و مکانی آمیزش و مانند آن همه حاکی از توجه اسلام به تربیت جنسی است. دیدگاه اسلام در مورد نحوه ارضای غریزه جنسی، نه مانند دیدگاه اول تفریطی و نه مانند دیدگاه دوم افراطی است. غریزه جنسی در اسلام؛ یک شر و عمل جنسی، یک گناه اضطراری نیست (قائمی، ۱۳٦٤). لکن موضع اسلام در رابطه با بی‌بندوباری جنسی موضع منع است و در صورت عدم توجه به آن، موضع انتقاد و کیفر است (مطهری، ۱۳٦۲). اسلام به اهمیت حیاتی انگیزه جنسی و تاثیر آن در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی افراد اشاره کرده و نه تنها آن را قبیح نمی‌داند، بلکه آن را در انسان وسیله‌ای برای کمال و رسیدن به حیات طیبه می‌داند (ثابت، ۲).

توجه با ضابطه به انگیزه جنسی باعث ایجاد محبت و علاقه بین زوجین می‌شود و از این طریق باعث تداوم نسل می‌گردد. در بسیاری موارد بزرگان دین انسان‌ها را به ارضای مشروع و ضابطه‌مند آن سفارش می‌کنند. «دین مبین اسلام وجود غریزه جنسی و توجه مضبوط به آن را وسیله‌ای برای رسیدن به محبت و مودت می‌داند.» (عاملی، ۱۳٦٦: ۱۱۵). اسلام نه تنها میان معنویت و بهره‌مندی از لذات جنسی منافاتی نمی‌بیند، بلکه بهره‌مندی مشروع از این انگیزه را

شرط تکامل معنوی انسان و یکی از بهترین اسباب و وسایل وصول به سعادت واقعی می‌داند.

تربیت جنسی از منظر دین اسلام

مکتب‌ها و نظام‌های مختلف، به تناسب وسعت یا محدویت خود، تعالیم و دیدگاه‌هایی را نسبت به اخلاق و عدالت جنسی عرضه می‌کنند. از آنجا که ما دین اسلام را آخرین و کامل‌ترین ادیان می‌دانیم و معتقدیم که برای تمامی مسایل زندگی از خرد و کلان، برنامه‌های منظم و حساب شده‌ای دارد، مسلما معتقدیم برای حفاظت و کنترل یکی از مهم‌ترین انگیزه‌ی وجود آدمی، یعنی غریزه جنسی[14] نیز برنامه‌هایی دارد. شاید در هیچ آیینی به اندازه اسلام به موضوع تربیت جنسی پرداخته نشده است. برتراند راسل فیلسوف انگلیسی، می‌گوید«در همه آیین‌ها نوعی بدبینی به غریزه و علاقه جنسی یافت می‌شود، مگر در اسلام. اسلام حدود و مقرراتی برای این علاقه وضع کرده، ولی هرگز آن را پلید نشمرده است» (مطهری،۱۳۷٤).

خداوند در بسیاری از آیات قرآن، انسان‌ها را به بهره‌گیری از لذت‌های مادی و زینت‌های الهی دعوت می‌کند، برای مثال: «قل من حرم زینه الله التی اخرج لعباده و الطیبات من الرزق» (اعراف آیه ۳۲). «بگوای پیامبر، کیست آنکه زینت‌های الهی را که خداوند برای بندگان خود بوجود آورده است تحریم و ممنوع کرده باشد!».

در واقع مطالب اسلامی در این مورد، به حق نظامی جنسی را تشکیل می‌دهند که در مقایسه با سایر نظام‌ها، اولا وسیع‌تر و جامع‌تر است، ثانیا به دور از افراط و تفریط‌هایی است که در این مورد وجود دارد (رضازاده شیرازی، ۱۳٦۹). از آنجا که دین اسلام، دین اعتدال است در زمینه تربیت جنسی هم یک نظام معتدل قایل است و ضمن اینکه انگیزه جنسی را به عنوان یک نیروی خدادای مهم می‌شمارد، راه‌های کنترل و مهار آن را نیز مورد توجه قرار داده است (فرمهینی فراهانی، ۱٦). شریعت اسلام، لزوم مراعات و اعتدال و اجتناب از افراط و تفریط را، نه تنها در غرایز و سرایق آدمی، بلکه درباره جمیع شئون حیات دنیوی توصیه می‌کند. نظریه اسلام را می‌توان درباره غرایز در جمله تعدیل غرایز و رهبری امور فطری خلاصه کرد. اسلام نه خواهان طغیان و سرکشی و مرزنشناسی غرایز است و نه حامی سرکوبی آن‌ها، بلکه پیوسته در تعدیل و رهبری آن‌ها می‌کوشد (سبحانی، ۲۸۸).

---

14 sexual instinct

از دیدگاه اسلام، علاقه به جنس مخالف، میل به ارتباط و آمیزش، یک احساس فطری است و وجود آن در آدمی موجب بقای نسل و حتی کمال وجود ذکر شده است. غریزه جنسی در اسلام یک عمل شر و عمل جنسی یک گناه اضطراری نیست و به صورت یک وسیله و یا ابزار آلوده به انسان داده نشده است، بلکه اعمال مشروع آن عملی مستحب و مورد تاکید اسلام است. اختلاف نظر اسلام با صاحب‌نظرانی مثل «فروید» در این است که اسلام اجازه نمی‌دهد که فرو نشاندن میل جنسی آزاد و بدون هیچ قید و بندی باشد، بلکه باید به صورت قانونی، مشروع و عقلی درآید. بر اساس بینش اسلامی، ارتباط عادی و متعارف در چارچوب معیارهای اسلامی گناه نیست و اندیشیدن درباره روابط جنسی جرم نیست. ولی برای حفظ مصالح عالی‌تری؛ ضروری است این غریزه اولا تحت قید و مقرراتی در آید و ثانیا زندگی منحصر به آن نباشد؛ زیرا آدمی را در جهان، وظایف دیگری نیز هست، انسان تنها غریزه جنسی نیست، روح و روان هم دارد، پس باید به همه جنبه‌ها رسید» (امیری، ۱۳۶۱).

به طور خلاصه این‌که تربیت جنسی در اسلام، بر جهان‌بینی اسلام درباره ماهیت انسان و رابطه او با خالق مبتنی است. اسلام جهت و بستر ارضای انگیزه جنسی را به صورتی کنترل شده و روش‌مند تعیین می‌کند (شیخ عبدالمعبود، ۹۸).

بررسی نحوه مواجهه با غریزه جنسی در فرهنگ اسلامی و غربی

از دیدگاه اسلام غریزه جنسی از نشانه‌ی پلیدی و زشتی به شمار نمی‌آید، بلکه مایه کمال، سکون و رسیدن به محبت و مودت است (روم، آیه۲۱). در شریعت اسلام، لزوم مراعات اعتدال و اجتناب از افراط و تفریط در بحث غرایز یک بحث اساسی و کلیدی است. «اسلام شئون جنسی انسان را نادیده نگرفته سرکوب نیروی جنسی را به هیچ روی روا نداشته است. در برخورد با این غریزه، روح حاکم بر جامعه ایرانی که برخاسته از تعالیم اسلامی است، مبین آن است که در اسلام به اصل موضوع غریزه جنسی و اعمال متعاقبش با دیدگاه منع نگاه نشده است» (قائمی امیری، ۳۲۱).

از سوی دیگر، آزادی بی‌حد و مرز جنسی نیز جایگاهی در فرهنگ اسلامی– ایرانی ندارد. پس رویه اسلام در برخورد با این غریزه، رعایت اعتدال است. اسلام برای این غریزه ارزش قایل است و بدین سبب، قواعد و ضوابط خاصی برای برخورد با آن پیش‌بینی کرده است که

محوری‌ترینش، ارضای این غریزه در قالب تشکیل خانواده است. در اسلام، جذابیت جنسی زنان در بستر روابط زناشویی تعریف شده و بر لزوم آراستگی زن و شوهر در برابر یکدیگر تأکید شده است و نیز از ازدواج به عنوان وسیله‌ای برای تقرب به خداوند یاد شده و ازدواج کردن بر عذب ماندن و باکرگی ترجیح داده شده است. «در واقع، زیبایی و جذابیت جنسی در اسلام یک نعمت محسوب می‌گردد، لیکن تفاوت آن با دیدگاه غرب در این است که جذابیت جنسی در اسلام یک ارزش صرفا زناشویی است، اما در غرب علاوه بر ارزش زناشویی، ارزش اجتماعی نیز محسوب می‌گردد» (قدیری ابیانه، ۱۵). در مسیحیت قدیم، رهبانیت جنسی و مجرد ماندن وسیله‌ای برای تقرب به خداوند به حساب می‌آمد و همین اساس، مجرد ماندن کشیشان و راهبان زن مرجح بوده و هست، که البته رسوایی‌هایی را هم حتی در بین مقامات ارشد مسحی (پاپ) سبب شده است که از جمله آن می‌توان به زندگی پاپ الکساندر بورجا[۱۵] اشاره کرد. «وی معشوقه‌های فراوان داشته است. یکی از معشوقه‌های وی دخترش بوده که از وی دختر به دنیا آورده است. به عبارتی، دخترش در عین حال نوه‌اش هم بوده است». (همان). این موضوع به خوبی نتیجه رهبانیت جنسی را معلوم می‌کند. اما در سوی دیگر، مسئله آزادی جنسی تبعات وحشتناکی را به خصوص برای زنان و خانواده‌ها به ارمغان آورده است. «جدیدترین آمار نشان می‌دهد که پنجاه هزار دختر پانزده ساله و سی و یک هزار دختر سیزده تا چهارده ساله بریتانیایی در سال ۲۰۰۶– ۲۰۰۷ برای درمان‌های ضد بارداری به کلینیک‌های پزشکی مراجعه کرده‌اند» (همان، ۱۱۰).

این مقایسه کوتاه، نشان می‌دهد که افراط و تفریط روش مناسبی برای برخورد با این غریزه نیست.

اهمیت و جایگاه برنامه درسی تربیت جنسی در نظام‌های آموزشی

در مورد پیشینه و سابقه آموزش جنسی در مدارس، اطلاعات چندانی از پیش از جنگ جهانی دوم تا سال ۱۹۳۹ در دسترس نیست. احتمالا پیش از جنگ جهانی دوم، این گونه آموزش‌ها از نظر قانونی ممنوع بوده است. اما احتمال دیگر آن است که آموزش جنسی در آن زمان، بیشتر متوجه دختران بوده و از احساسات نوع دوستانه سرچشمه می‌گرفته، با این هدف

15 Alejandro Borgia

که از سقوط دختران جوان در موقعیت‌های نامطلوب جلوگیری شود. هدف اصلی آموزش جنسی پس از جنگ جهانی دوم، ممانعت از گسترش امراض مقاربتی، به ویژه سیفلیس و سوزاک بوده است. بررسی متون درسی آن زمان، مثلا دستگاه تولید مثل خرگوش‌ها یا گرده افشانی گیاهان گل‌دار، حاکی است که بسیاری از مدارس در سال ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در باب آموزش جنسی با احتیاط سخن گفته‌اند (فرمهینی فراهانی، ۱۳۸۳). آموزش جنسی در دهه هفتاد، از پایه دگرگون شد و در درس زیست‌شناسی، درباره دستگاه تولید مثل مفصلا بحث شد. علاوه بر این، در این سال‌ها شیوه‌های جلوگیری از بارداری به صورت گسترده آموزش داده می‌شد. در این دوره بیشتر بر ارائه دقیق اطلاعات تاکید می‌شد و هدف از طراحی برنامه‌های آموزش جنسی، کاهش نا آگاهی، جرم و خیانت، شرم و حیا و اضطراب و نگرانی بود. در دهه هشتاد، آموزش جنسی با هداف گسترده‌تری دنبال شد. استقبال فزاینده از اندیشه «فمینیستی[۱۶]» منجر به افزودن برنامه‌هایی شد که شاگردان را به بررسی نقش زنان و مردان در جامعه تشویق می‌کرد. هدف آن بود که دانش‌آموزان اصل تفاوت‌های جنسی و هم چنین میزان آن را درک کنند. همزمان با آن، برنامه‌های آموزش جنسی اهدافی از قبیل کسب مهارت برای تصمیم گیری، برقرار کردن رابطه با دیگران، ایفای نقش پدری و مادری و تعیین خط مشی در زندگی شخصی را دنبال می‌کرد. آزادی‌های جنسی در این دهه، باعث نگرانی و هراس والدین شد و شیوع بیمار ایدز به این نگرانی دامن زد. سراسیمگی در وضع قانون و صدور بخش نامه‌های دولتی در خصوص آموزش جنسی، که تا امروز هم ادامه دارد، ثابت کرده است که برنامه آموزش جنس نباید تهی از ارزش‌های اخلاقی باشد (همان).

در ارتباط با فرایند تربیت جنسی، نقش مدرسه و به طور کلی نظام آموزشی بسیار حساس و مهم است. امروزه در بیشتر نظام‌های تربیتی، کم و بیش برنامه‌های آموزش جنسی وجود دارد. محتوای این برنامه‌ها در بین نظام‌ها و حتی در داخل یک نظام آموزشی باهم متفاوت است. «کشورهایی مثل سوئد، نروژ، آمریکا و آلمان از اولین کشورهایی هستند که به این مقوله پرداخته‌اند. این کشورها در زمینه تربیت جنسی از طریق کتب درسی، سابقه طولانی نود ساله دارند، ولی اینکه آیا تربیت جنسی منجر به رفتارهای جنسی مجاز اجتماعی می‌شود یا خیر، به کیفیت آموزشی جنسی که به وسیله متولیان امر مانند والدین و معلمانی که مسئول ارائه این

16 feministy

نوع آموزش هستند، بستگی دارد.»(لوی[17]، ۱۹۹۱).

فقدان توافق جمعی درمورد آموزش جنسی در مدارس و کمبود استراتژی‌های مشخص در مدیریت رفتارهای جنسی دانش‌آموزان در محیط مدرسه، مطالعه سیستماتیک ابعاد مختلف موضوع را الزامی می‌سازد. (ابوالقاسمی، مرقایی خویی، تقدیسی، ۱۳۸۹). امروزه که فاصله بلوغ تا ازدواج بیشتر شده است، باید نوجوان را از مسایل خاص بلوغ و سپس ازدواج آگاه ساخت و اطلاعات و هشدارهای لازم در زمینه مفاسد اجتماعی و بروز انحراف را در اختیار وی گذاشت. امروزه نوجوانان در سطح دنیا با شیوع وسایل براگیزنده جنسی مواجه هستند. جوانان ما هم کم و بیش از مواجهه با این وسایل مصون نمانده‌اند. تلویزیون، ویدیو، ماهواره و... وسایلی هستندکه فرایند دستیابی به اطلاعات جنسی را تسهیل نموده‌اند (فرمهینی فراهانی، ۱۳۸۳).

چنانچه سطح آموزش عمومی ارتقا نیابد و فقر فرهنگی بر جامعه سیطره داشته باشد؛ بحران جنسیت خواهد توانست تمام رگه‌های جامعه را در برگرفته و ارزش‌های اجتماعی را تغیر دهد و اقشار انسانی را درگیر معضلات خود گرداند و به مرور زمان زیربناهای ساختاری و هنجارهای ارزشی جامعه را تهدید نماید (عبدالرحیمی، ۱۳۸۸).

به گونه‌ای که امروزه متأسفانه روند آمار ازدواج و طلاق‌های ثبت شده کشور از سال ۷۹ تا ۸٤ بیانگر این است که نرخ خام ازدواج بین سال‌های ۷۹ تا ۸٤ افزایشی نه چندان پرسرعت داشته، در حالی که در مقابل برای طلاق این افزایش بین سال‌های یاد شده قابل توجه است (علیزاده، ۱۳۸۵).

در همین زمینه بررسی شیوع و خصوصیات موارد جرایم جنسی در مراجعین زن ارجاع شده به سازمان پزشکی قانونی کشور «واحد تهران – مرکز» در نیمه سال ۱۳۷۸ نشان می‌دهد که از نظر سنی اکثر این افراد در سنین بلوغ و نوجوانی بوده و مجموع عوامل اجتماعی خانوادگی، روانی، تربیتی و فرهنگی و... در بروز جرایم جنسی دخیل بوده که در پیشگیری و ریشه‌کنی این جرایم باید به آن‌ها توجه نمود (توفیقی، موسی‌پور، نعمت اللهی، ۱۳۸۰).

در حقیقت می‌توان نتیجه گرفت که اگر برنامه‌های درسی به نیازهای نوجوان و پدیده بلوغ توجه نکند، این پدیده خود به خود در مسیر زندگی بدون انتخاب احسن صورت خواهد

17 Lewy

گرفت زیرا نوجوان نسبت به این مسایل حساس و کنجکاو است و پی یافتن اطلاعاتی در این زمینه است. در نتیجه از دوستان و منابع دیگر، مسایل مبتذل و اطلاعات غلط را بی‌موقع کسب می‌کند که باعث انحراف جنسی می‌گردد. با توجه به این مباحث توجه به تربیت جنسی در برنامه درسی ضروری می‌باشد (ابراهیمی هرستانی، ۱۵).

نگاهی گذرا به مطالعات مرتبط با تربیت جنسی در نظام‌های تعلیم و تربیت دنیا

مک فدین[18] (۲۰۰٤) در پژوهش خود، به بررسی وضعیت تربیت جنسی در مدارس کشور اسکاتلند پرداخته و فقدان یک رهبری درست و آگاهانه و عدم وجود نگاه راهبردی و هماهنگ در نظام آموزشی اسکاتلند را به عنوان عوامل اصلی نامناسب بودن جایگاه تربیت جنسی این کشور ارزیابی می‌کند.

سیلوا و راس[19] (۲۰۰۳) نیز در تحقیق خود، به ارزشیابی تاثیرات برنامه تربیت جنسی مبتنی بر مدرسه به دانش آموزان فقیر و محروم در کشور شیلی پرداخته و آن را بسیار مثبت ارزیابی می‌کنند.

در گزارشی که در سال ۱۹۹۱ منتشر شد مشخص گردید که ۸۷ درصد آمریکایی‌ها با آموزش مسایل جنسی موافق هستند (جلالی آریا و همکاران، ۱۳۸٤).

تحقیق دیگری در امریکا در مورد تربیت جنسی شده است، حاکی از آن است که میان نوجوانانی که بین سنین ۱۳ تا ۱۹ سال، میزان حاملگی‌های ناخواسته و بیماری‌های مقاربتی هم‌چون ایدز در حال افزایش است و مطالعات نشان می‌دهد که تنها ٪۱۰ از کسانی که دچار حاملگی ناخواسته شده‌اند، از اطلاعات جامع جنسی برخوردار بوده‌اند. والدین در این مطالعه، از آموزش جنسی در مدارس حمات کرده‌اند. (گابریل، ۱۹۹۲).

در مدارس سوئد و نروژ، هر ساله معلمان مدارس هزاران مقاله در زمینه‌ی تربیت جنسی دانش آموزان خود نوشته و از این طریق اقدام به افزایش هر چه بیشتر اطلاعات جنسی نوجوانان می‌کنند (همایی و همکاران، ۱۳۸٤).

---

18 Mcfadyen
19 Silva& Ross

روس[20] (۲۰۰۰) اذعان می‌کند که در کشورهای سوئد و دانمارک، مدارس بالاترین نقش را در تربیت جنسی کودکان و نوجوانان ایفا می‌کنند. از سوی دیگر، در تحقیق خود به طور مستند نشان می‌دهد که درصد بالایی از معلمان (۷۰ ٪) معتقدند که آموزش ایدز و راه‌های انتقال آن باید در برنامه درسی دوره ابتدایی گنجانده شود.

آریسو[21] (۲۰۰۹) نیز در پژوهش خود در زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی تربیت جنسی را در جامعه مدرن چین امروز بررسی کرده و اذعان می‌کند که تربیت جنسی از اواخر دهه ۱۹۸۰ به دلیل اهمیت روز افزون خود در نظام آموزشی چین مورد توجه جدی قرار گرفت.

در مدارس میسوری آموزش جنسی در ۱۱/۸ درصد مناطق در قالب یک درس آزاد و در ۸۸/۲ درصد از نواحی به عنوان بخشی واحدی در کلاس های بهداشت تدریس می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که فقدان یا حضور خط مشی‌ها یا برنامه درسی مربوط به آموزش جنسی و آموزش والدین تأثیر چندانی در کاهش حاملگی‌های ناخواسته نداشته است(سارا[22]، ۱۹۹۵).

در مدارس نیجریه، نتایج حاکی از آن بوده است که گذاشتن کتابچه‌ای تحت عنوان «آماده سازی بری بلوغ» در مدارس (به شکلی آزمایشی) باعث آثار مثبت فراوانی بوده و اطلاعات دانش‌آموزان را به میزان زیادی افزایش داده است(آمو[23]،۱۹۹۲).

زیمرمن و همکاران(۲۰۰۸) در پژوهشی از مدارس خواستند تا یکی از سه برنامه زیر را در مطالعه‌ای شبه تجربی و دخالتی تدریس کنند: برنامه استاندارد مدارس درباره ایدز و پیشگیری از بارداری، برنامه آموزشی کاهش ریسک یا نسخه تغییر یافته از برنامه کاهش ریسک که برای افراد شدیدا احساسی و کسانی که بدون ریسک تصمیم می‌گیرند سازگارسازی شده بود، به این نتیجه رسیدند که تفاوت مشهوری در تأثیر نسخه معمول و سازگار شده کاهش ریسک برای کل جامعه آماری یا برای افراد شدیدا احساسی و کسانی که بدون فکر تصمیم می‌گیرند، به صورت جداگانه وجود نداشت. دانش‌آموزان از هر دو گروه دخالتی؛ در کوتاه مدت رشد دانشی داشتند. دانش‌آموزانی که تحت برنامه استاندارد مدرسه‌شان قرار گرفتند بیش از آنهایی

20 Rus
21 Aresu
22 sarah.w.j
23 omu.f.e

که در یکی از برنامه‌های دخالتی شرکت داشتند به سمت تماس جنسی گرایش داشتند. (نقل از ابراهیمی، ۵۰).

از سوی دیگر پژوهش فرناندز و ویه ریرا [۲۴](۲۰۰۸) بیانگر ناتوانی و مشکلات مختلف والدین و خانواده‌ها در زمینه تربیت جنسی فرزندان خود و درخواست و انتظار آنها از مرکز آموزشی برای توجه به این حوزه است. پژوهشگران مذکور بر مبنای دیدگاه‌های والدین گزارش کرده اند، که آن‌ها نسبت به انتقال آموزش مسایل جنسی به فرزندان خود دارای اعتماد و اطمینان کافی نبوده و ترجیح می‌دهند که مدارس و معلمان حرفه‌ای این کار را انجام بدهند.

مطالعه فرا تحلیلی کربی[۲۵] و همکاران (۲۰۰۶) از ۸۳ پژوهش انجام گرفته در مورد تأثیرات برنامه های تربیت جنسی در کشورهای مختلف جهان، نشانگر موفقیت آمیز بودن اکثر این برنامه‌ها بوده است. در واقع پژوهشگران مذکور گزارش کرده‌اند که دو سوم این برنامه‌ها به نحوی چشم‌گیر، سوء رفتارهای جنسی را اصلاح کرده و باعث کاهش رفتارهای مخاطره آمیز جنسی شده‌اند.

پژوهش هائولو [۲۶]و همکاران (۲۰۰۶) ظرفیت‌های اینترنت برای تربیت جنسی را مورد توجه قرار داده و بر استفاده مراکز آموزشی از ابزار اینترنت جهت افزایش سطح دانش و آگاهی جنسی، بهداشت جنسی و تغییر نگرش های آنان نسبت به امور جنسی تأکید می‌کند.

مک کی و هالویتی[۲۷] (۱۹۹۷) در پژوهش خود بیان می‌کنند که درصد بالایی از جوانان (۸۹٪) معتقدند که مدارس به عنوان منبع اصلی باید در زمینه بهداشت جنسی آموزش‌های لازم را به دانش آموز ارائه دهد.

آیسنبرگ[۲۸] (۱۹۹۷) در تحقیق خود نشان می‌دهد که دانش آموزان مورد مطالعه خواهان گنجاندن تربیت جنسی در مدارس بوده و آن را برای مقابله و برخورد صحیح با دوره بلوغ می‌دانند. هم چنین این پژوهش تأکید می‌کند که مقدمات آموزش های جنسی باید قبل از نوجوانی شروع و به سوال‌ها و ابهام‌های نوجوانان صادقانه پاسخ داده شود.

---

24 Fernandes & Vierira
25 Kirby
26 Hualou
27 Mc Kay & Holowaty
28 Eisenberg

نتایج پژوهش فیشر و فیشر[29] (۱۹۹۲) نشان می‌دهد که آموزش بهداشت جنسی هنگامی بیشترین کارایی را دارد که فقط جنبه اطلاع‌رسانی صرف نداشته باشد بلکه باید شامل فرصت‌های انگیزشی و ایجاد مهارت[30] باشد.

در پژوهش سنتلا و همکاران(۲۰۰۱) نشان داده شد که رد و بدل کردن اطلاعات جنسی در بین دانش‌آموزان دارای دامنه وسیعی می‌باشد و آن‌ها این مسایل را به راحتی در بین خود بیان می‌نمایند اما اکثریت این اطلاعات غیر واقعی و ناقص می‌باشد و ارتباط با جنس مخالف یکی دیگر از روش‌های کسب اطلاعات در دانش آموزان سنین بالاتر بوده است.

نتیجه‌گیری

غریزه جنسی از غرائز اصلی نیرومند انسانی و عامل اصلی ارتباط مرد و زن و از مهم‌ترین جنبه‌های شخصیتی است که بر بسیاری از ابعاد و زوایایی زندگی آدمی و بر رفتار، گفتار و کردار او تأثیر می‌گذارد. این غریزه در چگونگی شکل‌گیری شخصیت فردی، شاکله اجتماعی و نیز بر اندیشه، زبان و بر بنیادها و نهادهای اجتماعی تأثیر گذار است. از این رو ارضاء، هدایت و تنظیم و تعدیل آن لازم و ضروری است و چشم پوشی از این امور اصل فرایند تربیت را ناکارآمد، ناقص و بی‌ثمر می‌سازد. با توجه به ویژگی‌های عصر حاضر و اقتضائات مرتبط با پیشرفتهای فناوری و اطلاعات و هجمه‌های شدید فرهنگی از سمت کشورهای غربی در زمینه مسایل جنسی و هم چنین وجود ولنگاری‌های جنسی در میان نوجوانان و جوانان، لزوم توجه به تربیت جنسی و ارائه آگاهی‌های مفید به مخاطبان در این زمینه بسیار جدی به نظر می‌رسد. از آنجایی که خانواده‌ها در امر تربیت جنسی با محدودیت‌هایی مواجه هستند و از طرفی آگاهی‌های لازم و صحیح را در این زمینه ندارند، نظام تعلیم و تربیت کشور که دانش آموزان قسمت اعظمی از وقت خود را در حساسترین دوران زندگی خویش یعنی نوجوانی را در آن می‌گذرانند، محل مناسبی برای ارائه‌ی این آموزش‌ها و آگاهی‌های سازنده می‌باشد.

همانطوری که اشاره شد نظام‌های تعلیم و تربیت در کشورهای مختلف جهان تربیت جنسی را به عنوان یکی از جنبه‌های تربیت انسان مهم دانسته و آن را در مرکز آموزش‌ها و

29 Fisher & Fisher
30 Motivational and Skill Building Opportunities

برنامه‌های آموزشی خود قرار داده‌اند. اما در این میان نظام تعلیم و تربیت کشورمان به نظر می‌رسد بمانند دیگر کشورها به مسئله تربیت جنسی در برنامه‌های تربیتی خود نپرداخته و جای خالی آن احساس می‌شود. از آنجایی که کشور ما یک کشور اسلامی است و دین اسلام هم تأکیدات فراوانی در زمینه توجه به مسایل جنسی و تربیت صحیح آن دارد، لذا توصیه می‌گردد که جایگاه آن در نظام تعلیم و تربیت کشورمان پر رنگ‌تر گردد و برنامه‌ریزان و دست اندرکاران امر توجه ویژه تری به این مسأله داشته باشند. امید است با تربیت نوجوانانی پاک، سالم و آگاه؛ زمینه را برای کمال و شکوفایی استعدادهای آنان فراهم آوریم.

منابع

قرآن کریم.

ابراهیمی هرستانی، اصغر، ***واکاوی برنامه درسی مغفول در تربیت جنسی دانش آموزان پسر مقطع راهنمایی تحصیلی***، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی: مشهد، ۱۳۹۱.

ابوالقاسمی، ناریا، عفت السادات مرقاتی خویی، محمدحسین تقدیسی، «تبیین تربیت جنسی دانش آموزان ایرانی از دیدگاه مربیان بهداشت مدارس ابتدایی»، ***مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی***، ٦ (۲)، ۳۹-۲۷. (۱۳۸۹).

اسپنس، سوزان، ***درمان اختلالات جنسی***، ترجمه حسن توزنده جانی، تهران: پیک فرهنگ، ۱۳۸۰.

امین خندقی، مقصود و ابراهیمی هرستانی، «تحلیلی بر رویکرد ناظر بر تربیت جنسی از منظر اسلام»، بر مبنای پژوهش‌های انجام شده در این زمینه و تبیین دلالت‌های آن بر نظام برنامه درسی آموزش و پرورش، ***مجموعه مقالات، جنسیت از منظر دین و روانشناسی***، اول، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰.

امینی، م. پاشایی، ر؛ تمنایی فر، م، «بررسی ضرورت وجودی و چگونگی توجه به تربیت جنسی در برنامه درسی مقاطع»، ***مجله علمی پژوهشی «برنامه درسی»***، ۱ (۱)،۲۰۲-۱۷۰ . (۱۳۹۰).

پورامینی، محمدباقر، «تربیت جنسی در سیره نبوی»، ***فصل‌نامه تربیت اسلامی***(ویژه تربیت جنسی)، تهران،۳(۸). (۱۳۸٤).

توفیقی، ح؛ موسی پور، ف؛ نعمت اللهی، ز، « بررسی شیوع و خصوصیات موارد جرائم جنسی در مراجعین زن ارجاع شده به سازمان پزشکی قانونی کشور؛ واحد تهران- مرکز در نیمه سال(۱۳۷۸)»، ***مجله علمی پزشکی قانونی***، سال هفتم،۲۵ ، ۱۰-٤. (۱۳۸۰).

ثابت، حافظ، ***اصول و روش‌هاش تربیت جنسی در اسلام***، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۲.

جلالی آریا، ک؛ ناهیدی، ف؛ امیرعلی اکبری، ص؛ علوی مجد، ح، «زمان و روش آموزش مسایل جنسی از دیدگاه والدین و معلمان شهرگرگان»، ***دومین کنگره خانواده و مشکلات جنسی***، تهران: دانشگاه شاهد، ۱۳۸٤.

حر عاملی، محمد بن حسن، ***وسایل الشیعه***، ترجمه شیخ علی صحت، تهران: ناس، ۱۳٦٦.

دفریتاس، ک، ***کلیدهای آموزش و مراقبت از سلامت جنسی در کودکان و نوجوانان***، ترجمه سارا رئیسی طوسی، تهران: صابرین، ۱۳۸۲.

دوایی، م، ***تربیت جنسی در اسلام***، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد، ۱۳۷۱.

دوایی، م؛ بنی سی، پ، «تربیت جنسی در اسلام»، ***دومین کنگره خانواده و مشکلات جنسی***، تهران: دانشگاه شاهد، ۱۳۸٤.

رستمی، م؛ ایرانفر، ش؛ یاری، ن؛ جلیلیان، ن، «بررسی دیدگاه دانشجویان درباره چگونگی افزایش آگاهی جنسی جوانان دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه»، ***دومین کنگره خانواده و مشکلات جنسی***، تهران: دانشگاه شاهد، ۱۳۸٤.

رضازاده شیراز، فاطمه بیگم، ***نظام تربیت جنسی کودک در اسلام***، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، رشته علوم تربیتی، ۱۳٦۹.

سبحانی نژاد، م؛ همایی، ر؛ علیین، ح، «بررسی تحلیل سبک تربیت جنسی خانواده‌های شهر تهران»، ***روانشناسی «پژوهش و مشاوره»***، ۲۱ (٦)، ٤۸-۲۷ . (۱۳۸٦).

سبحانی، جعفر، منشور جاوید، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳٦٤.

عبدالرحیمی، ع، «آسیب شناسی مسایل جنسی و ضرورت آموزش‌های اجتماعی پیشگیرانه»، ***مجموعه چکیده مقالات پنجمین همایش مشاوره اسلامی. همایش ملی مشاوره خانواده و بهداشت جنسی***، اردیبهشت. تهران:اندیشه ماندگار، ۱۳۸۸.

عبدالمعبود، شیخ، «کاووشی در آموزش جنسی، با نگرش اسلامی»، ترجمه غلام رضا متقی فر، ***مجموعه مقالات تربیت جنسی***، قم: گروه پژوهشی تعلیم و تربیت اسلامی، ۳، ۸،ص۹۸. (۱۳۸۳).

علیزاده، مرجان، «بررسی روند آمار ازدواج و طلاق‌های ثبت شده در کشور از سال ۷۹ تا ۸٤»، ***فصلنامه جمعیت***، ۳۳-٤۹، ۱۳۸۵.

فرمهینی فراهانی، محسن، «برنامه ریزی آموزشی و درسی»، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۸٤.

_____، ***دیدگاه اسلام در مورد تربیت جنسی و ارائه رئوس مطالب برای انواع***

آموزش در کتب درسی، تهران مرکز مطالعات تربیت اسلامی معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۰.

_____، «محتوای مناسب برای تربیت جنسی در کتب درسی دوره متوسطه»، ***دو ماه‌نامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد***، ۱۱ (۹)،۱٤-۱(۱۳۸۳).

قائمی امیری، علی، ***مجموعه بحث‌ها در زمینه خانواده و تربیت کودک***، تهران: امیری، ۱۳٦٤.

قدیری ابیانه، محمد حسن، «کتاب الکترونیکی زن در اسلام و غرب»، خرداد ۱۳۹۰، برگرفته از سایت WWW.GHADIRI.IR. (۱۳۹۰).

کاکو جویباری، علی اصغر، ***مجموعه مقالات تربیت جنسی***، قم: تربیت اسلامی پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۳.

کوچتکف، و ؛ لایپیک، م، ***روانشناسی و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان***، ترجمه محمد تقی زاده، تهران: مرکز، ۱۳٦۹.

متقی فر، غلامرضا، «کاووشی در باب آموزش جنسی در مدارس»، ***مجله معرفت***، ٤۲، ص۳۲. (۱۳۷۸).

محمد قاسمی، حمید، ***اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام***، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق، ۱۳٦۹.

مطهری، مرتضی، ***اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام***، تهران: صدرا، ۱۳۷۰.

_____، ***اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب***، چاپ: شانزدهم: صدرا، ۱۳۸۱.

_____، ***مسأله حجاب***، تهران: صدرا، ۱۳٦۲.

_____، ***نظام حقوق زن در اسلام***، چاپ بیست و یکم، تهران: صدرا، ۱۳۷٤.

معرفای، ا. «تربیت جنسی. تربیت فراموش شده»، ***نشریه تربیت***، ۷۹، ۳۹-٤۳. (۱۳۷۹)

مهرام، بهروز، «بررسی محتوای کتب درسی دوره‌های راهنمایی و متوسطه از حیث تربیت جنسی»، ***مجله خانواده و سلامت جنسی***، ۱۳۸٦.

مهرداد، مهرین، ***فلسفه شرق***، چاپ پنجم، تهران: موسسه مطبوعاتی عزایی، ۱۳۵۷.

نصیری، معصومه «کج‌روی جنسی، علل و زمینه‌های آن»، ***نشریه علوم اجتماعی «رفاه اجتماعی»***،۵ (۱۸)،۲۳۸-۲۲۱ . (۱۳۸۱).

نورعلی زاده، میانجی، م؛ رسول زاده طباطبایی، س و همکاران، «دختران و زنان در معرض آسیب‌های اجتماعی(در مسایل جنسی)»، ***کارگروه همایش اسلام و آسیب‌های اجتماعی***، تهران: سازمان بهزیستی کل کشور، ۱۳۸۷.

Aresu, Alessandra. (2009). *Sex Education in Modern and Contemporary China:*

Interrupted Debates Across the Last Century. *International Journal of Educational Developments*. 29(5): 532- 541.

Collins, Chris. Alagiri, Pria.Summers,Todd.(2002). *Abstinence Only VS. Comprehensive SexEducation: what are the arguments? What is the evidence? AIDS Research Institute University of California. San Francisco. Policy Monograph Series*. Available at:http://www.associatedcontent.com .

Eisenberg, Marla E. (1997). *View Points of Based Sexuality Education*. *Journal of School Health*.67:322-326.

Fernandes, Vieira. Vieira, Xiaviev R. (2008). Evaluation of Parents as Partners in Sex Education. *Journal of Sexologies.* 17 (1): 154.

Fisher, J. D. & Fisher, W. A. (1992). Changing AIDS-Risk Behavior. *Psychological Bulletin* 111.

435-474.

Fadyen, J. (2004). Teaching sex Education: Are Scottish School Nurses Prepared for the Challenge? *Nurse Education Today.* 24(2): 113- 120.

MCKay, A. & Holowaty, P. (1997). Sexual Health Education: A Study of Adolescents Opinions, Self-Percieved Needs and current and Prefered Sources of Information. *The Canadian Journal of Human Sexuality*, 6: 29-38.

Hua- Lou, Chao. Zhao, Quan & Gao, Er-sheng. (2006). Can the Internet Be Used Effectively to Provide Sex Education to Young People in China? *Journal of Adolescent Health*, 39 (5): 720-728.

Kirby, Douglas. Laris. B. A. & Rolleri, Lori A.(2006). Sex and HIV Education Programs: Their Impact on Sexual Behaviors of Young People Throughout the world. *Journal of Adolescent Health*, 40(3): 206- 217.

Lewy, Arieh. (1991). *The International Encyclopedia of Curriculum.* Oxford. Pergamon Press.

Maclaren, A. (1995). Primary care for women. comprehensive sexual health asseament. *Journal of Nurse- midwifery, 40(2), 104-119.*

Sentelli, J. s. Kaiser,j. Hirsch .l (2001).Initiation of sexual intercourse among middle school adolescents. *Journal of Adolescent Health,Vol24(2),200-211.*

Sarah.w.j(1995). Policies and curriculum in Missouri public school. *School Health Education, 65(8), pp,302-303.*

Silva, Monica. Ross, Ines. (2003). Evaluation of a School- Based Sex Education Program for Low Income Male High School Students in Chile. *Journal of Evaluation and Program Planning,* 26 (1): 1-9.

Gabreal,Laguerica(1992). *Exploring paternal attitude toward Knowledge and values ine rporated in public school sex education.* California state university Long Beach.

Rus, G. (2000*). Sexual Health*. New York. Hal-Jack Publishing Co.

Sentelli, J. s. Kaiser,j. Hirsch .l (2001).Initiation of sexual intercourse among middle school adolescents. *Journal of Adolescent Health,Vol24(2),200-211.*

Vandermassen,G. (2004) . *sexual selection: A tale of male bias and feminist denial.Europen Journal of womens studies, 11(1),2-26.*

مجموعه مقالات نهمین همایش ملی اشراق اندیشه مطهر، **خانواده و تربیت جنسی**
اردیبهشت ۱۳۹٤، ص ۳٤۲-۳۲۵

ادبیات اجازه گرفتن کودکان در خانه، با تأکید بر آیه‌ی ۵۸ سوره‌ی نور با تکیه بر بررسی تفاسیر معتبر شیعه و اهل سنت

امید ایزانلو/ استادیار زبان و ادبیات عرب دانشگاه کوثر بجنورد[1]
محبوبه زارع/ کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول)[2]

چکیده

خانواده در بروز رفتارهای جنسی کودکان نقشی مؤثر دارد و تربیت درست و یا نادرست در آینده-ی کودک تأثیرات خود را به دنبال خواهد داشت. بنابراین، خانواده باید در امر تربیت جنسی کودکان کوشا باشد و نکات لازم را به آنان آموزش دهند. یکی از این موارد موضوع «اجازه گرفتن» کودکان است. موضوعی که مسائل دیگری را به دنبال دارد که رعایت آنها و دادن آموزش‌های لازم می‌تواند مانع بسیاری از انحرافات گردد. این پژوهش با روش توصیفی- کتابخانه‌ای سعی دارد تا به مبحث اجازه گرفتن کودکان، با تأکید بر آیه‌ی ۵۸ سوره‌ی نور بپردازد و در این راه از تفاسیر معتبر شیعه و اهل سنت بهره برده و در ضمن آن به نکات تربیتی نیز اشاره شده است. بر اساس این پژوهش، کودکان، به ویژه کودکان ممیّز باید در ساعت‌های مشخصی از شبانه‌روز (صبح، قبل از اذان ظهر و بعد از نماز عشا و هنگام خواب) برای ورود به اتاق والدین خود اجازه بگیرند. والدین نیز باید نکات لازم را در این زمینه به کوکان خود آموزش دهند، آموزش آن‌ها باید تدریجی، بدون سخت‌گیری و سهل‌انگاری و به صورت مستمر باشد و نکاتی همچون آداب شرعی را به کودک آموزش دهند. خود والدین نیز موظفند با پوشش مناسب جلوی کودکان ظاهر گردند و از عوامل برانگیزاننده‌ی جنسی دوری کنند تا نتایج منفی، همچون بلوغ زودرس نداشته باشند.

کلیدواژه ها: کودک، سن تمیز، اجازه گرفتن، والدین.

---

1 . omid.izanlo@gmail.com
2 . mahbobezare92@gmail.com

مقدمه

والدین نقشی مؤثر در پرورش رفتارهای جنسی سالم فرزندانشان به عهده دارند. آنان باید سعی کنند با شناخت مراحل رشد جنسی کودکان، آداب تربیتی مرسوم فرهنگ و جامعه‌ی خود را به فرزندانشان منتقل کنند. آموزش های زود هنگام و ناشیانه‌ی مسایل جنسی به کودکان در برخی مواقع ضمن ایجاد دلهره و اضطراب، بهداشت روانی خانواده را نیز دچار آسیب می کند. از طرف دیگر، آموزش نادرست، دیر هنگام، و غیر واقعی نخواهد توانست نتایج مثبتی را به بارآورد. اگر پدر و مادر بتوانند به سؤالات جنسی فرزندان خود پاسخ‌های مناسب و سنجیده بدهند، می توانند مانع از انحراف فکری، سرکوب جنسی و مخفی کاری آنان شوند. والدین می‌توانند با برقراری رابطه‌ای دوستانه، همراه با اعتماد و احترام، درباره‌ی مسائل و موضوعات مختلف، از جمله امور جنسی، اطلاعات و آگاهی‌های لازم و صحیح به آن‌ها بدهند.

آموزش مسائل جنسی، باید به تدریج و گام به گام باشد. گفت‌وگو و پاسخ‌گویی به پرسش‌های جنسی کودکان باید متناسب با سن، شیوه‌ی آموزش و درک آنان باشد. برخی والدین به اشتباه تصور می کنند که ارائه‌ی اطلاعات در مورد مسائل جنسی، موجب بیدار شدن غریزه‌ی جنسی فرزندانشان می شود. در حالی که باید بدانند هر چه اطلاعات و دانسته های کودکان درباره‌ی بدن خود و مسائل مربوط به جنسیتشان بیشتر و صحیح‌تر باشد، رفتارهای جنسی آگاهانه تری از خود بروز می دهند. بچه‌ها به هر حال کنجکاوی خود را از طریق منابع مختلف، مثل دوستان، نشریات، رسانه‌ها و... ارضا می‌کنند. به همین سبب والدین و اعضای مؤثر خانواده بهتر است برای اطمینان حاصل کردن از آموزش سالم آنان، وظیفه ی آگاهی دهنده‌ی اصلی را خود به عهده بگیرند.[1]

مسلماً ایجاد فضای مناسب در خانواده می تواند تأثیر بسزایی در تربیت جنسی کودک داشته باشد. نوع رفتار بزرگتر ها به ویژه والدین به نوعی شاکله ی رفتار جنسی کودک را شکل می‌دهد. بنابراین، والدین باید یک به یک رفتارهایی را که در مقابل کودک انجام می‌دهند مورد بررسی قرار دهند. یکی از مواردی که باید بدان توجه شود، موضوع «اجازه گرفتن» کودکان به هنگام ورود به اتاق پدر و مادر است. آیه‌ی ۵۸ سوره‌ی نور مشخصاً در این رابطه آمده است که در ادامه به تفصیل بدان پرداخته می‌شود.

---

1 http: //www. madaraneemrooz. com/InterestDetail. asp ؟Interest=۱۷۸

این مقاله تلاش دارد تا بررسی این آیه بر اساس تفاسیر معتبر شیعه و اهل سنت و با بیان نکات تربیتی و روان-شناختی، به تفصیل این موضوع را مورد کنکاش قرار دهد. این بررسی شامل چند قسمت می باشد. در بخش اول متن آیه، ترجمه و بررسی واژگان آن آورده شده است. سپس آیه به صورت بخش بخش و بر اساس مطالب ذکر شده در تفاسیر، مورد بررسی قرار گرفته، سپس متناسب با هر بخش نکاتی تربیتی ارائه گردیده است.

آیه و معنای آن به همراه بررسی واژگانی

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنْكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (آیه‌ی ۵۸ سوره نور)

ترجمه‌ی آیت الله مشکینی

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، باید کسانی که برده‌ی ملکی شمایند و کسانی از شما که به حد بلوغ نرسیده‌اند (هنگام ورود به مسکن شخصی شما) سه بار (در سه وقت) اجازه بگیرند (و سر زده وارد نشوند)، قبل از نماز صبح و هنگام ظهر که لباس‌های خود را وامی‌نهید و پس از نماز عشا که (این اوقات) سه وقت خلوت شماست، گذشته از این (سه وقت) بر شما و بر آن‌ها گناهی نیست (که بدون اجازه وارد شوند، زیرا) آن‌ها پیوسته (بر حسب ضرورت معاشرت) به دور شما می چرخند (یا شما با یکدیگر کار و رفت و آمد دارید و طلبیدن اذن مشکل است). این گونه خداوند آیات (احکام) را برای شما بیان می کند و خداوند دانا و مصلحت‌دان است.

نگرشی بر واژه‌های آیه

«استأذن» از فعل «أذِنَ» و در لسان العرب ابن منظور و القاموس المحیط فیروز آبادی آمده است که؛ «أذِنَ» به معنای آگاهی یافتن، آگاه کردن و اجازه دادن است که به باب «استفعال» (باب طلب کردن) رفته و معنای کسب اجازه کردن پیدا کرده است (ابن منظور، ۱۳/ ۹؛ فیروزآبادی، ٤/ ۱۳۷).

«أیمان»؛ جمع کلمه ی «یمین» است و به معانی؛ خیر و برکت، قسم، سمت راست و دست راست می‌باشد که در اینجا منظور دست راست است.

«جُناح»؛ به معنای گناه و تمایل به گناه است.

«حُلُم» در لسان العرب هم به معنی خواب و رؤیا آمده است و هم به معنای عقل که در هر دو معنا، کنایه از رشد و بلوغ است (ابن منظور، ۱۲/ ۳۷۳). میبدی در کشف الاسرار؛ حلم را به معنای خواب و رؤیا دانسته است و محتلم کسی است که خواب می بیند [و باعث خارج شدن منی، که از نشانه‌های بلوغ است، می‌شود] (میبدی، ٥٥٢/٦) همچنین طبرسی در مجمع البیان آورده است که؛ واژه ی «حُلُم» بر وزن «کُتُب» به معنی عقل آمده است و کنایه از بلوغ است که معمولا با یک جهش عقلی و فکری توأم است، و گاه گفته‌اند «حُلُم» به معنی رؤیا و خواب دیدن است، و چون جوانان، مقارن بلوغ، صحنه‌هائی در خواب می‌بینند که سبب احتلام آن‌ها می‌شود این واژه به عنوان کنایه در معنی بلوغ به کار رفته است (طبرسی، ۷/ ٢٤٢).

«ظهیرة» چنان که راغب در مفردات و فیروزآبادی در قاموس می‌گویند: به معنی نیمروز و حدود ظهر است که مردم در این موقع معمولا لباسهای رویی خود را در می‌آورند و گاه مرد و زن با هم خلوت می‌کنند (راغب، ٥٤٠؛ فیروزآبادی، ٥٢٠/٤) کلمه (ظهیره) به معنای وقت ظهر است (طباطبایی، ۱۵/ ۲۲۷).

(وضع ثیاب) در جمله (تضعون ثیابکم) به معنای کندن لباس، و کنایه است از اینکه اهل خانه در حالی باشند که چه بسا میل نداشته باشند بیگانگان در آن حال ایشان را ببینند. و کلمه عورت به معنای عیب است، و اگر آن را عورت نامیده‌اند، چون هر کس عار دارد از اینکه آن را هویدا کند، و شاید مراد از آن در آیه شریفه هر چیزی باشد که سزاوار است پوشانده شود (همانجا).

«عورة» در اصل از ماده «عار» به معنی «عیب» است و از آنجا که آشکار شدن آلت جنسی مایه ی عیب و عار است در لغت عرب به آن عورت اطلاق شده است (همان، ٢٢٦) و شاید مراد از آن در آیه شریفه هر چیزی باشد که سزاوار است پوشانده شود (همان، ٢٢٧). کلمه «عورة»گاه به معنی شکاف در دیوار و لباس و مانند آن نیز آمده است و گاه به معنی مطلق عیب می باشد، و به هر حال اطلاق کلمه عورت بر این اوقات سه گانه به خاطر آن است که مردم در این اوقات خود را زیاد مقید به پوشانیدن خویش مانند سایر اوقات نمی کنند و یک حالت

خصوصی دارنـد (مکـارم شـیرازی، ١٤/ ٥٣٩). زمخشـری در کشـاف آورده اسـت کـه؛ دلیـل نام‌گذاری این سه وقت به «عورة» این است که در این سه وقت تس‌تـر و تحفـظ آنـان مختـل می شود. عورة: یعنی خلل. مانند: أعور الفارس؛ یعنـی زمـانی کـه جـایی بـرای ضـربه زدن بـه جنجگو و یا سوارکار پیدا شود، و أعور المکان که به معنای خالی شدن راه از علامت و نشـانه می‌باشد.

طوّافون: این واژه در اصل، از ریشه «طاف» برگرفته شده که به مفهوم گردش بر دور چیزی است (ابن منظور، ۲۲۵/۹)؛ امّـا در آیـه، گـردش بـرای پـذیرایی و خـدمت مـورد نظـر اسـت (طباطبایی، ١٥/ ٢٢٦).

تفسیر آیه

شأن نزول در فهم آیات قرآنی و تفسیر آن نقش بسزایی دارد. بسیاری از آیات با اکتفـا بـه قرائن موجود در جو و فضای زمان نزول، بیان شده‌اند. بنابراین، آگاهی نسبت به زمان و مکـان و اشخاص و شرایط و مقتضیّات و اسباب نزول نقش عمده‌ای در رفع ابهام از چهره‌ی آیات و فهم مدلول آن‌ها دارد. آیه‌ی مذکور نیز از این امـر مسـتثنا نیسـت و توجـه بـه شـأن نـزول آن می‌تواند به فهم و درک درست مقصود قرآن کمک زیادی کنـد. زمخشـری شـأن نـزول آیـه را چنین عنوان کرده که؛ این آیه در مورد عمربن‌خطاب نازل شده است. رسول خدا (ص) کودکی از انصار را به هنگام ظهر، پی ایشان فرستادند. آن کودک زمانی بر عمر وارد شد که خواب بود و لباسش از روی بدنش کنار رفته بود. عمر گفت؛ دوست داشتم کـه خـدا پـدران، فرزنـدان و غلامان ما را از وارد شدن بدون اجازه بر ما در این ساعات نهی می کردند. و هنگـامی کـه نـزد پیامبر (ص) رفت، این آیه نازل شده بود. برخی دیگر شأن نزول آن را به أسماء دختر أبومرشد نسبت می‌دهند که او به پیامبر (ص) شکایت برد که یکی از غلامان به هنگام نامناسبی بـر آنـان وارد شده است و این آیه نازل شد (زمخشری، ٤/ ٢٩).

این آیه، دنباله‌ی آیه‌ی ۲۷ است که می‌فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» که حکم مـی کـرد بـه اینکـه داخل شدن به خانه هر کس موقوف به اجازه گرفتن اسـت، در نتیجـه آیـه ی مـورد بحـث بـه منزله ی استثناء از آن حکم عمومی است، چون در خصوص غلامان و کنیزکان اجازه گرفتن در

سه هنگام را کافی می داند، و بیش از آن را واجب نمی داند (طباطبایی، ۱۵/ ۲۲۷). زیرا در بین اعراب معمول نبوده است که کسی برای ورود در منزل دیگران اذن بخواهد و درِ خانه ها همیشه باز بوده و حتی اجازه خواستن را نوعی اهانت نسبت به خود می دانستند پس سر زده و بی‌اطلاع قبلی وارد خانه‌های یکدیگر می‌شدند (مطهری، حجاب، ۱۱۸).

در آیه ی (یا ایها الّذین آمنوا لیستاذنکم الذین ملکت ایمانکم...) منظور از «مَلَکت أیمانُکُم» غلامان و کنیزان می باشد. (مَلَک) به (أیمان) اضافه شده است، چون اعراب بدوی با دست بیعت می کردند و عنوان کردن دست به عنوان نوعی پیمان بستن و قسم خوردن است (میبدی، ٦/ ٥٦٤). و معنای اینکه فرمود: (لیستاذنکم الّذین ملکت ایمانکم) این است که به ایشان دستور دهید که از شما اجازه دخول بخواهند، و از ظاهر جمله (ملکت ایمانکم) بر می آید که مراد از آن تنها غلامان است (چون کلمه «الّذین» برای مردان است)، هر چند که لفظ عمومیت دارد، و اگر آن خاص را به لفظ عام تعبیر کرده، از باب تغلیب است. زیرا مطابق روایات وارده و اینکه لفظ مذکر در معنای عام بکار می‌رود، معنا شامل کنیزان نیز می‌باشد (طباطبایی، ۲۲۷/۱۵؛ مکارم شیرازی، ٥٤٠/١٤) به باور پاره‌ای، تنها بر غلامان لازم است که به هنگام ورود به خوابگاه خصوصی زنان و مردان اجازه بگیرند و بر کنیزان لازم نیست که به هنگام ورود به خوابگاه صاحب خویش، اجازه بخواهند (طبرسی، ٢٤٢/٧). امام صادق علیه السلام می فرمایند: کسانی که مملوک شما هستند و کسانی که بالغ نشده‌اند، باید در سه هنگام، اجازه بگیرند، همان‌گونه که خداوند عز و جل به شما امر کرده است، و کسی که بالغ شد، بدون اجازه، نه بر مادرش، نه بر خواهرش، نه بر خاله‌اش و نه بر دیگران، وارد نشود. اجازه [ی ورود] ندهید، تا [برای اطّلاع دادن ورودش] سلام کند (کلینی، ۵/ ۵۲۹). روایت شده است که رسول اکرم (ص) دستور فرمودند برای استعلام، ذکر خدا گفته شود مانند سبحان الله یا الله اکبر و غیره. در بین ما یاالله معمول است (مطهری، حجاب، ۱۱۹).

طبری نیز به همین اختلاف نظر اشاره کرده است و می نویسد که برخی آن را فقط منحصر به مردان می دانند. ابن حمید روایت می کند که حکام به نقل از عنبسه از لیث از نافع از ابن عمر، آورده است که: منظور از آیه‌ی (لیستأذنکم الذین ملکت أیمانکم) مردان هستند نه زنان. و برخی دیگر گفته‌اند که منظور مردان و زنان هستند. ابن بشار نقل می کند که عبدالرحمن از سفیان از ابو حصین از ابو عبدالرحمن نقل کرده است که؛ منظور از آیه مردان و زنان هستند که

در همه حال از روز و شب اجازه بگیرند. خود طبری نقل دوم را می پذیرد؛ اینکه منظور آیه ی (لیستأذنکم الذین ملکت أیمانکم) هم مردان هستند و هم زنان. یعنی ای کسانی که ایمان آورده‌اید غلامان و کنیزان شما باید با اجازه شما بر شما وارد شوند (طبری، ۱۷/ ۳۵۹).

فخر رازی به نقل از قاضی می گوید: اگر چه در ظاهر مردان مورد خطاب هستند، اما مردان و زنان منظور می باشد، چرا که آیه از صنعت تغلیب بهره برده است. «الذین ملکت أیمانکم» دلیلی بر این برداشت است، زیرا هم شامل غلامان می شود و هم کنیزان. حتی می توان گفت در مورد زنان مصداق بیشتری دارد تا مردان، چون زنان نسبت به حفظ عورت، مقیدتر از مردان هستند. همچنین عنوان می کند که منظور از «الذین ملکت أیمانکم» هم افراد نابالغ هستند و هم بالغ. اما از ابن عباس نقل شده است که منظور آیه افراد نابالغ هستند و کنیزان و غلامان بالغ به مانند افراد آزاد بوده و در هر شرایطی نباید بدون اجازه وارد شوند. ابن مسیب می گوید: «(الذین ملکت أیمانکم) شما را به اشتباه نیندازد، شایسته نیست که غلام، به گوشواره، مو و دیگر محاسن اربابش که زن باشد نگاه کند». ظاهر آیه دلالت بر این دارد که منظور غلامان و کنیزان مؤمنان و کودکان هستند و برخلاف دیگران، برای ورود در همه حال نیاز به اجازه ندارند. در مورد کودکان باید به آنان دستور [آموزش] داده شود و این تکلیفی است بر عهده ی والدین نه کودکان. حتی فعل (لیَستأذِن) اگرچه امر غایب و خطاب به غلامان، کنیزان و کودکان می‌باشد، اما می توان آن را فعل امری برای والدین و اربابان در نظر گرفت، یعنی امر به اینکه آنان امور شخصی خود را از دید غلامان، کنیزان و کودکان پنهان کنند» (فخر رازی، ۲۸/٤).

ابن عمر، مجاهد و ابن عباس منظور از (لیستأذنکم) را مردان و زنان دانسته اند (همان، ۲۹). ابوبکر رازی گفته است که منظور کودکانی هستند که به بلوغ نرسیده اند، اما برای انجام امور شرعی به آنان دستور داده می شود و از انجام گناه منع می گردند [یعنی قدرت تمیز دارند] که این کودکان باید اجازه بگیرند. از [حضرت] علی (ع) روایت شده است که «کودکان را در هفت سالگی به نماز خواندن امر نموده و در ده سالگی [به خاطر انجام عمل ناپسند] تنبیه شان کنید». ابن مسعود نقل کرده است که برای کودکان ده ساله حسنات نوشته می شود ولی گناهان ثبت نمی گردد تا به بلوغ برسند. ابوبکر رازی عنوان می‌کند که دلیل دستور دادن به کودک، برای آموزش و عادت دادن کودک به انجام تکالیف است. زیرا مبادرت به انجام تکالیف قبل از سن بلوغ، مداومت آن را پس از بلوغ آسان می کند. همچنین بازداشتن از افعال حرامی همچون

شرب خمر و خوردن گوشت خوک و... در دوران قبل از بلوغ، خودداری از انجام آن را پس از بلوغ آسان می سازد. زیرا ترک عملی که در کودکی انجام می شود، بسیار دشوار است (فخر رازی، ٤/ ٢١). همچنان که اکثر روان شناسان نیز امروزه دوران کودکی را پایه-گذار شخصیت فرد در بزرگسالی می‌دانند.

آموزش کودک

برای آموزش بسیاری از مفاهیم به کودکان، اولین چیزی که باید مد نظر داشت و نسبت به آن آگاهی پیدا کرد شناخت روحیات و ویژگی های کودکان و همچنین شناخت مراحل رشد آن‌هاست. در آموزش کودکان دو دوره‌ی کلی وجود دارد: سنین ۵ تا ۹ سال و ۹ تا ۱۳ سال. در دوره ی اول آموزش کودک (۵- ۹ سال) باید به تفکرات خام کودکان در مورد بسیاری از مفاهیم شکل داد. اما این شکل دادن باید متناسب با سطح فکری کودکان باشد. مثلا در برخورد با کودکی که خدا را مثل انسان تصور می کند باید گفت که خدا مثل ما نیست، دست و پا ندارد، مثل ما زندگی نمی کند.... و در سنین بالاتر می توان دیده نشدن خداوند را به برخی تجربه‌های آن‌ها از حقایق موجود ولی نادیدنی مثل فکر، جریان برق و... تشبیه کرد؛ ضمنا باید توجه داشت که دین کودک باید کودکانه باشد و اینکه هدف عمده در این مرحله جذب برای آموزش است نه صرف آموزش. کودک در دوره‌ی دوم (۹- ۱۳ سالگی) در مرحله‌ی عملیات عینی قرار دارد. از این رو نمی توان مفاهیم انتزاعی را به احساسات و تجربیات خود ارجاع داد. اما خامی‌های تفکر کودکان را باید زدود و از طریق جنبه‌های اثباتی به حقیقت نزدیک کرد؛ مثلا وقتی خدا را از داشتن والدین منزه می کنیم می توانیم به آن‌ها تذکر دهیم که وجود همه چیز از خداست اما وجود خدا از آنِ خود اوست همان گونه که رطوبت همه چیز از آب است اما رطوبت آب از آنِ خودش می‌باشد.

متولیان تربیت کودکان باید در آموزش مسائل دینی نکاتی را رعایت کنند تا نتیجه ی بهتری از کار آنان حاصل شود؛ یکی از این نکات تدریجی بودن تعلیم آموزه‌های دینی است. کودک به مانند بزرگ‌سال ظرفیت پذیرش حجم زیادی از آموزه‌ها را ندارد، بنابراین باید به تدریج این مفاهیم در درون او نهادینه شود. نکته ی دوم؛ پرهیز از سخت گیری به کودکان است، زیرا این نوع رفتار باعث برانگیختن نوعی لجاجت در کودکان می شود. البته عکس این موضوع نیز مهم

است، یعنی نباید در تعلیم کودک نیز بسیار سهل انگار بود زیرا این نوع رفتار نیز پیامدهای منفی همچون بی‌توجهی به مسائل دینی را به دنبال دارد. نکته‌ی سوم استمرار داشتن تعلیم آموزه‌ها است. مسلماً اکتفا به آموزش برخی مسائل در برخی مقاطع زمانی مشخص، نمی‌تواند دوام چندانی داشته باشد. بنابراین یکی از دلایل ماندگاری رفتار در کودکان مداومت در انجام آن است. و نکته‌ی پایانی اینکه باید به تفاوت‌های فردی کودکان توجه شود. همه‌ی کودکان در یک سطح از تعلیم‌پذیری نیستند و عدم توجه به مواردی همچون ویژگی‌های شناختی عاطفی، انگیزش، سوابق خانوادگی و... باعث می‌گردد تا آنچه که به کودک آموزش داده می‌شود چندان بازخوردی نداشته باشد.

کودک ممیّز

معنای (الّذین لم یبلغوا الحلم) اطفالی است که به حد تمیز رسیده‌اند، ولی بالغ نشده‌اند، و دلیل بر رسیدن به حد تمیز جمله (ثلاث عورات لکم) است (طباطبایی، ۲۲۷/۱۵). طبرسی نیز عنوان می‌کند که منظور از کودکان در آیه‌ی شریفه، آنانی هستند که قدرت تمیز و شناخت دارند (طبرسی، ۷/ ۲٤۲). ذکر این نکته نیز لازم است که آیه از کودکانی سخن می گوید که به حد تمیز رسیده اند و مسائل جنسی و عورت و غیر آن را تشخیص می دهند، زیرا دستور اذن گرفتن خود دلیل بر این است که این اندازه می فه مند که اذن گرفتن یعنی چه؟ و تعبیر به «ثلاث عورات» شاهد دیگری بر این معنی است (مکارم شیرازی، ٥٤٠/١٤). میبدی نیز با اشاره به آیه ی «وَالَّذِینَ لَمْ یبْلُغُوا الْحُلُمَ» عنوان می کند که؛ منظور کودکانی هستند که با تفاوت مرد و زن و ویژگی‌های زنان آشنا هستند، ولی بالغ نشده‌اند (میبدی، ٥٦٥/٦).

در رساله ی مراجع نیز، به کودک ممیز اشاره شده است. به عنوان مثال آیت الله سیستانی آورده‌اند که؛ کودک ممیز سن خاص و مشخصی ندارد بلکه در کودکان متفاوت است اما از زمانی که کودک (دختر یا پسر) خوب و بد را در نگاه جنس مخالف فهمیده و احتمال تحریک شهوت در او برود، سن تمیز است. شاید بتوان گفت معمولا سن شش یا هفت سالگی سن تمییز است و چنانچه احتمال می رود که بر اثر نگاه کردن به زن شهوتش بر انگیخته شود به احتیاط واجب باید در برابر او حجاب را رعایت کند (توضیح‌المسائل مراجع، ۳۷۱) آیت الله خامنه‌ای نیز در تعریف کودک ممیز آورده‌اند؛ سن تمییز به تبع اختلاف اشخاص در استعداد و

درک و هوش مختلف است (خامنه‌ای، ۱/ ٤٥٩). در روان‌شناسی سن شش و هفت سالگی تا بلوغ را دوران نهفتگی می نامند که در این دوران غریزه ی جنسی کودک به طور کامل خفته است و در ظاهر به طور موقت به شکل فعالیت‌های درسی، سرگرمی‌ها، ورزش و نیز گسترش دوستی‌ها با افراد هم‌جنس والایش می‌یابد (شولتز، ٧٤)، پس برنامه‌ی جنسی باید با اختفای تمایل جنسی هماهنگ باشد و از هر گونه عمل مهیجی که باعث تحریک جنسی شود پرهیز کرد (جهانیان نجف آبادی، ٤٧) و اسلام نیز، بالغان را از رفتارهایی که موجب بلوغ زودرس و انحراف در کودکان می‌شود، باز می‌دارد (مدن، ١٩٦).

جالب آنکه تمایل به مذهب در حدود سن ۱۲ سالگی (دوران نهفتگی) که قبل از آغاز فعالیت بلوغ است آشکار می‌شود، در آن موقع غرائز هنوز بخوبی شکفته نشده‌اند و مزاج کودک اسیر طغیان شهوات نیست. گویی خداوند حکیم بصورت پیشگیری قبل از بروز طوفان و طغیان غرائز، وسیله ی مهار کردنشان را آماده نموده است و دوران چند ساله ی بلوغ را مهلت خودسازی و پرورش احساس مذهبی قرار داده است. این گرایش و خواسته به مذهب یکی دو سال قبل از بلوغ به اوج خود می رسد. «والدین دلسوز و آگاه باید از این فرصت طلایی به نحو مطلوبی استفاده کنند و کودک را در این گرایش طبیعی اش هدایت کنند. تا آنجا که برایشان امکان پذیر است، برنامه های سازنده برای فرزندانشان تدارک ببینند. شکوفایی و باروری این گرایش دینی الهی در کودک، منوط به این مسئله است که خانواده از قبل زمینه های لازم و وضعیت مطلوب را ایجاد کرده باشد. بهترین و عمده ترین کاری که به عهده ی والدین و مربیان تربیتی است اینکه برای نوجوانان در این سن برنامه های قابل استفاده، گیرا و جالب تدارک ببینند و بخصوص با شرکت دادن دسته جمعی آن‌ها در چنین برنامه‌هایی، علاقه‌ی آن‌ها را شدت ببخشند» (اسلامی نسب بجنوردی، ۱۷۳-۱۷٤).

«در اسلام به اهمیت تربیتی این دوره تأکید شده است زیرا این دوره، آینده ی اخلاقی کودک را پی‌ریزی می‌کند. دلایل اهمیت این دوره: الف) کودک به رشد عقلی می‌رسد؛ ب) جنبه های بدنی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی و دینی وی رشد می کند و کودک را برای پذیرش آموزش‌های شرعی آماده می‌سازد؛ ج) این مرحله مناسب‌ترین مرحله برای آموزش جنسی است» (مُدن، ۲۰۲). بیشتر دستورات اسلام ناظر به همین دوره از دوران زندگی کودک است که دوران بسیار حساس و سرنوشت ساز زندگی هر انسانی به شمار می آید، از این رو اسلام

دستورات خاصی را برای کودک و والدین معین کرده است. که برخی از آن ها به قرار زیر است:

الف- آموزش آداب شرعی به کودک ممیّز؛ مثل آداب معاشرت با جنس مخالف، آداب طهارت و آداب پوشش. بهتر است در این زمینه مادر آموزش دختر را بر عهده بگیرد و پدر عهده دار آموزش پسر شود. غزالی معتقد است: «تربیت دینی باید از سنین پایین آغاز شود؛ زیرا در این سن کودک بدون طلب دلیل و برهان، آماده ی پذیرش عقاید دینی است. از طرف دیگر، نهادینه کردن معانی دینی با تلقین و تقلید آغاز می‌شود و سپس با توجه به مراحل گوناگون رشد، دستورات مناسب هر مرحله به تدریج عرضه می شود و در پایان به پدید آمدن باورهای عمیق و محکم در ذهن انسان می‌انجامد» (فضل الله، ۱۳۹).

درست است که پسرها بعد از پانزده سال و دخترها بعد از نه سال به تکلیف می‌رسند و قبل از آن تکلیفی ندارند؛ اما انجام تکالیف دینی را نمی‌توان تا سن بلوغ به تأخیر انداخت. باید انسان از کودکی به انجام عبادات و تکالیف دینی عادت کند تا در سن بلوغ به آن‌ها رغبت داشته باشد. در غیر این صورت، انجام آن عبادت در سن بلوغ برای بچه دشوار خواهد بود یا اصلاً زیر بارش نمی رود و اگر هم نمازخوان شود، چندان تقیدی به آن نخواهد داشت و با اندک بهانه ای ممکن است آن را ترک نماید؛ زیرا عملی که از زمان کودکی عادی نشده باشد، عادت کردن به آن دشوار خواهد بود. برای تحقق این هدف شهید مطهری معتقد است: بچه ها را از کوچکی باید به نماز تمرین داد. دستور رسیده است که به بچه از هفت‌سالگی نماز تمرینی یاد بدهید. البته بچه هفت ساله نمی تواند نماز صحیح بخواند؛ ولی صورت نماز را می تواند بخواند. از هفت سالگی می تواند به نماز عادت کند؛ چه پسر و چه دختر؛ یعنی همان اولی که بچه به دبستان می رود، باید نماز را در دبستان به او یاد بدهند؛ در خانواده هم باید به او یاد بدهند (مطهری، آزادی معنوی، ۹۹).

ب- رعایت اصول پوشش از سوی والدین در حضور فرزند؛ علت اساسی که خداوند در آیه یاد شده می‌فرماید که فرزندان در سه وقت باید برای ورود به اتاق خواب پدر و مادر اذن بگیرند، این است که در این سه وقت والدین پوشش مناسبی ندارند؛ پس در غیر این اوقات نیز رعایت پوشش مناسب از سوی والدین ضروری است. پایه های اساسی رشد شخصیت کودکان و نوجوانان از طریق تقلید نهاده می شود و این شیوه تقلید هم از راه شنیداری و هم از

طریق بصری حاصل می‌شود. تقلید و الگوپذیری از ویژگی‌های دوران کودکی است، کودک هر آنچه را که ببیند براساس تقلید می‌پذیرد، و مطابق آن‌ها عمل می‌کند، بدون اینکه از خوبی و بدی آن اطلاع داشته باشد.

چشم و گوش کودک، چون دریچه‌ای باز است می‌بیند ذهن کودک چون دوربین عکاسی است، که هر چه می‌بیند در آن منعکس شده و ثبت می‌گردد. بنابراین رفتار والدین بخصوص مادر تأثیر فراوانی بر روی کودکان دارد. کودک از مصالح و مفاسد امور اطلاعی ندارد و نمی‌تواند در کارهایش هدف‌گیری درستی داشته باشد، لذا تمام توجه‌اش به پدر و مادر و اطرافیان است، اعمال و حرکات آن‌ها را مشاهده می‌نماید و از آنان تقلید می‌کند. کودک شکل پوشش مادر را تقلید می کند اگر مادر همیشه با پوشش مناسب در مقابل فرزندان خود ظاهر شده باشد. کودک هم سعی می‌کند همان پوشش را از مادر تقلید کند. و در دوران نوجوانی که نوبت به انتخاب می‌رسد سعی می‌کند با مادر همانندسازی کند و همان شیوه مادر را برای خود انتخاب کند. یکی از اشتباهات بعضی والدین این است که تصور می‌کنند بچه‌ها چیزی نمی‌فهمند لذا با پوشش نامناسب در جلو فرزندان خود ظاهر می‌شوند. غافل از اینکه کودک آنچه را می‌بیند در حافظه خود ضبط کرده و روزی نمونه آن را از خود بروز خواهد داد (فرهادیان، ۳۸).

ج- کودک ممیز باید از هر گونه عامل برانگیزنده جنسی دور نگه داشته شود. روان‌شناس دوران سن تمیز را ـ یعنی سنی که کودک بتواند میان خوب و بد تفاوت قائل شود ــ دورانی مهم‌تر دانسته و دور نگه داشتن کودک ممیز از هر گونه عامل برانگیزنده جنسی را ضروری می‌دانند. عواملی که موجب تحریک جنسی کودک می‌شوند عبارتند از؛ نشاندن دختر بچه روی زانوی بیگانه. پرهیز افراد بالغ از بوسیدن کودکان جنس مخالف و ممیز. خوابیدن کودکان در زیر رو انداز واحد. تماس و دستمالی کودک با اعضای تناسلی خود. تماس جسمی و بوسه های افراطی کودک و اطرافیان. دستمالی اطرافیان (مادر) به کفل و ران کودک و نوازش‌های بی‌مورد. عادت کودک به منقبض کردن عضلات مربوط به دفع و ادرار. خارش در ناحیه آلت تناسلی و مقعد که موجب استمنا در کودکان می شود. لم دادن و به خود پیچیدن کودک در رختخواب بعد از بیدار شدن از خواب. اختلاط و روابط کودک با جنس مخالف خود در مهد ها و مراکز نگهداری کودک. حمام کردن پدر با دختربچه ممیز و مادر با پسربچه

ممیز. دیدن فیلم‌ها و صحنه‌های مهیج. شیندن و خواندن داستان‌های تحریک آمیز. دست کشیدن مادر به آلت و معقد در شستن و طهارت، بعد از دفع و ادرار. تماس و اصطکاک با اجسام زبر یا نرم از طریق مالیدن خود به تشک، دوچرخه، نرده و..... خوابیدن کودک بر روی شکم و کشیدن خود بر روی تشک. حبس ادرار و مدفوع و در نتیجه احساس خارش و لذت. همچنین عدم معاشقه‌ی پدر و مادر در حضور کودک، چنان‌که پیامبر اسلام می‌فرمایند؛ «ایّاکُم و أن یُجامِعُ الرَجلُ إمرَأتَه و الصبیُّ فی المَهد یَنظُرُ إلیهما»؛ (مبادا در حالی که کودکی در گهواره به شما می‌نگرد آمیزش جنسی کنید) (بحار الانوار، ۱۰۳/ ۲۹۵).

زمان اجازه گرفتن کودک ممیّز

«ثَلَاثَ مَرَّاتٍ» (سه بار) یعنی «ثلاثة أوقات» (سه وقت) یعنی در سه وقت اجازه گیرند. کودکان، غلامان و کنیزان باید در این سه وقت اجازه بگیرند، اما دیگران باید در تمام وقت ها کسب اجازه کنند (میبدی،). و منظور از جمله «ثلاث عورات» سه نوبت در هر روز است، به دلیل اینکه دنبالش آن را تفصیل داده، و فرموده: اول قبل از نماز فجر، و دوم هنگام ظهر که به خانه می آیید و جامه می‌کَنید، سوم بعد از نماز عشاء، و در جمله (ثلاث عورات لکم) به وجه حکم اشاره نموده و می-فرماید: این سه موقع سه عورت است برای شما، که طبعاً شایسته نیست غیر از شما کسی بر وضع شما مطلع شود (طباطبایی، ۲۲۷/۱۵). زمخشری می نویسد که منظور از «ثلاث عورات»؛ یعنی وقتی که امکان رؤیت عورت باشد (زمخشری، ٤/ ۲۸).

در اسلام نگاه به عورت دیگری حرام است و فرقی نمی کند که زن به عورت زن یا مرد نگاه کند یا مرد به عورت مرد یا زن نگاه کند در هر صورت نگاه کردن حرام است؛ چنان که در روایاتی مجازات متعددی درباره ی این عمل بیان شده است: کسی که عمدا به عورت دیگری (غیر همسر خود) نگاه کند خداوند او را از منافقین قرار می دهد: « وَ قَالَ مَنْ نَظَرَ إِلَی عَوْرَةِ أَخِیهِ الْمُسْلِمِ أَوْ عَوْرَةِ غَیْرِ أَهْلِهِ مُتَعَمِّداً أَدْخَلَهُ اللَّهُ تَعَالَی مَعَ الْمُنَافِقِینَ (من‌لایحضره‌الفقیه، ۱۳/٤) و کسی که عمدا به عورت دیگری (غیر همسر خود) نگاه کند هفتاد هزار ملک او را لعن خواهند کرد.»... «وَ نَهَی أَنْ یَنْظُرَ الرَّجُلُ إِلَی عَوْرَةِ أَخِیهِ الْمُسْلِمِ وَ قَالَ مَنْ تَأَمَّلَ عَوْرَةَ أَخِیهِ الْمُسْلِمِ لَعَنَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ نَهَی الْمَرْأَةَ أَنْ تَنْظُرَ إِلَی عَوْرَةِ الْمَرْأَةِ وَ... »(وسائل‌الشیعة، ۲۹۹/۱). نگاه به عورت کودک، و نگاه کودک به عورت بزرگ‌سال، دو جنبه‌ی فقهی و تربیتی

دارد. نگاه کردن برای کودک، حرمت فقهی ندارد و برای بزرگ‌سال نیز با وجود عدم ریبه حرام نیست؛ امّا نمی توان آثار تربیتی پوشیدگی و عریانی را نادیده گرفت. چه کودک، عورت دیگران را ببیند و چه دیگران، عورت وی را ببینند، قبحِ این کار را از میان می‌بَرَد و موجب بی‌مبالاتی و بی‌پروایی می گردد و هرزگی را نهادینه می‌کند. امّا کودکانی که با این‌گونه موارد مواجه نبوده اند، توان مقاومتشان در برابر انحراف جنسی و میزان عفافشان، از دیگران بیشتر است. از این رو، در متون دینی، توصیه شده که نه به عورت کودک نگاه کنید، و نه بگذارید به عورت دیگران نگاه کنند. همچنین کودکان را به گونه ای به حمّام نبرید که موجب رؤیت عورت گردد (محمدی ری‌شهری، ۲۱۷).

بنابراین، غلام، کنیز و کودک نابالغ در هرروز سه هنگام باید برای ورود خود اجازه بخواهند، اول؛ قبل از نماز فجر، دوم؛ هنگام ظهر که افراد به خانه می آیند و جامه از تن برمی کنند (یعنی چه بسا در حال خلوت باشند و نخواهند کسی ایشان را ببیند) و سوم؛ بعد از نماز عشاء، که می فرماید این سه زمان عورت است برای شما، یعنی شایسته نیست غیر از شما کسی بر وضع شما مطلع بشود (طباطبایی، ۲۲۸/۱۵؛ زمخشری، ۲۹/٤) «جبایی» می‌گوید: کسب اجازه برای ورود به خوابگاه و خانه ی دیگران همواره بر همگان لازم است؛ مگر برای کودکان و بردگان که تنها این سه وقت باید اجازه بگیرند: «مِنْ قَبْلِ صَلَوةِ الْفَجْرِ»؛ یکی پیش از نماز بامدادی و سپیده ی صبح؛ چرا که در این هنگام ممکن است زن و مرد نیمه‌برهنه یا در حالی به استراحت پرداخته باشند که نخواهند کسی آنان را بدان گونه بنگرد. «وَحِيْنَ تَضَعُوْنَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيْرَةِ» دیگر به هنگام نیمروز که برای آسایش و استراحت لباس رسمی را در آورده‌اید. «وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَآءِ» و دیگر به هنگام شامگاه و پس از نماز عشا که زن و مرد به خوابگاه خویش می‌روند؛ به باور پاره‌ای، از آنجایی که برخی از مردم با ایمان دوست می‌داشتند در این هنگام با همسران خویش درآمیزند و با غسل برای نماز حضور یابند، از این رو خدا به بردگان و کودکان دستور داد در این سه وقت بدون اجازه وارد حریم خصوصی و خوابگاه سرورَ و یا پدر و مادر خویش نگردند و برای ورود در انتظار اجازه باشند (طبرسی، ۷/ ۲٤۲).

اما طبری از بعد دیگر به مسئله نگاه کرده و عنوان می‌کند که؛ منظور از «یا أیها الذین آمنوا لیستأذنکم الذین ملکت أیمانکم» یعنی افراد آزاد و غیر برده‌ای که به سن بلوغ رسیده‌اند در تمام اوقات شبانه روز نباید بی اجازه بر شما وارد شوند (طبری، ۱۷/ ۳٦۲). «فاضل مقداد»

نیز در «کنز العرفان» دلیل اجازه گرفتن برای این افراد و در سه زمان مشخص را چنین بیان می‌کند که؛ این تعبیر در حقیقت به منزله‌ی بیان دلیل برای عدم لزوم اجازه گرفتن در سائر اوقات است، چرا که اگر بخواهند مرتباً رفت و آمد داشته باشند و در هر بار اذن دخول بخواهند کار مشکل می‌شود (مقداد، ۲/ ۷۱٦) همچنین به این نکته اشاره دارد که حکم مذکور، یعنی استیذان در سه نوبت برای اطفال تا مدتی معین معتبر است، و آن رسیدن به حد بلوغ است، و بعد از آن باید مانند کسانی که قبلا ذکر شد یعنی بالغان از مردان و زنان آزاد اجازه بگیرند (طباطبایی، ۱۵/ ۲۲۸).

به هر حال از آیه ی فوق چنین استفاده می شود که حکم بالغان با اطفال نابالغ متفاوت است، زیرا کودکان نابالغ طبق آیه‌ی قبل تنها در سه وقت موظف به اجازه گرفتن هستند، چون زندگی آن ها با زندگی پدران و مادران آنقدر آمیخته است که اگر بخواهند در همه حال اجازه بگیرند مشکل خواهد بود، و از این گذشته احساسات جنسی آن‌ها هنوز به طور کامل بیدار نشده، ولی نوجوانان بالغ طبق این آیه که اذن گرفتن را به طور مطلق برای آن ها واجب دانسته موظفند در همه حال به هنگام ورود بر پدر و مادر اذن بطلبند. این حکم مخصوص به مکانی است که پدر و مادر در آنجا استراحت می کنند وگرنه وارد شدن در اطاق عمومی (اگر اطاق عمومی داشته باشند) مخصوصاً به هنگامی که دیگران هم در آنجا حاضرند، و هیچگونه مانع و رادعی در کار نیست اجازه گرفتن لزومی ندارد (مکارم شیرازی، ٥٤١/١٤).

چنان که خداوند متعال نیز در ادامه به همین مسئله اشاره می کنند؛ در جمله ی «طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلى بَعْضٍ» به وجه این حکم (یعنی رفع مانع مذکور) اشاره نموده و می‌فرماید: چون در غیر این سه موقع غلامان و کنیزان دائما در آمد و شد، و خدمتند. پس تنها در اجازه خواستن به این سه هنگام اکتفاء کنند و خداوند این چنین احکام دین خود را بیان می کند و او احوال شما را می داند و مطابق آنچه حکمت اقتضاء می کند، حکم می نماید (طباطبایی، ۱۵/ ۲۲۷؛ طبرسی، ۷/ ۲٤۲؛ زمخشری، ۲۸/٤). حضرت رضا (ع) به احمدبن ابی نصر بزنطی فرمود: وقتی پسر بچه به هفت سال رسید باید به نماز خواندن وادار کرده شود ولی تا وقتی که بالغ نشده بر زن لازم نیست موی خود را از او بپوشاند. یعنی وادار کردن به نماز برای ایجاد عادت است وگرنه در هفت سالگی حکم مرد را ندارد، تا به حد بلوغ برسد. در اینجا بحث درباره ی موی زن بوده است. و پوشانیدن سایر قسمت های بدن عملا مورد تردید نبوده است و شکی در

عدم جواز آن وجود نداشته که مورد سوال واقع نشده (مطهری، حجاب، ۱۷٦ –۱۷۷).

نتیجه‌گیری

کودکان ممیّز به دلیل داشتن توانایی در تشخیص خوب و بد و تفاوت های جنسی زن و مرد، در مرحله‌ی حساسی قرار دارند. عدم توجه به کودکان در این شرایط می تواند پیامدهای جبران ناپذیری را به دنبال داشته باشد. اجازه گرفتن کودک برای ورود به اتاق پدر و مادر یکی از جنبه های تربیتی به شمار می رود. بر اساس آنچه در آیه‌ی ۵۸ سوره‌ی نور آمده و یکی از مفسران نیز بدان تأکید کرده است، امر اجازه گرفتن زمانی محقق می گردد از سوی والدین تعلیم داده شود. فلسفه‌ی چرایی اجازه گرفتن کودک، بحث را وارد حیطه‌ی گسترده‌ی تربیت جنسی و نقش والدین در این امر می کند. مسلماً وقتی به کودک توصیه می شود که در ساعات خاصی وارد اتاق والدین خود شود، نشان می دهد که والدین باید در زمان و مکان روابط خود باید دقت کنند و از ایجاد روابط نامتعارف در هر زمان و مکانی، به ویژه جلوی کودکان جلوگیری کرده و از داشتن پوشش نامناسب خودداری کنند. متأسفانه در بسیاری از مواقع والدین از رفتارهای خود که بر کودکان تأثیر سوء دارد، مطلع نیستند. بنابراین اولین و مهم ترین قدم برای حل این مشکل آشنا ساختن آنان با ویژگی های دوران کودکی و کودکان ممیّز است. سپس باید به تناسب سن کودک رفتارهای والدین نیز اصلاح گردد تا از نتایج سوء تربیت جنسی و یا فقدان آن جلوگیری گردد.

منابع

ابن بابویه، محمد بن علی، ***من لا یحضره الفقیه***، مترجم محمد جواد غفاری، صدرالدین بلاغی، علی اکبر غفاری، نشر صدوق، تهران، ۱۳٦۷.

ابن منظور، محمد بن مکرم، ***لسان العرب***، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، ۱۹۹٤م.

اسلامی نسب بجنوردی، علی، ***تربیت جنسی کودک از دیدگاه علم و اسلام***، نسل نو اندیش، تهران، ۱۳۷۹.

جهانیان نجف آبادی، امیر، ***فرزند و تربیت جنسی***، کیاراد، اصفهان، چاپ اول، ۱۳۹۰.

حر عاملی، محمد بن حسن، ***تفصیل وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة***، به تحقیق مؤسسة آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، موسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، قم، ۱۱۰٤ ق.

خامنه‌ای، علی، ***اجوبه الاستفتاءات (فارسی)***، نویسنده: دفتر معظم له در قم، قم، ۱۳۸٦.

خمینی، روح الله و سایر مراجع، ***رساله توضیح المسایل (مراجع)*** به کوشش: احسان اصولی و محمد حسن بنی هاشمی خمینی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: ۱۳۸۱.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ***مفردات ألفاظ القرآن***، محقق: صفوان عدنان داوودی، دار القلم، بیروت، ۱۹۹۲م.

زمخشری، محمود بن عمر، ***الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل***، تصحیح مصطفی حسین احمد، دار الکتاب العربی، بیروت، ۱۹۸٤م

شولتز، دوان، ***نظریه های شخصیت***، ترجمه: یوسف کریمی، فرهاد جمهری، سیامک نقشبندی، بهزاد گودرزی، هادی بحیرانی، محمدرضا نیکخو، چاپ دهم، ارسباران، تهران، ۱۳۹۱.

طباطبایی، محمدحسین، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم: ۱۹۷۳.

طبرسی، فضل بن حسن، ***مجمع البیان فی تفسیر القرآن***، تصحیح هاشم رسولی، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۷۲.

طبری، محمد بن جریر، ***جامع البیان عن تأویل آی القرآن***، تحقیق عبد الله بن عبد المحسن الترکی، دار هجر للطباعة والنشر والتوزیع والإعلان، مصر، ۲۰۰۱م.

فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، ***کنز العرفان فی فقه القرآن***، ترجمه ی عبدالرحیم بخشایشی، نوید اسلام محل، قم، ۱۳۸۵.

فرهادیان، رضا، ***آنچه والدین و مربیان باید بدانند***، رئوف، قم، ۱۳۷۰.

فضل الله، محمدرضا، «درآمدی بر تربیت دینی با توجه به پیشرفت ادراکات دینی در کودکان و نوجوانان»، ترجمه‌ی فرزدق اسدی، ***تربیت اسلامی***، ش۳، ص ۱۳۹.

فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ***القاموس المحیط***، ناشر: دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۹٤م.

کلینی، محمد بن یعقوب، ***الکافی***، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه، بی‌تا.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ***بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*** علیهم السلام، محققان: محمدباقر علوی، عبدالزهراء علوی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی‌تا.

محمدی ری شهری، محمد، ***حکمت نامه پیامبر اعظم صلّی الله علیه و آله***، دارالحدیث، قم، ۱۳۸٦.

مدن، یوسف، «تربیت جنسی در اسلام»، ترجمه‌ی بهروز رفیعی، ***پژوهشهای تربیت اسلامی***، شماره ۸، ۱۳۸۳، ۱۸۳ تا ۲۱۸.

مطهری، مرتضی، ***گفتارهای معنوی***، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸٤.

_____، *مسئله حجاب*، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸٤.

مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، ***تفسیر نمونه***، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۰.
میبدی، احمد بن محمد، ***کشف الاسرار و عدة الابرار***، به اهتمام علی اصغر حکمت، موسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۱.

مجموعه مقالات نهمین همایش ملی اشراق اندیشه مطهر، **خانواده و تربیت جنسی**
اردیبهشت ۱۳۹٤، ص ۳٦۰-۳٤۳

بررسی نگرش و کنش والدین به تربیت جنسی فرزندان

زهرا وقاری زمهریر/ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)[1]
زهرا حجازی/ دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه فردوسی مشهد[2]
ساناز عبیری/ دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه فردوسی مشهد[3]
محمود سعیدی رضوانی/ دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد [4]

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی نگرش و کنش والدین به تربیت جنسی فرزندان (دانش آموزان) بود که با روش پیمایشی انجام شد. این پژوهش، در شهر مشهد با نمونه ۲٤۷ نفری (۲۹/۵ درصد مرد و ٦۷/٦ درصد زن) صورت گرفت. داده ها با پرسشنامه ٤۰سوالی در دو مولفه کلی نگرش و کنش گردآوری شد. میانگین نگرش (درطیف لیکرت با حداقل، عدد یک و حداکثر عدد سه) معادل۲/٦۹ و درکنش، ۲/۵۱ به دست آمد. یافته ها نشان داد بین نگرش مادران و پدران به تربیت جنسی تفاوت معنادار نبوده، اما در کنش به تربیت جنسی تفاوت، معنادار بود و مادران در مولفه های راهنماییهای ارائه شده در زمینه دین، اخلاق و آینده جنسی بیشتر از پدران مداخله می کردند. همچنین والدین با تحصیلات لیسانس و بالاتر نگرش مثبت تری به مولفه باورِ تربیت جنسی داشتند، در حالی که والدین با همین تحصیلات در دو مولفه کنش تربیت جنسی یعنی رابطه والد- فرزندی و ارایه دانش،پایین تر ازسطوح تحصیلی دیگر بودند. سطح مطلوب دراین پژوهش، به طور معنادار بالاتر بودن از نقطه برش ۷۵درصدی (=۲,۵x=) بود. طبق یافته ها، نگرش والدین در سطح مطلوب و کنش آنان در سطح نسبتا مطلوب قرار داشت. به بیان دیگر بین نگرش وکنش والدین به تربیت جنسی تفاوت معنادار _ به نفع نگرش- بود. بر خلاف تصور غالب که آموزش های مربوط به تربیت جنسی با مقاومت والدین مواجه خواهد شد، براساس این پژوهش مشخص گردید اکثریت والدین آمادگی نسبی لازم جهت ارائه این آموزش ها به دانش آموزان را دارند. درعین حال لازم است برای گروه اقلیّتِ مخالف، قبل از شروع آموزش ها جلسات توجیهی تدارک دیده شود.

کلیدواژه ها: تربیت جنسیِ فرزندان، نگرش، کنش، والدین.

---

1 . zahra.curriculum.student@gmail.com
2 . Hejazi.um.curriculum@gmail.com
3 . sanaz.abiri69@gmail.com
4 . saeedy@um.ac.ir

مقدمه

سن نوجوانی سن بلوغ و بیداری بوده و دوره نوجوانی دوران مهمی در تکامل جنسی است که ضرورت هدایت و تربیت صحیح جنسی را طلب می کند. اما مشکلی که در این مسیر وجود دارد این است که متاسفانه نادانی و بی خبری، یا حجب کاذب، از عواملی است که عموما مانع از آن می شود تا والدین و مربیان حقایق و واقعیات مربوط به این دوران مهم از زندگی نوجوان را به روش صحیح و اصولی به اطلاع وی برسانند (فرمهینی فراهانی، ۱۳۸۳: ۱)

در دوره نوجوانی، تاثیرات نیرومند احساسات مربوط به تمایلات جنسی، جای بسیاری از تصورات و مفاهیم ذهنی را می گیرد. بدون تردید، واقعه ی بلوغ از مهم ترین رویدادها، و نوجوانی از حساس ترین مراحل زندگی انسان است. نوجوانی دوران پرتلاطمی است که تغییرات جسمانی، جنسی، روانی و اجتماعی را به همراه دارد (حسنی و همکاران، ۱۳۸۱: ۱٦).

تغییرات هورمونی، فیزیکی، شناختی و اجتماعی که در طی نوجوانی رخ می دهد بر تکامل جنسی نوجوانان تاثیر می گذارد. از میان تمام تغییرات تکاملی که بر جنسیت نوجوان تاثیر می گذارد هیچکدام به اندازه بلوغ مشهود نمی باشد. تمامی این تغییرات تاثیر ژرفی بر تصویر ذهنی نوجوان بر جا می گذارد. نوجوان تحت تاثیر تغییرات فیزیکی و روانی بسیار قرار می گیرد (فروزی عزیزاده و همکاران، ۱۳۸٦ :۹٤).

تربیت جنسی [1]یکی از ابعاد تربیت است که در کنار سایر ابعاد آن همچون تربیت اجتماعی، عقلانی، اخلاقی و ... قابل طرح است (قائمی، ۱۳۸۰ :۱۳۵).

تربیت جنسی، مجموعه اقدامات و تدابیر تربیتی شامل آموزش آداب و ضوابط، هدایت، مراقبت و به کارگیری اصول و روش های درستی است، که موجبات رشد غریزه جنسی در جهت تعالی و تکامل شخصیت جنسی کودک را فراهم نماید یا بتواند از این غریزه به نحو مطلوب در رشد فردی و اجتماعی استفاده کند (دیفریتاس[2]، ۱۳۸۲ :۵۹). طبق نظر فرمهینی فراهانی منظور از تربیت جنسی، آموزش آمیزش جنسی نیست، بلکه کلیه ی مسایل و مباحث مربوط به جنس و جنسیت، آموزش مسایل مربوط به بلوغ (تحول های فیزیولوژی و روانی)

1 Sexual Education
2 Dyfrytas

آموزش عفت و اخلاق، کنترل و تعدیل غریزه ی جنسی و ... را شامل می شود.

در حقیقت مقصود از تربیت جنسی، از دیدگاه اسلامی این است که فرد را به گونه ای تربیت کنیم که وقتی به سن بلوغ رسید، حلال و حرام را در مسائل جنسی تشخیص دهد؛ به وظایف زناشویی و همسری آگاه باشد؛ از بی بندوباری بپرهیزد و راه و رسم عفت اسلامی خلق و خوی او باشد (فقیهی و همکاران، ۱۳۸۷ :۵۲).

در پژوهش حاضر مراد پژوهشگران مطابق با نظر امینی در زمینه تربیت جنسی این است که تربیت جنسی در یک معنای فراتر از آموزش جنسی[1]، عبارت است از به کارگیری شیوه هایی برای ایجاد صفات و رفتارهای جنسی سالم و زدودن صفات و رفتارهای جنسی غیرسالم در انسان (امینی و همکاران، ۱۳٦۸ :۱۹۹).

در این عصر لزوم آگاهی دادن به کودکان و نوجوانان درباره مسائل جنسی بیش از زمان های گذشته حس می شود.امروزه که فاصله بلوغ تا ازدواج بیشتر شده است، لازم است در این فاصله هشدارهای لازم در زمینه مفاسد اجتماعی و بروز انحراف به نوجوانان داده شود. شیوع وسایل برانگیزنده و تحریک کننده جنسی و وسایل شگرف انگیز ارتباط جنسی (تلویزیون، ویدئو، ماهواره، اینترنت) هم به این مساله دامن زده است (فرمهینی فراهانی،۱۳۸۳: ۹).

تربیت جنسی از موضوعات چالش انگیز خانواده های ایرانی است. پدران و مادران مسئول نمی توانند نسبت به غریزه جنسی فرزندان خود بی تفاوت باشند زیرا، تربیت جنسی یکی از دشوارترین و حساس ترین انواع تربیت هاست که اندک اشتباه و غفلتی در آن ممکن است کودکان را به وادی فساد بکشاند(امینی و همکاران، ۱۳٦۸ :۳۳۷).

والدین باید بدانند که موضوعات جنسی همیشه یک لغت مبتذل نمی ماند بلکه موضوعات جنسی از جنبه های مهم زندگی انسان ها می باشد (فروزی عزیزاده و همکاران، ۱۳۸٦ : ۹۷).

در تربیت جنسی صرف ارائه اطلاعات کفایت نمی کند بلکه رفتار و نگرش والدین نسبت به امور جنسی در اثربخشی و کارآمدی آموزش اهمیت به سزایی دارد (قائمی، ۱۳۲۸).

نقش والدین در کمک به نوجوان برای گذر از این مرحله حساس است. پدر و مادرهایی که بتوانند موقعیت و شرایط خاص نوجوان خود را درک کنند و بفهمند، بهتر می توانند با فرزند خود همراهی و همدلی نموده و با راهنمایی لازم، نوجوان را به سر منزل مقصود برسانند

1 Sexual Instruction

(سبحانی نژاد و همکاران :٤).

به نظر کیمن[1] (۱۹۹۵) والدین باید بنا بر دو فرض مسلم، مسائل جنسی را به فرزندان خود آموزش دهند: ۱) والدین زمینه ی دانش کافی درباره ی مسائل جنسی را همانند یک مربی خوب و ماهر دارند. ۲) گرفتن تصمیم مبنی بر آموزش مسائل جنسی به فرزندان، در حیطه ی اختیارات خود والدین است (فقیهی و همکاران،۱۳۸۷ :٦۲).

واندرماسن[2] (۲۰۰٤) تربیت جنسی را از دشوارترین بخش های تربیت می داند، زیرا از یک طرف دوران نوجوانی همراه با سرکشی غرایز جنسی بوده و از سوی دیگر، حجب و حیا والدین در ارائه اطلاعات جنسی به فرزندان خود نیز، سردرگمی آنان را در درک جنسی هر چه بیشتر خواهد افزود (همان :۵).

بی پاسخ ماندن برخی سوال ها در ذهن نوجوانان و عدم راهنمایی به موقع پدر و مادر و مربیان منجر به کسب اطلاعات از دوستان و آشنایان منحرف شده و نتیجه آن فعالیت های ناسالم و زودرس جنسی می باشد. از بزرگترین نگرانی های والدین در مورد نوجوانان گرفتاری نوجوانان در تحریکات جنسی است و بسیاری از والدین آمادگی لازم برای بحث کردن در مورد موضوعات جنسی با نوجوانان خود را ندارند. بنابراین مسئولین اعتقاد دارند تربیت جنسی بر عهده والدین، مدارس و شاغلین امور بهداشتی است (فروزی عزیزاده و همکاران، ۱۳۸٦ :۹٤).

مطالعات نشان داده اند که پدران بیش از مادران در یادگیری نقش جنسی کودکان موثرند. پسرانی که روحیه ای مردانه دارند، بیشتر دارای پدرانی هستند که در تصمیم گیری های خانوادگی و تنظیم انضباط های خانوادگی شخصیت غالبی را در محیط خانواده داشته اند. خوشبختانه در مورد دختران اغلب مشکلات کمتر است زیرا، عمدتا در کنار مادر هستند و برای الگوپذیری مادر را در پیش رو دارند. ولی متاسفانه پسران اغلب با نبود پدر در خانه مواجه می شوند و برای آموزش نقش جنسی صحیح، مجبور به تغییر الگو می باشند (سبحانی نژاد و همکاران :۳).

تحقیقات نشان می دهد که قسمت عمده ی تجارب یادگیری جنسی در دوران کودکی،

---

1 Cayman
2 Wandrmasn

بدون دخالت پدر و مادر است؛ ولی توجه آگاهانه به جنس کودک در رفتار و نوع برخورد والدین بسیار موثر است؛ مثلا در خانواده ها با پسر بچه ها با خشونت بیشتری نسبت به دختر بچه ها رفتار می شود یا به پوشاندن لباس های مناسب با جنسیت دختر به دختران و لباس های مناسب پسر به پسران و یادآوری رفتارهای مناسب برای دختران و پسران اهمیت داده می شود؛ به طوری که اغلب از مهم ترین آداب تربیتی در خانواده به شمار می رود (احمدی،۱۳۷۳).

مطالعات نشان داده اند که بیشتر والدین، در کشورهای غربی، از روش آگاهی دهنده با اطلاعات کافی استفاده می کنند و بیشتر نوجوانان نیز این روش را ترجیح می دهند. به نظر می رسد که روش آموزشی باید متناسب با سنین رشد، آگاهی دهنده، هدایت گر و پیشگیری کننده از انحرافات باشد؛ بنابراین از نادیده گرفتن پرسش ها یا دادن اطلاعات نامفهوم و خیالی باید پرهیز شود و بهتر است والدین با یادگیری شیوه های آموزشی مطلوب، خود، عهده دار آموزش جنسی فرزندان شوند (فقیهی و همکاران، ۱۳۸۷ :٦١).

سایانسیرا[1] در تحقیقی تحت عنوان بررسی میزان صلاحیت والدین در زمینه فراهم نمودن برنامه های آموزش جنسی کودکان گزارش نموده که آموزش جنسی در خانواده هایی که ارتباط بین اعضای خانواده بهتر است در سطح بالایی قرار دارد.

بروک [2]در سال ۱۹۹۵در گزارش تحقیقی خود می نویسد آموزش در منزل ممکن است فرصت بهتری از نظر تاثیر مثبت بر رفتارهای جنسی نوجوانان نسبت به برنامه های آموزش جنسی مدارس داشته باشد (فروزی عزیزاده و همکاران، ١٣٨٦ :٩٥).

کونتولا [3](۲۰۰۸) در پژوهش خود، دیدگاه های معلمان و دانش آموزان فنلاندی را در زمینه تربیت جنسی مورد بررسی قرار دادند. پژوهشگران مذکور، بر مبنای دیدگاه های والدین گزارش کرده اند، که آنها نسبت به انتقال و آموزش مسائل جنسی به فرزندان خود دارای اعتماد و اطمینان کافی نبوده و ترجیح می دهند که مدارس و معلمان حرفه ای این کار را انجام بدهند (امینی و همکاران، ۱۳۹۰ :١٧٤ و ١٧٥)

1 Sayansyra
2 Brooke
3 Kvntvla

پژوهشی ادلوی[1] (۱۹۹۱) نشان داد بیشتر والدین با داشتن یک واحد درسی راجع به آموزش جنسی، در مدارس فرزندانشان موافق بودند.

کینگ، پاریسی و ادویر [2](۱۹۹۳) اظهار کرده اند در پژوهش آنها، فقط ۱۸ درصد از شرکت کنندگان که هیچ دوره ی آموزش جنسی ای نگذرانده بودند، راجع به مسائل جنسی با کودکانشان گفت و گو کرده بودند؛ در صورتی که ۸٦/۵ درصد آنهایی که آموزش جنسی دیده بودند، راجع به مسائل جنسی با فرزندانشان گفت و گو داشت. یکی از پرسش های مورد توجه برخی از پژوهشگران این بوده است که آیا گذراندن یک دوره ی آموزش جنسی برای افراد جوان آثار درازمدتی بر تمایل آنها برای بحث درباره ی مسائل جنسی با فرزندانشان، در آینده خواهدداشت یا خیر؟ مطالعات متعددی نشان داده است این دوره های آموزشی تاثیرات درازمدتی بر اعضای شرکت کننده داشته است (فقیهی و همکاران، ۱۳۸۷ :۵۳ و ٥٤).

محققینی در انگلستان به علت نقش مهم والدین به عنوان افراد اصلی در تربیت جنسی کودکان بر برنامه های توانمندسازی خانواده ها تاکید دارند. آنها معتقدند که این توانمندی تعامل بین آموزگاران و والدین را تقویت خواهد نمود (Turnbul،۲۰۰۸).

یافته های تحقیق سبحانی نژاد و همکاران (۱۳۸٤) با عنوان ارزیابی چگونگی تربیت جنسی در خانواده های شهر اصفهان بر اساس مدل کرکلر موید آن است، که میانگین میزان توجه خانواده های شهر اصفهان به حوزه های اصلی تربیت جنسی، یعنی بهداشت جنسی، اخلاق جنسی وآینده ی جنسی پایین تر از سطح متوسط است. نتایج حاصل از این تحقیق، در مجموع بیانگر ناتوانی خانواده ها در زمینه تربیت جنسی فرزندان خود است. روش انجام پژوهش توصیفی و جامعه آماری شامل کلیه خانواده های شهر اصفهان در سال ۱۳۸۳ بوده اند. پس از برآورد آماری نمونه، تعداد ٤۷۳ خانواده از شهر اصفهان با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای، طبقه ای متناسب با حجم و تصلدفی ساده انتخاب شده اند. ابزار اندازه گیری پرسشنامه ٤۸سوالی محقق ساخته بوده است. به منظور تجزیه و تحلیل آماری داده ها از روش های آمار توصیفی و همچنین استنباطی از جمله تک متغیره، و آزمون های تعقیبی توکی استفاده شده است.

---

1 Adlvy

2 King, Paris and Advyr

مطالعه دیگری در کرمان (۱۳۸۲) نشان می دهد که اکثریت والدین نگرش منفی نسبت به آموزش جنسی نوجوانانشان داشتند. این مطالعه از نوع توصیفی است. تعداد نمونه مورد مطالعه ٥٥٤ نفر بودند. نمونه گیری به روش خوشه ای و از مناطق ٥گانه شهر کرمان به صورت تصادفی صورت گرفته است. داده های تحقیق توسط نرم افزار SPSS و با استفاده از آزمون های ANOVA، مربع کای و فیشر و توکی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج این مطالعه تغییر نگرش در سطوح اجتماعی و افزایش اطلاعات والدین در این زمینه را پیشنهاد می کند.

ابوالقاسمی و همکاران در پژوهشی با عنوان تبیین تربیت جنسی دانش آموزان ایرانی از دیدگاه مربیان بهداشت مدارس ابتدایی که از نوع کیفی با استفاده از رویکرد جامعه نگر طراحی شده است، بیان داشتند؛ اکثر مربیان معتقد بودند آموزش سلامت جنسی باید توسط والدین آموزش دیده شروع شود و نحوه تعامل والدین با فرزندان را حائز اهمیت می دانستند و پیشنهاد دادند این آموزش ها برای خانواده ها به گونه ای باشد تا در هر دوره سنی پاسخ گوی سوالات جنسی کودکانشان باشند. در مورد استفاده از والدین بعنوان منبع آموزشی به تفکیک جنسیت معتقد بودند. تعامل خانه و مدرسه را در موفقیت این آموزش ها موثر می دانستند. در این مطالعه نمونه ها به روش مبتنی بر هدف و داوطلبانه انتخاب شده اند. با استفاده از تکنیک بحث گروهی متمرکز اطلاعات جمع آوری شده است و داده ها به روش موضوعی و تئوری پایه تجزیه و تحلیل شده است .

صادق مقدم و همکاران در سال ١٣٨٤ نیازهای آموزش جنسی والدین را به روش توصیفی-تحلیلی بررسی کردند و نتایج نشان داد که تنها ۲۵/۹ درصد مادران قادر به پاسخ گویی صحیح به سوالات فرزندانشان بودند. نتایج اهمیت آموزش و توانمندسازی مادران را نشان می دهد.

مروری بر تحقیقات انجام شده نشان داد که تحقیقی با موضوع بررسی همزمان نگرش و کنش والدین در زمینه تربیت جنسی در داخل کشور صورت نگرفته است، گرچه برخی از یافته های دیگر پژوهش ها به طور غیر مستقیم به مساله تحقیق حاضر مرتبط است، تفاوت این پژوهش با پژوهش های فوق در این است که علاوه بر بررسی نگرش والدین نسبت تربیت جنسی، مقوله های نگرشی شامل باور، شناخت، اخلاق، دین؛ و همچنین مقوله های کنش شامل باور، شناخت، دین، اخلاق و آینده مورد بررسی قرار گرفته است. تلاش بر آن است که

این مختصر بتواند گامی مفید و موثر در تحلیل صادقانه ی اوضاع و شرایط تربیت جنسی نوجوانان بردارد.

فرضیه های پژوهش

۱- در نگرش به تربیت جنسی بر حسب جنسیت والدین تفاوت معناداری وجود دارد

۲- در کنش به تربیت جنسی بر حسب جنسیت والدین تفاوت معناداری وجود دارد.

۳- در نگرش به تربیت جنسی براساس سطوح تحصیلی مختلف تفاوت معناداری وجود دارد.

٤- در کنش نسبت به تربیت جنسی براساس سطوح تحصیلی تفاوت معناداری وجود دارد.

سوالات پژوهش

۱- آیا بین نگرش و کنش والدین در زمینه تربیت جنسی تفاوت معناداری وجود دارد؟

۲- آیا نگرش والدین به تربیت جنسی در سطح مطلوبی قرار دارد؟

۳- آیا کنش والدین در زمینه تربیت جنسی در سطح مطلوبی قرار دارد؟

روش پژوهش

این پژوهش در زمره مطالعات پیمایشی قرار دارد که در آن نگرش و کنش والدین نسبت به تربیت جنسی مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه پژوهش، والدین ساکن در شهر مشهد بوده اند که با توجه به روش نمونه گیری در دسترس تعداد ۲٤۷ نفرحجم نمونه تعیین گردید. جهت گردآوری داده ها از پرسشنامه محقق ساخته که شامل ٤۰ سوال در دو بخش، شامل **الف)** نگرش با ۲۰ سوال که در ٤ مقوله مشتمل بر ۱) باور ۲) دانش ۳) اخلاق ٤) دین و **ب)** کنش با۲۰ سوال که در ۵ مقوله مشتمل بر ۱) رابطه والد- فرزندی ۲) ارایه اطلاعات دانشی ۳) ارایه راهنمایی های اخلاقی ٤) ارایه راهنمایی های دینی ۵) ارایه راهنمایی هایی در زمینه آینده جنسی، تدوین گردید. جهت محاسبه ضریب پایایی از آلفای کرونباخ استفاده گردید. بر این اساس برای بخش نخست پرسشنامه (نگرش) ضریب پایایی معادل۰/۸٤ و برای بخش دوم ۰/۹۲، به طور کلی ضریب پایایی پرسشنامه ۰/۹۱به دست آمد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار رایانه ای SPSS از آزمون های آماری ANOVA، T تک متغیره وT وابسته استفاده گردید.

یافته ها

الف) یافته های توصیفی

نتایج پژوهش نشان داد که ۲۹/۵ درصد پرسشنامه توسط پدران و ٦٧/٦ درصد توسط مادران تکمیل گردید.

جدول (۱) شاخص های آماری میانگین و انحراف معیار را برای تمام متغیرهای مورد مطالعه نشان می دهد. بر اساس نتایج قابل مشاهده بین نگرش و کنش بطور کلی در انحراف معیار اختلاف زیادی وجود دارد(نگرش= ۰/۳ و کنش= ۰/٤٧) .

جدول (۱) شاخص های آمار توصیفی متغیرهای مورد مطالعه

متغیر ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار
نگرش	٢٤٧	٢/٦٩	۰/۳۰
دین	٢٤٧	٢/٩۰	۰/۳۳
دانش	٢٤٧	٢/٧٨	۰/۳۱
اخلاق	٢٤٧	٢/٧٤	۰/۳۹
باور	٢٤٧	٢/٢٨	۰/٦٢
کنش	٢٤۰	٢/٥١	۰/٤٧
رابطه والد-فرزندی	٢٤۰	٢/٦٩	۰/٤٦
راهنمایی دینی	٢٤۰	٢/٦٣	۰/٦٣
ارایه اطلاعات دانشی	٢٤۰	٢/٥٤	۰/٥٤
راهنمایی اخلاقی	٢٤۰	٢/٤٨	۰/٥٥
راهنمایی درباره آینده جنسی	٢٤۰	٢/١٥	۰/٦٦

ب) یافته های مربوط به فرضیه ها

فرضیه اول: در نگرش به تربیت جنسی بر حسب جنسیت والدین تفاوت معناداری وجود دارد. جهت مقایسه مولفه های نگرش والدین نسبت به تربیت جنسی از آزمون T

مستقل استفاده شد که نتایج در جدول شماره ۲ خلاصه شده است. مطابق با نتایج بدست آمده بین جنسیت والدین وهیچ یک از مولفه های نگرش به تربیت جنسی تفاوت معنا داری مشاهده نشد که نشان دهنده رد فرضیه اول می باشد. بنابراین پدران و مادران در نگرش به تربیت جنسی با یکدیگر اختلافی ندارند.

جدول(۲) آزمون T، نقش جنسیت والدین و مولفه های نگرش به تربیت جنسی

مقیاس ها		میانگین	انحراف معیار	تعداد	T آماره	مقدارP
باور	مادر	۲/۲۳	۰/٦۲	۱٦۷	۱/۲۸	۰/۲۹
	پدر	۲/۳۵	۰/٦٤	۷۳		
دانش	مادر	۲/۷۸	۰/۳۰۳	۱٦۷	۰/۲٤٦	۰/٦۳۵
	پدر	۲/۷۷	۰/۳٤۳	۷۳		
دین	مادر	۲/۹۱	۰/۳۲۱	۱٦۷	۰/۳۳۱	۰/٤۵۷
	پدر	۲/۸۹	۰/۳٤۷	۷۳		
اخلاق	مادر	۲/۷۳	۰/۳۸۵	۱٦۷	۰/۰۵۸	۰/۳۲٦
	پدر	۲/۷٤	/٤۲۸.	۷۳		

فرضیه دوم: در کنش به تربیت جنسی بر حسب جنسیت والدین تفاوت معناداری وجود دارد .جهت مقایسه مولفه های کنش والدین نسبت به تربیت جنسی از آزمون T مستقل استفاده شد که نتایج در جدول شماره ۳ خلاصه شده است. بطور کلی بین جنسیت والدین و کنش آنها به تربیت جنسی تفاوت معنا داری وجود دارد (p=/۰۰۱ و ۱۵۲/ ۱۱ = F) بطوریکه میانگین برای مادران ۲/٦۰ و پدران ۲/۳۵ مشاهده شد. همچنین با توجه به نتایج جدول (۳) بین جنسیت والدین با سه مولفه کنش در تربیت جنسی یعنی راهنمایی های ارائه شده در زمینه دین و اخلاق و آینده جنسی تفاوت معنا داری وجود دارد. با توجه به یافته ها فرضیه فوق تنها در سه مولفه راهنمایی های ارائه شده در زمینه دین و اخلاق و آینده جنسی تایید می شود و می توان گفت مادران کنش مطلوب تری در سه مولفه راهنمایی های ارائه شده در زمینه دین ،

اخلاق و آینده جنسی نسبت به پدران دارند.

جدول(۳) آزمون T، نقش جنسیت والدین در مولفه های کنش به تربیت جنسی

مقیاس		میانگین	انحراف معیار	تعداد	T آماره	مقدار P
رابطه والد- فرزندی	مادر	۲/۷۳	۰/٤۳	۱٦۳	۱/۷	۰/۰۷
	پدر	۲/٦۲	۰/٥۱	۷۰		
دانش	مادر	۲/٦٥	۰/٤۷	۱٦۳	٤/۰۲	۰/۱۰
	پدر	۲/۳۲	۰/٥۹	۷۰		
دین	مادر	۲/۷۲	۰/٥٦٦	۱٦۲	۲/۱۸	۰/۰۱
	پدر	۲/٥۲	۰/٦۷۷	۷۰		
اخلاق	مادر	۲/٥۸	۰/٤٦۲	۱٦۳	٤/۳٦	۰/۰۰۱
	پدر	۲/۲٦	۰/٦۰۹	۷۰		
آینده	مادر	۲/۲٤	۰/٦۰۸	۱٦۲	۳/۰٤	۰/۰۱۸
	پدر	۱/۹٦	۰/ ۷۱٤	۷۰		

فرضیه سوم: در نگرش به تربیت جنسی براساس سطوح تحصیلی مختلف تفاوت معناداری وجود دارد. برای تحلیل این فرضیه از آزمون آماری ANOVA استفاده شد. که نتایج آن در جدول (٤) گزارش شده است. با توجه به نتایج قابل مشاهده در جدول٤ بین سطح تحصیلات و باور والدین نسبت به تربیت جنسی رابطه معناداری وجود دارد؛ براین اساس بین لیسانس و بالاتر از لیسانس و زیر دیپلم اختلاف معناداری مشاهده گردید. میانگین برای هر سطح تحصیلی در مولفه باور عبارت است از: ابتدایی= ۲/۰۳، دیپلم= ۲/۲۹، فوق دیپلم= ۲/۲۲، لیسانس=۲/٤۲، بالاتر از لیسانس= ۲/٤۷.بنابراین افراد دارای مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر از آن باور مطلوب تری نسبت به تربیت جنسی دارند. همچنین از تحلیل نتایج جدول فوق مشخص گردید بین سطح تحصیلات و سه مولفه دانش، دین و اخلاق تفاوت معنادار وجود ندارد. بنابراین فرضیه سوم تنها در مولفه باور به تربیت جنسی تایید می شود.

جدول(٤) آزمون ANOVA ، نقش سطح تحصیلات والدین در زمینه مولفه های نگرش به تربیت جنسی

		باور	دانش	دین	اخلاق
سطح تحصیلات	F	۳/۵۵	۱/۵۲	۱/۲	۱/٦۳
	P-value	۰/۰۰۸	۰/۱۹۷	۰/۳۱۲	۰/۱٦۷

فرضیه چهارم: در کنش نسبت به تربیت جنسی براساس سطوح تحصیلی تفاوت معناداری وجود دارد. برای تحلیل این فرضیه از آزمون آماری ANOVA استفاده شد. نتایج در جدول (۵) ارائه شده است. با توجه به نتایج جدول ۵ بین سطح تحصیلات و سه مولفه کنش در زمینه تربیت جنسی شامل ارائه راهنمایی های دینی، اخلاقی و آینده جنسی رابطه معناداری مشاهده نشد اما در دو مولفه دیگر کنش یعنی رابطه والد- فرزند و دانش ارائه شده در زمینه تربیت جنسی با تحصیلات والدین رابطه معناداری وجود دارد. میانگین به دست آمده برای هر یک از سطوح تحصیلی در مولفه رابطه والد – فرزندی عبارت است از: ابتدایی= ۲/۷۷، دیپلم= ۲/٦٤، فوق دیپلم= ۲/۸۲، لیسانس= ۲/۷۵، بالاتر از لیسانس= ۲/٤۹؛ و در مولفه ارائه اطلاعات دانشی میانگین سطوح تحصیلی عبارت است از: ابتدایی= ۲/٦۲، دیپلم= ۲/۵٤، فوق دیپلم= ۲/۵٦، لیسانس= ۲/٦۵، بالاتر از لیسانس= ۲/۲۱. براین اساس فرضیه چهارم تنها در دو مولفه رابطه والد- فرزند و دانش ارائه شده در زمینه تربیت جنسی تایید شد. مطابق با تحلیل صورت گرفته این نتیجه حاصل شد که رابطه والد- فرزندی در سطح بالاتر از لیسانس نسبت به سطوح تحصیلی پایین تر در وضعیت نامطلوب تری قرار دارند. همچنین وضعیت در سطح بالاتر از لیسانس در مولفه ارائه دانش در زمینه تربیت جنسی نسبت به سطوح دیگر نامطلوب تر است.

جدول (۵) آزمون ANOVA، بررسی نقش سطح تحصیلات والدین در زمینه مولفه‌های کنش به تربیت جنسی

		رابطه والد- فرزندی	دانش	دین	اخلاق	آینده
سطح تحصیلات	F	۲/۵۹	۳/٦٦	۱/۱۱	۱/۲۲	۱/٤۱
	P-value	۰/۰۳۸	۰/۰۰۷	۰/۳۵	۰/۳۱	۰/۲۳

یافته های سوالات پژوهشی

سوال۱: آیا نگرش والدین به تربیت جنسی در سطح مطلوبی قرار دارد؟ برای پاسخ به این سوال پژوهشی از آزمون آماری تی تک متغیری استفاده شد در پژوهش حاضر نقطه برش ۷۵ درصدی =۲,۵ به عنوان سطح مطلوب تعیین گردید نتایج آزمون آماری انجام شده در جدول (٦) ارائه شده است. با توجه به میانگین محاسبه شده برای نگرش که برابر با ۲/٦۹ بود و از نقطه برش ۷۵ درصد که برابر با ۲/۵ تعیین شده بیشتر میباشد میتوان نتیجه گرفت که نگرش والدین به تربیت جنسی در سطح مطلوبی قرار دارد.

سوال۲: آیا کنش والدین در زمینه تربیت جنسی در سطح مطلوبی قرار دارد؟برای تحلیل این فرضیه از آزمون آماری تی تک متغیری استفاده شد در پژوهش حاضر نقطه برش ۷۵ درصدی =۲,۵ به عنوان سطح مطلوب تعیین گردید نتایج آزمون آماری انجام شده در جدول (٦) ارائه شده است. کنش والدین در تربیت جنسی به طرز معناداری بالاتراز نقطه برش ۷۵٪ نیست و البته پایین تر از آن هم نیست (M=۲/۵۱)، بنابراین چنین برمی آید که والدین در کنش نسبت به تربیت جنسی در سطح نسبتا مطلوب قرار دارند. (اصطلاح" نسبتا مطلوب " براساس دیدگاه پژوهشگران برای این نتیجه مناسب تر تشخیص داده شده است).

جدول (٦) آزمون Tتک متغیره، مقایسه نگرش و کنش والدین با نقطه برش ۷۵ درصدی= ۲/۵

	میانگین	انحراف استاندارد	آماره T	درجه آزادی	P-VALUE	اختلاف میانگین
نگرش	۲/٦۹	۰/۳	۹/۸۱	۲٤٦	۰/۰۰۱	۰/۱۹
کنش	۲/۵۱	۰/٤۷	۰/٤۳۳	۲۳۹	۰/٦٦	۰/۱۳

سوال ۳: آیا بین نگرش و کنش والدین در زمینه تربیت جنسی تفاوت معناداری وجود دارد:به منظور بررسی این فرضیه از آزمون t وابسته استفاده شد نتایج این آزمون در جدول ۷ نشان داده شده است. با توجه به نتایج حاصل شده بین نگرش و کنش والدین به تربیت جنسی تفاوت معناداری وجود دارد. این نتیجه نشان می دهد با وجود افزایش در نگرش والدین کنش

آنها به این نسبت افزایش نمی یابدبطوریکه در نگرش (M=2.69و SD=.32) و در کنش (M=2.5و SD=.47) محاسبه شده است.

جدول (۷) آزمون T مستقل، بررسی رابطه نگرش و کنش والدین به تربیت جنسی

	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	T آماره	درجه آزادی	سطح معنا داری
نگرش	۲٤۰	۲/٦۹	۰/۳۰	۵/۳۵	۲۳۹	۰/۰۰۱
کنش	۲٤۰	۲/۵۱	۰/٤۷			

نتیجه گیری

باتوجه به اینکه تربیت جنسی یکی از ابعاد تربیتی مهم محسوب می شود و والدین در تربیت جنسی فرزندان نقش به سزایی دارند در پژوهش حاضر بر آن شدیم به بررسی نگرش والدین و مقوله های آن شاملِ باور، دانش، اخلاق و دین، همچنین کنش والدین و مقوله های آن شامل رابطه والد- فرزندی، دانش، اخلاق، دین و آینده در زمینه تربیت جنسی بپردازیم. برای دستیابی به هدف پژوهش پرسشنامه ای ٤۰ سوالی در دو بخش(نگرش و کنش) تدوین شد یکی از محدویت های پژوهش حاضر عدم مشارکت گسترده پدران در روند پژوهش بود از این رو تنها ۲۹/۵ درصد پرسشنامه توسط پدران و مابقی توسط مادران تکمیل گردید.

بر خلاف این تصور غالب که آموزش های مربوط به تربیت جنسی با مقاومت والدین مواجه خواهد شد، نتایج حاصل این پژوهش نشان داد که والدین آمادگی نسبی لازم در جهت ارائه این آموزش ها را دارند .

همچنین والدین دقت و همکاری نسبتا مناسبی در راستای اجرای پرسشنامه های پژوهش داشته اند. گواه این مدعا می تواند یکی از گویه های پرسشنامه مبنی بر این که " فرزندم را با چگونگی بارداری و پیشگیری از آن مطلع کرده ام"می باشد. در این مطالعه این گویه نقش یک گویه دروغ سنج را ایفا نمود در حالی که با نگاه اول به این پرسش ممکن بود انتظار داشته باشیم والدین واکنش منفی نسبت به کل پرسشنامه بروز دهند به نحوی که از تکمیل آن امتناع ورزند و یا با بی دقتی نسبت به این گویه هم تمایل نشان دهند اما مشاهده شد ۹۵/۵٪ والدین از والدین ضمن همکاری صمیمانه به این پرسش با دقت و نکته سنجی پاسخ داده

اند.(گزینه مخالفم را انتخاب کرده اند)

یافته ها حاکی از آن بود که پدران و مادران، تفاوتی در مولفه های نگرش به تربیت جنسی با یکدیگر ندارند. اما آنان در زمینه مولفه های کنش به تربیت جنسی متفاوت از یکدیگر عمل کرده اند، به خصوص در زمینه سه مولفه ارایه راهنمایی هایی در زمینه دین، اخلاق و آینده جنسی مادران کنش مطلوب تری نسبت به پدران داشته اند. این اختلاف می تواند ناشی از حضور کمتر پدر در منزل و ارتباط کم او با نوجوان باشد. براین اساس می توان گفت که ضرورت دارد بین مادران و پدران در زمینه عملکرد (کنش) به تربیت جنسی همخوانی وجود داشته باشد و این عدم همخوانی ممکن است سبب دوگانگی و تعارض در نوجوان نسبت به تربیت جنسی گردد.

علاوه بر این، در بررسی سطح تحصیلات والدین و نگرش به تربیت جنسی مشخص گردید والدین با تحصیلات لیسانس و بالاتر تنها در مولفه باور به تربیت جنسی در وضعیت مطلوبی نسبت به سایرسطوح تحصیلی قرار داشته اند و سطح تحصیلات بر سه مولفه‌ی دیگر (دانش، دین و اخلاق) تربیت جنسی اثری ندارد. اما به صورت کلی والدین با تحصیلات لیسانس و بالاتر نگرش مطلوب تری به تربیت جنسی داشته است. آنچه مسلم است بالا بودن سطح دانش و اطلاعات می تواند بر طرز تفکر، ادراک و نگرش هر فرد تاثیر گذارد. این یافته پژوهشی با تحقیق عزیززاده و علیزاده(۱۳۸۲)، همخوانی دارد. همچنین یافته ها حاکی از آن بود که بین سطح تحصیلات والدین و کنش آنها به تربیت جنسی فرزندانشان تفاوت معناداری وجود ندارد. اما مطابق با تحلیل های صورت گرفته مشخص گردید که در دو مولفه کنش یعنی رابطه والد-فرزندی و ارایه دانش در زمینه تربیت جنسی، والدین با سطح تحصیلات بالاتر از لیسانس نسبت به سایر سطوح در وضعیت نامطلوبی قرار داشته اند. بنابراین می توان نتیجه گرفت که هر چند سطح تحصیلات بر روی باور والدین نسبت به تربیت جنسی و نگرش آنها تاثیر مثبتی دارد، در کنش و عملکرد آنها عکس آن را مشاهده می کنیم.

در پژوهش حاضر نقطه برش ۷۵٪ = ۲/۵ به عنوان سطح مطلوب توسط صاحبنظران تعیین گردید طبق بررسی های صورت گرفته نگرش والدین به تربیت جنسی بالاتر از نقطه برش تعیین شده قرار داشت(M= ۲/٦۹)در حالیکه کنش والدین در تربیت جنسی در سطح نسبتا مطلوب قرار داشت (M= ۲/۵۱). علاوه بر این مشخص گردید بین نگرش و کنش والدین به

تربیت جنسی تفاوت معناداری وجود داردواین نتیجه نشان داد که سطح کنش والدین بـه انـدازه نگرش آنها نیست.این نتایج نشان دهنده این است که عملکرد والدین کاملا منطبـق بـا نگـرش آنها نیست. درحالیکه تجلی نگرش هر فرد در کنش اوست. مطابق با آیه ۲ سوره مبارکه صـف "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ: ای کسانی که به زبان ایمان آورده اید چـرا چیـزی به زبان می گویید که در مقام عمل خلاف آن را انجام می دهید" لازم است گفتار و عمل فـرد یکسان باشد چرا که دوگانگی بین گفتار و عمل هم از نظر دیـن و هـم از نظـر اخـلاق- ولـو خیلی هم شدید نباشد- نامطلوب است. بنابراین ضرورت دارد والدین در عملکرد خود تجدید نظر نمایند تا عمل و نگرش آنان همعنان شود.

پیشنهادات

اگر چه همسو با نتایج پژوهشگران به کرّات با این خواسته از سوی گروه قابل توجهی از والدین، مبنی بر اینکه کارگاه های تربیت جنسی برای افـزایش سـطح آگـاهی آن هـا ضـروری است، مواجه شدند؛ ولی در عین حال پیشنهاد می گردد که جهت روشن شدن اهمیت آمـوزش جنسی صحیح به نوجوانان در جامعه و تأثیر آن در پیشگیری و کنترل رفتارهای نامناسب ابتـدا می بایست هدف آموزش را برای تمام والدین به ویژه گروه اقلیت مخالف تبیـین نمـاییم تـا آگاهی و نگرش آنها نسبت به این موضوع کاملا ارتقا یابـد و در تعامـل بـا برنامـه هـایی کـه مسئولین آموزش و پرورش احتمالاً جهت دانش آموزان می گذراند مقاومت نداشته و مشارکت فعال داشته باشند. فرهنگ سازی و افزایش سطح آگاهی خانواده ها در ایـن زمینـه یکـی از راه حل های ترویج تربیت جنسی مطلوب فرزندان در بین خانواده ها است. همچنین با توجـه بـه این مطلب که سازمان بهداشت جهانی بر سلامت جنسی تأکید زیادی دارد باید به نحو مقتضی سطح اطلاعات ونگرش جامعه را نسبت به آموزش مسائل جنسی بالا بـرد. توصـیه هـایی کـه والدین به فرزندانشان (چه دختر چه پسر) می کنند، باید دربردارنده ی اطلاعـاتی در زمینـه ی روابط انسانی، هویت جنسی، رعایـت مسـائل بهداشـتی، مهـارت هـای زنـدگی، ارزش هـا و خلاقیت های انسانی، بیان احساسات، نیازها، تصمیم گیری هـای مسـئولانه، و افـزایش عـزت نفس آنان باشد (سلحشور ، ۱۳۸٤). بنابراین برگزاری چنـین کارگـاه هـایی از اسـتلزامات ایـن زمینه در جامعه امروز می باشد. **ضمنا** با توجه به یافته های پژوهش حاضر مبنی بر اینکـه هـر

چه سطح تحصیلات والدین افزایش یافته، نگرش آنها نیز نسبت به تربیت جنسی بالاتر رفته است؛ اما کنش آنها نسبت به این زمینه تنزّل یافته است لذا ضرورت دارد در سایر پژوهش ها به علت یابی این مساله پرداخته شود

منابع

ابوالقاسمی، ناریا؛ مرقاتی خویی، عفت؛ تقدیسی، محمد حسین، (تبیین تربیت جنسی دانش آموزان ایرانی از دیدگاه مربیان بهداشت مدارس ابتدایی)، مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، دوره۸، شماره۲، ۱۳۸۹، ۲۷-۳۹.

احمدی، علی اصغر، (۱۳۷۳)، تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران ، تهران ، انتشارات اولیاء و مربیان.

امینی، ابراهیم، (آیین تربیت)، چاپ اول، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳٦۸.

امینی، محمد؛ تمنایی فر، محمدرضا، پاشایی، رقیه، (بررسی ضرورت وجودی و چگونگی توجه به تربیت جنسی در برنامه درسی مقطع متوسطه از دیدگاه دبیران و دانش آموزان)، مجله علمی-پژوهشی پژوهش های برنامه درسی انجمن مطالعات برنامه درسی ایران، دوره اول، شماره اول، ۱۳۹۰، ۱٦۹-۲۰۲.

حسنی، زهرا؛ عسکری، سعید، (اثربخشی خانواده در تربیت جنسی کودکان و نوجوانان)، مجله رشد، دوره ششم، شماره ۱، ۱۳۸۱، ۱٦-۲۰.

دیفریتاس، کریستال، (کلیدهای آموزش و مراقبت از سلامت جنسی در کودکان و نوجوانان)، ترجمه سارا رییسی طوسی، انتشارات صابرین، چاپ دوم، ۱۳۸۲.

سبحانی نژاد، مهدی؛ همایی، رضا؛ سیادت، سید علی، (ارزیابی چگونگی تربیت جنسی در خانواده های شهر اصفهان بر اساس مدل کرکلر)، دومین کنگره سراسری خانواده و مشکلات جنسی، ۱۳۸٤.

سلحشور، ماندانا، (اهمیت تربیت جنسی کودکان و نوجوانان در خانواده)، مجله پیوند، شماره ۳ ، ۱۳۸٤،٤٥-٤۰.

فرمهینی فراهانی، محسن،(محتوای مناسب برای تربیت جنسی در کتب درسی دوره متوسطه)، دو ماهنامه علمی-پژوهشی دانشور رفتار دانشگاه شاهد، دوره جدید سال یازدهم، شماره۹، ۱۳۸۳، ۱-۱٤.

فروزی عزیزاده، منصوره؛ محمد علیزاده، سکینه، (نگرش والدین کرمانی نسبت به آموزش جنسی در سال ۱۳۸۲)، مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی شهید صدوقی یزد، دوره پانزدهم، شماره دوم، ۱۳۸٦، ۹۳-۹۹.

فقیهی، علی نقی؛ شکوهی یکتا، محسن؛ پرند، اکرم، (آموزش جنسی بـه کـودک و نوجـوان از دیـدگاه اسلامی و مطالعات روان شناختی)، دو فصلنامه علمی-تخصصـی تربیـت اسـلامی، سـال ۳، شـماره ۷، ۱۳۸۷، ۵۱-۸۰.

قائمی، علی، (تربیت و مراقبت جنسی فرزندان)، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۰.

قائمی، علی،(تربیت جنسی)، انتشارات رشد، ۱۳۷۷.

نصیری، یوسف؛ جعفری، سید ابراهیم، (درآمدی بر مبانی تربیـت جنسـی در تربیـت اسـلامی)، مجلـه مطالعات اسلامی در علوم انسانی، سال اول، شماره اول، ۱۳۸۹، ۱۰۱-۱۱۸.

Baldwin, S. E. & M. V. Baranoski. (1990), "Family interactions and sex education in the home" Adolescence, vol 25 (99), p.573-582.

Turnbul, T., Wersch, A.V. and Schaik, P.V., 2008. A review of parental involvement in sex education: The role for effective communication in British families. Health Education. Journal, 67, pp.182-19.

مجموعه مقالات نهمین همایش ملی اشراق اندیشه مطهر، **خانواده و تربیت جنسی**
اردیبهشت ۱۳۹٤، ص ۳۷۸-۳٦۱

بررسی نقش خانواده در تربیت جنسی و علل آسیب جنسی از منظر دختران آسیب دیده

آسیه شیرازی/دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره تحصیلی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت[۱]
دکتر عباس قلتاش/ دکترای تخصصی علوم تربیتی، گرایش برنامه ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت[۲]
شیوا ایزدی/ دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره تحصیلی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت[۳]

چکیده

خانواده بیشترین و مهم‌ترین نقش را از ابتدای تولد برای تربیت عهده‌دار است. قوی‌ترین نیرو در وجود آدمی غریزه جنسی است و مسلما باید مورد تربیت صحیح قرار گیرد، اما به جهاتی در خانواده و نظام آموزشی مغفول مانده است. در این تحقیق تلاش شده تا با بررسی دلایلی که دختران آسیب دیده مطرح نموده‌اند به اهمیت نقش خانواده در تربیت جنسی پرداخته شود و متذکر شود که عدم توجه به این مقوله بسیار مهم چه تبعات جبران‌ناپذیری را به دنبال خواهد داشت. روش مطالعه در این تحقیق، کیفی از نوع مطالعه موردی بوده است. نمونه مورد مطالعه ٤ نفر دختر آسیب دیده جنسی با میانگین سنی۲۷ سال بوده‌اند که به روش نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شده‌اند. برای جمع آوری اطلاعات از مصاحبه نیم‌ساخت یافته‌ی عمیق بهره گرفته شده است. یافته های تحقیق حاکی از آن است که دلایل متعددی باعث آسیب‌های جنسی می‌شود که از دوران کودکی فرد آغاز شده و با بی‌توجهی والدین تا بزرگسالی به اوج می رسد. تمام دلایلی که توسط دختران مطرح شد به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به خانواده برمی‌گردد. با استناد به یافته‌های حاصل از مصاحبه مهم‌ترین علل آسیب جنسی را می‌توان نبود آرامش و امنیت و محبت در خانواده، نابسامانی و طلاق در خانواده، عدم توجه به مسئله تربیت جنسی و نظارت بر رفتارهای فرزندان، عدم رعایت اصل مستور بودن آمیزش و اصل استیذان، استفاده‌ی ناصحیح از امکانات و تکنولوژی و عدم مدیریت والدین بر آن، اصول تربیتی و باورهای غلط در مورد ارتباط با جنس مخالف، نابسامانی و طلاق در خانواده، تعصبات مذهبی بیش از حد و سخت‌گیری‌های بیش از حد رفتاری را بر شمرد.

کلید واژه‌ها: آسیب جنسی، تربیت جنسی، دختران آسیب دیده.

---

۱ . asieh2576@yahoo.com(نویسنده مسوول)
۲ . gholtasg578@yahoo.com
۳ . izadi_shiva@yahoo.com

مقدمه

نگاه صحیح و واقع بینانه به غریزه جنسی و ارضا، هدایت و جهت دهی آن عاملی در جهت تکمیل، تکامل و سعادت فرد و راه‌کاری برای اصلاح و ارتقای معنوی، آرامش و آسایش جامعه بشری است. اما برخورد ناصواب و رفتار نامناسب با آن و پیمودن مسیر افراط و آزادی جنسی یا مسیر تفریط و سرکوب، بدون تردید آسیب‌زاست و آسایش و آرامش افراد، خانواده و جامعه را تباه و سلامت جسم و جان و سعادت و کمال انسان را از بین می‌برد و جامعه بشری را با چالش‌های فراوانی مواجه می‌سازد (بهشتی، ۱۳۸۵). غریزه جنسی دو جنبه دارد، جنبه جسمانی و روحی؛ از جنبه جسمی محدود است ولی از نظر تنوع طلبی و عطش روحی که در این ناحیه ممکن است به وجود آید شکل دیگری دارد. بدین معنی که عریزه جنسی نیرومند، عمیق و دریا صفت است. هرچه بیشتر اطاعت شود، سرکش‌تر می گردد، همچون آتشی است که هر چه بیشتر خوراک بدهند، شعله‌ورتر می‌شود (مطهری،۱۳۵٦، به نقل از محمدی، ۱۳۹۰)

دین مبین اسلام در تمام موارد تربیتی انسان و برای تمام مراحل و مقاطع زندگی دستورات ویژه‌ای ارائه داده است تا انسان به بهترین نحو تعلیم داده شود و به هدف نهایی خود یعنی رسیدن به کمال دست یابد، تربیت جنسی نیز یکی از مسائلی است که در اسلام از توجه به آن‌ها غافل نبوده است. تربیت جنسی یکی از دشوارترین و حساس ترین انواع تربیت هاست اما با این حال به جهت آداب و رسوم خرافاتی که باب اسلامی ندارد و آن را حیا و حجب نامیده‌اند از پرداختن به آن سر باز زده‌اند و در فرهنگ ایرانی خانواده ها و نظام تربیتی حاضر به قبول این مسئولیت نیستند و به همین دلیل آسیب های رفتاری نوجوانان در این بعد به طور روز افزون بیشتر خواهد شد.

آسیب های جنسی بحثی بسیار گسترده است که از افراط و تفریط در بها دادن به غریضه جنسی و عدم توجه به تربیت جنسی نشات می گیرد. شناخت راهکارهای پیشگیرانه و آموزشی در جهت تعدیل و مدیریت این غریزه از اهمیت بسیار ویژه ای برخوردار است چراکه اندک اشتباه و غفلتی از آن ممکن است کودکان را به وادی فساد و تباهی بکشاند. اگر انسان در زمینه مسایل جنسی درست تربیت نشده باشد برای ارضای این نیاز به راه‌هایی کشیده می‌شود که هم خود او را به فساد و تباهی می‌کشاند و هم جامعه را. انحراف هایی که مقابله

با آن بخش عظیمی از منابع مالی و غیر مالی دستگاه ها و سازمان های مرتبط نظیر نیروی انتظامی، بهزیستی، نهادهای حقوقی و قضایی و درمانی را به هدر می دهد. پیامدهای ناآگاهی جنسی در کودکان و نوجوانان بسیار مخرب تر از آگاهی آن‌ها در این زمینه است؛ پیامدهایی از قبیل به دست آوردن اطلاعات غلط، بی حد و حصر و بی موقع از منابع ناموثق، احساس گناه و خجالت از مشاهده عوارض طبیعی بلوغ که به انزوا و درون گرایی و خودارضایی می انجامد، آگاهی نداشتن از تکالیف شرعی و بهداشتی، کنجکاوی ها و درگیری‌های ذهنی بیش از حد، افزایش درگیر شدن در روابط جنسی ناخواسته، تشخیص ندادن نشانه های سوءاستفاده جنسی، گرایش به راه‌های نامشروع ارضای این غریزه از جمله زنا، لواط، خودارضایی و ... .

تربیت جنسی تنها آموزش دانستنی‌های جنسی و یا پروردن و اوج دادن غریزه نیست، بلکه مقصود از تربیت جنسی ایجاد زمینه ها و موقعیت‌هایی است که متربی را با ارضاء و هدایت غریزه جنسی و با رفتارهای جنسی اعتدال آمیز و هماهنگ با هدف خلقت آشنا می‌سازد؛ بهداشت و سلامت جسمی او را تامین کند و زمینه رشد و شخصیت فردی، اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی او را به وجود می‌آورد (بهشتی، ۱۳۸۵).

با این وصف والدین، معلمان و مربیان موظف‌اند با آموزش‌های خود شرایطی را فراهم کنندکه همراه با رشد طبیعی، آگاهی‌های جنسی و مهارت‌های کنترل در نوجوانان و کودکان افزایش یابد تا به میل و اختیار خود او از خطاهای جنسی اجتناب کنند. آموزش مسائل جنسی به صورت صحیح و کامل در هر دوره در کنار فراگیری ارزش‌ها و هنجارهای دینی و پرورش مهارت‌های کنترل افراد را به سوی صلاح و پرهیز از فساد سوق می‌دهد و موجب سلامت روان نسل جوان و جامعه می‌شود (فقیهی و همکاران، ۱۳۸۷).

مبانی نظری

اسلام قدرت و اهمیت غریزه جنسی را به عنوان یک حقیقت مسلم پذیرفته است اما برای ارضای آن راه‌های خاصی را پیشنهاد داده است. خداوند در آیه شریفه ۲۷ و ۲۸ سوره نساء به نیرومندی و توانمندی این غریزه و ضعف انسان در برابر آن اشاره کرده است. در دیدگاه اسلام بر خلاف دیدگاه تفریطی که بر ممانعت از هر گونه ارضای جنسی تاکید دارد و دیدگاه افراطی که بر ارضای کامل جنسی و به عبارتی ولنگاری جنسی تاکید دارد، دیدگاه معتدلی در ارتباط با

ارضای غریزه جنسی دارد و برای آن راه‌کارهای مناسب و در چهارچوب مشخص ارائه داده است.

غریزه جنسی از منظر اسلام و دانشوران مسلمان موهبتی الهی و امری طبیعی و فطری است و چنین علاقه و میل باطنی زن و مرد به یکدیگر امری پسندیده و نیکوست و هیچ گونه زشتی و پلیدی ندارد. گرایش و تمایل باطنی زن و مرد به یکدیگر آیت خدا، عطیه الهی، عامل بقا، نوع و نیز زمینه لذت بردن و کامجویی است (بهشتی، ۱۳۸۵).

اگر این غریزه پرورش خردمندانه و درستی داشته باشد زندگی را قرین خوشی و آسایش می‌گرداند. اما اگر در ارضای آن افراط و تفریط صورت گیرد ممکن است ضایعات جسمانی- روانی فراوانی را به دنبال داشته باشد و دنیا و آخرت آدمی را تباه کند. انسان با تزکیه نفس، آزادسازی عقل و کنترل آن می‌تواند بر قوای غضب و شهوت به عنوان بزرگترین دشمن آدمی پیروز گردد. چراکه انسان در سایه‌ی تزکیه و تقوا و پرورش نفس می‌تواند کلیه استعدادها و توانایی‌های خود را در جهت سازندگی و عزت ابدی و دست یابی به کمال و قرب الهی شکوفا سازد (فرهادیان، ۱۳۸۷، به نقل از محمدی و مرزوقی، ۱۳۹۱)

با تاکید بر منابع اسلامی و تحقیقات انجام شده دین اسلام راهکار مشروع و سالم تامین این غریزه را ازدواج می داند اما برای کسانی هم که به دلایلی امکان ازدواج برایشان مهیا نیست راهکارهای تعدیل کننده‌ای از جمله حیا و عفت در نگاه و رفتار و سالم سازی اجتماع بیان نموده که پرداختن به اجزای آن در این تحقیق نمی‌گنجد. پژوهش حاضر با تاکید بر دیدگاه اسلامی و تطابق آن با فرهنگ ایرانی به هماهنگی بین عوامل عمده تربیتی یعنی خانواده، مدرسه و جامعه نظر دارد.

با توجه به مطالعات انجام شده در مورد لزوم تربیت جنسی می‌توان موارد: لزوم تربیت همه جانبه، رشد معنوی و رسیدن به قرب الهی، تاکید اسلام و اندیشمندان بر اهمیت تربیت جنسی، وجود غریزه جنسی در هر فرد و لزوم هدایت جنسی و پاسخ متعادل به این غریزه، تحکیم و تثبیت نهاد خانواده، ایجاد جامعه سالم برای ساخت آینده‌ی هر کشور و بقا و حفاظت نسل، زندگی در عصر ارتباطات و تکنولوژی های ارتباطی، افزایش فاصله بلوغ تا ازدواج، پایین آمدن سن بلوغ و بالا رفتن سن ازدواج، افزایش محرکات جنسی و کمک به تصمیم گیری مناسب برای نوجوانان و جوانان درباره مسائل جنسی را به عنوان دلایل عمده

اهمیت و ضرورت توجه به تربیت جنسی در نظر گرفت. اگر انسان در زمینه مسایل جنسی درست تربیت نشده باشد برای ارضای این نیاز به راه‌هایی کشیده می‌شود که هم خود او را به فساد و تباهی می‌کشاند و هم جامعه را. انحراف‌هایی که مقابله با آن بخش عظیمی از منابع مالی و غیر مالی دستگاه‌ها و سازمان‌های مرتبط نظیر نیروی انتظامی، بهزیستی، نهادهای حقوقی و قضایی و درمانی را به هدر می‌دهد. مشکلاتی که تنها با آموزشی به موقع و به جا می‌شد که از بروز آنها پیش‌گیری کرد.

البته در بحث تربیت جنسی باید به این موضوع توجه کرد که در آموزش باید حد میانه را رعایت کرد و اطلاعات باید آرام آرام به تناسب نیاز، سن و سطح تحول کودک، فرهنگ جامعه و خانواده باید داده شود که هم کنجکاوی‌شان را ارضاء کند هم این که باعث تحریک بیشتر نشود. والدین و مجریان تربیت جنسی باید در حین آموزش و در طول فرآیند تربیت جنسی به نحوی احساس صمیمیت، امنیت و آرامش را برای کودکان و نوجوانان فراهم کنند که آن‌ها بت‌وانند بدون ترس و اضطراب هر نوع مسائلی در این مورد در هر مقطع سنی برایشان اتفاق افتاد با آن‌ها مطرح نمایند و از آن‌ها راهنمایی بخواهند. تربیت جنسی در خانواده باید از همان کودکی و سن ۳سالگی که کنجکاوی در مورد فیزیک و آناتومی بدن آغاز می‌شود صورت گیرد و با توجه به نیاز و درخواست کودک به صورت تدریجی انجام شود. تربیت جنسی در مدارس هم همگام با والدین با توجه به شرایط سنی از همان مقطع ابتدایی باید آغاز گردد؛ چراکه سن بلوغ و سن آسیب جنسی پایین[1] آمده است و پیشنهاد می‌شود به تناسب سن و نیاز اطلاعاتی بدین شرح داده شود:

- توضیح ویژگی‌های جسمی و روانشناختی دوران بلوغ
- فیزیولوژی دستگاه تولیدمثل و تفاوت آناتومی زن و مرد.
- تشریح نکات بهداشتی بلوغ و بهداشت جنسی
- توضیح مسایل دینی، شرعی و عرفی در مورد بلوغ و مسائل جنسی
- آشنایی با فلسفه وجودی در اسلام

---

۱. به گزارش خبرگذاری فارس پروفسور داریوش فرهود پدر علم ژنتیک ایران و فوق تخصص ژنتیک بیان کرده است که با بررسی‌هایی که در سه نسل گذشته از صد سال تا کنون انجام شده است سن بلوغ و شروع عادت ماهیانه از سن ١٤ سالگی به ١٢ سالگی رسیده است(farsnews.com)

- تاثیرات دوست و راهنما در سلامت یا سقوط فرد و خطرها و پیامدهای منفی دوست‌های خیابانی
- آموزش‌هایی در رابطه با حدود روابط دو جنس مخالف برای پاسداشت از شرافت خود

نحوه اجرا و آموزش تربیت جنسی در مدارس می‌تواند از طریق کتاب و جزوات آموزشی، مشاوران مدرسه، سخنرانی توسط پزشکان، روانپزشکان، روحانیون و متخصصان، فیلم های آموزشی، آموزش به والدین و ... باشد.

تایلور (۱۹۹۹) مشکلات رفتار جنسی را دامنه گسترده ای از رفتارها به شرح زیر معرفی می‌کند:

- یک حادثه منحصر به فرد که نشان می دهد دانش کودک از رفتار جنسی فرد بالغ فرای سن و مرحله رشدی اوست و یا نشان می‌دهد ذهن وی منحصرا معطوف به مسائل جنسی است.
- خصوصیات رفتار جنسی که اگرچه خود رفتارها می‌تواند طبیعی باشد ولی به اصلاح و تادیب افراد بالغ واکنشی نشان نمی‌دهد.

رفتارهای جنسی که خود و دیگران را آزار می دهد و به طور جدی به آن ها صدمه می‌زند.

سازمان آموزش رشد کودک استرالیای جنوبی (۲۰۱۰) نیز نشانه‌ها و ویژگی‌های سه طیف رفتاری بهنجار، نگران کننده و وخیم را بررسی کرده و واکنش مناسب را در برابر هر طیف رفتاری مورد کاوش قرار داده است.

بر طبق مطالعات انجام شده راهبردهای پیشگیری از آسیب جنسی به اختصار شامل موارد زیر می‌باشد:

- اصول پیشگیری از انحرافات جنسی قبل از تولد: روش های تربیتی که از این اصول به دست آمده شامل توجه در انتخاب همسر، پرهیز از ازدواج با شرابخوار، دیوانه، پرهیز از ازدواج فامیلی، رعایت آداب اسلامی هنگام آمیزش، سفارش به آمیزش در زمان‌های معین و مکان‌های خاص(رهنما و همکاران، ۱۳۸٦)
- جداسازی بستر والدین از فرزندان و مستور بودن آمیزش جنسی و رعایت اصل

استیذان: در این باره حضرت محمد (ص) می فرمایند: «به خدا سوگند اگر مردی با همسرش آمیزش کند و در اتاق طفلی باشد و آن دو را در حال جماع ببیند و سخنانشان یا حتی نفس کشیدنشان را بشنود آن کودک هرگز موفق نخواهد شد و آلوده به زنا خواهد شد» (کافی، ۵۰۰/۵).

- جداسازی بستر کودکان از یکدیگر: یکی از راهکارهای موثر در سلامت خانواده جداسازی بستر کودکان به ویژه کودکان ناهمجنس از یکدیگر است. چنان که حضرت محمد(ص) در باره می‌فرمایند: بستر کودکان باید در سن ۱۰سالگی از یکدیگر جدا شوند (فیض کاشانی، ۱٤۱۲ق، به نقل از بهشتی، ۱۳۸۵).

- پوشاندن اندام جنسی و رعایت پوشش مناسب: پوشاندن اندام جنسی و داشتن پوشش مناسب در خانه و بیرون از خانهبر طبق موازین اسلامی باید از همان کودکی جهت تثبیت شرم و حیا در فرزندان آموزش داده شود، چنان که خداوند حکیم در آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور به مردان و زنان با ایمان می‌فرماید که عورت خود را از نگاه دیگران حتی نامحرمان بپوشانند. همچنین در آیات ۵۹ و۳۳ سوره احزاب و ۳۳سوره نور و آیات متعدد دیگر در مورد حدود پوشش سخن گفته شده است.

- تربیت جنسی و ارایه اطلاعات و پاسخ مناسب به پرسش‌های جنسی کودک و نوجوان: دوران بلوغ و نوجوانی که مرحله‌ی بیداری غریزه ی جنسی است یکی از مراحل حساس زندگی آدمی است که ضرورت هدایت و تربیت صحیح جنسی را طلب می‌کند . اما مشکلی که در این مسیر وجود دارد این است که متاسفانه نادانی و بی‌خبری یا حجب کاذب از عواملی است که عموما مانع از آن میشود تا والدین و مربیان، حقایق و واقعیت مربوط به این دوران مهم از زندگی نوجوان را به روش صحیح و اصولی به اطلاع وی برسانند. ولی اگر کسی نباشد که این کار را بر عهده بگیرد، این پدیده خود در مسیر زندگی آن شخص، به وجود خواهد آمد ، اما به طور اتفاقی و بدون انتخاب احسن (فرمیهنی فرهانی، ۱۳۸۳).

- آموزش حدود روابط دختر و پسر: وضعیت مطلوب و سنجیده در روابط دختر و پسر شامل شناخت از واقعیت‌های جنس مخالف، اجتناب از خیال پردازی و تصویر خیالی در مورد جنس مخالف، از بین بردن ترس‌ها، دلهره‌ها، هیجان‌ها، خصومت‌ها و خشونت نسبت به جنس مخالف، حفظ خونسردی و صلابت شخصیت به هنگام برخورد، مبتنی بر احترام با مراعات

حدود شرعی، پرهیز از روابط پنهانی با جنس مخالف و مشورت با والدین در این گونه موارد اجتناب از برقراری روابط صمیمانه با جنس مخالف قبل از عقد شرعی و پرهیز از خودنمایی و جلب توجه می‌باشد (رهنما و همکاران، ۱۳۸٦).

- انتخاب دوست مناسب و روابط مناسب: والدین باید بر انتخاب دوست فرزندان خود نظارت کامل داشته باشند چرا که دوست بد انسان را به ورطه نابودی می‌کشاند. در سوره فرقان آیه ۲۸ آمده « وای بر من ای کاش آن شخص را دوست خود نگرفته بودم البته این تاسف نتیجه‌ای ندارد».

- اصلاح روابط خانوادگی: روابط صمیمانه و سرشار از احترام، امنیت و آرامش در خانواده باعث می‌شود همه اعضا برای رشد و بالندگی یکدیگر تلاش کنند و به یکدیگر محبت و احترام داشته باشند و از انحراف‌ها و لغزش‌های یکدیگر جلوگیری کنند. حضرت علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرمایند «با خانواده‌ات به خوبی و گرمی رفتار کن زیرا آن‌ها بال و پری هستند که به وسیله آنان می‌پری» (نهج البلاغه، ص٤٠٥).

- ایجاد جامعه سالم و زمینه برای رشد و شکوفایی: بی‌تردید سلامت جامعه بر اساس سلامت افراد شکل می‌گیرد و اگر افراد به درستی در زمینه تربیت جنسی قرار گرفته باشند و همزمان پایبند به اصول مذهبی، اخلاقی و عرفی باشند، جامعه‌ای خواهیم داشت که در آن شاهد رشد و شکوفایی هستیم نه فساد و تباهی و نابسامانی.

- پرکردن اوقات فراغت با کار و ورزش و تفریح سالم
- آموزش تنظیم خواب و تغذیه مناسب و اصلاح برنامه غذایی

پیشینه پژوهشی

اگرچه اهمیت پرداختن به این مسئله هر روز برای مسئولان روشن‌تر می‌شود اما همچنان فقر پژوهش در این زمینه خود از عوامل محدود کننده پرداختن جدی به این مسئله است.

یافته‌های تحقیق سیدان و عباس لو (۱۳۸٤) حاکی از آن است که رابطه جنسی از نظر دختران بی‌مبالات جنسی وسیله اصلی برای تامین محیط کاملا خصوصی و صمیمانه است که جوامع مدرن کنونی ضرورت آن را ایجاب می‌کند. بیش از ۵۰ درصد از دختران برای ایجاد رابطه ای عمیق و صمیمانه و جلب رضایت طرف مقابل و ... بدین کار مبادرت کرده‌اند در

حالی که نیمی دیگر علاوه بر آن به دنبال لذت جویی نیز بوده‌اند.

در سال ۱۳۹۰در پژوهشی که توسط امینی و همکاران انجام شد با بررسی میدانی نظرات دبیران و دانش‌آموزان ضرورت گنجاندن مطالبی مرتبط با تربیت جنسی در برنامه درسی نشان داده شد.

کلانتری و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیق خود بر آموزش بلوغ و مسایل جنسی به دختران تاکید کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که لزوم نهادینه شدن آموزش های رسمی دوران بلوغ در کشور ایران در نظام بهداشت و درمان ضروری است. با وجود همه تحولات فرهنگی در خصوص موضوع بلوغ در جامعه ایران همچنان فرهنگ عرفی غالب در جامعه و خانواده ها با موضوع بلوغ با احتیاط شدید و به صورت خاموش برخورد می‌کند، که لزوم تغییر در دیدگاه و توجه در این مورد را می‌طلبد.

در تحقیقات لاتین که بسیار جزئی‌تر و عمیق‌تر به اهمیت و بررسی این مسائل پرداخته است شاهد نتایج کمی و کیفی دقیق‌تری هستیم.

وایل اسچاورز[2] (۲۰۱۰) در تحقیق خود نشان می‌دهد که میزان بارداری، سقط جنین و بیماری‌های مقاربتی در نوجوانان آمریکایی بیشتر از کشورهای توسعه یافته است و این میزان رو به افزایش است عواملی که با باروری نوجوانان و رفتارهای مخاطره آمیز جنسی آن‌ها مرتبط است شامل: جایگاه اقتصادی-اجتماعی، وضعیت تحصیلی والدین، اجتماع و عوامل موثر دیگری مانند عزت نفس، دسترسی به آموزش و موفقیت در مدرسه میان عوامل بیشمار دیگر است. بسیار محتمل است که مادران نوجوان از مدرسه اخراج می‌شوند و با مشکلاتی نظیر بیکاری، فقر، وابستگی های رفاهی و دیگر نتایج منفی رویرو شود تا زمانی که تولد بچه را به تعویق می‌اندازد.

پنیکس باراکا و اودونوهو[3](۲۰۱۰) در تحقیق کیفی خود به حالت‌های اخیر نظریات و تحقیقات مربوط به آزارهای جنسی و پیشگیری و درمان آن ها پرداخته است. آن ها مشکلات واضح و معانی ضمنی آن‌ها را مورد بررسی قرار داده و به آزارهای جنسی همه‌گیر و عوامل مربوط به پررنگ شدن آن مثل ویژگی‌های سازمانی محیط، افرادی که مرتکب این عمل شده‌اند

2 . Wile schwarz

3. Penix sbraga & o'Donohue

و دریافت کنندگان آزارهای جنسی پرداخته‌اند و در انتهای تحقیق خود تفسیر خودشان را از مراحل درمان و پیشگیری آزارهای جنسی ارائه کرده‌اند و راه‌هایی برای پربار شدن و پیشرفت نظریه‌های تحلیل جنسی پیشنهاد کرده‌اند.

اما در تحقیق کمی که در کشور مالزی توسط قانی و همکاران (۲۰۱۳) در بین دختران نوجوان انجام شد، به این نتیجه رسید که ارتباط معناداری بین ارزش‌های اخلاقی اسلامی و الگوهای رایج رفتاری رایج در بین نوجوانانی که درگیر ارتباطات جنسی قبل از ازدواج شده‌اند، وجود دارد. نتایج تحقیق این معانی ضمنی را در بر داشت که دختران نوجوان و والدین شان باید تحت آموزش جنسی قرا بگیرند تا از ارتباطات جنسی پیش از ازدواج و بیماریهای مقاربتی مربوط به آن پیشگیری شود. همچنین نیاز به پیشگیری و برنامه های توانبخشی در گذوه نوجوانان با رفتارهای پر خطر احساس می‌شد و نوجوانان نیازمند رشد ارزش های مثبت در خود مانند احترام به خود و عزت نفس اند؛ همان قدر که نیازمند آموزش‌های مثبت الگوهای ارتباطی و برخورد هستند (قانی، عبدالله،سید اکیل و نورالدین،۲۰۱۳)[٤].

روش تحقیق

تحقیق حاضر یک بررسی کیفی است که جمع آوری اطلاعات آن از طریق مصاحبه نیم ساخت یافته انجام گرفته که در آن پاسخگو تا حدودی آزادی عمل داشته و در طی آن سعی شده ارتباط سوالات با اهداف بررسی حفظ شود. این نوع مصاحبه دارای انعطاف پذیری بوده و برای تحقیق کیفی کفایت‌های لازم را دارد.

در این بررسی برای دست یافتن به افراد از روش نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شده و تعداد ٤ نفر که با مشکل آسیب جنسی روبرو بوده‌اند شناسایی شده و تحت مصاحبه عمیق قرا گرفته‌اند و اطلاعاتی همچون مشخصات فردی، وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی، زمان و چگونگی آسیب، نحوه برخورد با آن، انگیزش آن ها، میزان پایبندی به ارزش‌ها و اعتقادات دینی و تست شخصیت از آن‌ها طی چندین مصاحبه اخذ گردید لازم به ذکر است رضایت آگاهانه، محرمانه بودن اطلاعات و حفظ گمنامی در همه مراحل مصاحبه مد

4. Ghani , Abdullah , Syed akil & Nordin

نظر قرار داده شد.

یافته‌های پژوهش

پس از بررسی مصاحبه‌های انجام شده دختران آسیب دیده علل آسیب‌های جنسی را بـدین شرح بیان کردند:

۱- نابسامانی و طلاق در خانواده و غفلت و بدرفتاری با کودکان:

کد الف می‌گفت: «در سن ۹ سالگی در هنگامی که روابط پنهانی در حد لمـس و نـوازش با پسر دایی ام داشتم مادرم ما را دید اما هیچ عکس العملی نشان نداد». کد ب بیان می‌کرد: «ما مدام در خانه جنگ و دعوا داشتیم و من در خانه هـیچ محبـت و امنیـت و آرامشـی احسـاس نمی‌کردم و هیچ گاه مورد محبت پدرم قرار نگرفتم و اولین بار که یک مرد مـرا مـورد محبـت قرار داد و در آغوش کشید هیچ کنترلی بر احساساتم نداشتم و خود در همان بـار اول بـاختم». بدرفتاری و غفلت از کودکان، روابط مختل و مشکل بین والدین و فرزندان نیز می تواند عامـل مهمی در ابتلا به مشکلات و اختلالات روانی در بزرگسالی شود. در مورد انحرافات جنسی نیز این موضوع واقعیت دارد، اما این که تجربه های منفی کودکی چگونه ظهور انحرافـات جنسـی را تسهیل می‌کنند، موضوع پیچیده‌ای است[5] (دی اس ام پنج،۱۳۹۳).

۲- تعصبات مذهبی بیش از حد و سخت‌گیری‌های بیش از حد رفتاری:

کد الف اذعان می‌دارد: «پدرم آنقدر در مورد روابط من بـا جـنس مخـالف سـخت گیـری می‌کرد و مدام ما را سرزنش می‌کرد که نسبت به جنس مخالف حساس تـر و کنجکـاوتر شـده بودم». و کد ب بیان می‌کرد: «در رفت و آمدها و رفتارهـایم هـیچ اختیـاری نداشـتم و پـدر و مادرم کاملا اختیار و اراده من را سلب کرده بودند و می‌خواستم از زیر یوغ آن هـا فـرار کـنم». حضرت علی (ع) در این باره می‌فرماید «سرزنش‌های بیجا آتش لجاجت و خصومت نوجـوان را شعله‌ور می‌سازد.» (تحت العقول، ۸٤. به نقل از احمدی۱۳۹۱)

۳- عدم پاسخ گویی به سوالات و کنجکاوی‌های جنسی و جنسیتی آنها (عدم آموزش‌های جنسی):

شاید پر رنگ‌ترین علتی که به صورت مشهودی بـین تمـامی مصـاحبه شـونده‌هـا فـارغ از

5. DSM 5

شرایط متفاوت خانوادگی و اجتماعی به چشم می‌خورد عدم پاسخ گویی به سوالات و کنجکاوی‌های طبیعی آنان نسبت به غریزه جنسی بوده است. همه مصاحبه‌شونده‌ها اظهار داشتند که هیچ گاه آموزش خاصی از پدر و مادر یا معلم و مدرسه در مورد نشانه‌های جسمی و روحی بلوغ، دغدغه ها و سوال‌های جنسی خود دریافت نکرده‌اند و تمام اطلاعات در این موارد را از طریق کنجکاوی‌های بی‌مهابای خود در پاسخ گویی نیازهای ارضا نشده شان به دست آورده‌اند که در اغلب موارد افراطی و غلط بوده است.

والدین، معلمان و مربیان موظف اند با آموزش‌های خود شرایطی را فراهم کنند که همراه با رشد طبیعی، آگاهی‌های جنسی و مهارت های کنترل در نوجوانان و کودکان افزایش یابد تا به میل و اختیار خود از خطاهای جنسی اجتناب کنند (فقیهی و همکاران، ۱۳۸۷).

٤- شکست های عاطفی و مانع گذاری و مخالفت‌های خانواده در مورد ازدواج فرزندانشان:

کد ب بیان می‌کند «من تا سن ازدواج هیچ مشکلی نداشتم اما هنگامی که با ازدواجم با کسی که علاقه داشتم مخالفت شد به خطا رفتم و باعث شد دیر ازدواج کنم».

کد ج بیان می‌کند: «به خاطر اختلاف عقیده در مورد انتخاب همسر با مادرم بارها دچار تنش‌های عمیق شدم چرا که مادرم میل داشت با پسر خاله‌ام ازدواج کنم و به صورت کاملا مشهودی سعی در تحمیل عقیده‌اش به من داشت و من هم برای ابراز مخالفتم با او رابطه پنهانیم را با فرد مورد نظرم ادامه میدادم» یا در جای دیگری از مصاحبه بیان می‌دارد: «مادرم همیشه وقتی خواستگاری دلخواه داشتم سختگیری‌های بیجا می‌نمود یا بلاخره ایرادی می‌گرفت و می‌گفت حتما باید تا آخرین درجه درست را ادامه دهی و بعد ازدواج کنی؛ جوری که شکست‌های عاطفی پی در پی و افسردگی مرا کاملا بی‌رمق کرده بود.»:

۵- اصول تربیتی و باورهای غلط در مورد ارتباط با جنس مخالف:

کد ج بیان می‌کند : «همواره از مادرم یاد گرفته بودم که باید نسبت به جنس مخالف بی‌تفاوت باشم و به پسرها بی‌محلی کنم چون اگر کسی قصدش خیر باشد تنها راهش این است که به خواستگاری بیاید؛ این مسئله باعث شده بود که در طول دوران دانشجویی نتوانم حتی با هم کلاسی های پسرم سلام و احوال پرسی کنم و این ضعف مرا در ارتباط اجتماعی می‌رساند نه بر خلاف فکر مادرم نجابت و حیای مرا.»

یا در قسمتی کد د بیان می‌کند که : « من با نظر مادرم موافقم که همه مرد ها بد ذات‌انـد و نیت بدی دارند و اگر کسی واقعن تو را بخواهد با خانواده‌اش به خواستگاری تو میاد. نباید بـه مردا رو داد من یه بار این کارو کردم و نتیجه‌اش را دیدم و الانم دیگه اصلا دلم نمی‌خـواد بـه هیچ مردی نگاه کنم .»

واضح است که آموزش‌های غلط سنتی که به صورت ارثـی هـر مـادر بـه دختـرش منتقـل می‌کند، در دختران نگاه منفی و طرحواره‌های بد بینانه نسبت به غیر هـم‌جـنس ایجـاد کـرده و ارتباط سالم و انتخاب درست را با مشکلات عمیقی مواجه می‌سازد که نه تنها زندگی فـردی و عواطف دختران را به عنوان جنسی ضعیف که همواره طعمه و در معرض خطر هستند، تحـت تاثیر قرار می‌دهد؛ بلکه روابط اجتمـاعی آن‌هـا را در محـیط کـار بـا همکـاران مـرد و روابـط زناشویی آنها را با همسرانشان دچار مشکلات زیادی می‌کند که کلینیک های زوج درمـانی هـر روزه شاهد آن است.

٦- عدم رعایت اصل مستور بودن آمیزش جنسی:

کد الف بیان می کرد: «پدر و مادرم در مکان بسته آمیزش نمی‌کردند و هنگام آمیـزش مـن متوجه می‌شدم و صدای نفس نفس هایشان و حرکاتشان تا چند روز روح و روان مـرا درگیـر می‌کرد و خیلی مرا به هم می‌ریخت». و کد ب بیان می‌کرد: «پدر و مادرم بسیار بـه هـم علاقـه مند بودند و اکثر مواقع در اتاق در بسته به سر می‌بردند که این موضـوع مـدام کنجکـاوی مـرا تحریک می‌کرد که آنها در اتاق چه می‌کنند.»

در این باره حضرت محمد (ص) می‌فرمایند: «به خدا سوگند اگر مردی با همسرش آمیزش کند و در اتاق طفلی باشد و آن دو را در حال جماع ببیند و سخنانشان یا حتی نفس کشیدنشان را بشنود آن کودک هرگز موفق نخواهد شد و آلوده به زنا خواهد شد». (کافی، ۵۰۰/۵)

۷- در اختیار گذاشتن امکانات و یا آزادی‌های بیش از حـد رفتـاری و عـدم مـدیریت بـر روابط فامیلی :

کد د شرح می‌دهد که آزادی رفتاری بالایی داشته، می‌توانسته خودش مسافت‌های طـولانی را با اتومبیل شخصی تنهایی برود و زیاد مورد سوال و جواب قرار نمی گرفته. او همچنین بیان می‌دارد ارتباطات فامیلی خیلی صمیمی و نزدیک موجب می‌شده که خانواده هرگز شـک نکنـد که ممکن است آسیبی از درون فامیل او را تهدید کند در صورتی که او مدت های زیادی را بـا

پسر عموی خود که به او علاقه‌مند بوده تنها سپری می‌کرده و همین موضوع بالاخره موجب ارتباط جنسی نا خواسته برای او می‌شود تا جایی که وی ناخواسته باردار و مجبور به سقط می‌شود.

۸- تاثیر گروه‌های دوستی و هم سالان و هیجان طلبی‌های مدیریت نشده:

دوره‌ی نوجوانی دوره‌ای است که همسالان و دوستان بیشترین نفوذ و تاثیر را بر هم دارند و اطلاعات ناقص و گاها غلط خود را به هم منتقل می‌کنند. این تاثیر در زمینه‌ی مسایل جنسی به گونه‌ای مشهود برجسته‌تر است. موضوعات جنسی ازآنجا که با تابوها در ناخودآگاه بشر سروکار دارند موضوعاتی ممنوع هستند. به نظر فروید بشر به شدت از مساله هایی که به آن ها گرایش دارد، متنفر است. اما طنز و خنده این تناقض را تا حدودی رفع می کند (شاه حسینی، ۱۳۸۸)

تمامی مصاحبه شونده‌ها بیان می‌کنند که هنگامی که سوالات جنسی خود را بی‌جواب می افتند با دوستان خود در مدرسه و همسالان خود در فامیل در مورد مسایل جنسی به گفتگو می‌نشستند و اطلاعاتی را که با کنجکاوی از راه‌های مختلف به دست آورده بودند با هم به اشتراک می‌گذاشتند ویا با به طنز کشیدن این مسئله و شوخی‌ها و جک‌های جنسی و خندیدن پنهانی به آن‌ها به گونه‌ای تخلیه‌ی هیجانی می‌شدند. حتی مسئله می‌توانست بعد کل کل‌های نوجوانانه به خود گیرد و اغراق و شرط بندی در این زمینه فرد را متضرر سازد .

کد د در مورد تاثر دوستان به اصطلاح خودش ناباب می‌گوید: «پسر عمویم پسر بسیار سر به زیری بود و من شیفته ی همین نجابت او بودم اما از وقتی که با فلانی دوست شد رفتارش به نحو بارزی عوض شد، حتی نگاه کردنش هم عوض شد. اون دوستش روابط جنسی زیادی داشت که نه تنها واسه دوستاش تعریف می‌کرد بلکه به اون‌ها افتخارم می‌کرد. من قشنگ متوجه بودم که تعریف ها و دوستی با اون باعث شد که پسر عموم جرات کنه به من نزدیک بشه»

یا کد ج تعریف می‌کند که: «وقتی دوستم از ارتباط جنسیش با نامزدش واسم تعریف می‌کرد واقعا تحریک می‌شدم و دوست داشتم که منم تجربه کنم.» یا در جایی دیگر می‌گوید: «دوستم مدام برام جکای جنسی می‌فرستاد و من با اینکه از این جکا خوشم نمی‌ومد اما همیشه بهشون فکر می کردم و دوس داشتم واقعا ارتباط جنسی رو تجربه کنم واسه همین

خیلی دغدغه ذهنی داشتم و وقتای زیادی توی تنهایی با این فکر خود ارضایی می‌کردم.»

۹-زندگی در محیط های خوابگاهی و تجارب دوران دانشجویی :

ممنوعیت ها و محدودیت‌های بیش از حد خانواده به علت دوری در دوران دانشجویی تحلیل می‌رود و اگر زمینه های ضعیف تربیتی از قبل وجود فرد را پر از هیجان‌های تجربه نشده و مکنون کرده باشد این دوری مجالی ایست برای ارضای هر چه به تاخیر افتاده است.

البته نباید از این نکته هم غافل شد که خوابگاه محل تقارن عقاید ،تجارب و فرهنگ‌های مختلفی است که بسیار بر نگرش فرد تاثیر دارد.

کد ج بیان می‌کند: «زندگی توی محیط خوابگاه و دیدن تجربه و عقاید دختران از شهرای مختلف ایران و زندگی توی شهری مثل تهران نظر منو در مورد ارتباط با جنس مخالف خیلی عوض کرد و به نظرم می‌اومد من از نظر طبیعی و طبق قانون خیلی از کشورای دنیا دیگه به سنی۲۲سالگی رسیده بودم که بخوام تجربه ی جنسی داشته باشم؛ هرچند اوایل به شدت احساس گناه داشتم و حتی دچار افسردگی و کاهش وزن و اشت ها شده بودم و مدام گریه می‌کردم چون هنوز باورهای قبلی تو وجودم بود اما کم کم این احساس کمرنگ شد، ولی خیلی عذاب کشیدم تا این احساس بدم رفع شد»

کد د بیان می‌کند: «چندین بار تو محیط خوابگاه شاهد هم جنس‌بازی بچه‌ها بودم و حتی بچه ها چند بار با خودشون پسر آورده بودن توی خوابگاه که حسابی اوضاع وخیم شد و پلیس اومد و بچه ها از دانشگاه اخراج شدن؛ و یا هر روزه دخترایی رو می دیدم که از ارتباط جنسی شون با دوست پسراشون با اشتیاق تعریف می کردن. دیدن مداوم این صحنه‌ها حال منو از دخترای کثیف و مردا که فقط به فکر مسایل جنسی بودن، به هم می زد و وقتی این مسئله برای خودم پیش اومد با این فکر که همه به نوعی دچار این موضوع شدن خودمو دلداری می‌دادم.»

۱۰-استفاده ناصحیح از تکنولوژی و عدم مدیریت والدین بر آن:

در عصری که زندگی با تکنولوژی پیوندی ناگسستنی پیدا کرده مدیریت بر نحوه ی صحیح و به جای استفاده از وسایل ارتباط جمعی؛ مدیریتی است که هم در سطح خرد و هم در سطح کلان باید مورد توجه ویژه قرار گیرد .

شبکه‌های ماهواره‌ای، فضای چت روم‌های اینترنتی، شبکه‌های اجتماعی، نرم افزارهای گوشی‌های اندروید وتکنولوژی‌هایی از این دست نیازمند آموزش و فرهنگ شیوه‌ی صحیح

استفاده است که جا انداختن این مطلب در سطح کلان همکاری اجتماع، رسانه، مدرسه و خانواده را در کنار هم می‌طلبد.

کد ج بیان می‌کند: «برای اولین بار هنگامی که صحنه‌های کوتاهی از ارتباط جنسی را در ماهواره دیدم کنجکاو شدم و وقتایی که توی خونه تنها بودم سراغ ماهواره می رفتم و شبکه‌های پورن را پیدا می‌کردم و با دیدن اون صحنه‌ها خودارضایی می‌کردم، هرچند به شدت ترس داشتم که کسی منو ببینه و بعدش به شدت احساس گناه می کردم اما چون اون صحنه ها مدام توی ذهنم تداعی می‌شد تا تنها می‌شدم بازم به سراغ ماهواره می‌رفتم»

یا در جایی دیگر بیان می کند: «برای اولین بار که توی فضای چت روم رفتم با اصطلاحات جدیدی آشنا شدم و فهمیدم که این فضا می تونه خیلی مسموم باشه و از نزدیک دیدم که خیلی از دوستام توی این فضا ها با فردی آشنا شدن و بعد بیرون دیدنش و بینشون ارتباط جنسی پیش اومد و اینا باعث شد که من خیلی محتاطانه‌تر تو این فضا ها برم اما همش با خودم می‌گفتم‌ای کاش کسی قبلا اینا رو به من و هم سن و سالام می‌گفت تا خیلی از صدمه‌های روحی و جسمی رو نمی‌دیدیم»

نتیجه‌گیری

با توجه به دلایلی که دختران مطرح کردند به جرات می توان در راس تمامی عللی که مطرح شد خانواده را قرار داد اگر خانواده ها از همان بدو تولد مسائل مهمی را که به صورت دینی و علمی تایید شده رعایت نکنند، قدم به قدم فرزندان خود را به سمت آسیب بیشتر هدایت خواهند کرد. نبود آرامش و امنیت و محبت در خانواده، عدم توجه به مسئله تربیت جنسی و نظارت بر رفتارهای فرزندان، عدم رعایت اصل مستور بودن آمیزش و اصل استیذان، استفاده ی ناصحیح از امکانات و تکنولوژی و عدم مدیریت والدین بر آن، اصول تربیتی و باورهای غلط در مورد ارتباط با جنس مخالف، نابسامانی و طلاق در خانواده، تعصبات مذهبی بیش از حد و سخت‌گیری‌های بیش از حد رفتاری از جمله مواردی هستند که خانواده مسئول مستقیم آن هستند و باعث تاسف و نگرانی خواهد بود که ده مورد از موارد بالا را خانواده ها به طور ناآگاهانه منجر خواهند شد و با آموزش و رعایت اصول و موازین عرفی و شرعی شاهد آسیب‌های کمتری در خانواده‌ها و جامعه خواهیم بود.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

احمدی، طاهره، ***نیازسنجی برنامه درسی تربیت جنسی از دیدگاه دبیران دوره متوسطه ناحیه ۱ آموزش و پرورش شیراز***، پایان نام کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، ۱۳۹۱.

امینی، محمد. تمنایی فر، محمدرضا. پاشایی، رقیه، «بررسی ضرورت وجودی و چگونگی توجه به تربیت جنسی در برنامه درسی مقطع متوسطه از دیدگاه دبیران و دانش آموزان»، ***پژوهش‌های برنامه درسی***، دوره اول، شماره‌ی اول، صص۱۶۹-۲۰۲. (۱۳۹۰).

بهشتی، محمد، «تربیت جنسی از منظر فیض کاشانی»، ***تربیت اسلامی***، شماره۳، صص۸۹-۱۱۳. (۱۳۸۵).

پناهی، احمد علی، «مهمترین آسیب جنسی دوران نوجوانی و راهکارهای پیش‌گیری و درمان»، ***معرفت***، شماره ۱۱۲. صص ۲۹-٥٤ . (۱۳۸٦)

سادوک، ویرجینا. کاپلان، هارولد، ***چکیده روانپزشکی بالینی***، مترجم فرزین زارعی، سال تالیف اثر به زبان اصلی ۱۹۲۷(۱۳٤۹)

سیدان، فریبا. عباس لو، طیبه، «هویت اجتماعی و بی مبالاتی جنسی دختران»، ***دومین کنگره سراسری خانواده و مشکلات جنسی***، ۱۳۸٤.

شاه‌حسینی، رودابه، ***سنجش طنز عبید زاکانی با راعب اصفهانی و یافتن آبشخورهای طنز عبید و تحلیل تطبیقی آنها***، دانشگاه علامه طباطبایی تهران، ۱۳۸۸.

فرمیهنی فراهانی، محسن، «محتوای مناسب تربیت جنسی در کتب درسی دوره متوسطه»، ***دانشور رفتار***، شماره ۹، صص ۱-۱٤ . (۱۳۸۳).

فقیهی، علی نقی. حسن زاده، رمضان. نیازآذری، کیومرث، «تاثیر آموزش جنسی بر سلامت خانواده در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران»، ***افق دانش***، دوره۱۳،شماره۲. (۱۳۸٦).

فقیهی، علی نقی. شکوهی یکتا، محسن. پرند، اکرم، «آموزش جنسی به کودک و نوجوان از دیدگاه اسلامی و مطالعات روان شناختی»، ***تربیت اسلامی***، سال دوم، شماره۷، صص۵۱- ۸۰. (۱۳۸۷).

کلانتری، سهیلا. غنا، سامیه. ثناگو، اکرم. مهستی جویباری، لیلا. «آموزش بلوغ و مسایل جنسی به دختران: تجارب مادران گرگانی»، ***مدیریت ارتقای سلامت***، دوره ۲. شماره ۳. صص٧٤- ۹۰(۱۳۹۲).

گنجی، مهدی، ***آسیب شناسی روانی بر اساس*** DSM5، تهران: ساوالان، ۱۳۹۳.

محمدی، علی، ***میزان توجه به مولفه‌های تربیت جنسی در برنامه درسی دین و زندگی دوره متوسطه***

ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، ۱۳۹۰.

محمدی، مهدی؛ مرزوقی، رحمت اله، «پیش‌فرض‌های برنامه درسی آموزش سلامت جنسی جنسی از منظری اسلامی»، ***پژوهش‌های برنامه درسی***، دوره دوم، شماره‌ی اول، صص۵۳-۸۹. (۱۳۹۱).

Dr.Taylor, john . Sippel, jan. (1999). ***Responding to children s problem sexual behaviour in Elementry school***

DECD ;catholic Education SA; AISSA (2010). ***Responding to problem sexual behaviour in children and young people***

Wile Schwarz, susan (2010). ***Adolescent reproductive and sexual health,NCCP(national center for children in poverty)***

Penix sbraga, Tamara; O'Donohue, William (2012).***Sexual Harassment, Annual Review of sex*** , University of Nevada,Reno,USA,pp258-285

Saedah , Ghani; Salhah, Abdullah ; Sharifah Mariam, Syed Akil Ghani ,

_____; Noratthiah ,Nordin(2013). ***Muslim adolescents moral value and coping strategy among muslim female adolescent involved in premarital sex, 4th World Conference on Psychology, Counseling and Guidance WCPCG***

مجموعه مقالات نهمین همایش ملی اشراق اندیشه مطهر، **خانواده و تربیت جنسی**
اردیبهشت ۱۳۹٤، ص ۳۹٤-۳۷۹

در جستجوی پیام‌های مؤثر بر خویشتن‌داری جنسی دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه

زهرا اسلامیان/ دانشجوی دکتری رشته برنامه ریزی درسی دانشگاه فردوسی مشهد[1]
محمود سعیدی رضوانی/ دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسئول [2]
ابوالفضل غفاری/ استادیار دانشگاه فردوسی مشهد[3]

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی پیام‌های مؤثر بر خویشتن‌داری جنسی دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه به منظور تدوین محتوای مطلوب صورت گرفت. روش پژوهش حاضر پیمایشی- توصیفی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان پایه‌های اول، دوم و سوم متوسطه در سال ۹٤-۱۳۹۳بودند. با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای۱۱٤ نفر از دانش‌آموزان در این پژوهش شرکت داده شدند که پرسشنامه محقق ساخته توسط آنان تکمیل شد. برای پاسخگویی به سوال پژوهش، به منظور شناسایی پیام‌های موثر بر خویشتن‌داری جنسی دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های فوق از نرم افزار اس پی اس اس ۱٦ استفاده شد. پیام‌های مستخرج از منابع تربیت جنسی، در سیزده مؤلفه جای گرفتند که نتایج پژوهش نشان داد مولفه های سیزده گانه از لحاظ میزان تأثیرگذاری بر خویشتن داری جنسی دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه در سطح مطلوب و نسبتا مطلوب قرار گرفتند که در این میان دانش آموزان پیام‌های مرتبط با مؤلفه‌های«ترهیبی جسمی»، «ترهیبی اجتماعی»، «ترغیبی معنوی»، «عوامل مؤثر بر خویشتن‌داری» و «بهشت» را جزو مؤثرترین پیام‌ها بر میزان خویشتن‌داری خود، عنوان کردند.

کلید واژه ها: پیام، خویشتن‌داری جنسی، محتوا، مقطع متوسطه.

---

1 . eslamianz@yahoo.com
2 . saeedy@um.ac.ir
3 . ghaffari@um.ac.ir

مقدمه

موضوع تربیت؛ انسان است، که رسیدن او به تعالی و کمال – که هدف عالی آفرینش است – به ساز و کارهای ویژه و پیچیده‌ای نیازمند است. تربیت را می‌توان رشد طبیعی و تدریجی و هماهنگ همه نیروها و استعدادهای آدمی دانست (رهنما و همکاران، ۲) که یکی از مهم‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین ابعاد آن، تربیت جنسی (Sex education) است (معرفای، ۳۹).

تربیت جنسی از موضوع‌های مهم در حوزه تربیت است و در چگونگی شکل‌گیری شخصیت انسان نقش مهمی داشته و بر افکار، عواطف و رفتارهای وی تأثیرگذار است. در اهداف غایی آموزش و پرورش نیز «رشد همه جانبه شخصیت» مورد نظر است، برای رسیدن به این هدف، تربیت جنسی ضروری است (امین خندقی، ابراهیمی هرستانی، ۲۴۳). پرداختن به بحث تربیت جنسی در دوره متوسطه دارای اهمیت زیادی است؛ چرا که دوره متوسطه از دوره های مهم و حساس و موثر در زندگی فردی و اجتماعی آدمی است که به سبب وضع زیستی، اجتماعی و روانی دانش آموزان، با سایر دوره‌های تحصیلی مشترکات و ممیزاتی دارد. این دوره دارای طیف وسیعی است که دوران نوجوانی را در بر می گیرد و در انتهای طیف به جوانی می‌رسد. در این دوره قسمت اعظم استعدادهای خاص نوجوانان و جوانان بروز می‌کند و به مرحله ادراک ارزش های اجتماعی، اقتصادی و معنوی می رسند؛ از این رو این دوره در نظام‌های تعلیم و تربیت کشورهای مختلف جهان اهمیت زیادی دارد. دوره‌ای که آموزش عمومی را به آموزش عالی پیوند می دهد و گروه کثیری را برای ورود به جامعه و بازار کار مهیا می‌کند؛ از این رو هر نوع نارسایی و خلل در این دوره مستقیماً بر عملکرد و کیفیت هر دو حلقه آموزش عمومی و عالی تاثیر بسزایی خواهد داشت (صافی، ۹). از طرفی تربیت و آماده ساختن نوجوانان و جوانان یکی از مهم ترین هدف های آموزش و پرورش است. به طوری که نمی توان جامعه‌ای را یافت که از جوانان و مسائل آنان سخن نگوید و از آن‌ها به عنوان عناصری مهم و ارزشمند یاد نکند (شعاری‌نژاد، ۲۷). از نظر اجتماعی روشن است که سرمایه واقعی هر جامعه‌ای همین نیروهای نوجوانان و جوانانی هستند که آینده جامعه را می‌سازند و مشی آینده جامعه را ترسیم می‌کنند (نجفی، ۱۲).

یکی از مسائلی که در فرایند تعلیم و تربیت نوجوانان به عنوان یک چالش و دغدغه مهم و اساسی محسوب می شود، بحث تربیت جنسی است. غریزه جنسی در دوره نوجوانی،

تأثیرات نیرومند احساسات مربوط به تمایلات جنسی، جای بسیاری از تصورات و مفاهیم ذهنی را می گیرد. بدون تردید، واقعه بلوغ از مهم‌ترین رویدادها، و نوجوانی از حساس‌ترین مراحل زندگی انسان است (نوابی‌نژاد، ۳٤).

دلیل مهم انحراف‌ها و آسیب‌های جنسی، عدم برخورداری از مهارت‌های خویشتن‌داری و خودمهارگری است، یکی از مهم‌ترین علل انحراف‌ها، عدم برخورداری از صفات شخصیتی «تسلط بر خویشتن»؛ «خودمهارگری» خودکنترلی (self control)؛ پرهیزکاری (تقوی) و خویشتن‌داری جنسی (عفت ورزی) است. اگر این صفات در انسان پایدار و ملکه نگردد، نمی‌تواند از لغزش‌ها مصون بوده و بر خواسته‌های نفسانی و تمایلات جنسی خود غلبه داشته باشد و در نتیجه، دچار انحراف و آسیب می شود (نورعلی‌زاده، ۱۳۸۸). از طرفی دیگر عفت و پاکدامنی جایگاه مهمی در نظام ارزشی اسلام و به ویژه در اخلاق جنسی دارند و همواره مورد تاکید واقع شده اند (طاهرپور، ۱۳۸۹)؛ تا جایی که حضرت علی (ع) در حکمت ٤٧٤ نهج البلاغه مقام و جایگاه انسان عفیف را با مقام شهید در راه خدا مقایسه می کند و بیان می دارد: «پاداش مجاهد شهید در راه خدا، بزرگ تر از پاداش عفیف پاکدامنی نیست که قدرت بر گناه دارد و آلوده نمی‌گردد، همانا عفیف پاکدامن فرشته‌ای از فرشته‌هاست (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ٧٤١). چنین جایگاهی برای عفت ناشی از گستردگی و شمولیت معنایی عفت است که تمام شئون و ابعاد وجود آدمی را در بر می گیرد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «شخص عفیف و خویشتن‌دار زنا نمی‌کند» (آمدی، ٢٥٦). مفهوم این روایت این است که نبود عفت موجب زنا می شود؛ چر ا که نتیجهٔ عفت، مصونیت است (حرانی، ١٥). شواهد موجود بیانگر آن است که یکی از عوامل مشکلات جنسی، به ویژه هراس و بیزاری جنسی، به تجاوزها و سوءاستفاده‌های جنسی، به خصوص در دوران کودکی و ضربهٔ جنسی در سنین بالاتر بر می‌گردد (اسپنس، ٥٨) که علت اصلی آن هم به خاطر حاکم نبودن فرهنگ عفاف، بی‌مبالاتی، عدم آموزش مهارت‌های خودمهارگری و ضعف کنترل و نظارت در خانواده‌ها است. چنانچه سطح آموزش عمومی ارتقا نیابد و فقر فرهنگی بر جامعه سیطره داشته باشد؛ بحران جنسیت خواهد توانست تمام رگه‌های جامعه را در برگرفته و ارزش‌های اجتماعی را تغیر دهد و اقشار انسانی را درگیر معضلات خود گرداند و به مرور زمان زیربناهای ساختاری و هنجارهای ارزشی جامعه را تهدید نماید (عبدالرحیمی، ۱۳۸۸).

به طور خلاصه آنکه، مجموعه مستندهای نظری و پژوهشی که مورد توجه قرار گرفت، دلایل و مبانی منطقی و قابل دفاعی را برای به رسمیت شناختن و مشروعیت بخشی تربیت جنسی به ویژه بعد خویشتن داری جنسی در نظام آموزشی، به خصوص در مقطع متوسطه، که با روحیه وسیعی از نوجوانان و جوانان سروکار دارد فراهم می سازد. بر این اساس باید بعد «خویشتن داری» تربیت جنسی به عنوان ساحتی مهم از ساحت های تربیت مورد توجه عمیق قرار گیرد و با دادن آموزش های لازم و آگاهی های نافع و با ارائه برنامه واقع بینانه و راهکارهای حکیمانه‌ی برآمده از دین به جوانان و نوجوانان آنان را در راه هدایت و تنظیم و تعدیل غریزه جنسی یاری رسانیم تا از سنین پر مخاطره بلوغ و پس از آن به سلامت بگذرند و از برخورد ناصواب و افراط و تفریط جلوگیری شود و سعات و کمال فرد و جامعه تأمین گردد.

مروری بر تحقیقات انجام شده نشان می دهد تحقیقی روی شناسایی پیام های مرتبط با خویشتن–داری جنسی جهت تدوین محتوای مناسب در این زمینه، به ویژه در داخل کشور انجام نشده است. تفاوت این کار با پژوهش های دیگر صورت گرفته؛ این می باشد که این پژوهش با بررسی منابع مرتبط با تربیت جنسی که توسط متخصصان و صاحب نظران این حوزه نگاشته شده است؛ پیام‌هایی که می توانستند روی خویشتن‌داری جنسی دانش‌آموزان متوسطه تأثیرگذار باشند، استخراج و در نهایت با بررسی های بسیار و دقت بالا، تعدادی از پیام ها در سیزده مؤلفه گنجانده شدند. برای مشخص شدن میزان تأثیرگذاری، پیام ها در میان دانش‌آموزان به پیمایش گذاشته شده تا بر اساس دیدگاه‌های دانش‌آموزان، پیام‌های مؤثر بر خویشتن‌داری جنسی آن‌ها شناسایی و اولویت‌بندی شوند. لذا امید می‌رود نتایج حاصل، مورد توجه دست اندر کاران امر تعلیم و تربیت بویژه تربیت جنسی قرار گیرد تا محتوایی مناسب و اثر بخش در این زمینه ارائه گردد.

سؤال پژوهش

بر اساس دیدگاه‌های دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه، تأثیر هر یک از مؤلفه‌های مستخرج از منابع و مستندات دینی و علمی، بر خویشتن‌داری جنسی آنان به چه میزان می‌باشد؟

روش پژوهش

جامعه آماری پژوهش، شامل کلیه دانش آموزان مقطع اول و دوم و سوم متوسطه شهرستان

به‌شهر در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ حاضر در کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی تابستانه بودند. پژوهش حاضر از لحاظ هدف تحقیق، جزء پژوهش‌های کاربردی می‌باشد. از لحاظ شیوه‌ی گردآوری داده‌ها، در مجموعه‌ی تحقیقات توصیفی از نوع پیمایشی قرار می‌گیرد. برای انتخاب نمونه مورد نظر از میان دانش‌آموزان، از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده شده است. در این پژوهش نمونه شامل ۱۱٤ نفر از دانش آموزان پسر پایه های اول و دوم و سوم مقطع متوسطه می‌شدند. برای جمع آوری اطلاعات، از پرسشنامه‌ی محقق ساخته استفاده شده است. پرسشنامه بدین صورت توسط محقق ساخته شده است: ابتدا منابعی که (مقاله و کتاب) توسط صاحب نظران و متخصصان حوزه تربیت جنسی به نگارش در آمده بودند مورد بررسی و مطالعه قرار گرفتند. معیار ما برای شناسایی پیام‌های مرتبط با خویشتن‌داری جنسی در این پژوهش، نظر متخصصان و صاحبنظران حوزه‌ی تربیت جنسی بود. لذا برای شناسایی این پیام‌ها و عبارت‌ها به آثار این صاحب‌نظران مراجعه شد که تعداد ۷۳ منبع مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت.

در مرحله اول با مطالعه منابع، ۷۸۰ پیام استخراج گردید. در مرحله بعد با بررسی همه پیام‌ها این نتیجه حاصل شد که همگی در دوسته جای می‌گیرند: «عوامل و پیامد». عوامل: آن دسته از پیام‌هایی بودند که باعث خویشتن‌داری و یا عدم خویشتن‌داری جنسی می‌شدند. پیامد: آن دسته از پیام‌هایی بودند که نتایج رعایت عفت و خویشتن‌داری و هم چنین نتایجی که ناشی از عدم رعایت عفت و عدم خویشتن‌داری می‌شدند را شامل می‌شد. با بررسی پیام‌هایی که پیامد را بیان می‌کردند، این نتیجه بدست آمد که همگی آن‌ها در دو مؤلفه جای می‌گیرند: «مؤلفه‌ی ترغیبی و مؤلفه‌ی ترهیبی». مؤلفه ترغیبی شامل پیام‌هایی می‌شدند که با بیان نتایج مثبت خویشتن‌داری دانش‌آموز را ترغیب به خویشتن‌داری می‌نمودند. در مقابل مؤلفه ترهیبی شامل آن دسته از پیام‌هایی می‌شدند که با ذکر نتایج سوء و منفیِ عدم خویشتن‌داری، دانش‌آموزان را از انجام آن نوع اعمال نهی می‌کردند. در بررسی دیگری، پیام‌ها به دو بعد «دنیا و آخرت» تقسیم شدند. پیام‌های مربوط به «پیامد» که در زیر مجموعه دنیایی قرار می‌گرفتند، براساس نظر سازمان بهداشت جهانی درباره «سلامت»، تقسیم‌بندی شدند. سازمان بهداشت جهانی، سلامت هر شخص را به ٤ بعد تقسیم کرده است که از این قرارند: بعد جسمی، بعد روانی، بعد اجتماعی، بعد معنوی. لذا با بررسی پیام هایی که در ذیل مجموعه بعد دنیایی قرار می‌گرفتند؛ آن‌ها را در چهار بعد: جسمی، اجتماعی، روانی، و معنوی قرار دادیم که گروهی در زیر مجموعه‌ی مؤلفه‌ی ترغیبی و گروهی در زیر مجموعه مؤلفه‌ی ترهیبی جای گرفتند که از

این قرارند: مؤلفه ترغیبی بعد جسمی، مؤلفه ترغیبی بعد روانی، مؤلفه ترغیبی بعد اجتماعی، مؤلفه ترغیبی بعد معنوی و هم چنین مؤلفه ترهیبی بعد جسمی، مؤلفه ترهیبی بعد روانی، مولفه ترهیبی بعد اجتماعی، مؤلفه ترهیبی بعد معنوی.

بعد جسمی شامل پیام‌هایی می‌شدند که نتایج خویشتن‌داری و عدم خویشتن‌داری در بعد جسمی را به تصویر می‌کشیدند. بعد روانی شامل آن دسته از پیام‌هایی می‌شدند که نتایج خویشتن‌داری و عدم خویشتن‌داری در بعد روانی را به تصویر می‌کشیدند. بعد اجتماعی شامل آن دسته از پیام‌هایی می‌شدند که نتایج خویشتن‌داری و عدم خویشتن‌داری در بعد اجتماعی را به تصویر می‌کشیدند. بعد معنوی شامل آن دسته از پیام‌هایی می‌شدند که نتایج خویشتن‌داری و عدم خویشتن‌داری در بعد معنوی را به تصویر می‌کشیدند.

دسته‌ای دیگر از پیام‌ها که مربوط به آخرت می‌شدند به دو دسته بهشت (پاداش بهشتی) و جهنم (عذاب جهنمی) تقسیم شدند. مولفه بهشت (پاداش بهشتی) آن دسته از پیام‌هایی را شامل می‌شد که نتایج خویشتن‌داری در عالم آخرت را مورد توجه قرار داده که لطف و رحمت پروردگار را شامل می‌شد. مؤلفه جهنم (عذاب جهنمی) در بر گیرنده‌ی آن دسته از پیام‌هایی بود که نتایج و پیامد عدم خویشتن‌داری را در عالم آخرت مورد توجه قرار می‌دادند که حاکی از جایگاهی بد و بیان عذاب در آخرت بودند.

همچنین گروه دیگری از پیام‌ها که مربوط به «عوامل» بودند با بررسی‌های متعدد و دقت بسیار به دو دسته‌ی «عوامل موثر بر خویشتن‌داری» و «عوامل موثر بر عدم خویشتن‌داری» تقسیم شدند. در نهایت نیز گروهی از پیام‌ها که به طور مستقیم روی خویشتن‌داری جنسی تأثیر می‌گذاشتند؛ زیر مجموعه پیام‌های «برانگیزاننده غیرت وجدان و حیا» قرار گرفتند، این پیام‌ها خاصیت برانگیزانندگی داشتند و از زبان اول شخص مفرد بیان شده بودند تا دانش‌آموز به طور مستقیم‌تر و نزدیک‌تر با نتایج خویشتن‌داری و عدم خویشتن‌داری مواجه شوند. هریک از دانش‌آموزان میزان تأثیر این پیام‌ها بر روحیه خویشتن‌داری (خود کنترلی جنسی) خویش را در طیف پنج درجه ای لیکرتی به شکل: «خیلی زیاد، زیاد، تاحدودی، کم و خیلی کم» مشخص کردند. مؤلفه «برانگیزاننده» نیز از طیف‌های «کاملا موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم، کاملا مخالفم» تشکیل شده است. برای تایید روایی پرسشنامه محقق ساخته در پژوهش حاضر، از نظر هشت نفر از متخصصان حوزه تربیت جنسی استفاده شده است و برای تعیین پایایی پرسشنامه از روش اجرای فرم‌های موازی (فرم‌های همتا) که توسط محقق ساخته شد؛ استفاده شده است. پایایی پرسشنامه نهایی که با آلفای کرونباخ سنجیده شده است ۰/۸۷ می‌باشد که نشان

می‌دهد ابزار پژوهش از پایایی قابل قبول و قابل اطمینانی برخـودار مـی‌باشـد. بـرای تجزیـه و تحلیـل داده‌هـا از آمـار در سـطح توصـیفی اسـتفاده شـده اسـت. در سـطح آمـار توصـیفی از شاخص‌های میانگین و انحراف معیار برای هریک از مؤلفه‌ها استفاده شده است. برای سـنجش میزان مطلوبیت هر یک از مؤلفه ها نیز از آزمون مقایسه میانگین با یک ارزش ثابت (یک ادعـا) استفاده شده است. نحوه ارزیابی میزان مطلوبیت پیام‌ها در جدول زیر آمده است:

جدول۱. استاندارد ارزیابی مطلوبیت مؤلفه‌ها

۲>μ≥۱	فاقد مطلوبیت
۳>μ≥۲	تا حدی مطلوب
٤>μ≥۳	نسبتا مطلوب
٥≥μ≥٤	مطلوب

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش، از نرم افزار spss16 استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

میانگین و انحراف معیار هر یک از مؤلفه‌ها از نظر دانش‌آموزان، به ترتیب میزان اثرگـذاری در جدول ذیل ارائه شده است:

جدول۲. میانگین و انحراف معیار دیدگاه‌های دانش آموزان در هریک از مؤلفه‌ها

ردیف	مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف معیار
۱	ترهیبی جسمی	٤/١٦	۰/٤٨
۲	ترهیبی اجتماعی	٤/١٣	۰/٤٢
۳	ترغیبی معنوی	٤/١١	۰/٤٨
٤	عوامل موثر خویشتن‌داری	۳/۹٥	۰/٥٢
٥	بهشت	۳/۹٢	۰/٥٥
٦	ترهیبی روانی	۳/۸٢	۰/٤٥
۷	عوامل موثر بر عدم خویشتن‌داری	۳/۷۰	۰/٥۹
۸	ترغیبی اجتماعی	۳/٦٦	۰/٥۹

۹	ترغیبی روانی	۳/٦٦	۰/۵۲
۱۰	ترهیبی معنوی	۳/٦٤	۰/۷۱
۱۱	بر انگیزنده	۳/۵۳	۰/۵۷
۱۲	جهنم	۳/٤۹	۰/۵۸
۱۳	ترغیبی جسمی	۳/۲٤	۰/۷٤

مؤلفه ترهیبی جسمی با میانگین ٤/١٦ و انحراف معیار ۰/٤٨، مؤلفه ترهیبی اجتماعی با میانگین ٤/۳۱ و انحراف معیار ۰/٤۲، مؤلفه ترغیبی معنوی با میانگین ٤/١١ و انحراف معیار ۰/٤٨، مؤلفه عوامل موثر بر خویشتن‌داری جنسی با میانگین ۳/۹۵ و انحراف معیار ۰/۵۲، مؤلفه بهشت با میانگین ۳/۹۲ و انحراف معیار ۰/۵۵، مؤلفه ترهیبی روانی با میانگین ۳/۸۲ و انحراف معیار ۰/٤۵،مؤلفه عوامل مؤثر بر عدم خویشتن‌داری جنسی با میانگین ۳/۷۲ و انحراف معیار ۰/۵۹، مؤلفه ترغیبی اجتماعی با میانگین ۳/٦٦ و انحراف معیار ۰/۵۹، مؤلفه ترغیبی روانی با میانگین ۳/٦٦ و انحراف معیار۰/۵۲، مؤلفه ترهیبی معنوی با میانگین ۳/٦٤ و انحراف معیار ۰/۷١، مؤلفه برانگیزاننده غیرت، حیا و وجدان با میانگین ۳/۵۳ و انحراف معیار ۰/۵۷، مؤلفه عذاب جهنم با میانگین ۳/٤۹ و انحراف معیار ۰/۵۸، مؤلفه ترغیبی جسمی با میانگین ۳/۲٤ و انحراف معیار ۰/۷٤، می‌باشند که به ترتیب داری بیشترین تا کمترین میزان اثر گذاری بوده اند

هم چنین برای شدن سطح مطلوبیت مولفه ها، نتیجه حاصل از آزمون مقایسه میانگین با نمره معیار، نشان می دهد که مؤلفه‌های سیزده گانه با نمره معیار۳ – که در این پژوهش درجه «نسبتا مطلوب» را نشان می دهد، تفاوت معناداری دارند. یعنی میانگین همه مؤلفه‌ها به طور معنی داری از نمره معیار ۳ بالاتر می‌باشند. این بدین معناست که همه این مولفه‌ها حداقل در سطح «نسبتا مطلوب» قرار دارند. برای مشخص شدن این امر که کدام مولفه ها از نظر استاندارد مطلوبیت، از درجه «مطلوب» برخوردار هستند، همه مؤلفه ها بار دیگر با نمره معیار ٤ –که میزان مطلوبیت را می‌رساند– مقایسه شدند که حاصل بررسی به شرح زیر می‌باشد: نتایج حاصل از این آزمون نشان می دهد که مؤلفه های «ترهیبی جسمی»، «ترهیبی اجتماعی»، «ترغیبی معنوی»، «عوامل موثر بر خویشتن داری» و «بهشت» جزو مؤلفه های «مطلوب» به شمار می آیند و بقیه مؤلفه‌ها در سطح «نسبتا مطلوب» قرار می‌گیرند. بنابر این، نتیجه حاصل از این مطلوبیت سنجی به شرح زیر می‌باشد:

جدول۳. سطح مطلوبیت مؤلفه‌ها از دیدگاه دانش‌آموزان پسر

ردیف	مؤلفه	مطلوب	نسبتا مطلوب
۱-	ترهیبی جسمی	✓	
۲-	ترهیبی اجتماعی	✓	
۳-	ترغیبی معنوی	✓	
٤-	عوامل موثر خویشتن‌داری	✓	
٥-	بهشت	✓	
٦-	ترهیبی روانی		✓
۷-	عوامل موثر بر عدم خویشتن-داری		✓
۸-	ترغیبی اجتماعی		✓
۹-	ترغیبی روانی		✓
۱۰-	ترهیبی معنوی		✓
۱۱-	بر انگیزنده		✓
۱۲-	جهنم		✓
۱۳-	ترغیبی جسمی		✓

در اینجا به تشریح پنج مولفه اول جدول که جزو «پیام‌های مطلوب» قرار گرفته‌اند می‌پردازیم اما برای جلوگیری از اطاله کلام راجع به ماهیت و نوع بقیه‌ی مولفه‌ها که در قسمت روش توضیح داده شده است؛ از توضیح بیشتر آن‌ها در این قسمت صرف نظر می‌کنیم.

بعد ترهیبی جسمی: در این پژوهش مولفه‌ی ترهیبی جسمی در مرتبه اول تأثیرگذاری قرار گرفت. این پیام‌ها حاوی مطالبی بود که بیانگر مضرات جسمانی ناشی از انحرافات جنسی و ارضای ناصحیح غریزه جنسی را مورد تأکید قرار داده بودند. دانش آموزان تأثیر این پیام ها را بیشتر از دیگر پیام ها عنوان داشتند. یکی از دلایلی که این پیام ها روی دانش آموزان تأثیر بیشتری داشتند می توان به این نکته اشاره کرد که همواره جسم و سلامتی آن از ابتدا تا به امروز برای انسان مهم بوده و دارای اهیمت بسیار بالایی بوده است. از این رو انجام اموری که باعث به خطر افتادن این نعمت الهی شود و شخص را به عارضه های جسمانی فراوان و چه

بسا لاعلاج (همانند ایدز، سیفیلیس و..) مبتلا سازد؛ باعث می‌شود شخص با آگاهی از این خطرات از آن ها دوری جویند. لذا در این پژوهش دانش آموزان نیز خطرات جسمانی را مهم دانسته و ابراز داشته اند در صورت آگاهی از آن بیماری ها، به سمت این قبیل انحرافات جسمی نخواهند رفت. از طرفی دلیل دیگری که نتیجه این تحقیق را باور پذیر تر می نماید ویژگی های مربوط به دروان نوجوانی می‌باشد. همانطوری که می‌دانیم دوره نوجوانی و بلوغ، ویژگی های خاص خود را دارد. در این دوران نوجوانان به بدن و فیزیک خود بسیار حساس شده و توجه و وقت بسیار زیادی را برای رسیدگی به آن صرف می‌کنند (خسروپور و شیرازی، ۱۳۸۷). اهمیت مسأله سلامت جسمی در دین اسلام نیز مورد توجه و تأکید می باشد، به عنوان مثال: امام سجاد (ع) در فراز دوم از دعای ۲۳ صحیفه سجادیه به پیشگاه خداوند می‌فرمایند: «بار خدایا، درود بفرست بر محمد (ص) و خاندان او و مرا عافیت ده، عافیتی کفایت کننده و شفا بخش و عالی و افزاینده. عافیتی که از آن در تن من تندرستی زاید».

در حدیثی دیگر پیامبر اکرم (ص) اهمیت سلامتی جسمی را بدین صورت بیان می دارند: «لاخیر فی الحیاه الا مع الصحه» بدون برخورداری از سلامت، در زندگی خیری نیست «سلامتی» نعمت بزرگی است که در آموزه های اسلامی، با تعبیرات بسیار زیبا مانند بالا ترین نعمت‌ها، گواراترین نصیب‌ها، نعمتی که انسان از شکر آن عاجز است، دارائی پنهان، حسنهٔ دنیا، سرمایهٔ زندگی و نعمتی که ارزش آن ناشناخته است و ده ها عبارت عمیق و تاثیر گذار از آن یاد شده است.

بُعد ترهیبی اجتماعی: دسته دوم پیام‌های مربوط به بُعد «ترهیبی اجتماعی» می‌باشند که از نظر دانش آموزان بعد از بعد «ترهیبی جسمی»، بیشترین تأثیر را بر میزان خویشتن دار شدن آن‌ها دارد. به عنوان نمونه به چند مورد از پیام‌های بعد ترهیبی اجتماعی اشاره می‌شود:

–امام صادق (ع): خداوند به موسی وحی فرمود: زنا نکنید که زنانتان زنا می دهند و هر که به همسری مرد مسلمان خیانت کند، به همسرش خیانت کنند؛ و به هر دست بدهی؛ از همان دست می‌گیری.

– یکی از آثار بی‌غیرتی، تزلزل در نظام خانواده است.

– تولد بچه‌های بی‌سرپرست و فقیر از پیامدهای زنا است.

از آنجایی که این پیام‌ها حاوی مطالب و نکاتی بود که به متزلزل شدن جایگاه فرد و

خانواده در اجتماع و همچنین رواج فساد به طور عمومی در شقوق گوناگون جامعه اشاره داشتند، دانش آموزان این پیام‌ها و آگاهی از این نوع پیامدها را بر میزان خویشتن دار شدنشان موثرتر دانسته‌اند. این نکته می‌تواند بیانگر این امر باشد که انسان موجودی اجتماعی است و هرگز از جامعه جدا نبوده است، لذا از دست دادن مزایا بویژه به خطر افتادن آبرو و شأنیت فردی در اجتماع می‌تواند یک محرک بازدارنده از رفتن به سمت انواع انحرافات جنسی باشد.

بعُد ترغیبی معنوی: این بُعد شامل پیام‌هایی بود که با بیان فواید معنوی خویشتن داری و عفت؛ دانش آموزان را به این امر ترغیب می‌کرد. به عنوان مثال در یکی از پیام‌های این دسته که در ذیل آمده است متوجه می‌شویم که فحوای آن بیان کننده رحمت واسعه الهی می‌باشد:

– رسول اکرم (ص): براستی خداوند، انسان با حیای بردبار پاک‌دامنی را که عفاف می‌ورزد، دوست دارد.

این حدیث از پیامبر اکرم (ص) نشان دهنده‌ی جایگاه انسان‌های عفیف و پاک‌دامن نزد خدای متعال دارد. لذا همانطوری که بر همه آشکار است همواره پاداش و تشویق نتیجه ای مثبت داشته و باعث تقویت عمل مورد نظر می‌گردد. این اصل در آزمایش‌های روان‌شناسی نیز به اثبات تجربی رسیده است. لذا اگر دانش‌آموز بداند که در قبال عفت و خویشتن‌داری او خداوند منان پاداشی برایش در نظر می گیرد و مورد محبت و توجه حق تعالی قرار خواهد گرفت و یا متصف به صفتی می‌گردد که خالق یکتای جهان به آن خرسند می‌گردد و از نشانگان انسان‌های بهره‌مند از جایگاه رفیع نزد خداوند می‌باشد، برای عفت ورزی و خویشتن داری بیشتر ترغیب شده و در حین مواجهه با شرایطی که زمینه گناه و ارضای نامشروع جنسی برایش فراهم است؛ آگاهانه از آن دوری نموده و به حفظ حیای پسندیده همت می‌گمارد. نتیجه این امر آن خواهد بود که فرد نه تنها نفس خویش را تقویت نموده بلکه گامی می‌شود برای اینکه بشر به خوشناسی بیشتر، اعتماد به نفس، احساس توانمندی و پیروزی، احساس ارزشمندی نزد پروردگار جهانیان نایل آید و در نتیجه سبب پی بردن به جایگاه عظیم خود در میان دیگر پدیده های مخلوق جهان شده و برای درک کلام خداوند که در قرآن می‌فرماید انسان را اشرف مخلوقات خویش آفریدم تلاش خواهد کرد.

آگاهی از نتایج خیر و معنوی خویشتن‌داری، باعث می‌گردد افراد همواره به سوی آن رغبت نشان داده و از روی آگاهی و میل شخصی به سمت آن بروند. در نتیجه این اتفاقات

است که می–توان دانش آموزانی را تربیت کرد که در جهت اهداف مورد نظر الهی گام برداشته و پیوسته به سوی نیکی ها و نور در حرکت باشند. از سوی دیگر اهمیت بعد ترغیبی معنوی برای نوجوانان پسر با ورود به دوره‌ی تفکر انتزاعی مقارن است و نیز ویژگی‌های کمال جویی و آرمان طلبی دوره نوجوانی را می توان به عنوان توجیه کننده این امر در نظر گرفت. از نظر مزلو و برخی دیگر از روان‌شناسان برجسته مانند راجرز، آلپورت، اریک فروم آدمی قربانی درمان ناپذیر تجربه‌های گذشته نیست «می توان دگرگون شد، کمال یافت و به سطوح عالی رسید. در این نگرش استعدادهای بالقوهٔ انسان‌ها بیشتر از آن است که خود می پندارند، و در همهٔ انسان‌ها تلاش یا گرایشی فطری برای تحقق خود و کامل شدن وجود دارد». (خوشدل، گیتی ۱۳۸۰).

مزلو، هورنای، هنری موری و فروم با طرح نیازهای فطری و مشترک، جهت زندگی افراد آدمی را در تلاش و تکاپو برای رفع این نیازها در نظر می گیرند، و اعتقاد دارند که افراد کاملاً سالم همواره رو به نیازهای عالیتر دارد. مزلو دو نوع نیاز(۱– نیازهای کاستی یا اساسی، ۲– فرانیازها) را مطرح می کند و معتقد است که هر چه انسانی کامل‌تر باشد نیازهای کاستی در او کمتر است و فرانیازها انگیزهٔ زندگی او هستند. با بررسی نظرات مزلو و یا روان‌شناسان انسانگرا متوجه می‌شویم که کمالگرایی مطرح شده در این دیدگاه سبب رشد و ترقی و پیشرفت و در نتیجه شادکامی و رضایت درونی می شود (مولایی، ۱۳۸٦). از نظر رودل (۱۹۸٤) کمال گرایی در قالب مثبت آن نیروی پیش برنده ای است که منجر به دست آوردهای برجسته‌ای می شود کمال گرایی می تواند به عنوان محرکی قوی به افراد کمک نماید تا بر موانع و عامل های بازدارنده فائق آیند (مورفی، برانسکی، فریدمن: ۱۹۸۷). همچنان که نوجوان از لحاظ عاطفی و هیجانی به شدت تحت تأثیر پیام‌ها و محرکات جنسی قرار می‌گیرد. می‌توان انتظار داشت که شدت عواطف وی، تأثیرپذیری او از محرکات معنوی و هشدار دهنده جسمانی را نیز افزایش دهد. کمپل و دیپادولو، (۲۰۰۲) و هس و همکاران (۱۹۹۹)، و پارکر (۱۹۹۹) نشان دادند که کمال گرایی از طریق تقویت عزت نفس و اعتماد به نفس احساس شایستگی نوجوان را افزایش می دهد و موجب می شود فرد بتواند از حداکثر ظرفیت‌های خود استفاده کند (به نقل از اصلان‌خانی، شمسی‌پور، شمس، ۱۳۸۹).

بُعد عوامل موثر بر خویشتن داری: این به عبارت دیگر منظور از عوامل آن مواردی

هستند که آگاهی از آن‌ها و توجه و پرورش دادن آن ویژگی‌ها و خصایص، عاملی موثر در جلوگیری از انحرافات جنسی می‌باشند و عواملی که در خویشتن‌دار شدن موثر هستند، به عنوان نمونه به چند پیام در اینجا اشاره می‌شود:

– دعا و از خدا کمک خواستن، بهترین راه برای کنترل غریزه جنسی است همانطور که حضرت یوسف با دعا به درگاه حق، از کید زنان رهایی یافت و مرتکب گناه نشد.

–امام علی (ع): هرگاه حکمت در کسی قوت یابد، شهوت ضعیف می‌گردد.

–امام علی (ع): کسی که شرافت ذاتی خود را بشناسد؛ خویش را از پستی مصون می‌دارد.

حکمت، شرافت ذاتی، دعا به درگاه حق، همگی عواملی هستندکه موجب فاصله گرفتن از گناه و بی‌عفتی خواهند شد. بنابراین اگر ما دانش آموزان را از وجود نعمت‌هایی مثل حکمت، شرافت ذاتی و... در وجود آن ها آگاه کنیم و به شرح این مسأله بپردازیم که توجه به این ویژگی‌های ارزشمند در وجود انسان باعث دوری از فسق و فجور و فحشا– که نتایجی اسف بار را سبب می‌گردند– می‌شود و در نتیجه‌ی این امر جنبه‌های دیگر انسان رشد می‌کنند و با هر بار خود داری از گناه، خصلت‌های پسندیده در انسان قوت گرفته و ریشه می‌دواند، به طوری که جزء وجودی ابعاد شخصیتی فرد در طول زندگی خواهد شد که روشنگر تمامی رفتارها و اعمال او خواهند بود.

بُعد بهشت: دسته بعدی پیام‌های مربوط به مولفه بهشت بودند. این مولفه در بردارنده پیام‌هایی بود که به پاداش اخروی در قبال خویشتن داری و عفت در این دنیا اشاره داشتند. برای نمونه به دو پیام زیر توجه کنید:

–هر کس از مقام خداوند خوف داشته باشد و نفس خود را از خواهش و هوس بازدارد، بهشت جایگاه او می‌شود (نازعات: آیه ٤١–٤٠).

–پیامبر: هرکس دو چیز را برمن ضمانت کند، من بهشت را برایش ضامن می شوم؛ اینکه زبان و اندام جنسی خود را از گناه مصون دارد.

از آنجایی که دین حاکم بر کشور و مسایل آموزشی ما دین مبین اسلام می باشد همه ما به آخرت به عنوان جهان پس از مرگ اعتقاد داریم. بر هیچ کسی پوشیده نیست که انسان پس از مرگ در این جهان، وارد جهانی دیگر خواهد شد و اعمال او در این دنیا؛ کیفیت حضور او در آن جهان را رقم خواهد زد. لذا آگاهی از عاقبت و فرجام خویش در آخرت، محرکی برای

اعمال در این جهان می باشد. از اینکه نوجوانان دانش آموز ما بدانند که هر عملی که انجام می دهند خدای تبارک و تعالی برایشان در آن جهان -که در قرآن وعده داده شده است- پاداشی در نظر می گیرد و هیچ امر خیری نزد پروردگار بینا و شنوا بی پاداش نخواهد بود، به سوی عفت ورزی و خویشتن داری ترغیب شده و برای کسب مقام و منزلت اخروی و لذت ابدی؛ عفیف بودن را بر فاسق بودن ترجیح داده و به سوی آن گام خواهند برداشت.

نتیجه‌گیری

در مجموع نتایج به دست آمده نشان می دهد، از دیدگاه دانش آموزان مؤلفه ها و پیام های مستخرج از مستندات دینی و علمی، بر ارتقای روحیه خویشتن داری جنسی دانش آموزان، موثرند و در نتیجه می توان گفت استفاده از این مؤلفه ها و پیام ها در محتوای برنامه های درسی تربیت جنسی در مقطع متوسطه، می تواند زمینه ساز ارتقا و تقویت روحیه خویشتن داری جنسی دانش آموزان شود. این یافته ها مؤید این نکته است که اگرچه ویژگی های خاص دوره‌ی نوجوانی و تحولات بلوغ و از طرفی وجود مشکلات تربیتی و فرهنگی در خانواده‌ها، وجود جنگ نرم فرهنگی و هجوم موزیانه رسانه های تبلیغاتی فرهنگ لیبرالیستی و سکولاریستی با زبان فرهنگ و هنر و غیره، آسیب های زیادی را به باورهای دینی و ارزشی دانش آموزان وارد نموده، اما استفاده از منابع ارزشمند دینی و علمی در خصوص تربیت جنسی و خویشتن داری جنسی، می تواند تاثیرات زیادی در حفظ و تقویت روحیه‌ی خویشتن داری جنسی دانش آموزان داشته باشد. در واقع تدوین محتوای مناسب و ارایه‌ی آموزش‌های مبتنی بر مهارت خویشتن‌داری می‌تواند در این زمینه موثر واقع شود.

به طور کلی و با نگاهی به دیدگاه و یافته های صاحب نظران و محققان تربیت جنسی و همچنین یافته‌های به دست آمده از پژوهش حاضر، می‌توان نتیجه گرفت که بعد «خویشتن داری» تربیت جنسی باید به عنوان ساحتی مهم از ساحت های تربیت، مورد توجه عمیق قرار گیرد. در این راستا می‌توان مؤلفه‌ها و پیام‌های مرتبط با بحث خویشتن‌داری جنسی که مستخرج از مستندات دینی و علمی باشد (نظیر مؤلفه ها و پیام های ارایه شده در این پژوهش) را در قالب محتوای کتب دینی به دانش آموزان ارائه داد و با ارائه‌ی آموزش‌های لازم و آگاهی های نافع و با ارائه‌ی برنامه‌ای واقع بینانه و راهکارهای حکیمانه‌ی برآمده از مستندات

دینی و علمی به دانش آموزان، آنان را در راه هدایت و تنظیم و تعدیل غریزه جنسی یاری رسانده تا از سنین پر مخاطره بلوغ و پس از آن به سلامت بگذرند و از برخورد ناصواب و افراط و تفریط جلوگیری شود و سعادت و کمال فرد و جامعه تأمین گردد.

منابع

نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: موسسه تحقیقاتی امیرالمومنین، ۱۳۸۱.

اسپنس، س، ***درمان اختلالات جنسی***، ترجمه حسن توزنده جانی، تهران: پیک فرهنگ.

اصلانخانی، علی، محمد، شمسی پور،پروانه، شمس، امیر، «مقایسه کمال گرایی و عزت نفس و ارتباط آنها با تحول روانی- اجتماعی در دختران نوجوان فعال و غیر فعال مناطق۲،٤،٥ تهران»، ***پژوهش در علوم ورزشی***، شماره ۲۷: ۸۱-۸۹. (۱۳۸۹).

امین خندقی، م. ابراهیمی هرستانی، «تحلیلی بر رویکرد ناظر بر تربیت جنسی از منظر اسلام، بر مبنای پژوهش‌های انجام شده در این زمینه و تبیین دلالت‌های آن بر نظام برنامه در سی آموزش و پرورش»، ***مجموعه مقالات، جنسیت از منظر دین و روانشناسی***، اول، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰.

امینی، م. پاشایی، ر؛ تمنایی فر، م، «بررسی ضرورت وجودی و چگونگی توجه به تربیت جنسی در برنامه درسی مقاطع». ***مجله علمی پژوهشی «برنامه درسی»***، ۱ (۱)،۲۰۲-۱۷۰ . ۱۳۹۰.

آمدی، عبد الواحد، ***غرر الحکم***، چاپ سوم، تهران: جامعه، ۱۳٦۰.

حرانی، ابن شعبه، ***تحف العقول***، قم: جامعه مدرسین، ۱٤۰٤ق.

خسروپور، ی؛ شیرازی، ح، ***روانشناسی بلوغ***، تهران: حافظ نوین، ۱۳۸۷.

خوشدل، گیتی، ***روانشناسی کمال***، تهران، نشر پیکان، ۱۳۸۰.

رهنما، ا؛ و همکاران، «بررسی و تبیین مبانی، اصول و روش‌های تربیت جنسی با تأکید بر دیدگاه اسلام»، ***دوماهنامه علمی پژوهشی دانشور رفتار***، دانشگاه شاهد، سال چهاردهم، ۲٤. ۱۳۸٦.

شعاری نژاد، علی‌اکبر، ***مبانی روان شناختی تربیت***، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷٥.

صافی، احمد، ***آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه***، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸٤.

طاهرپور، محمد شریف، «راهکارهای تقویت حجاب و عفاف در جامعه»، ***مهندسی فرهنگی***، ٤٥ و ٤٦ ،۱۸-۳۷. (۱۳۸۹).

عبدالرحیمی، علیرضا، «آسیب شناسی مسایل جنسی و ضرورت آموزش‌های اجتماعی پیشگیرانه»، ***مجموعه چکیده مقالات پنجمین همایش مشاوره اسلامی همایش ملی مشاوره خانواده و بهداشت جنسی***، اردیبهشت، تهران: اندیشه ماندگار، ۱۳۸۸.

معرفای، ابراهیم، «تربیت جنسی. تربیت فراموش شده»، نشریه تربیت، ۷۹، ۳۹-۴۳. ۱۳۷۹.

مولایی، زهرا، «بررسی رابطه کمال گرایی مثبت و منفی و صفات شخصیت»، ***علوم روانشناختی***، دوره ٦، شماره ۲۳: ۳۱۸-۳۰۵. (۱۳۸٦).

نوابی نژاد، شکوه، ***نوجوانی و ضرورت و آموزش بهداشت روانی***، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷٦.

نورعلی زاده میانجی، مسعود، «مدل مصون سازی رفتار جنسی با تأکید بر پیشگیری و درمان انحراف‌ها و مشکلات جنسی»، ***دوفصلنامه علمی تخصصی مطالعات اسلام و روانشاسی***، سال۳ ،۱۰۷،۵-۱٤۲. (۱۳۸۸).

Murphy, D. Bransky, T. Jenkins - Friedman, R (1987). identifying and working with gifted students at risk for disabling perfectionism in R.jenkins-Friedman & A.Robinson (Eds.), Research briefs: A collection of research-based papers presented at the annual convention, New or leans, Norember, (1987). pp.14-16. circle pines, MN: National Association for Gifted children

مجموعه مقالات نهمین همایش ملی اشراق اندیشه مطهر، **خانواده و تربیت جنسی**
اردیبهشت ۱۳۹٤، ص ٤۱۱-۳۹۵

عوامل و راهکارهای خودکنترلی و نقش آن در تربیت جنسی مبتنی بر آموزه های دینی

ناهید مشائی/ استادیار گروه معارف دانشگاه فردوسی مشهد[۱]
اکرم شاهد/ دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه آزاد قوچان

چکیده

یکی از روش های تربیت نفس، در حوزه ی تعلیم و تربیت، مساله "خود کنترلی" است. امری که امروزه مورد توجه متصدیان امور تربیت قرار گرفته و در آموزه های دینی از آن به "تقوا" تعبیر شده است. دانش روان شناسی به طور ویژه نقش تربیتی خود کنترلی را در سنین اولیه کودکی مورد توجه قرار داده است. این مقاله به شناسایی و بررسی عوامل ضعف خودکنترلی از دیدگاه آموزه های دینی می‌پردازد. از یافته‌های این پژوهش تقسیم عوامل ضعف خودکنترلی به "بیرونی" و "درونی" است. در آموزه‌های دینی بر عواملی مانند وابستگی به زینت و زندگی دنیا و وسوسهٔ شیطان، به مثابه‌ی عوامل بیرونیِ ضعف خود کنترلی در انسان، تأکید شده است. همچنین پیروی از هوای نفس و غفلت از خود از عوامل درونی هستند که برای زدودن این عوامل نیز باید به تقویت اراده پرداخت. تحکیم باورهای اعتقادی و عبادات جوارحی راهکارهای اصلی تقویت اراده به شمار می آیند.

این پژوهش از روش اسنادی، مبتنی بر توصیف و تحلیل آیات قرآن کریم، دربارهٔ خودکنترلی سود جسته است و برآن است که مهم ترین مساله در تربیت جنسی، تقویت خود کنترلی از سنین اولیه ی کودکی و در دوره ی قبل از دبستان است.

کلید واژه‌ها: خودکنترلی، تقوا، اراده، باورهای دینی، عبادات.

---

۱ .mashaee-n@um.ac.ir

مقدمه

یکی از ویژگی های مختص انسان، اراده و آزادی است، امری که خودکنترلی رهین آن است. خودکنترلی نوعی مدیریت بر خویشتن است. با تقویت این ویژگی، انسان می تواند بر خویشتن خویش لگام زند و از انحرافات و اشتباهات و جرایم دوری کند. در معاشرت صحیح آن را به کار بندد و بدین‌ترتیب، به سوی کمال انسانی رهنمون شود. بنا بر آموزه‌های دینی، کنترل نفس از طریق ترک گناه و معصیت، و سپس انجام واجبات دینی می سر می شود که ثمرهٔ این کنترل، تقواست .

در اهمیت تربیت نفس و خود کنترلی همین بس که در قرآن کریم چند مرتبه به آن قسم خورده است: «وَنَفْسٍ وَما سَوّاها فَأَلْهَمها فُجُورَها وَتَقْواها قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكّاها وَقَدْ خابَ مَنْ دَسّاها» (سوره شمس: ۱۱-۷)؛ سوگند به نَفْس و آن کس که آن را درست کرد، سپس پلیدکاری و پرهیزگاری‌اش را به آن الهام کرد، که هرکس آن را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد و هر که آلوده‌اش ساخت، قطعاً درباخت .

خودکنترلی (Self-control) در «روان‌شناسی» با تعابیری مانند کنترل شخصی، منبع کنترل درونی، وجدان و کنترل نفس تبیین می شود. گوردون آلپورت (۱۹٦۷م) از نظریه پردازان شخصیت، یکی از ویژگی‌های شخصیت بالنده را توانایی کنترل شخصی می‌داند. (شعاری‌نژاد، ٤۲۵) از دید او: شخصیت سالم چند ویژگی دارد که عمده‌ترین آن‌ها پذیرفتن خود است. شخصیت‌های سالم می‌توانند همهٔ جنبه‌های هستی، ازجمله نقاط ضعف و کاستی‌های خود را بپذیرند و بدون اهمیت به آن‌ها، به تلاششان ادامه دهند؛ البته می‌بایست این نقاط ضعف را در جهت پیشرفتشان تقویت کنند. (شولتز، ۲۱)

کارل راجرز (۱۹۸۷م) در این باره می‌گوید: «همین‌طور که خود پدیدار می‌گردد، گرایش تحقق خود، (خود را از قوه به فعل رساندن) نمایان می گردد. این همان هدفی است که غالباً اشخاص سالم بدان دست می یابند. در انسان سالمی که به تحقق خود می پردازد، الگوی منسجمی ظاهر می گردد» (همان، ٤۳ــ٤٤). به اعتقاد راجرز هرچه انسان از سلامت روان بیشتری برخوردار باشد، آزادانه‌تر عمل و انتخاب می‌کند (همان، ۵۲)

اریک فروم (۱۹۸۰م) روان شناس دیگری است که در تبیین خودکنترلی می گوید: «انسان سالم با زایاندن همهٔ استعدادهای بالقوه‌ی خود، با تبدیل به آنچه در توانایی‌اش است و با تحقق

بخشیدن به همه‌ی قابلیت‌ها و توانایی‌هایش خود را می‌آفریند.» (همان، ۷۱ـ۷٤)

کارل یونگ (۱۱۹٦م) یکی از شروط تحقق «خود» را تحصیل شناخت عینی درباره ی خود می‌داند و می‌نویسد تا نخست ماهیت «خود» را به‌طور کامل نشناسیم فعلیت «خود» امکان‌پذیر نیست (همان، ۱۳٦). امری که در آموزه های متون دینی با تعبیر «من عرف نفسه فقد عرف ربّه» به کثرت آمده است؛ یعنی از طریق معرفت خود به خدا می‌رسیم. خودشناسی علاوه بر فعلیت بخشیدن به شخصیت، گام بلندی در خداشناسی نیز به شمار می‌رود .

آبراهام مزلو (۱۹۷۰م) می گوید: «تا انسان به خود احترام نگذارد احساس ایمنی و درونی و اعتماد به خود پیدا نمی کند؛ در این صورت در مقابله با زندگی احساس حقارت و دل سردی و ناتوانی می‌کند. برای دست‌یابی به احساس احترام به خود راستین، باید خود را خوب بشناسیم و بتوانیم فضایل و نقاط ضعفمان را به‌طور عینی تشخیص دهیم» (همان، ۹٤ـ۹۵)

فریتس پرلز (۱۹۷۰م) برآن است که اشخاص سالم می توانند مسئولیت زندگی خویش را بپذیرند؛ می دانند که فقط خودشان مسئول حاصل زندگی یا هر آنچه می‌گویند و می‌کنند و می اندیشند، هستند (همان، ۱۹۳). او می گوید: «هر ارگانیسمی برای حفظ تعادل، همواره به تعامل با محیط و خودتنظیمی نیاز دارد» (همان، ٦۹) که مفهوم تحقق «خود» و آگاهی از «خود» به این خودتنظیمی کمک می‌کند تا انسان روان سالمی داشته باشد. وی اضافه می‌کند برای تحقق «خود» نخست باید همهٔ ابعاد «خویش» را شناخت (همان، ۱٤۱) که کمال‌گرایی در این مفهوم متجلی می‌شود و مهم‌ترین ملاک سلامت روانی است (همان، ۷٦)

به نظر اریک اریکسون (۱۹۹٤م) نیز توان کنترل خویشتن و احساس اینکه انسان می تواند خویشتن را کنترل کند یکی از ویژگی‌های شخصیت سالم است (لاندین، ۳۰٦)

جولیان راتر (۱۹۱٦م) منبع کنترل را به دو گونهٔ منبع کنترل درونی و منبع کنترل بیرونی تقسیم کرده است (سیف، ۳٦۲) منبع کنترل عبارت است از پاسخی که شخص، کم و بیش به‌صورت آگاهانه، به این پرسش می‌دهد که چه کسی سرنوشت مرا تعیین می‌کند؟ (صفاری‌نیا، ۳۲) افرادی که منبع کنترل درونی دارند، فکر می کنند که مسئول زندگی خودشان‌اند و بر اساس آن عمل می‌کنند .

پژوهش راتر نشان داد که این افراد از نظر جسمی و روانی سالم‌تر از افراد دیگرند (برکوویتز، ۱۰۲). کسی که منبع کنترل درونی دارد، معتقد است آنچه بر سرش می آید، مثبت یا

منفی، ناشی از رفتارش است؛ اما کسی که منبع کنترل بیرونی دارد، عامل هـای بیرونـی را و نـه کارهای شخصی خود را دخیل می‌داند (صفاری‌نیا، ۳۲)

بنابراین انسان با مدیریت بر غرایز و نفس خود می تواند به این مهم دست یابد؛ اما در ایـن راه به طور قطع به دستور العملی جامع و کامل نیازمند است که بهترین الگـو در ایـن زمینـه بـا تأسی از آیات قرآن کریم به دست می‌آید.

مفهوم‌شناسی خودکنترلی

خودکنترلی به خود مراقبتی و مواظبت از رفتار خویش اطلاق می شود و در رشته های علوم انسانی به تعاریف عدیده وارد شده، که به دلیل اهمیت، برخی از آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

در جامعه شناسی «خود» عبارت است از تجربهٔ آگاهانهٔ فرد از هویت شخصی و بارز کـه از همهٔ اشیاء و مردم دیگر متفـاوت اسـت (کـافی، ۸۷). در ایـن علـم از خـودکنترلی بـه کنتـرل خویشتن تعبیر شده و در تبیین آن آمده است: «کنترل رفتار، عمل و اندیشهٔ خود توسـط فـردی آگاه و مختار، کنترل خویشتن و احراز توان آن لازمهٔ تحقّق آزادی است و خود از بلـوغ ذهنـی منبعث می شود. کنترل خویشتن در مواردی بـه منظـور اجتنـاب از آلام ناشـی از لـذت کنـونی صورت می گیرد، ولی در مواردی دیگر در راه تصعید و ارتقای انسان به سـوی مراحلـی بـرین تحقیق می‌پذیرد» (ساروخانی، ۷۱۷/۲)

«خود» در علم مدیریت: «عموماً به مجموعـهٔ وجـودی یـا فردیـت شـخص بـر مـی گـردد» (دوبرین، ۸۸). خودکنترلی حالتی است در درون فرد که او را به انجـام دادن وظـایفش متمایـل می‌سازد؛ بدون آنکه عامل خارجی بر او نظارت داشـته باشـد؛ بـه عبـارت دیگـر، خـودکنترلی مراقبتی درونی است که براساس آن وظایف محول‌شده انجام و رفتارهای ناهنجار و غیرقـانونی ترک می‌شود.

در این دیدگاه خودکنترلی فرایندی است کـه براسـاس آن، افـراد بـدون اجبـار و تهدیـد و تطمیع، به وظایف سازمانی خود تعهد نشان می‌دهند و از بیشترین توانشـان در جهـت پیشـبرد اهداف سازمان استفاده می‌کنند (زارع، ۱۳۸٤)

ماکس وبر (۱۹۹۹م) نیز می‌گوید: اصطلاح خـودکنترلی یعنـی توانـایی کنتـرل حالـت‌هـای تکانشی توسط منع خواسته هـای کوتـاه مـدت، و فـردی دارای خـودکنترلی اسـت کـه بتوانـد

انگیزه‌ها و هیجانات آنی خود را مدیریت کند.

در روان شناسی تعریف «خود» چنین آمده است: «مجموعهٔ ویژگی های فردی است که تفاوت فرد از دیگران یا شباهت او به دیگران را بیان می کند» (همان، ٢٤) خودکنترلی توانایی پیروی از درخواست معقول، تعدیل رفتار مطابق با موقعیت، به تأخیر انداختن ارضای یک خواسته در چارچوب پذیرفته‌شدهٔ اجتماعی، بدون مداخله و هدایت مستقیم فردی دیگر تعریف شده است. اساس خودکنترلی توانایی فرد در کنترل ارادی فرایندهای درونی و برون‌دادهای رفتاری است. (قدیری، ۱۳۸۹)

افرادی که در خودکنترلی ناتوان هستند احساس درماندگی و ناتوانی در اعمال و وقایع زندگی می کنند و معتقدند هر تلاشی که انجام می دهند بی فایده است و ممکن است به نحو فزاینده‌ای ناامید، بی احساس و مضطرب شوند. ولی افرادی که از این نظر در سطح بالینی قرار دارند معتقدند که می توانند به طور مؤثری به وقایع و موقعیت‌هایی که با آن‌ها مواجه می شوند برخورد نمایند زیرا آن‌ها انتظار موفق شدن در غلبه بر موانع را دارند، آن‌ها در انجام کارها استقامت نشان داده و اغلب عملکرد سطح بالینی دارند (شولتز، ۱۳۷۵)

جولیان راتر (١٩٩٦) بیان می دارد که افراد داری کنترل درونی، کنترل کافی بر زندگی خود دارند و در تکالیف خود عملکرد بهتری دارند، کمتر تحت نفوذ دیگران قرار می‌گیرد و برای مهارت‌ها و پیشرفت‌های شخصی خود ارزشی والاتری قائلند. مسئولیت بیشتری برای زندگی و رفتارهای خود می پذیرند. افرادی سخت کوش بوده و در جهت رفع مشکلات خود بیشتر چالش می‌کند.

اریک برن(١٩٦٤)، حالت من بالغ را به عنوان بخش خود کنترل شخصیت مطرح می‌کند و یک شیوه زندگی سالم را تحت تأثیر(من بالغ)[1] فرد می‌داند.

امروزه اصطلاحی تحت عنوان (هوش هیجانی) این مفاهیم را تحت پوشش قرار می دهد و کسی که هوش هیجانی بالایی دارد قادر است تمایلات و احساسات و هیجانات خود را به نحو مطلوبی مدیریت کند. و چون می تواند احساسات و عواطف دیگران را شناسایی کند، ارتباط جدیدتر و سازنده‌ای برقرار می‌سازد. در این ویژگی یعنی هوش هیجانی همان

۱.به اصطلاح عاقل شخصیت و نمایانگر رفتار پخته و منطقی فرد است. در واقع مجموعه ای از احساسات، نگرشها و طرحهای رفتاری خود مختار و مستقل و واقع گراست که فرد را با واقعیتهای موجود تطبیق و هماهنگی می دهد.(ر.ک نظریهٔ درمان مبتنی بر تحلیل ارتباط محاوره ای اریک برن (T.A))

خودکنترلی نهفته است و تحقیقات نشان داده افراد دارای EQ (هوش هیجانی) بالا در تمام زمینه‌های فردی، اجتماعی و شغلی موفق هستند. بنابراین تنها وجود و تقویت IQ در سیستم‌های آموزشی نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای فرد و جامعه باشد و بایستی کلیه سیستم‌های آموزشی در جهت آموزش مهارت های شناختی و هیجانی و رفتاری دانش آموختگان خود گام بردارند.

خودکنترلی یکی از مباحث روان شناسی است که ناشی از فرایندهای فکر نیست و به دلیل اهمیت آن در بهداشت و سلامت روان امروزه به آن توجه زیادی شده است. علی رغم دیدگاه روان‌شناسی، آموزه‌های دینی در موضوع خودکنترلی مبتنی بر امر درونی و باور قلبی است و به نوعی با ذهن و فرآیند فکر، ربط وثیق دارد.

از آنچه گذشت به دست آمد که روان‌شناسی از توانایی مدیریت انسان بر خویش به «خودکنترلی» تعبیر می‌نماید. همین اصطلاح در آموزه‌های دینی به «تقوا» تعبیرشده است که در دامنه گسترده تری هدایت ویژه‌ی صاحبان این صفت به شمار آمده است. «... هدی للمتّقین» (بقره: ۲)

خودکنترلی در آموزه‌های دینی

ارزش انسان به نفس متعالی اوست (نفس مطمئنه). نفس انسان مراتبی دارد که می‌تواند انسان را به ذلت و پستی بکشاند یا او را به درجات اعلی نزدیک کند. یکی از عواملی که موجب تعالی نفس است، «خودکنترلی» می باشد که در این فرایند انسان می تواند با تکیه بر نفس خویش و بدون عاملی دیگر اعضا و جوارح خود را کنترل کند. خودکنترلی همان خویشتن داری است که قرآن کریم از آن به تقوا تعبیر می کند، و کرامت انسان در نزد خداوند، براساس آن سنجیده می‌شود: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳)

تقوی از «وقایه» به معنای «نگهداری» گرفته شده است، و آن ملکه و حالت معنوی و درونی است که انسان را از زشتی ها و آنچه مورد نهی خداوند متعال است، باز می دارد. تقوی در معارف اسلامی از اهمیت و ویژگی‌های خاصّی برخوردار است و به عنوان عامل رهایی از عذاب آخرت و رسیدن انسان به بهشت و أجر عظیم خداوند، و راهی برای خارج شدن از گرفتاری‌ها و بهره‌گیری از علم الهی و محبّت خداوند و قبولی اعمال نزد او، معرفی شده

است .

گرچه اصطلاحی خاص برای خودکنترلی در قرآن وجود ندارد؛ اما آیاتی در قرآن کریم بر خودکنترلی دلالت دارند. به عنوان نمونه :

أ) «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا عَلَیْکُمْ أَنْفُسَکُمْ لا یَضُرُّکُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَیْتُمْ إِلَی اللَّهِ مَرْجِعُکُمْ جَمِیعاً فَیُنَبِّئُکُمْ بِما کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (سوره مائده: ۱۰۵)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خودتان بپردازید. هرگاه شما هدایت یافتید، آن کس که گمراه شده است به شما زیانی نمی‌رساند. بازگشت همهٔ شما به سوی خداست. پس شما را از آنچه انجام می‌دادید، آگاه خواهد کرد. اصطلاح «عَلَیْکُمْ أَنْفُسَکُمْ» در زبان قرآن و عربی مبین همان حفظ و کنترل خود می‌باشد .

ب) «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَکُمْ وَ أَهْلِیکُمْ ناراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجارَةُ» (سوره تحریم: ٦)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده تان را از آتشی که سوخت آن، مردم و سنگ هاست حفظ کنید. کلمهٔ «قوا» جمع امر حاضر از مصدر «وقایه» است، و «وقایه» به معنای حفظ کردن چیزی از هرگونه خطر است که به آن صدمه بزند، و برایش مضر باشد (راغب، ۸۸۱). این آیه، امر به خودکنترلی مؤمنان و حتی خانواده و اهل آن‌ها است، که مرحله‌ای برتر از خودکنترلی را بیان نموده و حفظ افراد خانواده را نیز از وظایف سرپرستان خانواده‌ها دانسته است .

ج) «لا تَکْسِبُ کُلُّ نَفْسٍ إِلاَّ عَلَیْها وَ لا تَزِرُ وازِرَةٌ وِزْرَ أُخْری» (سوره انعام: ١٦٤)؛ و هیچ کس جز بر زیان خود [گناهی] انجام نمی‌دهد، و هیچ باربرداری بار [گناه] دیگری را بر نمی‌دارد. مفاد آیه یاد شده این است که به طورکلی اشخاص هیچ عمل زشتی انجام نمی‌دهند، مگر اینکه خود صاحبان عمل، وزر و وبال آن را به دوش خود خواهند کشید، و هیچ کس وزر دیگری را به دوش نمی‌کشد (طباطبائی، ۳۹۵/۷)

در حقیقت پیام اصلی آیه خودکنترلی است و منظور از آن تکلیف شرعی و انجام وظایف فردی هر انسان است و تاکید درباره ی اینکه هرکس مسؤول اعمال خویش است و باید کردار و رفتار خود را مراقبت و تصحیح نماید .

د) «لا یُؤاخِذُکُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِی أَیْمانِکُمْ وَلکِنْ یُؤاخِذُکُمْ بِما کَسَبَتْ قُلُوبُکُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِیمٌ» (سوره بقره: ۲۲۵)؛ خداوند شما را به سوگندهای لغوتان مؤاخذه نمی‌کند، ولی شما را بدانچه دل هایتان [از روی عمد] فراهم آورده است، مؤاخذه می‌کند، و خدا آمرزنده بردبار

است.

بیشترین آیات حکایت‌گر خودکنترلی در قرآن کریم، مربوط به نفس و قلب است؛ همان گونه که در آیات یاد شده مشاهده شد، این نفس است که باید مراقب اعمال و رفتارش باشد و همواره بر خود مسلط باشد که به خطا نرود. خداوند حکیم برای سعادت و کمال نفس دستورات هدایتگری بیان فرموده و به اعمالی که سبب تقویت و ضعف خودکنترلی می شود، اشاره فرموده است که تفصیل آن در روایات ائمه و کتب اخلاق اسلامی، قابل دستیابی است .

مهم‌ترین عوامل خودکنترلی در جهان بینی توحیدی

در نظام توحیدی اسلام، زندگی انسان بدون خدا و محوریت او، قابل تصور نیست. انسان در اصل هستی «مخلوق خدا»، و در ادامه ی هستی «محتاج خدا» و نیز در ادامه ی حیات در جهان آخرت «نیازمند برنامه های پیشنهادی خدا» برای نیل به سعادت ابدی می باشد. در تمامی مراحل «خدا محوری و نظارت دقیق او» اصل و اساس هستی انسان را تشکیل می‌دهد.

مهم‌ترین عوامل خودکنترلی در نظام عقیدتی اسلام را مورد بررسی قرار می‌دهیم :

۱. نظارت الهی در ابعاد مختلف زندگی انسان

قرآن مجید در عالیترین سطح به بیان نظارت الهی –که مهم ترین عامل اصلی خود کنترلی در نظام اعتقادی اسلام است– می پردازد. این نظارت دارای ویژگی های منحصر به فردی است و بدون آنکه محدودیت‌های نظارت‌های دیگران را داشته باشد، امتیازهای خاص خود را دارد :

أ) این نظارت توسط خداوند که خالق انسان و بر همه چیز تواناست، صورت می گیرد. «الم یعلم بان الله یری» (سوره علق: ١٤). او بر بندگان ذره‌ای ظلم نمی‌کند، خوبی‌ها را به چندین برابر پاداش می‌دهد و عذاب بدی‌ها در حقیقت چیزی جز خود این اعمال بد نیستند. «إنّ الله بالنّاس لرئوف رحیم» (سوره بقره: ١٤٣)، «من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها و من جاء بالسّیّئة فلا یجزي إلاّ مثلها و هم لا یظلمون» (سوره انعام: ١٦٠) نظارت الهی تمامی اعمال و ابعاد زندگی انسان را شامل می شود. «وکان الله علی کلّ شیءٍ رقیبا» (نساء: ١) و نیز ر. ک. (سوره احزاب: ٥٢)، (سوره بقره: ٩٦)، (سوره بقره: ١١٠)

۲. ارزشمندی و کرامت انسان در اسلام

یکی از مهم‌ترین اصولی که زمینه‌ساز تحقق خودکنترلی است؛ اصل ارزش و کرامت انسان

است زیرا اگر انسان قدر و منزلت و جایگاه رفیع خود را بهتر بشناسد دیگر بـه امـور پسـت و آلوده شدن به زشتی ها رضایت نمی دهد و برعکس شخصی که برای خـودش ارزش و منزلتـی قائل نیست تن به هر ذلتی می دهد و چنین شخصی که خود از شـر اعمـالش در امـان نیسـت؛ بالطبع دیگران نیز از شر او در امان نیستند :

امام علی (ع): «من کرمت علیه نفسه لم یهنها بالمعصیة» هر که شرافت و بزرگواری یافـت، خود را از امور پست باز می‌دارد. (نهج البلاغه، ح ٤٤٩)

امام هادی (ع): «من هانت علیه نفسه فلا تأمن شره» هرکسی که در نـزد خـودش پسـت و بی‌ارزش است پس تو از شر او در امان نباش. (میزان الحکمة: ح ٦٧١٩)

اسلام برای انسان جایگاهی قائل است که در هیچ مکتب دیگری نظیر آن را نمی بینیم. قرآن به انسان گوشزد می کند که تو تکریم شده ی پروردگار عالم، هستی و اسـتعداد آن را داری کـه به مقامی برسی که مسجود ملائکه شوی و در قرب خداوند به جایی برسی کـه هـیچ ملکـی را توان آن نباشد:

«ولقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البرّ و البحر و رزقناهم مـن الطّیّبـات و فضّـلناهم علـی کثیر ممّن خلقنا تفضیلا» (سوره اسراء: ۷۰) و ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آن هـا را به مرکب بر و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آن‌ها را روزی دادیم و بر بسـیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت بزرگ بخشیدیم.

از سوی دیگر، دین اسلام با معرفی شخصیت هایی همچون رسول اکرم (ص)، امیرالمؤمنین (ع) و حضرت زهرا (س) و ائمه معصومین به عنوان جایگاه رفیع، ارزش و کرامت انسان هـا را نشان می‌دهند و با دعوت انسان‌ها به تبعیت و شباهت یافتن به آن‌ها، استعداد و مقـام وجـودی انسان را متذکر می‌شوند و این مسئلهٔ بسیار مهمی است و تأثیر زیادی بر شخصیت پیـروان هـر مکتب و گروهی دارد زیرا الگویی که هر مکتـب و نحلـه‌ای بـرای انسـان معرفـی مـی‌کنـد در حقیقت نشان دهندهٔ جایگاه و منزلت و ارزش انسـان در نـزد آن اسـت. دیـن اسـلام بـا ارائـهٔ نمونه‌های عملی انسان کامل و مقام خلیفـه الله بـرای بشـر بیشـترین خـدمت را بـه شخصـیت انسانی کرده است.

۳. اعتقاد به جهان آخرت و معاد

در نظام اعتقادی اسلام، هستی محدود به این جهان مادی نمی شود که با مرگ انسان پایـان

پذیرد بلکه این جهان تنها جزء کوچکی از هستی می باشد و جسم انسان نیز جزئی از وجود او را تشکیل می‌دهد و پس از مرگ زندگی انسان در مراتب بالاتری از حیات ادامه پیدا می‌کند و اصل سعادت ابدی در جهان آخرت تحقق می‌یابد.

بنابراین نیستی برای انسان معنا ندارد. زندگی در این جهان مقدمه ای بر حیات ابدی اوست و نحوهٔ زندگی در آن جهان، بستگی به چگونگی زندگی او در این جهان است. از این رو است که می‌بینیم تمامی پیامبران برای بیداری و تنبّه بشر بیش از هر چیز به مسئلهٔ معاد اشاره کرده‌اند و بخش عظیمی از آیه های قرآن کریم نیز به این مسئله اختصاص دارد. کثرت آیات پیرامون معاد –که اعتقاد به آن به مثابه‌ی ابزار نیرومندی در خودکنترلی ایفای نقش می‌کند– نشان از جایگاه ممتاز این اصل اعتقادی در تربیت جنسی دارد.

٤. نقش جهان بینی توحیدی در تداوم خودکنترلی

انجام هر فعل در انسان پس از انگیزه ی ابتدایی، نیازمند پشتوانه ای قوی برای ادامه و تداوم آن است. انسان بدون جهان بینی توحیدی به دلیل آنکه یقین به حیاتی فراتر از زندگی مادی ندارد در موارد عدیده‌ای، تداوم خودکنترلی و محدودیت‌های بسیار در زندگی دنیا را بر نمی‌تابد.

در حالی که در اندیشه ی توحیدی، کرامت انسانی او را مشتاق به سعادت ابدی و جاودانگی می سازد. از سویی خدای متعال، این رستگاری را در گرو اعمال نیک در دنیا و تحقق سعادت ابدی را مخصوص سرای آخرت می‌داند. این سه عامل مهم‌ترین محرک انسان برای کنترل نفس و دوام آن می‌باشند. در این میان، نقش نظارت الهی در خودکنترلی انسان، نقش بی‌بدیلی را ایفا می‌نماید .

۵. عوامل ضعف خودکنترلی

عوامل ضعف خودکنترلی، عواملی اند که انسان را در کنترل کردن خود دچار سستی می کند و مانع سعادت و کمال وی می‌شود. این عوامل به دو گونه آسیب‌زایند: بیرونی و درونی .

أ) عوامل بیرونی

براساس آیات قرآن، عواملی که بیرون از نفس انسان در ضعف خودکنترلی نقش دارند، عبارتند از :

۱. وابستگی به زینت و زندگی دنیا :

زینت و زندگی دنیا وسیله ای است که انسان را به جایگاه ابدی خود می رساند و باید به

بهترین شیوه برای رسیدن به مقصد از آن استفاده کرد: «وَ مَا الْحَياةُ الدُّنْيا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتاعٌ» (سوره رعد: ٢٦)؛ و زندگی دنیا در [برابر] آخرت جز بهره‌ای [ناچیز] نیست. خداوند زندگی دنیا را «متاع» خوانده و متاع به معنای هر چیزی است که خود آن هدف نباشد، بلکه وسیله‌ای برای رسیدن به هدف باشد (طباطبائی، ۳۲۹/۲) اجازهٔ استفاده از این نعمت الهی به همهٔ انسان ها بخصوص افراد باایمان داده شده و فرموده است: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زينَةَ اللَّهِ الَّتي أَخْرَجَ لِعِبادِهِ وَ الطَّيِّباتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذينَ آمَنُوا فِي الْحَياةِ الدُّنْيا خالِصَةً يَوْمَ الْقِيامَةِ كَذلِكَ نُفَصِّلُ الْآياتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (سوره اعراف: ۳۲)؛ [ای پیامبر] بگو: زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده، و [نیز] روزیهای پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده؟ بگو: این [نعمت ها] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند و روز قیامت [نیز] ویژهٔ آنان است. این گونه آیات [خود] را برای گروهی که می‌دانند به‌روشنی بیان می‌کنیم.

تعلق شدید به زینت‌های دنیا یکی از عوامل ضعف خود کنترلی است. از جمله این زینت های دنیا، غریزه جنسی است که کاربرد صحیح آن ایجاد خانواده، توالد و تناسل و اهدافی از این قبیل است. در حالی که انحراف در به کارگیری این غریزه، سبب از بین رفتن رشد فرد و جامعه‌ی سالم است.

۲. وسوسهٔ شیطان :

خداوند متعال در قرآن کریم شیطان را دشمنی آشکار معرفی کرده است و بیان می دارد که او را عبادت نکنید، بلکه مرا بپرستید؛ چراکه شیطان شما را گمراه خواهد کرد: «أَنْ لا تَعْبُدُوا الشَّيْطانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبينٌ، وَ أَنِ اعْبُدُونِي هذا صِراطٌ مُسْتَقِيمٌ، وَ لَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيراً» (سوره یس: ٦٢ـ٦٣)؛ شیطان را مپرستید؛ زیرا وی دشمن آشکار شماست؟ و اینکه مرا بپرستید این است راه راست، و [او] گروهی انبوه از میان شما را سخت گمراه کرد. آیا تعقل نمی‌کردید؟ .

هنگامی که خداوند شیطان را از درگاه خود راند، شیطان سوگند خورد که همهٔ انسان‌ها را گمراه کند: «قالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعينَ؛ إِلَّا عِبادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصينَ» (سوره ص: ۳-۸۲) [شیطان] گفت: پس به عزت تو سوگند که همگی را جداً از راه به در می‌برم. مگر از میان آنان، آن بندگانت را که اخلاص یافته‌اند .

یکی از وسوسه های شیطان سوق دادن فرد به سوی انحرافات جنسی است. چنانچه که در

داستان حضرت یوسف (ع) تلاش شیطان به دلیل مخلَص بودن آن حضرت بـه نتیجـه نرسـید. (ر. ک سوره یوسف: ٢٤)

ب) عوامل درونی

عوامل دیگر ضعف خودکنترلی که منشأ آن‌ها درونی است عبارتند از :

۱. پیروی از هوای نفس :

قرآن کریم انسان را از پیروی هوای نفس منع کرده است و در مسـیر کمـال، شـیوهٔ تعـدیل غرایز را به انسان می آموزد. «اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوى» (سوره مائده: ۸۱)؛ عدالت پیشه کنید که آن به تقوا نزدیک تر است. عدالت آن است که حق هر قوه ای را به او بدهید و هـر قـوه ای را در جای خودش مصرف کنی که دو طرف افراط و تفریط عدالت، عبارت است از سـتمگری و ستم‌کشی (طباطبائی، ۳۷۰/۱ـ۳۷۳)

و همچنین امام علی (ع) می‌فرماید: «ملاک الدین مخالفه الهوی؛ اسـاس دیـن، مخالفـت بـا هوای نفس است» و نیز فرمود: «ایاکم و غلبه الشهوات علـی قلـوبکم فـان بـدایت هـا ملکـه و نهایت‌ها هلکه؛ زنهار از چیره آمدن شهوت‌ها بر دل‌هایتان، زیرا که آغاز آن‌هـا بنـدگی اسـت و انجامشان نابودی». و فرمود: «مبادا هوس بر شما چیره آید، زیرا کـه آغـاز آن فتنـه و گمراهـی است و فرجامش رنج». (محمدی ری شهری، ٦٦٩٠/١٤)

هنگامی که هوای نفس مشتعل است، نفس می خواهد به لذت برسد و ممکن اسـت چنـان شیفته شود که از شکستن حدود و زیر پا گذاشتن ضوابط نیز پروایی نداشته باشد. نفس در این حالت، «امّاره» (فرمان دهنده‌ی به بدی) نامیده می‌شود. (باقری، ۱۹)

نفس امّاره در صورت کنترل نشدن، غرایز جنسی را به گونه ای لجام گسـیخته بـه انحـراف می‌کشد. چنان که حضرت یوسف (ع) تربیت جنسی خود را در کنترل نفـس امّـاره بـه خـدای متعال متصف می کند: «و مَا أُبَرِّئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلاَّ مَا رَحِمَ رَبِّيَ إِنَّ رَبِّـي غَفُـورٌ رَّحِيمٌ» (سوره یوسف: ۵۳) و من نفس خود را تبرئه نمی‌کنم چرا که نفس قطعـا بـه بـدی امـر می‌کند مگر کسی را که خدا رحم کند زیرا پروردگار من آمرزنده مهربان است .

پیروی از هوای نفس به دلیل ضعف نفس انسان محقق می‌شـود؛ ضـعف نفـس، نـاتوانی و تحمل‌ناپذیری نفس است. صفتی ناپسند در انسان که در آن حالت عجز و اضـطراب بـه سـراغ انسان می‌آید؛ به‌طوری‌که انسان ضعیف‌النفس در جزیی‌ترین کارها نیز نمی‌تواند تصمیم درستی

بگیرد (نراقی، ۱/ ۲۳۵). مؤمن از این صفت به دور است؛ زیرا عزت از آن مؤمنان است: «وَلِلَّـهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ» (سوره منافقون: ۸)

لازمهٔ قوی بودن نفس، اطمینان نفس، ثبات در عقاید، تزلزل ناپذیری، احساس توانمندی و مقاومت در برابر ناملایمات و دردها، شکست‌ناپذیری، تصمیم و عزم قاطع برای تحصیل آنچه مفید تشخیص داده می شود و کسب کمال و فضایل است. می توان گفت: همهٔ رذایل از نفس ضعیف و همهٔ فضایل از نفس قوی به دست می‌آید (نراقی، ۲۳۶/۱ـ۲۳۷)

۲. غفلت از خود :

یکی از عوامل ضعف خودکنترلی غفلت و جهل نسبت به خود است؛ زیرا اگر انسان از خود غافل شود و خود را فراموش کند. غفلت از خود درواقع غفلت از خداوند را در پی دارد و موجب می‌شود عملی را از یاد ببرد که به سود اوست. این چنین کسان، کارشان به گمراهی می رسد: «فَوَيْلٌ لِلْقاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولئِكَ في ضَلالٍ مُبينٍ» (سوره زمر: ۲۲)؛ پس وای بر آنان که از سخت‌دلی یاد خدا نمی‌کنند اینان در گمراهی آشکارند. سرانجام شیطان جای ذکر خدا را می‌گیرد و با انسان قرین می‌شود: «و مَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطاناً فَهُوَ لَـهُ قَرينٌ» (سوره زخرف: ۳۶)؛ و هرکس از یاد [خدای] رحمان دل بگرداند، بر او شیطانی می‌گماریم تا برای وی دمسازی باشد.

سرچشمهٔ غفلت و بی‌خبری هواپرستی است (مکارم شیرازی، ۲۶/۱۱)؛ از این رو خداوند می فرماید: از غافلان پیروی نکنید: «وَ لا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنا وَ اتَّبَعَ هَواهُ وَ كانَ أَمْرُهُ فُرُطاً» (سوره کهف: ۲۸). چنین افرادی از چهارپایان نیز گمراه ترند؛ زیرا آنچه را وجه تمایز انسان از دیگر حیوانات است از دست داده اند و آن تمیز میان خیر و شر، و نفع و ضرر در زندگی انسان با چشم و گوش و دل است (طباطبائی، ۸/ ۳۳۶)

فراموشی از خود و مراتب کمالی آن، انسان را از هدف وجودی خلقت باز داشته، دنیا و فریب‌های آن را پررنگ و بارز می‌سازد. چنان که ذکر شد غرایز جنسی در شکل انحرافی آن، از مهم ترین عوامل فریب و به ابتذال کشاندن انسان است. لذا تربیت جنسی مانع خود فراموشی و سوق انسان به حضیض ذلّت می‌گردد.

۶. «اراده» عامل اصلی برون رفت از ضعف خودکنترلی

مهم‌ترین عامل تقویت خودکنترلی که در علم روان‌شناسی و نیز آموزه‌های دینی، مورد

توصیه و تأکید قرار گرفته، «تقویت اراده» در فرد است. این امر، موجب برون رفت از عوامل بیرونی و هم عوامل درونی ضعف خودکنترلی است.

اراده از جملهٔ صفاتی است که در خداوند و بنده‌اش مشترک است، با این تفاوت که اراده در انسان حالتی نفسانی است که بر اثر به کار افتادن حواس باطنی پدید می‌آید؛ (دریساوی، فقیهی، ۷۵ ـ ۹۲)

انسان مالک نفس خویش است. این بدان معناست که انسان حاکم، مسلط و متصرف بر چشم و گوش و دیگر قوا و افعال خویش است. به این معنا که اگر گوش من چیزهایی را می‌شنود و چشم من چیزهایی را می‌بیند یا دیگر قوای من کارهایی را انجام می‌دهند، همه برخاسته از اراده و حکم من است، نه اراده و حکم دیگران؛ این حقیقتی است که در تحقق، زوال‌ناپذیر است و انتقالش در ما، هیچ شبهه و تردیدی نیست (طباطبائی، ۱۷۰/۷ـ۱۷۱)

بنابراین ضعف اراده سبب می‌شود که انسان اختیار اعضا و قوای خود را از دست بدهد و نتواند بر آن‌ها کنترلی داشته باشد. خواسته‌های انسان، هرچه باشند، خواسته‌های انسان‌اند و او خود در برابر آن‌ها مسؤول است.

ملائکه بر انسان مؤثر توانند بود، اما به طریقه ی «الهام» نه به نحو «الزام»؛ چنان که شیاطین نیز تنها قادر بر «وسوسه»اند و یارای «اضلال» ندارند. حکام و نظام ها ی حکومتی نیز می توانند آدمی را محدود کنند، اما او را مقهور نتوانند کرد. در حلقه کوچک تر از جامعه، یعنی در نظام خانواده هم مسأله از همین قرار است. جایگاه آدمی در نظام خانواده و در آرایش نیروهای مؤثر این نظام، به نحوی ترسیم نشده است که او را به سایه‌ای از این نیروها تقلیل دهد. خداوند برای توضیح این نکته نمونه هایی از تاریخ را گواه آورده است: همسر نوح و همسر لوط از سویی، و همسر فرعون از سویی. (باقری، ۳٤-۳۲)

این‌ها نمونه‌هایی از زنان و حضرت یوسف (ع) نمونه‌ای از مردان‌اند که اراده‌ی خویش را مقهور اراده‌ی دیگری نکردند؛ علاوه بر آنکه حضرت یوسف (ع)، زیباترین جلوه‌ی اراده‌ی قوی بر علیه طغیان سرکش جنسی و تسلط بر نفس به شمار می‌آید.

۷. راهکارهای آموزه‌های دینی در تقویت اراده

أ) تحکیم باورهای اعتقادی

باور عمیق نسبت به خدای متعال نقش مهمی در تقویت اراده‌ی فرد بر تقوا پیشگی و

کنترل نفس، ایفا می نماید؛ و پشتوانه‌ای قوی در تحمّل محدودیت های ناشی از کنترل نفس به شمار رفته، از خاموشی انگیزه‌ی ابتدایی این کنترل جلوگیری می‌نماید.

هم چنین یقین درباره ی جهان آخرت و حسابرسی اعمال انسان، ضمانت اجرایی تمامی اعمال او محسوب می‌گردد. لذا تمامی متعلَّقات تقوا در قرآن خدا و قیامت است. (ر. ک المعجم المفهرس، مادّه «تقوا»)

ب) اعمال و عبادات

در آموزه‌های دینی میان انجام عبادات و تقوا ارتباط تنگاتنگی بیان شده است و ایمان و یقین به خدا و معاد انگیزه‌ی اصلی اعمال جوارحی محسوب شده‌اند. تمامی آیاتی که صفات متقین، مؤمنین و محسنین را بیان می‌دارند، ناظر بر این معنا هستند.

اسلام، مجموعه ای از عبادات را بر شخص مسلمانی که به بلوغ عقلی و جسمی رسیده باشد تکلیف نموده که فلسفه آن‌ها، تعمیق ایمان و تحقق و تحکیم ارزش‌ها در فرد و جامعه است. ثمره این عبادات در حقیقت ایجاد ملکه تقوا و به عبارت دیگر کنترل درونی و آگاهانه انسان بر اعمال خویشتن است.

لذا در جهان بینی توحیدی دو راهکار تحکیم اعتقادات و انجام عبادات نقش اساسی در تقویت اراده و سپس خودکنترلی فرد ایفا می نماید. فلسفه‌ی وضع تکالیف پس از سنّ بلوغ شرعی، ایجاد قدرت خودکنترلی در اوایل سنین نوجوانی است که مقدّمه ی بازداری و مهار نفس وی از سرکشی‌های لجام گسیخته‌ی اوست.

قسمت عمده‌ای از تکالیف شرعی مرتبط با تربیت جنسی وضع شده است. حرمت نگاه به نامحرم و هرگونه ارتباط غیر معمول با جنس مخالف، ممنوعیت ارضائات نامشروع جنسی و تمامی احکام مرتبط با ازدواج از بارز ترین احکام شرعی در حوزه تربیت جنسی به شمار می‌روند و الزام به این اوامر و منهیات جز در سایه‌ی تقوا و خود کنترلی ممکن نمی‌باشد.

نتیجه‌گیری

یکی از ویژگی های خاص انسان، خودکنترلی می باشد که در واقع نوعی مدیریت بر خویشتن است. با تقویت این ویژگی انسان می تواند بر خویشتن خویش لگام زند و از انحرافات و اشتباهات و جرایم دوری کند. خودکنترلی در روان شناسی با تعابیری مانند کنترل

شخصی، منبع کنترل درونی، وجدان و کنترل نفس تبیین می‌گردد.

مفهوم خودکنترلی در قرآن کریم با واژه ی «تقوا» به طور مبسوط، مورد مداقّه قرار گرفته است. عوامل ضعف تقوا یا خودکنترلی در قرآن را می توان به عوامل بیرونی، شامل: وابستگی به زینت و زندگی دنیا و نیز وسوسه ی شیطان و عوامل درونی، شامل: پیروی از هوای نفس و غفلت از خود تقسیم نمود.

برطبق آیات قرآن، عامل اصلی برون رفت از این عوامل، اراده می باشد که برای تقویت آن، دو راهکار: تحکیم باورهای اعتقادی و اعمال و عبادات جوارحی توصیه شده است .

بر این اساس، وضع تکالیف پس از سنّ بلوغ شرعی در اوایل سنین نوجوانی، نقطه‌ی آغازین خودکنترلی شخص است و تداوم آن، عامل بازداری و مهار نفس او در زندگی دنیا می‌باشد. شخص با انجام عمل عبادی، متّصف به ملکه‌ی تقوا گشته و با کنترل نفس لجام گسیخته به سعادت ابدی و رستگاری نایل خواهد گشت.

در این پژوهش سعی شد تا نقش خودکنترلی در تربیت جنسی مورد بررسی قرار بگیرد. شایسته است پژوهندگان نقش خودکنترلی دینی را در دیگر ابعاد زندگی مانند بعد اقتصادی، روابط خانوادگی و اجتماعی و مانند آن را بررسی نمایند.

منابع

قرآن کریم

باقری، خسرو، ***نگاهی دوباره به تربیت اسلامی***، تهران، مدرسه، ۱۳۸۵.

برکوویتز، لئونارد، ***روان شناسی اجتماعی***، ترجمهٔ محمدحسین فرجاد و عباس محمدی اصل، بی جا، اساطیر، ۱۳۷۲.

دریساوی، سمیه؛ فقیهی، علی‌نقی، «بررسی عوامل ضعف خودکنترلی از منظر قرآن کریم»، ***معرفت اخلاقی***، سال چهارم، شماره اول، ص ۷۵ ـ ۹۲. (۱۳۹۲).

دشتی، محمد، ***نهج البلاغه***، تهران، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (ع)، ۱۳۸٦.

دوبرین، اندرو. جی، ***مدیریت رفتار سازمانی با رویکرد روان شناسانه***، ترجمهٔ مراد کردی و میترا آفتاب آذری، تهران، صفار–اشراقی، ۱۳۸۸.

راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد، ***المفردات فی غریب القرآن***، محقق صفوان عدنان داودی، دمشق، دارالعلم، ۱٤۱۲ق.

زارع، حمید، «الگویی از خودکنترلی در فرهنگ اسلامی» ***حوزه و دانشگاه***، ش ٤٥، ص ٤٤- ٥٧. (١٣٨٤).

ساروخانی، باقر، ***دایرة المعارف علوم اجتماعی***، تهران، کیهان، ١٣٧٦.

سیف، علی‌اکبر، ***روان‌شناسی پرورشی***، چاپ چهاردهم، تهران، آگاه، ١٣٨٤.

شعاری‌نژاد، علی‌اکبر، ***نگاهی نو به روان‌شناسی انسان سالم***، تهران، اطلاعات، ١٣٨٥.

شولتز، دو آن پی و سیدنی الن، ***تاریخ روان‌شناسی نوین***، ترجمهٔ علی‌اکبر سیف و دیگران، تهران، دوران، ١٣٧٨.

شولتز، دو آن، ***روان‌شناسی کمال***، ترجمهٔ گیتی خوشدل، چاپ شانزدهم، تهران پیکان، ١٣٨٨.

صفاری‌نیا، مجید، ***روان‌شناسی اجتماعی در تعلیم و تربیت***، تهران، دانشگاه پیام نور، ١٣٨٩.

طباطبائی، محمدحسین، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، چاپ پنجم، قم، جامعه مدرسین، ١٤١٧ق.

عبدالباقی، محمد فواد، ***المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم***، قم، ١٣٨٣.

قدیری، محمدحسین، «خودکنترلی کودک؛ خمیر مایه خویشتن داری اخلاقی»، ***راه تربیت***، ش ١١، ص ٧٨- ١١٦. ١٣٨٩.

کافی، مجید، ***مبانی جامعه‌شناسی***، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ١٣٨٥.

کریمی، یوسف، ***روان‌شناسی اجتماعی***، چاپ یازدهم، تهران، ارسباران، ١٣٨٢.

لاندین، رابرت ویلیام، ***نظریه‌ها و نظام‌های روان‌شناسی***، ترجمهٔ یحیی سیدمحمدی، تهران، ویرایش، ١٣٧٨.

محمدی ری شهری، ***میزان الحکمه***، ترجمه حمید رضا شیخی، نشر دار الحدیث.

مکارم شیرازی، ناصر، ***الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل***، قم، مدرسهٔ امام علی بن ابی طالب، ١٤٢١ق.

نراقی، احمد، ***معراج السعاده***، چاپ چهارم، قم، طوبای محبت، ١٣٩٠.

نراقی، محمدمهدی، ***جامع‌السعادات***، محقق محمد کلانتر، چاپ چهارم، نجف، دارالنعمان للطباعه، بی‌تا.

مجموعه مقالات نهمین همایش ملی اشراق اندیشه مطهر، **خانواده و تربیت جنسی**
اردیبهشت ۱۳۹٤، ص ٤٣٨-٤١٣

نقد شهید مطهری بر دیدگاه راسل در تربیت جنسی

سیدحسین سیدموسوی/ استادیار دانشگاه فردوسی مشهد[۱]

چکیده

تربیت غریزه جنسی در انسان با توجه به حساسیت آن معرکه آرای متضاد شده است. آیا باید آن را سرکوب کرد و از بین برد؟ یا آن را به طور کامل آزاد گذاشت؟ یا حد وسطی وجود دارد و باید آن را تحت کنترل گرفت و حساب شده از آن بهره مند شد؟ در پاسخ به این سوال نظریه های سه گانه ای وجود دارد که ضمن طرح آن ها به دیدگاه برتراند راسل فیلسوف فقید انگلیسی که معتقد به آزاد سازی غریزه جنسی است می پردازیم . راسل برای توجیه رفتارهای غیر اخلاقی خویش این اندیشه را مطرح و از آن دفاع نمود. این دیدگاه با نظرات دیگر وی همخوانی نداشته و او را دچار تناقض کرده است . و از سوی دیگر انسان را در حد بهره‌مندی های جنسی تنزل می بخشد. همچنین خانواده و استحکام آن را از بین برده و روابط اجتماعی را سخت تحت تأثیر منفی خود قرار داده است. شهید مطهری ضمن نقد این دیدگاه معتقد است باید راه میانه ای را در پیش گرفت و آن را در مسیر الهی قرار داد و بر طبق دستورات دین اسلام عمل کرد. اسلام ضمن ارج نهادن به غریزه جنسی در انسان و مقدس شمردن آن با بهره‌مندی محدود و هدایت شده که همراه کنترل انجام می پذیرد، موافقت کرده است. تربیت باید از همان اوان کودکی آغاز گردد تا جزء سرشت آدمی قرار گیرد. بایستی برای سالهای مختلف رشد انسان، روش تربیتی ویژه ای در پیش گرفت از جمله حجاب و پوشش ، محدودیت در ارتباط مؤنث و مذکر، و .... و با اجرای دقیق آنها حیات طیبه ی بشر را رقم زد تا جامعه ای الهی و اسلامی ایجاد شود.

کلید واژه‌ها: مطهری، راسل، تربیت جنسی، اخلاق جنسی

---

۱ . shmosavi@um.ac.ir

مقدمه

برتراند آرتور ویلیام راسل[1]، سومین زاده ۱۸ مه ۱۸۷۲ و درگذشته ۲ فوریه ۱۹۷۰، فیلسوف، منطق‌دان، ریاضی‌دان، مورخ، جامعه‌شناس و فعّال صلح‌طلب بریتانیایی بود که در قرن بیستم می زیست در میانه قرن بیستم برتراند راسل به عنوان یک فیلسوف برای بسیاری از مردم جهان همان جایگاهی را داشت که انشتین به عنوان دانشمند. برتراند راسل یک فعال ضدجنگ که به دلیل عقاید صلح‌طلبانه‌اش در طول جنگ جهانی اول، از دانشگاه اخراج شد و به زندان افتاد او مخالف آدولف هیتلر، منتقد تمامیت‌خواهی استالین، معترض درگیری آمریکا در جنگ ویتنام و همچنین از حامیان خلع سلاح هسته‌ای بود. وی در سال ۱۹۵۰، به پاس آثار متعدد در حمایت از نوع‌دوستی و آزادی اندیشه، برنده جایزه نوبل ادبیات گردید. از وی حدود ۷۰ اثر باقی مانده است، حدود ۳۳ اثر از وی تا کنون به فارسی ترجمه شده است.

تربیت جنسی از جمله مهم‌ترین اموری است که در تربیت انسان از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است. درخواستهای انسان عبارتند از شهوت خوردن، شهوت جنسی، شهوت پول و ثروت و شهوت ریاست. گاهی از این امور به «حبّ» یاد می‌شود. شاید در این میان شهوت جنسی یا «حبّ النساء» از همه مهم تر باشد. قرآن در آیه ١٤ سوره آل عمران می‌فرماید: «زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَواتِ مِنَ النِّساءِ وَ الْبَنينَ وَ الْقَناطيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَ الْأَنْعامِ وَ الْحَرْثِ ذلِكَ مَتاعُ الْحَياةِ الدُّنْيا وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ»، دوستیِ خواستنی ها [ی گوناگون] از: زنان و پسران و اموال فراوان از زر و سیم و اسب‌های نشاندار و دام‌ها و کشتزار [ها] برای مردم آراسته شده، [لیکن] این جمله، مایه تمتّع زندگی دنیاست، و [حال آنکه] فرجام نیکو نزد خداست.

شاید اینکه قرآن ابتدا از زنان شروع کرده است به خاطر اهمیت همین امر باشد. بنابراین باتوجه به طبیعی بودن میل جنسی در انسان و اینکه عامل مهم استمرار نسل انسان است و به عنوان یک غریزه مهم خودنمائی می کند، چگونگی تربیت آن و یا به تعبیر دیگر چگونگی پاسخ دادن و ارضاء آن یکی از مهم ترین سوالات انسان است. آیا این غریزه طبیعی و هدیه الهی را باید سرکوب کرد و از بین برد؟ آیا باید آن را به طور کامل آزاد گذاشت؟ یا حد وسطی وجود دارد و باید آن را تحت کنترل گرفت و حساب شده از آن بهره مند شد؟ بنابراین

1. Bertrand Arthur William Russell

بحث اینکه چگونه بایستی آن را تربیت کرد تا کنترل شده عمل نماید از جمله مباحث مهم است.

راسل معتقد است غریزه جنسی را باید آزاد گذاشت و قبح و زشتی آن را به دور ریخت، بایستی این امر یک امر عادی تلقی شود تا تشنگی و حرص و ولع آن در میان انسان‌ها از بین برود، از اینرو در خصوص تربیت انسان‌ها در این زمینه توصیه‌هائی می‌کند که در این مقاله به آن خواهیم پرداخت.

دیدگاه برتراند راسل (۱۸۷۲– ۱۹۷۰) هر چند مربوط به بیش از نیم قرن قبل است اما این نظر هم اکنون مبنای رفتاری غرب می‌باشد. از اینرو هم اکنون نیز می‌تواند مورد توجه و نقد جدی قرار گیرد.

گاهی جوانان ما فکر می کنند اگر از همان راهی که غرب رفته است، به ویژه در اخلاق و تربیت جنسی ما نیز برویم، مشکلاتمان حل می‌شود و کرامت انسانی‌مان حفظ می‌گردد. چگونه امکان دارد با لاقیدی و بی‌بند‌وباری در اعتقادات و اخلاق جنسی و دور ریختن اعتقادات دینی باز هم احساس خوشبختی کرد. توضیح بیشتر این مسأله از زبان راسل خواهد آمد.

تعریف لغوی تربیت

تربیت از ریشه ربو است که به باب تفعیل رفته. «ربا» به معنای بالا آمدن، زیادی و افزایش است، بنابراین اگر گفته شود ربا الطفل به معنای رشد کردن و بزرگ شدن است. وقتی به باب تفعیل می‌رود به معنای تغذیه و رشد یافتن می‌شود، از اینرو به مکان بلند ربوۀ گفته می‌شود. بدین ترتیب هرگاه افزودنی در شیء حاصل شود معنای ربا دارد، این افزایش ممکن است از جهت مادی و جسمانی باشد و ممکن است از جهت روحی و روانی به معنای افزایش در دانش و علم باشد. بنابراین آیه «رَبِّ ارْحَمْهُما کَما رَبَّیانی صَغیراً» (اسراء ٢٤) «پروردگارا آنان را به پاس آنکه مرا در کودکی تربیت‌کردند، مورد رحمت قرار ده» به هر دو معنا می تواند باشد، هم به معنای رشد طبیعی و هم رشد معنوی، از این جهت تربیت شامل همه مراتب حصول رشد و نمو و زیادتی و فزونی با هر کیفیتی چه مادی و چه معنوی می‌شود.

(فرهنگ ابجدی ۲۲۲–٤۲۱؛ القاموس الفقهی لغة و اصطلاحا، ۱٤۳؛ کتاب العین، ۸/ ۲۸۳؛ القاموس المحیط، ٣٦٤/٤؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ٣٤/٤؛ المصباح المنیر فی غریب

الشرح الکبیر للرافعی، ۲/ ۲۱۷؛ معجم مقاییس اللغه، ۲/ ٤٨٣؛ لسان العرب، ١٤/ ٣٠٤)

تعریف اصطلاحی تربیت

اصطلاح تربیت در موارد مختلف به کار می رود از جمله: تربیت مربّی، تربیت خلبان، تربیت مدرس، تربیت متخصص و... چنانکه در این موارد دیده می شود، منظور از تربیت رشد عقلانی، حرفه‌ای و تخصصی است که لازمه آن بالندگی فرد در امور علمی و کسب مهارت‌های لازم جهت عهده دار شدن شغل و وظیفه‌ای خاص است. در صورتی که تربیت درباره حیوانات باشد، آنجا که فنون خواصی به حیوان آموزش داده می‌شود، از لفظ تربیت استفاده می‌شود، چنانکه گفته می‌شود در سیرک حیوانان را تربیت می‌کنند، در واقع تربیت در این خصوص به معنای آموزش و ایجاد تغییر در رفتار است. اما اگر از جهت رشد و فزونی جسمانی باشد به آن پرورش اطلاق می‌شود، مثل پرورش ماهی، بوقلمون، شتر مرغ و...

بنابراین تربیت گاهی به معنای ایجاد تغییرات مورد نظر در رفتار فرد است که لازمه آن افزایش و جایگزین کردن اطلاعات و علومی است که در پی آن در رفتار موجود تغییر ایجاد می شود، و گاهی به معنای آموزش امور تخصصی و یا آموزش مهارت های مورد نظر حتی در حیوانات. تربیت فرزندان و انسان ها نیز از همین بعد قابل بررسی است، یعنی رفتار فرد را با آموزشهای لازم و کسب مهارتهای مختلف رفتاری می توان مورد تأثیر قرار داد تا رفتار مطلوب از او سر بزند. از اینرو به کسی که رفتارهای ناهنجار از خود در جامعه نشان می دهد گفته می شود: «او تربیت نشده و یا خوب تربیت نشده است.» طبیعی است که این رفتارها گاهی در حوزه فردی است و گاهی در حوزه اجتماعی که علوم اخلاق، تدبیر منزل و سیاست به وجود می‌آید.

مرحوم مطهری درباره تربیت می‌گوید: چون «تربیت» یعنی رشد دادن و پرورش دادن، و این مبنی بر قبول کردن یک سلسله استعدادها- و به تعبیر امروز یک سلسله ویژگیها- در انسان است..... «تربیت» یعنی پرورش دادن استعدادهای واقعی انسان. (مجموعه آثار، ۳/ ٤٥٤) تربیت یعنی ایجاد ملکات متناسب، هم لازم است؛ یعنی هم باید آموخت و هم باید ملکات متناسب ایجاد کرد (همان، ٦٦٨/١٣) تربیت یعنی پرورش دادن استعدادهای درونی. (همان، ١٥/ ١٣٨) تربیت یعنی ایجاد ملکات نفسانی موافق با مقتضای علم و حکمت. (همان، ٢٢/ ٤٥) ایشان

حتی شکوفائی استعدادهای غیر انسانی و حیوانی و خوی درندگی در انسان را جزء پرورش استعدادها، البته از نوع منفی قلمداد می‌کند و آن را تربیت می‌نامد.

بدین ترتیب تربیت شامل همه تغییراتی می شود که درانسان ها قابل تحقق است. پرواضح است که انسان‌ها هم دارای استعدادهای گوناگون هستند و هم به تصریح قرآن کریم خوبی‌ها و بدی ها به ایشان الهام شده است (شمس: فَأَلْهَمها فُجُورَها وَ تَقْواها (۸) پس‌بزه‌کاری و پرهیزکاری‌اش را به او الهام کرد) از اینرو می توان از او فرشته و یا یک جانی تربیت کرد. آنچه مهم است اینکه انسان در طول زندگی خود به طور مستقیم و یا غیر مستقیم مورد آزمایشهای مختلف قرار می گیرد و چون قدرت انتخاب و اختیار دارد، هر کدام را که به منافع خویش نزدیک بداند بر می‌گزیند.

غریزه

غریزه در لغت به معنای طبیعت، عادت و سرشت و یک امر غیر اختیاری و گاهی قریحه و یا گاهی اصل شیء اعم از اینکه خوب وبد باشد معنا شده است. (فرهنگ ابجدی، ٦٤٠؛ القاموس الفقهی، ۲۵۹؛ لسان العرب، ۳۸۷/۵؛ المصباح المنیر، ۹۰/۲؛ القاموس المحیط، ۲۹۵/۲) ملاصدرا طبیعت و غریزه را همسان دانسته و آن دو را دو لغت مترادف بکار برده است (بحسب انتقال الطباع و الغریزه، تفسیر القرآن الکریم، ٦٢/٣).

از جهت اصطلاحی معانی گوناگونی برای آن مطرح شده است که دو تعریف آن چنین است:

۱. مجموعه‌ای از افعال خارجی و وراثتی که بین تمامی افراد یک نوع مشترک است و به هدف خاصی وابسته بوده بی‌آنکه فاعل آن آگاهی از آن داشته باشد.

۲. آنچه امور حیات و زندگی و موجودیت حیوانات را تأمین می کند (ترجمه آزاد، المعجم الفلسفی، ۱۲۸/۲–۱۲۷).

بنابر این حیوانات دارای چند ویژگی هستند که عبارتند از: تغذیه، رشد و نمو و تولید مثل، این امور جهت بقای آن ها لازم و ضروری است، با توجه به اینکه انسان نیز حیوانی است که از فصل ویژه‌ای برخوردار است، او نیز همین امور را دارا بوده به اضافه اموری که مختص اوست. بنابراین، خوراک، پوشاک، رشد و نمو، تولید مثل و بقای نسل و مواردی همچون کسب ثروت

و شهرت در انسان یک امر طبیعی بشمار می آید. البته انسان با حیوان از این جهت که در هریک از موارد فوق برای خود حدی نمی شناسد متفاوت است. غریزه جنسی در انسان و حیوان وظیفه تولید مثل و بقای او را بر عهده دارد.

غریزه جنسی

مرحوم مطهری معتقد است غریزه جنسی دارای قدرت فراوانی است. این قدرت همان است که به عشق و جنون و سر به بیابان‌ها {گذاشتن} منتهی می‌شود. چرا بشر از غزل و سرگذشت عشقی دیگران لذت می‌برد؟ به جهت اینکه مایه این جنون در همه افراد هست. هرگز نان و مقام چنین قدرتی ندارند که زن دارد. (یادداشت‌های استاد مطهری، ۳ /۱۹۳)

بنابراین غرایز خوردن و آشامیدن، شهرت طلبی و ریاست و ثروت اندوزی انسان را به جنون و سرگشتگی نمی کشاند، اما عشق که منشأ آن ابتدا در انسان غریزه جنسی است و بعد در برخی از افراد به خداوند متوجه می‌کند، انسان را به صحرا گروی و آوارگی می‌کشاند.

صبا بلطف بگو آن غزال رعنا را/ که سر بکوه و بیابان تو داده‌ای ما را (دیوان حافظ، ۷)

بدین ترتیب غریزه جنسی امر طبیعی و خدادادی در انسان است که از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد. حیات بنی آدم از ابتدا تا کنون فراز و نشیب های فراوانی را پشت سر گذاشته است اما در هیچ دوره‌ای نمی‌توان از این غریزه رد پائی ندید. بنابراین تربیت این غریزه اهمیت خاصی دارد.

شاید گره خوردن غریزه و فطرت در انسان باعث می شود افراط و تفریط در آن (غرایز) بوجود آید، به عنوان مثال خوردن و آشامیدن امر غریزی است به طوری که اگر انسان این دو را نداشته باشد حیاتش مختل می گردد، اما انواع نوشیدنی‌ها و تهیه غذاهای متنوع و پرخوری یک امر غریزی نیست، بلکه یک امر فطری است، آن ویژگی که انسان را به سوی امر نامتناهی سوق می‌دهد باعث می‌شود امور غریزی را تحت الشعاع قرار دهد، در اینصورت انسان‌ها در سه حالت افراط، تفریط و اعتدال قرار می‌گیرند.

تربیت جنسی

حال باید دید تربیت جنسی به چه معنائی است؛ و منظور از این اصطلاح چیست؟ در واقع

تربیت جنسی در حوزه اخلاق اسلامی و اخلاق فردی قابل تعریف است. اخلاق جنسی به معنای رفتار ویژه ای است که در خصوص مسائل مورد درخواست امور جنسی هر انسانی است و تربیت جنسی از این زاویه به معنای ارائه آموزشهای لازم جهت کنترل و شکوفائی این امر در هر یک از انسان‌ها است. و از آنجا که امور جنسی از مهم‌ترین اموری است که اگر خوب تربیت نشود و تحت کنترل در نیاید هم فرد را به تباهی می‌کشد و هم جامعه را، از اینرو از اهمیت خاص و ویژه‌ای برخوردار است. این نکته قابل توجه است که غریزه جنسی در انسان با حیوانات به طور کامل متفاوت است چنانکه انسان با حیوان تفاوتهای اساسی دارد. انسان آگاهی خود را جمع آوری کرده و تجارب خویش را دسته‌بندی می‌کند و در اختیار انسانهای بعدی قرار می دهد، نیز چون از روح الهی در او دمیده شده است، هیچ حدی برایش قابل تعریف نیست، او بر خلاف حیوانات که به گفته شهید مطهری هر حیوانی بالفعل به دنیا می‌آید، اما انسان بالقوه است، در واقع انسان دارای استعدادهای گوناگون است که می تواند این استعدادها را تا بی نهایت پیش ببرد و هیچ حدی برای خود نمی‌شناسد. امور جنسی در حیوانات محدود به زمان خاص است، هم کمیت آن مشخص است و هم کیفیت آن، وقتی آن حد خاص اجرا می گردد، حیوان زیاده خواهی ندارد، اما در انسان نه کمیت آن قابل تعدید و شمارش است و نه کیفیت آن قابل کنترل است، از اینرو است که انسان هرگز قانع پذیر نیست. این ویژگی عدم قناعت در همه زمینه‌های مالی، ریاستی، تجملات و... می‌باشد. وجود حرمسراها و هم جنس بازی در انسان نشان از عدم سیری ناپذیر انسان در بعد جنسی است.

دیدگاه‌های سه گانه

۱- سرکوب و محدویت

سرکوب غریزه جنسی با توجه به اینکه یک موهبت الهی است درست نیست، حکمت الهی این غریزه را در انسان قرار داده است تا هم از آن لذت ببرد و بهره‌مند شود و هم با آن نسل خویش را استمرار بخشد؛ بنابراین نباید آن را به طور کامل ریشه‌کن کرد.

ایجاد مصونیت درونی. تزکیه نفس باعث می‌شود در درون انسان مصونیتی ایجاد شود که از زندگی در اجتماع نهراسد، و وجود خطاهای بسیار و مهلکه‌های اجتماعی او را به گوشه‌ای نراند. چرا که در اجتماع انسانی زمینه‌های فساد و تبهکاری فراوان است و کسی که در میان

اجتماع بسر می‌برد، هر روز با انواع و اقسام فسادها و تبهکاری‌ها روبرو می‌شود. برای دور شدن و مصون ماندن از همه این‌ها تزکیه نفس لازم است.

کسی که نفس خویش را تزکیه و پاک نکرده است، اطمینانی از افتادن در خطا و گناه ندارد، بنابر این سعی می‌کند از اجتماع فرار کرده و خود را منزوی کند تا در گناه نیفتد و خطائی از او سر نزند. سعدی چه زیبا در گلستان حکایت می‌کند:

بزرگی دیدم اندر کوهساری/ قناعت کرده از دنیا به غاری
چرا گفتم به شهر اندر نیائی؟/ که باری بند از دل برگشائی
بگفت آنجا پریرویان نغزند/ چو گل بسیار شد پیلان بلغزند (کلیات، ۱۰۳)

پرواضح است که فرار از مشکلات تنها گلیم خویش بدر بردن است و پاک کردن مسأله بجای حل نمودن آن. هنر در این است که در محیط لغزنده انسان خود را از لغزش‌ها حفظ و نگهداری کند.

۲ – آزادی و رهائی (دیدگاه راسل که موضوع این مقاله است)

۳ – کنترل و ارضای متعادل غریزه جنسی

این دیدگاه با توجه به عدم پذیرش دو دیدگاه دیگر به اثبات می‌رسد

اکنون به طرح دیدگاه دوم و نقد آن می‌پردازیم:

اخلاق تابو

راسل در بخش اخلاق تابو در پاسخ سؤال وایت[1] که می‌پرسد: قسمت بزرگی از اخلاق تابو شامل روابط جنسی می‌شود،... اکنون شما به مردمی که می‌خواهند در روابط جنسی روش

---

۱ – برتراند راسل در سال ۱۹۵۹ میلادی مصاحبه‌ای در تلویزیون لندن با آقای وایت انجام داد و تمامی مصاحبه که شامل موضوعات فلسفه، مذهب، جنگ و صلح طلبی کمونیسم و سرمایه داری، اخلاق تابو، قدرت، خوشبختی، ناسیونالیسم، نقش شخصیت، مدارا و غلو در تعصب، بمب هیدرژنی، آینده بشر که در مجموع دوازده موضوع می‌شوند در کتابی با *عنوان:* ***Bertrand Russel Speaks His Mind*** چاپ شد. این کتاب در ایران با عنوان «جهانی که من می‌شناسم.» توسط روح الله عباسی در فروردین ۱۳۴۲ از سوی انتشارات امیرکبیر به چاپ رسید. علامه جعفری در پی درخواست برخی دانشجویان سه بحث فلسفه، مذهب و اخلاق تابو، را نقد و بررسی کرده است و ابتدا از سوی کتابخانه مرتضوی در سال ۱۳۴۲ با عنوان «توضیح و بررسی مصاحبه برتراند راسل – وایت درباره فلسفه مذهب اخلاق تابو» و سپس از سوی شرکت سهامی انتشار در آبان ماه ۱۳۴۳ به چاپ دوم رسید. سپس به همراه کتاب بررسی و نقد برگزیده افکار راسل و با همین عنوان در سال ۱۳٦٤ از سوی انتشارات امیر–کبیر به چاپ پنجم رسید. مرحوم علامه جعفری عنوان این بخش را ذیل کتاب دوم «توضیح و بررسی مصاحبه برتراند راسل – وایت» آورده است. ایشان از مترجمان آقای حسام الدین وکیل پور و دکتر محمد تقی سیاهپوش (بررسی و نقد برگزیده افکار راسل، ۱۳٦٤، ۱۱) و آقای امینی (همان، ۲۷۳) که در ترجمه مصاحبه همکاری داشته‌اند سپاسگزاری کرده است.

عاقلانه‌ای در پیش گیرند چه اندرزی می‌دهید. پاسخ می‌دهد:... مابایستی اخلاق جنسی را مانند سایر مسائل به دقت رسیدگی کنیم، باید بگویم که اعمال شما آسیبی بـه هـیچ کـس نمـی‌زنـد، دلیلی وجود ندارد که آن را محکوم نمـاییم و شـما نبایـد آن را صـرفاً بـرای اینکـه بعضـی از تابوهای قدیمی آن را غلط می‌داند محکوم سازید.

وی در ادامه به عنوان یک اصل کلی در اخلاق جنسی اعلام می‌دارد:

«شما باید توجه کنید که آیا آن عمل ضرر دارد یا نه، و این مطلب اساس اخلاق جنسـی و اخلاقهای دیگر را تشکیل می‌دهد.» (بررسی و نقد برگزیده افکار راسل، ٤٥١)

وایت بلافاصله می‌پرسد:

«شما می گویید باید هتک ناموس را ممنوع کرد، آیا زنای معمولی به شرط اینکـه بـه کسـی ضرر نرساند لازم است ممنوع شناخته شود؟

راسل: مطمئناً باید بگویم که هتک ناموس مانند سایر تجاوزات جسمی است. اما راجـع بـه زنا شما باید شرایط را در نظر بگیرید تا ببینید که آیا در این شرایط دلیلـی بـر ضـد آن وجـود دارد؟ اما شما نباید آن را همیشه و در تحت هر شرایطی به طور عموم ممنوع بدانیـد.» (همـان، ٤٥٢)

نکته قابل توجه در این سؤال از راسل این است که مبنای عمل اخلاقی را نـه سـود، بلکـه نداشتن ضرر و زیان اعلام می کند. همین که در رفتار جنسـی ضـرری متوجـه کسـی نبـود، آن عمل اخلاقی است و نیازی به اجازه ندارد. حال بایـد سـؤال کـرد، پیامـدهای چنـین عملـی و عمومیت یافتن آن در جامعه باز هم بی ضرر است و هیچ اختلالی در سـلامت نسـل انسـان هـا ندارد؟!

او در جای دیگر اعلام می دارد که حتی زنان شوهردار نیز بـا توجـه بـه ابزارهـای موجـود می توانند خود را در اختیار دیگران قرار دهند، بی‌آنکه از آن‌ها بچه دار شوند که نقد آن در پـی خواهد آمد. آیا این اندیشه نیا و آباء و اجداد را از بین نمی‌برد؟

شکستن تابوی جنسی

راسل به جد معتقد است در مسائل مربوط به اخلاق جنسی نباید از تابوی جنسی بهره منـد بود، بلکه اطلاعات در این خصوص را مثل هر موضوع دیگر به صورت عادی در اختیار بچه‌ها

قرار داد. او در واقع معتقد است جهت حل معضل انحرافات جنسی باید دو کار مهم را انجام داد، یکی آموزش از سنین خردسالی و دیگری عادی سازی مسائل جنسی به این صورت که بچه ها از همان ابتدا توان دیدن اعضای تناسلی والدینشان را داشته باشند تا اینکه امور جنسی به یک امر معمولی و عادی تبدیل شود و آن دلربائی و اشتیاق نسبت به آن ها از بین برود. وی به صراحت اعلام می‌کند:

بنا بر شیوه مرسوم، والدین و مربیان باید تا آنجا که در توانائی دارند کودکان را از معرفت به مسائل جنسی بی‌خبر نگهدارند. کودکان هرگز والدینشان را برهنه نمی‌دیدند و پس از آن هم تازه اگر تعداد اطاقهای خانه شان کافی بود برادران و یا خواهران خود را در حالت برهنگی نمی‌دیدند. به آن‌ها تأکید می‌شد که هیچگاه دست به آلت تناسلی خود نزنند و از آن سخن بر زبان نرانند. هر سؤالی که در خصوص مسائل جنسی می‌کردند با کلمه «هیس، هیس» آن هم با لحنی بهت‌آمیز مواجه می‌گردیدند. می‌گفتند کودکان را لک لک آورده و یا از زیر بته تمشک، درآورده‌اند (زناشوئی و اخلاق، ۹۷).

دلیل راسل برای آموزش این است که این کار جلوی کسب اطلاعات از مسیرهای غلط را می‌گیرد، نیز از ممنوع بودن و تابو بودن آن جلوگیری کرده و آن را یک عمل عادی تلقی می‌کند، از اینرو احساس تشنگی به آن اندک گشته و به یک امر معمولی تبدیل می‌گردد. در واقع اخلاق جنسی حکم می کند که روابط جنسی امر زشت و کثیفی نیست و کسی نباید از سخن گفتن درباره آن احساس شرم و گناه کند. البته وی معتقد است با توجه به زشت بودن آن والدین را بچه می‌بینند و از این جهت آن‌ها را به نفاق و دوروئی متهم می‌کنند (نقل به مضمون همان، ۹۸).

راسل معتقد است عدم اجازه جهت پرسش از مسائل جنسی باعث می شود روح کنجکاوی در بچه‌ها از بین برود، طفل به این نتیجه می‌رسد که کنجکاوی علمی چیز مضر و خطرناکی است و نباید به آن آزادی داد (همان، ۱۰۱)

«بدین ترتیب پی‌جوئی دانش که انگیزه طبیعی هر کودک سالمی است از بین می‌رود و می‌میرد و کودک به طور مصنوعی و غیرطبیعی خرف می‌شود.» وی سپس می‌گوید:

من تصور نمی‌کنم این امر که زنان به کلی خرف‌تر از مردان هستند جای شک و انکار باشد، و به نظر من ناشی از این است که اینان را در خردی و جوانی بیش از پسران از تعقیب

دانش جنسی بازمی‌دارند (همان).

راسل معتقد است علاوه بر این موارد، ممنوعیت دانش جنسی متضمن زیانهای اخلاقی نیز هست زیرا کودک بزودی درمی یابد، افسانه هائی را که درباره لک لک و بته تمشک می شنود باور نمی‌کند و نتیجه می‌گیرد که پدر و مادر به او دروغ می‌گویند و وقتی در یک مورد و درباره‌ی یک موضوع دروغ بگویند به احتمال زیاد در سایر موارد هم خواهند گفت، و به این ترتیب نفوذ اخلاقی و معنوی والدین از بین می‌رود (همان، ۱۰۲).

در این تعابیر، راسل توجه به این نکته ندارد که امور جنسی و نیازهای مربوط به آن یک امر غریزی و طبیعی است. امور طبیعی در بدن انسان اندک اندک او را به سوی خود می‌کشانند. آیا به طور واقعی می‌توان گفت: اگر در این زمینه‌ها سؤال کردن باید کم باشد، به این معنا است که شما حق سؤال کردن را در هیچ زمینه‌ای ندارید و آیا این همه پیشرفتهای بشر قبل از طرح این مسائل از سوی راسل، انجام نشده است. آیا واقعاً زن ها به همین خاطر از مردان خرف ترند؟!

بسیار شگفت‌انگیز است که راسل به این مباحث اینگونه نگاه می‌کند و نظر می‌دهد. آیا بچه های قبل از راسل همه نسبت به والدینشان بدگمان بوده‌اند و آنان را دروغگو فرض می‌کرده‌اند؟آیا خود وی که اعتراف می‌کند[۲] این قبیل اطلاعات را از غیر خانواده گرفته نسبت به پدر و مادرش بدگمان و آنان را دروغگو می‌داند، این مسأله حتی درمورد مادربزرگ و خاله و دائی و... وی نیز قابل طرح است.

واقعیت آن است که چون غریزه جنسی از دهه دوم زندگی بشر آغاز می گردد و بسیاری از مشکلات اجتماعی و اخلاقی را در پی می‌آورد، تلاش شده است این امر همچون یک امر مقدسی که باید پنهان بماند و جهت جلوگیری از زودرس بودن آن، اطلاعات داده شده به حداقل برسد. بیدار کردن این غریزه به صورت مصنوعی و بال و پردادن به آن بسیاری از ناهنجاری‌ها را در پی دارد، چنانکه امروزه شاهد آن هستیم.

راسل به صراحت اعلام می‌دارد: کنجکاوی جنسی مانند هر کنجکاوی دیگر چنانچه ارضا شود از بین می رود. لذا برای اینکه مسأله جنسی به اسباب اشتغال خاطر کودکان مبدل نشود

---

۲ – من خوب به یاد دارم که وقتی دوازده ساله بودم پسر دیگری از این موضوع با من سخن گفت مطلب تماما با یک روح آمیخته به هرزگی و زشتی همچون موضوعی برای شوخی های بد و هرزه بیان می شد. این تجربه معمولی پسران دوره من بود. (در تربیت، ۲۰۳)

بهترین راه این است که اطلاعاتی را که می خواهند در اختیارشان قرار دهیم (همان، ۱۰۳ – ۱۰٤).

وی در کتاب «در تربیت» می‌نویسد:

حس کنجکاوی معمولا در سال سوم تولد به صورت علاقه به درک اختلاف جنسی بین زنان و مردان و بین بالغین و کودکان شروع می شود و از نظر طبیعت این کنجکاوی کلی به شمار می‌رود. صفت خاصی که در کودکانی که به طور مرسوم پرورش می یابند یافت می‌شود، مربوط است به عمل بالغین و بزرگترها که موضوع را در زیر پرده می کنند و جزء اسرار می‌سازند. وقتیکه پنهان کاری به میان نیاید، کنجکاوی همینکه اقناع شود از میان می‌رود. کودک را باید از همان اول مجاز کرد که اگر به طور طبیعی اتفاق افتاد و تصادف کرد پدر و مادر یا برادر یا خواهرش برهنه بودند بتواند آنان را به همان حال ببیند، نباید از این جهت هیاهو و جار و جنجال راه انداخت، او به طور ساده نباید بداند که مردم در مورد برهنگی احساسات و عواطفی دارند (البته بعداً خواهد فهمید). ممکن است ملتفت شد که کودک به نقد اختلاف بین پدر و مادر را خواهد دید و آن را با اختلاف بین برادران و خواهرانش ربط خواهد داد. همین که موضوع تا این حد کشف و معاینه شد مطلب برای او مانند گنجه‌ای می‌شود که غالباً در آن باز است، و دیگر بدان علاقه ای نخواهد بود، البته هر نوع سؤالی که ممکن است بچه در خلال این مدت پیش آورد کاملاً باید همان طور که جواب مطالب دیگر داده می شد جواب آن را هم داد. «(در تربیت، ۲۰۰ – ۲۰۱)

انتشار عکسهای زشت و قبیح

راسل در مسیر عادی سازی امور جنسی در خصوص انتشار عکس های مستهجن در پاسخ سوال وایت که می‌پرسد: شما فکر می‌کنید که اگر هر چیزی را که هرکس با وضع وقیحانه‌ای نوشت و منتشر گردید، آیا تمایل مردم را به آن امور زشت افزایش خواهد داد؟ پاسخ می‌دهد:

به عقیده‌ی من آن را تقلیل خواهد داد. مثلاً در نظر بگیرید که اگر کارت پستالهای منافی اخلاق مجاز باشد، در سال اول یا دوم مورد استقبال قرار می‌گیرند و سپس مردم از آن‌ها سیر شده و هیچ کس مجدداً به آن‌ها نگاه نخواهد کرد.

علامه جعفری در ذیل این پاسخ می‌نویسد:

البته این مطلب که آقای راسل می‌گویند با آنچه که مشاهده می‌شود مغایر است؛ زیرا انتشار

صور نامناسب با اینکه سالهای طولانی است رواج دارد با این حال علاقه مردم نسبت بـه آن‌هـا روزافزون است، و نباید فراموش کرد که در قرن گذشته همین فکر را بعضی‌ها مـی‌کردنـد کـه اگر تا اندازه‌ای روابط میان دو صنف مرد و زن توسعه داده شود، باعث سیری آن‌ها از همدیگر خواهد شد، ولی می بینیم که به عکس انتظار، روز بروز علاقه شدید پیدا کرده تا جایی که فعلاً بعضی از کشورهای اروپائی به هیچ وجه قدرت جلوگیری از افراط در روابط جنسی را ندارنـد (بررسی و نقد برگزیده افکار راسل، ۳٦۵).

باید به راسل و علامه جعفری گفت: سر از خاک در آورید تا انواع متنوع روابـط جنسـی و اخلاق جدید جنسی را در اینترنت مشاهده کنید و آمار کاربرانی که تنهـا در همـین فضـا سـیر می‌کنند و به جستجو می پردازند، ببینید و اینکه برخی آنقدر در پی این امور هستند کـه نسـبت به مشاهده صورتهای زشت معتاد شده‌اند. واقعاً به کجا می‌رویم؟

مطهری در این خصوص می‌نویسد:

اینکه راسل می‌گوید: «اگر پخش عکسهای منافی عفت مجـاز بشـود پـس از مـدتی مـردم خسته خواهند شد و نگاه نخواهند کرد» درباره یک عکس بالخصـوص و یـک نـوع بـی‌عفتـی بالخصوص صادق است، ولی در مورد مطلق بی‌عفتی‌ها صادق نیست یعنی از یک نـوع خـاص بی‌عفتی خستگی پیدا می‌شود ولی نه بدین معنی که تمایل بـه عفـاف جانشـین آن شـود بلکـه بدین معنی که آتش و عطش روحی زبانه می‌کشـد و نـوعی دیگـر را تقاضـا مـی‌کنـد؛ و ایـن تقاضاها هرگز تمام شدنی نیست.

خود راسل در کتاب زناشویی و اخلاق اعتراف می‌کند که عطش روحی در مسـائل جنسـی غیر از حرارت جسمی است. آنچه با ارضاء تسکین می‌یابد حرارت جسـمی اسـت نـه عطـش روحی. بدین نکته باید توجه کرد که آزادی در مسائل جنسی سبب شعله‌ور شـدن شـهوات بـه صورت حرص و آز می‌گردد، از نوع حرص و آزهایی که در صـاحبان حرمسـراهای رومـی و ایرانی و عرب سراغ داریم. ولی ممنوعیت و حریم، نیروی عشق و تغزّل و تخیّل را به صـورت یک احساس عالی و رقیق و لطیف و انسانی تحریک می‌کند و رشـد مـی‌دهـد و تنهـا در ایـن هنگام است که مبدأ و منشأ خلق هنرها و ابداع‌ها و فلسفه‌ها می‌گردد. (مجموعه‌آثار، ۱۹/٤٥٦–٤٥٧)

برای‌پاسخ درست دادن به غریزه جنسی چه باید کرد؟

این راه حل‌ها مورد قبول ما نیست، از این رو شهید مطهری با ذکر مقدمه‌ای می‌نویسد:

نوع دیگر عطش روحی آن است که به صورت حرص و آز در می‌آید که از شؤون حس تملک است ویا آمیخته‌ای است از دو غریزه پایان ناپذیر: شهوت جنسی و حس تملک. آن همان است که در صاحبان حرمسراهای قدیم و در اغلب پولداران و غیرپولداران عصر ما وجود دارد. این نوع از عطش تمایل به تنوع دارد. از یکی سیر می‌شود و متوجه دیگری می‌گردد. در عین اینکه ده‌ها نفر در اختیار دارد در بند ده‌ها نفر دیگر است و همین نوع از عطش است که در زمینه بی‌بند و باری‌ها و معاشرتهای به اصطلاح آزاد به وجود می‌آید. این نوع از عطش است که «هوس» نامیده می‌شود.

این نوع از عطش که «هوس» نامیده می‌شود ارضاء شدنی نیست. اگر مردی در این مجرا بیفتد، فرضاً حرمسرایی نظیر حرمسرای هارون الرشید و خسروپرویز داشته باشد پر از زیبا رویان که سالی یک بار به هریک نوبت نرسد، باز اگر بشنود که در اقصی نقاط جهان یک زیباروی دیگر هست، طالب آن خواهد شد. نمی‌گوید بس است دیگر سیر شده‌ام. اشتباه کرده‌اند کسانی که طغیان نفس امّاره و احساسات شهوانی را تنها معلول محرومیت ها و عقده‌های ناشی از محرومیت ها دانسته‌اند. همان‌طور که محرومیت ها سبب طغیان و شعله‌ور شدن شهوات می‌گردد، پیروی و اطاعت و تسلیم مطلق نیز سبب طغیان و شعله‌ور شدن آتش شهوات می‌گردد. امثال فروید آن طرف سکه را خوانده‌اند و از این طرف سکه غافل مانده‌اند. ناصحان و عارفان ما کاملًا بدین نکته پی برده بودند. در ادبیات فارسی و عربی زیاد بدین نکته اشاره شده است.

سعدی در حکایتی می‌گوید: بزرگی را پرسیدم در معنی این حدیث که أَعْدَی عَدُوِّکَ نَفْسُکَ الَّتِی بَیْنَ جَنْبَیْک[۳]، گفت : بحکم هر آن دشمنی را که با وی احسان کنی دوست می‌گردد مگر نفس را که چندانکه مدارا بیش کنی مخلفت زیادت کند.

فرشته خوی شود آدمی به کم خوردن/ وگر خورد چو بهائم بیوفتد چو جماد

مراد هر که برآری مطیع امر تو گشت/ خلاف نفس که فرمان دهد چو یافت مراد (کلیات، ۱۲۳)

---

[۳] – این کلام از پیامبر (ص) نقل شده است. مجموعهٔ ورام ، ۵۹/۱)

راه حل

به عقیده ما برای آرامش غریزه دو چیز لازم است: یکی ارضاء غریزه در حد حاجت طبیعی، و دیگر جلوگیری از تهییج و تحریک آن. انسان از لحاظ حوائج طبیعی مانند چاه نفت است که تراکم و تجمع گازهای داخلی آن خطر انفجار را به وجود می‌آورد. در این صورت باید گاز آن را خارج کرد و به آتش داد ولی این آتش را هرگز با طعمه زیاد نمی‌توان سیر کرد.

اینکه اجتماع به وسائل مختلف سمعی و بصری و لمسی موجبات هیجان غریزه را فراهم کند و آنگاه بخواهد با ارضاء، غریزه دیوانه شده را آرام کند می سر نخواهد شد. هرگز بدین وسیله نمی‌توان آرامش و رضایت ایجاد کرد، بلکه بر اضطراب و تلاطم و نارضایی غریزه با هزاران عوارض روانی و جنایات ناشی از آن افزوده می‌شود.

اما اینکه می‌گویند: «اَلْاِنْسانُ حَریصٌ عَلی ما مُنِعَ مِنْهُ» مطلب صحیحی است ولی نیازمند به توضیح است. انسان به چیزی حرص می‌ورزد که هم از آن ممنوع شود و هم به سوی آن تحریک شود؛ به اصطلاح تمنای چیزی را در وجود شخصی بیدار کنند و آنگاه او را ممنوع سازند. اما اگر امری اصلًا عرضه نشود یا کمتر عرضه شود، حرص و ولع هم نسبت بدان کمتر خواهد بود. (همان، با دخل و تصرف، ۱۹/ ٤٦١ –٤٥٨)

دیدگاه راسل با نظرات دیگرش سازگاری ندارد:

۱ – برتراند راسل در گفته‌هایش شکاکیت را ترویج می‌کند، بنابر این در این دید وی نیز باید شک کرد.

در مصاحبه معروف راسل با وایت وقتی از راسل می پرسد: نتیجه عملی فلسفه شما برای کسی که بخواهد بداند که چه روشی را باید برای خود در پیش گیرد، چیست؟ پاسخ می‌دهد:... نوع فلسفه مورد اعتقادی من بدین طریق مفید است که مردم را قادر می‌سازد که بتوانند بدون اینکه به طور مطلق به صحت عملشان ایمان داشته باشند، قاطعانه عمل کنند، من فکر می کنم هیچ کس نباید درباره هیچ چیز اطمینان کامل داشته باشد، اگر شما چنین هستید یقیناً در اشتباهید؛ زیرا هیچ چیز شایسته اطمینان نیست، لذا هر کسی باید همیشه عقاید خود را با یک جزء مسلمی از تردید در نظر بگیرد، و هر فرد باید توانایی آن را داشته باشد که با داشتن تردید قاطعانه عمل کند (بررسی و نقد برگزیده افکار راسل، ۳۲۸).

این کلام هرچند در جای خود که بحث از شکاکیت در اندیشه و قاطعیت در عمل است

باید مورد بررسی جدی قرار گیرد و ناسازی آن به طور کامل روشن شود، اما در این بحثی که هم اکنون در آن هستیم، باید طبق این گفته راسل، برای اندیشه‌های وی ارزشی قائل نشده و آن‌ها را در معرض تردید قرار دهیم. هرچند تأسف بار است که می‌بینیم این اندیشه‌ها مبنای رفتاری و اخلاقی جوامع غربی و پیشرفته در خصوص اخلاق و تربیت جنسی شده است.

نکته قابل توجه در این مصاحبه این است که وایت بلافاصله می‌پرسد: درباره‌ی این مطلب چه می گویید که مردم عادت کنند که درباره‌ی اموری که بایستی به آن‌ها ایمان داشته باشند مطمئن نشوند. آیا این امر موجب پریشانی خاطر آن‌ها نخواهد شد؟ راسل پاسخ می دهد: بلی، امروز البته چنین است. من فکر می‌کنم برای پرورش عقلانی مردم مقداری اضطراب ضروری است، ولی اگر تا حدی شناسائی‌های علمی داشته باشند، این اطلاعات مانند یک نقطه اتکائی برای کاستن آشفتگی‌های ناشی از احساس تردید خواهد بود (همان، ۳٤۱).

۲ – اعتقادات دینی مانع خود کشی است (دین عامل مهم در جلوگیری از هوسرانی)

وایت در بخش جنگ و صلح از مصاحبه اش از تأثیر عمیق مذهب و اعتقادات بر امیدواری در انسان و نقش آن در جلوگیری از خودکشی، در خصوص سوئدی‌ها می‌پرسد: آیا تصور می کنید اهالی اسکاندیناوی یعنی سوئدی ها، از اینکه مدتهای طولانی در صلح زیسته‌اند خوشبخت باشند؟

وی پاسخ می دهد: کاملا همین طور است. مردم سوئد از سال ۱۸۱٤م تاکنون (۱۹۵۹م) روی جنگ را ندیده‌اند، و تا آنجا که اطلاع دارم سوئد یکی از خوشبخت‌ترین ممالک جهان است. در آنجا مردم از زندگی حداکثر لذت را می‌برند و هیچ‌گاه ندیده یا نشنیده‌ام که خاطر سوئدی‌ها از اینکه در جنگ نبوده‌اند رنجیده باشد.

وایت بلافاصله سؤال می‌کند: ولی در آنجا خودکشی زیاد است.

راسل می‌گوید: البته این موضوع صحت دارد، سوئدی‌ها بدان دلیل خودکشی می‌کنند که معتقدات مذهبی ندارند، ملت سوئد چندان در قید دین و مذهب نیست. آن عده از مردم سوئد که مذهبی داشتند به ایالات متحده و غرب میانه مهاجرت کردند و بقیه هم که در سوئد مانده‌اند مردمان لامذهبی هستند (جهانی که من می‌شناسم، ٤٦–٤٥).

دقت در این سؤال و جواب اهمیت اعتقادات مذهبی و دستورات دینی را در جلوگیری از خودکشی نشان می دهد. چطور راسل باز هم معتقد است برخی از دستورات دینی تابوهائی

هستند که بایستی به دور ریخته شوند؟

۳ – چگونه روابط نیکو و عشق با آزادی جنسی ایجاد می‌شود؟

راسل در بخش سؤالات خوشبختی و در پاسخ به این سؤال که به عقیده شما عوامل اساسی خوشبختی چیست؟ می گوید: به عقیده من عوامل اصلی خوشبختی چهار تا است: تندرستی، داشتن وسایل لازم برای رفع حوائج، روابط حسنه با دیگران و موفقیت در کار (جهانی که من می‌شناسم، ۸٦).

وی سپس در مورد عامل سوم که بحث از روابط نیکو با دیگران است، مورد سؤال قرار می گیرد که آیا روابط نیکو با دیگران، شایسته این هست که در مرتبه و درجه سوم قرار گیرد، می گوید: مسلماً نه، اگر بخواهم با اتکاء بر تجربیات شخصی خود قضاوت کنم باید بگویم که روابط با دیگران اولین عامل و یا لااقل دومین عامل خوشبختی است (همان، ۸۸).

راسل سپس درباره مفهوم واقعی روابط با اشخاص دیگر توضیح می دهد: این مسأله خیلی روشن است. روابط با اشخاص یعنی دوستی، عشق، علاقه به فرزندان و بالاخره محبت به دیگران. وقتی که این روابط حسنه نباشد زندگی برای انسان تلخ می‌شود (همان).

حال سؤال این است آیا با آزاد گذاشتن روابط جنسی و ترویج آنجایی برای عشق و دوستی باقی می ماند؟ آیا از روابط آزاد فرزندانی بوجود خواهد آمد؟ آیا انسانی که برای چند لحظه خوشگذرانی ارتباطی پیدا کرده است حاضراست مسؤولیت فرزندی را بر عهده بگیرد؟ آیا تنوع طلبی انسان به او اجازه تعهد داشتن به دیگران و داشتن محبت را می دهد؟ در فضای کنونی که به اعتقاد ما ناشی از همین تفکرات است که انسان‌ها یا به طور رسمی به تن فروشی می‌پردازند و دروی‌ترین فروشگاه‌ها قرار می‌گیرند، می‌توان از روابط نیکو و محبت و عشق سخن گفت؟ وقتی کرامت انسان چه مرد و چه زن به این حد تنزل می یابد که مورد استفاده جنسی طرف مقابل خویش قرار گیرد، ارتباطات انسانی چگونه قابل تعریف خواهد بود و روابط نیکو چه معنایی جز استفاده و لذت بردن خواهد داشت؟ آن هم لذتی که عواقب آن در جامعه کنونی بسیاری از کشورهای غربی از جمله در سوئد که آمار خودکشی بالاست، نمایان شده است.

٤ – توجه به افکار عمومی و اهمیت آن

راسل در بحث نقش شخصیت و در خصوص خطا کردن رئیس دانشگاه هاروارد که رأی

به مجرمیت دو نفر متهم به قتل نفس داد، در پاسخ این سؤال که آیا معتقدید رئیس دانشگاه در عین اطلاع از بی‌گناهی این دو نفر از ترس افکار عمومی مرتکب چنین کاری شده است پاسخ مثبت می‌دهد، سپس مصاحبه‌گر می‌پرسد: برای اینکه نظم جامعه بشری دچار اختلال نشود، یک فرد تا چه باید از آزادی برخوردار باشد؟ می‌گوید:

من معتقدم که نظم اجتماعی باید حفظ شود و این موضوع را باید به عنوان یک پایه و اساس پذیرفت. در امان نگهداشتن جامعه از دزدی و قتل، تا سر حد امکان، ضروری و دارای اهمیت زیادی است... محدود ساختن آزادی افراد به ویژه در جوامع متراکم، ضروری است... (همان، ۱۱۹)

وی سپس در ادامه و در پاسخ به سؤال بعدی که می پرسد: آیا شما معتقدید که باید برای افراد، محدودیت‌های جدیدی هم ایجاد نمود؟ می‌گوید: بلی، زیرا آزادی یک ملت ممکن است کار را به ولنگاری و بلاهت بکشاند... (همان، ۱۱۹)

جالب توجه است که از سویی به محدود کردن رفتارها و قتل در جامعه اشاره می‌کند و از سوی دیگر روابط جنسی را آزاد و این آزادی را جزء اخلاق جنسی اعلام می کند. در حالی که قتل‌های ناموسی که با اطلاع و رضایت طرفین بوده است، از دید راسل پنهان مانده است.

علاوه بر اینکه اگر آزادی روابط جنسی را در جامعه رواج دهیم، فرزندانی که از این طریق به دنیا می‌آیند تا چه اندازه می‌توانند نظم و انضباط را در جامعه ایجاد کنند و خود را منضبط به قوانین بدانند. براستی انسانی که احساس می‌کند نتیجه یک لحظه هوسرانی دو انسان بی مسئولیت است، چه احساس زشت و نفرت آمیزی نسبت به آنجامعه و افراد آن خواهد داشت. آیا عواطف و انسان دوستی و آنچه راسل آن را به عنوان اولین یا دومین عامل خوشبختی مطرح می‌کند تحقق می‌یابد؟

۵ – آیا این دیدگاه آینده بشر را تضمین می‌کند؟

همو در خصوص آینده بشر و اینکه بشر از دردهای زیادی رنج می‌برد، یکی از این دردها را این می داند که انسان قادر به درک مقیاس صحیح انجام امور نیست. اگر به کاری دست می‌زند حد و اعتدالی را برای خود در نظر نمی‌گیرد و همچنان به پیش می‌رود. وقتی می‌پرسد: آیا تصور می‌کنند سرانجام بشر روزی مفهوم خیرالامور اوسطها را درک می‌کند؟ پاسخ می‌دهد امیدوارم بشر در کارهای خود مفهوم خیرالامور اوسطها را بفهمد. فهم این مطلب از ضروریات

بوده و به کلی امکان پذیر هم می‌باشد. در اینجا، به پیشگویی‌های مبهم نامشخص دل خوش کرده‌ایم که نمی‌خواهم بگویم دارای حقایق انجیلی هستند. من رجاء واثق دارم که این پیشگوئی‌ها تحقق نخواهد یافت (همان، ۱۵۱).

راسل در ادامه و در توضیح دردهای بشر می گوید: نقص و اشکال اساسی موجود دارای یک ریشه روان‌شناسی است و این عامل روان‌شناسی بدخیمی شهوات افراد است. این مسأله را بایستی به حساب آورد. بالاخره در حد نهایی باید به یک موضوع توجه اساسی داشت. در دنیای کنونی که بین همه حوادث و پدیده ها رابطه ای بسیار نزدیک وجود دارد، خوشبختی یک فرد فقط موقعی تأمین می شود که خوشبختی همسایه او، ولو اینکه در نظرش منفور باشد، تأمین شده باشد (همان، ۱۵۱ – ۱۵۲).

٦ – آیا از طریق روابط آزاد جنسی می‌توان راه سعادت بشر را پیمود؟!

وی در سؤالات پایانی همین بخش (آینده بشر) که از او از گامهای مثبت بشر در آینده سؤال می‌شود می‌گوید: به عقیده من بزرگ‌ترین گامی که بشریت در راه سعادت خود می‌تواند بردارد، در بهبود مسأله تعلیم و تربیت خواهد بود. باید افراد را طوری تربیت کرد که ایده انسان دوستی با روح آن ها عجین گردد به طوری که همه بشریت را یک خانواده یا منافع مشترک بدانند... باید افراد بشر بفهمند دوست داشتن دیگران نه تنها یک وظیفه اخلاقی... بلکه خود مدبرانه‌ترین سیاستی است که انسان می تواند برای تأمین سعادت خود اتخاذ نماید (همان، ۱۵۲ – ۱۵۳).

۷ – اهمیت امور جنسی

در اهمیت امور جنسی برای مردم همین بس که وقتی وایت می‌پرسد: قسمت بزرگی از اخلاق تابو شامل روابط جنسی می شود، بخش بزرگی از آثار شما درباره‌ی روابط جنسی نوشته شده است. اکنون شما به مردمی که می خواهند در روابط جنسی روش عاقلانه ای در پیش گیرند چه اندرزی می‌دهید؟ می‌گوید:

مقدمتا باید بگویم تقریبا یک صدم نوشته های من به روابط جنسی اختصاص دارد، اما ذهن اکثریت مردم چنان تحت تاثیر مسائل جنسی است که آنان به نود و نه درصد نوشته های دیگر من توجهی ندارند. من فکر می‌کنم که یک درصد، نسبت معقولی است از تمایل بشر که اختصاص به آن موضوع داده شود. ما بایستی اخلاق جنسی را مانند سایر مسائل به دقت

رسیدگی کنیم، باید بگویم که اعمال شما آسیبی به هیچ کس نمی زند، دلیلی وجود ندارد که آن محکوم نماییم و شما نباید آن را صرفا برای اینکه بعضی از تابوهای قدیمی آن را غلط محکوم سازید. وی سپس قاعده کلی در این زمینه اعلام می‌دارد:

شما باید توجه کنید که آیا آن عمل ضرر دارد یا نه، و این مطلب اساس اخلاق جنسی و اخلاق های دیگر را تشکیل می دهد. (جهانی که من می شناسم، ٦٧؛ بررسی و نقد افکار راسل، ٤٥)

راسل در کتاب «در تربیت» در فصل تربیت جنسی و در ابتدای آن می‌نویسد:

موضوع جنسی بقدری با اوهام و ممنوعیت ها محدود و محصور گردیده است که من با ترس و لرز بدان نزدیک می شوم. من می ترسم که مبادا خوانندگانی که تا اینجا مبادی مرا پذیرفته‌اند وقتی مشمول این دایره گردند نسبت به آن‌ها دچار شک و تردید شوند، خوانندگان مزبور ممکن است به قدر کفایت به آسانی پذیرفته باشند که بی باکی و آزادی برای کودک مطلوب و نیک است، اما هنوز میل داشته باشند که در مورد مسائل جنسی بندگی و اطاعت صرف و وحشت را به آنان تحمیل نمایند. من نمی توانم اصولی را که عقیده دارم صحیح و درست باشد، اینطور محدود سازم، و من با موضوع جنسی درست همان معامله را می کنم که با محرکات دیگری کردم که خلق و خوی بشری را ترکیب می‌کند (در تربیت، ۱۹۷)

دقت در این عبارت ها نشان می دهد که راسل خلاف جریان طبیعی رودخانه در حال شنا کردن است و خود نیز به آن توجه دارد، از اینرو در همان ابتدا با شک و تردید آن را آغاز می کند. به نظر می رسد در عین حالی که یک فرهیخته بزرگ است نتوانسته است تفاوت های امور جنسی را با امور دیگر تشخیص دهد، از این جهت فکر می کند، همچنانکه در امور دیگر به پرسش های بچه ها پاسخ می دهیم، در این امر نیز بایستی حس کنجکاوی را درک کرده و او را از واقعیت‌ها آگاه سازیم.

اشکالات دیگر

۱- از هم پاشیده شدن خانواده

راسل معتقد است: «اخلاق جدید با طرح این مسأله قضیه بسیار مشخصی را در مقابل اخلاق قدیم عنوان می کند: اگر عفت و پاکدامنی دختران و وفاداری زنان دیگر مسأله‌ای نیست در اینصورت باید شیوه‌های نوی را برای حفاظت خانواده اتخاذ نمود و یا به انحلال آن تن در

داد.» (زناشوئی و اخلاق، ۸۸)

جای بسی تأسف است که یک فیلسوف عفت و پاکدامنی را در زنان و دختران به سادگی کنار می‌گذارد و این را به عنوان اخلاق جدید جنسی مطرح می‌کند، مگر نه این است که یک فیلسوف باید تلاش کند انسان ها را بر اساس معیارهای صحیح اخلاقی تربیت کند؟! آیا بهتر نیست همان شیوه قبلی را تبلیغ کند و به جای پذیرش معشوقه های فراوان، نظام تک همسری یا چند همسری را تبلیغ نماید و مزایای آن را اعلام نماید.

وی چند سطر بعد اعلام می کند: «در حال حاضر مشکل این طرز کار این است که از ما طلب می‌کند بیش از آن حدی که مقرون به عقل و احتیاط می‌نماید به قابلیت تأثیر وسایل جلوگیری از بارداری و صداقت زنان اعتماد کنیم.»

براستی اخلاقی که او در پی آن است عشق در انسان را لگدمال می کند و زندگی زوج زن و مرد را تا سر حد لذات حیوانی پائین می‌آورد. عجبا که انسان در اخلاق مورد حمایت او به نازل‌ترین مرتبه خود تنزل می‌کند و همه چیز به لذات جنسی ختم می‌شود.

۲ – پایان عشق

طبق گفته راسل بایستی پرونده عشق و عاشقی را پایان داد و برای همیشه آن را به فراموشی سپرد، زیرا در عشق اختصاص وجود دارد و عاشق، معشوق را برای خود می خواهد و اجازه نمی‌دهد که غیری در آن وارد شود.

همه شب فتاده ام سر چو سگان بر آستانت/ که رقیب در نیاید به بهانه گدایی (کلیات دیوان عراقی، ۲۰۶)

همچون دگران نداد کامم/ وز سنگ ستم شکست جامم (هفت اورنگ، ۸۸۶)

براستی اگر روزی عشق را از انسان بگیرند، چه اتفاقی می‌افتد؟ این عشق تفاوتی نمی‌کند که چه چیزی متعلق آن باشد، خدا، معشوق زمینی، پول و ثروت، پست و ریاست و...

حافظ شب هجران شد بوی خوش وصل آمد/ شادیت مبارکباد ای عاشق شیدائی (دیوان حافظ، ۲۳۵)

نگاهی به کتاب «فیلسوفان بدکردار»

در سال گذشته کتابی با عنوان «فیلسوفان بدکردار» ترجمه شد. نویسندگان این کتاب در

مقدمه‌ای که برای نسخه فارسی آن فرستاده‌اند، هدف از تألیف کتاب را مطرح کرده‌انـد. ایشـان تلاش نموده اند تا اندیشه و تفکرات فیلسوفان را متأثر از وضعیت رفتاری و زندگیشـان بداننـد از اینرو در همان ابتدا می گویند: برخی اوقات به جای اینکه بپرسیم کسی چه فکـری مـی کنـد، جالب تر است بپرسیم چرا اصلاً به آن چیز فکر می کند؟ (فیلسوفان بدکردار، ۷) ایشان سپس به تحلیل کتابهای برخی از فیلسوفان همچون افلاطون، نیچه و... می‌پردازند و آثار آنان را متـأثر از وضعیت اجتماعی و رفتاری آنان می‌دانند و تحلیل می‌کنند. در این کتاب گزارشی از اندیشه‌هـا و آثار و سیر تاریخی حوادث زندگی این فیلسوفان مطرح شده اسـت: ژان ژاک روسـو، آرتـور شوپنهاور، فریدریش نیچه، برتراند راسل، لودویگ ویتگنشتاین، مارتین هایدگر، ژان پل سار تـر و میشل فوکو که به ترتیب زمانی که می زیسته اند تنظیم شـده اسـت. ٤٨ صـفحه از کتـاب بـه راسل اختصاص یافته است که با توجه به هجم ۳۰۰ صفحه‌ای کتاب، سهم قابل توجهی است.

در پشت جلد کتاب آمده است: این کتاب بـا کنکاشـی در زنـدگی خصوصـی و اجتمـاعی هشت فیلسوف برجسته، نشان می دهد که آنچه فیلسوفان به عنـوان چهـارچوب هـای ذهنـی و نظری ارائه می‌کنند تا حدودی زیاد واکنش به پیچیـدگی‌هـای روانـی و شخصـیتی آن‌هـا دارد، بنابراین، استدلال نایجل راجرز و مل تامسون این است که نگاه ذات گرایانه بـه فلسـفه و جـدا کردن اثر از پدید آورنده، کاری گمراه کننده است.

گزیده‌هائی از این کتاب می‌تواند حقائقی را درباره شخصیت راسل آشکار کند:

«نوشته‌های عامه پسند راسل دقیقاً به این دلیل مهم‌اند که او بسیاری از روندها و نگرشهای آینده را در آن‌ها پیش بینی کرده است. کشیش‌ها و محافظه کارانی که به دلیل «بی‌اخلاقـی» بـه او حمله می‌کردند، از یک نظر حق داشتند. راسل به دنبـال یـک انقـلاب اجتمـاعی و اخلاقـی (یعنی جنسی) بود که از زمان مرگ او تا کنون تحقق یافته است. امروز که ما با نرخ وحشـتناک طلاق زندگی می کنیم تا حدودی میراث دار برتی کثیف (یک نام خودمانی کمتر خوشایند برای او) هستیم که در زندگی اش بدون هیچگونـه شـرمندگی چهـار زن و بیشـمار معشـوقه داشـته است.» (فیلسوفان بدکردار، ۱۳۷–۱۳۸)

«در مورد ازدواج» دورا بلک «که بیست و دو سال جوان‌تر از راسل بود می‌نویسـد: ازدواج آن ها قرار بود یک ازدواج آزاد باشد که در آن زمان چندان معمول نبود. راسل نوشت: «مـا هـر دو فکر می کردیم ازدواج باید با بعضی هوسرانی های مختصـر همخـوانی داشـته باشـد... یـک

قرارداد مختصری تهیه کردیم... اما من الزامی اضافه کردم که اگر او از کس دیگری غیر از من حامله شود او را طلاق خواهم داد. (این دو در ۲۷ سپتامبر ۱۹۲۱ ازدواج کردند.)» (همان، ۱٦۰)

(دورا و راسل یک مدرسه تأسیس کردند)» یک روز روزنامه نگاری برای تحقیق به مدرسه اعزام شده بود و وقتی در زد کودکی برهنه در اصلی را باز کرده و گفته بود، خدا وجود ندارد. روزنامه نگار فریاد زده بود: یا خدا! «(همان، ١٦٤)

«در این راه او (دورا) با «روی راندل» که یک فعال کارگری بود ملاقات کرد و از آنجا که عشق آزاد یکی از باورهای اصلی دورا بود، شروع به خوابیدن با او کرد..... راسل در کتاب ازدواج و اخلاق (زناشویی و اخلاق) که در سال ۱۹۲۹ نوشته شد آورده: «به نظر من زنا نباید دلیل طلاق باشد.»... هر چند این کتاب بی‌بند و باری را تحسین نمی‌کند اما به نگرش‌های جنسی مسیحی حمله می‌کند و می‌گوید روابط بیرون از ازدواج مشکلات درون ازدواج را کاهش می‌دهد.» (همان، ١٦٥)

«اقامت او در آمریکا با تلخی به پایان رسید... وقتی به او پیشنهاد پستی در دانشگاه نیویورک سیتی را دادند سریع قبول کرد... قبل از اینکه حکم او امضا شود اعتراضات علیه او شروع شد. به نوشته مجله کاتولیک آمریکن معترضان گفتند جلوی این «هوادار بی قواره، زن طلاق داده، و فرومایه بی بند و باری اجتماعی» را بگیرید تا نتواند با تدریس منطق و ریاضیات جوانان ما را فاسد کند.» (همان)

«راسل وجهه‌ی خود را به عنوان «زن باز فلسفی» تا سالهای پیری حفظ کرد و هنوز دنبال زن ایده آلش می‌گشت.» (همان، ۱۷۲)

«جان (پسر راسل از خانم دورا) در یک اقدام عجولانه در سال ١٩٤٦ با سوزان لیندسی ازدواج کرد... سوزان که راسل را «دیدی» صدا می‌کرد و او را مثل خدا می‌پرستید... می‌گویند که این فیلسوف هشتاد ساله او را فریب داده است. شواهد مبهمی در این مورد وجود دارد که آن‌ها بارها با هم خوابیده‌اند» (همان، ۱۷۲-۱۷۳).

«احتمالاً عمیق ترین تحلیل در مورد راسل همانی است که دی. اچ. لارنس ارائه کرده است... اما لارنس در برابر راسل درآمد و نامه‌ای به او که در آن زمان از مشکلاتی رنج می‌برد نوشت و او را در هم شکست:

ساده بگویم، شما پر از تمایلات سرکوب شده هستید که باعث شده وحشی و ضد اجتماعی شوید. این احساسات در پوست میش تبلیغات ضد جنگ پنهان شده‌اند. همان طور که زنی که در یکی از گردهمایی های شما حضور داشته به من رسانده است: «برای من خیلی خیلی عجیب است که می‌بینم این چهره‌ی شیطانی چطور در مورد صلح و عشق حرف می‌زند. امکان ندارد به آنچه می‌گوید باور داشته باشد.»... این قدر از سرکوب‌های شیطانی پر هستید که نمی‌توانید چیزی غیر از یک آدم بی‌رحم و شهوتران باشید» (همان، ۱۸۰–۱۸۱).

راسل از خانم دورا دو فرزند به نامهای جان (پسر) در نوامبر ۱۹۲۱ و کیت (دختر) در ۱۹۲۳ به دنیا آورد.

«سپس دورا که خودش در سال ۱۹۲۸ در آمریکا سخنرانی‌هایی ارائه می‌کرد، دیوانه وار عاشق «گریفین بری» شد... دورا از گریفین حامله شد و راسل نمی‌توانست با این مسأله کنار بیاید. «هریت» در ژوئیه ۱۹۳۰ به دنیا آمد و نام خانوادگی راسل را روی او گذاشتند. راسل که سخت خشمگین شده بود سال‌ها تلاش کرد تا نام او را از کتاب «دبرتز» حذف کند. (کتابی است که تاریخچه‌ی خانواده‌های مهم را ثبت می‌کند)» (همان، ١٦٦)

«زندگی راسل در دوم فوریه ۱۹۷۰ در آرامش به پایان رسید اما بدبختی هایی که درست کرده بود ادامه داشتند. او پشت سرش دو همسر سابق بدبخت، جان پسر اسکیزوفرنیکش که هرگز عقلش سر جا نیامد، یک نوه دختر به نام سارا که او هم به اسکیزوفرنی مبتلا شد، و یک نوه دیگر به نام لوسی که زمانی عزیز کرده پدربزرگش بود، را به جای گذاشت... او در یک خودکشی وحشتناک در سال ۱۹۷۵ خودش را در قبرستان کارنیش به آتش کشید. تنها «کنراد» پسر کوچک‌تر راسل موفق شد از سرنوشت شوم او بگریزد.» (فیلسوفان بدکردار، ۱۷۸)

نتیجه‌گیری

از میان دیدگاه های مختلف در تربیت جنسی دو دیدگاه اول و دوم که یکی سرکوب غریزه جنسی را دنبال می‌کرد و دیگری آن را به طور کامل آزاد می‌گذاشت، مردود اعلام گردید. آزادسازی این غریزه که از سوی راسل مطرح شد، دارای عوامل و اشکالات ذیل است:

۱. راسل برای اینکه رفتارهای غیر اخلاقی خویش را توجیه کند، این اندیشه را مطرح و سپس به سختی از آن دفاع نمود.

۲. مشکل انحرافات جنسی از این طریق حل نشده و خود او یکی از قربانیان این دیدگاه است.

۳. این دیدگاه با نظرات دیگر وی همخوانی نداشته و او را دچار تناقض کرده است. این امر نکته اول را بیشتر قوت می‌بخشد.

٤. عشق و وابستگی درونی انسان را از بین برده و معنای زندگی متعالی را برای انسان در حد بهره‌مندی‌های جنسی تنزل می‌بخشد.

۵. عادی سازی امور جنسی از این طریق نه تنها صورت نپذیرفته است بلکه او را به سوی تنوع‌طلبی کشانده است.

٦. خانواده و استحکام آن را از بین برده و روابط اجتماعی را سخت تحت تأثیر منفی خود قرار داده است. از این رو طلاق در جامعه امروزی امر عادی تلقی می‌گردد.

۷. برای فرار از مشکلات نباید به مشکلات دیگری پناه برد، بلکه باید آن را حل کرد.

۸. اسلام ضمن ارج نهادن به غریزه جنسی در انسان و مقدس شمردن آن با بهره مندی محدود و هدایت شده که همراه کنترل انجام می‌پذیرد، موافقت کرده است.

۹. بایستی به متون دینی که برای سالهای مختلف رشد انسان، تربیت ویژه‌ای از جمله حجاب و پوشش اعضای تناسلی، محدودیت در ارتباط مؤنث و مذکر، وجوب دستورات دینی از سن ویژه تکلیف مطرح می‌کند، مراجعه کرد و با اجرای دقیق آن‌ها حیات طیبه‌ی بشر را رقم زد تا جامعه‌ای ایجاد شود که بو و رنگ الهی دارد و همه انسان‌ها در مسیر حق و خداگونه‌شده گام برمی دارند.

۱۰. تربیت باید از همان اوان کودکی آغاز گردد، تا جزء طبیعت آدمی قرار گیرد.

منابع

قرآن کریم

ابن بحتری الحلبی، صفی الدین، ***أنس المجنون و راحة المحزون***، تحقیق و تصحیح محمد أدیب الجادر، بیروت، دار صادر، چاپ اول، ۱۹۹۷ م.

ابن فارس، احمد، ***معجم مقاییس اللغه***، تحقیق و تصحیح هارون، عبدالسلام محمد، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، بی‌تا.

ابن منظور، محمد بن مکرم، ***لسان العرب***، بیروت، دار صادر، چاپ سوم، بی‌تا.

ابوجیب، سعدی، ***القاموس الفقهی لغة و اصطلاحا***، دمشق، دار الفکر، چاپ دوم، بی‌تا.

بستانی، فواد افرام، ***فرهنگ ابجدی***، (ترجمه المنجد الابجدی)، مترجم رضا مهیار، تهران، اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵.

ثعالبی، محمد بن إسماعیل، ***التمثیل و المحاضرة***، تحقیق و تصحیح قصی الحسین، بیروت، دار و مکتبة الهلال، چاپ اول، ۲۰۰۳م.

جامی، عبدالرحمن، مثنوی، ***هفت اورنگ***، تصحیح و مقدمه مرتضی مدّرس گیلانی، تهران، مهتاب، چاپ هفتم، ۱۳۷۵ .

جعفری، محمد تقی، ***بررسی و نقد برگزیده افکار راسل***، تهران، امیر کبیر، چاپ پنجم، ۱۳٦٤ .

_____، ***توضیح و بررسی مصاحبه برتراند راسل – وایت درباره فلسفه مذهب اخلاق تابو***، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، ۱۳٤۳ .

جمیل صلیبا، ***المعجم الفلسفی***، بیروت، الشرکة العالمیة للکتاب، ۱٤۱٤ق.

حافظ، لسان الغیب، ***دیوان حافظ***، به اهتمام سید ابوالقاسم انجوی شیرازی، تهران، جاویدان، چاپ پنجم، ۱۳٦۳.

راجز، نایجل، تامسون، مل، ***فیلسوفان بدکردار***، ترجمه احسان شاه قاسمی، تهران، امیر کبیر، چاپ اول، ۱۳۹۳.

راسل، برتراند، ***جهانی که من می‌شناسم***، ترجمه روح الله عباسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳٤۲ .

_____، ***در تربیت***، ترجمه عباس شوقی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطائی،۱۳٤۷.

_____، ***زناشوئی و اخلاق***، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، شرکت سهامی نشر اندیشه، ۱۳٤۷ .

سعدی، مصلح بن عبد الله، ***کلیات سعدی***، تصحیح محمد علی فروغی، تهران، نامک، چاپ پنجم، ۱۳۸٤.

صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ***تفسیر القرآن الکریم***، قم، بیدار، چاپ دوم، ۱۳٦٦ .

فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، ***القاموس المحیط***، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول، بی‌تا.

فیومی، احمد بن محمد، ***المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی***، قم، موسسه دار الهجرة، چاپ دوم، بی‌تا.

مصطفوی، حسن، ***التحقیق فی کلمات القرآن الکریم***، بیروت- قاهره- لندن، دار الکتب العلمیة- مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، چاپ سوم، بی‌تا.

مطهری، مرتضی، ***مجموعه آثار شهید مطهری***، تهران، صدرا، چاپ هشتم، ۱۳۷۷ .

_____، ***مجموعه یادداشتهای استاد مطهری***، تهران، صدرا، ۱۳۷۸ .

ورام بن أبی فراس، مسعود بن عیسی، ***تنبیه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعة ورّام***، قم، مکتبه فقیه، چاپ اول، ۱٤۱۰ ق.

همدانی، ابراهیم، ***کلیات دیوان عراقی***، با مقدّمه سعید نفیسی، تهران، جاویدان، ۱۳٦۸ .

مجموعه مقالات نهمین همایش ملی اشراق اندیشه مطهر، **خانواده و تربیت جنسی**
اردیبهشت ۱۳۹٤، ص ٤٥٩-٤٣٩

بررسی التزام به مقوله حیا در تربیت جنسی با توجه به الگوهای قرآنی[۱]

سید محمود صادق زاده طباطبایی/ استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد[۲]

چکیده

حیا نه صرفا امری اخلاقی که سعادت ابدی انسان در گرو آن است. حیا معیاری برای احراز شرط ایمان به عنوان یکی از دو شرط لازم برای ورود به بهشت است. حیا را می توان به حیاء رفتار و حیاء اعضا تقسیم کرد. از مهمترین مصادیق حیای اعضا حیای درکلام و گفتار است. از مصادیق روشن حیای گفتاری مباحث و مسایل مرتبط با حوزه عفاف و غریزه جنسی است. مقتضای حیای کلام در برخی موارد سکوت و عدم ورود در این موضوعات به نحو جدی و شوخی و در قالب لطیفه است. اما در بعضی دیگر از موارد که مخاطب به جهت عدم آگاهی از احکام و یا عواقب و پیامدها دچار آسیب می شود نه تنها حیا بی معنا است که به تعبیر روایات حیای احمقانه است. طرح مباحث جنسی در فضای آموزش و آگاهی بخشی بدین معنا نیست که برهنه و بی پرده و عریان سخن گفت. قرآن به عنوان متنی که جنبه هدایتی و آموزشی دارد و مخاطب آن عموم است در تمامی مباحث و احکام مرتبط با غریزه جنسی ورود پیدا کرده است اما در تمامی موارد در قالب کنایی و استعاره ای سخن گفته است و هیچگاه به صورت صریح این موضوعات را طرح نکرده است. واژگانی چون رفث ، دخول، مراوده ، مباشرت و ... هیچکدام در کاربرد اصلی خود ارتباطی با مباحث جنسی ندارد بلکه فضای آیات، مخاطب را به معنای اصلی راهنمایی می کند. قرآن در جزیی ترین امور مرتبط با غریزه جنسی ورود پیدا کرده است، اما به زیباترین و لطیف ترین و هنری ترین بیان آن را ترسیم کرده است. با مروری بر ترجمه های فارسی قرآن در می یابیم برخی مترجمان معاصر در انتقال این مفاهیم از این نکته غافل شده و از واژگان صریح استفاده کرده اند. این مقاله ضمن تبیین واژگانی الفاظ مرتبط به حوزه لذایذ جنسی در قرآن نگاهی نقادانه به ترجمه های فارسی قرآن و برخی تفاسیر دارد.

کلید واژه‌ها : حیا، رفث ، مراوده، مباشرت، غریزه جنسی

---

۱ . این مقاله تحت حمایت «جامعة المصطفي العالمية» شعبه مشهد مقدس تدوین شده است.

2. tabanet@um.ac.ir

مقدمه

حیا از آموزه های مهم دینی است که در آیات و روایات بر آن تاکید شده است. قرآن سعادت ابدی انسان را در گرو ایمان و عمل صالح می داند و در آیات زیادی آن دو را قرین هم ذکر کرده است (بقره: ۲۵، ۸۲، ۲۷۷؛ آل عمران: ۵۷؛ نساء: ۵۷ و ...) از منظر قرآن همه انسان ها در خسرانند مگر آنانکه ایمان و عمل صالح داشته باشند (عصر: ۱-٤). ایمان و عمل صالح دو شرط لازم برای ورود به بهشت است. حسب قرآن جایگاه ایمان قلب و دل آدمی و امری درونی است : قالَتِ الْأَعْرابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمانُ فی قُلُوبِكُمْ (حجرات: ١٤) ([برخی از] بادیه‌نشینان گفتند: «ایمان آوردیم.» بگو: «ایمان نیاورده‌اید، لیکن بگویید: اسلام آوردیم.» و هنوز در دلهای شما ایمان داخل نشده است.)

با توجه به درونی بودن و پنهان بودن امر ایمان در آیات و روایات، نشانه ها و شاخصه هایی برای تشخیص وجود و عدم آن و همچنین سنجش کمیت و مقدار آن بیان شده است، که از جمله آنها مساله حیاء است. مرحوم کلینی در کتاب خود «الکافی» که مهمترین و جامع ترین اثر روایی شیعه است تبویبی بسیار فقیهانه آورده است، او کتابش را با «کتاب العقل و الجهل» آغاز می کند و بعد از آن «کتاب فضل العلم» و بعد «کتاب التوحید» و سپس «کتاب الحجۀ» و در ادامه «کتاب الإیمان و الکفر» را می آورد. کتاب اخیر مشتمل بر ۲۰۹ عنوان باب است که در آن به ویژگی ها و مصادیق «ایمان» و «کفر» می پردازد. باب ۵۲ از این بخش «حیاء» نام گزاری شده است و در آن ۷ روایت ذکر شده است. از جمله : امام صادق علیه السلام : حیاء از ایمان و ایمان در بهشت است . همچنین ایشان می فرمایند : کسی که حیاء ندارد ایمان ندارد. و یا در حدیث دیگر آورده است که ایمان و حیاء به یک ریسمان بسته اند پس اگر یکی از آن دو جدا شود دیگری نیز برود. (کلینی، ج ۳، ص ۲۷۷)

حیاء را در یک تقسیم می توان به «حیاء اعضاء» و «حیاء رفتار» تقسیم کرد. حیاء رفتار به کیفیت رفتار اشاره دارد، مثلا قرآن راه رفتن دختران شعیب را با واژه «استحیاء» توصیف می کند: فجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَىَ اسْتِحْيَاءٍ (قصص: ۲۵) پس یکی از آن دو زن- در حالی که به آزرم گام بر می‌داشت- نزد وی آمد.

اما حیاء اعضاء به کیفیت بهره برداری از مثل چشم و گوش و زبان مربوط می شود. حیاء چشم به «غض بصر» و فرو نهادن آن از نگاه به محرمات الهی است: قُل لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّواْ مِنْ

أبْصَارِهِم (نور: ۳۰) (به مردان با ایمان بگو: «دیده فرو نهند».) و در آیه بعد خطاب به زنان می فرماید : وَ قُل لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أبْصَرِهِن (نور: ۳۱) (و به زنان با ایمان بگو: «دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند».)

حیاء گوش به آن است که از شنیدن سخنان حرام همچون غیبت پرهیز کند. میان شنیدن و حیاء در روایات ارتباطی تنگاتنگ است، حسب روایات گوش دادن به اصوات و موسیقی های حرام، سبب زوال حیاء در فرد است. در روایتی در کتاب «الکافی» باب غناء آمده است : کسی که چهل روز در خانه او بربط (یکی از ابزار موسیقی) نواخته شود خداوند شیطانی را بر آن خانه مسلط می کند که به او «قفندر» گفته می شود . هیچیک از اعضای صاحب آن خانه باقی نمی ماند مگر آنکه آن شیطان بر آن می نشیند و هرگاه چنین شود حیاء از او گرفته می شود و دیگر برای صاحب آن منزل مهم نیست که چه بگوید و چه درباره اش بگویند.(کلینی، ج ۱۲، ص ۷۸۹) مرحوم کلینی همین روایت را با اندک تغییری در باب غیرت نیز آورده است و لکن در آن آمده است که نتیجه گوش دادن به این ابزار لهوی آن است که مرد دیگر نسبت به همسرش غیرت نخواهد داشت. (کلینی، ج ۱۱، ص ۲۳۱)

از دیگر اعضایی که حیاء در آن توصیه شده زبان است. زبان و کلام باید متصف به وصف حیاء شود، در باب «بذاء» در کافی به معنای «بدزبانی» روایتی از امیر مومنان علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که : همانا خداوند بهشت را حرام کرده است بر هر فحش دهنده ی بدزبان کم شرمی که باکی از آنچه می گوید و آنچه به او گفته شود ندارد. (کلینی، ج ٤، ص ۸)

قرآن، مباحث جنسی و حیاء در گفتار و کلام

مباحث و مسایل مرتبط با لذایذ جنسی از جمله اموری است که رعایت حیاء در آن ضروری است. از نگاه قرآن روابط جنسی از مصداق اموری است که باید حریم حیاء در آن رعایت شود؛ چراکه به تعبیر قرآن مصداق «عورت» است:

يا أيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنْكُمُ الَّذينَ مَلَكَتْ أيْمانُكُمْ وَ الَّذينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلاةِ الْفَجْرِ وَ حينَ تَضَعُونَ ثِيابَكُمْ مِنَ الظَّهيرَةِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلاةِ الْعِشاءِ ثَلاثُ عَوْراتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَ لا عَلَيْهِمْ جُناحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلى بَعْضٍ كَذلِكَ

يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآياتِ وَ اللَّهُ عَليمٌ حَكيمٌ (نور ۵۸)

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید، باید غلام و کنیزهای شما و کسانی از شما که به [سن] بلوغ نرسیده‌اند سه بار [در شبانه روز] از شما کسب اجازه کنند: پیش از نماز بامداد، و نیمروز که جامه‌های خود را بیرون می‌آورید، و پس از نماز شامگاهان. [این،] سه هنگام برهنگی شماست، نه بر شما و نه بر آنان گناهی نیست که غیر از این [سه هنگام] گرد یکدیگر بچرخید.)

طبق این آیه سه وقت در محیط خانواده اختصاص به زن و شوهر دارد، چون در آن اوقات، اموری داخلی اتفاق می کند که اظهار و ابراز آن شایسته نیست و به تعبیر آیه «عورت» است. و این از بهترین آداب اسلامی مرتبط به حیای خانواده است.

مصطفوی در تحقیق معنای واژه «عورت» می نویسد: عورت در لغت به هر چیزی اطلاق می شود که ابراز آن قبیح و از نظر عرفی باید پوشیده شود . از مصادیق آن بیماری و عیب در چشم است . همچنین به نقاط ضعف و مواردی که سبب نفوذ دشمن به مرزها می شود گفته می شود و نیز به اعضایی در بدن انسان که از نظر عرف پوشاندن آن لازم است. گاهی به مجموع بدن زن اطلاق می شود چون لازم است که تمام بدن زن پوشیده شود. گاه به خانه «عورت» گفته می شود از آن جهت که در جریان امور خانه و ساکنان آن اموری است که اطلاع بر آن زشت است. گاهی به برخی از زمان ها اطلاق می شود به جهت آنکه در آن زمان امور و اتفاقاتی واقع شده یا می شود که ابراز آن صلاح نیست.

ایشان سپس بعد از بیان نکاتی دیگر به این آیه اشاره می کند که : وَ يَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنا عَوْرَةٌ وَ ما هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِراراً (احزاب : ۱۳) و می نویسد : یعنی در خانه های ما نواقص و اموری است که پوشاندن آن لازم است و با حضور مستقیم ما در خانه است که این امور حفظ می شود. (مصطفوی، ذیل ماده عور)

نکته ی جالبی که در آیه استیذان وجود دارد آن است که دستور اگرچه ظاهرا متوجه کودکانی است که به حد بلوغ نرسیده و مشمول تکالیف الهی نشده اند و صلاحیت امر و نهی ندارند، اما در حقیقت تکلیف متوجه اولیاء آنان است که آنان را از نظر تربیتی آموزش دهند تا چنین رفتاری داشته باشند. (مکارم ، ج ١٤، ص ۵۳۹)

حال که روابط جنسی باید پوشیده باشد قهرا رعایت حیاء در آن ضروری است. بسیاری

تصورشان آن است که حیاء در امور جنسی یعنی آنکه پیرامون موضوعات مرتبط با آن سخنی گفته نشود و این مسایل از فرزندان مخفی باشد. نقد این پندار در گرو فهم حقیقت معنای حیاء است. در آموزه های دینی حیاء به دو قسم عاقلانه و احمقانه تقسیم شده است. در باب حیاء در کتاب کافی در روایتی از پیامبر ص چنین آمده است : حیا دو گونه است حیای عقل و حیای حمق، همانا حیای عقل علم است و حیای حمق جهل. این روایت را محدث متعمق صاحب وسایل در ذیل این عنوان آورده است : «باب عدم جواز حیا در سوال از احکام دین» (حر عاملی،ج ۱۲، ص ۱٦۹)

علامه مجلسی در ذیل این روایت بیانی زیبا دارد ایشان می نویسد:

این حدیث دلالت بر این دارد که حیاء دو قسم است. یک حیاء خوب و پسندیده دوم حیاء مذموم و ناپسند. اما حیاء خوب و بجا آن حیائی است که ناشی از عقل باشد بدین معنا که شرم و انقباض روحی از کاری باشد که عقل صحیح و یا شرع آن عمل را زشت می داند، مانند شرم و حیاء از گناهان و مکروهات. و اما حیاء و شرم بیجا و ناپسند حیائی است که ناشی از حماقت باشد. مثلا از کاری که عوام آن را بد میداند ولی در واقع قباحت و زشتی ندارد که عقل درست و دین مقدس اسلام حکم به زشتی آن نداده مانند پرسش و سؤال از مسائل علمی و یا انجام عبادات و دستورات شرعی که جهال و مردمان نادان آن را قبیح می‌دانند. و جمله (فحیاء العقل هو العلم) یا معنایش آن است که چنین حیائی موجب ازدیاد علم می‌شود.و یا بدین معناست که سبب چنین حیائی علم و آگاهی است که بین زشت و زیبا تمییز می دهد. و مقصود از حیاء حمق یا آن است که سببش جهل و نادانی است که زشت و زیبا را تمیز نمی دهد. و یا باین معنا است که چنین حیائی موجب جهل و نادانی انسان می‌شود. چون از پرسش احساس ننگ و شرم می کند و لذا جاهل و نادان می ماند. (مجلسی، ج ٦۸، ص ۳۳۱)

چنانکه ملاحظه می شود وقتی سخن از آموزش با هدف آگاهی بخشی است، حیاء به معنای انقباض نفس از انجام و بیان آن معنا ندارد، لذا تصور عدم بیان امور جنسی در فضای تربیتی اشتباه و بر خلاف آموزه های دینی است. تربیت جنسی و آموزش برخی موضوعات مرتبط به لذایذ جنسی به فرزندان اگرچه وظیفه ای واجب بر دوش والدین و مربیان است اما ضروری است که قالب بیان آن مزین به وصف حیاء باشد. لزوم شرعی ورود به این مباحث به

معنای جواز سخن گفتن بی پرده و عریان در این امور نیست. این مقاله در صدد آن است تا قالب طرح مباحث جنسی را از کلام الهی که الگو و نمونه ممتاز در این جهت است استخراج و در معرض چشم مخاطب قرار دهد. در همین راستا به آیاتی از قرآن که به لذایذ جنسی پرداخته اشاره خواهیم کرد و ضمن تبیین واژگانی الفاظ به کشف گوهر معنایی آن در آیات می پردازیم و با نگاهی به برخی ترجمه های فارسی قرآن (۸ ترجمه) و نیز تفاسیر، عدم انتقال صحیح قالب های بیانی قرآن که متضمن حیاء است اشاره خواهیم کرد.

آیه اول

وَ راوَدَتْهُ الَّتی هُوَ فی بَیْتِها عَنْ نَفْسِهِ وَ غَلَّقَتِ الْأَبْوابَ وَ قالَتْ هَیْتَ لَکَ قالَ مَعاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّی أَحْسَنَ مَثْوایَ إِنَّهُ لا یُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (یوسف: ۲۳)

(و آن [بانو] که وی در خانه‌اش بود خواست از او کام گیرد، و درها را [پیاپی] چفت کرد و گفت: «بیا که از آن توام!» [یوسف] گفت: «پناه به بر خدا، او آقای من است. به من جای نیکو داده است. قطعاً ستمکاران رستگار نمی‌شوند.)

سخن در این آیه پیرامون معنای واژه «مراوده» است. در داستان حضرت یوسف بجز این آیه، چهار بار دیگر در بیان ارتباط بین زلیخا و حضرت یوسف بکار رفته است.

۱-آیه ۳۰: وَ قالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدینَةِ امْرَأَتُ الْعَزیزِ تُراوِدُ فَتاها عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَها حُبًّا إِنَّا لَنَراها في ضَلالٍ مُبینٍ (و [دسته‌ای از] زنان در شهر گفتند: «زن عزیز از غلام خود، کام خواسته و سخت خاطرخواه او شده است. به راستی ما او را در گمراهی آشکاری می‌بینیم.)

۲-آیه ۳۲: قالَتْ فَذلِکُنَّ الَّذی لُمْتُنَّنی فیهِ وَ لَقَدْ راوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَ لَئِنْ لَمْ یَفْعَلْ ما آمُرُهُ لَیُسْجَنَنَّ وَ لَیَکُوناً مِنَ الصَّاغِرین ([زلیخا] گفت: «این همان است که در باره او سرزنشم می‌کردید. آری، من از او کام خواستم و [لی] او خود را نگاه داشت، و اگر آنچه را به او دستور می‌دهم نکند قطعاً زندانی خواهد شد و حتماً از خوارشدگان خواهد گردید.»)

۳و٤- آیه ۵۱: قالَ ما خَطْبُکُنَّ إِذْ راوَدْتُنَّ یُوسُفَ عَنْ نَفْسِهِ قُلْنَ حاشَ لِلَّهِ ما عَلِمْنا عَلَیْهِ مِنْ سُوءٍ قالَتِ امْرَأَةُ الْعَزیزِ الْآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَا راوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقینَ ([پادشاه] گفت: «وقتی از یوسف کام [می] خواستید چه منظور داشتید؟» زنان گفتند: «منزّه است خدا، ما گناهی بر او نمی‌دانیم،» همسر عزیز گفت: «اکنون حقیقت آشکار شد. من [بودم که] از او کام خواستم، و بی‌شک او از راستگویان است.»)

مترجمان فارسی قرآن در برگردان واژه «مراوده» معانی ذیل را برگزیده اند: مراوده (الهی قمشه ای)؛ کامجویی (فولادوند، گرمارودی، مکارم، آیتی)؛ کامجویی به رفق و فریب (مشکینی)؛ کامجویی به نرمی و مهربانی (انصاریان)؛ درخواست همبستری (فیض الاسلام).

اکثر مترجمان تعبیر «کامجویی» را که متضمن گونه ای طلب معاشقه و عشق ورزی و مطالبه لذت و عیش و عشرت است (دهخدا ، ذیل ماده کامجویی) برای این واژه انتخاب کرده اند. واژه کامجویی تقاضای نوعی رابطه جنسی است. فیض الاسلام در ترجمه خود به بالاترین نوع آن تصریح می کند (درخواست همبستری)

مهمترین نقد بر این ترجمه مترجمان آن است که این واژه با همین اشتقاق و در همین سوره و قسمت دیگری از همین داستان به کار رفته است، اما به گونه ی دیگری آن را ترجمه کرده اند. در آیه ٦١ سوره یوسف می خوانیم: قالُوا سَنُراوِدُ عَنْهُ أَباهُ وَ إِنَّا لَفاعِلُونَ . در این آیه بعد از مواجهه اول برادران یوسف با او و نشناختن ایشان، یوسف اعطای گندم در سفر بعدی آنان را مشروط به آوردن برادر دیگرشان بنیامین می کند. برادران در برابر اصرار یوسف به آوردن برادر دیگر و شرط او چنین می گویند: سَنُراوِدُ عَنْهُ أَباهُ وَ إِنَّا لَفاعِلُونَ. «سنراود» از باب مفاعله است. «راودته» ماضی و «نراود» مضارع آن است یکی متکلم وحده و دیگری متکلم مع الغیر. و هر دو نیز با حرف «عن» متعدی شده اند: «سنراود عنه أباه»، «راودته عن نفسه». البته در «سنراود» مفعول آن اسم ظاهر و در «راودته» ضمیر ظاهر است. و در اولی مدخول حرف «عن» ضمیر و در دومی اسم ظاهر «نفسه» است.

مترجمان که در آیه پیش از این ترجمه آنها را مشاهده کردیم در این آیه در برگردان آن چنین نوشته اند: ما به اصرار او را از پدر خواهیم خواست (آیتی)؛ تا بتوانیم می کوشیم که پدرش را راضی کنیم (الهی قمشه ای)؛ می کوشیم رضایت پدرش را به آوردن او جلب کنیم (انصاریان)؛ او را با نیرنگ از پدرش خواهیم خواست (فولادوند)؛ ما با پدرش گفتگو خواهیم کرد (مکارم)؛ او را از پدرش با ترفند خواهیم خواست (گرمارودی)؛ ما به زودی او را از پدرش با نرمی و فریب خواهیم خواست(مشکینی)؛ بزودی حیله و چاره‌جویی بکار برده او را از پدرش درخواست مینمائیم (فیض الإسلام).

چنانکه در این ترجمه ها ملاحظه می شود، تفاوت معنایی آشکاری بین ترجمه واژه «مراوده» در این آیه با آیات قبل از این مشاهده می شود. در ترجمه این آیه توسط مترجمان

هیچ اشاره ای به یک رابطه عاشقانه و یا کامجویی و ... نشده است؟!

برای آنکه به درک صحیحی از معنای این واژه دست یابیم، ابتدا مروری بر معنای لغوی آن کرده، سپس نگاه مفسران به این واژه را پیگیری می کنیم:

علامه مصطفوی در بیان گوهر معنایی این واژه می نویسد:

ریشه ی این ماده طلب همراه با اختیار و انتخاب است که از لوازم خارجی آن رفت و آمد، نگاه کردن، تردید، اضطراب و عدم آرامش است، تا زمانیکه انتخاب اتفاق افتد. سپس ایشان در ا دامه می نویسد: فرق بین «رود»، «اراده» و «مراودة» آن است که «رود» حالت طلب کردن است، تا زمانیکه آن امر انجام شود؛ لذا به کسی که در صدد طلب و تحقیق و اختیار کردن است و به چیزی که سبب رفت و برگشت و ابزار چرخیدن است، مثل دسته آسیاب «رائد» گفته می شود. اما «اراده» از باب افعال است و دلالت بر قیام فعل به فاعل و صدور آن از فاعل می کند؛ چرا که در این باب نگاه به جهت صدور است. و این معنا در مقام فعلیت یافتن طلب و اختیار محقق می شود. اما «مراوده» از باب مفاعله و دلالت بر استمرار و مداومت بر اختیار می کند. (مصطفوی ، ذیل ماده رود)

مفردات در راغب در تبیین واژه «مراوده» می گوید:

مُراوَدَة: یا به معنای جدال در امر و فرمان است؛ یعنی تو چیزی را امر می‌کنی غیر از آن چیزی که دیگری امر می‌کند، و یا به معنای نزاع در خواستن و طلب کردن است؛ یعنی تو چیزی را می‌خواهی و می‌طلبی و دیگری چیز دیگر را. سپس در ادامه این آیه ذکر می کند که : (تُراوِدُ فَتاها عَنْ نَفْسِهِ ، یوسف: ۳۰) و در ادامه می نویسد: یعنی او را از رأیش برمی‌گرداند. (مفردات ، ذیل ماده رود)

چنانکه ملاحظه می شود معنای لغوی این واژه هیچ صراحتی در بیان یک ارتباط عاشقانه بین دو نفر ندارد؛ آنهم به گونه ای (مساله درخواست همبستری)که برخی مترجمان (فیض الاسلام) و یا مفسران (زمخشری) مطرح کرده اند.

در تفسیر اطیب البیان این واژه چنین معنا شده است: «رفت و آمد کردن و نزدیک دیگری رفتن» و در تبیین معنای واژه در می نویسد: زلیخا نزدیک یوسف آمد. ایشان تعبیر «عن نفسه» را چنین معنا می کند: آنقدر به یوسف نزدیک شد که دیگر چندان فاصله نبود. (طیب، ج۷، ص ۱۷٦)

در تفسیر تبیان «راودته» به طلب کردن و «مراودة» به مطالبه کردن چیزی برای عمل به آن معنا شده است و به جهت تقیید «مطالبه» به «عمل به آن» در مطالبه دین و بدهی از این واژه استفاده نمی شود. شیخ طوسی در مصداق مطالبه زلیخا از یوسف چیزی نمی گوید. (طوسی، ج ٦ ، ص ١١٩)

در مجمع البیان معنای مراوده را مطالبه می داند و مصداق مطالبه زلیخا از یوسف را آمیزش دانسته است. (طبرسی، ج ٥، ص ٣٤١)

زمخشری در کشاف می گوید: مراوده به معنای رفت و آمد در جهت فریب دیگری است. او می گوید: هر گاه کسی برای دستیابی به چیزی که دیگری از دادن آن خودداری می کند نقشه بریزد و برای دستیابی به آن تلاش کند مراودة گفته می شود. کشاف در ادامه می گوید آن چه زلیخا در پی آن بود و یوسف از آن سرباز می زد آمیزش بوده است. (زمخشری، ج ٢، ص ٤٥٥)

آلوسی در تفسیر خود کلام دقیقی در ارتباط بین معنای مراوده و باب مفاعلة دارد، او می گوید : «مراودة» مطالبه همراه با رفق است در زمانیکه فرد برای طلب آن شیء در رفت و آمد باشد. ایشان در توضیح چرایی استفاده از باب مفاعلة برای افاده این معنا که برای مشارکت دو نفر در یک موضوع به کار می رود، در حالیکه این مطالبه از سوی یک نفر انجام می پذیرد، می گوید: این واژه شبیه «مطالبه دائن» و «مماطلة مدیون» است که در این دو نیز اگرچه مطالبه ی دین و نیز به تاخیر انداختن اداء دین از سوی یک نفر است، اما از باب مفاعله و مشارکت استفاده شده است. سرش آن است که اگر چه این معانی از سوی یک نفر اتفاق می افتد و لکن چون سبب انجام این عمل صدور عمل طرف دیگر است، گویا عمل از هر دو صادر شده است. (آلوسی، ج ٦، ص ٤٠١)

به نظر می رسد علامه طباطبایی به حقیقت معنای این واژه و به مراد واقعی آیه کاملا واقف بوده است و به زیبایی بر خلاف سایر اهل لغت و تفسیر به بیان آن پرداخته است. ایشان پس از نقل عین کلام صاحب مفردات و مجمع البیان در بیان لغت مراودة می نویسد:

این آیه شریفه در عین کوتاهی و اختصار، اجمال داستان مراوده را در خود گنجانده، و اگر در قیودی که در آن بکار رفته و در سیاقی که آیه در آن قرار گرفته و در سایر گوشه‌های این داستان که در این سوره آمده دقت شود، حقیقت آن معنا آشکار شده و پرده از روی آن

برداشته می شود. (طباطبایی، ج ۱۱، ص ۱۲۰)

با این مطالب نقد بر کلام فخر رازی روشن می شود، او در تفسیر معنای «روادته» بـه ایـن جمله بسنده می کند و می نویسد: راودته هی عن نفسه: وقتی هر یک از دو نفر تلاش کنـد تـا با دیگری آمیزش کند! (فخر رازی، ج۱۸، ص ٤٣٨) چنانکـه گذشـت نـه معنـای لغـوی راود ، آمیزش است و نه چنان بوده که تلاشی از سـوی یوسـف در ایـن جهـت انجـام پـذیرد، بلکـه چنانکه اصل معنای این واژه مفید آن بود و آنچه در واقع بوده مطالبه و رفـت و آمـد صـرفا از سوی زلیخا انجام می گرفته است.

نتیجه آنکه قرآن در توصیف رابطه زلیخا و یوسف بسیار زیبا و هنرمندانه سخن گفته است، و هیچ لفظی صریح مشتمل بر گونه ای از طلب رابطـه جنسـی مطـرح نکـرده اسـت، هرچنـد مترجمان قرآن و برخی مفسران این کتاب الهی (شاید به سبب فحوای داسـتان یوسـف) بـه آن معانی کنایی تصریح کرده اند. به نظر می رسد این شیوه در برگردان اثری چـون قـرآن صـحیح نباشد. دوستی نقل می کرد پدری از اهل علم وقتی می خواست این قسمت از داستان یوسـف را برای فرزند کوچکش بیان کند می گفت: زلیخا از یوسف خواست که به او نگاه کند! هرچند این ترجمه دقیق نیست، اما نشان می دهد می توان در بیان این گونه امور از قالبهایی کـه خـود قرآن بهره برده است استفاده کرد.

آیه دوم

فَوَسْوَسَ لَهَمَا الشَّيْطَنُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُرِيَ عَنهُمَا مِن سَوْءَاتِهِمَا وَ قَالَ مَا نهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَـنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَن تَكُونَا مَلَكَينْ أَوْ تَكُونَا مِنَ الخَالِدِينَ. وَ قَاسَمَهُمَا إِنـىّ لَكُمَـا لَمِـنَ النَّاصِـحِينَ. فَدَلَّاهُمَا بِغُرُور فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لهُمَا سَوْءَاتهُمَا وَ طَفِقَا يخْصِفَانِ عَلَيهِمَا مِـن وَرَقِ الجَنَّـةِ وَ نَادَاهُمَا رَبهُّمَا أَ لَمْ أَنهْكُمَا عَن تِلْكُمَا الشَّجَرَةِ وَ أَقُل لَّكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَـدُوٌّ مُّبِـينٌ (اعـراف: ۲۰-۲۲)

(پس شیطان، آن دو را وسوسه کرد تا آنچه را از عورتهایشان برایشان پوشـیده مانـده بـود، برای آنان نمایان گرداند و گفت: «پروردگارتان شما را از این درخت منـع نکـرد، جـز [بـرای] آنکه [مبادا] دو فرشته گردید یا از [زمره] جاودانان شوید.» و برای آن دو سوگند یـاد کـرد کـه: من قطعاً از خیرخواهان شما هستم. پس آن دو را با فریب به سقوط کشانید پس چون آن دو از [میوه] آن درختِ [ممنوع] چشیدند، برهنگی‌هایشان بر آنان آشکار شد، و بـه چسـبانیدن بـرگ

[های درختان] بهشت بر خود آغاز کردند و پروردگارشان بر آن دو بانگ بر زد: «مگر شما را از این درخت منع نکردم و به شما نگفتم که در حقیقت شیطان برای شما دشمنی آشکار است.»)

از جمله آیاتی که بیان الفاظ جنسی در آن به دقت و با حیاء تمام صورت گرفته است دو آیه ای است که برهنه شدن حضرت آدم و حوا را پس از خوردن از درخت ممنوعه بیان می کند.

۱-اعراف: ۲۰: فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطانُ لِيُبْدِيَ لَهُما ما وُورِيَ عَنْهُما مِنْ سَوْآتِهِما.

۲-اعراف: ۲۲: فَدَلاَّهُما بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُما سَوْآتُهُما وَ طَفِقا يَخْصِفانِ عَلَيْهِما مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ.

در هر دو آیه برای بیان ظاهر شدن آن امری که با لباس پوشیده شده بوده است از واژه «سوآة» استفاده شده است. قرآن در چند آیه بعد در توصیف لباس دنیوی در مقایسه با لباس تقوا نیز از این واژه استفاده می فرماید: یا بَنی آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنا عَلَيْكُمْ لِباساً يُوارِي سَوْآتِكُمْ وَ ريشاً وَ لِباسُ التَّقْوى ذلِكَ خَيْرٌ (اعراف: ٢٦)

(ای فرزندان آدم، در حقیقت، ما برای شما لباسی فرو فرستادیم که عورتهای شما را پوشیده می‌دارد و [برای شما] زینتی است، و [لی] بهترین جامه، [لباس] تقوا است. این از نشانه‌های [قدرت] خداست، باشد که متذکّر شوند.)

مترجمان فارسی قرآن در برگردان این واژه چنین گفته اند: عورت (فولادوند، شعرانی، فیض الاسلام، مشکینی)؛ شرمگاه (آیتی ، گرمارودی)؛ اندام پنهان (مکارم)؛ شرمگاه بدن (انصاریان)؛ زشتی (الهی قمشه ای).

زمخشری در کشاف «سوآتهما» را به معنای «ما یسوءهما» معنا می کند؛ یعنی آنچه دیدن آن آنها را ناراحت می کند سپس می گوید: سبب ناراحتی آدم و حوا دیدن چیزی بود که در صدد پوشاندن آن بودند و نمی خواستند کسی به صورت مکشوف از آن اطلاع یابد. این امر دلیل است بر آنکه کشف عورت از امور مهم و بزرگ است و پیوسته نزد طبع آدمیان مستهجن و در نزد عقول قبیح است. (زمخشری، ج ۲، ص ٩٤)

آلوسی در تفسیر «سوآة» و وجه تعبیر از عورت به این واژه می گوید: بعید نیست که شیطان با وسوسه اش می خواسته آنان را با ظاهر شدن عورتشان ناراحت کند و لذا به سوآة

تعبیر کرده است. و در ادامه می نویسد: همین امر دلیل است که کشف عورت حتی در خلـوت و نزد همسر بدون نیاز در پیشگاه طباع قبیح و مستهجن است. (آلوسی، ج ٤، ص ٣٣٩)

فخر رازی می نویسد : «سوأة» فرج زن و مرد است؛ چون آشکار شدن آن انسان را ناراحت می کند و در ادامه می گوید: این آیه دلالت دارد که کشف عـورت از منکـرات و پیوسـته نـزد طباع و مستهجن در پیشگاه عقول است. (فخر رازی، ج ١٤، ص ٢١٨)

علامه طباطبایی در تفسیر این واژه بر خلاف سایر تفاسیر سخنی از عورت انسان نمی کنـد و می نویسد: سوآة جمع سوأة و به معنای عضوی است که اظهار و آشکار کـردن آن انسـان را ناراحت می کند. (طباطبایی، ج ٨ ، ص ٣٥)

نقدی که بر ترجمه و تفسیر اکثر مترجمان و مفسران وارد مـی آیـد آن اسـت کـه آنـان در برگردان همین واژه در آیه ای دیگر متفاوت عمل کرده اند:

واژه «سوأة» در داستان هابیل و قابیل نیز ذکر شده است آنجا که قابیل به کشتن برادر اقـدام می کند و آنگاه خداوند از طریق کلاغی به او شیوه دفن برادر مقتول را می آموزاند: فَبَعَثَ اللَّـهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِي سَوْءَةَ أَخِيهِ قَالَ يَاوَيْلَتَىٰ أَ عَجَزْتُ أَنْ أَكُـونَ مِثْـلَ هَـذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِيَ سَوْءَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّدِمِينَ (مائده: ٣١) (پس، خدا زاغـی را برانگیخـت کـه زمین را می‌کاوید، تا به او نشان دهد چگونه جسد برادرش را پنهان کند. [قابیـل] گفـت: «وای بر من، آیا عاجزم که مثل این زاغ باشم تا جسد برادرم را پنهان کنم؟» پس از [زمره] پشـیمانان گردید.)

مترجمان قـرآن در برگـردان واژه «سـوأة» در ایـن آیـه معـانی ذیـل را نوشـته انـد: جسـد (فولادوند، الهی قمشه ای، انصاریان، مکارم، مشکینی، شعرانی، آیتی)؛ کالبد (گرمارودی).

رضایی در ترجمه اش چنین می نویسد: و خدا زاغی را برانگیخت کـه در زمـین جسـتجو کند، تا به او نشان دهد، چگونه [جسد] بد [بوی] برادرش را پنهان کند. [قابیل] گفت:» ای وای بر من! آیا عاجزم از اینکه مثل این زاغ باشم و [جسـد] بـد [بـوی] بـرادرم را پنهـان کـنم؟! «و (سرانجام) از پشیمانان گردید

طبرسی در مجمع البیان در تبیین معنای «سوأة» در این آیه می گوید : یعنی عورت برادرش سپس در ادامه از جبایی نقل می کند که می گوید : یعنی جیفه ی بـرادرش چـون جسـد او را رها کرد تا متعفن شد.(طبرسی، ج ٣ ص ٢٨٦)

اما آلوسی می نویسد: مراد از «سوأة» جسد میت است. جبایی آن را بـه متغیـر مقیـد کـرده است. گفته شده مراد عورت است؛ چون بیننده ی آن را ناراحت می کند و دلیـل آنکـه در آیـه پوشاندن این عضو را نام برده است در حالیکه می خواسته تمام جسد را بپوشـاند، اهمیـت آن است؛ چون پوشاندن آن مورد تاکید است. آلوسی پس از این بیان مـی گویـد وجـه اول اولـی است. (آلوسی، ج ۱۱، ص ۲۸۷)

نتیجه آنکه «سوأة» نه به معنای عورت و نـه بـه معنـای جسـد و کالبـد اسـت؛ بلکـه اینهـا مصادیق همان معنای لغوی اند که حسب موقعیـت داسـتان از ایـن کلمـه اسـتفاده مـی شـود. خداوند برای بیان اعضاء جنسی انسان از واژگان مشترک استفاده کرده اسـت. واژگـانی کـه بـه خودی خود در مفاهیم عام استعمال می شود، اما بـه حسـب فضـای آیـات در ذهـن مخاطـب مصداقی ویژه تجلی پیدا می کند. به نظر می رسد معنای دقیق این واژه در آیه «زشـتی» باشـد، چنانکه رضایی در ترجمه اش چنین کرده است، که در یک داستان مصداق آن زشتی عـورت و در دیگری جسد و کالبد متعفن و بدبو است، اما چنانکه گفتیم اینها مصادیق معنای آیه است نه اصل معنای آیه.

آیه سوم

أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيامِ الرَّفَثُ إِلى نِسائِكُمْ هُنَّ لِباسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِباسٌ لَهُن عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتابَ عَلَيْكُمْ وَ عَفا عَنْكُمْ فَالْآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَ ابْتَغُوا ما كَتَبَ اللَّـهُ لَكُـمْ وَ كُلُـوا وَ اشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيامَ إِلَى اللَّيْلِ وَ لا تُبَاشِرُوهُنَّ وَ أَنْتُمْ عاكِفُونَ فِي الْمَساجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلا تَقْرَبُوها كَذلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آياتِـهِ لِلنَّـاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (بقره: ۱۸۷)

(در شبهای روزه، همخوابگی با زنانتان بر شما حلال گردیده است. آنان برای شـما لباسـی هستند و شما برای آنان لباسی هستید. خدا می‌دانست که شما با خودتان ناراسـتی مـی‌کردیـد، پس توبه شما را پذیرفت و از شما درگذشت. پس، اکنون [در شبهای ماه رمضان می‌توانیـد] بـا آنان همخوابگی کنید، و آنچه را خدا برای شما مقرر داشته طلب کنیـد. و بخوریـد و بیاشـامید تا رشته سپید بامداد از رشته سیاه [شب] بر شما نمودار شود سـپس روزه را تـا [فـرا رسـیدن] شب به اتمام رسانید. و در حالی که در مساجد معتکف هستید [با زنان] درنیامیزید. ایـن اسـت حدود احکام الهی! پس [زنهار به قصد گناه] بدان نزدیک نشوید. این گونه، خداوند آیات خود

را برای مردم بیان می‌کند، باشد که پروا پیشه کنند)

این آیه در دو فقره به تبیین فقهی روابط زناشویی در ماه رمضان می پردازد، لذا در دو قسمت به بررسی آیه می پردازیم:

قسمت اول

ابتدای آیه متضمن حکم همبستری زوجین در شب های ماه رمضان است. خداوند برای بیان آن رابطه از واژه «رفث» استفاده کرده است. مترجمان در معنای «رفث» در آیه چنین گفته اند:

همبستری (آیتی،مشکینی، گرمارودی)؛ مباشرت (الهی قمشه ای)؛ آمیزش (انصاریان)؛ جماع (شعرانی، فیض الاسلام)؛ همخوابگی (فولادوند)؛ آمیزش جنسی (مکارم).

با مراجعه به کتب لغت در می یابیم معنای اصلی این واژه چنین نیست. توضیح آنکه در قاموس قرآن آمده است:

جوهری آنرا جماع و سخن گفتن با زن درباره جماع و همچنین قول ناپسند گفته. مراد از آن در آیه جماع است که در شب رمضان مباح میباشد طبرسی فرمود مراد از رفث در آیه جماع است بالاجماع و گفته‌اند اصل آن بمعنی قول قبیح است و بطور کنایه بر جماع اطلاق شده.راغب میگوید تعدّی آن با «الی» بجهة تضمین معنی افضاء است یعنی در شب صیام حلال شده که بسوی زنان میل کنید. «فَلا رَفَثَ وَ لا فُسُوقَ وَ لا جِدالَ فِی الْحَجِّ» (بقره: ۱۹۷) مراد آنست که در حال احرام جماع حرام است. (قرشی ، ج ۳، ص ۱۰۹)

جوهری اگرچه رفث را جماع معنا می کند، اما در ادامه آن می گوید: این معنای کنایی این واژه است، فلان یرفث؛ یعنی حرف زشت می زند. (العین ، ذیل ماده رفث)

البته چنانکه در صحاح آمده است به هر حرف زشتی رفث گفته نمی شود، بلکه به حرفهایی که در هنگام آمیزش با زنان گفته می شود این واژه اطلاق می شود؛ لذا وقتی که ابن عباس در هنگام احرام شعری متضمن گفتگویی معاشقه آلود با زنان سرود به او گفته شد: آیا رفث می کنی در حالیکه تو محرم هستی؟ (جوهری ، ذیل ماده رفث)

معجم مقاییس اللغهٔ می نویسد: به هر کلامی که از اظهار آن شرم حاصل آید رفث اطلاق می شود. (ذیل ماده رفث)

مفردات می نویسد: به هر کلامی که متضمن چیزی باشد که ذکر آن زشت باشد رفث

گفته می شود، مانند سخن از جماع و دواعی آن، و رفث کنایه از جماع است. در کتب فقهی برخی فقهاء تصریح کرده اند که «رفث» صریح در جماع نیست. (فقه الصادق ، ج ۱۰، ص ۳٦۰)

فقیهی دیگر می نویسد: رفث اگرچه در لغت به کلمه فحش یا سخن در هنگام آمیزش تفسیر شده است، و لکن در آیه کنایه از جماع است؛ چنانکه در روایات تفسیر شده است. (آملی، ج ۱۲ ، ص ۵۲۹)

چنانکه ملاحظه می شود واژه «رفث» به معنای آمیزش جنسی نیست، بلکه به تصریح لغویان آمیزش جنسی معنای کنایی آن است، و این همان نکته ای است که این مقاله در پی آن است که باید در بیان امور جنسی قالب کنایی و غیر صریح که متضمن حیاء است استفاده شود. در روایتی که طبری از ابن عباس نقل می کند بعد از آنکه رفث را جماع معنا می کند می نویسد: و لکن الله کریم یکنی؛ یعنی خدا به جهت وصف کریم بودن با کنایه از این امور سخن می گوید (طبری ، ج ۲، ص ۹٤)

قسمت دوم

در ذیل آیه بعد از بیان زمان دقیق امساک در هنگام روزه منع آمیزش را در زمان اعتکاف در مساجد بیان می کند و می فرماید: وَ لا تُبَاشِرُوهُنَّ وَ أَنْتُمْ عاكِفُونَ فِي الْمَساجِدِ

در این آیه از واژه «لا تباشروهن» استفاده شده است مترجمان فارسی زبان در ترجمه آن چنین نوشته اند :

درنیامیزیدن (فولادوند)؛ مباشرت و نزدیکی نکردن (فیض الاسلام)؛ آمیزش نکردن (مکارم، انصاریان)؛ همبستر نشدن (مشکینی، آیتی)؛ کامجویی نکردن (گرمارودی)؛ مباشرت نکردن (الهی قمشه ای).

در کتب لغت این واژه برگرفته از «بشره» به معنای ظاهر پوست در مقابل «أدمه» باطن پوست است. (راغب ، ج ۱، ص ۱۲٤) مباشرت در لغت به معنای لمس ظاهر پوست یکدیگر از سوی طرفین است. لسان العرب می نویسد: باشر الرجل امرأته مباشرة و بشارا؛ یعنی مرد با همسرش در یک لباس بودند، پس پوست آنها با هم برخورد کرد.

چنانکه مشاهده می شود در لغت این واژه به معنای آمیزش نیست؛ لذا بیضاوی در ذیل این فقره می نویسد: مباشره چسبیدن پوست است و مقصود در آیه کنایه از جماع است. (بیضاوی،

ج ۱ ص ۱۲۶) .

جصاص در تفسیر این فقره آیه می نویسد: محتمل است که مراد از این لفظ مباشرت حقیقی باشد؛ یعنی چسباندن پوست به پوست از هر قسمتی از بدن. و احتمال دارد که کنایه از آمیزش باشد، چنانکه واژه «مسیس» چنین است و کنایه از جماع است؛ هر چند حقیقت آن واژه نیز تماس بوسیله دست یا سایر اعضاء است. خداوند در فرازی دیگر می فرماید: فَالْآنَ بَاشِرُوهُنَّ که مراد از آن جماع است. و چون همه ی فقهاء اتفاق دارند که این آیه در بیان حرمت جماع بر معتکف است، پس نمی توان آن را بر معنای حقیقی مباشرت حمل کرد؛ چرا که نمی شود لفظ واحد هم حقیقت باشد و هم مجاز. (جصاص ، ج ۱ ص ۳۰۷)

نتیجه آنکه در این آیه نیز از واژه ای برای بیان رابطه جنسی استفاده شده است که صریح در این امر نیست، بلکه معنایی کنایی آن چنین است.

آیه چهارم

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهاتُكُمْ وَ بَناتُكُمْ وَ أَخَواتُكُمْ وَ عَمَّاتُكُمْ وَ خالاتُكُمْ وَ بَناتُ الْأَخِ وَ بَناتُ الْأُخْتِ وَ أُمَّهاتُكُمُ اللاَّتي أَرْضَعْنَكُمْ وَ أَخَواتُكُمْ مِنَ الرَّضاعَةِ وَ أُمَّهاتُ نِسائِكُمْ وَ رَبائِبُكُمُ اللاَّتي في حُجُورِكُمْ مِنْ نِسائِكُمُ اللاَّتي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلا جُناحَ عَلَيْكُمْ وَ حَلائِلُ أَبْنائِكُمُ الَّذينَ مِنْ أَصْلابِكُمْ وَ أَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلاَّ ما قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كانَ غَفُوراً رَحيماً (نساء: ۲۳)

([نکاح اینان] بر شما حرام شده است: مادرانتان، و دخترانتان، و خواهرانتان، و عمّه‌هایتان، و خاله هایتان، و دختران برادر، و دختران خواهر، و مادرهایتان که به شما شیر داده‌اند، و خواهران رضاعی شما، و مادران زنانتان، و دختران همسرانتان که [آنها دختران] در دامان شما پرورش یافته‌اند و با آن همسران همبستر شده‌اید- پس اگر با آنها همبستر نشده‌اید بر شما گناهی نیست [که با دخترانشان ازدواج کنید]- و زنان پسرانتان که از پشت خودتان هستند، و جمع دو خواهر با همدیگر- مگر آنچه که در گذشته رخ داده باشد- که خداوند آمرزنده مهربان است.)

صدر و ذیل آیه در بیان مصادیق کسانی است که داشتن رابطه جنسی با آنها حرام است. صدر آیه به صراحت از واژه حرمت استفاده کرده، اما به جهت عدم ذکر متعلق با ابهام و ایهام همراه است. مترجمان در برگردان واژه حرمت به گونه های متفاوتی عمل کرده اند: برخی

همچون متن آیه بدون ذکر متعلق (شعرانی، مکارم، آیتی) و بعضی دیگر بـه متعلـق در ترجمـه تصریح کرده اند: ازدواج (الهی قمشه ای، انصاریان، مشکینی، گرمارودی) نکاح (فولادوند).

ذیل آیه در بیان حرمت مادر زنانی که با آنان نکاح صورت گرفته است از این تعبیر استفاده می کند که: «دخلتم بهن» زنانی که به آنان دخول کرده اید. دخول به زنان که ظاهر معنـای آیـه است به گونه های متفاوتی توسط مترجمان برگردان شده است: نکاح (فولادوند)؛ همخـوابگی (شعرانی، گرمارودی)؛ همبستر شدن (مشکینی، فولادوند، آیتی)؛ دخول کردن (الهی قمشه ای)؛ آمیزش (انصاریان)؛ آمیزش جنسی (مکارم).

نکته جالب در واژه دخول آن است که اگرچه مخاطب امروز از این واژه معنایی مرادف بـا آمیزش درک می کند، اما حقیقت این واژه معنایی فراتر از یـک رابطـه جنسـی اسـت. مرحـوم مصطفوی در ذیل ماده «دخل» می نویسد :

اصل در این ماده به معنای ضد خـروج اسـت. بـه معنـای ورود بـه محیطـی کـه آن را در برگیرد، چنانکه خروج به معنای بیرون آمدن از آن محیط اسـت مثـل: فَـإِنْ يَخْرُجُـوا مِنْهـا فَإِنَّـا داخِلُونَ ...، رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ أَخْرِجْنِـي مُخْـرَجَ صِـدْقٍ ...، وَ إِنَّـا لَـنْ نَـدْخُلَها حَتَّـى يَخْرُجُوا مِنْها . فرق بین این ماده و «ولوج» و «ورود» است که «ورود» ضد «صـدور» بـه معنـای نزدیک شدن به محل است که مقدم بر دخول است: و لمّا ورد ماء مدین. و «ولوج» دخـول بـه صورت چسبیده و در درون یک شیء است.

ایشان در ادامه می نویسد: این مفهوم بـه جهـت اخـتلاف در کـاربردش بـا سـایر حـروف خصوصیاتش تغییر می کند. وقتی با حرف جر «فی» بکار رود، دلالت بر شروع در داخل شـدن می کند، مثل: ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ ...، يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ ...، حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَـمِّ الْخِيـاطِ ...، فَادْخُلِي فِي عِبادِي ...، ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً . با حرف جر «من» دلالت بر مبدأ دخول می کند، مانند : لا تَدْخُلُوا مِنْ بابٍ واحِدٍ ...، وَ لَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُمْ. وقتـی بـا حـرف جـر «باء» استعمال شود دلالت بر چسبیدن و ارتباط تنگانگ می کند، مانند : أدخلنی برحمتک، و قد دخلوا بالکفر، دخلتم بهنّ. (مصطفوی ، ذیل ماده دخل)

چنانکه در کاربردهای دیگر این واژه در قرآن با همین حرف جـر بـاء مشـاهده مـی شـود، معنای اولی آن آمیزش نیست بلکه مقصود از آن ارتباط بسیار نزدیک با مدخول حرف باء است که در یک مورد «رحمت» است و در یک استعمال «کفر» و در یک کاربرد دیگر «زنان» است.

لذا فیض کاشانی در تفسیر این آیه می نویسد : یعنی با زنانی که در یک رو انداز با آنها داخل می شوید و آن کنایه از جماع است. (فیض کاشانی،ج ۱، ص ۲۰۲) بیضاوی نیز عین همین تعبیر (کنایی بودن) را آورده است. (بیضاوی،ج ۲، ص ٦٨)

نتیجه آنکه واژگانی چون دخول در زنان بر خلاف فهم عمومی نه به معنای جماع که به معنای معاشرت نزدیک با زنان است. البته با توجه به بستر آیه مخاطب خود برداشت دیگری خواهد داشت، اما سخن آن است که در بیان این امور قرآن از قالب کنایی استفاده کرده است که قالب متضمن حیاء است.

آیه پنجم

نِساؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَ قَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلاقُوهُ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنينَ (بقره: ۲۲۱)

(زنان شما کشتزار شما هستند. پس، از هر جا [و هر گونه] که خواهید به کشتزار خود [در] آیید، و برای شخص خودتان [در بهره‌مندی از آنها] پیشدستی کنید و از خدا پروا کنید و بدانید که او را دیدار خواهید کرد، و مؤمنان را [به این دیدار] مژده ده)

این آیه از زیباترین آیات قرآن است که در قالب کنایی نکاتی را در بیان کیفیت و چگونگی رابطه زن و شوهر بیان می کند زمخشری در ذیل این آیه می نویسد :

این آیه از کنایه های لطیف و تعریضات زیبای قرآن است این آیه و اشباه آن درکلام خدا از جمله آداب حسنه است که بر مومنان است که آن را فراگیرند و به آن مودب شود و در گفتگوها و نوشته های خود از آن استفاده کنند. (زمخشری، ج۱، ص ٢٦٦)

در این آیه بسیاری از مترجمان به این نکته توجه داشته و به همان معنای کنایی در آیه اشاره کرده اند، اما بعضی دیگر (۲ ترجمه اول) از این نکته ظریف و دقیق غافل شده، معنای مراد و مقصود اصلی در آیه را بدون توجه به این ظرایف کلامی بیان کرده اند:

-زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند، پس هر زمان که بخواهید، می‌توانید با آنها آمیزش کنید. (مکارم)

-زنان شما کشتزار شمایند، پس (برای کشت فرزند صالح) بدانها نزدیک شوید، هر گاه (مباشرت آنان) خواهید. (الهی قمشه ای)

-زنان شما کشتزار شمایند، هر زمان و هر کجا که خواستید به کشتزار خود در آیید.

(انصاریان)

-زنانتان کشتزار شما هستند. هر جا که خواهید به کشتزار خود درآیید. (آیتی)

-زنانِ شما کشتزار شما هستند. پس، از هر جا [و هر گونه] که خواهید به کشتزار خود [در] آیید. (فولادوند)

-همسرانتان کشتگاه شمایند، هر جا (و هر گاه) که خواهید به کشتگاه خود درآیید. (گرمارودی)

-زنان شما کشتزار شمایند، پس از هر سو و هر وقت که خواستید به کشتزار خود درآیید. (مشکینی)

در پایان این بحث تذکر این امر ضروری است که واژگان دیگر مرتبط به مباحث جنسی در قرآن مطرح شده است از جمله : «تغشی» «افضاء» «ملامسه» که بحث مفصل پیرامون آنها از حوصله این مقاله خارج است و در فضای دیگر قابل پیگیری است. فقط به کلامی از علامه طباطبایی در ذیل آیه شریفه : وَ إِنْ كُنْتُمْ مَرْضى أَوْ عَلى سَفَرٍ أَوْ جاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغائِطِ أَوْ لامَسْتُمُ النِّساءَ فَلَمْ تَجِدُوا ماءً فَتَيَمَّمُوا صَعيداً طَيِّباً (نساء: ٤٣) اشاره می کنیم، ایشان می فرماید:

این جمله (لامستم النساء) کنایه از جماع است، خداوند به منظور رعایت ادب، جماع را لمس زنان خوانده، تا زبان را از تصریح به عملی که طبع بشر از تصریح به آن امتناع دارد نگاه دارد.(طباطبایی، ج ۵، ص ۲۲۷)

نتیجه

حیا از مهمترین آموزه های دین اسلام و یکی از شاخصه های مهم برای احراز شرط ایمان به عنوان یکی از دو شرط لازم برای ورود به بهشت است. مصادیق حیا در حوزه رفتار و اعضاء قابل پیگیری است. از مهمتری مصادیق حیای اعضا حیا درکلام و گفتار است. از مصادیق روشنی که حیا گفتاری در آن تاکید شده است، مباحث و مسایل مرتبط با حوزه عفاف و غریزه جنسی است. مصادیق حیای گفتاری در این حوزه دقیق است. در برخی موارد مقتضای حیای کلام سکوت و عدم ورود در موضوعات و مباحث جنسی است (حیای عاقلانه)؛ اما در بعضی دیگر از موارد که مخاطب به جهت عدم آگاهی از برخی از احکام و عواقب و پیامدها دچار آسیب می شود، نه تنها حیا بی معنا است که به تعبیر روایات حیای

احمقانه است. علی رغم این نکته طرح مباحث جنسی در فضای آموزش و آگاهی بخشی بدین معنا نیست که در این موضوعات می توان برهنه و بی پرده و عریان سخن گفت. قرآن به عنوان یک متن آسمانی که جنبه هدایتی و آموزشی دارد و مخاطب آن عموم است، در تمامی مباحث و احکام مرتبط با غریزه جنسی ورود پیدا کرده است؛ اما در تمامی موارد در قالب کنایی و استعاره ای سخن گفته است و هیچگاه به صورت صریح این موضوعات را طرح نکرده است. واژگانی که امروز فهم عمومی برداشتهای صریح جنسی دارد (رفث، دخول، مباشرت، مراوده و...) در ادبیات قرآن برگرفته از کلماتی است که در سایر امور غیر مرتبط با غریزه جنسی در قرآن به کار رفته است. البته چنانکه در ترجمه های قرآنی برشمرده شد شاید این فهم امروز ناشی از انتقال ناصحیح ادبیات زیبای قرآن به زبان فارسی و غفلت مترجمان از زیباییهای ادبی و فنی قرآن باشد.

منابع

قرآن کریم

آلوسی ، سید محمود، ***روح المعانی***، دارالکتب العلمیة، اول، بیروت، ١٤١٥ ق.

آملی ، میرزا محمدتقی، ***مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی***،ناشر مولف، اول، تهران،١٣٨٠ق.

بیضاوی، عبد الله بن عمر، ***أنوار التنزیل و أسرار التأویل***، دار إحیاء التراث العربی، اول، بیروت، ١٤١٨ق.

ترجمه قرآن آیتی

ترجمه قرآن الهی قمشه ای

ترجمه قرآن انصاریان

ترجمه قرآن رضایی

ترجمه قرآن شعرانی

ترجمه قرآن فولادوند

ترجمه قرآن گرمارودی

ترجمه قرآن مشکینی

ترجمه قرآن مکارم شیرازی

جصاص، أحمد بن علی، ***أحکام القرآن***، دار إحیاء التراث العربی، بیروت، ١٤٠٥ ق.

حر عاملی ، محمد بن حسن ، ***تفصیل وسائل الشیعة***، موسسه آل البیت، اول، قم، ١٤٠٩ق.
راغب اصفهانی، ***المفردات فی غریب القرآن***، دار العلم، اول، دمشق، ١٤١٢ ق.
روحانی ، سید صادق ، ***فقه الصادق***.
زمخشری ، محمود، ***الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل***، دار الکتب العربی، سوم، بیروت، ١٤٠٧ق.
طباطبایی ، سید محمد حسین، ***المیزان***، دفتر انتشارات اسلامی، پنجم، قم ، ١٤٢٧ ق.
طبرسی ، فضل بن حسن، ***مجمع البیان*** ، انتشارات ناصر خسرو، سوم ، تهران ، ١٣٧٢ ش.
طوسی ، محمد بن حسن ، ***التبیان فی تفسیر القرآن***، دار إحیاء تراث العربی، پنجم، بیروت.
طبری ، محمد بن جریر، ***جامع البیان فی تفسیر القرآن*** ، دار المعرفة، اول، بیروت، ١٤١٢ ق.
طیب ، سید عبدالحسین، ***اطیب البیان*** ، انتشارات اسلام، دوم ، تهران ، ١٣٧٨ ش
فخر رازی ، ابوعبد الله محمد بن عمر، ***مفاتیح الغیب***، دار إحیاء التراث العربی، سوم، بیروت، ١٤٢٠ ق.
فیض کاشانی، ملا محسن، ***الأصفی فی تفسیر القرآن***، اول، قم، ١٤١٨ق.
قرشی ، سید علی اکبر، ***قاموس قرآن*** ، دار الکتب الإسلامیة ، ششم ، تهران ، ١٣٧١ ش
کلینی ، محمد بن یعقوب ، ***الکافی***، دار الحدیث،اول، قم، ١٤٢٩ق.
مجلسی ، محمد باقر ، ***بحار الأنوار***، دار إحیاء التراث العربی، دوم ، بیروت ، ١٤٠٣ ق.
مصطفوی ، حسن ، ***التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*** ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، تهران، ١٣٦٠ ش
مکارم شیرازی ، ناصر ، ***تفسیر نمونه***، دار الکتب الإسلامیة، اول، تهران، ١٣٧٤ش.